

❖ بخش اول

مروری بر اختلال یادگیری غیر کلامی، سندرم
آسپرگر و ویژگی های آنها

افتلال یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر چیست؟	فصل اول
نقاط قوت و ضعف	فصل دوم
چرا شناخت کودک با ناتوانی یادگیری غیر کلامی یا سندرم آسپرگر مهم است ؟	فصل سوم

○ فصل اول

« اختلال یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر چیست؟ »

الیور^۱ در هنگام نوزادی، شیرین و دوست داشتنی بود. وی در بیشتر مدت زمان بیداری خود، با شادی به بازی کردن با اسباب بازی های در دسترسش می پرداخت و برای بغل شدن، مشتاقانه به دنبال فرد بزرگسالی می گشت. او زیرکی زودتر از موعد طبیعی؛ از خود نشان می داد و اشتیاق به تعامل داشت. اغلب در پاسخ به آواسازی دیگران، آواسازی می کرد. گاهی اوقات نسبت به صداهای بلند به حالت وحشت زده یا آشفته، واکنش نشان می داد و به نظر می رسید نسبت به سایر کودکان کم سن، علاقه ی کمتری به اسباب بازی های براق دارد. زمانی که بزرگتر و کودکی نوپا شد، اغلب به اشیاء اطرافش اشاره می کرد و به نظر می رسید که از پاسخ های کلامی بزرگسالان که منظور او را متوجه شده اند، لذت می برد. نسبت به آنچه که در اطرافش می گذشت، علاقمند بود اما به کشف محیط اطراف از طریق بدن، علاقه کمتری داشت (رشد چهار دست و پا رفتن و راه رفتنش کند بود). والدینش به هوش بارز وی افتخار نموده و کشف زبانی او را تشویق می کردند.

تا ۳ سالگی، الیور خزانه واژگانی جامعی بدست آورده بود، اما رشد مهارت حرکتی او از سایر کودکان هم سنش عقب تر بود. اغلب با استفاده از خزانه واژگانی بسیار خوب درمورد احساسی که از اجزاء تشکیل دهنده لباسش داشت، شکایت می کرد و برچسب روی لباسش را دوست نداشت و ترجیح می داد فقط پارچه اصلی را در مقابل پوستش احساس کند. معمولاً در نزد والدینش، شاد و بشاش بود، ولی به یکباره وحشت زده می شد. زمانی که الگوی معمول زندگی او، به دلایلی مانند گم شدن شیء مورد علاقه اش یا آماده نشدن لباس مناسب توسط والدین، تغییر می کرد، وی با گریه کردن و جیغ زدن برافروخته می شد. گاهی درحین این برافروختگی، آرام نشدنی به نظر می رسید، و والدینش برای حل مشکل، احساس درماندگی می کردند و حس می کردند نمی توانند او را کنترل کنند.

تا قبل از مدرسه، مشخص شده بود که الیور غیر عادی است. با وجود اینکه در خانه گرم و دوست داشتنی بود و به طور کلی، خوب رفتار می کرد، در مدرسه دوستان کمی داشت و به ندرت در بازی گروهی شرکت می کرد. او تمایل داشت با هم سن و سالانش رابطه داشته باشد، اما در فعالیت هایی که به مهارت حرکتی نیاز داشت، دست و پاچلفتی بود و در فهم اینکه چطور با یک کودک هم سن خود در فعالیت متقابل شرکت کند، مشکل اساسی داشت. کودکان او را نادیده می گرفتند و اغلب به تنهایی بازی می کرد. در خانه رفتارهای ثابتی داشت که والدینش این ویژگی را به خوبی متوجه شده بودند. وی عادات خاصی از خود نشان می داد و به آنها وابسته بود. همچنین علاقه خاصی به دایناسورها داشت. قادر بود دایناسورهای مختلف را با اسامی علمی شان نام ببرد، و می توانست دوره های زمانی مربوط به زندگی آنها را دقیقاً تشخیص دهد. حتی در سن پنج سالگی، فیلم هایی که به اشتباه، دایناسورهای دوره های مختلف را به عنوان هم دوره نشان می دادند باعث ناراحتی او می شد.

▪ NLD و AS : افتلالات پنهان

برای اکثر ما، داشتن کودک، این امکان را می دهد تا یک احساس تازه از تمامی آنچه که در اختیار داریم، داشته باشیم و تمام امکانات دنیا را از نو تصور کنیم. برای کودکانمان چیزهای شگفت انگیز آرزو می کنیم، برای زندگی برنامه ریزی کرده و برنامه هایی برای موفق شدن آنها فراهم می کنیم، برای آنها خیال پردازی کرده و دربرخی موارد، برای آنها می ترسیم. هنگامی که با نگرانی منتظر ورود یک عضو جدید خانواده هستیم، هیچ کس نمی تواند رنج، آشفتگی و اضطرابی را تصور کند که زندگی کودک مبتلا به یک اختلال نامعلوم مثل ناتوانی یادگیری غیر کلامی (NLD) یا سندرم آسپرگر (AS) را ممکن است در بر بگیرد.

این کتاب تلاش خواهد کرد تا با ارائه اطلاعات، ایده های عملی و شرح خلق و خوی کودکان NLD و AS، در جهت کم کردن رنج و آشفتگی خود و کودکان به شما کمک نماید. دانش ما درباره اختلالات عصبی رفتاری و درک آن در کودکان و مفهوم آنها یک موضوع جدید و در حال گسترش است. اکثر چیزهایی را که ما می دانیم، تقریباً به تازگی به دست آورده ایم، و برخی از مطالبی که در اینجا ارائه خواهد شد، اندیشه ناب و ایده های ارائه شده توسط خیلی از افرادی است که هر روز برای بهبود زندگی این کودکان تلاش می کنند. کودک NLD یا AS همانند یک صندوق در بسته می باشد و کار ما پیدا کردن کلیدی است که آن صندوق را باز کند.

■ افتلال عصبی رفتاری چیست؟

اختلال عصبی رفتاری، نوعی بدعملکردی عصب شناختی در پردازش اطلاعات در مغز است. این بدعملکردی به ارث می رسد؛ همراه با کودک بدنیا می آید. این حالت هیچ نوع از عقب ماندگی ذهنی نیست، بلکه تفاوتی در شناخت یا تفکر کودک می باشد که مشکلاتی در فهم جهان و تعامل با دیگران ایجاد می کند.

انواع زیادی از اختلالات عصبی رفتاری وجود دارد، ناتوانی یادگیری غیرکلامی (NLD) و سندرم آسپرگر (AS) فقط دومی از این اختلالات هستند. اگرچه این اختلالات تشخیص های جداگانه ای دارند، اما شباهت های چشمگیری در علائم این دو اختلال دیده می شود، و به دلیل آنکه همپوشانی ظرفیتی در مداخلات درمانی موفقیت آمیز آنها وجود دارد، توصیف آنها در یک کتاب، معقول به نظر می رسد.

■ ناتوانی های یادگیری

مفهوم ناتوانی های یادگیری، حدوداً از زمانی شکل گرفته است که مریبان علاقمند شدند بفهمند چرا کودکان ظاهراً باهوش نمی توانند در مدرسه خوب عمل کنند. ناتوانی یادگیری، عدم توانایی یادگیری مطالب و انجام یا اجرای فعالیتی در سطح متناسب با استعداد یا هوش فرد می باشد. اگر کودکی استعداد زیر حد متوسط، یا IQ اندازه گیری شده در پایین ترین حد متوسط یا زیر حد متوسط داشته باشد و عملکرد آن کودک نیز معادل آن و زیر حد متوسط باشد، ناتوانی یادگیری مطرح نیست. در این گونه موارد کودک در حد استعدادش عمل می کند و یاد می گیرد و ناتوانی یادگیری نخواهد داشت. کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری، طبق تعریف کودکان با هوشی می باشند، این نکته زمانی مهم است که به آنها کمک می نمایم تا نیازهای یادگیری شان را بفهمند.

در دهه ۱۹۷۰ و تا دهه ۱۹۸۰، مریبان، درمانگران و محققان شروع به تمرکز روی ناتوانی های یادگیری با پایه ی زبانی کردند. آنها کودکانی را شناسایی کردند که ابتدا در خواندن یا در برخی موارد هم در خواندن و هم در ریاضی شکست می خوردند. در طول زمان، فهم فزاینده ای از ناتوانی های یادگیری ویژه (درمیان آنها نارساخوانی^۱ یا ناتوانی در خواندن) به وجود آمده است. این کودکان به طور متمرکز تحت تلاش هماهنگ محققان، مریبان و والدین قرار گرفته اند، که به رشد برنامه های موفق منجر شده است، که هدف آنها درمان ناتوانی های یادگیری ویژه بود. این تلاش ها مربوط به حدود بیست سال پیش بوده است

و اکنون نارساخوانی یک اختلال یادگیری کاملاً شناخته شده با پیش آگهی خوب می باشد. امروزه، در آستانه همان نوع انفجار اطلاعات و رشد برنامه برای کودکان مبتلا به NLD و AS می باشیم و به احتمال زیاد پنج تا ده سال بعد، شاهد یک تغییر کاملاً مشخص در تشخیص و درمان این کودکان خواهیم بود.

▪ ناتوانی یادگیری غیر کلامی

در اواخر دهه ۱۹۶۰ محققان متوجه کودکانی شدند که نقایص ویژه در عملکرد اجتماعی-عاطفی و ضعف در مهارت های ریاضی داشتند (جانسون و مایکل باست^۱، ۱۹۷۱). این کودکان با کودکان دچار ناتوانی یادگیری که در تعاریف سنتی آمده است شباهت نداشتند و به نظر نمی رسید که از مشکلاتی با پایه ی زبانی رنج ببرند، با این وجود تمام این کودکان، مشکلات باثباتی را نشان می دادند. این نویسندگان کودکی را توصیف می کنند که از لحاظ اجتماعی نامناسب و از لحاظ جسمی دست و پاچلفتی است و دچار مشکل در ریاضی و پردازش کلی بینایی-فضایی می باشد، اما می تواند زبان را بی نهایت خوب تولید کند. اولین توصیف از این کودکان در کتاب «ناتوانی یادگیری غیر کلامی چیست؟» منتشر شده است. (مایکل باست، ۱۹۷۵).

علاقه به شناخت این کودکان ادامه پیدا کرد و در سال ۱۹۸۹، اولین کتاب اختصاص یافته به NLD تحت عنوان "سندرم و مدل ناتوانی یادگیری غیر کلامی" توسط بایرون رورکه^۲ منتشر شد. در این کتاب نویسنده یک گروه از کودکانی را توصیف می کند، که مشکلاتی در پنج حوزه اصلی زیر از خود نشان می دهند:

- **ادراک لمسی:** ادراک لمسی، فهم چگونگی احساس اشیا است. این فهم شامل آگاهی از شیء، از طریق حس لامسه میباشد (ابریشم نرم و سنگفرش زبر است) و همچنین شامل توانایی نادیده گرفتن حس چیزهای خاص می باشد (برای مثال برچسب پشت پیراهن).

- **هماهنگی روانی- حرکتی:** هماهنگی روانی حرکتی، توانایی جهت دادن به اعمال به شیوه ای هماهنگ می باشد: برای مثال پرتاب توپ درون سبد.

- **سازماندهی بینایی- فضایی:** این سازماندهی شامل استفاده از اطلاعات بینایی (اطلاعاتی که از طریق حس بینایی دریافت می شوند) جهت آگاهی از موارد موجود در محیط اطراف است؛ برای مثال، فهم این

1 - Johnson and Myklebust

2 - Byron Rourke

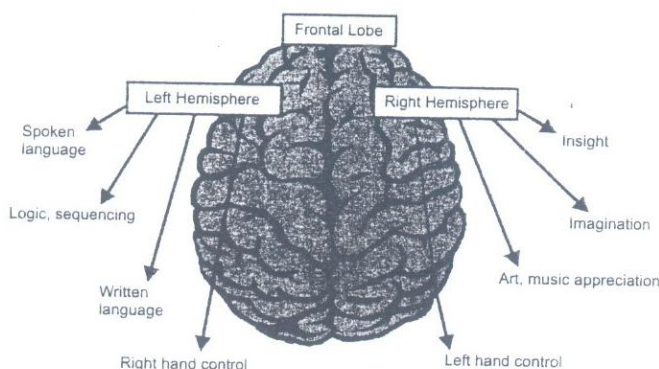
مطلب که، اشیایی که نزدیک هستند، بزرگتر و اشیایی که دورتر هستند، کوچکتر به نظر می رسند. برای نگاه کردن به یک صفحه پراز مسائل ریاضی و دانستن اینکه یک مسئله کجا تمام می شود و دیگری شروع می شود، سازماندهی بینایی - فضایی مورد نیاز است، بعلاوه، سازماندهی بینایی - فضایی، توانایی ما را برای حرکت ماهرانه از کنار اشیایی که در هنگام راه رفتن یا دویدن در مسیرمان وجود دارد، کنترل می کند.

- **حل مسئله غیر کلامی:** حل مسئله غیر کلامی شامل مهارت در فهمیدن این مطلب است که چگونه بعضی اشیا را بدون داشتن کتابچه راهنمای آنها، مورد استفاده قرار دهیم. حل مسئله غیر کلامی به نظر می رسد در بر گیرنده مهارت های بینایی - فضایی است و بدین معنی می باشد که اگر فرد در یک قسمت، عملکرد ضعیف نشان دهد، در قسمت دیگر هم دچار ضعف می باشد.

- **توانایی درک شوخی و موارد غیر متشابه:** به نظر می رسد، مواردی همچون توانایی درک موقعیت های غیر متشابه، یا مواردی که معمولا با یکدیگر نمی آیند و درک شوخی، با یکدیگر مرتبط هستند. کودکان NLD که توسط رورکه مورد مطالعه قرار گرفتند، مشکلات قابل توجهی در درک موارد غیر متشابه و شوخی افراد از خود نشان می دادند (رورکه، ۱۹۸۹).

کودکانی که توسط رورکه توصیف گردیدند، دارای مهارت های کلامی طوطی وار بودند که به خوبی در آنها رشد یافته بود (استفاده دقیق و خاص از کلمات)، همچنین مهارت های حافظه کلامی و مهارت های زبان شنیداری قوی (توانایی به یاد آوردن اطلاعاتی که آنها را شنیده اید) داشتند. این موضوع بدین معناست که آنها کودکانی هستند که اطلاعات (به ویژه اطلاعاتی که به صورت کلامی به آنها ارائه می شود) یا وقایع را، خیلی خوب به حافظه می سپارند، روندی که تحت عنوان یادگیری طوطی وار نامیده می شود. مفاهیم ریاضی، هجی کردن کلمات یا فهرستی از نتایج مسابقات فوتبال، به آسانی توسط این کودکان می تواند حفظ و تکرار شود. به نظر می رسد این کودکان اغلب، مواردی را که می شنوند، به طرز شگفت انگیزی خوب به یاد می آورند.

محققین قبلی گمان می کردند که این کودکان از بد عملکردی نیمکره راست مغز رنج می برند (شکل ۱-۱).



شکل ۱-۱ نمای مغز از بالا

نیمکره راست منبع تفکر تصویری، پردازش بینایی-فضایی و ایده ها و تفکراتی که بر درک غیر کلامی از جهان تکیه دارند، در نظر گرفته شده بود. افرادی که مهارت های نیمکره راست آنها قوی است، بدون نیاز به آموزش کلامی یا نوشتاری، به آسانی می توانند پیوند بعضی مسائل به همدیگر را درک کنند. در گذشته ریاضیات و نیز توانایی تعبیر کردن اشارات اجتماعی غیر کلامی، شامل زبان بدن، بیان چهره ای و حتی آهنگ صدا، قسمتی از فعالیت نیمکره راست مغز در نظر گرفته می شد.

به طور سنتی، مهارت های زبانی به عنوان فعالیت نیمکره چپ مغز در نظر گرفته می شد. اما محققان اعتقاد دارند که بدون کمک یا دستور از نیمکره راست، مهارت های زبانی، به عنوان مهارت های اجتماعی به شمار نمی آیند. تصور می شود که اختلال در نیمکره راست، مانع توانایی شخص برای تعبیر شرایط اجتماعی می گردد. چنین شخصی می تواند حجم زیادی از زبان را بیان کند، بدون اینکه ظرایف اجتماعی آن زبان را درک کند.

▪ مغز: فهم متداول

فهم عملکرد مغز به عنوان مجموعه مهارت های واگذار شده به نیمکره های راست و چپ، یک دیدگاه بسیار ساده انگارانه است. مغز از یکسری لایه های مرتبط با هم تشکیل شده است که از عمیق ترین قسمت در درون مغز تا چین های سطحی بروی مغز را در بر می گیرند و همه یک مقصود را بر آورده می سازند. ما اکنون می دانیم که عملکرد مغز از آنچه که ما فکر می کنیم، شکل پذیرتر (یا قابل تغییر) و انعطاف پذیرتر می باشد. دیدگاه های اولیه در این زمینه اعتقاد داشتند که مغز تا سن پنج سالگی رشد می کند و از آن پس هیچ چیز جدیدی رخ نمی دهد. با پیشرفت علم عصب شناسی، ارائه نقشه عملکردهای متداخل و پیچیده بخش های مختلف مغز آغاز گردید. به نظر می رسد یادگیری و تفکر در انسان، محدود به یک

نیمکره نمی باشد. بلکه، جنبه های متعدد "یادگیری" مربوط به ارتباط بین دو نیمکره می باشند و نواحی مختلف مغز را درگیر می کنند.

نقش اصلی لوب فرونتال (شکل ۱-۱) مشخص می باشد. درمیان وظایف زیاد این لوب، لوب فرونتال مسئول ایجاد و سپس نظارت بر ارتباطات بین اجزای اطلاعات ذخیره شده در دیگر نقاط مغز است. به نظر می رسد، یکی از وظایف خیلی مهم لوب فرونتال توانمند ساختن افراد جهت یادگیری از اطلاعات جدید یعنی، استفاده از شرایط تازه برای افزایش دانش می باشد. اطلاعات از هر دو نیمکره راست و چپ با لوب فرونتال ارتباط پیدا می کنند و به واسطه فعالیت های مغزی پیچیده و ساده، انسان می تواند یاد بگیرد.

اخیراً NLD را ناشی از شکست ساده در عملکرد نیمکره راست نمی دانند بلکه مشکلات تجربه شده توسط کودکان مبتلا به NLD در تعبیر شرایط اجتماعی، یکپارچه سازی اطلاعات جدید و یادگیری از تجربیات، بدعملکردی لوب فرونتال و ماده سفید (ارتباطات عصبی بین نیمکره راست و چپ مغز و لوب فرونتال) را نشان می دهد. عنوان "ناتوانی یادگیری غیرکلامی" واقعاً گمراه کننده و مایه ی تأسف است، چون مشکلات تجربه شده فقط غیرکلامی نیستند و وسعت آنها بسیار فراتر از مشکلات مورد بحث در ناتوانی یادگیری است. همان طور که در فصول بعدی خواهید دید، کودکان مبتلا به NLD دارای مشکلات زبانی هستند. آنها در تولید زبان مشکل ندارند بلکه در استفاده از آن مشکل دارند. برخی از متخصصینی که با افراد NLD کار می کنند عنوان مناسب برای این اختلال را، "اختلال در پردازش اطلاعات" پیشنهاد کرده اند (IPD)^۱. با وجود این، ناتوانی یادگیری غیرکلامی متداولترین عنوان مورد توافق در مورد کودکانی است که در اینجا توصیف شده اند.

▪ میزان شیوع NLD چقدر است؟

بر اساس گزارش سالیانه دپارتمان آموزش ویژه ایالات متحده (۱۹۹۹) ۱۲/۸ درصد از تمام کودکان ثبت نام شده در مدارس ایالات متحده، تحت آموزش ویژه هستند. بیش از ۸ درصد از کودکان ثبت نام شده در مدارس، به طور خاص واجد شرایط برای آموزش ویژه در حوزه های ناتوانی یادگیری و آسیب گفتار و زبان هستند، یعنی همان دو حوزه ای که اغلب کودکان NLD اختلال دارند. بایرون رورکه گزارش می کند که ۱۰ درصد کودکان در جمعیت های اختلال یادگیری، در واقع NLD هستند (رورکه ۱۹۹۵). آمار ارائه شده، مبین این است که تقریباً ۱ درصد از جمعیت کلی ایالات متحده، یا حدود ۲/۷ میلیون نفر مبتلا به NLD هستند. به نظر می رسد تفاوتی در وقوع بین دختران و پسران وجود ندارد.

نشانه های تشخیصی ویژه و ویژگی های این اختلال با جزئیات بیشتر در فصل های بعدی این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت، اما حوزه های اصلی بدعملکردی در ناتوانی یادگیری غیر کلامی، شامل موارد زیر هستند:

- نقص در پردازش اطلاعات و مهارت های سازماندهی
- عملکرد بینایی- فضایی و حسی ضعیف
- آسیب قابل توجه در تعاملات اجتماعی
- در عین حال، کودکان NLD به طور کلی در حوزه های زیر بهتر عمل می کنند:
- تولید زبان کلامی غیر معمول (بیش از سطح سنی)
- خزانه واژگانی بسیار عالی
- تکیه خوب بر یادگیری و حافظه در مورد اطلاعاتی که شنیده شده اند.

■ تشخیص ناتوانی یادگیری غیر کلامی

ناتوانی یادگیری غیر کلامی در آخرین ویرایش کتاب راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات ذهنی (DSMIV) به طور جداگانه آورده نشده است، این راهنمای رسمی برای تشخیص اختلالات ذهنی توسط انجمن روانپزشکی آمریکا انتشار یافته است. معمولاً، تشخیص NLD توسط یک روان شناس با صلاحیت با استفاده از ابزارهای تشخیصی متنوع (پیوست الف) انجام می شود. فهرست علائم مورد استفاده توسط دکتر دارلن سویتلند برای غربالگری NLD در اینجا آورده شده است. (این نسخه برای مخاطب عمومی ویرایش شده است.)

■ NLD ویژگی های مربوط به آن

فهرست علائم

این فهرست توسط دکتر کاترین استوارت^۱ و دارلن سویتلند در سال ۲۰۰۱ به نگارش درآمده است. جهت تشخیص ناتوانی یادگیری غیر کلامی فرد باید ۸۰٪ از علائم زیر را دارا باشد:

شأنفص های اجتماعی/ عاطفی

۱- برای تعبیر سرنخ های رفتاری و چهره ای دیگران، به ویژه هم سالان توانایی ضعیف دارند.

- ۲- در موقعیت های اجتماعی تفسیری عینی یا تحت الفظی از زبان دارند؛ اختلافات مربوط به ریزه کاری های اجتماعی را درک نمی کنند.
- ۳- به "درخندگی" اشیاء علاقه شدید دارند.
- ۴- تفسیر خیلی سیاه و سفید از قوانین دارند: قوانین را در برخورد با همسالان، بزرگسالان و شرایط یادگیری، مهم در نظر می گیرند و زمانی که قانونی شکسته می شود، کودک آشفته می گردد.
- ۵- تسلی ناپذیرند: به محض آشفتگی، برای کودک رها شدن از آشفتگی کار دشواری است.
- ۶- تفکر انعطاف ناپذیر دارند: زمانی که کودک ایده ای را در مورد چیزی در ذهن خود شکل می دهد، تمایلی برای تغییر آن ایده ندارد.
- ۷- نوعی از اختلال وسواس اجباری دارند: وسواسی که توسط یک روانشناس یا روانپزشک تشخیص داده می شود.
- ۸- مستعد احساس سرخوردگی هستند. کودک اغلب محرکات یا شرایطی دارد که احساس ناکامی می کند. این محرکات می تواند شامل موارد زیر باشد: شنیدن صداهای خاص، حس کردن فشار برای واکنش نشان دادن یا تعامل داشتن یا احساس سر درگمی در مورد چیزی که از او پرسیده می شود.
- ۹- طغیان های ناگهانی دارند. این طغیان ها معمولاً متناوب هستند، اما محرکات قابل پیش بینی دارند. این طغیان ها می توانند کلامی، برخورد فیزیکی مستقیم با اشیاء یا عصبانیت باشند.
- ۱۰- آراستگی و بهداشت ضعیف دارند. کودک (و نوجوان) به نظرمی رسد هیچ احساسی نسبت به آراستگی ظاهر خود که در دیگران تاثیر می گذارد، ندارد.
- ۱۱- تاریخچه ای در زمینه مشکلات مربوط به خواب در زمان گذشته یا زمان حال دارند.

استفاده از زبان

- ۱- تاریخچه تأخیر زبانی در مراحل اولیه رشد ندارند، زبان کودک به طور طبیعی یا بهتر از طبیعی رشد می کند.
- ۲- برون داد سطح بالای زبان دارند. کودک را می توان مشابه یک "پروفسور کوچک" در نظر گرفت.
- ۳- اختلال در نوای گفتار (وزن و روانی گفتار) دارند. بسیاری از کودکان NLD صوت یکنواختی دارند.
- ۴- تولید کلامی بسیار خوب (خزانه واژگانی غنی) در کودکی که از لحاظ تحصیلی زیر حد انتظار عمل می کند، دیده می شود.

- ۵- مشکلاتی در کاربرد زبان (درک و استفاده صحیح از زبان در بافت، که شامل درک نیت زبان می‌شود) در کودکی که تولید کلامی خیلی عالی دارد، دیده می‌شود. مشکلات کاربرد زبان در این کودکان به این صورت است که نمی‌توانند زبان را به همان خوبی که تولید می‌کنند استفاده کنند.
- ۶- در زمینه موضوعات مورد علاقه خود رشد مناسبی دارند، به گونه‌ای که غالباً بیش از اندازه روی آن موضوعات متمرکز می‌شوند و دیده می‌شود یک کودک NLD بدون توجه به علاقه شنونده نسبت به موضوع، به تفصیل در مورد آن موضوع صحبت می‌کند و ممکن است به طور مکرر موضوعات را تغییر دهد.

شافص های شناختی یا یادگیری

- ۱- در وانمودسازی ناتوان هستند.
- ۲- بی نظم هستند. با وجود اینکه کودکان NLD می‌توانند بسیار کمال گرا باشند، اما اغلب نمی‌توانند تفکر، اعمال و کارهای روزمره خود را سازماندهی کنند. آنها همچنین مستعد گم کردن تکالیف، کاغذها و یادداشت‌های خود هستند.
- ۳- مشکل یادگیری در زمینه گفتن زمان دارند.
- ۴- در تعیین راست و چپ سردرگم می‌شوند. این سردرگمی اغلب به عنوان سردرگمی جهت یابی توصیف می‌شود.
- ۵- نقایصی در یادگیری غیر طوطی وار دارند. کودک در حفظ کردن (یادگیری طوطی وار) نسبت به استنباط معنی یا پیش بینی نتیجه، بهتر عمل می‌کند؛ کودک با سؤالاتی مانند "بعداً چه اتفاقی می‌افتد؟" مشکل دارد.
- ۶- مشکل در توصیف ایده اصلی داستان دارند.
- ۷- برای تکالیف یادگیری به اطلاعات شنیداری به عنوان ابزاری در جهت حمایت، وابسته هستند. غالباً هنگام فعالیت‌های سخت در خانه یا مدرسه یا در مکان‌های عمومی با خود صحبت می‌کنند.

علائم حس- حرکتی

- ۱- به لمس حساسیت دارند. کودک اعتقاد دارد که اشیاء را "به طور عجیبی حس می‌کند" و یا تمایل خاصی به پارچه‌ها یا پتویی که حس خاصی ایجاد می‌نماید، دارد. زمانی که کودک کم سن و سال تر است، ممکن است بخواهد تمام برچسب‌ها را از لباس‌هایش جدا کند.

- ۲- حساسیت شنیداری دارند؛ صداها کودک را آزار می دهند و صداهاى فوق العاده بلند را به سختی می پذیرند. کودکان NLD غالباً ذکر می نمایند که جویدن آدامس یا ضربه زدن با مداد روی میز کلاس توسط دیگران یا نشست های عمومی آنها را پریشان می کند.
- ۳- مستعد "گم شدن در فضا" هستند؛ کودک براحتی در فضای محدود (در یک مکان) گم می شود. درواقع در مکان هایی که قبلاً بوده است گم می شود. این تمایل در موقعیت های جدید و پراسترس افزایش می یابد.
- ۴- مشکلات مهارت حرکتی که معمولاً به صورت یک مورد یا تعداد بیشتری از موارد زیر آشکار می شود:
 - دیس گرافی (ناتوانی درنوشتن کلمات یا نشانه ها که ناشی از بدعملکردی مغزی است).
 - در حرکات درشت مشکل دارند: برای مثال مشکل در دوچرخه سواری یا انجام ورزش های سازماندهی شده، و تمایل به برخورد ناگهانی با اشیاء دارند.
 - ضعف جسمانی دارند: هنگام ورزش خیلی زود خسته می شوند.
 - در حرکات ظریف غیر از نوشتن نیز مشکل دارند. برای مثال یادگیری چگونگی گره زدن بند کفش.

■ سرگذشت رن^۱

زمانیکه رن بدنیا آمده بود، کودک محبوب و گرمی بود. اما غالباً گریه می کرد و مانند برخی نوزادان دیگر در تغذیه مشکل داشت. او اولین فرزند والدینش بود و خانواده اش نسبت به گفتارش نگران نبودند، چون رشد طبیعی داشت. رشد کودک در جنبه های خاصی بهتر از سایر جنبه ها بود. رن یک اسب کوچک صورتی داشت که به نظر می رسید که باید آن را همیشه با خودش به همراه داشته باشد. اسب کوچک وی از پارچه ابریشمی درست شده بود و او آن را به صورتش می مالید و اغلب آن را می بوئید. او در مورد اسباب بازی و اسب ها و اسب های مینیاتوری زیادی، که آنها را جمع کرده بود، صحبت می کرد. در سن پنج سالگی او هنوز اسب کوچکش را تمام مدت با خودش حمل می کرد، حتی با خودش به مهد کودک می برد، زبان در او بخوبی رشد یافته بود و ازگان زیادی داشت و والدینش به این مسئله افتخار می کردند. هنوز با دیگر کودکان بازی نمی کرد و نمی خواست که هیچ کس بجز پدر و مادرش او را لمس کنند. دست و پا چلفتی بود. طوریکه نمی توانست دوچرخه سواری کند یا بند کفشش

را ببندد. اما تقریباً هر پازلی که به او داده می شد را می توانست بسازد. سلیقه های غذایی او محدودتر شده بودند و او ترجیح می داد که هر روز چیزهای ثابتی را بخورد (مانند: ماکارونی، پنیر، شیر). گاهی اوقات در طول شب بیدار می ماند، اما با این حال کابوس دیدن را انکار می کرد. والدین او نگران نبودند. آنها فکر می کردند او خجالتی است و تصور می کردند که او به صورت، فردی که شبیه به دیگر گروه های هم سن و سالش نیست، رشد خواهد یافت. پدر و مادر او هر دو مهندس کامپیوتر بودند. و هر دو خجالتی و کم رو بودند و به نظر می رسید که هیچ مشکلی با خجالتی بودن دخترشان نداشتند.

▪ سندرم آسپرگر

برای اولین بار تعاریف مقدماتی سندرم آسپرگر (AS)، توسط هانس آسپرگر^۱ در سال ۱۹۴۴ توصیف شد. این اختلال در ایالات متحده بدنبال انتشار کار لورنا وینگ^۲ در سال ۱۹۸۱ اهمیت یافت و شناخته شد. بااین وجود، پس از ورود معیار تشخیصی AS در DSMIV در سال ۱۹۹۴ بود که مطالعه، بحث و بررسی در زمینه این اختلال با علاقه و دقت فراوان آغاز شد. این علاقه تا اندازه ای منجر به درک همپوشانی موجود بین سندرم آسپرگر، اوتیسم با عملکردهای بالا (HFA^۳) و NLD گردید. موسسه بین المللی آمارهای سلامتی، رخداد سندرم آسپرگر را یک مورد از هر ۵۰۰ کودک که در ایالات متحده متولد می شوند، میداند. که رخداد بالاتری از نظر وقوع نسبت به سندرم داون و یا سیستمیک فایبروزیس دارد (www.N.H.gov.2000).

▪ ویژگی های مشترک سندرم آسپرگر

کودکان آسپرگر رشد طبیعی زبان یا سریع تر از طبیعی در دوران نوزادی و کودکی دارند و تمایل به برقراری ارتباط در آنها زیاد است. درعین حال مانند کودکان NLD اغلب در تلاش شان برای اجتماعی شدن شکست می خورند. کودکان AS به احتمال زیاد علائق ویژه ای دارند که در آن زمینه به مهارت دست می یابند. آنها همچنین درجه بالایی از رفتارهای نامناسب اجتماعی را نشان می دهند. محدوده های مربوط به علائق اجتماعی اغلب به سمت وسواس رشد می یابد و انعطاف ناپذیری فکر کودک در این زمینه ها می تواند باعث مشکلات بسیاری گردد.

1 - Hans Asperger

2 - Lorna wing

3 - High Functioning Autism

این کودکان همچنین، خزانه واژگانی خیلی خوبی دارند و حتی با وجود اینکه آنها در کاربرد شناسی و استفاده روزانه از زبان شکست می خورند، اما، برخلاف کودکان NLD در تکالیف جزئی بینایی مشخص (نقاشی کشیدن، تشخیص جزئیاتی که در یک نقاشی یا در یک شیء حذف شده است) و نیز تکالیف بینایی حرکتی مشخص (مانند پازل، کپی کردن اشیاء یا ماز) بهتر عمل می کنند. ناتوانی در انجام تمرینات نوشتاری، ویژگی و زمینه اصلی در هر دو اختلال است. در افراد آسپرگر برخلاف NLD این مشکل ممکن است خفیف تر باشد. مشکل کودکان NLD در نوشتن، ناشی از شکست در توانایی تبدیل تفکر به نوشته می باشد. این مشکل بواسطه مشکل پردازش در سطح عملکرد مغزی است تا اینکه، مشکل حرکتی همراه با نوشتن شکل ظاهری حروف و کلمات باشد.

درمورد سندرم آسپرگر مطالعات بیشتری صورت پذیرفته و بیش تر از NLD در مورد آن مطلب نوشته شده است. کتاب بسیار خوبی با عنوان "سندرم آسپرگر"^۱ که برای والدین و متخصصین مفید است، توسط تونی آتود^۲ نوشته شده است. توصیف آتود از نقاط قوت و ضعف کودکان آسپرگر تشابهات بسیار زیادی را بین کودکان آسپرگر و NLD آشکار می کند. با این وجود، این دو اختلال از هم جدا شده اند و نیاز به تشخیص دقیق جهت مداخله (درمان) موثر، حائز اهمیت است. کودکان آسپرگر غالباً با اختلال اوتیسم یا نقص توجه که مشابه NLD است اشتباه تشخیص داده می شوند.

▪ تشخیص سندرم آسپرگر

معیار پذیرفته شده رایج برای تشخیص سندرم آسپرگر براساس DSMIV (۱۹۹۴) است. توافق درمورد یکسری معیارها برای تشخیص، به متخصصین اجازه می دهد که بحث واضح و دقیق در این زمینه داشته باشند. بدون معیار ثابت، فهم اینکه آیا ایده یک پزشک در مورد اختلال AS با دیگری یکسان می باشد یا نه، غیرممکن خواهد بود. حوزه های اصلی برای تشخیص AS (مطابق DSMIV) عبارتند از:

الف- آسیب کیفی در تعامل اجتماعی، که حداقل ۲ مورد از زمینه های زیر را در بر داشته باشد:

- مشکلات جدی در رفتارهای غیرکلامی از قبیل تماس چشمی، خواندن و درک بیان چهره ای، وضعیت های بدن و اشارات اجتماعی دارند.
- مشکلات دوست یابی دارند.

1 - Asperger syndrome

2 - Tony Attwood

- به طور خود بخودی نمی خواهند که در لذت ها، علایق یا خواسته ها و بدست آوردن آنها، با دیگران شریک شوند.
- فاقد روابط متقابل اجتماعی عاطفی هستند.

ب : الگوهای کلیشه ای و تکراری محدود در زمینه رفتار، علایق و فعالیت ها، حداقل با یکی از علائم زیر:

- اشتغال خاطر به یک یا چند مورد محدود از علائق دارند که هم از نظر شدت و هم از نظر موضوع غیرطبیعی هستند.
- چسبندگی انعطاف ناپذیر آشکار به فعالیت های روزمره و رفتارهای تشریفاتی دارند که کارکردی نیست.
- ادا و اصول های حرکتی تکراری یا کلیشه ای (برای مثال تکان دادن یا چرخش دست یا انگشت یا پیچ خوردن یا حرکات پیچیده کل بدن) دارند.
- اشتغال خاطر به قسمت هایی از اشیاء دارند.

ج : آشفستگی، که باعث ایجاد آسیب معنی دار بالینی در زمینه های اجتماعی، شغلی یا دیگر زمینه های مهم عملکردی می شود.

د : از نظر بالینی، هیچ گونه تاخیر کلی و معنی داری در زبان وجود ندارد (برای مثال تک کلمات در سن دوسالگی و عبارات ارتباطی در سن سه سالگی استفاده می شوند).

▪ همپوشانی NLD و سندرم آسپرگر

در حقیقت این گونه مطرح شده است که افراد NLD و آسپرگر در نقاط متفاوتی از رشد متوقف شده اند. به عبارت دیگر با بدعملکردی های مغزی مشابه، الگوهای متفاوتی از خود نشان می دهند. ولی جای هیچ شکی نیست که NLD و آسپرگر از یکدیگر متفاوتند. در عین حال، هردو اختلال مشکلات مشابهی در پردازش اطلاعات، شرکت در تعامل اجتماعی، مهارت های کلامی سطح بالا و نیاز به محیط یادگیری خاص دارند. نویسنده براین باوراست که بسیاری از مداخلات درمانی یکسان برای کودکان مبتلا به این دو اختلال مفید هستند.

همه این کودکان مجموعه ای از مهارت های تعادلی و اجتماعی ضعیف از خود نشان می دهند و اغلب از زبان، به شکل مخصوص به خود استفاده می کنند. کودکان NLD در خیلی از موارد تاحدودی مشابه افراد

آسپرگر هستند. آنها رشد زبانی طبیعی به سمت عالی دارند. حتی در برخی موارد رشد سریع تری دارند. اما استفاده آنها از زبان از دیدگاه دیگران نابجا و عجیب و غریب است و با وجود اینکه آنها می خواهند ارتباط برقرار کنند، اما استفاده از زبان جهت انتقال پیچیدگی های تعامل های اجتماعی در آنها با مشکل همراه است.

▪ آسپرگر و اوتیسم با عملکرد عالی (HFA)

برخی از والدین و متخصصین، سندرم آسپرگر را به عنوان نوعی اوتیسم با عملکرد عالی توصیف می کنند. این تصور که سندرم آسپرگر نوعی اوتیسم است مفهومی است که بسیار بحث برانگیز است. در موارد پیچیده تر، NLD و سندرم آسپرگر اختلالاتی با طیف گسترده ای از علائم هستند. دو کودک با تشخیص سندرم آسپرگر ممکن است اصلاً شبیه به هم نباشند. این خبر خوبی برای والدین و جامعه متخصصین نیست. تحقیقات بیشتری برای تعریف واضح از همه این اختلالات مورد نیاز است. کاربرد دائمی معیار تشخیصی موجود، برای اینکه، متخصصین (یا والدین) اطمینان یابند که درمورد اختلال یکسانی صحبت می کنند، الزامی است (برای مثال، هنگامیکه یک کودک مبتلا به آسپرگر را توصیف می کنند). تهیه برنامه برای کودک بدون وجود معیار، با مشکل همراه است و والدین در مورد اینکه کدام یک از مداخلات پیشنهادی، برای کودکشان مناسب است، دچار سردرگمی می شوند. درمورد معیارهای تشخیصی موجود برای آسپرگر و اوتیسم، تمایز اصلی بین کودکان آسپرگر یا NLD و کودکان اوتیسم حتی اوتیسم با عملکرد عالی، در زمینه زبان می باشد.

سندرم آسپرگر	ناتوانی یادگیری غیر کلامی	اوتیسم با عملکرد بالا
تا سن ۳ سالگی رشد زبان طبیعی است	تا سن ۳ سالگی رشد زبان طبیعی است	تا سن ۳ سالگی تاخیر زبانی یا رشد غیر معمول زبان دارند
استفاده از زبان برای تعامل	استفاده از زبان برای تعامل	استفاده از زبان برای بدست آوردن احتیاجات اولیه

اوتیسم معمولاً قبل از سن ۵ سالگی تشخیص داده می شود، و تشخیص اوتیسم با عملکرد عالی (HFA) احتمالاً برای کودکی مطرح می گردد که ابتداء، اوتیسم تشخیص داده شده و سپس پیشرفت می کند (معمولاً از طریق مداخله) و در طی زمان به یک سطح زبانی طبیعی تر دست می یابد. HFA معمولاً

با افزایش مهارت زبانی همزمان با رشد کودک و با IQ بالاتر از آنچه که در سایر افراد اوتیسم دیده می‌شود، همراه است. در رابطه با موارد پیچیده تر، در بیشتر افراد HFA، اغلب، توانایی استفاده از زبان جهت برقراری تعامل و استفاده از لغات خیلی مناسب تر از افراد اوتیستیک رشد می‌یابد. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که درمانگران و والدین تصور کنند که کودکی که اکنون اوتیستیک است، به دلیل استفاده بهتر از زبان، بهتر است به عنوان آسپرگر تشخیص داده شود. با فرض اینکه این اختلالات دارای طبقات تشخیصی جداگانه‌ای هستند، تشخیص جدید از نظر منطقی معقول نیست، اما با این حال، این طرز تفکر بسیار متداول می‌باشد. با وجود اینکه، توافق کمی در این زمینه وجود دارد، اما برخی محققین معتقدند که اوتیسم و آسپرگر نمی‌توانند یکسان باشند. زیرا، به نظر می‌رسد که اوتیسم بدعملکردی در نیمکره چپ باشد (داوسون^۱ و همکاران، ۱۹۸۶) و هرگز مانند اختلال عصبی رفتاری نیست.

در تحقیقی که توسط کالین، ولکمار، اسپارو، سی کتی و رورکه^۲ (۱۹۹۵) انجام شد، ویژگی‌های HFA، AS و NLD مورد بررسی قرار گرفت و تفاوت معناداری بین AS و HFA نشان داده شد. نویسندگان دریافتند که تشابهات برجسته‌ای بین ویژگی‌های آسپرگر و NLD وجود دارد و این دو گروه از HFA متفاوت می‌باشند. آنها بیان کردند که:

در نهایت، بدون توجه به اینکه آیا AS و HFA به طور واقعی تشخیص‌های متفاوتی دارند یا نه، تفاوت معنادار نیم رخ‌های، عصب روان شناختی، پیشنهاد می‌کند که مداخلات درمانی AS باید ماهیت متفاوتی داشته باشد، که به طور مستقیم نقایص عصب روان شناختی خاص را مورد توجه قرار می‌دهد و براساس مجموعه علائم عصب روان شناختی بنا می‌شود. این رویکرد مدتها برای افراد دچار ناتوانی یادگیری غیر کلامی بسیار مفید توصیف شده است.

ولکمار و کالین (۱۹۹۸) مطالعه‌ای را گزارش کردند که در آن معیار تشخیص NLD و آسپرگر را مقایسه کرده بودند. در تحقیقات دیگر، در میان نقایص مختلف آنها گزارش کردند که شش زمینه نقص در هردو اختلال وجود دارد و پنج مورد در هیچ یک از کودکان NLD و AS دیده نشد. این زمینه‌ها شامل موارد زیر هستند.

▪ عملکرد ضعیف

۱- مهارت‌های حرکتی ظریف (نوشتن، گره زدن بند کفش، نخ کردن مهره‌ها): ضعیف

1 - Dawson

2. Klin, Volkmar, Sparrow, Cicchetti, Rourke

- ۲- مهارت های حرکتی درشت (دوچرخه سواری، ورزش، دویدن، رقصیدن): ضعیف
- ۳- یکپارچگی بینایی- حرکتی (فعالیت های چشم و دست مانند پرکردن یک دایره کوچک در پاسخ نامه): ضعیف
- ۴- یکپارچگی بینایی- فضایی (قضاوت در مورد نزدیکی، دیدن جزئیات، توانایی برای تشخیص پیش زمینه از پس زمینه (برای مثال روی یک نقشه یا صفحه تمرین)): ضعیف
- ۵- شکل دهی مفاهیم غیرکلامی (تصورکردن برخی چیزها در ذهن، استفاده از افکار مثبت، رسیدن به ایده های جدید): ضعیف
- ۶- حافظه بینایی (بخاطر آوردن چیزهایی که می بینند): ضعیف

■ عملکرد فوب

- ۱- تولید (تولید صداهای گفتار): خوب
 - ۲- برون ده کلامی (صحبت کردن، تولید کلمات در گفتار معنی دار): خوب
 - ۳- درک شنیداری (فهمیدن چیزهایی که می شنوند): خوب
 - ۴- خزانه واژگانی (آگاهی از لغات و کاربرد آنها): خوب
 - ۵- حافظه کلامی (به خاطر آوردن چیزهایی که می شنوند): خوب
- به علاوه، نویسندگان پیشنهاد کردند که HFA یک طبقه مجزا از بدعملکردی است و احتمالاً در این گروه نقایصی وجود دارد که در NLD و سندرم آسپرگر وجود ندارد (بویژه اشکالات کاربرد زبان برای توسعه ارتباطات یا برقراری ارتباط با افراد دیگر). پاسخ ساده ای برای این مسئله و همچنین اتفاق نظر در این زمان وجود ندارد. در سیستم طبقه بندی رایج برای اختلالات (DSMIV)، سندرم آسپرگر در طیفی از اختلال اوتیسم قرار دارد اما NLD به هیچ وجه در این طیف قرار نمی گیرد. از آنجا که تشخیص دقیق در درمان مناسب اثر دارد، تمایز این دو اختلال مهم است. متأسفانه، تا زمانیکه در مورد راهنمای تشخیصی به توافق برسیم، در مورد خط و مرزهای ما بین این طبقه بندی ابهامات بر جای خود باقی خواهد ماند.

■ ادامه سرگذشت الیور

الیور وارد مهد کودک شد و والدینش ویژگی های زیادی را در مورد رفتارش شنیدند که شامل طیفی از رفتارهای مخرب (زیرا عصبانیت و اصرارهای سرسختانه او در مورد اشیاء به شیوه ای خاص انجام می شد) تا آشفتگی بسیار شدید (به دلیل ناتوانی او در برقراری ارتباط اجتماعی و استفاده غیرطبیعی او از زبان)

می شد. والدین و معلمین هر یک عقایدشان را می گفتند. تعداد زیادی از آنها پیشنهاد کردند که الیور از اختلال نقص توجه رنج می برد. والدین الیور افراد وظیفه شناسی بودند و نمی توانستند این عقاید که با حسن نیت بیان می شد را نادیده بگیرند و ارزیابی الیور توسط تعدادی از متخصصین را آغاز کردند. این متخصصین داروهای محرک و کتاب های راهنمای والدین را برای کنترل الیور پیشنهاد کردند. اما والدین او هیچ تغییر مثبتی مشاهده نکردند. در پایان دوره کود کستان الیور هیچ دوستی نداشت و به استفاده از زبان به طور ناموفق، همانند روش های اولیه برای برقراری تعامل ادامه می داد. او برای نقایص اش در زمینه پردازش بینایی - فضایی، مهارت های حرکتی یا تعاملات اجتماعی هیچ مداخله و درمان اساسی دریافت نکرده بود. وی هیچ ذهنیتی درمورد خواندن فکر اشخاص نداشت و همچنان زبان را بصورت عینی و تحت الفظی تفسیر می کرد. برای مثال معلم الیور سرخوردگی اش را در برخورد با الیور بدین گونه، شرح داد: یک روز درحالی که به صورت دایره با بچه های کلاس نشسته بودیم، الیور قطار کوچکی از جیش درآورد و شروع به بازی با آن کرد [الیور درزمینه قطارها آگاهی زیادی داشت]. به او گفتیم: "من نمی خواهم تو را دوباره در حال بازی کردن با آن بینم، در غیر این صورت، قطار را دور خواهم انداخت". الیور مودبانه گوش داد، سپس بلند شد به قسمت دیگری از کلاس رفت، به طوریکه پشتش را به ما کرد و شروع به بازی با قطار کرد. وقتی عصبانی شدم و الیور را به خاطر گستاخی به دفتر فرستادم، الیور هیچ نظری درمورد این کارش نداشت. او بعداً توضیح داد که، "شما به من گفتید که نمی خواهید مرا در حال بازی کردن با قطار ببینید، بنابراین من هم رفتم".

○ فصل دوم

« نقاط قوت و ضعف »

ممکن است اینگونه به نظر برسد که والدین انتظار دارند تا در اولین برخورد با متخصصین، آنها مشکلات فرزندانشان را تشخیص دهند. والدین و متخصصین که با کودکان کم سن و سال سروکار دارند، می دانند که حقیقتاً این نقایص حائز اهمیت اند و نباید نادیده گرفته شوند. با این وجود هیچ چیز برای شخص، مهمتر از مشکلات او نیست، و یک ارزیابی خوب نقاط ضعف و نقاط قوت را تشخیص خواهد داد. کودکان NLD و آسپرگر به عنوان یک گروه، دارای مجموعه ای از نقاط قوت و ضعف قابل پیش بینی می باشند. آگاهی از نقاط قوت و ضعف به والدین و متخصصین اجازه می دهد تا برنامه های مناسب تری طراحی کنند و تجربیات موفقیت آمیز برای این کودکان را ارزیابی کنند. هر کودک منحصر به فرد است و اگرچه به طور کلی آنچه در این فصل توصیف شده است را درست میدانیم اما هر فردی مجموعه توانمندیهای ویژه خود را دارد که ممکن است بسیاری از نقاط قوت و ضعف مورد بحث در اینجا را شامل بشود یا نشود.

▪ اول خبرهای خوب: نقاط قوت

کودکان NLD و AS باهوش هستند، آنها یادگیرنده های کنجکاو می باشند که اغلب زیر سطح آموزشی مورد انتظار عمل می کنند. این حقیقت که آنها **می خواهند** یاد بگیرند نقطه قوت با ارزشی است. متأسفانه با تجربه شکست های مکرر، علاقه به یادگیری می تواند از بین برود. چنانچه که در بخش دو خواهید دید، دلایل بسیار زیادی وجود دارد که با شکست این کودکان در ارتباط است، و طیف آن از ناتوانایی های یادگیری خاص تا شرایط آموزشی و انتظارات آموزشی نامناسب می باشد. به علاوه تطابق های طراحی شده برای کمک به این دانش آموزان باعث ایجاد مشکلاتی می شود که در درازمدت برچسب ناتوانی آنها را تقویت می کند.

سرگذشت مایکل

مایکل یازده سال دارد و هنوز کلاس ششم است. ولی علاقه مند به یادگیری است. اومهارتهای اجتماعی ضعیفی دارد، وقتی این مسئله به او گفته شد مفهوم این جمله را نفهمید. وی هیچ دوستی ندارد و در هنگام ناهار به تنهایی غذا می خورد. اما او می توانست، هر چیزی را درمورد هواپیماهای جنگنده جنگ جهانی دوم بخاطر آورد و از فکر کردن درمورد آنها لذت می برد. به تصاویر آنها در کتاب ها نگاه می کرد و درمورد آنها صحبت می کرد. سال گذشته متوجه شد که به همان زرنگی که والدینش به او گفته اند نیست و قادر به انجام تمرینات و تکالیفش نمی باشد و در امتحانات با مشکل روبرو است و هرگز نمی تواند آزمون را در موعد مقرر به پایان برساند. همیشه درمورد مدرسه احساس خوبی داشت، اما دیگر در مدرسه زمانی برای علائق خاص او وجود نداشت و معلم نسبت به این مسئله بی توجه بود.

یادگیری طوطی وار

برخی از نویسندگان، کودکان NLD و AS کم سن و سال را به عنوان یادگیرنده های طوطی وار بسیار عالی توصیف کرده اند، گاهی اوقات مفاهیم ریاضی، دیکته یا مفاهیم مربوط به زمینه های خاص را طوطی وار حفظ می کنند (تامپسون^۱، ۱۹۹۶). (گرچه، این الگوی یادگیری غالباً به عنوان یک نقطه قوت در نظر گرفته می شود، تجربیات نویسنده نشان می دهد که این مهارت از دانش آموزی به دانش آموز دیگر تغییر می کند، و همچنین یادگیری مفاهیم ریاضی اغلب به عنوان یک مشکل جدی در تمام طول زندگی کودکان NLD باقی می ماند). یادگیری طوطی وار اطلاعات به این معنا نیست که آنها می توانند مفاهیم مورد نیاز را بعداً در کلاس بازبایی کنند و یا اطلاعات را به شیوه ای معنادار به کار برند. در حقیقت، در صورتیکه والدین و معلمین نتوانند به روش خاص، مفاهیم را همراه باحقایق مربوط به آنها آموزش دهند، مهارت در یادگیری طوطی وار می تواند منجر به یک نقطه ضعف شود. تکیه بر واقعیاتی از قبیل حفظ جدول ضرب بدون درک مفهوم آن در عمل ضرب، توانایی کودک را در پیشرفت ریاضی و سپس در سایر موضوعات از قبیل علوم بسیار محدود خواهد کرد.

علائق خاص

بسیاری از کودکان NLD و AS تمایل زیادی به یادگیری مفاهیم مربوط به موضوع مورد علاقه شان دارند. آنها از این نوع فعالیت های یادگیری لذت می برند و آن را به عنوان وضعیت آرامش بخش تلقی می کنند. با وجود اینکه این فعالیت ها خوشایند و آرام بخش می باشد، اما تمرکز بر روی این نوع فعالیت ها می تواند مشکلاتی را ایجاد نماید. اجازه دهید به عنوان مثال از کودکی که اطلاعات مربوط به یک تیم

ورزشی را حفظ می کند استفاده کنیم. جمع آوری این اطلاعات از طریق خواندن و بازخوانی آنها، کسب اطلاعات از وب سایت ها، مجلات، کارت های بازی یا منابع دیگر به طور مداوم توسط کودک انجام می شود. وی اطلاعات زیادی را جمع آوری می کند، ولی با افزایش اطلاعات از آنجاکه کودک سیستم سازماندهی درونی ندارد، هیچ سلسله مراتبی را از لحاظ اهمیت برای تنظیم این اطلاعات رعایت نمی کند. همه اطلاعات برای او از اهمیت یکسانی برخوردار هستند، بنابراین برای استفاده سودمند از آنها با مشکل مواجه می شود.

چنین کودکی اگرچه، در مورد تیم های ورزشی و بازیکنان آگاهی دارد، اما هرگز نمی خواهد در یک رویداد ورزشی واقعی حضور یابد. بازی واقعی، بازیکنان و هیجان شکست یا پیروزی برای او مهم نیست. دانستن مواردی مثل نام بازیکنان و آمار مربوط به آنها هرگز باعث علاقه مندی به بازیکنان و تیم آنها نمی شود. درحقیقت ممکن است این اطلاعات در گفتگواستفاده نگردد، زیرا کودک NLD یا AS فقط گزارشی از حقایقی که می داند را ارائه می دهد و در مورد اطلاعات مربوطه تبادل نظر نمی کند. افرادی که گفتگو را با کودک درمورد تیم های ورزشی آغاز می کنند، و انتظار ایجاد احساس لذت متقابل به خاطر موضوع مورد علاقه یکسان را داشته باشند، در مکالمه خود را ناموفق می یابند. کودک NLD یا AS علاقه اندکی به گفتگو دارد و بیشتر به شنونده بودن علاقه مند است لذا در این گونه مکالمه ها تک گویی وجود دارد.

▪ مهارت های یادگیری شنیداری و بینایی- حرکتی

کودکان آسپرگر غالباً در ساختن پازل مهارت دارند و ممکن است در کپی کردن حروف یا اعداد ماهر باشند، این مهارت بینایی- حرکتی به عنوان نقطه قوت در کمک به حل مشکلات آنها می تواند مورد استفاده قرار گیرد. تکلیفی به صورت معما یا ارائه لیست لغاتی به صورت بازی که به صورت کپی یا پیدا کردن کلمه پنهان شده است، کودک AS را مشغول می کند.

کودکان NLD به ندرت به پیدا کردن راه حل معما یا کپی کردن حروف علاقه دارند (و به ندرت به عنوان یک نقطه قوت مطرح است)، اما اغلب در یاد آوری اطلاعاتی که می شنوند بهتر عمل می کنند و به موسیقی به عنوان ابزار آرامش بخش به خوبی پاسخ می دهند. برای دانش آموزان NLD ارائه واژگان به صورت آهنگین یا داستان های کوتاه که یک مفهوم را توضیح می دهد، مفیدتر از هر فعالیت کپی کردن بینایی می باشد.

■ علاقمندی به کامپیوتر

معمولاً کودکان NLD و آسپرگر به کامپیوتر علاقمند هستند و به نظر می‌رسد در استفاده از کامپیوتر ماهر باشند. این استعداد آشکار، آنها را شبیه به کودکانی می‌کند که به خاطر خزانه واژگانی زیاد توانایی زبانی خوبی دارا می‌باشند. توجه و تمرکز این کودکان بر روی کامپیوتر منجر شد که برخی از مؤلفین و نویسندگان اظهار نمایند که کودکان NLD و AS در این زمینه دارای نقطه قوت هستند. (Thompson ۱۹۹۶). متأسفانه، بدون آموزش دقیق مهارت‌های کامپیوتری در این کودکان فقط مشکلات عمومی آنان در رابطه با سازماندهی و طراحی را، منعکس می‌کند. به عنوان مثال، استفاده از کامپیوتر جهت تحقیق و نوشتن گزارش کمک بسیار زیادی برای هر دانش آموز می‌باشد. با این حال درحالی‌که غالباً کودکان NLD و AS ممکن است چگونگی بازی با کامپیوتر را بدانند، اما برای مرتب کردن یادداشت‌ها به شیوه‌ای معنادار، استفاده از اطلاعات مدارک مشخص در بین مدارک دیگر، یا تهیه یک گزارش، توانایی محدودی دارند. کامپیوتر نیز مکانی است که این کودکان اطلاعات را آشفته و بی‌نظم در آن‌ها می‌کنند، همچون پرونده‌هایی که به شیوه‌ی تصادفی ذخیره شده‌اند و هرگز دوباره پیدا نمی‌شوند. کودکان NLD و AS می‌توانند بدون راهنمایی، فقط به عنوان حوزه‌ی دیگری برای تمرکز دقیق، بدون آنکه با افراد دیگر در تماس باشند، از کامپیوتر استفاده کنند. اما می‌توان با مداخله، علاقه آنها به کامپیوتر را تبدیل به یک نقطه قوت و استعداد شغلی نمود.

مثال رادکلیف^۱

رادکلیف استفاده از کامپیوتر را دوست داشت و سعی می‌کرد تا با تازه‌ترین پیشرفت‌ها در سیستم‌های بی‌سیم^۲ آشنا شود. او شروع به یادگیری برنامه‌نویسی کرد، با زبانهای ساده کامپیوتری آغاز کرد و تا مهارت‌های بسیار پیچیده پیش رفت. توانایی وی در تمرکز بر یک موضوع و طرد سایر موارد و یادگیری یک سری از فعالیت‌هایی که بطور دقیق دنبال می‌کرد، به او کمک کرد تا در یک شرکت کامپیوتری شغلی بدست آورد. وی هر روز کار مشابهی انجام می‌داد و وظیفه‌اش برنامه‌ریزی مشخص و جستجوی داده‌ها بود. رادکلیف شغلش را دوست داشت و به طور مستقل کار می‌کرد.

1. Radcliff

2 - wireless

▪ اکتساب بسیار قوی زبان

کودکان NLD و AS واژگان فراوانی در سالهای اولیه زندگی کسب می کنند. این فراگیری بسیار پیشرفته زبان، به آنها اجازه ورود در تعاملات اجتماعی و دستیابی به موفقیت آموزشی را می دهد. این نقطه قوت بسیار ارزشمند است و کودک را با تحسین، عزت نفس و لذت واقعی پرورش می دهد. اما همانگونه که پیش تر بحث شد، داشتن دانش زبانی و علاقه به حقایق که توسط زبان فراهم می شود، تنها بخشی از هر تعامل اجتماعی هستند. کودکی که به این جنبه از کاربرد زبان بیش از حد تکیه می کند، به زودی با سرخوردگی اجتماعی روبرو می شود و آنچه که دارد می تواند به عنوان یک نقص محسوب گردد.

دستیابی زود هنگام کودک NLD و AS بین سنین ۳ تا ۷ سال به گفتار «پرفسور کوچک»، از نظر افراد بزرگسال شیرین و سرگرم کننده می باشد، اما همسالانش به آن اعتنا نمی کنند. اما همسالان وی در سن ۸ یا ۹ سالگی این شیوه گفتار را مزاحم و غیر عادی می دانند. در دوره دبیرستان غالباً ناتوانی کودک NLD یا AS برای تطابق با روانی و ریتم زبان همسالانش، منجر به انزوا و افسردگی وی می شود. از آنجائیکه این مشکل زبانی معمولاً با ناتوانی درک سرنخ های اجتماعی همراه می گردد، لذا همین شیوه کاربرد زبان که معمولاً آنها برای راحتی و لذت بر آن تکیه می کنند مانعی بین آنها و همسالانشان می شود. این ویژگی تا دوران بزرگسالی باعث طردشدگی، انزوا و شکست اجتماعی آنها می شود.

کودکان AS و آسپرگر معمولاً در آزمون هایی که زبان درکی و بیانی را اندازه می گیرد، خوب عمل می کنند. نمرات آنها در این آزمون ها در درک استعداد کاربرد زبان به ما کمک می کند، اما این آزمون ها کاربرد عملی کودکان از زبان را منعکس نمی کند. گرفتن نمره خوب مایه افتخار و موفقیت برای این افراد است، لذا هر زمان که این اتفاق رخ داد، باید آنها را تشویق کرد.

▪ صداقت و احترام به قوانین

به عنوان یک اصل کلی، کودکان NLD و آسپرگر دروغ نمی گویند، این رفتار نقطه قوتی است و معمولاً برای معلمان و والدین خوشایند است. این کودکان ضرورتاً از نظر اخلاقی از سایر کودکانی که دروغ نمی گویند، بهتر نیستند. آنها واقعاً دروغگو نیستند و رفتار آنها نتیجه پیروی غیر منعطف از قوانین و ساختار است. روح حساسی دارند و به سادگی با دروغ های دیگران ناراحت می شوند و دروغ را به عنوان یک عمل غیرقابل درک، تجربه می کنند. ناتوانی در دروغ گفتن تا پایان دوره راهنمایی تغییر می کند و کودکان NLD و آسپرگر، در برابر فشار نوجوانی مصون نمی مانند. این نوجوانان در دستکاری حقیقت و

خطاها که در این گروه سنی متداول است درگیر می شوند و به عبارت دیگر کل حقیقت را نمی گویند زیرا: «شما دقیقاً درباره آن موضوع سؤال نکرده اید».

کودکان NLD و AS قوانین را یاد می گیرند و توقع دارند دیگران نیز از آن قوانین پیروی کنند. درحقیقت نیاز آنها برای همسانی، قابل پیش بینی و منصف بودن یک عادت متناقض با گروه های هم سن خود می باشد. اما اتکای آنها به قوانین و توانایی پیش بینی و اشتیاق آنها برای عمل به قوانین در حقیقت یک نقطه قوت عالی می باشد، به طوریکه آنها امین و قابل اعتماد هستند و می توانند تبدیل به کارمندان بسیار خوبی شوند.

▪ نقاط ضعف: واقعا افسار بدی نیستند

کودکان مبتلا به AS یا NLD در سه حوزه مرتبط اصلی یا حیطه های عمومی ضعف عملکردی دارند. این سه حوزه عبارتند از:

- پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
- پردازش اطلاعات و مهارت های سازمان دهی
- مهارت های اجتماعی و رشد زبان کاربردی

هریک از این حوزه ها به تفصیل در فصل های بعدی بحث خواهد شد و مداخلات مربوط به این حوزه ها در بخش سوم این کتاب ارائه خواهد شد در اینجا خلاصه ای کلی در مورد این حوزه های بدعملکردی یا ضعف به ترتیب بیان شده است.

▪ پردازش بینایی- فضایی و یکپارچگی حسی حرکتی

مهارت های بینایی- فضایی، مهارت هایی هستند که به شما اجازه می دهد تا از اطلاعات بینایی برای درک حرکات بدن در فضا و طراحی و اجرای آن حرکات استفاده کنید. مهارت بینایی - فضایی خوب، امکان قضاوت و دستکاری جهان و اشیاء درون آن را با استفاده از اطلاعات بینایی برای شما فراهم می کند. توانایی راه رفتن بر روی لبه جدول، یا پرتاب دقیق توپ برای شخص دیگر در حال دویدن مثال هایی از مهارت های بینایی- فضایی می باشد. این مهارت ها نیاز مند تمیز بینایی (درک تفاوت های موجود بین اشیاء)، درک صحیح جهات و فاصله ها و هماهنگی این اطلاعات با بدن شما می باشد. چنین پردازش هایی نیازمند توجه به ویژگی ها و مشخصات افراد و اشیاء است و شما تفاوت ها و شباهت ها را با استفاده از حس بینایی و خاطرات ناشی از تجربیات گذشته، درک می کنید.

اکثر افراد این مهارت ها را عادی و بی اهمیت فرض می کنند، اما چنین مهارتهایی واقعاً پیچیده هستند. مثلاً شما درباره اندازه های نسبی اشیاء اصلاً فکر نمی کنید، اما هنگامیکه می خواهید یک بسته کتاب را بلند کنید می دانید که آن بسته سنگین تر از ظرف غذایی است که در آنجا قرار دارد، لذا حرکت خود را با توجه به میزان وزن آنها سازگار می کنید. همچنین شما با اطمینان می توانید مسیر خود را از کلاسی به کلاس دیگر در یک مدرسه بزرگ پیدا کنید. مهارت های بینایی-فضایی و تمیز بینایی که برای انجام دادن تمام این فعالیت ها مورد نیاز است غالباً در کودکان NLD و آسپرگر آسیب دیده است و این آسیب در ویژگی ذاتی دست و پا چلفتی بودن و تجربه مکرر گم شدن نقش دارد.

مهارت های حرکتی شامل توانایی هدایت عضلات (گروه عضلات بزرگ و کوچک) جهت انجام فعالیت های دستور داده شده از طرف مغز می باشد. این مهارت های حرکتی در کودکان NLD و AS غالباً تحت تاثیر قرار گرفته اند. توانایی های مهارت حرکتی طبیعی به عنوان بخشی از روند رشد طبیعی کامل می شود، اما در کودک NLD یا AS این توانایی ها از سنین پایین، به صورت آسیب دیده ظاهر می شود. در تاریخچه ی دوران رشد این کودکان مشخص می شود که این کودکان در دوره ی نوزادی یا نوپایی جهان را از طریق سینه خیز یا دست ورزی، کشف نمی کنند بلکه غالباً یادگیری را از طریق تبادلات کلامی (مانند پرسیدن "این چه؟") با والدین یا پرستاران خود ترجیح می دهند. این کودکان فعالیت هایی را ترجیح می دهند که مبنای حرکتی ندارد (چهار دست و پا رفتن، دویدن) و در واقع این مسئله، نشان دهنده راحت بودن تعاملات زبانی برای آنها می باشد و این ویژگی در تمام زندگی همراه آنها باقی می ماند.

مهارت های حرکتی، دربرگیرنده فعالیت های کوچک و بزرگ است. **فعالیت های حرکتی کوچک (یا ظریف)** شامل مواردی همچون نوشتن، نقاشی کردن، بریدن یا سایر فعالیتهای کنترل شده با انگشتان می باشد. در کودکان مبتلا به NLD، مهارت های حرکتی که از اطلاعات بینایی (فعالیت های بینایی-حرکتی) بهره می گیرد آسیب دیده است. غالباً این مشکلات در فعالیت های حرکتی کودکان AS کمتر دیده می شود، چون اکثر کودکان AS در نقاشی عالی هستند. در هر دو گروه، غالباً مشکلاتی در زمینه دست خط (شامل یادداشت برداری در کلاس یا کپی کردن اطلاعات) یا دستکاری اجزاء کوچک اشیاء وجود دارد. شاید یک کودک NLD چنگال را به طرز عجیبی نگه دارد یا احتمالاً قادر به مالیدن کره بر روی بیسکویت، بدون خراب کردن آن نباشد. کشیدن نقاشی برای اکثر کودکان NLD کمتر خوشایند است، اما برای کودکان AS می تواند لذت بخش باشد. یادداشت برداری، بستن بند کفش، یا سایر فعالیت های حرکتی ظریف که اساس بینایی دارد باعث شکست بیشتر در کودکان NLD می شود.

فعالیت های حرکتی بزرگ (یا درشت) مثل راه رفتن، دوچرخه سواری، دویدن، رقصیدن و اکثر ورزش های تیمی یا فعالیت های ورزشی به طور یکسان برای کودکان NLD و AS مشکل می باشد. اما بعضی از این کودکان با آموزش صبورانه در اعمال حرکتی درشت ماهر می شوند. به هر حال این کودکان نیازمند دوره یادگیری طولانی تری نسبت به هم سن و سالان خود می باشند، لذا تمرین و آموزش هدفمند جهت کسب مهارت ها در این زمینه ها، کمک کننده می باشد.

پردازش بینایی - فضایی یادگیری را به طرق مختلف تحت تاثیر قرار می دهد. دانش آموزان NLD و AS در بهترین شرایط در انجام تکالیفی همچون نوشتن، یادداشت برداری، یا پرکردن اشکال و کار بر روی کاغذ با سختی روبرو هستند و اغلب اوقات آن را غیرممکن می دانند. وجود مشکلات در پردازش بینایی - فضایی و تمیز بینایی انجام این تکالیف ساده را برای آنها، دشوار می سازد. این مشکلات به خاطر شکست در فهم تکلیف یا نداشتن دانش جهت تکمیل تکالیف نیست، بلکه، مشکل این کودکان ناتوانی خاص آنها در پردازش اطلاعات بینایی - حرکتی و بینایی - فضایی می باشد.

▪ پردازش اطلاعات و مهارت های سازمان دهی

پردازش اشکال متعدد اطلاعات که هر روز در تماس نزدیک با آن هستید، نیازمند عملکرد های متعدد مغزی و ارتباطات پیچیده در بین ساختارهای مغز است. همانگونه که در فصل ۱ دیدیم، جهت انتقال اطلاعات به طور کامل و دقیق، مغز بر ارتباطات درونی تکیه دارد. این توانایی در افراد NLD و AS آسیب دیده است و باعث ناتوانی آنها در درک سریع یا آسان تکالیف روزمره مثل تکالیف مدرسه یا نیازهای فردی همچون آراستن خود یا روابط خویشاوندی می گردد. اطلاعات وارد شده اگر جزئی از پردازش شناختی کودک گردد، توانایی وی جهت سازماندهی و درک و سپس استفاده یا بازیابی اطلاعات را به هم می ریزد. چنین مشکلی برای کودک NLD یا AS در مانده کننده و این رفتار برای والدین یا معلم کودک، عاجز کننده می باشد.

سرگذشت آری^۱

آری یک دختر شیرین ۹ ساله است که در کلاس سوم عادی درس می خواند وی در طول روز ۱ تا ۲ ساعت از منابع کمکی استفاده می کند. او اخیراً به عنوان NLD تشخیص داده شده و خانواده و مدرسه سعی می کنند تا برنامه درمانی برای کمک به او ترتیب دهند. همه موافق هستند که آری «باهوش» است زیرا او هیچ مشکلی در صحبت کردن در زمینه طبقه بندی پرندگان و همچنین در شرح مفصل کارتون پوکیمون^۲ ندارد. خواندن او بالاتر از سطح تحصیلی اش است اما هنگامیکه به عنوان تکلیف درسی باید گزارشی مربوط به خانه سازی روستائیان قدیم تهیه می کرد، هیچ نظری در مورد آن فعالیت نداشت. معلم یک برگه اطلاعات، دو کتاب و برگه های جداگانه در مورد چگونگی سازماندهی گزارش برای والدین وی فرستاد. مادر آری هر روز بعد از مدرسه همراه او تمرین می کرد اما آری فقط اشک می ریخت و ناراحت بود. احساسات او همیشه بد بود. آری نمی توانست (یا مادرش فکر می کرد، نمی خواهد) یک کلمه بنویسد. او گیج و سر در گم شده بود و هنگامیکه با یک تکه کاغذ خالی مواجه می شد، قادر به پیش روی نبود. مادرش عصبانی می گردید و معلمش گیج شده بود. آری می توانست جزئیات را بخواند، به دقت در کلاس به درس گوش می داد، می توانست به سوالات مربوط به خانه سازی روستائیان قدیم پاسخ دهد. چرا هیچ کاری نمی توانست انجام دهد؟

نقایص پردازش اطلاعات

شرایط آری و پیچیدگی و تحت تاثیر قرار گرفتن زندگی واقعی وی نشان دهنده نقایص پردازش اطلاعات است. این کودک همه اطلاعات را در مورد ساختار خانه سازی روستائیان قدیم درک کرده بود و حتی بیشتر از هم کلاسی هایش راجع به آن می دانست. مشکل وی دو لایه دارد. اول اینکه اطلاعات به شکل معنی داری در حافظه او سازماندهی نمی شوند. دوم، اطلاعات سازماندهی شده به آسانی برای نوشتن گزارش فراخوانده نمی شود. در واقع، اطلاعات وارد می شود، سپس به نظر می آید که در یک سیستم بایگانی درونی آشفته، گم می شود. معلمین و والدین باید برای کودکانی مانند آری روش هایی به کار برند که نه تنها اطلاعات، بلکه راه های یادآوری و سازماندهی موارد آموزش داده شده را نیز بیاموزند. با توجه به مشکلات سازماندهی بینایی - فضایی و پردازش اطلاعات که در بالا بحث شد، روش های سنتی در مورد یادداشت برداری و استفاده بیش از حد از کاغذ و مداد، کار برد اندکی برای این

1. Ari

2 -Pokemon

دانش آموزان دارد. نقایص آنها در پردازش اطلاعات زیر بنای بسیاری از مشکلاتی است که این کودکان آنها را تجربه می کنند.

▪ مهارت های اجتماعی و رشد زبان کاربردی

ضعف در سومین حوزه یعنی رشد مهارت های اجتماعی و زبان کاربردی (در حقیقت، زبان روزمره ای که معنی اجتماعی را می رساند) تا حدودی ناشی از ضعف در دو حوزه قبلی است. مشکل پردازش اطلاعات، سردرگمی در فهم دقیق فعالیت دیگران و مشکلات فضایی، حرکتی و سازماندهی باعث ایجاد درد و اضطراب در کودک می گردد. تعاملات اجتماعی به طور همزمان در سطوح مختلف رخ می دهد، بعضی آشکار (پیام آشکار، معمولاً از طریق زبان انتقال می یابد) و بعضی پنهان (پیام مخفی، معمولاً از طریق آهنگ صدا، تغییر تن صدا یا زبان بدن، ایما و اشاره یا مفاهیم ضمنی منتقل می شود). کودکان AS و NLD این ارتباطات چند سطحی را درک نمی کنند و سر نخ ها و علائم اجتماعی و مفاهیم ضمنی را متوجه نمی شوند.

برای مثال، کودک AS و NLD هنگام تعامل با افراد، آداب اجتماعی مربوط به رعایت ایستادن با فاصله مناسب از دیگران را بدون آموزش مستقیم، درک نخواهد کرد. کودک به طور ضمنی تفاوت موجود در رعایت فاصله که به درجه نزدیکی ارتباطات فردی بستگی دارد را درک نخواهد کرد برای مثال، شما به دوست صمیمی خود نزدیکتر از یک آشنا می ایستید و همچنین زمانیکه با مدیر یا معلم خود مواجه می شوید، فاصله همراه با احترام را حفظ می کنید، اما این کودکان توانایی این کار را ندارند.

این کودکان زبان را به شکل تحت اللفظی تفسیر می کنند، اغلب اوقات کنایه، شوخی یا حتی تهدیدها را درک نمی کنند. این کودکان بر معنی تحت اللفظی کلمات برای فهم ارتباط تکیه دارند و درکی از بیانات چهره ای و تغییر در آهنگ صدا، که معنی را همچون کلمه انتقال می دهد، ندارند. تفسیرهای غلط در مورد زبان، ممکن است خنده دار باشد اما چنین مواردی می تواند، تجربیات اجتماعی دردناک و گیج کننده ای را برای این کودکان ایجاد کند.

مادری به دخترش در صبح پانزدهمین سال تولدش گفت، که تولد او یک روز خاص است و وی امروز می تواند «هر کاری که می خواهد انجام دهد». وی بدون اطلاع مادرش، میزان زیادی شیرینی برداشت و به مدرسه رفت. او روز وحشتناکی را در مدرسه تجربه کرد، زیرا هنگامیکه معلم تکالیف مربوط به دو کلاس صبح را تصحیح نمود، ناراحت و عصبانی شد (این موارد کاملاً برای آن دختر غیر عادی بودند) زیرا که امروز تولد او بود و مادرش گفته بود که او می تواند هر کاری که

می خواهد انجام دهد. این دختر صحبت مادرش را تحت الفظی درک کرده بود «امروز روز تولد تو است و می توانی هر کاری می خواهی، انجام دهی» و سردرگم و غمگین بود، زیرا تکالیفش همانگونه که وی انجام داده بود پذیرفته نشدند، در حالیکه او تکالیفش را طبق میل خود انجام داده بود نه به صورتی که معلم خواسته بود.

نظرات سایر افراد و زبان کاربردی

به طور کلی، اکثر کودکان و نوجوانان AS و NLD مشکلات متعددی در توجه به نظر دیگران دارند. این مشکل به صورت شکست در همدلی با دیگران و دیدگاه خود مرکزی درباره جهان آشکار می گردد و اغلب باعث می شود آنها شبه رویت و سرد به نظر برسند. مسئله این نیست که کودکان NLD و آسپرگر میل به ارتباطات نزدیک با دیگران دارند بلکه، هنگامیکه در پیشرفت ارتباطاتشان شکست می خورند، بی نهایت احساس غمگینی می کنند و حتی در دام افسردگی می افتند.

یک بخش از هر برنامه درمانی، باید بر روی آموزش زبان کاربردی، مشاهده خود، و توانایی تطابق با نظر دیگران تمرکز کند. کودکان NLD و آسپرگر باید در برنامه های آموزش زبان کاربردی شرکت داشته باشند (معمولاً در یک گروه کوچک که توسط متخصص گفتار درمانی کنترل می شود). این گروه ها مثل گروه مهارت های اجتماعی که توسط روانشناسان اداره می شود، بر رشد توانایی کودک برای استفاده از زبان به طور مناسب، تمرکز نموده و رفتارهای قابل قبول از نظر اجتماعی را گسترش می دهند. معمولاً موفقیت کودکان در گروه زیاد می شود و تجربه با ارزشی بدست می آورند. اما اکثر متخصصین می دانند مهارت هایی که در گروه رشد یافته است، به آسانی به بیرون از گروه تعمیم داده نمی شود و این مشکل نیاز به مطالعات بیشتر دارد.

غربالگری زبان کاربردی

ما از پرسشنامه زیر در مدرسه اوریون استفاده می نماییم. این فرم جهت ارزشیابی سطوح زبان کاربردی متداول و اندازه گیری میزان بهبودی بعد از چند سال استفاده می شود. دانش آموزان سرانجام یاد می گیرند تا خود را بسنجند و جهت گسترش مهارت های زبان کاربردی، مشارکت نمایند.

بررسی مهارت های زبان کاربردی

لطفاً بعد از هر گفته، عددی را که به بهترین شکل میزان رخداد رفتار را توصیف می کند، بنویسید:

۱ = تقریباً همیشه

۲= بیشتر اوقات

۳= نیمی از مواقع

۴= به ندرت

۵= تقریباً هیچ وقت

ارتباط غیر کلامی

- ۱- در چشم های شخصی که با او صحبت می کند ، نگاه می کند .
- ۲- بیانات چهره ای را متناسب با محتوای کلمات استفاده می کند.
- ۳- بیانات چهره ای دیگران را درک می کند و به شکل مناسب پاسخ می دهد .
- ۴- احساسات دیگران را درک می کند و به طور مناسب پاسخ می دهد .
- ۵- سر نخ های غیر کلامی و اشارات (زبان بدن) را تشخیص می دهد .
- ۶- در سطح مناسب سن خود عمل می کند .
- ۷- روابط فضایی بین افراد یا اشیاء و خود را تشخیص می دهد، با فاصله مناسب نسبت به دیگران می ایستد ، اندازه / وزن اشیاء را تخمین می زند .
- ۸- از ایجاد سروصدای نامناسب خودداری می کند .

مهارت های بیانی

- ۱- واضح صحبت می کند .
- ۲- با بلندی و تن متغیر و مناسب صحبت می کند .
- ۳- قادر به درک نظرات دیگران می باشد .
- ۴- در مورد یک موضوع حاشیه پردازی نمی کند و به علاقه دیگران توجه دارد .
- ۵- نیش و کنایه را می فهمد.
- ۶- استعاره ها را درک می کند و به درستی بکار می برد .
- ۷- می تواند اجازه دهد تا بحث پیش برود ، حتی اگر شخص مقابل با او مخالفت کند .
- ۸- حالت درونی خود را درک می کند و می تواند هنگام سوال درباره خود پاسخی بیشتر از «من نمی دانم» بدهد.

مهارت های محاوره ای - مفظ موضوع

- ۱- موضوعی متناسب با شرایط انتخاب می کند .
- ۲- موضوع را به خوبی معرفی می نماید و بحث می کند .
- ۳- اطلاعات مرتبط را به اختصار بیان می کند .
- ۴- موضوع مکالمه را حفظ می کند .
- ۵- موضوعات را به شکل مناسب تغییر می دهد .
- ۶- می داند چگونه مکالمه را با وضعیت شنونده تطابق دهد - برای مثال وضعیت مکالمه با هم سالان در مقایسه با معلمان .

مهارت های محاوره ای - رعایت نوبت

- ۱- نوبت را در مکالمه رعایت می کند (مکالمه را منحصر به خود نمی کند).
- ۲- به درک شنونده در مورد آنچه می گوید ، توجه می کند .
- ۳- هنگامیکه مکالمه اش توسط هم سن و سالان و افراد بزرگسال قطع می شود ، رفتار مناسبی دارد .
- ۴- قبل از اینکه در کلاس یا گروه صحبت کند ، منتظر می ماند تا مورد خطاب قرار گیرد یا با سایر افراد آشنا شود .
- ۵- از گوینده می خواهد تا به طور مناسب نظراتش را شفاف بگوید.
- ۶- هنگامیکه تغییری در موضوع مکالمه بوجود می آید ، انعطاف پذیر است .

آداب گفتاری

- ۱- خود را به درستی به دیگران معرفی می کند .
- ۲- تعارفات محاوره ای مناسبی بکار می برد.(احوالپرسی،معذرت خواهی،پاسخ دادن به دیگران)
- ۳- فعالانه در مکالمات شرکت می کند.
- ۴- با مردم صحبت می کند ، نه اینکه به آنها امر و نهی کند.
- ۵- در هنگام نیاز،درخواست کمک می کند .
- ۶- بدون حاشیه پردازی، محاوره اصلی را آغاز می کند .

مهارت های مربوط به گروه هم سن و سالان

- ۱- روابط دوستانه و مناسبی را ایجاد و حفظ می کند .
- ۲- از مسخره کردن دیگران ، خودداری می کند .
- ۳- به دیگران به خاطر پیوستن به گروه ،خوش آمد می گوید .
- ۴- انتقاد را به درستی ارائه می دهد و می پذیرد .
- ۵- به درستی تعارفات را ارائه می دهد و می پذیرد .
- ۶- از زبان خاص همسالانش استفاده می کند .
- ۷- همدلی نشان می دهد .
- ۸- در تعاملات با هم جنس و جنس مخالف، مطمئن به نظر می رسد .
- ۹- در مشاجرات کلامی به شکل مناسبی پاسخ می دهد .
- ۱۰- به طور مناسب مذاکره و گفتگو می کند و به توافق می رسد .
- ۱۱- می تواند اجازه دهد دیگری در بحث « پیروز شود » .
- ۱۲- بدون تحمیل نظر خود به نقطه نظرات دیگران گوش می دهد .

سایر موارد

- ۱- احساسات خود را تشخیص می دهد و بیان می کند .
- ۲- به خاطر موضوع یا احساسات شخصی سایرین را سرزنش نمی کند .
- ۳- در زمان مناسب ، تاسف و پشیمانی خود را نشان می دهد .
- ۴- در مقابل فشار همسن و سالانش با قاطعیت می ایستد .
- ۵- در مدرسه یا سایر اماکن به سلسله مراتب احترام می گذارد .
- ۶- مراقب تفکر سایر مردم نسبت به خود است .
- ۷- هدف قوانین را حتی هنگام مخالفت با آن درک می کند .

هر چند این فرم غربالگری مخصوص مدرسه طراحی شده است، اما والدین و متخصصینی که کودک را به خوبی می شناسند، می توانند از فرم بررسی مهارت های زبان کاربردی مدرسه اوریون استفاده کنند. این ابزار به والدین و متخصصین اجازه می دهد تا پیچیدگی مهارت های زبانی مورد استفاده روزمره را درک کنند. بعلاوه این فرم سطح مهارتهای معمول کودک و ارزیابی پیشرفت سالانه کودک را در مدرسه فراهم می کند و به والدین و معلمان اجازه می دهد تا زمینه های دارای مشکل خاص را، مد نظر

قرار دهند. به نظر می رسد رشد مهارت هایی مثل زبان کاربردی بدون وجود ابزار هایی جهت ارزیابی پیشرفت مهارت های زبانی- اجتماعی، مشکل و مرموز هستند. بررسی ها نشان می دهد، با وجود اینکه این امر یک فرایند آهسته و مشکل است، اما خیلی هم پیچیده نیست. مهارت های زبان کاربردی در هر کودک رشد می یابد و در این فرایند مشارکت مدرسه و خانواده نقش مرکزی دارد. ابزاری همچون فرم بررسی ارائه شده در اینجا، روشی برای افزایش درک و تفاهم خانواده و مدرسه و دخالت هر دو در زمینه ی حمایت از کودک می باشد.

○ فصل سوم

« چرا شناخت کودک با ناتوانی یادگیری غیر کلامی یا سندرم آسپرگر مهم است ؟ »

کودکی که با ناتوانی یادگیری غیر کلامی یا سندرم آسپرگر متولد می شود، کودکی است که اکثر والدین انتظار آن را ندارند. اغلب نیازهای این کودکان شناسایی نمی شود و با گذشت هر سال احساس درماندگی و بی کفایتی والدین افزایش می یابد. پیش بینی به موقع در مورد این گروه از کودکان که در نوزادی دوست داشتنی هستند، غیرممکن به نظر می رسد. این کودکان به راحتی به توانمندی هایی که سایر کودکان به آنها می رسند، دست نمی یابند (دوچرخه سواری، گره زدن بند کفش، شرکت در جشن تولد، کامل کردن تکالیف منزل) و درگیر نگرانیها و ترس هایی هستند که والدین آنها را درک نمی کنند.

اکثر مدارس انتظار چنین دانش آموزانی را ندارند. معلم ها و مدارس به ندرت برای پذیرش دو گروه از دانش آموزان آمادگی دارند کودکانی که از نگاه سنتی دارای ناتوانی های یادگیری هستند و کودکان با استعداد. تعداد زیادی از این کودکان در گروه غیر معمول ناتوانی های یادگیری با استعداد قرار می گیرند (که با گروهی که به آن تعلق دارند تناقضی ندارد). اما با بزرگتر شدن کودک AS یا NLD، بخش با استعداد ناتوانی یادگیری آنها خیلی سودمند به نظر نمی رسد. مهارت های زبانی که کودک به آن ها تکیه می کند، کافی نیست زیرا نیاز به مهارت های اجتماعی و پردازش اطلاعات پیچیده، زودتر اتفاق می افتد. کودکان AS و NLD مدرسه را بیشتر به عنوان یک عامل گیج کننده و سرکوب کننده تجربه می کنند. اکثر این کودکان در پایه ی سوم نوعی تنزل از خود نشان می دهند ولی نمی توانند بپذیرند که در کلاس فقط آنها تنزل داشته اند. فشارهای اجتماعی (هر کودکی در پایه ی سوم به همان اندازه که در پایه اول و دوم مورد پذیرش اجتماعی قرار می گرفت مورد پذیرش قرار نمی گیرد) و درگیری های تحصیلی به طور ناراحت کننده افزایش می یابد.

تمام دانش آموزان در پایه ی سوم، یکپارچه سازی اطلاعات را به عنوان بخشی از فرایند یادگیری آغاز می کنند. همچنین در بسیاری از قسمت ها ی کتابهای درسی، سوالات هدفمند پرسیده می شود یا مسائل به روشی متفاوت از روش هایی که به آنها آموزش داده شده، ارائه می گردد. این الگوی آموزش منجر به

مشکلاتی برای کودکان AS و NLD، (حتی زودتر از پایه ی سوم) می شود. برای مثال، کودکی را در نظر بگیرید که در پایه ی اول در مفهوم ریاضی ارزش مکانی دچار مشکل است. در کلاس و در دفترچه ی تمرین او از کلمه «دسته» استفاده شده است: این سیب ها را در دسته های ده تایی قرار بده، چند دسته ی ده تایی داری؟ اما در پلی کپی هایی که به عنوان تکلیف به خانه فرستاده می شد، کودک با تکالیفی روبرو می شود که از او خواسته اند تا سیب ها را در یک مجموعه (سری) قرار دهد. وی قادر نبود تکالیف خانه را انجام دهد. معلم گنج شده بود، که: چطور او می تواند این مفهوم را فراموش کند، در حالیکه، دقیقاً در همان روز آن مسئله را در کلاس انجام داده بود. بدیهی است، کودک آن را فراموش نکرده اما واژه ی «مجموعه» برای او همان معنی «دسته» را ندارد، بنابراین هیچ راه حلی در مورد سؤال نداشت. همان طور که خواهیم دید، ناتوانی یادگیری عمده کودک در پردازش اطلاعات و انعطاف ناپذیری تفکر، در درک شکست هایش نیز نقش دارد. اگر چه این مثال، مشکل مربوط به آموزش و روش های آن در زمینه یادگیری در کلاس می باشد، اما مشکل واقعی کودک برای رسیدن به موفقیت را نیز بازنمایی می کند. جهان، همه کودکان را با شرایط منحصر به فردی که نیازمند استفاده از دانش به شیوه ی جدیدی است، روبرو می سازد، در حالیکه، این شرایط برای کودک NLD و آسپرگر به راحتی به دست نمی آید.

نیازهای برنامه ریزی

شما به عنوان والدین، نیازمند آگاهی در مورد AS و NLD هستید، این آگاهی فقط برای چگونگی برخورد و کمک با کودکان نیست، بلکه در نهایت شرایطی به وجود خواهد آمد که لازم است حامی فرزندان نیز باشید. تا زمانی که مدارس سراسر کشور نیازهای عمده و استعداد های گسترده این بچه ها را تشخیص دهند و اقدام به فراهم کردن آموزش مناسب و سودمند برای آنها کنند، مهارت این کودکان به همین شکل خواهد بود. مطابق موارد پیشنهاد شده در فصل های قبل، این آموزشها نیازمند برنامه ریزی در زمینه ی ضعف کودکان AS و NLD می باشد:

۱. پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
۲. پردازش اطلاعات و مهارت های سازماندهی
۳. مهارت های اجتماعی و رشد زبان کاربردی

■ اختلال نقص توجه

اکثر مدارس و متأسفانه تعدادی از متخصصین نیازهای دانش آموزان AS و NLD را اشتباه تشخیص داده و می فهمند. رایج ترین خطا این است که این کودکان را با نقص توجه توصیف می کنند (یک اختلال

عصب شناختی متفاوت). اختلال نقص توجه بیش از یک طبقه‌ی تشخیصی را در DSMIV به خود اختصاص می‌دهد. کودکان NLD و سندرم آسپرگر به اشتباه در طبقات عمده AD/HD-I^۱ (اختلال نقص توجه تمرکز - نوع بیش فعال) یا AD/HD-II^۲ (اختلال نقص توجه تمرکز - نوع بی دقت) تشخیص داده می‌شوند. معیار برای تشخیص اختلال نقص توجه در جدول ۱-۳ نشان داده شده است. آشفتگی، تکانشی بودن و تمرکز ضعیف جنبه‌های اصلی این تشخیص هستند.

ممکن است تشخیص دوگانه وجود داشته باشد (کودک ممکن است هم NLD یا AS باشد و هم ADHD) اما ضروری نیست، این مورد به والدین گفته شود. در کودکان کم سن و سال، علائم NLD و AS اغلب با نشانه‌های مشابه ADHD (تکانشی، مشکلات تمرکز و آشفتگی و حواس پرتی) ظهور می‌یابد، گرچه بسیاری از علائم به عنوان بخشی از علائم NLD و AS نیز می‌باشد.

به عبارت دیگر، عملکرد نقص توجه و تمرکز در نقایص نوروسایکولوژیکی، مثل عملکرد تب در اختلالات پزشکی می‌باشد. تب نشان دهنده مشکل در بدن می‌باشد. به طور مشابه، نقص توجه نیز یک مشکل آشکار را نشان می‌دهد که کودک با آن درگیر است. تب می‌تواند به موارد متعددی، از مننژیت نخاعی تا یک سرماخوردگی ساده اشاره داشته باشد. آنچه که باعث ضرورت تمایز تشخیص صحیح این اختلالات از همدیگر می‌شود، درمان است، به گونه‌ای که درمان سرماخوردگی از درمان مننژیت متمایز است. به طور مشابه درک و تشخیص صحیح مشکلات کودک NLD و AS ضروری و مهم است، زیرا آنچه که برای کودک NLD و سندرم آسپرگر خاص و مسئله ساز است، الزاماً مشابه مشکلات اختلال نقص توجه نیست و باید این دو اختلال از یکدیگر متمایز شوند.

▪ تکانشی بودن

تکانش تمایل به فعالیت ناگهانی براساس یک فکر یا ایده، بدون در نظر گرفتن تأثیرات آن فعالیت است. اغلب کودکان NLD و سندرم آسپرگر تکانشی بودن را نشان می‌دهند، که در نتیجه شیوه‌ی تفکر انعطاف ناپذیر آنها می‌باشد. واکنش سریع و بدون هیچ مکانیزم تأخیری نسبت به محرک در آنها بوقوع می‌پیوندد و فعالیت قبل از تفکر رخ می‌دهد. برای مثال شخصی در کلاس درس، کلمه «فوتبال» را می‌گوید و کودک به طور تکانشی از سرجایش بلند می‌شود و توپ فوتبال را از کوله پشتی بر می‌دارد و به اطراف کلاس پرت می‌کند و هرگز به این مسئله که این کار او را به دردسر خواهد انداخت فکر نمی‌کند.

1 - Attention deficit disorder- hyperactive type
2- Attention deficit disorder-inattentive type

جدول ۳-۱

تشفیص اختلال نقص توجه :

نشانه های نقص توجه که در اوایل دوران کودکی ظهور می یابد، رفتار های دائمی هستند و در بسیاری از موقعیت ها (نه فقط در خانه و مدرسه) اتفاق می افتد . این علائم باید حداقل به مدت ۶ ماه مشاهده گردد و با سطح رشدی، ناهماهنگ هستند و آسیب جدی به عملکرد اجتماعی، تحصیلی یا حرفه ای وارد می کنند . شروع نشانه ها قبل از سن ۷ سالگی است .

■ سه دسته اختلال نقص توجه وجود دارد :

AD/HD – بدون توجه یا (AD/HD-I)

- به نظر نمی رسد که در حال گوش کردن باشد .
- قادر به حفظ توجه در هنگام آغاز فعالیت (در بازی یا در تکلیف) نمی باشد.
- از روی بی دقتی خطاهایی انجام می دهد و یا در توجه به جزئیات شکست می خورد .
- در سازماندهی خود و فعالیت هایش دچار مشکل می شود .
- در انجام تکالیف و یا تمرینات دچار مشکل می شود .
- از انجام کارهایی که چند مرحله دارد و یا نیاز به حفظ تلاش دارد، اجتناب می کند .
- حواسش به آسانی توسط محرک خارجی پرت می شود (تیک تاک ساعت ، صحبت کردن سایر افراد) .

- آنچه که قرار است انجام بدهد، را فراموش می کند .
- اشیاء را گم می کند (کتاب ها ، مدادها، کلیدها ، اسباب بازیها) .

AD/HD – بیش فعال ، تکانشی (AD/HD-HI)

- بی قرار است ، بیچ و تاب می خورد و نمی تواند بنشیند .
- غالباً در حال راه رفتن دیده می شود .
- بیش از حد، اطراف چیزی می دود یا از آن بالا می رود .
- بدون این که از او سوال شود، جواب ها را بیان می کند .
- بیش از حد صحبت می کند .

- در رعایت نوبت مشکل دارد .
- گفتگو را قطع می کند یا ناگهان وارد گفتگو می شود .
- به نظر می رسد که هرگز ساکت نمی شود .
- در کار کردن به تنهایی مشکل دارد .

AD/HD مفتلل (AD/HD-C)

- ویژگی های هر دو دسته فوق را دارد .
- به احتمال زیاد کودکان NLD و آسپرگر، درگیر تکانش های کلامی هستند. تکانش کلامی که غالباً آموزگاران در این کودکان مشاهده می کنند، شامل بیان سریع پاسخ سوال (صحیح یا غلط) بدون انتظار قبل از سوال از آنها می باشد. سیراشکال تکانش کلامی نیز به عنوان بخشی از رفتارهای اجباری است که بعضی از این کودکان تجربه می کنند. یک کودک ممکن است خود را در حال تکرار یک کلمه با توالی ریتمیک بیابد و به طور تکانشی با تکرار زیاد زنجیره کلمات بی معنی احساس شادی کند. برای مثال کودک کلمه پرتقال را تکرار می کند سپس شروع می کند به گفتن لرتقال - هرتقال - ررتقال - سرتقال والی آخر. نیازی به گفتن نیست که سایر بچه ها از این حالت خیلی احساس شادی نمی کنند.

■ حواس پرتی

حواس پرتی به شکل ساده ، تمایل به پرت شدن حواس (تغییر توجه از آنچه که شما قرار است بر روی آن متمرکز شوید) می باشد. به عنوان مثال هنگامی که شما درحال رانندگی هستید، پاسخ به تلفن همراه یک عامل حواس پرت کن است. برخی افراد قادرند توجه خود را همزمان به چند چیز معطوف کنند، متأسفانه در رابطه با کودکان و نوجوانان AS و NLD این مورد صادق نمی باشد. در کودکان AS و NLD حواس پرتی ممکن است به خاطر حساسیت بیش از اندازه به محرک (بو - صدا - لمس)، و یا به خاطر وجود تفکر معرب در ذهن کودک باشد. حواس پرتی به این معناست که کودک به ساعتی که تیک تیک می کند، نگاه کند یا به کودکی که با مداد روی میز ضربه می زند، خیره شود. در نتیجه، وی در این شرایط قادر نیست که حواس خود را بر روی یک تمرین، معطوف کند. مشکلات این کودکان در زمینه تمرکز ناشی از این مسئله است که تمام نقایص ذکر شده در بالا با اضطرابی که هر روز سعی در کنار آمدن با آن را دارند جمع می شود.

اختلالات اضطراب

اضطراب احساس نگرانی یا ترسی است که ممکن است در هر زمان اتفاق بیفتد و اغلب دلیل آشکاری ندارد. در طول تکامل تدریجی بشر، اضطراب لازمه بقا بوده است. بشر اولیه هنگامیکه صدای غرش شیر را می شنید احساس اضطراب را تجربه می کرد و مراقب بود، در نتیجه احتمال بیشتری داشت تا زنده بماند. هنگامیکه اضطراب طبیعی به عنوان اخطار دهنده عمل نمی کند، آنگاه می تواند منشا یک اختلال شود.

سرگذشت مایکل^۱

مایکل یک پسر ۱۲ ساله است و فرزند دوم خانواده ای است که ۴ فرزند دارد و به نظر می رسد که از بقیه کودکان هم سنش بزرگتر است. مردم غالباً فکر می کنند که او از سنش بزرگتر است. احتمالاً اندازه بدن و مهارت های عالی زبانی وی در این خطا سهیم هستند اما با این وجود مایکل رازی را از دوستانش و افراد بزرگسال مدرسه، در ذهنش و در جمع خانوادگی حتی فامیل درجه اولش پنهان می کرد. مایکل همیشه از آلودگی ناراحت بود. فکر اینکه مردم روی غذا یا ظروف عطسه، سرفه یا فوت کنند، یا در مکان عمومی غذا بخورد، برایش غیر قابل تحمل بود. او وانمود می کرد که غذا می خورد اما در واقع هیچ چیزی در دهانش نمی گذاشت. زمانیکه کسی عطسه یا سرفه می کرد، احساس نیاز شدیدی به شستن دستهایش داشت و گاهی بیش از حد طبیعی حمام می رفت، (سه تا ۴ بار در ساعت). پدر و مادرش نگرانی او را می دیدند و به او می گفتند که این کار احمقانه است و باید افکار و صداها را از ذهنش خارج کند. او می خواست این کار را انجام دهد اما نمی توانست زیرا افکار و صداها به هر طریقی وارد ذهن او می شدند. ایستادن در نزدیکی افراد را دشوار می دانست و دلیل آن را نمی دانست اما از اینکه افراد زیادی در اطرافش باشند هم احساس خوشحالی می کرد. گاهی اوقات قلبش تند می زد و نگران بود که سخته قلبی نکند، البته هرگز سخته نکرد و می دانست که این تفکر احمقانه است اما گاهی اوقات در مکانهای عمومی شلوغ هنوز فکر می کرد که این اتفاق خواهد افتاد.

اختلال وسواس اجباری^۲ (OCD)

بسیاری از کودکان ASD و NLD در برخی از مراحل زندگی از اختلال اضطرابی رنج می برند. بسیاری از آنها نشانه های اختلال وسواس اجباری را تجربه می کنند. اختلال وسواس اجباری یکی از اختلالات اضطرابی می باشد، که در DSMIV آمده است. OCD اختلالی است که می تواند در هر زمان از زندگی

1. Michael

2- Obsessive –compulsive disorder

شخص رخ دهد، اما به عقیده درمانگران قدیمی در کودکان رایج است. این اختلال از طریق وجود وسواس و نیز اجباری که به درجاتی باعث ایجاد ناراحتی در برخی از افراد می شود شناسایی می شود و در نتیجه در بعضی از جنبه های زندگی آنها مزاحمت ایجاد می کند (زندگی شخصی، حرفه ای یا تحصیلی). نگرانی و ترس های منطقی و طبیعی در این اختلال مورد نظر نیستند.

وسواس

وسواس ها عبارتند از، افکار، ایده ها یا تصوراتی در ذهن، که بارها و بارها اتفاق می افتد و احساساتی برای کودک ایجاد می کند که او نمی تواند آنها را کنترل کند. این افکار بدون هشدار ایجاد می شود و هنگامیکه اتفاق می افتد، کودک نمی تواند به آسانی آنها را از ذهنش خارج کند. بعضی از مثال های رایج در مورد افکار وسواسی، آلودگی ها، کثیف شدن یا تصادف کردن در جاده می باشد. تصورات بینایی همراه با وسواس ها می تواند باعث آشفتگی و حواس پرتی فرد گردد. نیازی به گفتن نیست که داشتن افکار وسواسی برای کودک دشوار است و زمانی این مسئله برای والدین دشوارتر می شود که کودک شروع به توصیف این افکار کند. اما، این بدان معنا نیست که وجود افکار ناگهانی و اجباری باعث شود تا کودک مطابق این افکار عمل نماید. بسیاری از والدین نگران این موضوع هستند که تفکر کودکشان به این موارد، (برای مثال، معلمش را در حالیکه خون از صورتش جاری است تصور می کند) به این معناست که او می خواهد آن ها را انجام بدهد، اما هیچ مدرکی در این زمینه وجود ندارد. در حقیقت کودکان OCD به طور کلی آرامتر و ترسو تر از سایر کودکان هستند.

اجبارها

اجبارها فعالیت هایی است که کودک OCD احساس می کند مجبور است به عنوان نتیجه وسواس آنها را انجام دهد. فعالیت هایی که باید آنها را بارها و بارها انجام دهند. شستن دستها بعد از لمس کردن دستگیره - ی در غالباً با اجبار همراه می باشد. مثلاً باید، تعداد دفعات مشخصی، آن فعالیت انجام پذیرد تا از وقوع برخی حوادث جلوگیری شود. در بسیاری از مواقع کودک دقیقاً نمی داند که چه حادثه بدی رخ خواهد داد او فقط احساس بدی دارد. افزایش آداب اجباری، می تواند در تمام زندگی کودک وجود داشته باشد و کودک ساعت ها این کار را انجام دهد، و با عملکرد روز مره کودک در تداخل می باشد.

سرگذشت رایان^۱

رایان در ده سالگی به طور اجباری شروع به شستن دستهایش کرد. او اکنون چهارده سال دارد. وی مجبور بود که در مدرسه یا مکان‌های عمومی به صورت مکرر دستهایش را بشوید و خشک کند (دقیقاً ۶ بار قبل از اینکه از دستشویی بیرون آید). هیچ کس در مورد این مشکل چیزی نمی دانست و او تلاش می کرد که دیگران متوجه نشوند که چند بار به دستشویی می رود، به همین خاطر، همیشه یک بسته دستمال توالت را با خود حمل می کرد (مادرش تحت تاثیر قرار گرفته بود به ویژه، وقتی که می دید بیشتر پسرهای هم سن و سال او، در مورد پاکیزگی به این حد دقت نمی کنند). رایان تا حد امکان پیراهن آستین بلند می پوشید تا دستش پوشیده شود و بتواند در مکان های عمومی در را باز کند و به همین منظور دستش را به داخل آستین فرو می برد. مشکل اصلی زمانی خود را نشان داد که والدینش می دیدند، توالت بارها و بارها مسدود می شود زیرا رایان بیش از حد از دستمال توالت استفاده می کرد.

سرگذشت لیندا^۲

لیندا دانش آموزی عالی بود و به درجه‌ای رسیده بود که هرگز نمره‌ی زیر ۱۷ نمی گرفت. در اواسط پایه ششم نگرانی او در مورد توانایی برای حفظ توانمندی تحصیلی‌اش بیشتر و بیشتر می شد. بدون اینکه بداند این تفکر چه موقع شروع شده است، او خود را درگیر یک تفکر عادت‌ی می دید، به گونه ای که حس می کرد نباید در امتحان نمره پایین بگیرد. این حالت نشان دهنده تفکر در باره نمرات بد در امتحان بود. این فکر باعث می شد که هیچ گونه فکر مثبتی به ذهن او خطور نکند، مثل این: (من صفر می گیرم، من پنج می گیرم من ده می گیرم، من بدبختم، من مطمئنم که می افتم) و اگر در حین فکر کردن به این موارد، فکر گرفتن نمره ۲۰ یا ۱۷ به ذهنش خطور می کرد، مجبور بود که دوباره روند فکر کردن را از سر بگیرد و دوباره به همان فکرهای منفی می رسید. با گذشت زمان او در مورد تمام مسائل زندگی به خصوص در مورد سلامتی پدر و مادرش به همین شیوه عمل می کرد. سرانجام نمره هایش شدیداً افت کرد و زندگی روزمره‌اش به خاطر اینکه مدت زمان زیادی را صرف کامل کردن این افکار عادت‌ی می نمود، مختل شد.

1. Ryan

2 Linda

درمان کودکان OCD

لازم به ذکر نیست، برای اینکه کودک مبتلا به OCD قادر شود در هر مدرسه ای ادامه تحصیل دهد، درمان OCD ضروری است. بیشتر کودکان OCD به درمان های استاندارد پاسخ بسیار خوبی می دهند. معمولاً ترکیبات دارویی جهت کاهش علائم این بیماری همراه با درمان شناختی- رفتاری (CBT^۱) استفاده می شود. دکتر جان مارچ^۲ کتاب بسیار خوبی در زمینه ی توصیف درمان کودکان OCD نوشته است (مارچ و مول^۳ ۱۹۹۸). پدر و مادری که فرزند آنها علائم OCD را همراه با و یا بدون NLD و یا سندرم آسپرگر نشان می دهد، می باید ارزیابی و درمان همه جانبه ای برای کودک مد نظر داشته باشند. مداخلات زود هنگام احتمال موفقیت بیشتری دارد و تعداد زیادی از کودکان به درمان دارویی مداوم نیاز ندارند. درمان شناختی- رفتاری در طول زندگی این افراد بسیار موثر می باشد. در کودکان NLD یا سندرم آسپرگر که تشخیص OCD و ADHD نیز در مورد آنها داده شده، NLD و AS اختلال اصلی محسوب می شود و این تمایز مثل بازکردن فرق مو به نظر می رسد. اگر در مورد کودکی تشخیصی داده شده و تشخیص دیگر نیز در موردش صدق نمود یا به عبارتی اگر کودک هر دو اختلال را داشته باشد، چه اتفاقی می افتد؟ تشخیص اشتباه NLD یا AS باعث درمان اشتباه و تعیین سطح تحصیلی اشتباه خواهد شد. برای مثال، غالباً برای کودکان NLD و AS در همان اوایل کودکی، تشخیص زودهنگام ADHD را می دهند. این تشخیص بواسطه وجود مشکلاتی در زمینه ی رفتار مبتنی بر دستور، توجه، و تمرکز می باشد. مشکل همراه با این خطا می تواند مهم باشد زیرا کودک NLD یا AS با مشکلات مربوط به کودک ADHD برخورد نمی کند. قرار دادن کودکان NLD و AS با کودکان ADHD که مشکلات رفتاری آنها مهم تر و اصلی است و به تغییر رفتار و محرکات دارویی بسیار خوب پاسخ می دهند، در یک کلاس یک اشتباه جدی است. اگر چه دارو برای برخی از کودکان NLD و تعدادی از کودکان AS می تواند موثر باشد اما در مورد کودکان ADHD روش های اصلاح رفتار و جلسات آموزشی به تنهایی انتخاب مناسبی نیست. این شیوه منجر به نادیده گرفتن نیازهای اجتماعی کاربردی خاص کودکان NLD و AS می شود و اضطراب آنها را در این موقعیت ها افزایش می دهد به علاوه مشکلات بینایی- فضایی آنها به خاطر تمرکز بر کنترل رفتار همچنان باقی می ماند.

1 -Cognitive behavioral therapy

2 -John March

3 -March and Mulle

تشخیص مدرسه در مقابل تشخیص بالینی

باید به خاطر داشته باشیم که زبان انجمن سلامت ذهنی و پزشکی حرفه ای با زبان انجمن های آموزشی متفاوت است. مدارس ممکن است از یک سری برچسب هایی استفاده کننده که شبیه بر چسب های تشخیصی DSMIV باشد، اما ضرورتاً به یک معنا نیستند. DSMIV هیچ گونه معیار تشخیصی برای NLD و اختلالات رفتاری ندارد اما مدارس ممکن است از معیارهای موجود در آن استفاده کنند. مدارس اغلب به دانش آموزی که شدیداً از لحاظ عاطفی صدمه دیده است،¹ SED اطلاق می کنند که تشخیص DSMIV نمی باشد. خدمات آموزشی خاص برای کودکی تحت عنوان SED انعکاسی از تصمیم گروهی از افراد به ویژه، والدین می باشد. وقتی سیستم های مختلف درباره فرزند والدینی با استفاده از زبان متفاوت صحبت می کنند، یا بدتر از آن با زبانی ظاهراً یکسان اما با معنی متفاوت صحبت میکنند باعث گیج شدن والدین می شود. والدین نه تنها باید یاد بگیرند که چگونه جهان کودک NLD و AS را رمزگشایی نمایند، بلکه باید زبان سیستم هایی که اکنون با آن در تعامل هستند را نیز بیاموزند. این تعاملات باید توسط حامیان آموزشی و سایر تخصص های دیگر، مورد حمایت قرار گیرد.

نیاز به آموزش مداوم در کودکان NLD و AS

والدین و متخصصین آموزش باید در مورد نا توانی یادگیری غیر کلامی و سندرم AS آگاهی داشته باشند. اگر بزرگسالانی که با این کودکان در ارتباط هستند، در مورد خدمات ارزیابی، برنامه های طراحی شده و تامین یک محیط یادگیری امن برای این کودکان اطلاعات اندکی داشته باشند، آینده این کودکان به نظر غم انگیز خواهد بود. اگر تشخیص صحیح صورت نپذیرد، ممکن است خدمات درستی برای کودک انجام نشود و در نتیجه کودک را به سالها قبل برگرداند. کودک NLD و AS ممکن است در کلاسی درس بخواند که در آن نیاز سایر دانش آموزان شدیدتر و متضاد با نیازهای او باشد. آخرین نیاز کودکان NLD و AS درس خواندن در کلاسی با دانش آموزان دارای مشکلات رفتاری می باشد و نباید با دانش آموزانی که از لحاظ هوشی محدودیت داشته و یا اختلالات یادگیری مبتنی بر زبان دارند، قرار بگیرند.

محیط مناسب، استعداد خاص این کودکان را دریادگیری تحت تاثیر قرار می دهد و از طریق یادگیری و مطالعه می توان این اختلالات، می توان محیط یادگیری موفق برای آنها ایجاد نمود. با طراحی برنامه و خدمات مناسب، کودکان NLD و AS می توانند آینده ای روشن و مملو از موقعیت هایی که هر فرد آرزوی آنها را دارد، پیش رو داشته باشند.

1 - severely emotionally disturbed

○ فصل اول

« اختلال یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر چیست؟ »

الیور^۱ در هنگام نوزادی، شیرین و دوست داشتنی بود. وی در بیشتر مدت زمان بیداری خود، با شادی به بازی کردن با اسباب بازی های در دسترسش می پرداخت و برای بغل شدن، مشتاقانه به دنبال فرد بزرگسالی می گشت. او زیرکی زودتر از موعد طبیعی؛ از خود نشان می داد و اشتیاق به تعامل داشت. اغلب در پاسخ به آواسازی دیگران، آواسازی می کرد. گاهی اوقات نسبت به صداهای بلند به حالت وحشت زده یا آشفته، واکنش نشان می داد و به نظر می رسید نسبت به سایر کودکان کم سن، علاقه ی کمتری به اسباب بازی های براق دارد. زمانی که بزرگتر و کودک نوپا شد، اغلب به اشیاء اطرافش اشاره می کرد و به نظر می رسید که از پاسخ های کلامی بزرگسالان که منظور او را متوجه شده اند، لذت می برد. نسبت به آنچه که در اطرافش می گذشت، علاقمند بود اما به کشف محیط اطراف از طریق بدن، علاقه کمتری داشت (رشد چهار دست و پا رفتن و راه رفتنش کند بود). والدینش به هوش بارز وی افتخار نموده و کشف زبانی او را تشویق می کردند.

تا ۳ سالگی، الیور خزانه واژگانی جامعی بدست آورده بود، اما رشد مهارت حرکتی او از سایر کودکان هم سنش عقب تر بود. اغلب با استفاده از خزانه واژگانی بسیار خوب در مورد احساسی که از اجزاء تشکیل دهنده لباسش داشت، شکایت می کرد و برچسب روی لباسش را دوست نداشت و ترجیح می داد فقط پارچه اصلی را در مقابل پوستش احساس کند. معمولاً در نزد والدینش، شاد و بشاش بود، ولی به یکباره وحشت زده می شد. زمانی که الگوی معمول زندگی او، به دلایلی مانند گم شدن شیء مورد علاقه اش یا آماده نشدن لباس مناسب توسط والدین، تغییر می کرد، وی با گریه کردن و جیغ زدن برافروخته می شد. گاهی درحین این برافروختگی، آرام نشدنی به نظر می رسید، و والدینش برای حل مشکل، احساس درماندگی می کردند و حس می کردند نمی توانند او را کنترل کنند.

تا قبل از مدرسه، مشخص شده بود که الیور غیر عادی است. با وجود اینکه در خانه گرم و دوست داشتنی بود و به طور کلی، خوب رفتار می کرد، در مدرسه دوستان کمی داشت و به ندرت در بازی گروهی شرکت می کرد. او تمایل داشت با هم سن و سالانش رابطه داشته باشد، اما در فعالیت هایی که به مهارت حرکتی نیاز داشت، دست و پاچلفتی بود و در فهم اینکه چطور با یک کودک هم سن خود در فعالیت متقابل شرکت کند، مشکل اساسی داشت. کودکان او را نادیده می گرفتند و اغلب به تنهایی بازی می کرد. در خانه رفتارهای ثابتی داشت که والدینش این ویژگی را به خوبی متوجه شده بودند. وی عادات خاصی از خود نشان می داد و به آنها وابسته بود. همچنین علاقه خاصی به دایناسورها داشت. قادر بود دایناسورهای مختلف را با اسامی علمی شان نام ببرد، و می توانست دوره های زمانی مربوط به زندگی آنها را دقیقاً تشخیص دهد. حتی در سن پنج سالگی، فیلم هایی که به اشتباه، دایناسورهای دوره های مختلف را به عنوان هم دوره نشان می دادند باعث ناراحتی او می شد.

▪ NLD و AS : افتلالات پنهان

برای اکثر ما، داشتن کودک، این امکان را می دهد تا یک احساس تازه از تمامی آنچه که در اختیار داریم، داشته باشیم و تمام امکانات دنیا را از نو تصور کنیم. برای کودکانمان چیزهای شگفت انگیز آرزو می کنیم، برای زندگی برنامه ریزی کرده و برنامه هایی برای موفق شدن آنها فراهم می کنیم، برای آنها خیال پردازی کرده و دربرخی موارد، برای آنها می ترسیم. هنگامی که با نگرانی منتظر ورود یک عضو جدید خانواده هستیم، هیچ کس نمی تواند رنج، آشفتگی و اضطرابی را تصور کند که زندگی کودک مبتلا به یک اختلال نامعلوم مثل ناتوانی یادگیری غیر کلامی (NLD) یا سندرم آسپرگر (AS) را ممکن است در بر بگیرد.

این کتاب تلاش خواهد کرد تا با ارائه اطلاعات، ایده های عملی و شرح خلق و خوی کودکان NLD و AS، در جهت کم کردن رنج و آشفتگی خود و کودکان به شما کمک نماید. دانش ما درباره اختلالات عصبی رفتاری و درک آن در کودکان و مفهوم آنها یک موضوع جدید و در حال گسترش است. اکثر چیزهایی را که ما می دانیم، تقریباً به تازگی به دست آورده ایم، و برخی از مطالبی که در اینجا ارائه خواهد شد، اندیشه ناب و ایده های ارائه شده توسط خیلی از افرادی است که هر روز برای بهبود زندگی این کودکان تلاش می کنند. کودک NLD یا AS همانند یک صندوق در بسته می باشد و کار ما پیدا کردن کلیدی است که آن صندوق را باز کند.

■ افتلال عصبی رفتاری چیست؟

اختلال عصبی رفتاری، نوعی بدعملکردی عصب شناختی در پردازش اطلاعات در مغز است. این بدعملکردی به ارث می رسد؛ همراه با کودک بدنیا می آید. این حالت هیچ نوع از عقب ماندگی ذهنی نیست، بلکه تفاوتی در شناخت یا تفکر کودک می باشد که مشکلاتی در فهم جهان و تعامل با دیگران ایجاد می کند.

انواع زیادی از اختلالات عصبی رفتاری وجود دارد، ناتوانی یادگیری غیرکلامی (NLD) و سندرم آسپرگر (AS) فقط دومی از این اختلالات هستند. اگرچه این اختلالات تشخیص های جداگانه ای دارند، اما شباهت های چشمگیری در علائم این دو اختلال دیده می شود، و به دلیل آنکه همپوشانی ظرفیتی در مداخلات درمانی موفقیت آمیز آنها وجود دارد، توصیف آنها در یک کتاب، معقول به نظر می رسد.

■ ناتوانی های یادگیری

مفهوم ناتوانی های یادگیری، حدوداً از زمانی شکل گرفته است که مریبان علاقمند شدند بفهمند چرا کودکان ظاهراً باهوش نمی توانند در مدرسه خوب عمل کنند. ناتوانی یادگیری، عدم توانایی یادگیری مطالب و انجام یا اجرای فعالیتی در سطح متناسب با استعداد یا هوش فرد می باشد. اگر کودکی استعداد زیر حد متوسط، یا IQ اندازه گیری شده در پایین ترین حد متوسط یا زیر حد متوسط داشته باشد و عملکرد آن کودک نیز معادل آن و زیر حد متوسط باشد، ناتوانی یادگیری مطرح نیست. در این گونه موارد کودک در حد استعدادش عمل می کند و یاد می گیرد و ناتوانی یادگیری نخواهد داشت. کودکان مبتلا به ناتوانی های یادگیری، طبق تعریف کودکان با هوشی می باشند، این نکته زمانی مهم است که به آنها کمک می نمایم تا نیازهای یادگیری شان را بفهمند.

در دهه ۱۹۷۰ و تا دهه ۱۹۸۰، مریبان، درمانگران و محققان شروع به تمرکز روی ناتوانی های یادگیری با پایه ی زبانی کردند. آنها کودکانی را شناسایی کردند که ابتدا در خواندن یا در برخی موارد هم در خواندن و هم در ریاضی شکست می خوردند. در طول زمان، فهم فزاینده ای از ناتوانی های یادگیری ویژه (درمیان آنها نارساخوانی^۱ یا ناتوانی در خواندن) به وجود آمده است. این کودکان به طور متمرکز تحت تلاش هماهنگ محققان، مریبان و والدین قرار گرفته اند، که به رشد برنامه های موفق منجر شده است، که هدف آنها درمان ناتوانی های یادگیری ویژه بود. این تلاش ها مربوط به حدود بیست سال پیش بوده است

و اکنون نارساخوانی یک اختلال یادگیری کاملاً شناخته شده با پیش آگهی خوب می باشد. امروزه، در آستانه همان نوع انفجار اطلاعات و رشد برنامه برای کودکان مبتلا به NLD و AS می باشیم و به احتمال زیاد پنج تا ده سال بعد، شاهد یک تغییر کاملاً مشخص در تشخیص و درمان این کودکان خواهیم بود.

▪ ناتوانی یادگیری غیر کلامی

در اواخر دهه ۱۹۶۰ محققان متوجه کودکانی شدند که نقایص ویژه در عملکرد اجتماعی-عاطفی و ضعف در مهارت های ریاضی داشتند (جانسون و مایکل باست^۱، ۱۹۷۱). این کودکان با کودکان دچار ناتوانی یادگیری که در تعاریف سنتی آمده است شباهت نداشتند و به نظر نمی رسید که از مشکلاتی با پایه ی زبانی رنج ببرند، با این وجود تمام این کودکان، مشکلات باثباتی را نشان می دادند. این نویسندگان کودکی را توصیف می کنند که از لحاظ اجتماعی نامناسب و از لحاظ جسمی دست و پاچلفتی است و دچار مشکل در ریاضی و پردازش کلی بینایی-فضایی می باشد، اما می تواند زبان را بی نهایت خوب تولید کند. اولین توصیف از این کودکان در کتاب «ناتوانی یادگیری غیر کلامی چیست؟» منتشر شده است. (مایکل باست، ۱۹۷۵).

علاقه به شناخت این کودکان ادامه پیدا کرد و در سال ۱۹۸۹، اولین کتاب اختصاص یافته به NLD تحت عنوان "سندرم و مدل ناتوانی یادگیری غیر کلامی" توسط بایرون رورکه^۲ منتشر شد. در این کتاب نویسنده یک گروه از کودکانی را توصیف می کند، که مشکلاتی در پنج حوزه اصلی زیر از خود نشان می دهند:

- **ادراک لمسی:** ادراک لمسی، فهم چگونگی احساس اشیا است. این فهم شامل آگاهی از شیء، از طریق حس لامسه میباشد (ابریشم نرم و سنگفرش زبر است) و همچنین شامل توانایی نادیده گرفتن حس چیزهای خاص می باشد (برای مثال برچسب پشت پیراهن).

- **هماهنگی روانی- حرکتی:** هماهنگی روانی حرکتی، توانایی جهت دادن به اعمال به شیوه ای هماهنگ می باشد: برای مثال پرتاب توپ درون سبد.

- **سازماندهی بینایی- فضایی:** این سازماندهی شامل استفاده از اطلاعات بینایی (اطلاعاتی که از طریق حس بینایی دریافت می شوند) جهت آگاهی از موارد موجود در محیط اطراف است؛ برای مثال، فهم این

1 - Johnson and Myklebust

2 - Byron Rourke

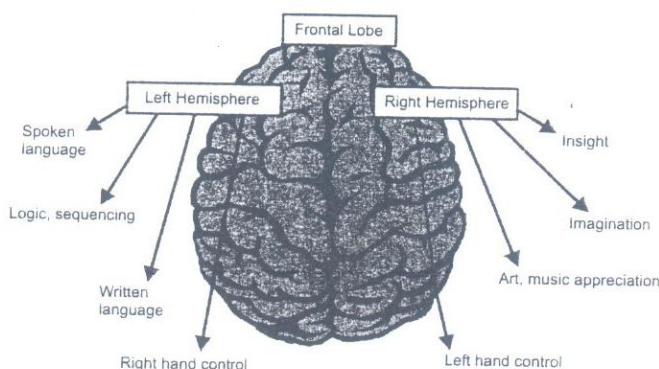
مطلب که، اشیایی که نزدیک هستند، بزرگتر و اشیایی که دورتر هستند، کوچکتر به نظر می رسند. برای نگاه کردن به یک صفحه پراز مسائل ریاضی و دانستن اینکه یک مسئله کجا تمام می شود و دیگری شروع می شود، سازماندهی بینایی - فضایی مورد نیاز است، بعلاوه، سازماندهی بینایی - فضایی، توانایی ما را برای حرکت ماهرانه از کنار اشیایی که در هنگام راه رفتن یا دویدن در مسیرمان وجود دارد، کنترل می کند.

- **حل مسئله غیر کلامی:** حل مسئله غیر کلامی شامل مهارت در فهمیدن این مطلب است که چگونه بعضی اشیا را بدون داشتن کتابچه راهنمای آنها، مورد استفاده قرار دهیم. حل مسئله غیر کلامی به نظر می رسد در بر گیرنده مهارت های بینایی - فضایی است و بدین معنی می باشد که اگر فرد در یک قسمت، عملکرد ضعیف نشان دهد، در قسمت دیگر هم دچار ضعف می باشد.

- **توانایی درک شوخی و موارد غیر متشابه:** به نظر می رسد، مواردی همچون توانایی درک موقعیت های غیر متشابه، یا مواردی که معمولا با یکدیگر نمی آیند و درک شوخی، با یکدیگر مرتبط هستند. کودکان NLD که توسط رورکه مورد مطالعه قرار گرفتند، مشکلات قابل توجهی در درک موارد غیر متشابه و شوخی افراد از خود نشان می دادند (رورکه، ۱۹۸۹).

کودکانی که توسط رورکه توصیف گردیدند، دارای مهارت های کلامی طوطی وار بودند که به خوبی در آنها رشد یافته بود (استفاده دقیق و خاص از کلمات)، همچنین مهارت های حافظه کلامی و مهارت های زبان شنیداری قوی (توانایی به یاد آوردن اطلاعاتی که آنها را شنیده اید) داشتند. این موضوع بدین معناست که آنها کودکانی هستند که اطلاعات (به ویژه اطلاعاتی که به صورت کلامی به آنها ارائه می شود) یا وقایع را، خیلی خوب به حافظه می سپارند، روندی که تحت عنوان یادگیری طوطی وار نامیده می شود. مفاهیم ریاضی، هجی کردن کلمات یا فهرستی از نتایج مسابقات فوتبال، به آسانی توسط این کودکان می تواند حفظ و تکرار شود. به نظر می رسد این کودکان اغلب، مواردی را که می شنوند، به طرز شگفت انگیزی خوب به یاد می آورند.

محققین قبلی گمان می کردند که این کودکان از بد عملکردی نیمکره راست مغز رنج می برند (شکل ۱-۱).



شکل ۱-۱ نمای مغز از بالا

نیمکره راست منبع تفکر تصویری، پردازش بینایی-فضایی و ایده ها و تفکراتی که بر درک غیر کلامی از جهان تکیه دارند، در نظر گرفته شده بود. افرادی که مهارت های نیمکره راست آنها قوی است، بدون نیاز به آموزش کلامی یا نوشتاری، به آسانی می توانند پیوند بعضی مسائل به همدیگر را درک کنند. در گذشته ریاضیات و نیز توانایی تعبیر کردن اشارات اجتماعی غیر کلامی، شامل زبان بدن، بیان چهره ای و حتی آهنگ صدا، قسمتی از فعالیت نیمکره راست مغز در نظر گرفته می شد.

به طور سنتی، مهارت های زبانی به عنوان فعالیت نیمکره چپ مغز در نظر گرفته می شد. اما محققان اعتقاد دارند که بدون کمک یا دستور از نیمکره راست، مهارت های زبانی، به عنوان مهارت های اجتماعی به شمار نمی آیند. تصور می شود که اختلال در نیمکره راست، مانع توانایی شخص برای تعبیر شرایط اجتماعی می گردد. چنین شخصی می تواند حجم زیادی از زبان را بیان کند، بدون اینکه ظرایف اجتماعی آن زبان را درک کند.

▪ مغز: فهم متداول

فهم عملکرد مغز به عنوان مجموعه مهارت های واگذار شده به نیمکره های راست و چپ، یک دیدگاه بسیار ساده انگارانه است. مغز از یکسری لایه های مرتبط با هم تشکیل شده است که از عمیق ترین قسمت در درون مغز تا چین های سطحی بروی مغز را در بر می گیرند و همه یک مقصود را بر آورده می سازند. ما اکنون می دانیم که عملکرد مغز از آنچه که ما فکر می کنیم، شکل پذیرتر (یا قابل تغییر) و انعطاف پذیرتر می باشد. دیدگاه های اولیه در این زمینه اعتقاد داشتند که مغز تا سن پنج سالگی رشد می کند و از آن پس هیچ چیز جدیدی رخ نمی دهد. با پیشرفت علم عصب شناسی، ارائه نقشه عملکردهای متداخل و پیچیده بخش های مختلف مغز آغاز گردید. به نظر می رسد یادگیری و تفکر در انسان، محدود به یک

نیمکره نمی باشد. بلکه، جنبه های متعدد "یادگیری" مربوط به ارتباط بین دو نیمکره می باشند و نواحی مختلف مغز را درگیر می کنند.

نقش اصلی لوب فرونتال (شکل ۱-۱) مشخص می باشد. درمیان وظایف زیاد این لوب، لوب فرونتال مسئول ایجاد و سپس نظارت بر ارتباطات بین اجزای اطلاعات ذخیره شده در دیگر نقاط مغز است. به نظر می رسد، یکی از وظایف خیلی مهم لوب فرونتال توانمند ساختن افراد جهت یادگیری از اطلاعات جدید یعنی، استفاده از شرایط تازه برای افزایش دانش می باشد. اطلاعات از هر دو نیمکره راست و چپ با لوب فرونتال ارتباط پیدا می کنند و به واسطه فعالیت های مغزی پیچیده و ساده، انسان می تواند یاد بگیرد.

اخیراً NLD را ناشی از شکست ساده در عملکرد نیمکره راست نمی دانند بلکه مشکلات تجربه شده توسط کودکان مبتلا به NLD در تعبیر شرایط اجتماعی، یکپارچه سازی اطلاعات جدید و یادگیری از تجربیات، بدعملکردی لوب فرونتال و ماده سفید (ارتباطات عصبی بین نیمکره راست و چپ مغز و لوب فرونتال) را نشان می دهد. عنوان "ناتوانی یادگیری غیرکلامی" واقعاً گمراه کننده و مایه ی تأسف است، چون مشکلات تجربه شده فقط غیرکلامی نیستند و وسعت آنها بسیار فراتر از مشکلات مورد بحث در ناتوانی یادگیری است. همان طور که در فصول بعدی خواهید دید، کودکان مبتلا به NLD دارای مشکلات زبانی هستند. آنها در تولید زبان مشکل ندارند بلکه در استفاده از آن مشکل دارند. برخی از متخصصینی که با افراد NLD کار می کنند عنوان مناسب برای این اختلال را، "اختلال در پردازش اطلاعات" پیشنهاد کرده اند (IPD)^۱. با وجود این، ناتوانی یادگیری غیرکلامی متداولترین عنوان مورد توافق در مورد کودکانی است که در اینجا توصیف شده اند.

▪ میزان شیوع NLD چقدر است؟

بر اساس گزارش سالیانه دپارتمان آموزش ویژه ایالات متحده (۱۹۹۹) ۱۲/۸ درصد از تمام کودکان ثبت نام شده در مدارس ایالات متحده، تحت آموزش ویژه هستند. بیش از ۸ درصد از کودکان ثبت نام شده در مدارس، به طور خاص واجد شرایط برای آموزش ویژه در حوزه های ناتوانی یادگیری و آسیب گفتار و زبان هستند، یعنی همان دو حوزه ای که اغلب کودکان NLD اختلال دارند. بایرون رورکه گزارش می کند که ۱۰ درصد کودکان در جمعیت های اختلال یادگیری، در واقع NLD هستند (رورکه ۱۹۹۵). آمار ارائه شده، مبین این است که تقریباً ۱ درصد از جمعیت کلی ایالات متحده، یا حدود ۲/۷ میلیون نفر مبتلا به NLD هستند. به نظر می رسد تفاوتی در وقوع بین دختران و پسران وجود ندارد.

نشانه های تشخیصی ویژه و ویژگی های این اختلال با جزئیات بیشتر در فصل های بعدی این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت، اما حوزه های اصلی بدعملکردی در ناتوانی یادگیری غیر کلامی، شامل موارد زیر هستند:

- نقص در پردازش اطلاعات و مهارت های سازماندهی
- عملکرد بینایی-فضایی و حسی ضعیف
- آسیب قابل توجه در تعاملات اجتماعی
- در عین حال، کودکان NLD به طور کلی در حوزه های زیر بهتر عمل می کنند:
- تولید زبان کلامی غیر معمول (بیش از سطح سنی)
- خزانه واژگانی بسیار عالی
- تکیه خوب بر یادگیری و حافظه در مورد اطلاعاتی که شنیده شده اند.

■ تشخیص ناتوانی یادگیری غیر کلامی

ناتوانی یادگیری غیر کلامی در آخرین ویرایش کتاب راهنمای آماری و تشخیصی اختلالات ذهنی (DSM-IV) به طور جداگانه آورده نشده است، این راهنمای رسمی برای تشخیص اختلالات ذهنی توسط انجمن روانپزشکی آمریکا انتشار یافته است. معمولاً، تشخیص NLD توسط یک روان شناس با صلاحیت با استفاده از ابزارهای تشخیصی متنوع (پیوست الف) انجام می شود. فهرست علائم مورد استفاده توسط دکتر دارلن سویتلند برای غربالگری NLD در اینجا آورده شده است. (این نسخه برای مخاطب عمومی ویرایش شده است.)

■ NLD ویژگی های مربوط به آن

فهرست علائم

این فهرست توسط دکتر کاترین استوارت^۱ و دارلن سویتلند در سال ۲۰۰۱ به نگارش درآمده است. جهت تشخیص ناتوانی یادگیری غیر کلامی فرد باید ۸۰٪ از علائم زیر را دارا باشد:

شأنفص های اجتماعی/عاطفی

۱- برای تعبیر سرنخ های رفتاری و چهره ای دیگران، به ویژه هم سالان توانایی ضعیف دارند.

- ۲- در موقعیت های اجتماعی تفسیری عینی یا تحت الفظی از زبان دارند؛ اختلافات مربوط به ریزه کاری های اجتماعی را درک نمی کنند.
- ۳- به "درخندگی" اشیاء علاقه شدید دارند.
- ۴- تفسیر خیلی سیاه و سفید از قوانین دارند: قوانین را در برخورد با همسالان، بزرگسالان و شرایط یادگیری، مهم در نظر می گیرند و زمانی که قانونی شکسته می شود، کودک آشفته می گردد.
- ۵- تسلی ناپذیرند: به محض آشفتگی، برای کودک رها شدن از آشفتگی کار دشواری است.
- ۶- تفکر انعطاف ناپذیر دارند: زمانی که کودک ایده ای را در مورد چیزی در ذهن خود شکل می دهد، تمایلی برای تغییر آن ایده ندارد.
- ۷- نوعی از اختلال وسواس اجباری دارند: وسواسی که توسط یک روانشناس یا روانپزشک تشخیص داده می شود.
- ۸- مستعد احساس سرخوردگی هستند. کودک اغلب محرکات یا شرایطی دارد که احساس ناکامی می کند. این محرکات می تواند شامل موارد زیر باشد: شنیدن صداهای خاص، حس کردن فشار برای واکنش نشان دادن یا تعامل داشتن یا احساس سر درگمی در مورد چیزی که از او پرسیده می شود.
- ۹- طغیان های ناگهانی دارند. این طغیان ها معمولاً متناوب هستند، اما محرکات قابل پیش بینی دارند. این طغیان ها می توانند کلامی، برخورد فیزیکی مستقیم با اشیاء یا عصبانیت باشند.
- ۱۰- آراستگی و بهداشت ضعیف دارند. کودک (و نوجوان) به نظرمی رسد هیچ احساسی نسبت به آراستگی ظاهر خود که در دیگران تاثیر می گذارد، ندارد.
- ۱۱- تاریخچه ای در زمینه مشکلات مربوط به خواب در زمان گذشته یا زمان حال دارند.

استفاده از زبان

- ۱- تاریخچه تأخیر زبانی در مراحل اولیه رشد ندارند، زبان کودک به طور طبیعی یا بهتر از طبیعی رشد می کند.
- ۲- برون داد سطح بالای زبان دارند. کودک را می توان مشابه یک "پروفسور کوچک" در نظر گرفت.
- ۳- اختلال در نوای گفتار (وزن و روانی گفتار) دارند. بسیاری از کودکان NLD صوت یکنواختی دارند.
- ۴- تولید کلامی بسیار خوب (خزانه واژگانی غنی) در کودکی که از لحاظ تحصیلی زیر حد انتظار عمل می کند، دیده می شود.

- ۵- مشکلاتی در کاربرد زبان (درک و استفاده صحیح از زبان در بافت، که شامل درک نیت زبان می‌شود) در کودکی که تولید کلامی خیلی عالی دارد، دیده می‌شود. مشکلات کاربرد زبان در این کودکان به این صورت است که نمی‌توانند زبان را به همان خوبی که تولید می‌کنند استفاده کنند.
- ۶- در زمینه موضوعات مورد علاقه خود رشد مناسبی دارند، به گونه‌ای که غالباً بیش از اندازه روی آن موضوعات متمرکز می‌شوند و دیده می‌شود یک کودک NLD بدون توجه به علاقه شنونده نسبت به موضوع، به تفصیل در مورد آن موضوع صحبت می‌کند و ممکن است به طور مکرر موضوعات را تغییر دهد.

شافص های شناختی یا یادگیری

- ۱- در وانمودسازی ناتوان هستند.
- ۲- بی نظم هستند. با وجود اینکه کودکان NLD می‌توانند بسیار کمال گرا باشند، اما اغلب نمی‌توانند تفکر، اعمال و کارهای روزمره خود را سازماندهی کنند. آنها همچنین مستعد گم کردن تکالیف، کاغذها و یادداشت‌های خود هستند.
- ۳- مشکل یادگیری در زمینه گفتن زمان دارند.
- ۴- در تعیین راست و چپ سردرگم می‌شوند. این سردرگمی اغلب به عنوان سردرگمی جهت یابی توصیف می‌شود.
- ۵- نقایصی در یادگیری غیر طوطی وار دارند. کودک در حفظ کردن (یادگیری طوطی وار) نسبت به استنباط معنی یا پیش بینی نتیجه، بهتر عمل می‌کند؛ کودک با سؤالاتی مانند "بعداً چه اتفاقی می‌افتد؟" مشکل دارد.
- ۶- مشکل در توصیف ایده اصلی داستان دارند.
- ۷- برای تکالیف یادگیری به اطلاعات شنیداری به عنوان ابزاری در جهت حمایت، وابسته هستند. غالباً هنگام فعالیت‌های سخت در خانه یا مدرسه یا در مکان‌های عمومی با خود صحبت می‌کنند.

علائم حس- حرکتی

- ۱- به لمس حساسیت دارند. کودک اعتقاد دارد که اشیاء را "به طور عجیبی حس می‌کند" و یا تمایل خاصی به پارچه‌ها یا پتویی که حس خاصی ایجاد می‌نماید، دارد. زمانی که کودک کم سن و سال تر است، ممکن است بخواهد تمام برچسب‌ها را از لباس‌هایش جدا کند.

- ۲- حساسیت شنیداری دارند؛ صداها کودک را آزار می دهند و صداهاى فوق العاده بلند را به سختی می پذیرند. کودکان NLD غالباً ذکر می نمایند که جویدن آدامس یا ضربه زدن با مداد روی میز کلاس توسط دیگران یا نشست های عمومی آنها را پریشان می کند.
- ۳- مستعد "گم شدن در فضا" هستند؛ کودک براحتی در فضای محدود (در یک مکان) گم می شود. درواقع در مکان هایی که قبلاً بوده است گم می شود. این تمایل در موقعیت های جدید و پراسترس افزایش می یابد.
- ۴- مشکلات مهارت حرکتی که معمولاً به صورت یک مورد یا تعداد بیشتری از موارد زیر آشکار می شود:
 - دیس گرافی (ناتوانی در نوشتن کلمات یا نشانه ها که ناشی از بدعملکردی مغزی است).
 - در حرکات درشت مشکل دارند: برای مثال مشکل در دوچرخه سواری یا انجام ورزش های سازماندهی شده، و تمایل به برخورد ناگهانی با اشیاء دارند.
 - ضعف جسمانی دارند: هنگام ورزش خیلی زود خسته می شوند.
 - در حرکات ظریف غیر از نوشتن نیز مشکل دارند. برای مثال یادگیری چگونگی گره زدن بند کفش.

■ سرگذشت رن^۱

زمانیکه رن بدنیا آمده بود، کودک محبوب و گرمی بود. اما غالباً گریه می کرد و مانند برخی نوزادان دیگر در تغذیه مشکل داشت. او اولین فرزند والدینش بود و خانواده اش نسبت به گفتارش نگران نبودند، چون رشد طبیعی داشت. رشد کودک در جنبه های خاصی بهتر از سایر جنبه ها بود. رن یک اسب کوچک صورتی داشت که به نظر می رسید که باید آن را همیشه با خودش به همراه داشته باشد. اسب کوچک وی از پارچه ابریشمی درست شده بود و او آن را به صورتش می مالید و اغلب آن را می بوئید. او در مورد اسباب بازی و اسب ها و اسب های مینیاتوری زیادی، که آنها را جمع کرده بود، صحبت می کرد. در سن پنج سالگی او هنوز اسب کوچکش را تمام مدت با خودش حمل می کرد، حتی با خودش به مهد کودک می برد، زبان در او بخوبی رشد یافته بود و ازگان زیادی داشت و والدینش به این مسئله افتخار می کردند. هنوز با دیگر کودکان بازی نمی کرد و نمی خواست که هیچ کس بجز پدر و مادرش او را لمس کنند. دست و پا چلفتی بود. طوریکه نمی توانست دوچرخه سواری کند یا بند کفشش

را ببندد. اما تقریباً هر پازلی که به او داده می شد را می توانست بسازد. سلیقه های غذایی او محدودتر شده بودند و او ترجیح می داد که هر روز چیزهای ثابتی را بخورد (مانند: ماکارونی، پنیر، شیر). گاهی اوقات در طول شب بیدار می ماند، اما با این حال کابوس دیدن را انکار می کرد. والدین او نگران نبودند. آنها فکر می کردند او خجالتی است و تصور می کردند که او به صورت، فردی که شبیه به دیگر گروه های هم سن و سالش نیست، رشد خواهد یافت. پدر و مادر او هر دو مهندس کامپیوتر بودند. و هر دو خجالتی و کم رو بودند و به نظر می رسید که هیچ مشکلی با خجالتی بودن دخترشان نداشتند.

▪ سندرم آسپرگر

برای اولین بار تعاریف مقدماتی سندرم آسپرگر (AS)، توسط هانس آسپرگر^۱ در سال ۱۹۴۴ توصیف شد. این اختلال در ایالات متحده بدنبال انتشار کار لورنا وینگ^۲ در سال ۱۹۸۱ اهمیت یافت و شناخته شد. بااین وجود، پس از ورود معیار تشخیصی AS در DSMIV در سال ۱۹۹۴ بود که مطالعه، بحث و بررسی در زمینه این اختلال با علاقه و دقت فراوان آغاز شد. این علاقه تا اندازه ای منجر به درک همپوشانی موجود بین سندرم آسپرگر، اوتیسم با عملکردهای بالا (HFA^۳) و NLD گردید. موسسه بین المللی آمارهای سلامتی، رخداد سندرم آسپرگر را یک مورد از هر ۵۰۰ کودک که در ایالات متحده متولد می شوند، میداند. که رخداد بالاتری از نظر وقوع نسبت به سندرم داون و یا سیستمیک فایبروزیس دارد (www.N.H.gov.2000).

▪ ویژگی های مشترک سندرم آسپرگر

کودکان آسپرگر رشد طبیعی زبان یا سریع تر از طبیعی در دوران نوزادی و کودکی دارند و تمایل به برقراری ارتباط در آنها زیاد است. درعین حال مانند کودکان NLD اغلب در تلاش شان برای اجتماعی شدن شکست می خورند. کودکان AS به احتمال زیاد علائق ویژه ای دارند که در آن زمینه به مهارت دست می یابند. آنها همچنین درجه بالایی از رفتارهای نامناسب اجتماعی را نشان می دهند. محدوده های مربوط به علائق اجتماعی اغلب به سمت وسواس رشد می یابد و انعطاف ناپذیری فکر کودک در این زمینه ها می تواند باعث مشکلات بسیاری گردد.

1 - Hans Asperger

2 - Lorna wing

3 - High Functioning Autism

این کودکان همچنین، خزانه واژگانی خیلی خوبی دارند و حتی با وجود اینکه آنها در کاربرد شناسی و استفاده روزانه از زبان شکست می خورند، اما، برخلاف کودکان NLD در تکالیف جزئی بینایی مشخص (نقاشی کشیدن، تشخیص جزئیاتی که در یک نقاشی یا در یک شیء حذف شده است) و نیز تکالیف بینایی حرکتی مشخص (مانند پازل، کپی کردن اشیاء یا ماز) بهتر عمل می کنند. ناتوانی در انجام تمرینات نوشتاری، ویژگی و زمینه اصلی در هر دو اختلال است. در افراد آسپرگر برخلاف NLD این مشکل ممکن است خفیف تر باشد. مشکل کودکان NLD در نوشتن، ناشی از شکست در توانایی تبدیل تفکر به نوشته می باشد. این مشکل بواسطه مشکل پردازش در سطح عملکرد مغزی است تا اینکه، مشکل حرکتی همراه با نوشتن شکل ظاهری حروف و کلمات باشد.

در مورد سندرم آسپرگر مطالعات بیشتری صورت پذیرفته و بیش تر از NLD در مورد آن مطلب نوشته شده است. کتاب بسیار خوبی با عنوان "سندرم آسپرگر"^۱ که برای والدین و متخصصین مفید است، توسط تونی آتود^۲ نوشته شده است. توصیف آتود از نقاط قوت و ضعف کودکان آسپرگر تشابهات بسیار زیادی را بین کودکان آسپرگر و NLD آشکار می کند. با این وجود، این دو اختلال از هم جدا شده اند و نیاز به تشخیص دقیق جهت مداخله (درمان) موثر، حائز اهمیت است. کودکان آسپرگر غالباً با اختلال اوتیسم یا نقص توجه که مشابه NLD است اشتباه تشخیص داده می شوند.

▪ تشخیص سندرم آسپرگر

معیار پذیرفته شده رایج برای تشخیص سندرم آسپرگر براساس DSMIV (۱۹۹۴) است. توافق در مورد یکسری معیارها برای تشخیص، به متخصصین اجازه می دهد که بحث واضح و دقیق در این زمینه داشته باشند. بدون معیار ثابت، فهم اینکه آیا ایده یک پزشک در مورد اختلال AS با دیگری یکسان می باشد یا نه، غیرممکن خواهد بود. حوزه های اصلی برای تشخیص AS (مطابق DSMIV) عبارتند از:

الف- آسیب کیفی در تعامل اجتماعی، که حداقل ۲ مورد از زمینه های زیر را در بر داشته باشد:

- مشکلات جدی در رفتارهای غیر کلامی از قبیل تماس چشمی، خواندن و درک بیان چهره ای، وضعیت های بدن و اشارات اجتماعی دارند.
- مشکلات دوست یابی دارند.

1 - Asperger syndrome

2 - Tony Attwood

- به طور خود بخودی نمی خواهند که در لذت ها، علایق یا خواسته ها و بدست آوردن آنها، با دیگران شریک شوند.
- فاقد روابط متقابل اجتماعی عاطفی هستند.

ب : الگوهای کلیشه ای و تکراری محدود در زمینه رفتار، علایق و فعالیت ها، حداقل با یکی از علائم زیر:

- اشتغال خاطر به یک یا چند مورد محدود از علائق دارند که هم از نظر شدت و هم از نظر موضوع غیرطبیعی هستند.
- چسبندگی انعطاف ناپذیر آشکار به فعالیت های روزمره و رفتارهای تشریفاتی دارند که کارکردی نیست.
- ادا و اصول های حرکتی تکراری یا کلیشه ای (برای مثال تکان دادن یا چرخش دست یا انگشت یا پیچ خوردن یا حرکات پیچیده کل بدن) دارند.
- اشتغال خاطر به قسمت هایی از اشیاء دارند.

ج : آشفستگی، که باعث ایجاد آسیب معنی دار بالینی در زمینه های اجتماعی، شغلی یا دیگر زمینه های مهم عملکردی می شود.

د : از نظر بالینی، هیچ گونه تاخیر کلی و معنی داری در زبان وجود ندارد (برای مثال تک کلمات در سن دوسالگی و عبارات ارتباطی در سن سه سالگی استفاده می شوند).

▪ همپوشانی NLD و سندرم آسپرگر

در حقیقت این گونه مطرح شده است که افراد NLD و آسپرگر در نقاط متفاوتی از رشد متوقف شده اند. به عبارت دیگر با بدعملکردی های مغزی مشابه، الگوهای متفاوتی از خود نشان می دهند. ولی جای هیچ شکی نیست که NLD و آسپرگر از یکدیگر متفاوتند. در عین حال، هردو اختلال مشکلات مشابهی در پردازش اطلاعات، شرکت در تعامل اجتماعی، مهارت های کلامی سطح بالا و نیاز به محیط یادگیری خاص دارند. نویسنده براین باوراست که بسیاری از مداخلات درمانی یکسان برای کودکان مبتلا به این دو اختلال مفید هستند.

همه این کودکان مجموعه ای از مهارت های تعادلی و اجتماعی ضعیف از خود نشان می دهند و اغلب از زبان، به شکل مخصوص به خود استفاده می کنند. کودکان NLD در خیلی از موارد تاحدودی مشابه افراد

آسپرگر هستند. آنها رشد زبانی طبیعی به سمت عالی دارند. حتی در برخی موارد رشد سریع تری دارند. اما استفاده آنها از زبان از دیدگاه دیگران نابجا و عجیب و غریب است و با وجود اینکه آنها می خواهند ارتباط برقرار کنند، اما استفاده از زبان جهت انتقال پیچیدگی های تعامل های اجتماعی در آنها با مشکل همراه است.

▪ آسپرگر و اوتیسم با عملکرد عالی (HFA)

برخی از والدین و متخصصین، سندرم آسپرگر را به عنوان نوعی اوتیسم با عملکرد عالی توصیف می کنند. این تصور که سندرم آسپرگر نوعی اوتیسم است مفهومی است که بسیار بحث برانگیز است. در موارد پیچیده تر، NLD و سندرم آسپرگر اختلالاتی با طیف گسترده ای از علائم هستند. دو کودک با تشخیص سندرم آسپرگر ممکن است اصلاً شبیه به هم نباشند. این خبر خوبی برای والدین و جامعه متخصصین نیست. تحقیقات بیشتری برای تعریف واضح از همه این اختلالات مورد نیاز است. کاربرد دائمی معیار تشخیصی موجود، برای اینکه، متخصصین (یا والدین) اطمینان یابند که درمورد اختلال یکسانی صحبت می کنند، الزامی است (برای مثال، هنگامیکه یک کودک مبتلا به آسپرگر را توصیف می کنند). تهیه برنامه برای کودک بدون وجود معیار، با مشکل همراه است و والدین در مورد اینکه کدام یک از مداخلات پیشنهادی، برای کودکشان مناسب است، دچار سردرگمی می شوند. درمورد معیارهای تشخیصی موجود برای آسپرگر و اوتیسم، تمایز اصلی بین کودکان آسپرگر یا NLD و کودکان اوتیسم حتی اوتیسم با عملکرد عالی، در زمینه زبان می باشد.

سندرم آسپرگر	ناتوانی یادگیری غیر کلامی	اوتیسم با عملکرد بالا
تا سن ۳ سالگی رشد زبان طبیعی است	تا سن ۳ سالگی رشد زبان طبیعی است	تا سن ۳ سالگی تاخیر زبانی یا رشد غیر معمول زبان دارند
استفاده از زبان برای تعامل	استفاده از زبان برای تعامل	استفاده از زبان برای بدست آوردن احتیاجات اولیه

اوتیسم معمولاً قبل از سن ۵ سالگی تشخیص داده می شود، و تشخیص اوتیسم با عملکرد عالی (HFA) احتمالاً برای کودکی مطرح می گردد که ابتداء، اوتیسم تشخیص داده شده و سپس پیشرفت می کند (معمولاً از طریق مداخله) و در طی زمان به یک سطح زبانی طبیعی تر دست می یابد. HFA معمولاً

با افزایش مهارت زبانی همزمان با رشد کودک و با IQ بالاتر از آنچه که در سایر افراد اوتیسم دیده می‌شود، همراه است. در رابطه با موارد پیچیده تر، در بیشتر افراد HFA، اغلب، توانایی استفاده از زبان جهت برقراری تعامل و استفاده از لغات خیلی مناسب تر از افراد اوتیستیک رشد می‌یابد. این ویژگی‌ها سبب می‌شود که درمانگران و والدین تصور کنند که کودکی که اکنون اوتیستیک است، به دلیل استفاده بهتر از زبان، بهتر است به عنوان آسپرگر تشخیص داده شود. با فرض اینکه این اختلالات دارای طبقات تشخیصی جداگانه‌ای هستند، تشخیص جدید از نظر منطقی معقول نیست، اما با این حال، این طرز تفکر بسیار متداول می‌باشد. با وجود اینکه، توافق کمی در این زمینه وجود دارد، اما برخی محققین معتقدند که اوتیسم و آسپرگر نمی‌توانند یکسان باشند. زیرا، به نظر می‌رسد که اوتیسم بدعملکردی در نیمکره چپ باشد (داوسون^۱ و همکاران، ۱۹۸۶) و هرگز مانند اختلال عصبی رفتاری نیست.

در تحقیقی که توسط کالین، ولکمار، اسپارو، سی کتی و رورکه^۲ (۱۹۹۵) انجام شد، ویژگی‌های HFA، AS و NLD مورد بررسی قرار گرفت و تفاوت معناداری بین AS و HFA نشان داده شد. نویسندگان دریافتند که تشابهات برجسته‌ای بین ویژگی‌های آسپرگر و NLD وجود دارد و این دو گروه از HFA متفاوت می‌باشند. آنها بیان کردند که:

در نهایت، بدون توجه به اینکه آیا AS و HFA به طور واقعی تشخیص‌های متفاوتی دارند یا نه، تفاوت معنادار نیم رخ‌های، عصب روان شناختی، پیشنهاد می‌کند که مداخلات درمانی AS باید ماهیت متفاوتی داشته باشد، که به طور مستقیم نقایص عصب روان شناختی خاص را مورد توجه قرار می‌دهد و براساس مجموعه علائم عصب روان شناختی بنا می‌شود. این رویکرد مدتها برای افراد دچار ناتوانی یادگیری غیر کلامی بسیار مفید توصیف شده است.

ولکمار و کالین (۱۹۹۸) مطالعه‌ای را گزارش کردند که در آن معیار تشخیص NLD و آسپرگر را مقایسه کرده بودند. در تحقیقات دیگر، در میان نقایص مختلف آنها گزارش کردند که شش زمینه نقص در هردو اختلال وجود دارد و پنج مورد در هیچ یک از کودکان NLD و AS دیده نشد. این زمینه‌ها شامل موارد زیر هستند.

▪ عملکرد ضعیف

۱- مهارت‌های حرکتی ظریف (نوشتن، گره زدن بند کفش، نخ کردن مهره‌ها): ضعیف

1 - Dawson

2. Klin, Volkmar, Sparrow, Cicchetti, Rourke

- ۲- مهارت های حرکتی درشت (دوچرخه سواری، ورزش، دویدن، رقصیدن): ضعیف
- ۳- یکپارچگی بینایی- حرکتی (فعالیت های چشم و دست مانند پرکردن یک دایره کوچک در پاسخ نامه): ضعیف
- ۴- یکپارچگی بینایی- فضایی (قضاوت در مورد نزدیکی، دیدن جزئیات، توانایی برای تشخیص پیش زمینه از پس زمینه (برای مثال روی یک نقشه یا صفحه تمرین)): ضعیف
- ۵- شکل دهی مفاهیم غیرکلامی (تصورکردن برخی چیزها در ذهن، استفاده از افکار مثبت، رسیدن به ایده های جدید): ضعیف
- ۶- حافظه بینایی (بخاطر آوردن چیزهایی که می بینند): ضعیف

■ عملکرد فوب

- ۱- تولید (تولید صداهای گفتار): خوب
 - ۲- برون ده کلامی (صحبت کردن، تولید کلمات در گفتار معنی دار): خوب
 - ۳- درک شنیداری (فهمیدن چیزهایی که می شنوند): خوب
 - ۴- خزانه واژگانی (آگاهی از لغات و کاربرد آنها): خوب
 - ۵- حافظه کلامی (به خاطر آوردن چیزهایی که می شنوند): خوب
- به علاوه، نویسندگان پیشنهاد کردند که HFA یک طبقه مجزا از بدعملکردی است و احتمالاً در این گروه نقایصی وجود دارد که در NLD و سندرم آسپرگر وجود ندارد (بویژه اشکالات کاربرد زبان برای توسعه ارتباطات یا برقراری ارتباط با افراد دیگر). پاسخ ساده ای برای این مسئله و همچنین اتفاق نظر در این زمان وجود ندارد. در سیستم طبقه بندی رایج برای اختلالات (DSMIV)، سندرم آسپرگر در طیفی از اختلال اوتیسم قرار دارد اما NLD به هیچ وجه در این طیف قرار نمی گیرد. از آنجا که تشخیص دقیق در درمان مناسب اثر دارد، تمایز این دو اختلال مهم است. متأسفانه، تا زمانیکه در مورد راهنمای تشخیصی به توافق برسیم، در مورد خط و مرزهای ما بین این طبقه بندی ابهامات بر جای خود باقی خواهد ماند.

■ ادامه سرگذشت الیور

الیور وارد مهد کودک شد و والدینش ویژگی های زیادی را در مورد رفتارش شنیدند که شامل طیفی از رفتارهای مخرب (زیرا عصبانیت و اصرارهای سرسختانه او در مورد اشیاء به شیوه ای خاص انجام می شد) تا آشفتگی بسیار شدید (به دلیل ناتوانی او در برقراری ارتباط اجتماعی و استفاده غیرطبیعی او از زبان)

می شد. والدین و معلمین هر یک عقایدشان را می گفتند. تعداد زیادی از آنها پیشنهاد کردند که الیور از اختلال نقص توجه رنج می برد. والدین الیور افراد وظیفه شناسی بودند و نمی توانستند این عقاید که با حسن نیت بیان می شد را نادیده بگیرند و ارزیابی الیور توسط تعدادی از متخصصین را آغاز کردند. این متخصصین داروهای محرک و کتاب های راهنمای والدین را برای کنترل الیور پیشنهاد کردند. اما والدین او هیچ تغییر مثبتی مشاهده نکردند. در پایان دوره کود کستان الیور هیچ دوستی نداشت و به استفاده از زبان به طور ناموفق، همانند روش های اولیه برای برقراری تعامل ادامه می داد. او برای نقایص اش در زمینه پردازش بینایی - فضایی، مهارت های حرکتی یا تعاملات اجتماعی هیچ مداخله و درمان اساسی دریافت نکرده بود. وی هیچ ذهنیتی درمورد خواندن فکر اشخاص نداشت و همچنان زبان را بصورت عینی و تحت الفظی تفسیر می کرد. برای مثال معلم الیور سرخوردگی اش را در برخورد با الیور بدین گونه، شرح داد: یک روز در حالیکه به صورت دایره با بچه های کلاس نشسته بودیم، الیور قطار کوچکی از جیش درآورد و شروع به بازی با آن کرد [الیور در زمینه قطارها آگاهی زیادی داشت]. به او گفتم: "من نمی خواهم تو را دوباره در حال بازی کردن با آن بینم، در غیر این صورت، قطار را دور خواهم انداخت". الیور مودبانه گوش داد، سپس بلند شد به قسمت دیگری از کلاس رفت، به طوریکه پشتش را به ما کرد و شروع به بازی با قطار کرد. وقتی عصبانی شدم و الیور را به خاطر گستاخی به دفتر فرستادم، الیور هیچ نظری درمورد این کارش نداشت. او بعداً توضیح داد که، "شما به من گفتید که نمی خواهید مرا در حال بازی کردن با قطار ببینید، بنابراین من هم رفتم".

○ فصل دوم

« نقاط قوت و ضعف »

ممکن است اینگونه به نظر برسد که والدین انتظار دارند تا در اولین برخورد با متخصصین، آنها مشکلات فرزندانشان را تشخیص دهند. والدین و متخصصین که با کودکان کم سن و سال سروکار دارند، می دانند که حقیقتاً این نقایص حائز اهمیت اند و نباید نادیده گرفته شوند. با این وجود هیچ چیز برای شخص، مهمتر از مشکلات او نیست، و یک ارزیابی خوب نقاط ضعف و نقاط قوت را تشخیص خواهد داد. کودکان NLD و آسپرگر به عنوان یک گروه، دارای مجموعه ای از نقاط قوت و ضعف قابل پیش بینی می باشند. آگاهی از نقاط قوت و ضعف به والدین و متخصصین اجازه می دهد تا برنامه های مناسب تری طراحی کنند و تجربیات موفقیت آمیز برای این کودکان را ارزیابی کنند. هر کودک منحصر به فرد است و اگرچه به طور کلی آنچه در این فصل توصیف شده است را درست میدانیم اما هر فردی مجموعه توانمندیهای ویژه خود را دارد که ممکن است بسیاری از نقاط قوت و ضعف مورد بحث در اینجا را شامل بشود یا نشود.

▪ اول خبرهای خوب: نقاط قوت

کودکان NLD و AS باهوش هستند، آنها یادگیرنده های کنجکاو می باشند که اغلب زیر سطح آموزشی مورد انتظار عمل می کنند. این حقیقت که آنها **می خواهند** یاد بگیرند نقطه قوت با ارزشی است. متأسفانه با تجربه شکست های مکرر، علاقه به یادگیری می تواند از بین برود. چنانچه که در بخش دو خواهید دید، دلایل بسیار زیادی وجود دارد که با شکست این کودکان در ارتباط است، و طیف آن از ناتوانایی های یادگیری خاص تا شرایط آموزشی و انتظارات آموزشی نامناسب می باشد. به علاوه تطابق های طراحی شده برای کمک به این دانش آموزان باعث ایجاد مشکلاتی می شود که در درازمدت برچسب ناتوانی آنها را تقویت می کند.

سرگذشت مایکل

مایکل یازده سال دارد و هنوز کلاس ششم است. ولی علاقه مند به یادگیری است. اومهارتهای اجتماعی ضعیفی دارد، وقتی این مسئله به او گفته شد مفهوم این جمله را نفهمید. وی هیچ دوستی ندارد و در هنگام ناهار به تنهایی غذا می خورد. اما او می توانست، هر چیزی را درمورد هواپیماهای جنگنده جنگ جهانی دوم بخاطر آورد و از فکر کردن درمورد آنها لذت می برد. به تصاویر آنها در کتاب ها نگاه می کرد و درمورد آنها صحبت می کرد. سال گذشته متوجه شد که به همان زرنگی که والدینش به او گفته اند نیست و قادر به انجام تمرینات و تکالیفش نمی باشد و در امتحانات با مشکل روبرو است و هرگز نمی تواند آزمون را در موعد مقرر به پایان برساند. همیشه درمورد مدرسه احساس خوبی داشت، اما دیگر در مدرسه زمانی برای علائق خاص او وجود نداشت و معلم نسبت به این مسئله بی توجه بود.

یادگیری طوطی وار

برخی از نویسندگان، کودکان NLD و AS کم سن و سال را به عنوان یادگیرنده های طوطی وار بسیار عالی توصیف کرده اند، گاهی اوقات مفاهیم ریاضی، دیکته یا مفاهیم مربوط به زمینه های خاص را طوطی وار حفظ می کنند (تامپسون^۱، ۱۹۹۶). (گرچه، این الگوی یادگیری غالباً به عنوان یک نقطه قوت در نظر گرفته می شود، تجربیات نویسنده نشان می دهد که این مهارت از دانش آموزی به دانش آموز دیگر تغییر می کند، و همچنین یادگیری مفاهیم ریاضی اغلب به عنوان یک مشکل جدی در تمام طول زندگی کودکان NLD باقی می ماند). یادگیری طوطی وار اطلاعات به این معنا نیست که آنها می توانند مفاهیم مورد نیاز را بعداً در کلاس بازبایی کنند و یا اطلاعات را به شیوه ای معنادار به کار برند. در حقیقت، در صورتیکه والدین و معلمین نتوانند به روش خاص، مفاهیم را همراه باحقایق مربوط به آنها آموزش دهند، مهارت در یادگیری طوطی وار می تواند منجر به یک نقطه ضعف شود. تکیه بر واقعیاتی از قبیل حفظ جدول ضرب بدون درک مفهوم آن در عمل ضرب، توانایی کودک را در پیشرفت ریاضی و سپس در سایر موضوعات از قبیل علوم بسیار محدود خواهد کرد.

علائق خاص

بسیاری از کودکان NLD و AS تمایل زیادی به یادگیری مفاهیم مربوط به موضوع مورد علاقه شان دارند. آنها از این نوع فعالیت های یادگیری لذت می برند و آن را به عنوان وضعیت آرامش بخش تلقی می کنند. با وجود اینکه این فعالیت ها خوشایند و آرام بخش می باشد، اما تمرکز بر روی این نوع فعالیت ها می تواند مشکلاتی را ایجاد نماید. اجازه دهید به عنوان مثال از کودکی که اطلاعات مربوط به یک تیم

ورزشی را حفظ می کند استفاده کنیم. جمع آوری این اطلاعات از طریق خواندن و بازخوانی آنها، کسب اطلاعات از وب سایت ها، مجلات، کارت های بازی یا منابع دیگر به طور مداوم توسط کودک انجام می شود. وی اطلاعات زیادی را جمع آوری می کند، ولی با افزایش اطلاعات از آنجاکه کودک سیستم سازماندهی درونی ندارد، هیچ سلسله مراتبی را از لحاظ اهمیت برای تنظیم این اطلاعات رعایت نمی کند. همه اطلاعات برای او از اهمیت یکسانی برخوردار هستند، بنابراین برای استفاده سودمند از آنها با مشکل مواجه می شود.

چنین کودکی اگرچه، در مورد تیم های ورزشی و بازیکنان آگاهی دارد، اما هرگز نمی خواهد در یک رویداد ورزشی واقعی حضور یابد. بازی واقعی، بازیکنان و هیجان شکست یا پیروزی برای او مهم نیست. دانستن مواردی مثل نام بازیکنان و آمار مربوط به آنها هرگز باعث علاقه مندی به بازیکنان و تیم آنها نمی شود. درحقیقت ممکن است این اطلاعات در گفتگواستفاده نگردد، زیرا کودک NLD یا AS فقط گزارشی از حقایقی که می داند را ارائه می دهد و در مورد اطلاعات مربوطه تبادل نظر نمی کند. افرادی که گفتگو را با کودک درمورد تیم های ورزشی آغاز می کنند، و انتظار ایجاد احساس لذت متقابل به خاطر موضوع مورد علاقه یکسان را داشته باشند، در مکالمه خود را ناموفق می یابند. کودک NLD یا AS علاقه اندکی به گفتگو دارد و بیشتر به شنونده بودن علاقه مند است لذا در این گونه مکالمه ها تک گویی وجود دارد.

▪ مهارت های یادگیری شنیداری و بینایی- حرکتی

کودکان آسپرگر غالباً در ساختن پازل مهارت دارند و ممکن است در کپی کردن حروف یا اعداد ماهر باشند، این مهارت بینایی- حرکتی به عنوان نقطه قوت در کمک به حل مشکلات آنها می تواند مورد استفاده قرار گیرد. تکلیفی به صورت معما یا ارائه لیست لغاتی به صورت بازی که به صورت کپی یا پیدا کردن کلمه پنهان شده است، کودک AS را مشغول می کند.

کودکان NLD به ندرت به پیدا کردن راه حل معما یا کپی کردن حروف علاقه دارند (و به ندرت به عنوان یک نقطه قوت مطرح است)، اما اغلب در یاد آوری اطلاعاتی که می شنوند بهتر عمل می کنند و به موسیقی به عنوان ابزار آرامش بخش به خوبی پاسخ می دهند. برای دانش آموزان NLD ارائه واژگان به صورت آهنگین یا داستان های کوتاه که یک مفهوم را توضیح می دهد، مفیدتر از هر فعالیت کپی کردن بینایی می باشد.

■ علاقمندی به کامپیوتر

معمولاً کودکان NLD و آسپرگر به کامپیوتر علاقمند هستند و به نظر می‌رسد در استفاده از کامپیوتر ماهر باشند. این استعداد آشکار، آنها را شبیه به کودکانی می‌کند که به خاطر خزانه واژگانی زیاد توانایی زبانی خوبی دارا می‌باشند. توجه و تمرکز این کودکان بر روی کامپیوتر منجر شد که برخی از مؤلفین و نویسندگان اظهار نمایند که کودکان NLD و AS در این زمینه دارای نقطه قوت هستند. (Thompson ۱۹۹۶). متأسفانه، بدون آموزش دقیق مهارت‌های کامپیوتری در این کودکان فقط مشکلات عمومی آنان در رابطه با سازماندهی و طراحی را، منعکس می‌کند. به عنوان مثال، استفاده از کامپیوتر جهت تحقیق و نوشتن گزارش کمک بسیار زیادی برای هر دانش آموز می‌باشد. با این حال درحالی‌که غالباً کودکان NLD و AS ممکن است چگونگی بازی با کامپیوتر را بدانند، اما برای مرتب کردن یادداشت‌ها به شیوه‌ای معنادار، استفاده از اطلاعات مدارک مشخص در بین مدارک دیگر، یا تهیه یک گزارش، توانایی محدودی دارند. کامپیوتر نیز مکانی است که این کودکان اطلاعات را آشفته و بی‌نظم در آن‌ها می‌کنند، همچون پرونده‌هایی که به شیوه‌ی تصادفی ذخیره شده‌اند و هرگز دوباره پیدا نمی‌شوند. کودکان NLD و AS می‌توانند بدون راهنمایی، فقط به عنوان حوزه‌ی دیگری برای تمرکز دقیق، بدون آنکه با افراد دیگر در تماس باشند، از کامپیوتر استفاده کنند. اما می‌توان با مداخله، علاقه آنها به کامپیوتر را تبدیل به یک نقطه قوت و استعداد شغلی نمود.

مثال رادکلیف^۱

رادکلیف استفاده از کامپیوتر را دوست داشت و سعی می‌کرد تا با تازه‌ترین پیشرفت‌ها در سیستم‌های بی‌سیم^۲ آشنا شود. او شروع به یادگیری برنامه‌نویسی کرد، با زبانهای ساده کامپیوتری آغاز کرد و تا مهارت‌های بسیار پیچیده پیش رفت. توانایی وی در تمرکز بر یک موضوع و طرد سایر موارد و یادگیری یک سری از فعالیت‌هایی که بطور دقیق دنبال می‌کرد، به او کمک کرد تا در یک شرکت کامپیوتری شغلی بدست آورد. وی هر روز کار مشابهی انجام می‌داد و وظیفه‌اش برنامه‌ریزی مشخص و جستجوی داده‌ها بود. رادکلیف شغلش را دوست داشت و به طور مستقل کار می‌کرد.

1. Radcliff

2 - wireless

▪ اکتساب بسیار قوی زبان

کودکان NLD و AS واژگان فراوانی در سالهای اولیه زندگی کسب می کنند. این فراگیری بسیار پیشرفته زبان، به آنها اجازه ورود در تعاملات اجتماعی و دستیابی به موفقیت آموزشی را می دهد. این نقطه قوت بسیار ارزشمند است و کودک را با تحسین، عزت نفس و لذت واقعی پرورش می دهد. اما همانگونه که پیش تر بحث شد، داشتن دانش زبانی و علاقه به حقایقی که توسط زبان فراهم می شود، تنها بخشی از هر تعامل اجتماعی هستند. کودکی که به این جنبه از کاربرد زبان بیش از حد تکیه می کند، به زودی با سرخوردگی اجتماعی روبرو می شود و آنچه که دارد می تواند به عنوان یک نقص محسوب گردد.

دستیابی زود هنگام کودک NLD و AS بین سنین ۳ تا ۷ سال به گفتار «پرفسور کوچک»، از نظر افراد بزرگسال شیرین و سرگرم کننده می باشد، اما همسالانش به آن اعتنا نمی کنند. اما همسالان وی در سن ۸ یا ۹ سالگی این شیوه گفتار را مزاحم و غیر عادی می دانند. در دوره دبیرستان غالباً ناتوانی کودک NLD یا AS برای تطابق با روانی و ریتم زبان همسالانش، منجر به انزوا و افسردگی وی می شود. از آنجائیکه این مشکل زبانی معمولاً با ناتوانی درک سرنخ های اجتماعی همراه می گردد، لذا همین شیوه کاربرد زبان که معمولاً آنها برای راحتی و لذت بر آن تکیه می کنند مانعی بین آنها و همسالانشان می شود. این ویژگی تا دوران بزرگسالی باعث طردشدگی، انزوا و شکست اجتماعی آنها می شود.

کودکان AS و آسپرگر معمولاً در آزمون هایی که زبان درکی و بیانی را اندازه می گیرد، خوب عمل می کنند. نمرات آنها در این آزمون ها در درک استعداد کاربرد زبان به ما کمک می کند، اما این آزمون ها کاربرد عملی کودکان از زبان را منعکس نمی کند. گرفتن نمره خوب مایه افتخار و موفقیت برای این افراد است، لذا هر زمان که این اتفاق رخ داد، باید آنها را تشویق کرد.

▪ صداقت و احترام به قوانین

به عنوان یک اصل کلی، کودکان NLD و آسپرگر دروغ نمی گویند، این رفتار نقطه قوتی است و معمولاً برای معلمان و والدین خوشایند است. این کودکان ضرورتاً از نظر اخلاقی از سایر کودکانی که دروغ نمی گویند، بهتر نیستند. آنها واقعاً دروغگو نیستند و رفتار آنها نتیجه پیروی غیر منعطف از قوانین و ساختار است. روح حساسی دارند و به سادگی با دروغ های دیگران ناراحت می شوند و دروغ را به عنوان یک عمل غیرقابل درک، تجربه می کنند. ناتوانی در دروغ گفتن تا پایان دوره راهنمایی تغییر می کند و کودکان NLD و آسپرگر، در برابر فشار نوجوانی مصون نمی مانند. این نوجوانان در دستکاری حقیقت و

خطاها که در این گروه سنی متداول است درگیر می شوند و به عبارت دیگر کل حقیقت را نمی گویند زیرا: «شما دقیقاً درباره آن موضوع سؤال نکرده اید».

کودکان NLD و AS قوانین را یاد می گیرند و توقع دارند دیگران نیز از آن قوانین پیروی کنند. درحقیقت نیاز آنها برای همسانی، قابل پیش بینی و منصف بودن یک عادت متناقض با گروه های هم سن خود می باشد. اما اتکای آنها به قوانین و توانایی پیش بینی و اشتیاق آنها برای عمل به قوانین در حقیقت یک نقطه قوت عالی می باشد، به طوریکه آنها امین و قابل اعتماد هستند و می توانند تبدیل به کارمندان بسیار خوبی شوند.

▪ نقاط ضعف: واقعا افسار بدی نیستند

کودکان مبتلا به AS یا NLD در سه حوزه مرتبط اصلی یا حیطه های عمومی ضعف عملکردی دارند. این سه حوزه عبارتند از:

- پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
- پردازش اطلاعات و مهارت های سازمان دهی
- مهارت های اجتماعی و رشد زبان کاربردی

هریک از این حوزه ها به تفصیل در فصل های بعدی بحث خواهد شد و مداخلات مربوط به این حوزه ها در بخش سوم این کتاب ارائه خواهد شد در اینجا خلاصه ای کلی در مورد این حوزه های بدعملکردی یا ضعف به ترتیب بیان شده است.

▪ پردازش بینایی- فضایی و یکپارچگی حسی حرکتی

مهارت های بینایی- فضایی، مهارت هایی هستند که به شما اجازه می دهد تا از اطلاعات بینایی برای درک حرکات بدن در فضا و طراحی و اجرای آن حرکات استفاده کنید. مهارت بینایی - فضایی خوب، امکان قضاوت و دستکاری جهان و اشیاء درون آن را با استفاده از اطلاعات بینایی برای شما فراهم می کند. توانایی راه رفتن بر روی لبه جدول، یا پرتاب دقیق توپ برای شخص دیگر در حال دویدن مثال هایی از مهارت های بینایی- فضایی می باشد. این مهارت ها نیاز مند تمیز بینایی (درک تفاوت های موجود بین اشیاء)، درک صحیح جهات و فاصله ها و هماهنگی این اطلاعات با بدن شما می باشد. چنین پردازش هایی نیازمند توجه به ویژگی ها و مشخصات افراد و اشیاء است و شما تفاوت ها و شباهت ها را با استفاده از حس بینایی و خاطرات ناشی از تجربیات گذشته، درک می کنید.

اکثر افراد این مهارت ها را عادی و بی اهمیت فرض می کنند، اما چنین مهارتهایی واقعاً پیچیده هستند. مثلاً شما درباره اندازه های نسبی اشیاء اصلاً فکر نمی کنید، اما هنگامیکه می خواهید یک بسته کتاب را بلند کنید می دانید که آن بسته سنگین تر از ظرف غذایی است که در آنجا قرار دارد، لذا حرکت خود را با توجه به میزان وزن آنها سازگار می کنید. همچنین شما با اطمینان می توانید مسیر خود را از کلاسی به کلاس دیگر در یک مدرسه بزرگ پیدا کنید. مهارت های بینایی-فضایی و تمیز بینایی که برای انجام دادن تمام این فعالیت ها مورد نیاز است غالباً در کودکان NLD و آسپرگر آسیب دیده است و این آسیب در ویژگی ذاتی دست و پا چلفتی بودن و تجربه مکرر گم شدن نقش دارد.

مهارت های حرکتی شامل توانایی هدایت عضلات (گروه عضلات بزرگ و کوچک) جهت انجام فعالیت های دستور داده شده از طرف مغز می باشد. این مهارت های حرکتی در کودکان NLD و AS غالباً تحت تاثیر قرار گرفته اند. توانایی های مهارت حرکتی طبیعی به عنوان بخشی از روند رشد طبیعی کامل می شود، اما در کودک NLD یا AS این توانایی ها از سنین پایین، به صورت آسیب دیده ظاهر می شود. در تاریخچه ی دوران رشد این کودکان مشخص می شود که این کودکان در دوره ی نوزادی یا نوپایی جهان را از طریق سینه خیز یا دست ورزی، کشف نمی کنند بلکه غالباً یادگیری را از طریق تبادلات کلامی (مانند پرسیدن "این چیست؟") با والدین یا پرستاران خود ترجیح می دهند. این کودکان فعالیت هایی را ترجیح می دهند که مبنای حرکتی ندارد (چهار دست و پا رفتن، دویدن) و درواقع این مسئله، نشان دهنده راحت بودن تعاملات زبانی برای آنها می باشد و این ویژگی در تمام زندگی همراه آنها باقی می ماند.

مهارت های حرکتی، دربرگیرنده فعالیت های کوچک و بزرگ است. **فعالیت های حرکتی کوچک (یا ظریف)** شامل مواردی همچون نوشتن، نقاشی کردن، بریدن یا سایر فعالیتهای کنترل شده با انگشتان می باشد. در کودکان مبتلا به NLD، مهارت های حرکتی که از اطلاعات بینایی (فعالیت های بینایی-حرکتی) بهره می گیرد آسیب دیده است. غالباً این مشکلات در فعالیت های حرکتی کودکان AS کمتر دیده می شود، چون اکثر کودکان AS در نقاشی عالی هستند. در هر دو گروه، غالباً مشکلاتی در زمینه دست خط (شامل یادداشت برداری در کلاس یا کپی کردن اطلاعات) یا دستکاری اجزاء کوچک اشیاء وجود دارد. شاید یک کودک NLD چنگال را به طرز عجیبی نگه دارد یا احتمالاً قادر به مالیدن کره بر روی بیسکویت، بدون خراب کردن آن نباشد. کشیدن نقاشی برای اکثر کودکان NLD کمتر خوشایند است، اما برای کودکان AS می تواند لذت بخش باشد. یادداشت برداری، بستن بند کفش، یا سایر فعالیت های حرکتی ظریف که اساس بینایی دارد باعث شکست بیشتر در کودکان NLD می شود.

فعالیت های حرکتی بزرگ (یا درشت) مثل راه رفتن، دوچرخه سواری، دویدن، رقصیدن و اکثر ورزش های تیمی یا فعالیت های ورزشی به طور یکسان برای کودکان NLD و AS مشکل می باشد. اما بعضی از این کودکان با آموزش صبورانه در اعمال حرکتی درشت ماهر می شوند. به هر حال این کودکان نیازمند دوره یادگیری طولانی تری نسبت به هم سن و سالان خود می باشند، لذا تمرین و آموزش هدفمند جهت کسب مهارت ها در این زمینه ها، کمک کننده می باشد.

پردازش بینایی - فضایی یادگیری را به طرق مختلف تحت تاثیر قرار می دهد. دانش آموزان NLD و AS در بهترین شرایط در انجام تکالیفی همچون نوشتن، یادداشت برداری، یا پرکردن اشکال و کار بر روی کاغذ با سختی روبرو هستند و اغلب اوقات آن را غیرممکن می دانند. وجود مشکلات در پردازش بینایی - فضایی و تمیز بینایی انجام این تکالیف ساده را برای آنها، دشوار می سازد. این مشکلات به خاطر شکست در فهم تکلیف یا نداشتن دانش جهت تکمیل تکالیف نیست، بلکه، مشکل این کودکان ناتوانی خاص آنها در پردازش اطلاعات بینایی - حرکتی و بینایی - فضایی می باشد.

▪ پردازش اطلاعات و مهارت های سازمان دهی

پردازش اشکال متعدد اطلاعات که هر روز در تماس نزدیک با آن هستید، نیازمند عملکرد های متعدد مغزی و ارتباطات پیچیده در بین ساختارهای مغز است. همانگونه که در فصل ۱ دیدیم، جهت انتقال اطلاعات به طور کامل و دقیق، مغز بر ارتباطات درونی تکیه دارد. این توانایی در افراد NLD و AS آسیب دیده است و باعث ناتوانی آنها در درک سریع یا آسان تکالیف روزمره مثل تکالیف مدرسه یا نیازهای فردی همچون آراستن خود یا روابط خویشاوندی می گردد. اطلاعات وارد شده اگر جزئی از پردازش شناختی کودک گردد، توانایی وی جهت سازماندهی و درک و سپس استفاده یا بازیابی اطلاعات را به هم می ریزد. چنین مشکلی برای کودک NLD یا AS در مانده کننده و این رفتار برای والدین یا معلم کودک، عاجز کننده می باشد.

سرگذشت آری^۱

آری یک دختر شیرین ۹ ساله است که در کلاس سوم عادی درس می خواند وی در طول روز ۱ تا ۲ ساعت از منابع کمکی استفاده می کند. او اخیراً به عنوان NLD تشخیص داده شده و خانواده و مدرسه سعی می کنند تا برنامه درمانی برای کمک به او ترتیب دهند. همه موافق هستند که آری «باهوش» است زیرا او هیچ مشکلی در صحبت کردن در زمینه طبقه بندی پرندگان و همچنین در شرح مفصل کارتون پوکیمون^۲ ندارد. خواندن او بالاتر از سطح تحصیلی اش است اما هنگامیکه به عنوان تکلیف درسی باید گزارشی مربوط به خانه سازی روستائیان قدیم تهیه می کرد، هیچ نظری در مورد آن فعالیت نداشت. معلم یک برگه اطلاعات، دو کتاب و برگه های جداگانه در مورد چگونگی سازماندهی گزارش برای والدین وی فرستاد. مادر آری هر روز بعد از مدرسه همراه او تمرین می کرد اما آری فقط اشک می ریخت و ناراحت بود. احساسات او همیشه بد بود. آری نمی توانست (یا مادرش فکر می کرد، نمی خواهد) یک کلمه بنویسد. او گیج و سر در گم شده بود و هنگامیکه با یک تکه کاغذ خالی مواجه می شد، قادر به پیش روی نبود. مادرش عصبانی می گردید و معلمش گیج شده بود. آری می توانست جزئیات را بخواند، به دقت در کلاس به درس گوش می داد، می توانست به سوالات مربوط به خانه سازی روستائیان قدیم پاسخ دهد. چرا هیچ کاری نمی توانست انجام دهد؟

نقایص پردازش اطلاعات

شرایط آری و پیچیدگی و تحت تاثیر قرار گرفتن زندگی واقعی وی نشان دهنده نقایص پردازش اطلاعات است. این کودک همه اطلاعات را در مورد ساختار خانه سازی روستائیان قدیم درک کرده بود و حتی بیشتر از هم کلاسی هایش راجع به آن می دانست. مشکل وی دو لایه دارد. اول اینکه اطلاعات به شکل معنی داری در حافظه او سازماندهی نمی شوند. دوم، اطلاعات سازماندهی شده به آسانی برای نوشتن گزارش فراخوانده نمی شود. در واقع، اطلاعات وارد می شود، سپس به نظر می آید که در یک سیستم بایگانی درونی آشفته، گم می شود. معلمین و والدین باید برای کودکانی مانند آری روش هایی به کار برند که نه تنها اطلاعات، بلکه راه های یادآوری و سازماندهی موارد آموزش داده شده را نیز بیاموزند. با توجه به مشکلات سازماندهی بینایی - فضایی و پردازش اطلاعات که در بالا بحث شد، روش های سنتی در مورد یادداشت برداری و استفاده بیش از حد از کاغذ و مداد، کار برد اندکی برای این

1. Ari

2 -Pokemon

دانش آموزان دارد. نقایص آنها در پردازش اطلاعات زیر بنای بسیاری از مشکلاتی است که این کودکان آنها را تجربه می کنند.

▪ مهارت های اجتماعی و رشد زبان کاربردی

ضعف در سومین حوزه یعنی رشد مهارت های اجتماعی و زبان کاربردی (در حقیقت، زبان روزمره ای که معنی اجتماعی را می رساند) تا حدودی ناشی از ضعف در دو حوزه قبلی است. مشکل پردازش اطلاعات، سردرگمی در فهم دقیق فعالیت دیگران و مشکلات فضایی، حرکتی و سازماندهی باعث ایجاد درد و اضطراب در کودک می گردد. تعاملات اجتماعی به طور همزمان در سطوح مختلف رخ می دهد، بعضی آشکار (پیام آشکار، معمولاً از طریق زبان انتقال می یابد) و بعضی پنهان (پیام مخفی، معمولاً از طریق آهنگ صدا، تغییر تن صدا یا زبان بدن، ایما و اشاره یا مفاهیم ضمنی منتقل می شود). کودکان AS و NLD این ارتباطات چند سطحی را درک نمی کنند و سر نخ ها و علائم اجتماعی و مفاهیم ضمنی را متوجه نمی شوند.

برای مثال، کودک AS و NLD هنگام تعامل با افراد، آداب اجتماعی مربوط به رعایت ایستادن با فاصله مناسب از دیگران را بدون آموزش مستقیم، درک نخواهد کرد. کودک به طور ضمنی تفاوت موجود در رعایت فاصله که به درجه نزدیکی ارتباطات فردی بستگی دارد را درک نخواهد کرد برای مثال، شما به دوست صمیمی خود نزدیکتر از یک آشنا می ایستید و همچنین زمانیکه با مدیر یا معلم خود مواجه می شوید، فاصله همراه با احترام را حفظ می کنید، اما این کودکان توانایی این کار را ندارند.

این کودکان زبان را به شکل تحت اللفظی تفسیر می کنند، اغلب اوقات کنایه، شوخی یا حتی تهدیدها را درک نمی کنند. این کودکان بر معنی تحت اللفظی کلمات برای فهم ارتباط تکیه دارند و درکی از بیانات چهره ای و تغییر در آهنگ صدا، که معنی را همچون کلمه انتقال می دهد، ندارند. تفسیرهای غلط در مورد زبان، ممکن است خنده دار باشد اما چنین مواردی می تواند، تجربیات اجتماعی دردناک و گیج کننده ای را برای این کودکان ایجاد کند.

مادری به دخترش در صبح پانزدهمین سال تولدش گفت، که تولد او یک روز خاص است و وی امروز می تواند «هر کاری که می خواهد انجام دهد». وی بدون اطلاع مادرش، میزان زیادی شیرینی برداشت و به مدرسه رفت. او روز وحشتناکی را در مدرسه تجربه کرد، زیرا هنگامیکه معلم تکالیف مربوط به دو کلاس صبح را تصحیح نمود، ناراحت و عصبانی شد (این موارد کاملاً برای آن دختر غیر عادی بودند) زیرا که امروز تولد او بود و مادرش گفته بود که او می تواند هر کاری که

می خواهد انجام دهد. این دختر صحبت مادرش را تحت الفظی درک کرده بود «امروز روز تولد تو است و می توانی هر کاری می خواهی، انجام دهی» و سردرگم و غمگین بود، زیرا تکالیفش همانگونه که وی انجام داده بود پذیرفته نشدند، در حالیکه او تکالیفش را طبق میل خود انجام داده بود نه به صورتی که معلم خواسته بود.

نظرات سایر افراد و زبان کاربردی

به طور کلی، اکثر کودکان و نوجوانان AS و NLD مشکلات متعددی در توجه به نظر دیگران دارند. این مشکل به صورت شکست در همدلی با دیگران و دیدگاه خود مرکزی درباره جهان آشکار می گردد و اغلب باعث می شود آنها شبه رویت و سرد به نظر برسند. مسئله این نیست که کودکان NLD و آسپرگر میل به ارتباطات نزدیک با دیگران دارند بلکه، هنگامیکه در پیشرفت ارتباطاتشان شکست می خورند، بی نهایت احساس غمگینی می کنند و حتی در دام افسردگی می افتند.

یک بخش از هر برنامه درمانی، باید بر روی آموزش زبان کاربردی، مشاهده خود، و توانایی تطابق با نظر دیگران تمرکز کند. کودکان NLD و آسپرگر باید در برنامه های آموزش زبان کاربردی شرکت داشته باشند (معمولاً در یک گروه کوچک که توسط متخصص گفتار درمانی کنترل می شود). این گروه ها مثل گروه مهارت های اجتماعی که توسط روانشناسان اداره می شود، بر رشد توانایی کودک برای استفاده از زبان به طور مناسب، تمرکز نموده و رفتارهای قابل قبول از نظر اجتماعی را گسترش می دهند. معمولاً موفقیت کودکان در گروه زیاد می شود و تجربه با ارزشی بدست می آورند. اما اکثر متخصصین می دانند مهارت هایی که در گروه رشد یافته است، به آسانی به بیرون از گروه تعمیم داده نمی شود و این مشکل نیاز به مطالعات بیشتر دارد.

غربالگری زبان کاربردی

ما از پرسشنامه زیر در مدرسه اوریون استفاده می نماییم. این فرم جهت ارزشیابی سطوح زبان کاربردی متداول و اندازه گیری میزان بهبودی بعد از چند سال استفاده می شود. دانش آموزان سرانجام یاد می گیرند تا خود را بسنجند و جهت گسترش مهارت های زبان کاربردی، مشارکت نمایند.

بررسی مهارت های زبان کاربردی

لطفاً بعد از هر گفته، عددی را که به بهترین شکل میزان رخداد رفتار را توصیف می کند، بنویسید:

۱ = تقریباً همیشه

۲= بیشتر اوقات

۳= نیمی از مواقع

۴= به ندرت

۵= تقریباً هیچ وقت

ارتباط غیر کلامی

- ۱- در چشم های شخصی که با او صحبت می کند ، نگاه می کند .
- ۲- بیانات چهره ای را متناسب با محتوای کلمات استفاده می کند.
- ۳- بیانات چهره ای دیگران را درک می کند و به شکل مناسب پاسخ می دهد .
- ۴- احساسات دیگران را درک می کند و به طور مناسب پاسخ می دهد .
- ۵- سر نخ های غیر کلامی و اشارات (زبان بدن) را تشخیص می دهد .
- ۶- در سطح مناسب سن خود عمل می کند .
- ۷- روابط فضایی بین افراد یا اشیاء و خود را تشخیص می دهد، با فاصله مناسب نسبت به دیگران می ایستد ، اندازه / وزن اشیاء را تخمین می زند .
- ۸- از ایجاد سروصدای نامناسب خودداری می کند .

مهارت های بیانی

- ۱- واضح صحبت می کند .
- ۲- با بلندی و تن متغیر و مناسب صحبت می کند .
- ۳- قادر به درک نظرات دیگران می باشد .
- ۴- در مورد یک موضوع حاشیه پردازی نمی کند و به علاقه دیگران توجه دارد .
- ۵- نیش و کنایه را می فهمد.
- ۶- استعاره ها را درک می کند و به درستی بکار می برد .
- ۷- می تواند اجازه دهد تا بحث پیش برود ، حتی اگر شخص مقابل با او مخالفت کند .
- ۸- حالت درونی خود را درک می کند و می تواند هنگام سوال درباره خود پاسخی بیشتر از «من نمی دانم» بدهد.

مهارت های محاوره ای - مفظ موضوع

- ۱- موضوعی متناسب با شرایط انتخاب می کند .
- ۲- موضوع را به خوبی معرفی می نماید و بحث می کند .
- ۳- اطلاعات مرتبط را به اختصار بیان می کند .
- ۴- موضوع مکالمه را حفظ می کند .
- ۵- موضوعات را به شکل مناسب تغییر می دهد .
- ۶- می داند چگونه مکالمه را با وضعیت شنونده تطابق دهد - برای مثال وضعیت مکالمه با هم سالان در مقایسه با معلمان .

مهارت های محاوره ای - رعایت نوبت

- ۱- نوبت را در مکالمه رعایت می کند (مکالمه را منحصر به خود نمی کند).
- ۲- به درک شنونده در مورد آنچه می گوید ، توجه می کند .
- ۳- هنگامیکه مکالمه اش توسط هم سن و سالان و افراد بزرگسال قطع می شود ، رفتار مناسبی دارد .
- ۴- قبل از اینکه در کلاس یا گروه صحبت کند ، منتظر می ماند تا مورد خطاب قرار گیرد یا با سایر افراد آشنا شود .
- ۵- از گوینده می خواهد تا به طور مناسب نظراتش را شفاف بگوید.
- ۶- هنگامیکه تغییری در موضوع مکالمه بوجود می آید ، انعطاف پذیر است .

آداب گفتاری

- ۱- خود را به درستی به دیگران معرفی می کند .
- ۲- تعارفات محاوره ای مناسبی بکار می برد.(احوالپرسی،معذرت خواهی،پاسخ دادن به دیگران)
- ۳- فعالانه در مکالمات شرکت می کند.
- ۴- با مردم صحبت می کند ، نه اینکه به آنها امر و نهی کند.
- ۵- در هنگام نیاز،درخواست کمک می کند .
- ۶- بدون حاشیه پردازی، محاوره اصلی را آغاز می کند .

مهارت های مربوط به گروه هم سن و سالان

- ۱- روابط دوستانه و مناسبی را ایجاد و حفظ می کند .
- ۲- از مسخره کردن دیگران ، خودداری می کند .
- ۳- به دیگران به خاطر پیوستن به گروه ،خوش آمد می گوید .
- ۴- انتقاد را به درستی ارائه می دهد و می پذیرد .
- ۵- به درستی تعارفات را ارائه می دهد و می پذیرد .
- ۶- از زبان خاص همسالانش استفاده می کند .
- ۷- همدلی نشان می دهد .
- ۸- در تعاملات با هم جنس و جنس مخالف، مطمئن به نظر می رسد .
- ۹- در مشاجرات کلامی به شکل مناسبی پاسخ می دهد .
- ۱۰- به طور مناسب مذاکره و گفتگو می کند و به توافق می رسد .
- ۱۱- می تواند اجازه دهد دیگری در بحث « پیروز شود » .
- ۱۲- بدون تحمیل نظر خود به نقطه نظرات دیگران گوش می دهد .

سایر موارد

- ۱- احساسات خود را تشخیص می دهد و بیان می کند .
- ۲- به خاطر موضوع یا احساسات شخصی سایرین را سرزنش نمی کند .
- ۳- در زمان مناسب ، تاسف و پشیمانی خود را نشان می دهد .
- ۴- در مقابل فشار همسن و سالانش با قاطعیت می ایستد .
- ۵- در مدرسه یا سایر اماکن به سلسله مراتب احترام می گذارد .
- ۶- مراقب تفکر سایر مردم نسبت به خود است .
- ۷- هدف قوانین را حتی هنگام مخالفت با آن درک می کند .

هر چند این فرم غربالگری مخصوص مدرسه طراحی شده است، اما والدین و متخصصینی که کودک را به خوبی می شناسند، می توانند از فرم بررسی مهارت های زبان کاربردی مدرسه اوریون استفاده کنند. این ابزار به والدین و متخصصین اجازه می دهد تا پیچیدگی مهارت های زبانی مورد استفاده روزمره را درک کنند. بعلاوه این فرم سطح مهارتهای معمول کودک و ارزیابی پیشرفت سالانه کودک را در مدرسه فراهم می کند و به والدین و معلمان اجازه می دهد تا زمینه های دارای مشکل خاص را، مد نظر

قرار دهند. به نظر می رسد رشد مهارت هایی مثل زبان کاربردی بدون وجود ابزار هایی جهت ارزیابی پیشرفت مهارت های زبانی- اجتماعی، مشکل و مرموز هستند. بررسی ها نشان می دهد، با وجود اینکه این امر یک فرایند آهسته و مشکل است، اما خیلی هم پیچیده نیست. مهارت های زبان کاربردی در هر کودک رشد می یابد و در این فرایند مشارکت مدرسه و خانواده نقش مرکزی دارد. ابزاری همچون فرم بررسی ارائه شده در اینجا، روشی برای افزایش درک و تفاهم خانواده و مدرسه و دخالت هر دو در زمینه ی حمایت از کودک می باشد.

○ فصل سوم

« چرا شناخت کودک با ناتوانی یادگیری غیر کلامی یا سندرم آسپرگر مهم است ؟ »

کودکی که با ناتوانی یادگیری غیر کلامی یا سندرم آسپرگر متولد می شود، کودکی است که اکثر والدین انتظار آن را ندارند. اغلب نیازهای این کودکان شناسایی نمی شود و با گذشت هر سال احساس درماندگی و بی کفایتی والدین افزایش می یابد. پیش بینی به موقع در مورد این گروه از کودکان که در نوزادی دوست داشتنی هستند، غیرممکن به نظر می رسد. این کودکان به راحتی به توانمندی هایی که سایر کودکان به آنها می رسند، دست نمی یابند (دوچرخه سواری، گره زدن بند کفش، شرکت در جشن تولد، کامل کردن تکالیف منزل) و درگیر نگرانیها و ترس هایی هستند که والدین آنها را درک نمی کنند.

اکثر مدارس انتظار چنین دانش آموزانی را ندارند. معلم ها و مدارس به ندرت برای پذیرش دو گروه از دانش آموزان آمادگی دارند کودکانی که از نگاه سنتی دارای ناتوانی های یادگیری هستند و کودکان با استعداد. تعداد زیادی از این کودکان در گروه غیر معمول ناتوانی های یادگیری با استعداد قرار می گیرند (که با گروهی که به آن تعلق دارند تناقضی ندارد). اما با بزرگتر شدن کودک AS یا NLD، بخش با استعداد ناتوانی یادگیری آنها خیلی سودمند به نظر نمی رسد. مهارتهای زبانی که کودک به آن ها تکیه می کند، کافی نیست زیرا نیاز به مهارتهای اجتماعی و پردازش اطلاعات پیچیده، زودتر اتفاق می افتد. کودکان AS و NLD مدرسه را بیشتر به عنوان یک عامل گیج کننده و سرکوب کننده تجربه می کنند. اکثر این کودکان در پایه ی سوم نوعی تنزل از خود نشان می دهند ولی نمی توانند بپذیرند که در کلاس فقط آنها تنزل داشته اند. فشارهای اجتماعی (هر کودکی در پایه ی سوم به همان اندازه که در پایه اول و دوم مورد پذیرش اجتماعی قرار می گرفت مورد پذیرش قرار نمی گیرد) و درگیری های تحصیلی به طور ناراحت کننده افزایش می یابد.

تمام دانش آموزان در پایه ی سوم، یکپارچه سازی اطلاعات را به عنوان بخشی از فرایند یادگیری آغاز می کنند. همچنین در بسیاری از قسمت ها ی کتابهای درسی، سوالات هدفمند پرسیده می شود یا مسائل به روشی متفاوت از روش هایی که به آنها آموزش داده شده، ارائه می گردد. این الگوی آموزش منجر به

مشکلاتی برای کودکان AS و NLD، (حتی زودتر از پایه ی سوم) می شود. برای مثال، کودکی را در نظر بگیرید که در پایه ی اول در مفهوم ریاضی ارزش مکانی دچار مشکل است. در کلاس و در دفترچه ی تمرین او از کلمه «دسته» استفاده شده است: این سیب ها را در دسته های ده تایی قرار بده، چند دسته ی ده تایی داری؟ اما در پلی کپی هایی که به عنوان تکلیف به خانه فرستاده می شد، کودک با تکالیفی روبرو می شود که از او خواسته اند تا سیب ها را در یک مجموعه (سری) قرار دهد. وی قادر نبود تکالیف خانه را انجام دهد. معلم گنج شده بود، که: چطور او می تواند این مفهوم را فراموش کند، در حالیکه، دقیقاً در همان روز آن مسئله را در کلاس انجام داده بود. بدیهی است، کودک آن را فراموش نکرده اما واژه ی «مجموعه» برای او همان معنی «دسته» را ندارد، بنابراین هیچ راه حلی در مورد سؤال نداشت. همان طور که خواهیم دید، ناتوانی یادگیری عمده کودک در پردازش اطلاعات و انعطاف ناپذیری تفکر، در درک شکست هایش نیز نقش دارد. اگر چه این مثال، مشکل مربوط به آموزش و روش های آن در زمینه یادگیری در کلاس می باشد، اما مشکل واقعی کودک برای رسیدن به موفقیت را نیز بازنمایی می کند. جهان، همه کودکان را با شرایط منحصر به فردی که نیازمند استفاده از دانش به شیوه ی جدیدی است، روبرو می سازد، در حالیکه، این شرایط برای کودک NLD و آسپرگر به راحتی به دست نمی آید.

نیازهای برنامه ریزی

شما به عنوان والدین، نیازمند آگاهی در مورد AS و NLD هستید، این آگاهی فقط برای چگونگی برخورد و کمک با کودکان نیست، بلکه در نهایت شرایطی به وجود خواهد آمد که لازم است حامی فرزندان نیز باشید. تا زمانی که مدارس سراسر کشور نیازهای عمده و استعداد های گسترده این بچه ها را تشخیص دهند و اقدام به فراهم کردن آموزش مناسب و سودمند برای آنها کنند، مهارت این کودکان به همین شکل خواهد بود. مطابق موارد پیشنهاد شده در فصل های قبل، این آموزشها نیازمند برنامه ریزی در زمینه ی ضعف کودکان AS و NLD می باشد:

۱. پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
۲. پردازش اطلاعات و مهارتهای سازماندهی
۳. مهارتهای اجتماعی و رشد زبان کاربردی

■ اختلال نقص توجه

اکثر مدارس و متأسفانه تعدادی از متخصصین نیازهای دانش آموزان AS و NLD را اشتباه تشخیص داده و می فهمند. رایج ترین خطا این است که این کودکان را با نقص توجه توصیف می کنند (یک اختلال

عصب شناختی متفاوت). اختلال نقص توجه بیش از یک طبقه‌ی تشخیصی را در DSMIV به خود اختصاص می‌دهد. کودکان NLD و سندرم آسپرگر به اشتباه در طبقات عمده AD/HD-I^۱ (اختلال نقص توجه تمرکز - نوع بیش فعال) یا AD/HD-II^۲ (اختلال نقص توجه تمرکز - نوع بی دقت) تشخیص داده می‌شوند. معیار برای تشخیص اختلال نقص توجه در جدول ۱-۳ نشان داده شده است. آشفتگی، تکانشی بودن و تمرکز ضعیف جنبه‌های اصلی این تشخیص هستند.

ممکن است تشخیص دوگانه وجود داشته باشد (کودک ممکن است هم NLD یا AS باشد و هم ADHD) اما ضروری نیست، این مورد به والدین گفته شود. در کودکان کم سن و سال، علائم NLD و AS اغلب با نشانه‌های مشابه ADHD (تکانشی، مشکلات تمرکز و آشفتگی و حواس پرتی) ظهور می‌یابد، گرچه بسیاری از علائم به عنوان بخشی از علائم NLD و AS نیز می‌باشد.

به عبارت دیگر، عملکرد نقص توجه و تمرکز در نقایص نوروسایکولوژیکی، مثل عملکرد تب در اختلالات پزشکی می‌باشد. تب نشان دهنده مشکل در بدن می‌باشد. به طور مشابه، نقص توجه نیز یک مشکل آشکار را نشان می‌دهد که کودک با آن درگیر است. تب می‌تواند به موارد متعددی، از مننژیت نخاعی تا یک سرماخوردگی ساده اشاره داشته باشد. آنچه که باعث ضرورت تمایز تشخیص صحیح این اختلالات از همدیگر می‌شود، درمان است، به گونه‌ای که درمان سرماخوردگی از درمان مننژیت متمایز است. به طور مشابه درک و تشخیص صحیح مشکلات کودک NLD و AS ضروری و مهم است، زیرا آنچه که برای کودک NLD و سندرم آسپرگر خاص و مسئله ساز است، الزاماً مشابه مشکلات اختلال نقص توجه نیست و باید این دو اختلال از یکدیگر متمایز شوند.

▪ تکانشی بودن

تکانش تمایل به فعالیت ناگهانی براساس یک فکر یا ایده، بدون در نظر گرفتن تأثیرات آن فعالیت است. اغلب کودکان NLD و سندرم آسپرگر تکانشی بودن را نشان می‌دهند، که در نتیجه شیوه‌ی تفکر انعطاف ناپذیر آنها می‌باشد. واکنش سریع و بدون هیچ مکانیزم تأخیری نسبت به محرک در آنها بوقوع می‌پیوندد و فعالیت قبل از تفکر رخ می‌دهد. برای مثال شخصی در کلاس درس، کلمه «فوتبال» را می‌گوید و کودک به طور تکانشی از سرجایش بلند می‌شود و توپ فوتبال را از کوله پشتی بر می‌دارد و به اطراف کلاس پرت می‌کند و هرگز به این مسئله که این کار او را به دردسر خواهد انداخت فکر نمی‌کند.

1 - Attention deficit disorder- hyperactive type
2 - Attention deficit disorder-inattentive type

جدول ۳-۱

تشفیص اختلال نقص توجه :

نشانه های نقص توجه که در اوایل دوران کودکی ظهور می یابد، رفتار های دائمی هستند و در بسیاری از موقعیت ها (نه فقط در خانه و مدرسه) اتفاق می افتد . این علائم باید حداقل به مدت ۶ ماه مشاهده گردد و با سطح رشدی، ناهماهنگ هستند و آسیب جدی به عملکرد اجتماعی، تحصیلی یا حرفه ای وارد می کنند . شروع نشانه ها قبل از سن ۷ سالگی است .

■ سه دسته اختلال نقص توجه وجود دارد :

AD/HD – بدون توجه یا (AD/HD-I)

- به نظر نمی رسد که در حال گوش کردن باشد .
- قادر به حفظ توجه در هنگام آغاز فعالیت (در بازی یا در تکلیف) نمی باشد.
- از روی بی دقتی خطاهایی انجام می دهد و یا در توجه به جزئیات شکست می خورد .
- در سازماندهی خود و فعالیت هایش دچار مشکل می شود .
- در انجام تکالیف و یا تمرینات دچار مشکل می شود .
- از انجام کارهایی که چند مرحله دارد و یا نیاز به حفظ تلاش دارد، اجتناب می کند .
- حواسش به آسانی توسط محرک خارجی پرت می شود (تیک تاک ساعت ، صحبت کردن سایر افراد) .

- آنچه که قرار است انجام بدهد، را فراموش می کند .
- اشیاء را گم می کند (کتاب ها ، مدادها، کلیدها ، اسباب بازیها) .

AD/HD – بیش فعال ، تکانشی (AD/HD-HI)

- بی قرار است ، بیچ و تاب می خورد و نمی تواند بنشیند .
- غالباً در حال راه رفتن دیده می شود .
- بیش از حد، اطراف چیزی می دود یا از آن بالا می رود .
- بدون این که از او سوال شود، جواب ها را بیان می کند .
- بیش از حد صحبت می کند .

- در رعایت نوبت مشکل دارد .
- گفتگو را قطع می کند یا ناگهان وارد گفتگو می شود .
- به نظر می رسد که هرگز ساکت نمی شود .
- در کار کردن به تنهایی مشکل دارد .

AD/HD مفقود (AD/HD-C)

- ویژگی های هر دو دسته فوق را دارد .
- به احتمال زیاد کودکان NLD و آسپرگر، درگیر تکانش های کلامی هستند. تکانش کلامی که غالباً آموزگاران در این کودکان مشاهده می کنند، شامل بیان سریع پاسخ سوال (صحیح یا غلط) بدون انتظار قبل از سوال از آنها می باشد. سایر اشکال تکانش کلامی نیز به عنوان بخشی از رفتارهای اجباری است که بعضی از این کودکان تجربه می کنند. یک کودک ممکن است خود را در حال تکرار یک کلمه با توالی ریتمیک بیابد و به طور تکانشی با تکرار زیاد زنجیره کلمات بی معنی احساس شادی کند. برای مثال کودک کلمه پرتقال را تکرار می کند سپس شروع می کند به گفتن لرتقال - هرتقال - ررتقال - سرتقال والی آخر. نیازی به گفتن نیست که سایر بچه ها از این حالت خیلی احساس شادی نمی کنند.

■ حواس پرتی

حواس پرتی به شکل ساده ، تمایل به پرت شدن حواس (تغییر توجه از آنچه که شما قرار است بر روی آن متمرکز شوید) می باشد. به عنوان مثال هنگامی که شما در حال رانندگی هستید، پاسخ به تلفن همراه یک عامل حواس پرت کن است. برخی افراد قادرند توجه خود را همزمان به چند چیز معطوف کنند، متأسفانه در رابطه با کودکان و نوجوانان NLD و AS این مورد صادق نمی باشد. در کودکان NLD و AS حواس پرتی ممکن است به خاطر حساسیت بیش از اندازه به محرک (بو - صدا - لمس)، و یا به خاطر وجود تفکر معرب در ذهن کودک باشد. حواس پرتی به این معناست که کودک به ساعتی که تیک تیک می کند، نگاه کند یا به کودکی که با مداد روی میز ضربه می زند، خیره شود. در نتیجه، وی در این شرایط قادر نیست که حواس خود را بر روی یک تمرین، معطوف کند. مشکلات این کودکان در زمینه تمرکز ناشی از این مسئله است که تمام نقایص ذکر شده در بالا با اضطرابی که هر روز سعی در کنار آمدن با آن را دارند جمع می شود.

اختلالات اضطراب

اضطراب احساس نگرانی یا ترسی است که ممکن است در هر زمان اتفاق بیفتد و اغلب دلیل آشکاری ندارد. در طول تکامل تدریجی بشر، اضطراب لازمه بقا بوده است. بشر اولیه هنگامیکه صدای غرش شیر را می شنید احساس اضطراب را تجربه می کرد و مراقب بود، در نتیجه احتمال بیشتری داشت تا زنده بماند. هنگامیکه اضطراب طبیعی به عنوان اخطار دهنده عمل نمی کند، آنگاه می تواند منشا یک اختلال شود.

سرگذشت مایکل^۱

مایکل یک پسر ۱۲ ساله است و فرزند دوم خانواده ای است که ۴ فرزند دارد و به نظر می رسد که از بقیه کودکان هم سنش بزرگتر است. مردم غالباً فکر می کنند که او از سنش بزرگتر است. احتمالاً اندازه بدن و مهارت های عالی زبانی وی در این خطا سهیم هستند اما با این وجود مایکل رازی را از دوستانش و افراد بزرگسال مدرسه، در ذهنش و در جمع خانوادگی حتی فامیل درجه اولش پنهان می کرد. مایکل همیشه از آلودگی ناراحت بود. فکر اینکه مردم روی غذا یا ظروف عطسه، سرفه یا فوت کنند، یا در مکان عمومی غذا بخورد، برایش غیر قابل تحمل بود. او وانمود می کرد که غذا می خورد اما در واقع هیچ چیزی در دهانش نمی گذاشت. زمانیکه کسی عطسه یا سرفه می کرد، احساس نیاز شدیدی به شستن دستهایش داشت و گاهی بیش از حد طبیعی حمام می رفت، (سه تا ۴ بار در ساعت). پدر و مادرش نگرانی او را می دیدند و به او می گفتند که این کار احمقانه است و باید افکار و صداها را از ذهنش خارج کند. او می خواست این کار را انجام دهد اما نمی توانست زیرا افکار و صداها به هر طریقی وارد ذهن او می شدند. ایستادن در نزدیکی افراد را دشوار می دانست و دلیل آن را نمی دانست اما از اینکه افراد زیادی در اطرافش باشند هم احساس خوشحالی می کرد. گاهی اوقات قلبش تند می زد و نگران بود که سخته قلبی نکند، البته هرگز سخته نکرد و می دانست که این تفکر احمقانه است اما گاهی اوقات در مکانهای عمومی شلوغ هنوز فکر می کرد که این اتفاق خواهد افتاد.

اختلال وسواس اجباری^۲ (OCD)

بسیاری از کودکان ASD و NLD در برخی از مراحل زندگی از اختلال اضطرابی رنج می برند. بسیاری از آنها نشانه های اختلال وسواس اجباری را تجربه می کنند. اختلال وسواس اجباری یکی از اختلالات اضطرابی می باشد، که در DSMIV آمده است. OCD اختلالی است که می تواند در هر زمان از زندگی

1. Michael

2- Obsessive –compulsive disorder

شخص رخ دهد، اما به عقیده درمانگران قدیمی در کودکان رایج است. این اختلال از طریق وجود وسواس و نیز اجباری که به درجاتی باعث ایجاد ناراحتی در برخی از افراد می شود شناسایی می شود و در نتیجه در بعضی از جنبه های زندگی آنها مزاحمت ایجاد می کند (زندگی شخصی، حرفه ای یا تحصیلی). نگرانی و ترس های منطقی و طبیعی در این اختلال مورد نظر نیستند.

وسواس

وسواس ها عبارتند از، افکار، ایده ها یا تصوراتی در ذهن، که بارها و بارها اتفاق می افتد و احساساتی برای کودک ایجاد می کند که او نمی تواند آنها را کنترل کند. این افکار بدون هشدار ایجاد می شود و هنگامیکه اتفاق می افتد، کودک نمی تواند به آسانی آنها را از ذهنش خارج کند. بعضی از مثال های رایج در مورد افکار وسواسی، آلودگی ها، کثیف شدن یا تصادف کردن در جاده می باشد. تصورات بینایی همراه با وسواس ها می تواند باعث آشفتگی و حواس پرتی فرد گردد. نیازی به گفتن نیست که داشتن افکار وسواسی برای کودک دشوار است و زمانی این مسئله برای والدین دشوارتر می شود که کودک شروع به توصیف این افکار کند. اما، این بدان معنا نیست که وجود افکار ناگهانی و اجباری باعث شود تا کودک مطابق این افکار عمل نماید. بسیاری از والدین نگران این موضوع هستند که تفکر کودکشان به این موارد، (برای مثال، معلمش را در حالیکه خون از صورتش جاری است تصور می کند) به این معناست که او می خواهد آن ها را انجام بدهد، اما هیچ مدرکی در این زمینه وجود ندارد. در حقیقت کودکان OCD به طور کلی آرامتر و ترسو تر از سایر کودکان هستند.

اجبارها

اجبارها فعالیت هایی است که کودک OCD احساس می کند مجبور است به عنوان نتیجه وسواس آنها را انجام دهد. فعالیت هایی که باید آنها را بارها و بارها انجام دهند. شستن دستها بعد از لمس کردن دستگیره - ی در غالباً با اجبار همراه می باشد. مثلاً باید، تعداد دفعات مشخصی، آن فعالیت انجام پذیرد تا از وقوع برخی حوادث جلوگیری شود. در بسیاری از مواقع کودک دقیقاً نمی داند که چه حادثه بدی رخ خواهد داد او فقط احساس بدی دارد. افزایش آداب اجباری، می تواند در تمام زندگی کودک وجود داشته باشد و کودک ساعت ها این کار را انجام دهد، و با عملکرد روز مره کودک در تداخل می باشد.

سرگذشت رایان^۱

رایان در ده سالگی به طور اجباری شروع به شستن دستهایش کرد. او اکنون چهارده سال دارد. وی مجبور بود که در مدرسه یا مکان‌های عمومی به صورت مکرر دستهایش را بشوید و خشک کند (دقیقاً ۶ بار قبل از اینکه از دستشویی بیرون آید). هیچ کس در مورد این مشکل چیزی نمی دانست و او تلاش می کرد که دیگران متوجه نشوند که چند بار به دستشویی می رود، به همین خاطر، همیشه یک بسته دستمال توالت را با خود حمل می کرد (مادرش تحت تاثیر قرار گرفته بود به ویژه، وقتی که می دید بیشتر پسرهای هم سن و سال او، در مورد پاکیزگی به این حد دقت نمی کنند). رایان تا حد امکان پیراهن آستین بلند می پوشید تا دستش پوشیده شود و بتواند در مکان های عمومی در را باز کند و به همین منظور دستش را به داخل آستین فرو می برد. مشکل اصلی زمانی خود را نشان داد که والدینش می دیدند، توالت بارها و بارها مسدود می شود زیرا رایان بیش از حد از دستمال توالت استفاده می کرد.

سرگذشت لیندا^۲

لیندا دانش آموزی عالی بود و به درجه‌ای رسیده بود که هرگز نمره‌ی زیر ۱۷ نمی گرفت. در اواسط پایه ششم نگرانی او در مورد توانایی برای حفظ توانمندی تحصیلی‌اش بیشتر و بیشتر می شد. بدون اینکه بداند این تفکر چه موقع شروع شده است، او خود را درگیر یک تفکر عادت‌ی می دید، به گونه ای که حس می کرد نباید در امتحان نمره پایین بگیرد. این حالت نشان دهنده تفکر در باره نمرات بد در امتحان بود. این فکر باعث می شد که هیچ گونه فکر مثبتی به ذهن او خطور نکند، مثل این: (من صفر می گیرم، من پنج می گیرم من ده می گیرم، من بدبختم، من مطمئنم که می افتم) و اگر در حین فکر کردن به این موارد، فکر گرفتن نمره ۲۰ یا ۱۷ به ذهنش خطور می کرد، مجبور بود که دوباره روند فکر کردن را از سر بگیرد و دوباره به همان فکرهای منفی می رسید. با گذشت زمان او در مورد تمام مسائل زندگی به خصوص در مورد سلامتی پدر و مادرش به همین شیوه عمل می کرد. سرانجام نمره هایش شدیداً افت کرد و زندگی روزمره‌اش به خاطر اینکه مدت زمان زیادی را صرف کامل کردن این افکار عادت‌ی می نمود، مختل شد.

1. Ryan

2 Linda

درمان کودکان OCD

لازم به ذکر نیست، برای اینکه کودک مبتلا به OCD قادر شود در هر مدرسه ای ادامه تحصیل دهد، درمان OCD ضروری است. بیشتر کودکان OCD به درمان های استاندارد پاسخ بسیار خوبی می دهند. معمولاً ترکیبات دارویی جهت کاهش علائم این بیماری همراه با درمان شناختی- رفتاری^۱ (CBT) استفاده می شود. دکتر جان مارچ^۲ کتاب بسیار خوبی در زمینه ی توصیف درمان کودکان OCD نوشته است (مارچ و مول^۳ ۱۹۹۸). پدر و مادری که فرزند آنها علائم OCD را همراه با و یا بدون NLD و یا سندرم آسپرگر نشان می دهد، می باید ارزیابی و درمان همه جانبه ای برای کودک مد نظر داشته باشند. مداخلات زود هنگام احتمال موفقیت بیشتری دارد و تعداد زیادی از کودکان به درمان دارویی مداوم نیاز ندارند. درمان شناختی- رفتاری در طول زندگی این افراد بسیار موثر می باشد. در کودکان NLD یا سندرم آسپرگر که تشخیص OCD و ADHD نیز در مورد آنها داده شده، NLD و AS اختلال اصلی محسوب می شود و این تمایز مثل بازکردن فرق مو به نظر می رسد. اگر در مورد کودکی تشخیصی داده شده و تشخیص دیگر نیز در موردش صدق نمود یا به عبارتی اگر کودک هر دو اختلال را داشته باشد، چه اتفاقی می افتد؟ تشخیص اشتباه NLD یا AS باعث درمان اشتباه و تعیین سطح تحصیلی اشتباه خواهد شد. برای مثال، غالباً برای کودکان NLD و AS در همان اوایل کودکی، تشخیص زودهنگام ADHD را می دهند. این تشخیص بواسطه وجود مشکلاتی در زمینه ی رفتار مبتنی بر دستور، توجه، و تمرکز می باشد. مشکل همراه با این خطا می تواند مهم باشد زیرا کودک NLD یا AS با مشکلات مربوط به کودک ADHD برخورد نمی کند. قرار دادن کودکان NLD و AS با کودکان ADHD که مشکلات رفتاری آنها مهم تر و اصلی است و به تغییر رفتار و محرکات دارویی بسیار خوب پاسخ می دهند، در یک کلاس یک اشتباه جدی است. اگر چه دارو برای برخی از کودکان NLD و تعدادی از کودکان AS می تواند موثر باشد اما در مورد کودکان ADHD روش های اصلاح رفتار و جلسات آموزشی به تنهایی انتخاب مناسبی نیست. این شیوه منجر به نادیده گرفتن نیازهای اجتماعی کاربردی خاص کودکان NLD و AS می شود و اضطراب آنها را در این موقعیت ها افزایش می دهد به علاوه مشکلات بینایی- فضایی آنها به خاطر تمرکز بر کنترل رفتار همچنان باقی می ماند.

1 -Cognitive behavioral therapy

2 -John March

3 -March and Mulle

تشخیص مدرسه در مقابل تشخیص بالینی

باید به خاطر داشته باشیم که زبان انجمن سلامت ذهنی و پزشکی حرفه ای با زبان انجمن های آموزشی متفاوت است. مدارس ممکن است از یک سری برچسب هایی استفاده کننده که شبیه بر چسب های تشخیصی DSMIV باشد، اما ضرورتاً به یک معنا نیستند. DSMIV هیچ گونه معیار تشخیصی برای NLD و اختلالات رفتاری ندارد اما مدارس ممکن است از معیارهای موجود در آن استفاده کنند. مدارس اغلب به دانش آموزی که شدیداً از لحاظ عاطفی صدمه دیده است،¹ SED اطلاق می کنند که تشخیص DSMIV نمی باشد. خدمات آموزشی خاص برای کودکی تحت عنوان SED انعکاسی از تصمیم گروهی از افراد به ویژه، والدین می باشد. وقتی سیستم های مختلف درباره فرزند والدینی با استفاده از زبان متفاوت صحبت می کنند، یا بدتر از آن با زبانی ظاهراً یکسان اما با معنی متفاوت صحبت میکنند باعث گیج شدن والدین می شود. والدین نه تنها باید یاد بگیرند که چگونه جهان کودک NLD و AS را رمزگشایی نمایند، بلکه باید زبان سیستم هایی که اکنون با آن در تعامل هستند را نیز بیاموزند. این تعاملات باید توسط حامیان آموزشی و سایر تخصص های دیگر، مورد حمایت قرار گیرد.

نیاز به آموزش مداوم در کودکان NLD و AS

والدین و متخصصین آموزش باید در مورد نا توانی یادگیری غیر کلامی و سندرم AS آگاهی داشته باشند. اگر بزرگسالانی که با این کودکان در ارتباط هستند، در مورد خدمات ارزیابی، برنامه های طراحی شده و تامین یک محیط یادگیری امن برای این کودکان اطلاعات اندکی داشته باشند، آینده این کودکان به نظر غم انگیز خواهد بود. اگر تشخیص صحیح صورت نپذیرد، ممکن است خدمات درستی برای کودک انجام نشود و در نتیجه کودک را به سالها قبل برگرداند. کودک NLD و AS ممکن است در کلاسی درس بخواند که در آن نیاز سایر دانش آموزان شدیدتر و متضاد با نیازهای او باشد. آخرین نیاز کودکان NLD و AS درس خواندن در کلاسی با دانش آموزان دارای مشکلات رفتاری می باشد و نباید با دانش آموزانی که از لحاظ هوشی محدودیت داشته و یا اختلالات یادگیری مبتنی بر زبان دارند، قرار بگیرند.

محیط مناسب، استعداد خاص این کودکان را دریادگیری تحت تاثیر قرار می دهد و از طریق یادگیری و مطالعه می توان این اختلالات، می توان محیط یادگیری موفق برای آنها ایجاد نمود. با طراحی برنامه و خدمات مناسب، کودکان NLD و AS می توانند آینده ای روشن و مملو از موقعیت هایی که هر فرد آرزوی آنها را دارد، پیش رو داشته باشند.

1 - severely emotionally disturbed

❖ بخش دوم

تاثیرات ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم
آسپرگر

صمبت کردن با زبانی متفاوت : رشد مهارت
اجتماعی و عملکرد عاطفی و اجتماعی

فصل چهارم

گم شدن در فضا: پردازش بینایی فضایی و
یکپارچگی حسی

فصل پنجم

علت مشکل: مشکلات پردازش اطلاعات و
سازماندهی

فصل ششم

○ فصل چهارم

«صمبت کردن با زبانی متفاوت : (رشد مهارت اجتماعی و عملکرد عاطفی و اجتماعی»

همانطور که در فصول قبل دیدیم، ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر سه حوزه اصلی عملکرد را تحت تاثیر قرار می دهد :

- ۱- مهارت های اجتماعی و رشد کاربرد شناختی زبان
 - ۲- پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
 - ۳- پردازش اطلاعات و مهارت های سازماندهی
- در این فصل و دو فصل بعد در مورد تاثیرات NLD و AS در هریک از این حوزه ها بحث خواهد شد.

موزه هایی که سیستم در آنها صدمه می خورد

حوزه ای که غالباً کودکان ونوجوانان مبتلا به ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر را از هم سن و سالانشان جدا می سازد، حوزه عملکرد عاطفی و اجتماعی است. این کودکان در فهم سرنخ های اجتماعی ظریف و درک مکالمات اجتماعی روزمره مشکل دارند و نمی دانند که چطور با این مشکلات کنار بیایند و یا خونسرد باشند. همچنین، در درک احساس سایر افراد و انعطاف پذیری در مقابل دیگران نیز با مشکل روبرو هستند. به نظر می رسد، آنها به رشد راهبرد های تطابقی به منظور تعاملات پیچیده با گروه همسالان نائل نگشته اند. به طور خلاصه، کودک NLD یا AS به خوبی اکثر افراد در عملکرد اجتماعی مشارکت نمی کند و احتمال بروز مشکل در سه مورد زیر، بسیار است:

- ۱- شکست در استفاده از کاربرد زبان شناختی (اختلال در زبان عملی روزانه).
- ۲- شکست در فهم و استفاده از کیفیت تعاملی زبان. این کودکان زبان را برای تعامل استفاده نمی کنند بلکه به صورت تک گویی و یا برای گفتن چیزی به دیگران از آن استفاده می کنند. همچنین در فهم و ارائه سرنخ های اجتماعی مناسب از قبیل استفاده از صدا، آهنگ کلام، زبان بدن، لطفه، کنایه و یا معانی دقیق کلمات انتقال داده شده، مشکل قابل توجهی دارند.

۳- شکست در توانایی استفاده هم زمان از سطوح مختلف تعاملات اجتماعی: یعنی قادر به پی گیری تن صدا، وضعیت بدن و اشارات و حالات چهره متناسب با معنی دقیق لغات نیستند. کودکان NLD و AS معمولاً تمایل به برقراری ارتباط دارند. آنها به اعضای خانواده می چسبند و اغلب خود را وابسته به آنها می دانند. در حالیکه، هم سن و سالان آنها این کار را سرزنش می کنند. در حقیقت، اختلال در عملکرد اجتماعی - عاطفی تمامی زوایای زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد و اگر درمان نشوند، مهم ترین دلیل شکست در ایجاد زندگی معنی دار مستقل، در خارج از خانواده می باشد. به طور خلاصه، نقص در عملکرد مهارت اجتماعی از جمله مهم ترین موضوعاتی است که این کودکان با آن مواجه اند و به احتمال زیاد مشکل ترین مسئله ای است که می توانند بر آن غلبه کنند.

سفنی در رابطه با دست انداختن (مسفره کردن)

تمسخر، مهمترین نکته زندگی کودکان NLD و AS می باشد. شایع ترین دلیلی که والدین به دنبال برنامه های آموزشی جدید برای کودکانشان هستند تمسخر شدن آنها می باشد. در حالیکه، اکثر کودکان و نوجوانان NLD و AS از لحاظ جسمانی، طبیعی هستند اما، هم سن و سالانشان می دانند که این کودکان در بعضی زمینه ها با آنها متفاوتند و نسبت به این تفاوت عکس العمل نشان می دهند. این عکس العمل ها به همراه محدودیت در پاسخ های کودک NLD یا AS، اغلب باعث افزایش تعاملات نا خوشایند می گردد. مهارت های اجتماعی خیلی ضعیف این کودکان زمانی که احساس خوبی ندارند، و تمایل آنها برای استفاده از زبان به عنوان یک پوشش و راه مناسب برای حل مشکلات، باعث می شود که با سایر کودکان دیر بجوشند. هر یک از کودکانی که تا به حال با آنها کار کرده ام از مورد تمسخر قرار گرفتن شکایت داشته و آرزو داشتند که در جایی زندگی نمایند که مورد قبول واقع شده و بتوانند دوست پیدا کنند. آنها معمولاً بدلیل آنکه نمی توانند برای خارج شدن از فشار ناشی از مسخره شدن راه حلی پیدا کنند، منزوی و بیش از پیش افسرده می شوند. تلاش های اولیه آنها برای تبادل کلامی با هم سن و سالان معمولاً موفقیت آمیز نیست و باعث افزایش سردرگمی آنها می شود. سرانجام کودکان NLD و AS از محیط های اجتماعی دور شده و در حاشیه قرار می گیرند و هرگز درگیر مسائل اجتماعی نمی شوند.

یادگیری پگهنگی از عهده مسائل بر آمدن

اگر چه، سرگذشت این کودکان قلب انسان را به درد می آورد، اما این نکته حائز اهمیت است که نباید واکنش نشان دهیم و آنها را از تماس های اجتماعی که باعث ناراحتی می شود، دور کنیم. محافظت این کودکان در مقابل هم سن و سالان بی احساسشان و انتقال آنها به محیط های امن و کنترل شده کافی

نیست. باید چنین مداخلاتی وجود داشته باشد و می تواند بخش مناسبی از یک برنامه کلی باشد، اما، حفاظت از کودک از طریق دستکاری محیط کافی نیست. کودکان NLD و AS باید یاد بگیرند که از عهده کارهای خود بر آمده و حتی مهمتر از آن، اگر همواره تمایل دارند روابط دوستانه یا کاری با دیگران بر قرار کنند، باید نقش خود را در روابط اجتماعی بفهمند. آنها هرگز نمی توانند مردم را کنترل کنند بلکه فقط می توانند خودشان را کنترل نمایند و دست یافتن به این مهارت برای کودکان و نوجوانانی که اساس همه ی ارتباطاتشان بر اساس منطق و کنترل کردن می باشد دشوار است. مردم دنیا زندگی را آنطور که آنها می بینند، نمی بینند. هر چه زود تر یاد بگیرند که چگونه می توانند نقش ارتباطی خود را تغییر دهند، زودتر در محیط اطراف موفق می شوند. واضح است که ناتوانی های ویژه آنها این یادگیری را تحت تاثیر قرار می دهد. همانطور که دیدیم، این کودکان در درک پیچیدگی تعاملات اجتماعی، دوره دشواری را می گذرانند و حتی سخت تر از آن فهم چگونگی سهم شدن در مشکلات اجتماعی می باشد. تمرکز بر ایجاد تغییر در حوزه های متعدد رفتار اجتماعی و زبانی برای بهبود توانایی بر قراری تعامل کودک با سایرین و تطابق با دیگران، ضروری است.

سرگذشت اندی^۱

اندی یک دختر ۱۰ ساله است که در پایه ی چهارم درس می خواند. او در کلاس به سختی تلاش می کرد تا دوست پیدا کند اما، متوجه شد که سایر دختران صحبت می کنند، می خندند و به نظر می رسد زبان رمزگونه ای دارند که او قادر به درک آن زبان نیست. هنگامی که، او سعی می کند در مورد کتابی که خوانده است یا گربه ها یا موضوعات مورد علاقه اش صحبت کند همکلاسی ها در ابتدا به طور مودبانه برای چند دقیقه به حرفهای او گوش می دادند و سپس در مورد موضوع دیگر شروع به صحبت می کردند. اندی به امید اینکه آنها را به دانش خود علاقه مند کند، بسیار تلاش کرد تا در مورد گربه ها و یا کتابهایش، با آن ها صحبت کند. اما این کار موثر نبود. اغلب، دختران از او فاصله می گرفتند و هیچ کس دوست نداشت با او بازی و یا صحبت کند. معلمین و دانش آموزان به شیوه گفتار یکنواخت اندی پی برده بودند اما هیچ کس نمی دانست در این مورد چه باید بگوید و اندی هم از گفتار آنها که تلاش می کردند مشکل را برای او توضیح دهند چیزی نمی فهمید.

^۱.Andi

شکست در استفاده از زبان

شکست کودکان NLD و AS در استفاده از زبان در موقعیت های اجتماعی مشهود است برای مثال، این موقعیت را در نظر بگیرید: خانم وانگ (معلم کلاس) از سو (یک کودک NLD کلاس چهارمی) درخواست کرده بود تا مسئول بازی وسطی در زنگ تفریح باشد. سو به دلیل آنکه موقعیت اجتماعی خود در این بازی را واقعاً درک نکرده بود، توپ را به هر کسی که از او می خواست می داد و به جای این که خودش در بازی شرکت کند و عضوی از گروه شود، احساس نگرانی می کرد و قوانین بازی برای استفاده از توپ را رعایت نمی کرد. به احتمال زیاد قادر نبود بازی با توپ را بدون کمک انجام دهد و نمی دانست که چطور با توپ بازی کند و چگونگی شرکت در بازی را بلد نبود. همان طور که، بعداً در این کتاب بحث خواهیم کرد کودکان NLD و AS در ورزش ها یا فعالیت هایی که باید از مهارت های حرکتی ظریف و درشت استفاده شود، شرکت نمی کنند، اما با راهنمایی و کمک در مرکز بازی ها به عنوان داور و یا نگهدارنده ی امتیازات می توانند حضور داشته باشند. نکته ی کلیدی کمک به آنها آموزش نحوه ی تبدیل یک نقص به یک امتیاز با ارزش است.

این کودکان چگونه از زبان استفاده می کنند

زبان ابزار بسیار راحتی برای این کودکان و نوجوانان است. آنها به توانمندی زبانی خود متکی می باشند و همیشه نقایص خود را در پس کلمات پنهان می کنند. آنها تمایل دارند که زیاد صحبت کنند اما هنگام به کار گیری زبان به چند روش مهم دچار شکست می شوند، که عبارتند از:

- آنها زبانی تولید می کنند که صحیح است، اما کاربردی نیست. این زبان اطلاعات گوناگون را انتقال می دهد اما قادر به ایجاد ارتباط بین این کودکان با دیگران نیست. آنها می توانند محتوای لغات را بفهمند اما قادر به درک جنبه های عاطفی زبان نیستند.
- آنها تاثیر عاطفی کلمات که بر روی دیگران اثر می گذارد را از دست می دهند، اگرچه، تاثیر کلمات سایر مردم بر روی خود را احساس می کنند.

- خطاب به مردم صحبت می کنند نه با آن ها. این رفتار نتیجه ی مستقیم ناتوانی آنها در تشخیص تعاملی بودن زبان و نه فقط ابزار سخنرانی بودن آن می باشد. تک گویی در مورد ابر یونی که ممکن است دایره ای و یا بیضی شکل باشد ممکن است برای معلم علوم جالب به نظر برسد اما برای سایر افراد بزرگسال کسل کننده است.

- در فهم جزئیات زبان شکست می خورند، به عبارت دیگر، بر روی تفسیر عینی گفته های دیگران تمرکز می کنند. مثال فصل های گذشته این مشکل را نشان می داد: الیور پیغام معلمش را که

(نمی‌خواهم آن را ببینم) بدین گونه معنی کرد که باید اسباب بازی را از جلوی چشم معلم بردارد، تا این که آن را کنار بگذارد و با آن بازی نکند چون این کار دقیقاً معنای تحت اللفظی و عینی همان عبارتی بود که معلمش ذکر کرده بود.

مثال دیگر در مورد دختر ۱۵ ساله ای است که گفتار مادرش را این گونه درک کرد. که او می‌توانست (هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد)، این برداشت، یک برداشت تحت اللفظی از اجازه‌ی مادرش بود که در روز جشن تولدش به او گفته شده بود.

- در فهمیدن جوک و کنایه‌ها مشکل دارند، چون جوک‌ها اغلب بر روی تن و آهنگ کلام تکیه میکنند تا تاثیرگذار باشند. این مشکل باعث می‌شود فهم شوخی برای اکثر کودکان مقاطع راهنمایی و دبیرستان غیر ممکن گردد.

- تن، آهنگ و نوای گفتار آنها اغلب به شکل خاصی "غیر فعال" است و در فهم نکات ظریف که زبان را به عملکردی فراتر از صحبت کردن تبدیل می‌کند، مشکل دارند. در فهم اینکه، چگونگی بیان گفتار به اندازه‌ی محتوای گفتار مهم است، شکست می‌خورند. عبارت: "خانم لی، آیا دوست دارید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" را در نظر بگیرید. محلی که شما می‌توانید آهنگ را وارد این جمله کنید، باعث تغییر معنی تحت اللفظی این جمله می‌شود. در اینجا چند نمونه ذکر می‌شود که عبارتند از:

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (من نمی‌توانم باور کنم که تو این را می‌خواهی).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (تاکید روی من است، نه یک کودک دیگر).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (نه این کتاب، شما منظورتان کتاب دیگری است).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (چی؟ الان؟).

نواخت های متنوعی وجود دارد اما این نکته بدیهی است، که: گرچه هر جمله حاوی یکسری لغات یکسانی است ولی همیشه معنای ثابتی را نمی‌رساند. در حقیقت، تعدادی از این عبارات (اگر به شیوه پیشنهاد شده گفته شود) ممکن است هنگام خطاب به معلم، گستاخانه به نظر برسد. کودک آسپرگر و NLD نکات ظریف و اختلافات جزئی موجود در این جملات (مثال بالا) را نمی‌فهمد و باید این موارد را برای او توضیح دهیم.

- حافظه خوب این کودکان عامل تعیین کننده در موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد زیرا این کودکان تمایل دارند بر روی حقایق خام تکیه کنند. هنگامیکه، در یک موقعیت پر از استرس (تقریباً تمام شرایط اجتماعی برای کودک NLD و AS اینگونه هستند) قرار بگیرند، تمایل دارند در مورد چیزهایی صحبت کنند که باعث آرام شدن آنها می‌شود. این موارد به احتمال زیاد مربوط به یک حوزه از علاقه یا دانش خاص آنها است که زمان زیادی برای یادگیری آن صرف کرده‌اند. همچنین، به جزئیات و چیزهای غیر معمول علاقه دارند. متأسفانه، این پاسخ می‌تواند موقعیت اجتماعی کودک را در میان سایرین و هم سن و سالانش بدتر کند. زیرا آنها مکالمه‌های این گونه کودکان را کسل کننده می‌دانند و علاقه‌ای به ادامه تعامل با این کودکان ندارند. برای کودکان NLD و AS خیلی سخت است که ببینند افراد شنونده علاقه‌ای به موضوعات مورد بحث آنها ندارند. ممکن است سایر هم سن و سالان این نوجوانان، نظرات بسیار تلخی در مورد این کودکان بدهند و در بعضی از مواقع نیز آنها را نادیده بگیرند. به همین دلیل، این کودکان هنگام صحبت دیگران در مورد موضوعات نامرتبط با موارد مورد علاقه‌شان، شنونده‌های خوبی نیستند. آنها معمولاً نیاز به آموزش مخصوص و مستقیم در مورد چگونگی شرکت در تعاملات اجتماعی مناسب دارند.

شکست در فهم کیفیت تعاملی زبان

تنها عامل مخربی که ناشی از AS، NLD و شرایط مشابه این دو می‌باشد، شکست در فهم و استفاده از کیفیت تعاملی زبان است. ادبیات فزاینده در مورد مفهوم تئوری ذهن (کتاب نیکولاس هامفری^۱ به نام تئوری ذهن^۲ ۱۹۸۴) همراه با تجربیات بالینی با این افراد، چنین مشخص می‌نماید که اساس عمده‌ترین مشکلات اجتماعی این کودکان ناتوانی در انطباق با دیدگاه سایرین می‌باشد. آنها در تشخیص دیدگاه سایر افراد شکست می‌خورند یا حتی قادر به درک این مسئله نیستند که مردم دیدگاه‌هایی دارند که می‌تواند رفتار آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بدنبال آن، آنها درک نمی‌کنند که آنچه را که انجام می‌دهند بر افکار و در نتیجه بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. آنها حقیقتاً احساس دیگران در مورد خود را نمی‌دانند (بجز واضح‌ترین اشکال احساس که شامل عصبانیت و لذت می‌شود). این شکست، در اساسی ترین سطح تعاملات بشر یعنی، احساس ارتباط داشتن با یکدیگر رخ می‌دهد.

^۱ -Nicholas humphrey

^۲ -Theory of mind

هگونه روابط شکل می‌گیرند

قسمتی از توانایی ایجاد رابطه معنی دار با دیگران، براساس تجربیات مشترک است. یعنی احساس اینکه شما و دیگری تفکر مشابهی دارید و یکی هستید. این احساس وصل بودن در ابتدا از طریق تعاملات طبیعی در زندگی (بدون هیچ آموزش مستقیم) به وجود می‌آید. زبان، به شکل دهی این احساس پیوستگی اجتماعی کمک می‌کند. اما اکثر ما این احساس را مدت‌ها قبل از اینکه زبان گفتاری را یاد بگیریم، تجربه می‌کنیم. برای کودکانی با رشد طبیعی این پیوستگی اجتماعی از طریق حالات صورت و بیانات چهره‌ای و خیره شدن چشم‌ها انتقال می‌یابد. حتی کودکان کوچک که صحبت نمی‌کنند، ابتدا به اشیا نگاه و اشاره می‌کنند و بدین ترتیب، مراقبشان را به نگاه کردن به سمت آن شی، هدایت می‌کنند. این هدایت غیر کلامی شامل یک سری تعاملات پیچیده می‌باشد و ادراک کودک دارای یک فرض اساسی است مبنی بر اینکه کودک و دیگری در حال تفکر هستند و این تفکر در مورد موضوع واحدی می‌باشد. این فرآیند بسیار پیچیده و جالب است و ما به راحتی از کنار آن می‌گذریم. اما برای کودکان AS و NLD این طور نیست. این مهارت در حقیقت، چیزی است که آنها هیچگاه بر آن تسلط نمی‌یابند و در نتیجه با وجود تمامی مهارت‌های زبانی پیشرفته قادر نیستند وارد این محیط مرموز خواندن ذهن شوند. زیرا چنین ارتباط غیر کلامی برای این کودکان باید به عنوان یک توانایی فرا روانشناختی در نظر گرفته شود.

تئوری ذهن

مقاله خیلی خوب سیمون بارون کوهن^۱ تحت عنوان کور ذهنی^۲ (۱۹۹۵) به طور مفصل مفهوم تئوری ذهن را بحث می‌کند که شامل توانایی معمول بشر در "خواندن ذهن" است. البته آنچه که او توصیف می‌کند، واقعاً خواندن ذهن نیست. بلکه، توانایی اکثر افراد به منظور تفکر در مسیر مشترک است و باید بدانیم هنگامیکه ما راجع به موضوعی فکر می‌کنیم، سایرین هم ممکن است به همان موضوع فکر کنند. این توانایی خودش را زمانی نشان می‌دهد که ما مسیر گفتگو را دنبال می‌کنیم و یا نگاه خیره و یا اشاره را می‌فهمیم و فرض بر این است که، ما ایده‌های خود را در مورد معانی چیزها به اشتراک می‌گذاریم. برای مثال، ما فرض می‌کنیم که هنگامیکه، چیزی را به عنوان "قرمز" توصیف می‌کنیم، شخص دیگر همان تفکری را از رنگ قرمز در ذهنش ایجاد می‌کند که ما در ذهن داریم. در حقیقت اگر شخص دیگر کوررنگ باشد، این حقیقت درست از آب در نمی‌آید. بنابراین زمان‌هایی وجود دارد که فرضیات ما در مورد تفکر یکسان، صحیح نیستند. تئوری ذهن به ما اجازه می‌دهد که ما در ذهن خود حیطه گسترده‌ای از

^۱-Simon Baron- cohen

^۲.mindblindness

نمادهای ذهنی را ایجاد کنیم. "سگ" یک نماد ذهنی مخصوص است و "ماشین" یک نماد ذهنی متفاوت از آن می باشد. به علاوه، تئوری ذهن در بسیاری از موارد دربردارنده توانایی ما در ایجاد یک تئوری در مورد تفکر است و بدین معناست که ما می فهمیم که دیگران فکر می کنند و دارای اعتقاداتی هستند. این مسئله برای رمز گشایی و درک رفتارهای اجتماعی به شکل معنی دار و مفید، بسیار ضروری است. تئوری ذهن در توانایی های زیر عمل می نماید:

- وانمود کردن
- فهم یک رویا
- بکاربردن اعتقادات برای فهم احساسات
- تمایز دادن ظاهر از واقعیت (تمایز آنچه که دیده می شود از آنچه که واقعیت دارد)
- در خود فرورفتن (نشان دادن آگاهی از تفکرات خود)
- رشد عملکرد اجرایی (رهایی از فعالیت جاری جهت تغییر یا شکل دهی طرح ها یا عمل کردن به آن ها)

- یکپارچه کردن اطلاعات

کودکانی که این مهارت در آنها رشد نیافته است باید برای درک احساسات و عقاید دیگران مستقیماً مورد آموزش قرار گرفته و پاسخ های مناسب اجتماعی را یاد بگیرند. این افراد شامل کودکان NLD و تعداد زیادی از کودکان AS هستند. شکست افراد NLD و AS برای فهم کیفیت تعاملی زبان به عنوان، نقص در تئوری ذهن آنها تصور می شود (آنها نمی توانند فکر دیگران را بخوانند). تأثیرات ناتوانی آنها به طرق مختلف قابل مشاهده است. جنبه هایی از این تأثیرات در قسمت پایین توصیف شده است:

- وقتی با دیگران وارد مکالمه می شوند، حکایات و داستانهای این کودکان اغلب بی ربط، خارج از بافت (بی معنی)، سطحی یا به عبارت دیگر گیج کننده است و فقط آنچه را که مورد نظرشان است می دانند و درک نمی کنند که دیگران گفتار آنها را نمی فهمند.
- این کودکان تمایل دارند درحوزه هایی علاقه و یا تمرکز خاص داشته باشند. این علایق اغلب "هیجانان" نامیده می شود. کودک اغلب یک گفتار تک نفره در رابطه با موضوع خواهد داشت و احتمالاً نسبت به علاقه شونده به موضوع توجهی نمی کنند.

- همانطور که قبلاً اشاره شد، تن صدای این کودکان یکنواخت می باشد و احتمالاً به این دلیل است که آنها مفهومی از علاقه شونده ندارند و نمی توانند گفتارشان را جالب جلوه دهند، در نتیجه، برای

کسی یا با کسی صحبت نمی‌کند، بلکه بیشتر با خودشان صحبت می‌کنند و این عقیده که یک نفر را به گفتارشان علاقه مند نگه دارند مفهوم جدیدی برای آنها است.

- این کودکان هرگز مفهوم وانمودسازی را نمی‌فهمند. هیچگاه در بازیهای تخیلی یا وانمودی همانند سایر کودکان هم سن و سال خود شرکت نمی‌کنند، بویژه زمانی که این بازیها شامل شرکت دادن دیگران به طور تخیلی در بازی می‌شود. شرکت در یک بازی دو طرفه برای این کودکان کار دشواری است، زیرا لازمه آن با هم فکر کردن است.

- کودکان AS و NLD اغلب شکست در توانایی تمایز ظاهر از واقعیت را تجربه می‌کنند. این ناتوانی باعث ایجاد سردرگمی در آنها می‌شود و در برخی مواقع منجر به گوشه گیری اجتماعی می‌گردد.

- گاهی اوقات در شناخت فردی که قبلا بارها وی را ملاقات کرده است، مشکل دارد. بویژه اگر شخص را در موقعیتی غیر از شرایط معمول دیده باشد. یک روانشناس که تصادفاً روانشناس خصوصی یکی از دانش آموزان مدرسه بود، از مدرسه بازدید می‌کرد و هنگامیکه دانش آموز مذکور به سمت او می‌رفت، دکتر او را با اسم صدا زد، دانش آموز به سمت او برگشت و به او گفت " شما کی هستید؟"

- اغلب، کودکان یا نوجوانان AS یا NLD در خود فرو رفته هستند. اگر چه این کودکان توانایی زبانی برای توصیف افکار و احساسات دنیای درونشان را دارند، اما اغلب از وجود این دنیا آگاهی ندارند. با آموزش مستقیم نیز، صرفاً تا حدودی از وجود این دنیای درونی آگاه می‌شوند.

- کودکان AS و NLD مشکل بسیار بارزی در فهم سرنخ‌های اجتماعی دارند. باوجود مواردی همچون ناتوانی در پذیرش دیدگاه دیگران یا تحت تاثیر قرار دادن دیگران، جای تعجب نیست که کودکان AS و NLD از نظر اجتماعی مشکل دارند. فهم معنای رفتار افراد بدون اینکه سرنخی وجود داشته باشد، کار مهمی است.

تئوری ذهن چیزهایی بیش از شکل دادن ارتباطات با دیگران را در بر می‌گیرد. این تئوری شامل فرآیندهای ذهنی پیچیده‌ای است که می‌توان آن را در بسیاری از رفتارها و مهارت‌های اجتماعی حساس، مشاهده کرد.

▪ (فتارهای تپه مشترک)

کودکان حتی قبل از رشد زبان توجه مراقبین خود را با خیره شدن جلب می‌کنند. مراقبین، نگاه کودک و کودک نیز نگاه بزرگسالان را تعقیب می‌کند (این رفتار بدان معناست که هر کدام از آنها می‌دانند که دیگری به چه چیزی نگاه می‌کند).

با افزایش مهارت‌های حرکتی، کودک از اشاره کردن به عنوان وسیله جلب توجه دیداری دیگران استفاده می‌کند. این رفتارهای مربوط به توجه مشترک آموختنی نیست، بلکه به طور طبیعی شکل می‌گیرند. در اینجا مثالی از این گونه رفتارهای توجه مشترک آورده می‌شود:

- ۱- کودک چندین بادکنک را می‌بیند و به سمت آنها اشاره می‌کند.
- ۲- مراقب کودک به جهتی که کودک اشاره می‌کند نگاه می‌کند (خواندن فکر کودک) به این معنی که نگاهش را به سمت آن شی معطوف می‌کند.

این مثال توصیف کننده یک رفتار واضح و آشکار است که شامل نشان دادن چیزهای مختلف به دیگران می‌شود، (در حقیقت، تجربه نگاه کردن به یک شی را با هم تقسیم می‌کنند). کودکانی که رفتارهای توجه مشترک مانند کنترل نگاه خیره، رفتارهای واضح و آشکار را از خود نشان نمی‌دهند، احتمالاً، مفهوم ذهنی درونی پیوستگی، بین خود و مراقبشان و شی سوم مورد علاقه در آنها رشد نیافته است. این مفهوم درونی (یا مجموعه‌ای از این مفاهیم) به شکل گیری پایه‌های شمّ زبانی که یک قسمت ضروری برای "خواندن فکر" می‌باشد، کمک می‌کند. چیزی که دکتر بارون کوهن آن را خواندن فکر دیگران می‌داند، قدرتی است که به افراد کمک می‌کند به سرعت چیزهای مختلفی را در مورد دیگران بفهمند، بدون اینکه فکر منطقی در مورد آنها انجام داده باشند. اکثر کودکان AS یا NLD مفهوم دیدن یا مشاهده کردن را درک می‌کنند، اما در شمّ زبانی آنها دانشی در مورد آنچه دیده‌اند وجود ندارد. تجربه فهمیدن یک چیز شامل حس شهودی، درونی و غیر کلامی است و اغلب تعریف آن دشوار است. کودک NLD یا AS مشکلات جدی با این مفهوم دارد.

پیش بینی فعالیت‌های دیگران

در یک موقعیت عملی، اگر شما نفهمید که سایرین در مورد چه چیزی فکر می‌کنند و در مورد شما چه فکری دارند، در این صورت قادر به پیش بینی اعمال آنها نخواهید بود و شما هیچ نظری در مورد اینکه چطور روی رفتار دیگران تاثیر بگذارید، نخواهید داشت. این ویژگی باعث می‌شود که احساس کنید دنیا غیرقابل پیش بینی و هولناک است و هر برخورد یک تجربه جدید می‌باشد و به خاطر داشته باشید که این کودکان از ناتوانی خود در تلفیق اطلاعات (یا یادگیری) در موقعیت‌های جدید رنج می‌برند. همانطور که دیدیم، این موارد ناشی از بد عملکردی مغز می‌باشد. مردم از تجربیات گذشته درس می‌گیرند و دانش اجتماعی خود را می‌سازند، اما این کودکان نمی‌توانند این کار را انجام دهند و تجربه تعاملات اجتماعی‌شان، آشفته کننده و غیرقابل پیش بینی می‌شود. این امر شبیه به این است که یک نفر به

زبانی صحبت کند که دیگران نمی‌فهمند، و به نظر می‌رسد که نمی‌توانند آن زبان را یاد بگیرند. این شیوه تجربه کردن دنیا بر اساس سیستم ساماندهی این کودکان می‌باشد که ممکن است آنها را ناسازگار و یا وسواسی نماید.

پیش بینی عواطف دیگران

مطالعات انجام شده در مورد توانایی پیش بینی عواطف دیگران در مقابل توانایی تشخیص صرف آنها، نشان می‌دهند که کودک باید علت عواطف را بفهمد تا بتواند آنها را پیش بینی کند. همچنین باید بعضی از تئوریهای مربوط به اعتقادات مردم را بداند تا بتواند عواطف آنها را درک کند. پیش بینی عواطف مهارت پیچیده‌ای است که در اکثر کودکان AS و NLD وجود ندارد. نتیجه این فقدان بسیار واضح است: بدون توانایی پیش بینی عواطف مردم، هر برخورد اجتماعی یک تجربه جدید به حساب می‌آید. تجربه‌ای که در مورد آن شما هیچ گونه انتظاری نمی‌توانید داشته باشید.

شکست در توانایی تعقیب همزمان چندین سطح از تعامل اجتماعی

اکثر افراد می‌توانند در یک زمان، محتوای مکالمه، زبان بدن و تن صدای گوینده را دنبال کنند و نسبت به آنچه گفته شده عکس‌العمل نشان دهند. در صورت فقدان هر یک از این توانایی‌ها، یک مکالمه ساده به بیراهه می‌رود. اکنون تأثیرات این فرآیند را بر روی پذیرش اجتماعی خود تصور کنید. این فقدان در مورد کودکان AS و NLD یک واقعیت است. همانطور که قبلاً دیدیم، کودک یا نوجوان AS یا NLD در درک حالات صورت و تن صدای دیگران مشکل دارد و بر تفسیر تحت اللفظی زبان گوینده تمرکز می‌کند. آنها به راحتی تفسیر تحت اللفظی را دنبال می‌کنند اما هیچوقت منظور گوینده را درک نمی‌کنند. کودکان AS و NLD نمی‌توانند نکته‌ای را که در مسیر مکالمه از دست داده‌اند، پیش بینی کنند. هنگامیکه این کودکان تحت فشار هستند، بر روی آن چیزی که می‌دانند پافشاری کرده و گفتار خود را بدون آنکه نسبت به علاقمندی شخص دیگر آگاه باشند، ادامه می‌دهند. تعاملات ممکن است از بد به سمت بدتر هم پیش رود. در تعاملات گیج و سردرگم می‌شوند، زیاد صحبت می‌کنند و توسط مردم مورد تمسخر قرار می‌گیرند یا طرد می‌شوند. سرانجام این کودکان از هر موقعیت اجتماعی کناره‌گیری کرده و مهارت-هایشان بیش از گذشته کاهش می‌یابد.

نکته آخر: بلوغ

هنگامیکه این کودکان به سن بلوغ می‌رسند و تلاش می‌کنند که با پیچیدگی ساختارهای اجتماعی دوران بلوغ کنار آیند، هیچ شانس ندارند. بعید است که نوجوان NLD یا AS بتواند خود را با دانش و تجربه تعاملات اجتماعی و خواندن ذهن آماده کند. دیدگاههای این نوجوانان بیشتر خود محور است و ناتوانی در پذیرش دیدگاه دیگران، باعث می‌شود که نسبت به قوانین رفتارهای اجتماعی آگاهی نداشته باشند. با این وجود، قادر به یادگیری قوانین هستند و بهتر است هر چه زودتر این کار را شروع کنند. اگرچه آنها مبتلا به NLD یا AS هستند، اما برای اینکه یک نوجوان به دوران بزرگسالی برسد باید بتواند، چه سخت باشد و یا چه آسان، همان درس‌هایی را در زندگی یاد بگیرد که هم سن و سالان وی فرا می‌گیرند. این کودکان نسبت به انتظارات دوران بزرگسالی سردرگم هستند. درس‌های اجتماعی از دروس بسیار مهمی است که باید به آنها یاد داده شود، این دروس مشکل باید جزیی از هر برنامه آموزشی باشد تا نوجوانان NLD یا آسپرگر بتواند استعدادهای ویژه خود را گسترش دهد، و در نتیجه عضو مؤثری از جامعه بزرگسالان گردد.

○ فصل پنجم

« گم شدن در فضا: پردازش بینایی فضایی و یکپارچگی حسی »

افراد NLD و AS در شناخت محدوده و گستره بدنشان در فضا، مشکل دارند. بواسطه این اختلال آنها از محل آغاز و پایان بدن خود به طور کامل آگاه نیستند. این اختلال ادراکی به ویژه در حوزه های پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی شدت می یابد.

مشکلات بینایی - فضایی

همانگونه که در فصل ۲ ذکر شد، پردازش بینایی - فضایی، توانایی استفاده از اطلاعات بینایی جهت درک جهان پیرامون است. نقایص پردازش بینایی - فضایی چگونگی ذخیره سازی اطلاعات بینایی بدست آمده در حافظه را تحت تأثیر قرار می دهد. برای اکثر افراد، یادآوری چیزهای دیده شده آسانتر از موارد شنیده شده است. اما برای کودکان NLD و AS، احتمال ذخیره سازی اطلاعات بدست آمده از طریق بینایی در حافظه کم می باشد، زیرا نقایص پردازش بینایی - فضایی در آن دخالت دارد و ذخیره سازی اطلاعات بدست آمده از طریق شنیداری (گوش کردن) در حافظه آنها بیشتر می باشد. همچنین، به نظر می رسد که مشکلات پردازش بینایی - فضایی به میزان زیادی مهارت های حرکتی درشت و ظریف شامل: نوشتن، مهارت های ورزشی، تعادل و هماهنگی را تحت تأثیر قرار می دهد. هنوز معلوم نیست که چرا این حالت وجود دارد. اما علم پزشکی در آینده ممکن است علت اختلال در رشد حرکتی و تن عضلانی پایین تر این کودکان نسبت به دیگر همسالان خود را، کشف نماید. تن عضلانی ضعیف این کودکان ممکن است منشاء دست و پا چلفتی بودن، تعادل ضعیف و مشکلات هماهنگی و مشکل در دست ورزی اشیاء کوچک یا انجام تکالیف ظریف (مانند بستن بند کفش و نخ کردن مهره ها، کار های دستی مانند قلاب بافی و غیره) باشد.

پردازش بینایی - فضایی کمک می کند تا انتخاب کنید که کجا بروید یا چگونه حرکت کنید، یا چطور به یک شی نزدیک و یا از آن دور شوید. کودکان AS و NLD در این توانایی ها نقایصی را تجربه می کنند که به وضوح با حس آنها در مورد گم شدن در فضا بسیار دخیل است. کودکان AS یا NLD

گاهی حتی بین دو بخش مختلف از مدرسه واقعاً گم می شود. این حقیقت که اکثر ما بر اطلاعات بینایی خود جهت یادآوری جهات تکیه می کنیم، به ما در درک اهمیت این قبیل نقایص کمک می کند. اگر شما نتوانید مسیر خود را از مکانی به مکان دیگر به یاد آورید، بازارها، ایستگاههای اتوبوس، مطب پزشکان و پارک ها می توانند بسیار ترسناک به نظر برسند.

افتلال در نوشتن^۱

ناتوانی در نوشتن یک ویژگی رایج و مشترک AS و NLD است. برای بعضی از دانش آموزان، این ناتوانی تنها تفاوت آشکار آنها با گروه هم سن و سال خود در عملکرد تحصیلی خواهد بود و ممکن است علت دریافت خدمات آموزشی ویژه آنها نیز همین مسئله باشد. هنگامیکه به کودکان اجازه داده می شود تا از کامپیوتر استفاده کنند، این مشکل کمتر مطرح می شود. اما مشکلات قابل توجهی حتی با وجود صفحه کلید در رابطه با شکل به خاطر سپرده شده برای کلمات نوشتاری باقی می ماند. به نظر می رسد، این مشکل دربرگیرنده نقص در عملکرد اجرایی باشد که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مهارت های حرکتی

اکثر این کودکان، در زمینه الگوی حرکتی صحیح در جهان پیرامون مشکلاتی را تجربه می کنند: آنها غالباً به اشیای اطرافشان برخورد می کنند، در راهرو به مردم تنه می زنند و بطور کلی در درک مرزهای اطراف بدنشان مشکل دارند. آنها بیش از سایر کودکان اشیاء را می اندازند، به وسایل برخورد می کنند یا مایعات را می ریزند و این مسئله، باعث تجربه مکرر شکست ها و سرخوردگی ها می شود و در نتیجه به اضطراب آنها افزوده می گردد و احتمال وقوع رویداد ناگوار بعدی، افزایش می یابد. شناخت زود هنگام این مشکلات، از این بابت که کودک مجبور نباشد تا یک زندگی همراه با هماهنگی ضعیف و فعالیت های حرکتی اندک داشته باشد مهم است. به نظر می رسد تمرین کردن و ارائه دستورالعمل های ساختار یافته، حتی برای مواردیکه سایر کودکان آنها را بطور طبیعی بدست می آورند، مورد نیاز است. دوچرخه سواری، بستن بند کفش، نوشتن حروف و جملات، توانایی استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، بخش های بسیار ضروری یک زندگی مستقل هستند. هدف مهم، تلاش برای تسلط یافتن در یک مهارت مشکل که به طور طبیعی بدست نمی آید و ایجاد روش های جبرانی برای آن است. برای بعضی از افراد، لازم است که تمرینات مکرراً انجام شود و میزان بلوغ و اشتیاق فرد به حفظ تمرینات علیرغم ناامیدی هایی موجود ارزیابی گردد.

^۱. Dysgraphia

یکپارچگی حسی

یکپارچگی حسی، توانایی سازماندهی احساسات زندگی روزمره می باشد. این توانایی مستلزم عملکرد عصب شناختی است، و معمولاً بدون فکر درباره آن، در سطح مغز رخ می دهد. مغز ما به طور طبیعی پیام هایی از منابع مختلف تجربه حسی دریافت می کند (آنچه در محیط پیرامون می بینیم، بو می کنیم، احساس می کنیم، می چشیم و می شنویم). در عین حال، پیام های درونی موجود نیز فرستاده می شوند: چقدر گرسنه ایم؟ چقدر گرم یا سرد است؟ عضلات ما در حال انجام چه کاری هستند؟ بدن ما در ارتباط با افراد یا اشیاء دیگر کجا قرار دارد؟ و اطلاعاتی درباره سایر عملکردهای بدن نیز ارسال می شود. مغز ما این پیام ها را یکپارچه می سازد، بعبارت دیگر آنها را سازمان دهی می کند و تقدم و تأخر پیام ها را نیز مشخص می کند. در نهایت، آن چیزی که پنداشته می شود، رخ می دهد.

هنگامیکه توانایی ما برای یکپارچه کردن اطلاعات حسی دچار اشتباه می شود، تعامل ما با محیط پیرامون مختل می گردد. برای مثال، کودکی با مشکلات حسی حرکتی ممکن است مشکلاتی در بالا و پایین رفتن از پله ها داشته باشد، همانند کودکی که غالباً از نرده برای حمایت و اتکا استفاده می نماید یا روی هر پله می ایستد تا تعادل خود را حفظ کند.

بدن انسان از سه سیستم حسی اصلی: لامسه، دهلیزی و حس عمقی استفاده می کند. سیستم لامسه اطلاعاتی درباره بافت، اندازه، شکل و عملکرد یک شیء برای ما فراهم می کند. در بسیاری از موارد این حس به ما اجازه می دهد تا تعیین کنیم که آنچه لمس کرده ایم، خطرناک است یا خیر.

سیستم دهلیزی از طریق گوش داخلی، اطلاعاتی درباره جاذبه و تعادل و همچنین در مورد موقعیت سر و بدن ما نسبت به زمین را فراهم می کند و درباره نحوه ایستادن، نشستن، راه رفتن، دراز کشیدن و حفظ تعادل در آن موقعیت ها اطلاعاتی فراهم می نماید. سیستم حس عمقی، اطلاعات را از طریق مفاصل و عضلات درباره اینکه بخش های مختلف بدن ما کجا قرار دارند و در حال انجام چه کاری می باشند، فراهم می کند. تمام مردم به این سه سیستم حسی برای داشتن عملکرد خوب و هماهنگ با یکدیگر نیاز دارند.

■ حساسیت به محرک لمس، صدا و بینایی

یکی از مشکلات متداول کودکان NLD و آسپرگر، حساسیت به محرک صدا، لمس و بینایی می باشد. شدت این مشکل در محدوده شدید تا خفیف می باشد و می تواند اختلال قابل توجهی در عملکرد روزانه آنها ایجاد کند. برای اکثر کودکان NLD و آسپرگر، شنیدن صدای صحبت افراد در کلاس درس بقدری

آزاردهنده است که می‌تواند دردناک نیز باشد؛ یک تماس معمولی (برای مثال، در آغوش گرفتن) ممکن است برای کودک تهدید کننده تلقی شود و یک محرک بینایی رنگارنگ و هیجان‌آور می‌تواند طاقت فرسا و آزار دهنده باشد. چنین پاسخ‌هایی به اطلاعات حسی می‌تواند مانع یادگیری این کودکان باشد و پاسخ‌های رفتاری خاصی در کودک ایجاد نماید که به حس عدم شایستگی او می‌افزاید.

سرگذشت ایزابلا^۱

ایزابلا یک دختر NLD است که در مقطع راهنمایی تحصیل می‌کند و مشکلات قابل توجهی در یکپارچگی حسی دارد. هنگامیکه او در کلاس نشسته است، هر صدایی که دانش‌آموزان ایجاد می‌کنند ۱۰ برابر برای او بلندتر به نظر می‌رسد و صداهای معمول در کلاس درس (تیک تاک ساعت و صدای تراشیدن مداد) برای وی ناراحت کننده و آزار دهنده می‌باشند. وی در طول روز، سعی می‌کند تا مانع ورود این صداهای خارجی به ذهنش شود، و با این کار بسیار حساس‌تر و آشفته‌تر می‌گردد. یک روز، وی بر سر یکی از همکلاسی‌هایش که آدامس می‌جوید، فریاد زد: "بسه دیگه، این کار را نکن!" از ایزابلا خواسته شد تا کلاس را ترک کند. او احساس شرمساری و عصبانیت می‌کرد. علاوه بر این، در آن روز بروی هیچ یک از دروس تمرکز نداشت و از نظر تحصیلی بیشتر و بیشتر دچار شکست شد.

سطوح برانگیختگی

کودکان و نوجوانان NLD و سندرم آسپرگر در حفظ سطح ثابت یا متعادل از برانگیختگی مشکل دارند. برانگیختگی به توجه و تمرکز مربوط است و یک حس عمومی است که سیستم‌های حسی بدن، با یکدیگر عمل می‌کنند. تحریک مناسب باید نه بسیار زیاد (تحریک بیش از حد، افراطی، پریشان کننده) و نه بسیار کم (کسل کننده، حواس پرت کن، فاقد اطلاعات) باشد. کودکان NLD و سندرم آسپرگر سطوحی از برانگیختگی را تجربه می‌کنند که یا بسیار زیاد و یا کم است و در نتیجه مشکلات رفتاری و توجه و تمرکز جدیدی را تجربه می‌کنند که با یادگیری در تداخل می‌باشد. یک برنامه بسیار خوب که در کار درمانی استفاده می‌شود، برنامه ALERT^۲ (ویلیامز و شلنبرگر^۳ ۱۹۹۴) نام دارد. این سیستم (در این کتاب مد نظر ما قرار ندارد) غالباً برای کودکان NLD و آسپرگر مفید است.

^۱ Isabella.

^۲ - برنامه درمانی در رشته کاردرمانی است که در جهت افزایش سطح توجه و سازماندهی وظایفی که به عهده بیمار است اجرا می‌گردد.

^۳ - Mary sue Williams – sherry shellenburger

بطور کلی:

- احتمال آنکه کودکان NLD و AS رفتارهای اکتشافی اولیه را همچون سایر کودکان کم سن و سال نشان دهند بسیار کم است، در عوض آنها از زبان برای کشف جهان پیرامون خود استفاده می کنند.

بی میلی نسبت به استفاده از فعالیت های حرکتی و در عوض تکیه بر زبان، غالباً گرایش مادام العمر این افراد است.

- مهارتهای حرکتی کودکان NDL و AS مثل دوچرخه سواری، ورزش کردن و یا سایر فعالیت های حرکتی درشت با تاخیر رشد می یابد.

- کودکان NLD و AS غالباً مشکلات قابل توجهی در نوشتن دارند (نوشتن با مداد). با وجود اینکه اکثر کودکان AS در هنر مهارت دارند (فعالیت هنری معمولاً مورد علاقه کودک NLD نمی باشد) نوشتن کلمه همچنان بصورت یک مشکل برای آنان باقی می ماند.

- تن عضلانی پایین در حین راه رفتن باعث حرکت عجیب و غریب، نامناسب و تا حدی قوز کرده در آنها می شود. این کودکان هنگام نشستن پشت میز ممکن است مشکلاتی در وضعیت بدن داشته باشند.

- توجه و تمرکز در کودکان NLD و آسپرگر به واسطه تغییر در درون داد حسی - حرکتی تحت تأثیر قرار می گیرد. برنامه ALERT در این زمینه برای کودکان NLD و AS بسیار سودمند است.

- مداخلات درمانی برای کودکان NLD و AS در بخش ۳ این کتاب بحث خواهد شد. مداخلات ویژه در زمینه های مشکلات بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی بهتر است به کار درمان با تجربه که در برنامه هایی همچون برنامه ALERT مهارت دارد، سپرده شود. فصل ۱۱ پیشنهاداتی را برای ایجاد یک گروه جهت طراحی و فراهم کردن خدمات برای کودکان AS یا NLD ارائه می دهد.

○ فصل ششم

« علت مشکل: مشکلات پردازش اطلاعات و سازماندهی »

هر روز صبح، دقیقاً هنگام خروج از منزل در زنجیره پیچیده‌ای از تکالیف ذهنی درگیر می‌شویم. به طور خودکار کارهای روزمره صبح را انجام می‌دهیم (آراستن خود، لباس پوشیدن متناسب با موقعیت و شرایط آب و هوایی، غذا خوردن و شاید نوشیدن چای). غالباً به سایر اعضای خانواده در تکمیل کارهای روزمره کمک می‌کنیم، لوازم خود را برای آن روز جمع کرده و فعالیت‌های حرکتی لازم برای ترک خانه را انجام می‌دهیم و سپس به محل کار می‌رویم. برخی اوقات، این روند بسیار آسانتر از زمان‌های دیگر طی می‌شود، اما بطور کلی ما قادر به انجام چندین کار هستیم.

به عبارت دیگر، چند فعالیت را با تلاش اندک و بطور همزمان انجام می‌دهیم. بعلاوه برای انجام چندین کار، مثلاً درباره اینکه چه کاری باید انجام دهیم، چه زمانی این کار را انجام دهیم، و چه کاری دارای اهمیت بیشتر یا کمتر است، تصمیماتی اتخاذ می‌کنیم. بعضی از این تصمیم‌گیری‌ها کوچک هستند (در قهوه شکر بریزیم یا نه؟) اما سایر موارد مهمتر می‌باشند (اگر من ساعت هفت و سی دقیقه از منزل خارج شوم، ممکن است دیر برسم، باید عجله کنم یا نه؟) با این وجود، روند انجام تمام این فعالیت‌های ذهنی و جسمی، هر روز مکرراً رخ می‌دهد.

عملکرد اجرایی

کارهای روزمره صبح، مثالی درباره زنجیره رفتارهایی است که کم و بیش بطور خودکار انجام می‌دهیم. در سراسر زندگی، بسیاری از این جریانات عادی روزمره را انجام می‌دهیم. این جریانات به ما اجازه می‌دهد تا به طور همزمان بیش از یک کار انجام دهیم (در حالیکه صبحانه تان را درست می‌کنید، می‌توانید در ذهن خود فعالیت‌های آن روز خود را مرور کنید و برای آنچه لازم است در آینده انجام دهید، آماده شوید). این کار یک توانایی است، اما بخشی از یک مجموعه کلی تر از مهارت‌های شناختی است که به عنوان عملکرد اجرایی شناخته شده است. عملکرد اجرایی، مجموعه‌ای از مهارت‌های تفکری سطح بالا و پیچیده‌ای است که فرآیندهای متفاوت و متعدد مغز ما را کنترل

می کند، مانند پردازش زبانی، پردازش شناختی و پردازش حرکتی. عملکرد اجرایی، تحت کنترل لوب پیشانی مغز می باشد. به بیان ساده، عملکرد اجرایی به توانایی انجام موارد زیر گفته می شود:

- تدوین طرح ها
- اقدام بر مبنای طرح
- به تأخیر انداختن فعالیت تا زمان مورد نیاز
- عمل کردن در چندین سطح
- یکپارچه کردن اطلاعات از یک سطح به سطح دیگر. برای مثال: هنگام درست کردن قهوه درباره ملاقاتهای خود در آن روز فکر می کنید و متوجه می شوید که تنها اندکی از قهوه باقی مانده است در نتیجه به کارهای آن روز خود، توقف در فروشگاه قهوه فروشی برای خرید قهوه را نیز اضافه می کنید.

اعمال روزمره و تفکر انعطاف ناپذیر

به عملکرد اجرایی افراد NLD و سندرم آسپرگر، نمی توان زیاد اعتماد کرد. اگر چه انجام دادن کارهای روزانه مسئله ای است که برای اکثر افراد NLD و AS بسیار راحت و آسان است، اما آنها به شکل غیر منعطفی این کارها را انجام می دهند. بسیاری از افراد NLD و AS مشکلات قابل توجهی در تکالیف چندگانه، یکپارچه سازی اطلاعات جدید و انجام اقدامات مناسب دارند. ما اغلب در زندگی روزمره، برای تعامل موفقیت آمیز با دیگران متکی به انعطاف پذیری و خود جوشی خود هستیم و متناسب با نیاز به تثبیت موقعیت، اعمال روزمره خود را تنوع می بخشیم. در افراد AS و NLD توانایی تغییر تفکر، جهت فهم موقعیت و طرح ریزی بر طبق آن تغییر، بطور قابل توجه مختل شده است. اساساً این کودکان بر زنجیره ای از پاسخ های یاد گرفته شده تکیه می کنند، و به آسانی پاسخ ها را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم نمی دهند. به نظر می رسد، این کودکان، یک مجموعه پیوسته در حال افزایش از یادداشتهای درونی را به همه جا حمل می کنند تا به آنها کمک نماید تا جهان خود را منظم ساخته و بفهمند که چگونه پاسخ دهند. از بعضی جهات این تفکر غیر منعطف مانند این است که آنها مجبورند تا اطلاعات موجود در جهان را به یک رمز یا زبان که برای آنها قابل درک است، ترجمه نمایند، تا قادر به ارائه پاسخ های مناسب و قابل پیش بینی باشند. چنین سیستمی خیلی موثر و با کفایت نیست و همانطور که نیازهای روزمره زندگی پیچیده تر می شوند احتمال خطا و ایجاد مشکلات نیز افزایش می یابد.

ذخیره سازی اطلاعات: کَشوهای کمد

آسیب در عملکرد اجرایی کودک NLD یا AS، طرح ریزی، قضاوت و تمام جریان زندگی اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد و بر توانایی کودک جهت سازماندهی و یکپارچه سازی اطلاعات برای یادگیری اثر می گذارد. برای اینکه یادگیری اتفاق بیافتد، سه چیز باید در جای خود قرار داشته باشند: **توجه، حافظه و عملکرد اجرایی**. برای یادگیری لازم است که ایده ها و عناصر اطلاعات، به صورت طبقه بندی شده در مغز منظم شود. این مسئله تا اندازه ای شبیه به قرار دادن لباس ها در کَشوهای کمد می باشد. هنگامیکه تمام بلوزها در یک کَشو و شلوارها در کَشوی دیگری هستند، پیدا کردن چیزی که نیاز دارید آسان است. این نوع طبقه بندی، اطلاعات را در دو سطح حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت ذخیره می کند. هنگامیکه ما در حال یادگیری اطلاعات جدید هستیم، محلی که در آن حافظه و توجه همپوشانی پیدا می کنند، حافظه کاری^۱ نامیده می شود. تنها میزان معینی از اطلاعات می توانند در حافظه کاری ذخیره شوند. این ناحیه نیز نسبتاً کوتاه مدت است و اطلاعات می توانند به آسانی از دست بروند. مشکلات مربوط به طراحی و توالی (نقایص عملکرد اجرایی) باعث محدودیت سودمندی حافظه می شود، زیرا ممکن است فضای این منطقه ذخیره سازی توسط اطلاعات نامربوط اشغال شده باشد و در نتیجه توالی ها از دست برود و اطلاعات مهم به حافظه بلند مدت انتقال نیابد.

سرعت کند پردازش

در یک دراور (کمد)، هر کَشو محتوی لوازم مشخصی می باشد که توسط صاحب آن مرتب شده است. لذا در طول فرآیند یادگیری، ممکن است طبقه بندی های مختلفی متناسب با یک مفهوم و یا یک حقیقت داشته باشیم. مؤثرترین سیستم سازماندهی مفاهیم یا حقایق سیستمی است که یادآوری آسان را ممکن می سازد و در همان لحظه، بین ایده های مرتبط ارتباط برقرار می سازد. بدون وجود چنین سیستم سازماندهی درونی (کمدی که در آن لباس ها در مکان های مناسب قرار دارد) یافتن اطلاعات بیشتر طول خواهد کشید و به راحتی باعث سردرگمی می شود. ممکن است یکی از دلایل رنج بردن کودکان NLD و آسپرگر از سرعت کند پردازش عدم وجود سیستم سازماندهی درونی باشد (در این کودکان حل مشکلات، پاسخ به دستورات یا تکمیل فعالیت ها زمان بیشتری بطول می انجامد). مشکل والدین و معلمین آنها، نیاز این کودکان به داشتن زمان بیشتر است. به نظر می رسد کودک مجبور است فعالیت ها را با سرعت کند انجام دهد. این حقیقت وجود دارد، که کودک NLD یا AS هنگامیکه نیاز است با سرعت زیاد فعالیتی را انجام

^۱ -Working memory

دهد، فشار درونی زیادی را احساس می‌کند، از این رو، قادر به یافتن اطلاعات لازم، برای دانستن آنچه باید در مرحله بعد انجام دهد نیست.

سیستم ذخیره سازی اطلاعات سازمان نیافته و نامطمئن این کودکان، باعث کاهش عملکرد حافظه آنها می‌شود و به عبارت دیگر انتقال اطلاعات به حافظه بلند مدت را ناپایدار می‌سازد. جهت روشن شدن موضوع، مثالی در رابطه با سگ گله ذکر شده است. اولین طبقه برای سازماندهی اطلاعات درباره سگ گله به این صورت است که این گونه، زیر گروه دسته <<سگ>> است. این اگرچه درست است، که سگ گله جزء دسته سگ ها است اما شیوه محدودی برای طبقه بندی یا تفکر درباره یک سگ گله می باشد که از دیگر سگها مثل سگهای خانگی متفاوت می باشد.

خلق چنین مجموعه افکار منجمد و محدود، ظرفیت این کودکان برای تفکر یکپارچه (توانایی ایجاد ارتباطات معنا دار بین عناصر اطلاعاتی) را محدود می‌سازد. این مشکل غالباً در ابتدای پایه سوم مورد توجه قرار می‌گیرد و هنگامی آغاز می‌شود که برنامه آموزشی نیازمند توانایی سازماندهی و یکپارچه کردن اطلاعات از منابع چندگانه است، و نمی‌توان اطلاعات را به صورت طوطی وار بازگو و یادآوری کرد. فعالیت‌هایی نظیر نوشتن گزارش یا یادداشت کوتاه، معمولاً مشکل کودکان NLD و AS را آشکار می‌سازد، زیرا نقایص این کودکان در عملکرد اجرایی و سایر مشکلات یادگیری آنها، کاملاً برجسته می‌شود. فرآیند طراحی، منظم کردن اطلاعات و آنچه بسیار مهم است، انجام یک پروژه از آغاز تا پایان، تکلیف تقریباً غیرممکنی برای این کودکان می‌باشد.

▪ استعاره، قیاس و شوفی

این کودکان بدون مداخله مستقیم، مشکلات قابل توجهی در درک استعاره و قیاس تجربه می‌کنند. جهت درک استعاره یا قیاس باید فهمیده شود که چگونه یک چیز نشانه چیز دیگری است (ارتباطات بین ایده‌ها). این مهارت به طور طبیعی رشد می‌یابد و در بعضی از افراد رشد یافته تر است اما معمولاً نتیجه آموزش مستقیم نمی‌باشد.

به نظر می‌رسد، کودکان NLD و AS به رشد این مهارت نایل نشده‌اند. آنها کلمات را دوست دارند و بی‌درنگ از آنها استفاده می‌کنند، با این حال، به قیاس و استعاره به سهولت نمی‌رسند. انعطاف‌ناپذیری شناختی که پیش‌تر ذکر شد و تمایل این کودکان به تمرکز بر روی جزء غلط، فهم این مطلب را که چرا پردازش استعاره یا قیاس ممکن است برای افراد AS یا NLD مشکل باشد را تسهیل می‌کند. فهم و شرکت در شوخی ممکن است علل مرتبطی داشته باشد. همانطوریکه که در فصل ۴ ذکر شد، اکثر کودکان و

نوجوانان NLD و آسپرگر در درک و مشارکت مناسب در شوخی با همسالانشان مشکل دارند. ناتوانی جهت همراهی با همسالان در شوخی کردن باعث می‌شود تا انزوای اجتماعی و حس عدم شایستگی در آنها افزوده شود.

تکالیف فانه و سایر رقابت‌ها در کلاس درس

مشکلات سازماندهی کودک NLD و AS، به وضوح بر زندگی تحصیلی آنها نقش دارد. این کودکان به ندرت سازماندهی منظم دارند و نمی‌توانند تکالیف نوشتاری خود را بطور پیوسته بنویسند. یادداشت‌ها و تکالیف آنها گم می‌شود و گزارشات و پروژه‌ها، توده‌های در هم و برهم و بی‌نظمی از اطلاعات هستند که به ندرت، بدون مداخله قابل توجه والدین و گریه‌های فراوان کودک تکمیل می‌شود. نقایص آنها در عملکرد اجرایی، مشکلات ماندگاری در توانایی برای خلق سیستم سازماندهی شخصی ایجاد می‌کند. همچنانکه تکالیف مدرسه با ورود به هر پایه افزایش می‌یابد، کودک NLD و AS تبدیل به نوجوانی می‌شود که شکست می‌خورد و قادر به بهره‌بردن از محیط آموزشی سنتی نمی‌باشد. برای این دانش‌آموزان یادداشت برداری در هنگام گوش دادن به سخنرانی (انجام چندین فعالیت بطور همزمان) تقریباً غیرممکن است. اگر آنها بخواهند در عرصه آموزش موفق شوند، باید مداخلات ویژه برای آنها در نظر گرفت. به نظر نمی‌رسد، عصبانیت و تنبیه نتایج مثبتی ایجاد کند، اما باید توجه کرد که کاستن انتظارات والدین و معلمان از این کودکان نیز راه حل مناسبی نمی‌باشد.

تمرکز بر روی جزئیات نادرست

کودکان NLD و AS تمایل دارند تا بر جزئیات خاص تمرکز کرده و آن جزئیات را در طبقات محدود و غیر منعطف سازماندهی کنند. در مثال سگ گله، کودک NLD و AS تنها ممکن است بر این حقیقت که سگ گله یک سگ است، تمرکز کند. در عین حال، اگر معلم درباره جنگ جهانی دوم و توسعه روش‌های جستجو و نجات (استفاده از سگ‌ها) داستانی بگوید، کودک NLD و AS ممکن است موضوع را بطور کامل از دست بدهد و به یاد بیاورد که داستان درباره یک سگ بوده است. تمرکز بر جزئیات نادرست مشکلات قابل توجهی در درک برای این کودکان ایجاد می‌کند، مشکلاتی که معلمان آنها را گیج می‌کند زیرا می‌بینند که کودکانی با خزانه واژگان و سطوح خواندن بالا، به نظری می‌رسد قادر به درک آنچه می‌خوانند نمی‌باشند.

تمرکز کودک NLD و AS بر جزئیات اشتباه می‌تواند توانایی درک مفاهیم ضمنی مطلب را، تحت تأثیر قرار دهد. مهارتی که اکثر ما بدون هیچ گونه آموزش مستقیم آن را کسب می‌کنیم. اگر شما بر جزئیات

نادرست یک درس و یا یک موقعیت اجتماعی تمرکز کنید، نکات دقیق و ظریف مفهوم را از دست می-دهید. همچنین، احتمال دارد که فعالیت یا پاسخی که از شما خواسته می-شود را، درست درک نکنید. مشکلات این کودکان در درک علت و اثر و پیش بینی توالی های فعالیت هایشان می تواند، در نظر معلمان و همسن و سالانش وی را به عنوان فردی که به طور آگاهانه قوانین یا هنجارهای اجتماعی را نقض می کند، معرفی نماید. بدون مداخلات مناسب کودک NLD یا AS هیچ راهی حتی برای توضیح مشکل خود ندارد. بار دیگر بیان می کنیم که این مسئله مانند صحبت کردن آنها به زبان متفاوت است.

موقعیت های جدید

مشکلات سازماندهی و تفکر غیر منعطف این کودکان، توانایی آنها برای تطابق با موقعیت های جدید را تحت تأثیر قرار می دهد. این مشکلات ممکن است نتیجه بد عملکردی لوب پیشانی (همانگونه که در فصل ۱ ذکر شد) و یا شکست در ایجاد تئوری ذهن مناسب (همانگونه که در فصل ۴ بحث شد) باشد. افراد NLD و AS مشکل قابل توجهی در فراخوانی تجربیات گذشته و یکپارچه کردن آن اطلاعات با رویدادهای جدید برای تشکیل طرح جدید از فعالیت دارند. به احتمال زیاد، آنها یک جریان عادی روزمره را که می دانند، مرتب تکرار می کنند. بدین معنا که به نظر می رسد یک پاسخ از پیش تعیین شده را دنبال می کنند. هنگامیکه پاسخ از پیش تعیین شده کارآمد نباشد و یا زمانیکه هیچ پاسخ از پیش تعیین شده ای برای موقعیت جدید وجود نداشته باشد، کودک یا نوجوان NLD یا آسپرگر ممکن است، تجربه ای از توقف داشته باشد. به احتمال زیاد، این رویداد زمانی رخ می دهد که آنها با موقعیت جدید، توان فرسا و گیج کننده مواجه می شوند.

■ از بین رفتن عواطف و مشکلات رفتاری

از بین رفتن عواطف غالباً منشاء مشکلات رفتاری مانند کج خلقی، سرپیچی از انجام کار یا رفتارهای اجتنابی مانند ترک اتاق، قرار دادن سر روی میز یا خسته شدن و تقاضای خوابیدن است، که این موارد در افراد NLD و AS دیده می شود. کودک NLD یا AS هیچ راهی برای تطابق با موقعیت جدید ندارد و جریان عادی ذهنی موجود قادر به سازماندهی آن نیست. این مشکل زمانی واضح می شود که به موقعیت های جدید یا گیج کننده واکنش نشان می دهند، و رفتار این کودکان در این مواقع نباید به عنوان مخالفت یا مقابله در نظر گرفته شود. لازم به ذکر نیست که مشکلات رفتاری آنها نباید پذیرفته و یا تشویق شود و همچنین نباید کودک NLD یا AS از موقعیت های بالقوه پیچیده یا جدید دورنگه داشته شود. در عوض، باید طرح آموزشی همراه با فرصت های فراوان برای افزایش انعطاف پذیری و افزودن به فرصت

های تجربی او ایجاد نمود. این رویکرد (که بعداً در کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت) به کودک در ایجاد پشتوانه اطلاعاتی وسیع تر کمک می کند و از احتمال توان فرسا بودن موقعیت های جدید می کاهد.

نقص پردازش اطلاعات

همانگونه که پیش تر ذکر شد، اطلاق نام ناتوانی یادگیری غیر کلامی به این گروه از کودکان، از بسیاری جهات مایه تأسف است. در قسمت های بعدی کتاب خواهیم دید که اثرات NLD و آسپرگر فی النفسه بیشتر در نتیجه نقص مرکزی در پردازش اطلاعات است تا اینکه فقط در «یادگیری» تأثیر داشته باشد. اختلال در مهارت های سازماندهی و طراحی این افراد، فراگیر است و تعامل اجتماعی و یادگیری آموزشی را تحت تأثیر قرار می دهد (پیوست «ه» را ببینید). اثرات این نقایص شامل موارد زیر است:

- مشکل در طراحی، سازماندهی و یکپارچه سازی افکار.
- مشکل در اجرا و پی گیری مشکلات در موقعیت های اجتماعی و آموزشی با کمک مهارت های حل مسئله.
- مشکلات آموزشی: تکالیف غالباً گم می شود و یا هر گز فهمیده نمی شود، کارهای مدرسه ناکامل و سازماندهی نشده هستند و به صورت توان فرسا تجربه می شوند.
- اختلال در نوشتن: به این معنا که یادداشت برداری در حین سخنرانی بسیار مشکل است و این مشکل غالباً دسترسی به دوره های پیشرفته را محدود می سازد.
- تفکر غیر منعطف، انفرادی و زمان کند پردازش، هر جنبه از عملکرد را تحت تأثیر قرار می دهد.
- تطابق ضعیف با موقعیت های جدید منجر به ضعف عملکرد اجتماعی و تحصیلی، ازبین رفتن عواطف و مشکلات رفتاری می شود.
- مشکلاتی در زمینه استعاره، قیاس و شوخی و شکست در درک مفاهیم ضمنی مطالب، باعث درک ضعیف و بیزارای اجتماعی می شود.
- مشکل در پیش بینی نتایج و درک دقیق علت و معلول، جهان را تبدیل به مکانی هولناک و غیر قابل پیش بینی می سازد.

نقص در پردازش اطلاعات نه تنها سازماندهی و یادگیری تحصیلی، بلکه مهارت های اجتماعی، زبان کاربردی و یکپارچگی حسی - حرکتی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بعبارت دیگر، زیر بنای تمامی مشکلات کودک NLD یا AS می باشد. احتمال دارد، این کودکان مشکلاتی در هر یک و یا تمامی

حوزه های ذکر شده در پیوست «ه» را داشته باشند. جهت موفقیت این کودکان، طراحی برنامه هایی ضروری است که دربرگیرنده مداخلاتی هستند که این نقایص را مورد توجه قرار می دهند.

❖ بخش دوم

تاثیرات ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم
آسپرگر

صمبت کردن با زبانی متفاوت : رشد مهارت
اجتماعی و عملکرد عاطفی و اجتماعی

فصل چهارم

گم شدن در فضا: پردازش بینایی فضایی و
یکپارچگی حسی

فصل پنجم

علت مشکل: مشکلات پردازش اطلاعات و
سازماندهی

فصل ششم

○ فصل چهارم

«صمبت کردن با زبانی متفاوت : (رشد مهارت اجتماعی و عملکرد عاطفی و اجتماعی»

همانطور که در فصول قبل دیدیم، ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر سه حوزه اصلی عملکرد را تحت تاثیر قرار می دهد :

- ۱- مهارت های اجتماعی و رشد کاربرد شناختی زبان
 - ۲- پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
 - ۳- پردازش اطلاعات و مهارت های سازماندهی
- در این فصل و دو فصل بعد در مورد تاثیرات NLD و AS در هریک از این حوزه ها بحث خواهد شد.

موزه هایی که سیستم در آنها صدمه می خورد

حوزه ای که غالباً کودکان ونوجوانان مبتلا به ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر را از هم سن و سالانشان جدا می سازد، حوزه عملکرد عاطفی و اجتماعی است. این کودکان در فهم سرنخ های اجتماعی ظریف و درک مکالمات اجتماعی روزمره مشکل دارند و نمی دانند که چطور با این مشکلات کنار بیایند و یا خونسرد باشند. همچنین، در درک احساس سایر افراد و انعطاف پذیری در مقابل دیگران نیز با مشکل روبرو هستند. به نظر می رسد، آنها به رشد راهبرد های تطابقی به منظور تعاملات پیچیده با گروه همسالان نائل نگشته اند. به طور خلاصه، کودک NLD یا AS به خوبی اکثر افراد در عملکرد اجتماعی مشارکت نمی کند و احتمال بروز مشکل در سه مورد زیر، بسیار است:

- ۱- شکست در استفاده از کاربرد زبان شناختی (اختلال در زبان عملی روزانه).
- ۲- شکست در فهم و استفاده از کیفیت تعاملی زبان. این کودکان زبان را برای تعامل استفاده نمی کنند بلکه به صورت تک گویی و یا برای گفتن چیزی به دیگران از آن استفاده می کنند. همچنین در فهم و ارائه سرنخ های اجتماعی مناسب از قبیل استفاده از صدا، آهنگ کلام، زبان بدن، لطفه، کنایه و یا معانی دقیق کلمات انتقال داده شده، مشکل قابل توجهی دارند.

۳- شکست در توانایی استفاده هم زمان از سطوح مختلف تعاملات اجتماعی: یعنی قادر به پی گیری تن صدا، وضعیت بدن و اشارات و حالات چهره متناسب با معنی دقیق لغات نیستند. کودکان NLD و AS معمولاً تمایل به برقراری ارتباط دارند. آنها به اعضای خانواده می چسبند و اغلب خود را وابسته به آنها می دانند. در حالیکه، هم سن و سالان آنها این کار را سرزنش می کنند. در حقیقت، اختلال در عملکرد اجتماعی- عاطفی تمامی زوایای زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد و اگر درمان نشوند، مهم ترین دلیل شکست در ایجاد زندگی معنی دار مستقل، در خارج از خانواده می باشد. به طور خلاصه، نقص در عملکرد مهارت اجتماعی از جمله مهم ترین موضوعاتی است که این کودکان با آن مواجه اند و به احتمال زیاد مشکل ترین مسئله ای است که می توانند بر آن غلبه کنند.

سفنی در رابطه با دست انداختن (مسفره کردن)

تمسخر، مهمترین نکته زندگی کودکان NLD و AS می باشد. شایع ترین دلیلی که والدین به دنبال برنامه های آموزشی جدید برای کودکانشان هستند تمسخر شدن آنها می باشد. در حالیکه، اکثر کودکان و نوجوانان NLD و AS از لحاظ جسمانی، طبیعی هستند اما، هم سن و سالانشان می دانند که این کودکان در بعضی زمینه ها با آنها متفاوتند و نسبت به این تفاوت عکس العمل نشان می دهند. این عکس العمل ها به همراه محدودیت در پاسخ های کودک NLD یا AS، اغلب باعث افزایش تعاملات نا خوشایند می گردد. مهارت های اجتماعی خیلی ضعیف این کودکان زمانی که احساس خوبی ندارند، و تمایل آنها برای استفاده از زبان به عنوان یک پوشش و راه مناسب برای حل مشکلات، باعث می شود که با سایر کودکان دیر بجوشند. هر یک از کودکانی که تا به حال با آنها کار کرده ام از مورد تمسخر قرار گرفتن شکایت داشته و آرزو داشتند که در جایی زندگی نمایند که مورد قبول واقع شده و بتوانند دوست پیدا کنند. آنها معمولاً بدلیل آنکه نمی توانند برای خارج شدن از فشار ناشی از مسخره شدن راه حلی پیدا کنند، منزوی و بیش از پیش افسرده می شوند. تلاش های اولیه آنها برای تبادل کلامی با هم سن و سالان معمولاً موفقیت آمیز نیست و باعث افزایش سردرگمی آنها می شود. سرانجام کودکان NLD و AS از محیط های اجتماعی دور شده و در حاشیه قرار می گیرند و هرگز درگیر مسائل اجتماعی نمی شوند.

یادگیری پگهنگی از عهده مسائل بر آمدن

اگر چه، سرگذشت این کودکان قلب انسان را به درد می آورد، اما این نکته حائز اهمیت است که نباید واکنش نشان دهیم و آنها را از تماس های اجتماعی که باعث ناراحتی می شود، دور کنیم. محافظت این کودکان در مقابل هم سن و سالان بی احساسشان و انتقال آنها به محیط های امن و کنترل شده کافی

نیست. باید چنین مداخلاتی وجود داشته باشد و می تواند بخش مناسبی از یک برنامه کلی باشد، اما، حفاظت از کودک از طریق دستکاری محیط کافی نیست. کودکان NLD و AS باید یاد بگیرند که از عهده کارهای خود بر آمده و حتی مهمتر از آن، اگر همواره تمایل دارند روابط دوستانه یا کاری با دیگران بر قرار کنند، باید نقش خود را در روابط اجتماعی بفهمند. آنها هرگز نمی توانند مردم را کنترل کنند بلکه فقط می توانند خودشان را کنترل نمایند و دست یافتن به این مهارت برای کودکان و نوجوانانی که اساس همه ی ارتباطاتشان بر اساس منطق و کنترل کردن می باشد دشوار است. مردم دنیا زندگی را آنطور که آنها می بینند، نمی بینند. هر چه زود تر یاد بگیرند که چگونه می توانند نقش ارتباطی خود را تغییر دهند، زودتر در محیط اطراف موفق می شوند. واضح است که ناتوانی های ویژه آنها این یادگیری را تحت تاثیر قرار می دهد. همانطور که دیدیم، این کودکان در درک پیچیدگی تعاملات اجتماعی، دوره دشواری را می گذرانند و حتی سخت تر از آن فهم چگونگی سهم شدن در مشکلات اجتماعی می باشد. تمرکز بر ایجاد تغییر در حوزه های متعدد رفتار اجتماعی و زبانی برای بهبود توانایی بر قراری تعامل کودک با سایرین و تطابق با دیگران، ضروری است.

سرگذشت اندی^۱

اندی یک دختر ۱۰ ساله است که در پایه ی چهارم درس می خواند. او در کلاس به سختی تلاش می کرد تا دوست پیدا کند اما، متوجه شد که سایر دختران صحبت می کنند، می خندند و به نظر می رسد زبان رمزگونه ای دارند که او قادر به درک آن زبان نیست. هنگامی که، او سعی می کند در مورد کتابی که خوانده است یا گربه ها یا موضوعات مورد علاقه اش صحبت کند همکلاسی ها در ابتدا به طور مودبانه برای چند دقیقه به حرفهای او گوش می دادند و سپس در مورد موضوع دیگر شروع به صحبت می کردند. اندی به امید اینکه آنها را به دانش خود علاقه مند کند، بسیار تلاش کرد تا در مورد گربه ها و یا کتابهایش، با آنها صحبت کند. اما این کار موثر نبود. اغلب، دختران از او فاصله می گرفتند و هیچ کس دوست نداشت با او بازی و یا صحبت کند. معلمین و دانش آموزان به شیوه گفتار یکنواخت اندی پی برده بودند اما هیچ کس نمی دانست در این مورد چه باید بگوید و اندی هم از گفتار آنها که تلاش می کردند مشکل را برای او توضیح دهند چیزی نمی فهمید.

^۱.Andi

شکست در استفاده از زبان

شکست کودکان NLD و AS در استفاده از زبان در موقعیت های اجتماعی مشهود است برای مثال، این موقعیت را در نظر بگیرید: خانم وانگ (معلم کلاس) از سو (یک کودک NLD کلاس چهارمی) درخواست کرده بود تا مسئول بازی وسطی در زنگ تفریح باشد. سو به دلیل آنکه موقعیت اجتماعی خود در این بازی را واقعاً درک نکرده بود، توپ را به هر کسی که از او می خواست می داد و به جای این که خودش در بازی شرکت کند و عضوی از گروه شود، احساس نگرانی می کرد و قوانین بازی برای استفاده از توپ را رعایت نمی کرد. به احتمال زیاد قادر نبود بازی با توپ را بدون کمک انجام دهد و نمی دانست که چطور با توپ بازی کند و چگونگی شرکت در بازی را بلد نبود. همان طور که، بعداً در این کتاب بحث خواهیم کرد کودکان NLD و AS در ورزش ها یا فعالیت هایی که باید از مهارت های حرکتی ظریف و درشت استفاده شود، شرکت نمی کنند، اما با راهنمایی و کمک در مرکز بازی ها به عنوان داور و یا نگهدارنده ی امتیازات می توانند حضور داشته باشند. نکته ی کلیدی کمک به آنها آموزش نحوه ی تبدیل یک نقص به یک امتیاز با ارزش است.

این کودکان چگونه از زبان استفاده می کنند

زبان ابزار بسیار راحتی برای این کودکان و نوجوانان است. آنها به توانمندی زبانی خود متکی می باشند و همیشه نقایص خود را در پس کلمات پنهان می کنند. آنها تمایل دارند که زیاد صحبت کنند اما هنگام به کار گیری زبان به چند روش مهم دچار شکست می شوند، که عبارتند از:

- آنها زبانی تولید می کنند که صحیح است، اما کاربردی نیست. این زبان اطلاعات گوناگون را انتقال می دهد اما قادر به ایجاد ارتباط بین این کودکان با دیگران نیست. آنها می توانند محتوای لغات را بفهمند اما قادر به درک جنبه های عاطفی زبان نیستند.
- آنها تاثیر عاطفی کلمات که بر روی دیگران اثر می گذارد را از دست می دهند، اگرچه، تاثیر کلمات سایر مردم بر روی خود را احساس می کنند.

- خطاب به مردم صحبت می کنند نه با آن ها. این رفتار نتیجه ی مستقیم ناتوانی آنها در تشخیص تعاملی بودن زبان و نه فقط ابزار سخنرانی بودن آن می باشد. تک گویی در مورد ابر یونی که ممکن است دایره ای و یا بیضی شکل باشد ممکن است برای معلم علوم جالب به نظر برسد اما برای سایر افراد بزرگسال کسل کننده است.

- در فهم جزئیات زبان شکست می خورند، به عبارت دیگر، بر روی تفسیر عینی گفته های دیگران تمرکز می کنند. مثال فصل های گذشته این مشکل را نشان می داد: الیور پیغام معلمش را که

(نمی‌خواهم آن را ببینم) بدین گونه معنی کرد که باید اسباب بازی را از جلوی چشم معلم بردارد، تا این که آن را کنار بگذارد و با آن بازی نکند چون این کار دقیقاً معنای تحت اللفظی و عینی همان عبارتی بود که معلمش ذکر کرده بود.

مثال دیگر در مورد دختر ۱۵ ساله ای است که گفتار مادرش را این گونه درک کرد. که او می‌توانست (هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد)، این برداشت، یک برداشت تحت اللفظی از اجازه‌ی مادرش بود که در روز جشن تولدش به او گفته شده بود.

- در فهمیدن جوک و کنایه‌ها مشکل دارند، چون جوک‌ها اغلب بر روی تن و آهنگ کلام تکیه میکنند تا تاثیرگذار باشند. این مشکل باعث می‌شود فهم شوخی برای اکثر کودکان مقاطع راهنمایی و دبیرستان غیر ممکن گردد.

- تن، آهنگ و نوای گفتار آنها اغلب به شکل خاصی "غیر فعال" است و در فهم نکات ظریف که زبان را به عملکردی فراتر از صحبت کردن تبدیل می‌کند، مشکل دارند. در فهم اینکه، چگونگی بیان گفتار به اندازه‌ی محتوای گفتار مهم است، شکست می‌خورند. عبارت: "خانم لی، آیا دوست دارید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" را در نظر بگیرید. محلی که شما می‌توانید آهنگ را وارد این جمله کنید، باعث تغییر معنی تحت اللفظی این جمله می‌شود. در اینجا چند نمونه ذکر می‌شود که عبارتند از:

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (من نمی‌توانم باور کنم که تو این را می‌خواهی).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (تاکید روی من است، نه یک کودک دیگر).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (نه این کتاب، شما منظورتان کتاب دیگری است).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (چی؟ الان؟).

نواخت های متنوعی وجود دارد اما این نکته بدیهی است، که: گرچه هر جمله حاوی یکسری لغات یکسانی است ولی همیشه معنای ثابتی را نمی‌رساند. در حقیقت، تعدادی از این عبارات (اگر به شیوه پیشنهاد شده گفته شود) ممکن است هنگام خطاب به معلم، گستاخانه به نظر برسد. کودک آسپرگر و NLD نکات ظریف و اختلافات جزئی موجود در این جملات (مثال بالا) را نمی‌فهمد و باید این موارد را برای او توضیح دهیم.

- حافظه خوب این کودکان عامل تعیین کننده در موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد زیرا این کودکان تمایل دارند بر روی حقایق خام تکیه کنند. هنگامیکه، در یک موقعیت پر از استرس (تقریباً تمام شرایط اجتماعی برای کودک NLD و AS اینگونه هستند) قرار بگیرند، تمایل دارند در مورد چیزهایی صحبت کنند که باعث آرام شدن آنها می‌شود. این موارد به احتمال زیاد مربوط به یک حوزه از علاقه یا دانش خاص آنها است که زمان زیادی برای یادگیری آن صرف کرده‌اند. همچنین، به جزئیات و چیزهای غیر معمول علاقه دارند. متأسفانه، این پاسخ می‌تواند موقعیت اجتماعی کودک را در میان سایرین و هم سن و سالانش بدتر کند. زیرا آنها مکالمه‌های این گونه کودکان را کسل کننده می‌دانند و علاقه‌ای به ادامه تعامل با این کودکان ندارند. برای کودکان NLD و AS خیلی سخت است که ببینند افراد شنونده علاقه‌ای به موضوعات مورد بحث آنها ندارند. ممکن است سایر هم سن و سالان این نوجوانان، نظرات بسیار تلخی در مورد این کودکان بدهند و در بعضی از مواقع نیز آنها را نادیده بگیرند. به همین دلیل، این کودکان هنگام صحبت دیگران در مورد موضوعات نامرتبط با موارد مورد علاقه‌شان، شنونده‌های خوبی نیستند. آنها معمولاً نیاز به آموزش مخصوص و مستقیم در مورد چگونگی شرکت در تعاملات اجتماعی مناسب دارند.

شکست در فهم کیفیت تعاملی زبان

تنها عامل مخربی که ناشی از AS، NLD و شرایط مشابه این دو می‌باشد، شکست در فهم و استفاده از کیفیت تعاملی زبان است. ادبیات فزاینده در مورد مفهوم تئوری ذهن (کتاب نیکولاس هامفری^۱ به نام تئوری ذهن^۲ ۱۹۸۴) همراه با تجربیات بالینی با این افراد، چنین مشخص می‌نماید که اساس عمده‌ترین مشکلات اجتماعی این کودکان ناتوانی در انطباق با دیدگاه سایرین می‌باشد. آنها در تشخیص دیدگاه سایر افراد شکست می‌خورند یا حتی قادر به درک این مسئله نیستند که مردم دیدگاه‌هایی دارند که می‌تواند رفتار آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بدنبال آن، آنها درک نمی‌کنند که آنچه را که انجام می‌دهند بر افکار و در نتیجه بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. آنها حقیقتاً احساس دیگران در مورد خود را نمی‌دانند (بجز واضح‌ترین اشکال احساس که شامل عصبانیت و لذت می‌شود). این شکست، در اساسی ترین سطح تعاملات بشر یعنی، احساس ارتباط داشتن با یکدیگر رخ می‌دهد.

^۱ -Nicholas humphrey

^۲ -Theory of mind

هگونه روابط شکل می‌گیرند

قسمتی از توانایی ایجاد رابطه معنی دار با دیگران، براساس تجربیات مشترک است. یعنی احساس اینکه شما و دیگری تفکر مشابهی دارید و یکی هستید. این احساس وصل بودن در ابتدا از طریق تعاملات طبیعی در زندگی (بدون هیچ آموزش مستقیم) به وجود می‌آید. زبان، به شکل دهی این احساس پیوستگی اجتماعی کمک می‌کند. اما اکثر ما این احساس را مدت‌ها قبل از اینکه زبان گفتاری را یاد بگیریم، تجربه می‌کنیم. برای کودکانی با رشد طبیعی این پیوستگی اجتماعی از طریق حالات صورت و بیانات چهره‌ای و خیره شدن چشم‌ها انتقال می‌یابد. حتی کودکان کوچک که صحبت نمی‌کنند، ابتدا به اشیا نگاه و اشاره می‌کنند و بدین ترتیب، مراقبشان را به نگاه کردن به سمت آن شی، هدایت می‌کنند. این هدایت غیر کلامی شامل یک سری تعاملات پیچیده می‌باشد و ادراک کودک دارای یک فرض اساسی است مبنی بر اینکه کودک و دیگری در حال تفکر هستند و این تفکر در مورد موضوع واحدی می‌باشد. این فرآیند بسیار پیچیده و جالب است و ما به راحتی از کنار آن می‌گذریم. اما برای کودکان AS و NLD این طور نیست. این مهارت در حقیقت، چیزی است که آنها هیچگاه بر آن تسلط نمی‌یابند و در نتیجه با وجود تمامی مهارت‌های زبانی پیشرفته قادر نیستند وارد این محیط مرموز خواندن ذهن شوند. زیرا چنین ارتباط غیر کلامی برای این کودکان باید به عنوان یک توانایی فرا روانشناختی در نظر گرفته شود.

تئوری ذهن

مقاله خیلی خوب سیمون بارون کوهن^۱ تحت عنوان کور ذهنی^۲ (۱۹۹۵) به طور مفصل مفهوم تئوری ذهن را بحث می‌کند که شامل توانایی معمول بشر در "خواندن ذهن" است. البته آنچه که او توصیف می‌کند، واقعاً خواندن ذهن نیست. بلکه، توانایی اکثر افراد به منظور تفکر در مسیر مشترک است و باید بدانیم هنگامیکه ما راجع به موضوعی فکر می‌کنیم، سایرین هم ممکن است به همان موضوع فکر کنند. این توانایی خودش را زمانی نشان می‌دهد که ما مسیر گفتگو را دنبال می‌کنیم و یا نگاه خیره و یا اشاره را می‌فهمیم و فرض بر این است که، ما ایده‌های خود را در مورد معانی چیزها به اشتراک می‌گذاریم. برای مثال، ما فرض می‌کنیم که هنگامیکه، چیزی را به عنوان "قرمز" توصیف می‌کنیم، شخص دیگر همان تفکری را از رنگ قرمز در ذهنش ایجاد می‌کند که ما در ذهن داریم. در حقیقت اگر شخص دیگر کوررنگ باشد، این حقیقت درست از آب در نمی‌آید. بنابراین زمان‌هایی وجود دارد که فرضیات ما در مورد تفکر یکسان، صحیح نیستند. تئوری ذهن به ما اجازه می‌دهد که ما در ذهن خود حیطه گسترده‌ای از

^۱-Simon Baron- cohen

^۲.mindblindness

نمادهای ذهنی را ایجاد کنیم. "سگ" یک نماد ذهنی مخصوص است و "ماشین" یک نماد ذهنی متفاوت از آن می‌باشد. به علاوه، تئوری ذهن در بسیاری از موارد دربردارنده توانایی ما در ایجاد یک تئوری در مورد تفکر است و بدین معناست که ما می‌فهمیم که دیگران فکر می‌کنند و دارای اعتقاداتی هستند. این مسئله برای رمز گشایی و درک رفتارهای اجتماعی به شکل معنی دار و مفید، بسیار ضروری است. تئوری ذهن در توانایی‌های زیر عمل می‌نماید:

- وانمود کردن
- فهم یک رویا
- بکاربردن اعتقادات برای فهم احساسات
- تمایز دادن ظاهر از واقعیت (تمایز آنچه که دیده می‌شود از آنچه که واقعیت دارد)
- در خود فرورفتن (نشان دادن آگاهی از تفکرات خود)
- رشد عملکرد اجرایی (رهایی از فعالیت جاری جهت تغییر یا شکل دهی طرح‌ها یا عمل کردن به آن‌ها)

- یکپارچه کردن اطلاعات

کودکانی که این مهارت در آنها رشد نیافته است باید برای درک احساسات و عقاید دیگران مستقیماً مورد آموزش قرار گرفته و پاسخ‌های مناسب اجتماعی را یاد بگیرند. این افراد شامل کودکان NLD و تعداد زیادی از کودکان AS هستند. شکست افراد NLD و AS برای فهم کیفیت تعاملی زبان به عنوان، نقص در تئوری ذهن آنها تصور می‌شود (آنها نمی‌توانند فکر دیگران را بخوانند). تأثیرات ناتوانی آنها به طرق مختلف قابل مشاهده است. جنبه‌هایی از این تأثیرات در قسمت پایین توصیف شده است:

- وقتی با دیگران وارد مکالمه می‌شوند، حکایات و داستانهای این کودکان اغلب بی‌ربط، خارج از بافت (بی‌معنی)، سطحی یا به عبارت دیگر گیج کننده است و فقط آنچه را که مورد نظرشان است می‌دانند و درک نمی‌کنند که دیگران گفتار آنها را نمی‌فهمند.
- این کودکان تمایل دارند درحوزه‌هایی علاقه و یا تمرکز خاص داشته باشند. این علایق اغلب "هیجانان" نامیده می‌شود. کودک اغلب یک گفتار تک نفره در رابطه با موضوع خواهد داشت و احتمالاً نسبت به علاقه شونده به موضوع توجهی نمی‌کنند.

- همانطور که قبلاً اشاره شد، تن صدای این کودکان یکنواخت می‌باشد و احتمالاً به این دلیل است که آنها مفهومی از علاقه شونده ندارند و نمی‌توانند گفتارشان را جالب جلوه دهند، در نتیجه، برای

کسی یا با کسی صحبت نمی‌کند، بلکه بیشتر با خودشان صحبت می‌کنند و این عقیده که یک نفر را به گفتارشان علاقه مند نگه دارند مفهوم جدیدی برای آنها است.

- این کودکان هرگز مفهوم وانمودسازی را نمی‌فهمند. هیچگاه در بازیهای تخیلی یا وانمودی همانند سایر کودکان هم سن و سال خود شرکت نمی‌کنند، بویژه زمانی که این بازیها شامل شرکت دادن دیگران به طور تخیلی در بازی می‌شود. شرکت در یک بازی دو طرفه برای این کودکان کار دشواری است، زیرا لازمه آن با هم فکر کردن است.

- کودکان AS و NLD اغلب شکست در توانایی تمایز ظاهر از واقعیت را تجربه می‌کنند. این ناتوانی باعث ایجاد سردرگمی در آنها می‌شود و در برخی مواقع منجر به گوشه گیری اجتماعی می‌گردد.

- گاهی اوقات در شناخت فردی که قبلا بارها وی را ملاقات کرده است، مشکل دارد. بویژه اگر شخص را در موقعیتی غیر از شرایط معمول دیده باشد. یک روانشناس که تصادفاً روانشناس خصوصی یکی از دانش آموزان مدرسه بود، از مدرسه بازدید می‌کرد و هنگامیکه دانش آموز مذکور به سمت او می‌رفت، دکتر او را با اسم صدا زد، دانش آموز به سمت او برگشت و به او گفت " شما کی هستید؟"

- اغلب، کودکان یا نوجوانان AS یا NLD در خود فرو رفته هستند. اگر چه این کودکان توانایی زبانی برای توصیف افکار و احساسات دنیای درونشان را دارند، اما اغلب از وجود این دنیا آگاهی ندارند. با آموزش مستقیم نیز، صرفاً تا حدودی از وجود این دنیای درونی آگاه می‌شوند.

- کودکان AS و NLD مشکل بسیار بارزی در فهم سرنخ‌های اجتماعی دارند. با وجود مواردی همچون ناتوانی در پذیرش دیدگاه دیگران یا تحت تاثیر قرار دادن دیگران، جای تعجب نیست که کودکان AS و NLD از نظر اجتماعی مشکل دارند. فهم معنای رفتار افراد بدون اینکه سرنخی وجود داشته باشد، کار مهمی است.

تئوری ذهن چیزهایی بیش از شکل دادن ارتباطات با دیگران را در بر می‌گیرد. این تئوری شامل فرآیندهای ذهنی پیچیده‌ای است که می‌توان آن را در بسیاری از رفتارها و مهارت‌های اجتماعی حساس، مشاهده کرد.

▪ (فتارهای تپه مشترک)

کودکان حتی قبل از رشد زبان توجه مراقبین خود را با خیره شدن جلب می‌کنند. مراقبین، نگاه کودک و کودک نیز نگاه بزرگسالان را تعقیب می‌کند (این رفتار بدان معناست که هر کدام از آنها می‌دانند که دیگری به چه چیزی نگاه می‌کند).

با افزایش مهارت‌های حرکتی، کودک از اشاره کردن به عنوان وسیله جلب توجه دیداری دیگران استفاده می‌کند. این رفتارهای مربوط به توجه مشترک آموختنی نیست، بلکه به طور طبیعی شکل می‌گیرند. در اینجا مثالی از این گونه رفتارهای توجه مشترک آورده می‌شود:

- ۱- کودک چندین بادکنک را می‌بیند و به سمت آنها اشاره می‌کند.
- ۲- مراقب کودک به جهتی که کودک اشاره می‌کند نگاه می‌کند (خواندن فکر کودک) به این معنی که نگاهش را به سمت آن شی معطوف می‌کند.

این مثال توصیف کننده یک رفتار واضح و آشکار است که شامل نشان دادن چیزهای مختلف به دیگران می‌شود، (در حقیقت، تجربه نگاه کردن به یک شی را با هم تقسیم می‌کنند). کودکانی که رفتارهای توجه مشترک مانند کنترل نگاه خیره، رفتارهای واضح و آشکار را از خود نشان نمی‌دهند، احتمالاً، مفهوم ذهنی درونی پیوستگی، بین خود و مراقبشان و شی سوم مورد علاقه در آنها رشد نیافته است. این مفهوم درونی (یا مجموعه‌ای از این مفاهیم) به شکل گیری پایه‌های شَم زبانی که یک قسمت ضروری برای "خواندن فکر" می‌باشد، کمک می‌کند. چیزی که دکتر بارون کوهن آن را خواندن فکر دیگران می‌داند، قدرتی است که به افراد کمک می‌کند به سرعت چیزهای مختلفی را در مورد دیگران بفهمند، بدون اینکه فکر منطقی در مورد آنها انجام داده باشند. اکثر کودکان AS یا NLD مفهوم دیدن یا مشاهده کردن را درک می‌کنند، اما در شَم زبانی آنها دانشی در مورد آنچه دیده‌اند وجود ندارد. تجربه فهمیدن یک چیز شامل حس شهودی، درونی و غیر کلامی است و اغلب تعریف آن دشوار است. کودک NLD یا AS مشکلات جدی با این مفهوم دارد.

پیش بینی فعالیت‌های دیگران

در یک موقعیت عملی، اگر شما نفهمید که سایرین در مورد چه چیزی فکر می‌کنند و در مورد شما چه فکری دارند، در این صورت قادر به پیش بینی اعمال آنها نخواهید بود و شما هیچ نظری در مورد اینکه چطور روی رفتار دیگران تاثیر بگذارید، نخواهید داشت. این ویژگی باعث می‌شود که احساس کنید دنیا غیرقابل پیش بینی و هولناک است و هر برخورد یک تجربه جدید می‌باشد و به خاطر داشته باشید که این کودکان از ناتوانی خود در تلفیق اطلاعات (یا یادگیری) در موقعیت‌های جدید رنج می‌برند. همانطور که دیدیم، این موارد ناشی از بد عملکردی مغز می‌باشد. مردم از تجربیات گذشته درس می‌گیرند و دانش اجتماعی خود را می‌سازند، اما این کودکان نمی‌توانند این کار را انجام دهند و تجربه تعاملات اجتماعی‌شان، آشفته کننده و غیرقابل پیش بینی می‌شود. این امر شبیه به این است که یک نفر به

زبانی صحبت کند که دیگران نمی‌فهمند، و به نظر می‌رسد که نمی‌توانند آن زبان را یاد بگیرند. این شیوه تجربه کردن دنیا بر اساس سیستم ساماندهی این کودکان می‌باشد که ممکن است آنها را ناسازگار و یا وسواسی نماید.

پیش بینی عواطف دیگران

مطالعات انجام شده در مورد توانایی پیش بینی عواطف دیگران در مقابل توانایی تشخیص صرف آنها، نشان می‌دهند که کودک باید علت عواطف را بفهمد تا بتواند آنها را پیش بینی کند. همچنین باید بعضی از تئوریهای مربوط به اعتقادات مردم را بداند تا بتواند عواطف آنها را درک کند. پیش بینی عواطف مهارت پیچیده‌ای است که در اکثر کودکان AS و NLD وجود ندارد. نتیجه این فقدان بسیار واضح است: بدون توانایی پیش بینی عواطف مردم، هر برخورد اجتماعی یک تجربه جدید به حساب می‌آید. تجربه‌ای که در مورد آن شما هیچ گونه انتظاری نمی‌توانید داشته باشید.

شکست در توانایی تعقیب همزمان چندین سطح از تعامل اجتماعی

اکثر افراد می‌توانند در یک زمان، محتوای مکالمه، زبان بدن و تن صدای گوینده را دنبال کنند و نسبت به آنچه گفته شده عکس‌العمل نشان دهند. در صورت فقدان هر یک از این توانایی‌ها، یک مکالمه ساده به بیراهه می‌رود. اکنون تأثیرات این فرآیند را بر روی پذیرش اجتماعی خود تصور کنید. این فقدان در مورد کودکان AS و NLD یک واقعیت است. همانطور که قبلاً دیدیم، کودک یا نوجوان AS یا NLD در درک حالات صورت و تن صدای دیگران مشکل دارد و بر تفسیر تحت اللفظی زبان گوینده تمرکز می‌کند. آنها به راحتی تفسیر تحت اللفظی را دنبال می‌کنند اما هیچوقت منظور گوینده را درک نمی‌کنند. کودکان AS و NLD نمی‌توانند نکته‌ای را که در مسیر مکالمه از دست داده‌اند، پیش بینی کنند. هنگامیکه این کودکان تحت فشار هستند، بر روی آن چیزی که می‌دانند پافشاری کرده و گفتار خود را بدون آنکه نسبت به علاقمندی شخص دیگر آگاه باشند، ادامه می‌دهند. تعاملات ممکن است از بد به سمت بدتر هم پیش رود. در تعاملات گیج و سردرگم می‌شوند، زیاد صحبت می‌کنند و توسط مردم مورد تمسخر قرار می‌گیرند یا طرد می‌شوند. سرانجام این کودکان از هر موقعیت اجتماعی کناره‌گیری کرده و مهارت-هایشان بیش از گذشته کاهش می‌یابد.

نکته آخر: بلوغ

هنگامیکه این کودکان به سن بلوغ می‌رسند و تلاش می‌کنند که با پیچیدگی ساختارهای اجتماعی دوران بلوغ کنار آیند، هیچ شانس ندارند. بعید است که نوجوان NLD یا AS بتواند خود را با دانش و تجربه تعاملات اجتماعی و خواندن ذهن آماده کند. دیدگاههای این نوجوانان بیشتر خود محور است و ناتوانی در پذیرش دیدگاه دیگران، باعث می‌شود که نسبت به قوانین رفتارهای اجتماعی آگاهی نداشته باشند. با این وجود، قادر به یادگیری قوانین هستند و بهتر است هر چه زودتر این کار را شروع کنند. اگرچه آنها مبتلا به NLD یا AS هستند، اما برای اینکه یک نوجوان به دوران بزرگسالی برسد باید بتواند، چه سخت باشد و یا چه آسان، همان درس‌هایی را در زندگی یاد بگیرد که هم سن و سالان وی فرا می‌گیرند. این کودکان نسبت به انتظارات دوران بزرگسالی سردرگم هستند. درس‌های اجتماعی از دروس بسیار مهمی است که باید به آنها یاد داده شود، این دروس مشکل باید جزیی از هر برنامه آموزشی باشد تا نوجوانان NLD یا آسپرگر بتواند استعدادهای ویژه خود را گسترش دهد، و در نتیجه عضو مؤثری از جامعه بزرگسالان گردد.

○ فصل پنجم

« گم شدن در فضا: پردازش بینایی فضایی و یکپارچگی حسی »

افراد NLD و AS در شناخت محدوده و گستره بدنشان در فضا، مشکل دارند. بواسطه این اختلال آنها از محل آغاز و پایان بدن خود به طور کامل آگاه نیستند. این اختلال ادراکی به ویژه در حوزه های پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی شدت می یابد.

مشکلات بینایی - فضایی

همانگونه که در فصل ۲ ذکر شد، پردازش بینایی - فضایی، توانایی استفاده از اطلاعات بینایی جهت درک جهان پیرامون است. نقایص پردازش بینایی - فضایی چگونگی ذخیره سازی اطلاعات بینایی بدست آمده در حافظه را تحت تأثیر قرار می دهد. برای اکثر افراد، یادآوری چیزهای دیده شده آسانتر از موارد شنیده شده است. اما برای کودکان NLD و AS، احتمال ذخیره سازی اطلاعات بدست آمده از طریق بینایی در حافظه کم می باشد، زیرا نقایص پردازش بینایی - فضایی در آن دخالت دارد و ذخیره سازی اطلاعات بدست آمده از طریق شنیداری (گوش کردن) در حافظه آنها بیشتر می باشد. همچنین، به نظر می رسد که مشکلات پردازش بینایی - فضایی به میزان زیادی مهارت های حرکتی درشت و ظریف شامل: نوشتن، مهارت های ورزشی، تعادل و هماهنگی را تحت تأثیر قرار می دهد. هنوز معلوم نیست که چرا این حالت وجود دارد. اما علم پزشکی در آینده ممکن است علت اختلال در رشد حرکتی و تن عضلانی پایین تر این کودکان نسبت به دیگر همسالان خود را، کشف نماید. تن عضلانی ضعیف این کودکان ممکن است منشاء دست و پا چلفتی بودن، تعادل ضعیف و مشکلات هماهنگی و مشکل در دست ورزی اشیاء کوچک یا انجام تکالیف ظریف (مانند بستن بند کفش و نخ کردن مهره ها، کار های دستی مانند قلاب بافی و غیره) باشد.

پردازش بینایی - فضایی کمک می کند تا انتخاب کنید که کجا بروید یا چگونه حرکت کنید، یا چطور به یک شی نزدیک و یا از آن دور شوید. کودکان AS و NLD در این توانایی ها نقایصی را تجربه می کنند که به وضوح با حس آنها در مورد گم شدن در فضا بسیار دخیل است. کودکان AS یا NLD

گاهی حتی بین دو بخش مختلف از مدرسه واقعاً گم می شود. این حقیقت که اکثر ما بر اطلاعات بینایی خود جهت یادآوری جهات تکیه می کنیم، به ما در درک اهمیت این قبیل نقایص کمک می کند. اگر شما نتوانید مسیر خود را از مکانی به مکان دیگر به یاد آورید، بازارها، ایستگاههای اتوبوس، مطب پزشکان و پارک ها می توانند بسیار ترسناک به نظر برسند.

افتلال در نوشتن^۱

ناتوانی در نوشتن یک ویژگی رایج و مشترک AS و NLD است. برای بعضی از دانش آموزان، این ناتوانی تنها تفاوت آشکار آنها با گروه هم سن و سال خود در عملکرد تحصیلی خواهد بود و ممکن است علت دریافت خدمات آموزشی ویژه آنها نیز همین مسئله باشد. هنگامیکه به کودکان اجازه داده می شود تا از کامپیوتر استفاده کنند، این مشکل کمتر مطرح می شود. اما مشکلات قابل توجهی حتی با وجود صفحه کلید در رابطه با شکل به خاطر سپرده شده برای کلمات نوشتاری باقی می ماند. به نظر می رسد، این مشکل دربرگیرنده نقص در عملکرد اجرایی باشد که بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت.

مهارت های حرکتی

اکثر این کودکان، در زمینه الگوی حرکتی صحیح در جهان پیرامون مشکلاتی را تجربه می کنند: آنها غالباً به اشیای اطرافشان برخورد می کنند، در راهرو به مردم تنه می زنند و بطور کلی در درک مرزهای اطراف بدنشان مشکل دارند. آنها بیش از سایر کودکان اشیاء را می اندازند، به وسایل برخورد می کنند یا مایعات را می ریزند و این مسئله، باعث تجربه مکرر شکست ها و سرخوردگی ها می شود و در نتیجه به اضطراب آنها افزوده می گردد و احتمال وقوع رویداد ناگوار بعدی، افزایش می یابد. شناخت زود هنگام این مشکلات، از این بابت که کودک مجبور نباشد تا یک زندگی همراه با هماهنگی ضعیف و فعالیت های حرکتی اندک داشته باشد مهم است. به نظر می رسد تمرین کردن و ارائه دستورالعمل های ساختار یافته، حتی برای مواردیکه سایر کودکان آنها را بطور طبیعی بدست می آورند، مورد نیاز است. دوچرخه سواری، بستن بند کفش، نوشتن حروف و جملات، توانایی استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی، بخش های بسیار ضروری یک زندگی مستقل هستند. هدف مهم، تلاش برای تسلط یافتن در یک مهارت مشکل که به طور طبیعی بدست نمی آید و ایجاد روش های جبرانی برای آن است. برای بعضی از افراد، لازم است که تمرینات مکرراً انجام شود و میزان بلوغ و اشتیاق فرد به حفظ تمرینات علیرغم ناامیدی هایی موجود ارزیابی گردد.

^۱. Dysgraphia

یکپارچگی (پیکی مسی)

یکپارچگی حسی، توانایی سازماندهی احساسات زندگی روزمره می باشد. این توانایی مستلزم عملکرد عصب شناختی است، و معمولاً بدون فکر درباره آن، در سطح مغز رخ می دهد. مغز ما به طور طبیعی پیام هایی از منابع مختلف تجربه حسی دریافت می کند (آنچه در محیط پیرامون می بینیم، بو می کنیم، احساس می کنیم، می چشیم و می شنویم). در عین حال، پیام های درونی موجود نیز فرستاده می شوند: چقدر گرسنه ایم؟ چقدر گرم یا سرد است؟ عضلات ما در حال انجام چه کاری هستند؟ بدن ما در ارتباط با افراد یا اشیاء دیگر کجا قرار دارد؟ و اطلاعاتی درباره سایر عملکردهای بدن نیز ارسال می شود. مغز ما این پیام ها را یکپارچه می سازند، بعبارت دیگر آنها را سازمان دهی می کند و تقدم و تأخر پیام ها را نیز مشخص می کند. در نهایت، آن چیزی که پنداشته می شود، رخ می دهد.

هنگامیکه توانایی ما برای یکپارچه کردن اطلاعات حسی دچار اشتباه می شود، تعامل ما با محیط پیرامون مختل می گردد. برای مثال، کودکی با مشکلات حسی حرکتی ممکن است مشکلاتی در بالا و پایین رفتن از پله ها داشته باشد، همانند کودکی که غالباً از نرده برای حمایت و اتکا استفاده می نماید یا روی هر پله می ایستد تا تعادل خود را حفظ کند.

بدن انسان از سه سیستم حسی اصلی: لامسه، دهلیزی و حس عمقی استفاده می کند. سیستم لامسه اطلاعاتی درباره بافت، اندازه، شکل و عملکرد یک شیء برای ما فراهم می کند. در بسیاری از موارد این حس به ما اجازه می دهد تا تعیین کنیم که آنچه لمس کرده ایم، خطرناک است یا خیر.

سیستم دهلیزی از طریق گوش داخلی، اطلاعاتی درباره جاذبه و تعادل و همچنین در مورد موقعیت سر و بدن ما نسبت به زمین را فراهم می کند و درباره نحوه ایستادن، نشستن، راه رفتن، دراز کشیدن و حفظ تعادل در آن موقعیت ها اطلاعاتی فراهم می نماید. سیستم حس عمقی، اطلاعات را از طریق مفاصل و عضلات درباره اینکه بخش های مختلف بدن ما کجا قرار دارند و در حال انجام چه کاری می باشند، فراهم می کند. تمام مردم به این سه سیستم حسی برای داشتن عملکرد خوب و هماهنگ با یکدیگر نیاز دارند.

■ حساسیت به محرک لمس، صدا و بینایی

یکی از مشکلات متداول کودکان NLD و آسپرگر، حساسیت به محرک صدا، لمس و بینایی می باشد. شدت این مشکل در محدوده شدید تا خفیف می باشد و می تواند اختلال قابل توجهی در عملکرد روزانه آنها ایجاد کند. برای اکثر کودکان NLD و آسپرگر، شنیدن صدای صحبت افراد در کلاس درس بقدری

آزاردهنده است که می تواند دردناک نیز باشد؛ یک تماس معمولی (برای مثال، در آغوش گرفتن) ممکن است برای کودک تهدید کننده تلقی شود و یک محرک بینایی رنگارنگ و هیجان آور می تواند طاقت فرسا و آزار دهنده باشد. چنین پاسخ هایی به اطلاعات حسی می تواند مانع یادگیری این کودکان باشد و پاسخ های رفتاری خاصی در کودک ایجاد نماید که به حس عدم شایستگی او می افزاید.

سرگذشت ایزابلا^۱

ایزابلا یک دختر NLD است که در مقطع راهنمایی تحصیل می کند و مشکلات قابل توجهی در یکپارچگی حسی دارد. هنگامیکه او در کلاس نشسته است، هر صدایی که دانش آموزان ایجاد می کنند ۱۰ برابر برای او بلندتر به نظر می رسد و صداهای معمول در کلاس درس (تیک تاک ساعت و صدای تراشیدن مداد) برای وی ناراحت کننده و آزار دهنده می باشند. وی در طول روز، سعی می کند تا مانع ورود این صداهای خارجی به ذهنش شود، و با این کار بسیار حساس تر و آشفته تر می گردد. یک روز، وی بر سر یکی از همکلاسی هایش که آدامس می جوید، فریاد زد: "**بسه دیگه، این کار را نکن!**" از ایزابلا خواسته شد تا کلاس را ترک کند. او احساس شرمساری و عصبانیت می کرد. علاوه بر این، در آن روز بروی هیچ یک از دروس تمرکز نداشت و از نظر تحصیلی بیشتر و بیشتر دچار شکست شد.

سطوح برانگیختگی

کودکان و نوجوانان NLD و سندرم آسپرگر در حفظ سطح ثابت یا متعادل از برانگیختگی مشکل دارند. برانگیختگی به توجه و تمرکز مربوط است و یک حس عمومی است که سیستم های حسی بدن، با یکدیگر عمل می کنند. تحریک مناسب باید نه بسیار زیاد (تحریک بیش از حد، افراطی، پریشان کننده) و نه بسیار کم (کسل کننده، حواس پرت کن، فاقد اطلاعات) باشد. کودکان NLD و سندرم آسپرگر سطوحی از برانگیختگی را تجربه می کنند که یا بسیار زیاد و یا کم است و در نتیجه مشکلات رفتاری و توجه و تمرکز جدیدی را تجربه می کنند که با یادگیری در تداخل می باشد. یک برنامه بسیار خوب که در کار درمانی استفاده می شود، برنامه ^۲ALERT (ویلیامز و شلنبرگر^۳ ۱۹۹۴) نام دارد. این سیستم (در این کتاب مد نظر ما قرار ندارد) غالباً برای کودکان NLD و آسپرگر مفید است.

^۱ Isabella.

^۲ - برنامه درمانی در رشته کاردرمانی است که در جهت افزایش سطح توجه و سازماندهی وظایفی که به عهده بیمار است اجرا می گردد.

^۳ - Mary sue Williams – sherry shellenburger

بطور کلی:

- احتمال آنکه کودکان NLD و AS رفتارهای اکتشافی اولیه را همچون سایر کودکان کم سن و سال نشان دهند بسیار کم است، در عوض آنها از زبان برای کشف جهان پیرامون خود استفاده می کنند.

بی میلی نسبت به استفاده از فعالیت های حرکتی و در عوض تکیه بر زبان، غالباً گرایش مادام العمر این افراد است.

- مهارت های حرکتی کودکان NDL و AS مثل دوچرخه سواری، ورزش کردن و یا سایر فعالیت های حرکتی درشت با تاخیر رشد می یابد.

- کودکان NLD و AS غالباً مشکلات قابل توجهی در نوشتن دارند (نوشتن با مداد). با وجود اینکه اکثر کودکان AS در هنر مهارت دارند (فعالیت هنری معمولاً مورد علاقه کودک NLD نمی باشد) نوشتن کلمه همچنان بصورت یک مشکل برای آنان باقی می ماند.

- تن عضلانی پایین در حین راه رفتن باعث حرکت عجیب و غریب، نامناسب و تا حدی قوز کرده در آنها می شود. این کودکان هنگام نشستن پشت میز ممکن است مشکلاتی در وضعیت بدن داشته باشند.

- توجه و تمرکز در کودکان NLD و آسپرگر به واسطه تغییر در درون داد حسی - حرکتی تحت تأثیر قرار می گیرد. برنامه ALERT در این زمینه برای کودکان NLD و AS بسیار سودمند است.

- مداخلات درمانی برای کودکان NLD و AS در بخش ۳ این کتاب بحث خواهد شد. مداخلات ویژه در زمینه های مشکلات بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی بهتر است به کار درمان با تجربه که در برنامه هایی همچون برنامه ALERT مهارت دارد، سپرده شود. فصل ۱۱ پیشنهاداتی را برای ایجاد یک گروه جهت طراحی و فراهم کردن خدمات برای کودکان AS یا NLD ارائه می دهد.

○ فصل ششم

« علت مشکل: مشکلات پردازش اطلاعات و سازماندهی »

هر روز صبح، دقیقاً هنگام خروج از منزل در زنجیره پیچیده‌ای از تکالیف ذهنی درگیر می‌شویم. به طور خودکار کارهای روزمره صبح را انجام می‌دهیم (آراستن خود، لباس پوشیدن متناسب با موقعیت و شرایط آب و هوایی، غذا خوردن و شاید نوشیدن چای). غالباً به سایر اعضای خانواده در تکمیل کارهای روزمره کمک می‌کنیم، لوازم خود را برای آن روز جمع کرده و فعالیت‌های حرکتی لازم برای ترک خانه را انجام می‌دهیم و سپس به محل کار می‌رویم. برخی اوقات، این روند بسیار آسانتر از زمان‌های دیگر طی می‌شود، اما بطور کلی ما قادر به انجام چندین کار هستیم.

به عبارت دیگر، چند فعالیت را با تلاش اندک و بطور همزمان انجام می‌دهیم. بعلاوه برای انجام چندین کار، مثلاً درباره اینکه چه کاری باید انجام دهیم، چه زمانی این کار را انجام دهیم، و چه کاری دارای اهمیت بیشتر یا کمتر است، تصمیماتی اتخاذ می‌کنیم. بعضی از این تصمیم‌گیری‌ها کوچک هستند (در قهوه شکر بریزیم یا نه؟) اما سایر موارد مهمتر می‌باشند (اگر من ساعت هفت و سی دقیقه از منزل خارج شوم، ممکن است دیر برسم، باید عجله کنم یا نه؟) با این وجود، روند انجام تمام این فعالیت‌های ذهنی و جسمی، هر روز مکرراً رخ می‌دهد.

عملکرد اجرایی

کارهای روزمره صبح، مثالی درباره زنجیره رفتارهایی است که کم و بیش بطور خودکار انجام می‌دهیم. در سراسر زندگی، بسیاری از این جریانات عادی روزمره را انجام می‌دهیم. این جریانات به ما اجازه می‌دهد تا به طور همزمان بیش از یک کار انجام دهیم (در حالیکه صبحانه تان را درست می‌کنید، می‌توانید در ذهن خود فعالیت‌های آن روز خود را مرور کنید و برای آنچه لازم است در آینده انجام دهید، آماده شوید). این کار یک توانایی است، اما بخشی از یک مجموعه کلی تر از مهارت‌های شناختی است که به عنوان عملکرد اجرایی شناخته شده است. عملکرد اجرایی، مجموعه‌ای از مهارت‌های تفکری سطح بالا و پیچیده‌ای است که فرآیندهای متفاوت و متعدد مغز ما را کنترل

می کند، مانند پردازش زبانی، پردازش شناختی و پردازش حرکتی. عملکرد اجرایی، تحت کنترل لوب پیشانی مغز می باشد. به بیان ساده، عملکرد اجرایی به توانایی انجام موارد زیر گفته می شود:

- تدوین طرح ها
- اقدام بر مبنای طرح
- به تأخیر انداختن فعالیت تا زمان مورد نیاز
- عمل کردن در چندین سطح
- یکپارچه کردن اطلاعات از یک سطح به سطح دیگر. برای مثال: هنگام درست کردن قهوه درباره ملاقاتهای خود در آن روز فکر می کنید و متوجه می شوید که تنها اندکی از قهوه باقی مانده است در نتیجه به کارهای آن روز خود، توقف در فروشگاه قهوه فروشی برای خرید قهوه را نیز اضافه می کنید.

اعمال روزمره و تفکر انعطاف ناپذیر

به عملکرد اجرایی افراد NLD و سندرم آسپرگر، نمی توان زیاد اعتماد کرد. اگر چه انجام دادن کارهای روزانه مسئله ای است که برای اکثر افراد NLD و AS بسیار راحت و آسان است، اما آنها به شکل غیر منعطفی این کارها را انجام می دهند. بسیاری از افراد NLD و AS مشکلات قابل توجهی در تکالیف چندگانه، یکپارچه سازی اطلاعات جدید و انجام اقدامات مناسب دارند. ما اغلب در زندگی روزمره، برای تعامل موفقیت آمیز با دیگران متکی به انعطاف پذیری و خود جوشی خود هستیم و متناسب با نیاز به تثبیت موقعیت، اعمال روزمره خود را تنوع می بخشیم. در افراد AS و NLD توانایی تغییر تفکر، جهت فهم موقعیت و طرح ریزی بر طبق آن تغییر، بطور قابل توجه مختل شده است. اساساً این کودکان بر زنجیره ای از پاسخ های یاد گرفته شده تکیه می کنند، و به آسانی پاسخ ها را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم نمی دهند. به نظر می رسد، این کودکان، یک مجموعه پیوسته در حال افزایش از یادداشتهای درونی را به همه جا حمل می کنند تا به آنها کمک نماید تا جهان خود را منظم ساخته و بفهمند که چگونه پاسخ دهند. از بعضی جهات این تفکر غیر منعطف مانند این است که آنها مجبورند تا اطلاعات موجود در جهان را به یک رمز یا زبان که برای آنها قابل درک است، ترجمه نمایند، تا قادر به ارائه پاسخ های مناسب و قابل پیش بینی باشند. چنین سیستمی خیلی موثر و با کفایت نیست و همانطور که نیازهای روزمره زندگی پیچیده تر می شوند احتمال خطا و ایجاد مشکلات نیز افزایش می یابد.

ذخیره سازی اطلاعات: کَشوهای کمد

آسیب در عملکرد اجرایی کودک NLD یا AS، طرح ریزی، قضاوت و تمام جریان زندگی اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد و بر توانایی کودک جهت سازماندهی و یکپارچه سازی اطلاعات برای یادگیری اثر می گذارد. برای اینکه یادگیری اتفاق بیافتد، سه چیز باید در جای خود قرار داشته باشند: **توجه، حافظه و عملکرد اجرایی**. برای یادگیری لازم است که ایده ها و عناصر اطلاعات، به صورت طبقه بندی شده در مغز منظم شود. این مسئله تا اندازه ای شبیه به قرار دادن لباس ها در کَشوهای کمد می باشد. هنگامیکه تمام بلوزها در یک کَشو و شلوارها در کَشوی دیگری هستند، پیدا کردن چیزی که نیاز دارید آسان است. این نوع طبقه بندی، اطلاعات را در دو سطح حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت ذخیره می کند. هنگامیکه ما در حال یادگیری اطلاعات جدید هستیم، محلی که در آن حافظه و توجه همپوشانی پیدا می کنند، حافظه کاری^۱ نامیده می شود. تنها میزان معینی از اطلاعات می توانند در حافظه کاری ذخیره شوند. این ناحیه نیز نسبتاً کوتاه مدت است و اطلاعات می توانند به آسانی از دست بروند. مشکلات مربوط به طراحی و توالی (نقایص عملکرد اجرایی) باعث محدودیت سودمندی حافظه می شود، زیرا ممکن است فضای این منطقه ذخیره سازی توسط اطلاعات نامربوط اشغال شده باشد و در نتیجه توالی ها از دست بروند و اطلاعات مهم به حافظه بلند مدت انتقال نیابد.

سرعت کند پردازش

در یک دراور (کمد)، هر کَشو محتوی لوازم مشخصی می باشد که توسط صاحب آن مرتب شده است. لذا در طول فرآیند یادگیری، ممکن است طبقه بندی های مختلفی متناسب با یک مفهوم و یا یک حقیقت داشته باشیم. مؤثرترین سیستم سازماندهی مفاهیم یا حقایق سیستمی است که یادآوری آسان را ممکن می سازد و در همان لحظه، بین ایده های مرتبط ارتباط برقرار می سازد. بدون وجود چنین سیستم سازماندهی درونی (کمدی که در آن لباس ها در مکان های مناسب قرار دارد) یافتن اطلاعات بیشتر طول خواهد کشید و به راحتی باعث سردرگمی می شود. ممکن است یکی از دلایل رنج بردن کودکان NLD و آسپرگر از سرعت کند پردازش عدم وجود سیستم سازماندهی درونی باشد (در این کودکان حل مشکلات، پاسخ به دستورات یا تکمیل فعالیت ها زمان بیشتری بطول می انجامد). مشکل والدین و معلمین آنها، نیاز این کودکان به داشتن زمان بیشتر است. به نظر می رسد کودک مجبور است فعالیت ها را با سرعت کند انجام دهد. این حقیقت وجود دارد، که کودک NLD یا AS هنگامیکه نیاز است با سرعت زیاد فعالیتی را انجام

^۱ -Working memory

دهد، فشار درونی زیادی را احساس می‌کند، از این رو، قادر به یافتن اطلاعات لازم، برای دانستن آنچه باید در مرحله بعد انجام دهد نیست.

سیستم ذخیره سازی اطلاعات سازمان نیافته و نامطمئن این کودکان، باعث کاهش عملکرد حافظه آنها می‌شود و به عبارت دیگر انتقال اطلاعات به حافظه بلند مدت را ناپایدار می‌سازد. جهت روشن شدن موضوع، مثالی در رابطه با سگ گله ذکر شده است. اولین طبقه برای سازماندهی اطلاعات درباره سگ گله به این صورت است که این گونه، زیر گروه دسته <<سگ>> است. این اگرچه درست است، که سگ گله جزء دسته سگ ها است اما شیوه محدودی برای طبقه بندی یا تفکر درباره یک سگ گله می‌باشد که از دیگر سگها مثل سگهای خانگی متفاوت می‌باشد.

خلق چنین مجموعه افکار منجمد و محدود، ظرفیت این کودکان برای تفکر یکپارچه (توانایی ایجاد ارتباطات معنا دار بین عناصر اطلاعاتی) را محدود می‌سازد. این مشکل غالباً در ابتدای پایه سوم مورد توجه قرار می‌گیرد و هنگامی آغاز می‌شود که برنامه آموزشی نیازمند توانایی سازماندهی و یکپارچه کردن اطلاعات از منابع چندگانه است، و نمی‌توان اطلاعات را به صورت طوطی وار بازگو و یادآوری کرد. فعالیت‌هایی نظیر نوشتن گزارش یا یادداشت کوتاه، معمولاً مشکل کودکان NLD و AS را آشکار می‌سازد، زیرا نقایص این کودکان در عملکرد اجرایی و سایر مشکلات یادگیری آنها، کاملاً برجسته می‌شود. فرآیند طراحی، منظم کردن اطلاعات و آنچه بسیار مهم است، انجام یک پروژه از آغاز تا پایان، تکلیف تقریباً غیرممکنی برای این کودکان می‌باشد.

▪ استعاره، قیاس و شوفی

این کودکان بدون مداخله مستقیم، مشکلات قابل توجهی در درک استعاره و قیاس تجربه می‌کنند. جهت درک استعاره یا قیاس باید فهمیده شود که چگونه یک چیز نشانه چیز دیگری است (ارتباطات بین ایده‌ها). این مهارت به طور طبیعی رشد می‌یابد و در بعضی از افراد رشد یافته تر است اما معمولاً نتیجه آموزش مستقیم نمی‌باشد.

به نظر می‌رسد، کودکان NLD و AS به رشد این مهارت نایل نشده‌اند. آنها کلمات را دوست دارند و بی‌درنگ از آنها استفاده می‌کنند، با این حال، به قیاس و استعاره به سهولت نمی‌رسند. انعطاف ناپذیری شناختی که پیش‌تر ذکر شد و تمایل این کودکان به تمرکز بر روی جزء غلط، فهم این مطلب را که چرا پردازش استعاره یا قیاس ممکن است برای افراد AS یا NLD مشکل باشد را تسهیل می‌کند. فهم و شرکت در شوخی ممکن است علل مرتبطی داشته باشد. همانطوریکه که در فصل ۴ ذکر شد، اکثر کودکان و

نوجوانان NLD و آسپرگر در درک و مشارکت مناسب در شوخی با همسالانشان مشکل دارند. ناتوانی جهت همراهی با همسالان در شوخی کردن باعث می‌شود تا انزوای اجتماعی و حس عدم شایستگی در آنها افزوده شود.

تکالیف فانه و سایر رقابت ها در کلاس درس

مشکلات سازماندهی کودک NLD و AS، به وضوح بر زندگی تحصیلی آنها نقش دارد. این کودکان به ندرت سازماندهی منظم دارند و نمی‌توانند تکالیف نوشتاری خود را بطور پیوسته بنویسند. یادداشت ها و تکالیف آنها گم می‌شود و گزارشات و پروژه ها، توده های در هم و برهم و بی نظمی از اطلاعات هستند که به ندرت، بدون مداخله قابل توجه والدین و گریه های فراوان کودک تکمیل می‌شود. نقایص آنها در عملکرد اجرایی، مشکلات ماندگاری در توانایی برای خلق سیستم سازماندهی شخصی ایجاد می‌کند. همچنانکه تکالیف مدرسه با ورود به هر پایه افزایش می‌یابد، کودک NLD و AS تبدیل به نوجوانی می‌شود که شکست می‌خورد و قادر به بهره بردن از محیط آموزشی سنتی نمی‌باشد. برای این دانش‌آموزان یادداشت برداری در هنگام گوش دادن به سخنرانی (انجام چندین فعالیت بطور همزمان) تقریباً غیرممکن است. اگر آنها بخواهند در عرصه آموزش موفق شوند، باید مداخلات ویژه برای آنها در نظر گرفت. به نظر نمی‌رسد، عصبانیت و تنبیه نتایج مثبتی ایجاد کند، اما باید توجه کرد که کاستن انتظارات والدین و معلمان از این کودکان نیز راه حل مناسبی نمی‌باشد.

تمرکز بر روی جزئیات نادرست

کودکان NLD و AS تمایل دارند تا بر جزئیات خاص تمرکز کرده و آن جزئیات را در طبقات محدود و غیر منعطف سازماندهی کنند. در مثال سگ گله، کودک NLD و AS تنها ممکن است بر این حقیقت که سگ گله یک سگ است، تمرکز کند. در عین حال، اگر معلم درباره جنگ جهانی دوم و توسعه روش های جستجو و نجات (استفاده از سگ ها) داستانی بگوید، کودک NLD و AS ممکن است موضوع را بطور کامل از دست بدهد و به یاد بیاورد که داستان درباره یک سگ بوده است. تمرکز بر جزئیات نادرست مشکلات قابل توجهی در درک برای این کودکان ایجاد می‌کند، مشکلاتی که معلمان آنها را گیج می‌کند زیرا می‌بینند که کودکانی با خزانه واژگان و سطوح خواندن بالا، به نظری می‌رسد قادر به درک آنچه می‌خوانند نمی‌باشند.

تمرکز کودک NLD و AS بر جزئیات اشتباه می‌تواند توانایی درک مفاهیم ضمنی مطلب را، تحت تأثیر قرار دهد. مهارتی که اکثر ما بدون هیچ گونه آموزش مستقیم آن را کسب می‌کنیم. اگر شما بر جزئیات

نادرست یک درس و یا یک موقعیت اجتماعی تمرکز کنید، نکات دقیق و ظریف مفهوم را از دست می-دهید. همچنین، احتمال دارد که فعالیت یا پاسخی که از شما خواسته می‌شود را، درست درک نکنید. مشکلات این کودکان در درک علت و اثر و پیش بینی توالی های فعالیت‌هایشان می‌تواند، در نظر معلمان و همسن و سالانش وی را به عنوان فردی که به طور آگاهانه قوانین یا هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کند، معرفی نماید. بدون مداخلات مناسب کودک NLD یا AS هیچ راهی حتی برای توضیح مشکل خود ندارد. بار دیگر بیان می‌کنیم که این مسئله مانند صحبت کردن آنها به زبان متفاوت است.

موقعیت های جدید

مشکلات سازماندهی و تفکر غیر منعطف این کودکان، توانایی آنها برای تطابق با موقعیت های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مشکلات ممکن است نتیجه بد عملکردی لوب پیشانی (همانگونه که در فصل ۱ ذکر شد) و یا شکست در ایجاد تئوری ذهن مناسب (همانگونه که در فصل ۴ بحث شد) باشد. افراد NLD و AS مشکل قابل توجهی در فراخوانی تجربیات گذشته و یکپارچه کردن آن اطلاعات با رویدادهای جدید برای تشکیل طرح جدید از فعالیت دارند. به احتمال زیاد، آنها یک جریان عادی روزمره را که می‌دانند، مرتب تکرار می‌کنند. بدین معنا که به نظر می‌رسد یک پاسخ از پیش تعیین شده را دنبال می‌کنند. هنگامیکه پاسخ از پیش تعیین شده کارآمد نباشد و یا زمانیکه هیچ پاسخ از پیش تعیین شده‌ای برای موقعیت جدید وجود نداشته باشد، کودک یا نوجوان NLD یا آسپرگر ممکن است، تجربه ای از توقف داشته باشد. به احتمال زیاد، این رویداد زمانی رخ می‌دهد که آنها با موقعیت جدید، توان فرسا و گیج کننده مواجه می‌شوند.

■ از بین رفتن عواطف و مشکلات رفتاری

از بین رفتن عواطف غالباً منشاء مشکلات رفتاری مانند کج خلقی، سرپیچی از انجام کار یا رفتارهای اجتنابی مانند ترک اتاق، قرار دادن سر روی میز یا خسته شدن و تقاضای خوابیدن است، که این موارد در افراد NLD و AS دیده می‌شود. کودک NLD یا AS هیچ راهی برای تطابق با موقعیت جدید ندارد و جریان عادی ذهنی موجود قادر به سازماندهی آن نیست. این مشکل زمانی واضح می‌شود که به موقعیت های جدید یا گیج کننده واکنش نشان می‌دهند، و رفتار این کودکان در این مواقع نباید به عنوان مخالفت یا مقابله در نظر گرفته شود. لازم به ذکر نیست که مشکلات رفتاری آنها نباید پذیرفته و یا تشویق شود و همچنین نباید کودک NLD یا AS از موقعیت های بالقوه پیچیده یا جدید دورنگه داشته شود. در عوض، باید طرح آموزشی همراه با فرصت های فراوان برای افزایش انعطاف پذیری و افزودن به فرصت

های تجربی او ایجاد نمود. این رویکرد (که بعداً در کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت) به کودک در ایجاد پشتوانه اطلاعاتی وسیع تر کمک می کند و از احتمال توان فرسا بودن موقعیت های جدید می کاهد.

نقص پردازش اطلاعات

همانگونه که پیش تر ذکر شد، اطلاق نام ناتوانی یادگیری غیر کلامی به این گروه از کودکان، از بسیاری جهات مایه تأسف است. در قسمت های بعدی کتاب خواهیم دید که اثرات NLD و آسپرگر فی النفسه بیشتر در نتیجه نقص مرکزی در پردازش اطلاعات است تا اینکه فقط در «یادگیری» تأثیر داشته باشد. اختلال در مهارت های سازماندهی و طراحی این افراد، فراگیر است و تعامل اجتماعی و یادگیری آموزشی را تحت تأثیر قرار می دهد (پیوست «ه» را ببینید). اثرات این نقایص شامل موارد زیر است:

- مشکل در طراحی، سازماندهی و یکپارچه سازی افکار.
- مشکل در اجرا و پی گیری مشکلات در موقعیت های اجتماعی و آموزشی با کمک مهارت های حل مسئله.
- مشکلات آموزشی: تکالیف غالباً گم می شود و یا هر گز فهمیده نمی شود، کارهای مدرسه ناکامل و سازماندهی نشده هستند و به صورت توان فرسا تجربه می شوند.
- اختلال در نوشتن: به این معنا که یادداشت برداری در حین سخنرانی بسیار مشکل است و این مشکل غالباً دسترسی به دوره های پیشرفته را محدود می سازد.
- تفکر غیر منعطف، انفرادی و زمان کند پردازش، هر جنبه از عملکرد را تحت تأثیر قرار می دهد.
- تطابق ضعیف با موقعیت های جدید منجر به ضعف عملکرد اجتماعی و تحصیلی، ازبین رفتن عواطف و مشکلات رفتاری می شود.
- مشکلاتی در زمینه استعاره، قیاس و شوخی و شکست در درک مفاهیم ضمنی مطالب، باعث درک ضعیف و بیزارای اجتماعی می شود.
- مشکل در پیش بینی نتایج و درک دقیق علت و معلول، جهان را تبدیل به مکانی هولناک و غیر قابل پیش بینی می سازد.

نقص در پردازش اطلاعات نه تنها سازماندهی و یادگیری تحصیلی، بلکه مهارت های اجتماعی، زبان کاربردی و یکپارچگی حسی - حرکتی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بعبارت دیگر، زیر بنای تمامی مشکلات کودک NLD یا AS می باشد. احتمال دارد، این کودکان مشکلاتی در هر یک و یا تمامی

حوزه های ذکر شده در پیوست «ه» را داشته باشند. جهت موفقیت این کودکان، طراحی برنامه هایی ضروری است که دربرگیرنده مداخلاتی هستند که این نقایص را مورد توجه قرار می دهند.

○ فصل چهارم

«صمبت کردن با زبانی متفاوت : (رشد مهارت اجتماعی و عملکرد عاطفی و اجتماعی»

همانطور که در فصول قبل دیدیم، ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر سه حوزه اصلی عملکرد را تحت تاثیر قرار می دهد :

- ۱- مهارت های اجتماعی و رشد کاربرد شناختی زبان
 - ۲- پردازش بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی
 - ۳- پردازش اطلاعات و مهارت های سازماندهی
- در این فصل و دو فصل بعد در مورد تاثیرات NLD و AS در هریک از این حوزه ها بحث خواهد شد.

موزه هایی که سیستم در آنها صدمه می خورد

حوزه ای که غالباً کودکان ونوجوانان مبتلا به ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر را از هم سن و سالانشان جدا می سازد، حوزه عملکرد عاطفی و اجتماعی است. این کودکان در فهم سرنخ های اجتماعی ظریف و درک مکالمات اجتماعی روزمره مشکل دارند و نمی دانند که چطور با این مشکلات کنار بیایند و یا خونسرد باشند. همچنین، در درک احساس سایر افراد و انعطاف پذیری در مقابل دیگران نیز با مشکل روبرو هستند. به نظر می رسد، آنها به رشد راهبرد های تطابقی به منظور تعاملات پیچیده با گروه همسالان نائل نگشته اند. به طور خلاصه، کودک NLD یا AS به خوبی اکثر افراد در عملکرد اجتماعی مشارکت نمی کند و احتمال بروز مشکل در سه مورد زیر، بسیار است:

- ۱- شکست در استفاده از کاربرد زبان شناختی (اختلال در زبان عملی روزانه).
- ۲- شکست در فهم و استفاده از کیفیت تعاملی زبان. این کودکان زبان را برای تعامل استفاده نمی کنند بلکه به صورت تک گویی و یا برای گفتن چیزی به دیگران از آن استفاده می کنند. همچنین در فهم و ارائه سرنخ های اجتماعی مناسب از قبیل استفاده از صدا، آهنگ کلام، زبان بدن، لطفه، کنایه و یا معانی دقیق کلمات انتقال داده شده، مشکل قابل توجهی دارند.

۳- شکست در توانایی استفاده هم زمان از سطوح مختلف تعاملات اجتماعی: یعنی قادر به پی گیری تن صدا، وضعیت بدن و اشارات و حالات چهره متناسب با معنی دقیق لغات نیستند. کودکان NLD و AS معمولاً تمایل به برقراری ارتباط دارند. آنها به اعضای خانواده می چسبند و اغلب خود را وابسته به آنها می دانند. در حالیکه، هم سن و سالان آنها این کار را سرزنش می کنند. در حقیقت، اختلال در عملکرد اجتماعی- عاطفی تمامی زوایای زندگی آنها را تحت تاثیر قرار می دهد و اگر درمان نشوند، مهم ترین دلیل شکست در ایجاد زندگی معنی دار مستقل، در خارج از خانواده می باشد. به طور خلاصه، نقص در عملکرد مهارت اجتماعی از جمله مهم ترین موضوعاتی است که این کودکان با آن مواجه اند و به احتمال زیاد مشکل ترین مسئله ای است که می توانند بر آن غلبه کنند.

سفنی در رابطه با دست انداختن (مسفره کردن)

تمسخر، مهمترین نکته زندگی کودکان NLD و AS می باشد. شایع ترین دلیلی که والدین به دنبال برنامه های آموزشی جدید برای کودکانشان هستند تمسخر شدن آنها می باشد. در حالیکه، اکثر کودکان و نوجوانان NLD و AS از لحاظ جسمانی، طبیعی هستند اما، هم سن و سالانشان می دانند که این کودکان در بعضی زمینه ها با آنها متفاوتند و نسبت به این تفاوت عکس العمل نشان می دهند. این عکس العمل ها به همراه محدودیت در پاسخ های کودک NLD یا AS، اغلب باعث افزایش تعاملات نا خوشایند می گردد. مهارت های اجتماعی خیلی ضعیف این کودکان زمانی که احساس خوبی ندارند، و تمایل آنها برای استفاده از زبان به عنوان یک پوشش و راه مناسب برای حل مشکلات، باعث می شود که با سایر کودکان دیر بجوشند. هر یک از کودکانی که تا به حال با آنها کار کرده ام از مورد تمسخر قرار گرفتن شکایت داشته و آرزو داشتند که در جایی زندگی نمایند که مورد قبول واقع شده و بتوانند دوست پیدا کنند. آنها معمولاً بدلیل آنکه نمی توانند برای خارج شدن از فشار ناشی از مسخره شدن راه حلی پیدا کنند، منزوی و بیش از پیش افسرده می شوند. تلاش های اولیه آنها برای تبادل کلامی با هم سن و سالان معمولاً موفقیت آمیز نیست و باعث افزایش سردرگمی آنها می شود. سرانجام کودکان NLD و AS از محیط های اجتماعی دور شده و در حاشیه قرار می گیرند و هرگز درگیر مسائل اجتماعی نمی شوند.

یادگیری پگهنگی از عهده مسائل بر آمدن

اگر چه، سرگذشت این کودکان قلب انسان را به درد می آورد، اما این نکته حائز اهمیت است که نباید واکنش نشان دهیم و آنها را از تماس های اجتماعی که باعث ناراحتی می شود، دور کنیم. محافظت این کودکان در مقابل هم سن و سالان بی احساسشان و انتقال آنها به محیط های امن و کنترل شده کافی

نیست. باید چنین مداخلاتی وجود داشته باشد و می تواند بخش مناسبی از یک برنامه کلی باشد، اما، حفاظت از کودک از طریق دستکاری محیط کافی نیست. کودکان NLD و AS باید یاد بگیرند که از عهده کارهای خود بر آمده و حتی مهمتر از آن، اگر همواره تمایل دارند روابط دوستانه یا کاری با دیگران بر قرار کنند، باید نقش خود را در روابط اجتماعی بفهمند. آنها هرگز نمی توانند مردم را کنترل کنند بلکه فقط می توانند خودشان را کنترل نمایند و دست یافتن به این مهارت برای کودکان و نوجوانانی که اساس همه ی ارتباطاتشان بر اساس منطق و کنترل کردن می باشد دشوار است. مردم دنیا زندگی را آنطور که آنها می بینند، نمی بینند. هر چه زود تر یاد بگیرند که چگونه می توانند نقش ارتباطی خود را تغییر دهند، زودتر در محیط اطراف موفق می شوند. واضح است که ناتوانی های ویژه آنها این یادگیری را تحت تاثیر قرار می دهد. همانطور که دیدیم، این کودکان در درک پیچیدگی تعاملات اجتماعی، دوره دشواری را می گذرانند و حتی سخت تر از آن فهم چگونگی سهم شدن در مشکلات اجتماعی می باشد. تمرکز بر ایجاد تغییر در حوزه های متعدد رفتار اجتماعی و زبانی برای بهبود توانایی بر قراری تعامل کودک با سایرین و تطابق با دیگران، ضروری است.

سرگذشت اندی^۱

اندی یک دختر ۱۰ ساله است که در پایه ی چهارم درس می خواند. او در کلاس به سختی تلاش می کرد تا دوست پیدا کند اما، متوجه شد که سایر دختران صحبت می کنند، می خندند و به نظر می رسد زبان رمزگونه ای دارند که او قادر به درک آن زبان نیست. هنگامی که، او سعی می کند در مورد کتابی که خوانده است یا گربه ها یا موضوعات مورد علاقه اش صحبت کند همکلاسی ها در ابتدا به طور مودبانه برای چند دقیقه به حرفهای او گوش می دادند و سپس در مورد موضوع دیگر شروع به صحبت می کردند. اندی به امید اینکه آنها را به دانش خود علاقه مند کند، بسیار تلاش کرد تا در مورد گربه ها و یا کتابهایش، با آنها صحبت کند. اما این کار موثر نبود. اغلب، دختران از او فاصله می گرفتند و هیچ کس دوست نداشت با او بازی و یا صحبت کند. معلمین و دانش آموزان به شیوه گفتار یکنواخت اندی پی برده بودند اما هیچ کس نمی دانست در این مورد چه باید بگوید و اندی هم از گفتار آنها که تلاش می کردند مشکل را برای او توضیح دهند چیزی نمی فهمید.

^۱.Andi

شکست در استفاده از زبان

شکست کودکان NLD و AS در استفاده از زبان در موقعیت های اجتماعی مشهود است برای مثال، این موقعیت را در نظر بگیرید: خانم وانگ (معلم کلاس) از سو (یک کودک NLD کلاس چهارمی) درخواست کرده بود تا مسئول بازی وسطی در زنگ تفریح باشد. سو به دلیل آنکه موقعیت اجتماعی خود در این بازی را واقعاً درک نکرده بود، توپ را به هر کسی که از او می خواست می داد و به جای این که خودش در بازی شرکت کند و عضوی از گروه شود، احساس نگرانی می کرد و قوانین بازی برای استفاده از توپ را رعایت نمی کرد. به احتمال زیاد قادر نبود بازی با توپ را بدون کمک انجام دهد و نمی دانست که چطور با توپ بازی کند و چگونگی شرکت در بازی را بلد نبود. همان طور که، بعداً در این کتاب بحث خواهیم کرد کودکان NLD و AS در ورزش ها یا فعالیت هایی که باید از مهارت های حرکتی ظریف و درشت استفاده شود، شرکت نمی کنند، اما با راهنمایی و کمک در مرکز بازی ها به عنوان داور و یا نگهدارنده ی امتیازات می توانند حضور داشته باشند. نکته ی کلیدی کمک به آنها آموزش نحوه ی تبدیل یک نقص به یک امتیاز با ارزش است.

این کودکان چگونه از زبان استفاده می کنند

زبان ابزار بسیار راحتی برای این کودکان و نوجوانان است. آنها به توانمندی زبانی خود متکی می باشند و همیشه نقایص خود را در پس کلمات پنهان می کنند. آنها تمایل دارند که زیاد صحبت کنند اما هنگام به کار گیری زبان به چند روش مهم دچار شکست می شوند، که عبارتند از:

- آنها زبانی تولید می کنند که صحیح است، اما کاربردی نیست. این زبان اطلاعات گوناگون را انتقال می دهد اما قادر به ایجاد ارتباط بین این کودکان با دیگران نیست. آنها می توانند محتوای لغات را بفهمند اما قادر به درک جنبه های عاطفی زبان نیستند.
- آنها تاثیر عاطفی کلمات که بر روی دیگران اثر می گذارد را از دست می دهند، اگرچه، تاثیر کلمات سایر مردم بر روی خود را احساس می کنند.

- خطاب به مردم صحبت می کنند نه با آن ها. این رفتار نتیجه ی مستقیم ناتوانی آنها در تشخیص تعاملی بودن زبان و نه فقط ابزار سخنرانی بودن آن می باشد. تک گویی در مورد ابر یونی که ممکن است دایره ای و یا بیضی شکل باشد ممکن است برای معلم علوم جالب به نظر برسد اما برای سایر افراد بزرگسال کسل کننده است.

- در فهم جزئیات زبان شکست می خورند، به عبارت دیگر، بر روی تفسیر عینی گفته های دیگران تمرکز می کنند. مثال فصل های گذشته این مشکل را نشان می داد: الیور پیغام معلمش را که

(نمی‌خواهم آن را ببینم) بدین گونه معنی کرد که باید اسباب بازی را از جلوی چشم معلم بردارد، تا این که آن را کنار بگذارد و با آن بازی نکند چون این کار دقیقاً معنای تحت اللفظی و عینی همان عبارتی بود که معلمش ذکر کرده بود.

مثال دیگر در مورد دختر ۱۵ ساله ای است که گفتار مادرش را این گونه درک کرد. که او می‌توانست (هر کاری را که می‌خواهد انجام دهد)، این برداشت، یک برداشت تحت اللفظی از اجازه‌ی مادرش بود که در روز جشن تولدش به او گفته شده بود.

- در فهمیدن جوک و کنایه‌ها مشکل دارند، چون جوک‌ها اغلب بر روی تن و آهنگ کلام تکیه میکنند تا تاثیرگذار باشند. این مشکل باعث می‌شود فهم شوخی برای اکثر کودکان مقاطع راهنمایی و دبیرستان غیر ممکن گردد.

- تن، آهنگ و نوای گفتار آنها اغلب به شکل خاصی "غیر فعال" است و در فهم نکات ظریف که زبان را به عملکردی فراتر از صحبت کردن تبدیل می‌کند، مشکل دارند. در فهم اینکه، چگونگی بیان گفتار به اندازه‌ی محتوای گفتار مهم است، شکست می‌خورند. عبارت: "خانم لی، آیا دوست دارید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" را در نظر بگیرید. محلی که شما می‌توانید آهنگ را وارد این جمله کنید، باعث تغییر معنی تحت اللفظی این جمله می‌شود. در اینجا چند نمونه ذکر می‌شود که عبارتند از:

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (من نمی‌توانم باور کنم که تو این را می‌خواهی).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (تاکید روی من است، نه یک کودک دیگر).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (نه این کتاب، شما منظورتان کتاب دیگری است).

"خانم لی آیا می‌خواهید که من اکنون این کتاب را بخوانم؟" (چی؟ الان؟).

نواخت های متنوعی وجود دارد اما این نکته بدیهی است، که: گرچه هر جمله حاوی یکسری لغات یکسانی است ولی همیشه معنای ثابتی را نمی‌رساند. در حقیقت، تعدادی از این عبارات (اگر به شیوه پیشنهاد شده گفته شود) ممکن است هنگام خطاب به معلم، گستاخانه به نظر برسد. کودک آسپرگر و NLD نکات ظریف و اختلافات جزئی موجود در این جملات (مثال بالا) را نمی‌فهمد و باید این موارد را برای او توضیح دهیم.

- حافظه خوب این کودکان عامل تعیین کننده در موقعیت‌های اجتماعی می‌باشد زیرا این کودکان تمایل دارند بر روی حقایق خام تکیه کنند. هنگامیکه، در یک موقعیت پر از استرس (تقریباً تمام شرایط اجتماعی برای کودک NLD و AS اینگونه هستند) قرار بگیرند، تمایل دارند در مورد چیزهایی صحبت کنند که باعث آرام شدن آنها می‌شود. این موارد به احتمال زیاد مربوط به یک حوزه از علاقه یا دانش خاص آنها است که زمان زیادی برای یادگیری آن صرف کرده‌اند. همچنین، به جزئیات و چیزهای غیر معمول علاقه دارند. متأسفانه، این پاسخ می‌تواند موقعیت اجتماعی کودک را در میان سایرین و هم سن و سالانش بدتر کند. زیرا آنها مکالمه‌های این گونه کودکان را کسل کننده می‌دانند و علاقه‌ای به ادامه تعامل با این کودکان ندارند. برای کودکان NLD و AS خیلی سخت است که ببینند افراد شنونده علاقه‌ای به موضوعات مورد بحث آنها ندارند. ممکن است سایر هم سن و سالان این نوجوانان، نظرات بسیار تلخی در مورد این کودکان بدهند و در بعضی از مواقع نیز آنها را نادیده بگیرند. به همین دلیل، این کودکان هنگام صحبت دیگران در مورد موضوعات نامرتبط با موارد مورد علاقه‌شان، شنونده‌های خوبی نیستند. آنها معمولاً نیاز به آموزش مخصوص و مستقیم در مورد چگونگی شرکت در تعاملات اجتماعی مناسب دارند.

شکست در فهم کیفیت تعاملی زبان

تنها عامل مخربی که ناشی از AS، NLD و شرایط مشابه این دو می‌باشد، شکست در فهم و استفاده از کیفیت تعاملی زبان است. ادبیات فزاینده در مورد مفهوم تئوری ذهن (کتاب نیکولاس هامفری^۱ به نام تئوری ذهن^۲ ۱۹۸۴) همراه با تجربیات بالینی با این افراد، چنین مشخص می‌نماید که اساس عمده‌ترین مشکلات اجتماعی این کودکان ناتوانی در انطباق با دیدگاه سایرین می‌باشد. آنها در تشخیص دیدگاه سایر افراد شکست می‌خورند یا حتی قادر به درک این مسئله نیستند که مردم دیدگاه‌هایی دارند که می‌تواند رفتار آنها را تحت تأثیر قرار دهد. بدنبال آن، آنها درک نمی‌کنند که آنچه را که انجام می‌دهند بر افکار و در نتیجه بر رفتار دیگران تأثیر می‌گذارد. آنها حقیقتاً احساس دیگران در مورد خود را نمی‌دانند (بجز واضح‌ترین اشکال احساس که شامل عصبانیت و لذت می‌شود). این شکست، در اساسی ترین سطح تعاملات بشر یعنی، احساس ارتباط داشتن با یکدیگر رخ می‌دهد.

^۱ -Nicholas humphrey

^۲ -Theory of mind

مگونه روابط شکل می‌گیرند

قسمتی از توانایی ایجاد رابطه معنی دار با دیگران، براساس تجربیات مشترک است. یعنی احساس اینکه شما و دیگری تفکر مشابهی دارید و یکی هستید. این احساس وصل بودن در ابتدا از طریق تعاملات طبیعی در زندگی (بدون هیچ آموزش مستقیم) به وجود می‌آید. زبان، به شکل دهی این احساس پیوستگی اجتماعی کمک می‌کند. اما اکثر ما این احساس را مدت‌ها قبل از اینکه زبان گفتاری را یاد بگیریم، تجربه می‌کنیم. برای کودکانی با رشد طبیعی این پیوستگی اجتماعی از طریق حالات صورت و بیانات چهره‌ای و خیره شدن چشم‌ها انتقال می‌یابد. حتی کودکان کوچک که صحبت نمی‌کنند، ابتدا به اشیا نگاه و اشاره می‌کنند و بدین ترتیب، مراقبشان را به نگاه کردن به سمت آن شی، هدایت می‌کنند. این هدایت غیر کلامی شامل یک سری تعاملات پیچیده می‌باشد و ادراک کودک دارای یک فرض اساسی است مبنی بر اینکه کودک و دیگری در حال تفکر هستند و این تفکر در مورد موضوع واحدی می‌باشد. این فرآیند بسیار پیچیده و جالب است و ما به راحتی از کنار آن می‌گذریم. اما برای کودکان AS و NLD این طور نیست. این مهارت در حقیقت، چیزی است که آنها هیچگاه بر آن تسلط نمی‌یابند و در نتیجه با وجود تمامی مهارت‌های زبانی پیشرفته قادر نیستند وارد این محیط مرموز خواندن ذهن شوند. زیرا چنین ارتباط غیر کلامی برای این کودکان باید به عنوان یک توانایی فرا روانشناختی در نظر گرفته شود.

تئوری ذهن

مقاله خیلی خوب سیمون بارون کوهن^۱ تحت عنوان کور ذهنی^۲ (۱۹۹۵) به طور مفصل مفهوم تئوری ذهن را بحث می‌کند که شامل توانایی معمول بشر در "خواندن ذهن" است. البته آنچه که او توصیف می‌کند، واقعاً خواندن ذهن نیست. بلکه، توانایی اکثر افراد به منظور تفکر در مسیر مشترک است و باید بدانیم هنگامیکه ما راجع به موضوعی فکر می‌کنیم، سایرین هم ممکن است به همان موضوع فکر کنند. این توانایی خودش را زمانی نشان می‌دهد که ما مسیر گفتگو را دنبال می‌کنیم و یا نگاه خیره و یا اشاره را می‌فهمیم و فرض بر این است که، ما ایده‌های خود را در مورد معانی چیزها به اشتراک می‌گذاریم. برای مثال، ما فرض می‌کنیم که هنگامیکه، چیزی را به عنوان "قرمز" توصیف می‌کنیم، شخص دیگر همان تفکری را از رنگ قرمز در ذهنش ایجاد می‌کند که ما در ذهن داریم. در حقیقت اگر شخص دیگر کوررنگ باشد، این حقیقت درست از آب در نمی‌آید. بنابراین زمان‌هایی وجود دارد که فرضیات ما در مورد تفکر یکسان، صحیح نیستند. تئوری ذهن به ما اجازه می‌دهد که ما در ذهن خود حیطه گسترده‌ای از

^۱-Simon Baron- cohen

^۲.mindblindness

نمادهای ذهنی را ایجاد کنیم. "سگ" یک نماد ذهنی مخصوص است و "ماشین" یک نماد ذهنی متفاوت از آن می‌باشد. به علاوه، تئوری ذهن در بسیاری از موارد دربردارنده توانایی ما در ایجاد یک تئوری در مورد تفکر است و بدین معناست که ما می‌فهمیم که دیگران فکر می‌کنند و دارای اعتقاداتی هستند. این مسئله برای رمز گشایی و درک رفتارهای اجتماعی به شکل معنی دار و مفید، بسیار ضروری است. تئوری ذهن در توانایی‌های زیر عمل می‌نماید:

- وانمود کردن
- فهم یک رویا
- بکاربردن اعتقادات برای فهم احساسات
- تمایز دادن ظاهر از واقعیت (تمایز آنچه که دیده می‌شود از آنچه که واقعیت دارد)
- در خود فرورفتن (نشان دادن آگاهی از تفکرات خود)
- رشد عملکرد اجرایی (رهایی از فعالیت جاری جهت تغییر یا شکل دهی طرح‌ها یا عمل کردن به آن‌ها)

- یکپارچه کردن اطلاعات

کودکانی که این مهارت در آنها رشد نیافته است باید برای درک احساسات و عقاید دیگران مستقیماً مورد آموزش قرار گرفته و پاسخ‌های مناسب اجتماعی را یاد بگیرند. این افراد شامل کودکان NLD و تعداد زیادی از کودکان AS هستند. شکست افراد NLD و AS برای فهم کیفیت تعاملی زبان به عنوان، نقص در تئوری ذهن آنها تصور می‌شود (آنها نمی‌توانند فکر دیگران را بخوانند). تأثیرات ناتوانی آنها به طرق مختلف قابل مشاهده است. جنبه‌هایی از این تأثیرات در قسمت پایین توصیف شده است:

- وقتی با دیگران وارد مکالمه می‌شوند، حکایات و داستانهای این کودکان اغلب بی‌ربط، خارج از بافت (بی‌معنی)، سطحی یا به عبارت دیگر گیج کننده است و فقط آنچه را که مورد نظرشان است می‌دانند و درک نمی‌کنند که دیگران گفتار آنها را نمی‌فهمند.
- این کودکان تمایل دارند درحوزه‌هایی علاقه و یا تمرکز خاص داشته باشند. این علایق اغلب "هیجانان" نامیده می‌شود. کودک اغلب یک گفتار تک نفره در رابطه با موضوع خواهد داشت و احتمالاً نسبت به علاقه شونده به موضوع توجهی نمی‌کند.

- همانطور که قبلاً اشاره شد، تن صدای این کودکان یکنواخت می‌باشد و احتمالاً به این دلیل است که آنها مفهومی از علاقه شونده ندارند و نمی‌توانند گفتارشان را جالب جلوه دهند، در نتیجه، برای

کسی یا با کسی صحبت نمی‌کند، بلکه بیشتر با خودشان صحبت می‌کنند و این عقیده که یک نفر را به گفتارشان علاقه مند نگه دارند مفهوم جدیدی برای آنها است.

- این کودکان هرگز مفهوم وانمودسازی را نمی‌فهمند. هیچگاه در بازیهای تخیلی یا وانمودی همانند سایر کودکان هم سن و سال خود شرکت نمی‌کنند، بویژه زمانی که این بازیها شامل شرکت دادن دیگران به طور تخیلی در بازی می‌شود. شرکت در یک بازی دو طرفه برای این کودکان کار دشواری است، زیرا لازمه آن با هم فکر کردن است.

- کودکان AS و NLD اغلب شکست در توانایی تمایز ظاهر از واقعیت را تجربه می‌کنند. این ناتوانی باعث ایجاد سردرگمی در آنها می‌شود و در برخی مواقع منجر به گوشه گیری اجتماعی می‌گردد.

- گاهی اوقات در شناخت فردی که قبلا بارها وی را ملاقات کرده است، مشکل دارد. بویژه اگر شخص را در موقعیتی غیر از شرایط معمول دیده باشد. یک روانشناس که تصادفا روانشناس خصوصی یکی از دانش آموزان مدرسه بود، از مدرسه بازدید می‌کرد و هنگامیکه دانش آموز مذکور به سمت او می‌رفت، دکتر او را با اسم صدا زد، دانش آموز به سمت او برگشت و به او گفت " شما کی هستید؟"

- اغلب، کودکان یا نوجوانان AS یا NLD در خود فرو رفته هستند. اگر چه این کودکان توانایی زبانی برای توصیف افکار و احساسات دنیای درونشان را دارند، اما اغلب از وجود این دنیا آگاهی ندارند. با آموزش مستقیم نیز، صرفا تا حدودی از وجود این دنیای درونی آگاه می‌شوند.

- کودکان AS و NLD مشکل بسیار بارزی در فهم سرنخ‌های اجتماعی دارند. باوجود مواردی همچون ناتوانی در پذیرش دیدگاه دیگران یا تحت تاثیر قرار دادن دیگران، جای تعجب نیست که کودکان AS و NLD از نظر اجتماعی مشکل دارند. فهم معنای رفتار افراد بدون اینکه سرنخی وجود داشته باشد، کار مهمی است.

تئوری ذهن چیزهایی بیش از شکل دادن ارتباطات با دیگران را در بر می‌گیرد. این تئوری شامل فرآیندهای ذهنی پیچیده‌ای است که می‌توان آن را در بسیاری از رفتارها و مهارت‌های اجتماعی حساس، مشاهده کرد.

▪ (فتارهای تپه مشترک)

کودکان حتی قبل از رشد زبان توجه مراقبین خود را با خیره شدن جلب می‌کنند. مراقبین، نگاه کودک و کودک نیز نگاه بزرگسالان را تعقیب می‌کند (این رفتار بدان معناست که هر کدام از آنها می‌دانند که دیگری به چه چیزی نگاه می‌کند).

با افزایش مهارت‌های حرکتی، کودک از اشاره کردن به عنوان وسیله جلب توجه دیداری دیگران استفاده می‌کند. این رفتارهای مربوط به توجه مشترک آموختنی نیست، بلکه به طور طبیعی شکل می‌گیرند. در اینجا مثالی از این گونه رفتارهای توجه مشترک آورده می‌شود:

- ۱- کودک چندین بادکنک را می‌بیند و به سمت آنها اشاره می‌کند.
- ۲- مراقب کودک به جهتی که کودک اشاره می‌کند نگاه می‌کند (خواندن فکر کودک) به این معنی که نگاهش را به سمت آن شی معطوف می‌کند.

این مثال توصیف کننده یک رفتار واضح و آشکار است که شامل نشان دادن چیزهای مختلف به دیگران می‌شود، (در حقیقت، تجربه نگاه کردن به یک شی را با هم تقسیم می‌کنند). کودکانی که رفتارهای توجه مشترک مانند کنترل نگاه خیره، رفتارهای واضح و آشکار را از خود نشان نمی‌دهند، احتمالاً، مفهوم ذهنی درونی پیوستگی، بین خود و مراقبشان و شی سوم مورد علاقه در آنها رشد نیافته است. این مفهوم درونی (یا مجموعه‌ای از این مفاهیم) به شکل گیری پایه‌های شمّ زبانی که یک قسمت ضروری برای "خواندن فکر" می‌باشد، کمک می‌کند. چیزی که دکتر بارون کوهن آن را خواندن فکر دیگران می‌داند، قدرتی است که به افراد کمک می‌کند به سرعت چیزهای مختلفی را در مورد دیگران بفهمند، بدون اینکه فکر منطقی در مورد آنها انجام داده باشند. اکثر کودکان AS یا NLD مفهوم دیدن یا مشاهده کردن را درک می‌کنند، اما در شمّ زبانی آنها دانشی در مورد آنچه دیده‌اند وجود ندارد. تجربه فهمیدن یک چیز شامل حس شهودی، درونی و غیر کلامی است و اغلب تعریف آن دشوار است. کودک NLD یا AS مشکلات جدی با این مفهوم دارد.

پیش بینی فعالیت‌های دیگران

در یک موقعیت عملی، اگر شما نفهمید که سایرین در مورد چه چیزی فکر می‌کنند و در مورد شما چه فکری دارند، در این صورت قادر به پیش بینی اعمال آنها نخواهید بود و شما هیچ نظری در مورد اینکه چطور روی رفتار دیگران تاثیر بگذارید، نخواهید داشت. این ویژگی باعث می‌شود که احساس کنید دنیا غیرقابل پیش بینی و هولناک است و هر برخورد یک تجربه جدید می‌باشد و به خاطر داشته باشید که این کودکان از ناتوانی خود در تلفیق اطلاعات (یا یادگیری) در موقعیت‌های جدید رنج می‌برند. همانطور که دیدیم، این موارد ناشی از بد عملکردی مغز می‌باشد. مردم از تجربیات گذشته درس می‌گیرند و دانش اجتماعی خود را می‌سازند، اما این کودکان نمی‌توانند این کار را انجام دهند و تجربه تعاملات اجتماعی‌شان، آشفته کننده و غیرقابل پیش بینی می‌شود. این امر شبیه به این است که یک نفر به

زبانی صحبت کند که دیگران نمی‌فهمند، و به نظر می‌رسد که نمی‌توانند آن زبان را یاد بگیرند. این شیوه تجربه کردن دنیا بر اساس سیستم ساماندهی این کودکان می‌باشد که ممکن است آنها را ناسازگار و یا وسواسی نماید.

پیش بینی عواطف دیگران

مطالعات انجام شده در مورد توانایی پیش بینی عواطف دیگران در مقابل توانایی تشخیص صرف آنها، نشان می‌دهند که کودک باید علت عواطف را بفهمد تا بتواند آنها را پیش بینی کند. همچنین باید بعضی از تئوریهای مربوط به اعتقادات مردم را بداند تا بتواند عواطف آنها را درک کند. پیش بینی عواطف مهارت پیچیده‌ای است که در اکثر کودکان AS و NLD وجود ندارد. نتیجه این فقدان بسیار واضح است: بدون توانایی پیش بینی عواطف مردم، هر برخورد اجتماعی یک تجربه جدید به حساب می‌آید. تجربه‌ای که در مورد آن شما هیچ گونه انتظاری نمی‌توانید داشته باشید.

شکست در توانایی تعقیب همزمان چندین سطح از تعامل اجتماعی

اکثر افراد می‌توانند در یک زمان، محتوای مکالمه، زبان بدن و تن صدای گوینده را دنبال کنند و نسبت به آنچه گفته شده عکس‌العمل نشان دهند. در صورت فقدان هر یک از این توانایی‌ها، یک مکالمه ساده به بیراهه می‌رود. اکنون تأثیرات این فرآیند را بر روی پذیرش اجتماعی خود تصور کنید. این فقدان در مورد کودکان AS و NLD یک واقعیت است. همانطور که قبلاً دیدیم، کودک یا نوجوان AS یا NLD در درک حالات صورت و تن صدای دیگران مشکل دارد و بر تفسیر تحت اللفظی زبان گوینده تمرکز می‌کند. آنها به راحتی تفسیر تحت اللفظی را دنبال می‌کنند اما هیچوقت منظور گوینده را درک نمی‌کنند. کودکان AS و NLD نمی‌توانند نکته‌ای را که در مسیر مکالمه از دست داده‌اند، پیش بینی کنند. هنگامیکه این کودکان تحت فشار هستند، بر روی آن چیزی که می‌دانند پافشاری کرده و گفتار خود را بدون آنکه نسبت به علاقمندی شخص دیگر آگاه باشند، ادامه می‌دهند. تعاملات ممکن است از بد به سمت بدتر هم پیش رود. در تعاملات گیج و سردرگم می‌شوند، زیاد صحبت می‌کنند و توسط مردم مورد تمسخر قرار می‌گیرند یا طرد می‌شوند. سرانجام این کودکان از هر موقعیت اجتماعی کناره‌گیری کرده و مهارت-هایشان بیش از گذشته کاهش می‌یابد.

نکته آخر: بلوغ

هنگامیکه این کودکان به سن بلوغ می‌رسند و تلاش می‌کنند که با پیچیدگی ساختارهای اجتماعی دوران بلوغ کنار آیند، هیچ شانس ندارند. بعید است که نوجوان NLD یا AS بتواند خود را با دانش و تجربه تعاملات اجتماعی و خواندن ذهن آماده کند. دیدگاه‌های این نوجوانان بیشتر خود محور است و ناتوانی در پذیرش دیدگاه دیگران، باعث می‌شود که نسبت به قوانین رفتارهای اجتماعی آگاهی نداشته باشند. با این وجود، قادر به یادگیری قوانین هستند و بهتر است هر چه زودتر این کار را شروع کنند. اگرچه آنها مبتلا به NLD یا AS هستند، اما برای اینکه یک نوجوان به دوران بزرگسالی برسد باید بتواند، چه سخت باشد و یا چه آسان، همان درس‌هایی را در زندگی یاد بگیرد که هم سن و سالان وی فرا می‌گیرند. این کودکان نسبت به انتظارات دوران بزرگسالی سردرگم هستند. درس‌های اجتماعی از دروس بسیار مهمی است که باید به آنها یاد داده شود، این دروس مشکل باید جزیی از هر برنامه آموزشی باشد تا نوجوانان NLD یا آسپرگر بتواند استعدادهای ویژه خود را گسترش دهد، و در نتیجه عضو مؤثری از جامعه بزرگسالان گردد.

○ فصل ششم

« علت مشکل: مشکلات پردازش اطلاعات و سازماندهی »

هر روز صبح، دقیقاً هنگام خروج از منزل در زنجیره پیچیده‌ای از تکالیف ذهنی درگیر می‌شویم. به طور خودکار کارهای روزمره صبح را انجام می‌دهیم (آراستن خود، لباس پوشیدن متناسب با موقعیت و شرایط آب و هوایی، غذا خوردن و شاید نوشیدن چای). غالباً به سایر اعضای خانواده در تکمیل کارهای روزمره کمک می‌کنیم، لوازم خود را برای آن روز جمع کرده و فعالیت‌های حرکتی لازم برای ترک خانه را انجام می‌دهیم و سپس به محل کار می‌رویم. برخی اوقات، این روند بسیار آسانتر از زمان‌های دیگر طی می‌شود، اما بطور کلی ما قادر به انجام چندین کار هستیم.

به عبارت دیگر، چند فعالیت را با تلاش اندک و بطور همزمان انجام می‌دهیم. بعلاوه برای انجام چندین کار، مثلاً درباره اینکه چه کاری باید انجام دهیم، چه زمانی این کار را انجام دهیم، و چه کاری دارای اهمیت بیشتر یا کمتر است، تصمیماتی اتخاذ می‌کنیم. بعضی از این تصمیم‌گیری‌ها کوچک هستند (در قهوه شکر بریزیم یا نه؟) اما سایر موارد مهمتر می‌باشند (اگر من ساعت هفت و سی دقیقه از منزل خارج شوم، ممکن است دیر برسم، باید عجله کنم یا نه؟) با این وجود، روند انجام تمام این فعالیت‌های ذهنی و جسمی، هر روز مکرراً رخ می‌دهد.

عملکرد اجرایی

کارهای روزمره صبح، مثالی درباره زنجیره رفتارهایی است که کم و بیش بطور خودکار انجام می‌دهیم. در سراسر زندگی، بسیاری از این جریانات عادی روزمره را انجام می‌دهیم. این جریانات به ما اجازه می‌دهد تا به طور همزمان بیش از یک کار انجام دهیم (در حالیکه صبحانه تان را درست می‌کنید، می‌توانید در ذهن خود فعالیت‌های آن روز خود را مرور کنید و برای آنچه لازم است در آینده انجام دهید، آماده شوید). این کار یک توانایی است، اما بخشی از یک مجموعه کلی تر از مهارت‌های شناختی است که به عنوان عملکرد اجرایی شناخته شده است. عملکرد اجرایی، مجموعه‌ای از مهارت‌های تفکری سطح بالا و پیچیده‌ای است که فرآیندهای متفاوت و متعدد مغز ما را کنترل

می کند، مانند پردازش زبانی، پردازش شناختی و پردازش حرکتی. عملکرد اجرایی، تحت کنترل لوب پیشانی مغز می باشد. به بیان ساده، عملکرد اجرایی به توانایی انجام موارد زیر گفته می شود:

- تدوین طرح ها
- اقدام بر مبنای طرح
- به تأخیر انداختن فعالیت تا زمان مورد نیاز
- عمل کردن در چندین سطح
- یکپارچه کردن اطلاعات از یک سطح به سطح دیگر. برای مثال: هنگام درست کردن قهوه درباره ملاقاتهای خود در آن روز فکر می کنید و متوجه می شوید که تنها اندکی از قهوه باقی مانده است در نتیجه به کارهای آن روز خود، توقف در فروشگاه قهوه فروشی برای خرید قهوه را نیز اضافه می کنید.

اعمال روزمره و تفکر انعطاف ناپذیر

به عملکرد اجرایی افراد NLD و سندرم آسپرگر، نمی توان زیاد اعتماد کرد. اگر چه انجام دادن کارهای روزانه مسئله ای است که برای اکثر افراد NLD و AS بسیار راحت و آسان است، اما آنها به شکل غیر منعطفی این کارها را انجام می دهند. بسیاری از افراد NLD و AS مشکلات قابل توجهی در تکالیف چندگانه، یکپارچه سازی اطلاعات جدید و انجام اقدامات مناسب دارند. ما اغلب در زندگی روزمره، برای تعامل موفقیت آمیز با دیگران متکی به انعطاف پذیری و خود جوشی خود هستیم و متناسب با نیاز به تثبیت موقعیت، اعمال روزمره خود را تنوع می بخشیم. در افراد AS و NLD توانایی تغییر تفکر، جهت فهم موقعیت و طرح ریزی بر طبق آن تغییر، بطور قابل توجه مختل شده است. اساساً این کودکان بر زنجیره ای از پاسخ های یاد گرفته شده تکیه می کنند، و به آسانی پاسخ ها را از یک موقعیت به موقعیت دیگر تعمیم نمی دهند. به نظر می رسد، این کودکان، یک مجموعه پیوسته در حال افزایش از یادداشتهای درونی را به همه جا حمل می کنند تا به آنها کمک نماید تا جهان خود را منظم ساخته و بفهمند که چگونه پاسخ دهند. از بعضی جهات این تفکر غیر منعطف مانند این است که آنها مجبورند تا اطلاعات موجود در جهان را به یک رمز یا زبان که برای آنها قابل درک است، ترجمه نمایند، تا قادر به ارائه پاسخ های مناسب و قابل پیش بینی باشند. چنین سیستمی خیلی موثر و با کفایت نیست و همانطور که نیازهای روزمره زندگی پیچیده تر می شوند احتمال خطا و ایجاد مشکلات نیز افزایش می یابد.

ذخیره سازی اطلاعات: کَشوهای کمد

آسیب در عملکرد اجرایی کودک NLD یا AS، طرح ریزی، قضاوت و تمام جریان زندگی اجتماعی آنها را تحت تأثیر قرار می دهد و بر توانایی کودک جهت سازماندهی و یکپارچه سازی اطلاعات برای یادگیری اثر می گذارد. برای اینکه یادگیری اتفاق بیافتد، سه چیز باید در جای خود قرار داشته باشند: **توجه، حافظه و عملکرد اجرایی**. برای یادگیری لازم است که ایده ها و عناصر اطلاعات، به صورت طبقه بندی شده در مغز منظم شود. این مسئله تا اندازه ای شبیه به قرار دادن لباس ها در کَشوهای کمد می باشد. هنگامیکه تمام بلوزها در یک کَشو و شلوارها در کَشوی دیگری هستند، پیدا کردن چیزی که نیاز دارید آسان است. این نوع طبقه بندی، اطلاعات را در دو سطح حافظه کوتاه مدت و حافظه بلند مدت ذخیره می کند. هنگامیکه ما در حال یادگیری اطلاعات جدید هستیم، محلی که در آن حافظه و توجه همپوشانی پیدا می کنند، حافظه کاری^۱ نامیده می شود. تنها میزان معینی از اطلاعات می توانند در حافظه کاری ذخیره شوند. این ناحیه نیز نسبتاً کوتاه مدت است و اطلاعات می توانند به آسانی از دست بروند. مشکلات مربوط به طراحی و توالی (نقایص عملکرد اجرایی) باعث محدودیت سودمندی حافظه می شود، زیرا ممکن است فضای این منطقه ذخیره سازی توسط اطلاعات نامربوط اشغال شده باشد و در نتیجه توالی ها از دست بروند و اطلاعات مهم به حافظه بلند مدت انتقال نیابد.

سرعت کند پردازش

در یک دراور (کمد)، هر کَشو محتوی لوازم مشخصی می باشد که توسط صاحب آن مرتب شده است. لذا در طول فرآیند یادگیری، ممکن است طبقه بندی های مختلفی متناسب با یک مفهوم و یا یک حقیقت داشته باشیم. مؤثرترین سیستم سازماندهی مفاهیم یا حقایق سیستمی است که یادآوری آسان را ممکن می سازد و در همان لحظه، بین ایده های مرتبط ارتباط برقرار می سازد. بدون وجود چنین سیستم سازماندهی درونی (کمدی که در آن لباس ها در مکان های مناسب قرار دارد) یافتن اطلاعات بیشتر طول خواهد کشید و به راحتی باعث سردرگمی می شود. ممکن است یکی از دلایل رنج بردن کودکان NLD و آسپرگر از سرعت کند پردازش عدم وجود سیستم سازماندهی درونی باشد (در این کودکان حل مشکلات، پاسخ به دستورات یا تکمیل فعالیت ها زمان بیشتری بطول می انجامد). مشکل والدین و معلمین آنها، نیاز این کودکان به داشتن زمان بیشتر است. به نظر می رسد کودک مجبور است فعالیت ها را با سرعت کند انجام دهد. این حقیقت وجود دارد، که کودک NLD یا AS هنگامیکه نیاز است با سرعت زیاد فعالیتی را انجام

^۱ -Working memory

دهد، فشار درونی زیادی را احساس می کند، از این رو، قادر به یافتن اطلاعات لازم، برای دانستن آنچه باید در مرحله بعد انجام دهد نیست.

سیستم ذخیره سازی اطلاعات سازمان نیافته و نامطمئن این کودکان، باعث کاهش عملکرد حافظه آنها می شود و به عبارت دیگر انتقال اطلاعات به حافظه بلند مدت را ناپایدار می سازد. جهت روشن شدن موضوع، مثالی در رابطه با سگ گله ذکر شده است. اولین طبقه برای سازماندهی اطلاعات درباره سگ گله به این صورت است که این گونه، زیر گروه دسته <<سگ>> است. این اگرچه درست است، که سگ گله جزء دسته سگ ها است اما شیوه محدودی برای طبقه بندی یا تفکر درباره یک سگ گله می باشد که از دیگر سگها مثل سگهای خانگی متفاوت می باشد.

خلق چنین مجموعه افکار منجمد و محدود، ظرفیت این کودکان برای تفکر یکپارچه (توانایی ایجاد ارتباطات معنا دار بین عناصر اطلاعاتی) را محدود می سازد. این مشکل غالباً در ابتدای پایه سوم مورد توجه قرار می گیرد و هنگامی آغاز می شود که برنامه آموزشی نیازمند توانایی سازماندهی و یکپارچه کردن اطلاعات از منابع چندگانه است، و نمی توان اطلاعات را به صورت طوطی وار بازگو و یادآوری کرد. فعالیت هایی نظیر نوشتن گزارش یا یادداشت کوتاه، معمولاً مشکل کودکان NLD و AS را آشکار می سازد، زیرا نقایص این کودکان در عملکرد اجرایی و سایر مشکلات یادگیری آنها، کاملاً برجسته می شود. فرآیند طراحی، منظم کردن اطلاعات و آنچه بسیار مهم است، انجام یک پروژه از آغاز تا پایان، تکلیف تقریباً غیرممکنی برای این کودکان می باشد.

▪ استعاره، قیاس و شوفی

این کودکان بدون مداخله مستقیم، مشکلات قابل توجهی در درک استعاره و قیاس تجربه می کنند. جهت درک استعاره یا قیاس باید فهمیده شود که چگونه یک چیز نشانه چیز دیگری است (ارتباطات بین ایده ها). این مهارت به طور طبیعی رشد می یابد و در بعضی از افراد رشد یافته تر است اما معمولاً نتیجه آموزش مستقیم نمی باشد.

به نظر می رسد، کودکان NLD و AS به رشد این مهارت نایل نشده اند. آنها کلمات را دوست دارند و بی درنگ از آنها استفاده می کنند، با این حال، به قیاس و استعاره به سهولت نمی رسند. انعطاف ناپذیری شناختی که پیش تر ذکر شد و تمایل این کودکان به تمرکز بر روی جزء غلط، فهم این مطلب را که چرا پردازش استعاره یا قیاس ممکن است برای افراد AS یا NLD مشکل باشد را تسهیل می کند. فهم و شرکت در شوخی ممکن است علل مرتبطی داشته باشد. همانطوریکه که در فصل ۴ ذکر شد، اکثر کودکان و

نوجوانان NLD و آسپرگر در درک و مشارکت مناسب در شوخی با همسالانشان مشکل دارند. ناتوانی جهت همراهی با همسالان در شوخی کردن باعث می‌شود تا انزوای اجتماعی و حس عدم شایستگی در آنها افزوده شود.

تکالیف فانه و سایر رقابت‌ها در کلاس درس

مشکلات سازماندهی کودک NLD و AS، به وضوح بر زندگی تحصیلی آنها نقش دارد. این کودکان به ندرت سازماندهی منظم دارند و نمی‌توانند تکالیف نوشتاری خود را بطور پیوسته بنویسند. یادداشت‌ها و تکالیف آنها گم می‌شود و گزارشات و پروژه‌ها، توده‌های در هم و برهم و بی‌نظمی از اطلاعات هستند که به ندرت، بدون مداخله قابل توجه والدین و گریه‌های فراوان کودک تکمیل می‌شود. نقایص آنها در عملکرد اجرایی، مشکلات ماندگاری در توانایی برای خلق سیستم سازماندهی شخصی ایجاد می‌کند. همچنانکه تکالیف مدرسه با ورود به هر پایه افزایش می‌یابد، کودک NLD و AS تبدیل به نوجوانی می‌شود که شکست می‌خورد و قادر به بهره‌بردن از محیط آموزشی سنتی نمی‌باشد. برای این دانش‌آموزان یادداشت برداری در هنگام گوش دادن به سخنرانی (انجام چندین فعالیت بطور همزمان) تقریباً غیرممکن است. اگر آنها بخواهند در عرصه آموزش موفق شوند، باید مداخلات ویژه برای آنها در نظر گرفت. به نظر نمی‌رسد، عصبانیت و تنبیه نتایج مثبتی ایجاد کند، اما باید توجه کرد که کاستن انتظارات والدین و معلمان از این کودکان نیز راه حل مناسبی نمی‌باشد.

تمرکز بر روی جزئیات نادرست

کودکان NLD و AS تمایل دارند تا بر جزئیات خاص تمرکز کرده و آن جزئیات را در طبقات محدود و غیر منعطف سازماندهی کنند. در مثال سگ گله، کودک NLD و AS تنها ممکن است بر این حقیقت که سگ گله یک سگ است، تمرکز کند. در عین حال، اگر معلم درباره جنگ جهانی دوم و توسعه روش‌های جستجو و نجات (استفاده از سگ‌ها) داستانی بگوید، کودک NLD و AS ممکن است موضوع را بطور کامل از دست بدهد و به یاد بیاورد که داستان درباره یک سگ بوده است. تمرکز بر جزئیات نادرست مشکلات قابل توجهی در درک برای این کودکان ایجاد می‌کند، مشکلاتی که معلمان آنها را گیج می‌کند زیرا می‌بینند که کودکانی با خزانه واژگان و سطوح خواندن بالا، به نظری می‌رسد قادر به درک آنچه می‌خوانند نمی‌باشند.

تمرکز کودک NLD و AS بر جزئیات اشتباه می‌تواند توانایی درک مفاهیم ضمنی مطلب را، تحت تأثیر قرار دهد. مهارتی که اکثر ما بدون هیچ گونه آموزش مستقیم آن را کسب می‌کنیم. اگر شما بر جزئیات

نادرست یک درس و یا یک موقعیت اجتماعی تمرکز کنید، نکات دقیق و ظریف مفهوم را از دست می-دهید. همچنین، احتمال دارد که فعالیت یا پاسخی که از شما خواسته می‌شود را، درست درک نکنید. مشکلات این کودکان در درک علت و اثر و پیش بینی توالی های فعالیت‌هایشان می‌تواند، در نظر معلمان و همسن و سالانش وی را به عنوان فردی که به طور آگاهانه قوانین یا هنجارهای اجتماعی را نقض می‌کند، معرفی نماید. بدون مداخلات مناسب کودک NLD یا AS هیچ راهی حتی برای توضیح مشکل خود ندارد. بار دیگر بیان می‌کنیم که این مسئله مانند صحبت کردن آنها به زبان متفاوت است.

موقعیت های جدید

مشکلات سازماندهی و تفکر غیر منعطف این کودکان، توانایی آنها برای تطابق با موقعیت های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این مشکلات ممکن است نتیجه بد عملکردی لوب پیشانی (همانگونه که در فصل ۱ ذکر شد) و یا شکست در ایجاد تئوری ذهن مناسب (همانگونه که در فصل ۴ بحث شد) باشد. افراد NLD و AS مشکل قابل توجهی در فراخوانی تجربیات گذشته و یکپارچه کردن آن اطلاعات با رویدادهای جدید برای تشکیل طرح جدید از فعالیت دارند. به احتمال زیاد، آنها یک جریان عادی روزمره را که می‌دانند، مرتب تکرار می‌کنند. بدین معنا که به نظر می‌رسد یک پاسخ از پیش تعیین شده را دنبال می‌کنند. هنگامیکه پاسخ از پیش تعیین شده کارآمد نباشد و یا زمانیکه هیچ پاسخ از پیش تعیین شده‌ای برای موقعیت جدید وجود نداشته باشد، کودک یا نوجوان NLD یا آسپرگر ممکن است، تجربه ای از توقف داشته باشد. به احتمال زیاد، این رویداد زمانی رخ می‌دهد که آنها با موقعیت جدید، توان فرسا و گیج کننده مواجه می‌شوند.

■ از بین رفتن عواطف و مشکلات رفتاری

از بین رفتن عواطف غالباً منشاء مشکلات رفتاری مانند کج خلقی، سرپیچی از انجام کار یا رفتارهای اجتنابی مانند ترک اتاق، قرار دادن سر روی میز یا خسته شدن و تقاضای خوابیدن است، که این موارد در افراد NLD و AS دیده می‌شود. کودک NLD یا AS هیچ راهی برای تطابق با موقعیت جدید ندارد و جریان عادی ذهنی موجود قادر به سازماندهی آن نیست. این مشکل زمانی واضح می‌شود که به موقعیت های جدید یا گیج کننده واکنش نشان می‌دهند، و رفتار این کودکان در این مواقع نباید به عنوان مخالفت یا مقابله در نظر گرفته شود. لازم به ذکر نیست که مشکلات رفتاری آنها نباید پذیرفته و یا تشویق شود و همچنین نباید کودک NLD یا AS از موقعیت های بالقوه پیچیده یا جدید دورنگه داشته شود. در عوض، باید طرح آموزشی همراه با فرصت های فراوان برای افزایش انعطاف پذیری و افزودن به فرصت

های تجربی او ایجاد نمود. این رویکرد (که بعداً در کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت) به کودک در ایجاد پشتوانه اطلاعاتی وسیع تر کمک می کند و از احتمال توان فرسا بودن موقعیت های جدید می کاهد.

نقص پردازش اطلاعات

همانگونه که پیش تر ذکر شد، اطلاق نام ناتوانی یادگیری غیر کلامی به این گروه از کودکان، از بسیاری جهات مایه تأسف است. در قسمت های بعدی کتاب خواهیم دید که اثرات NLD و آسپرگر فی النفسه بیشتر در نتیجه نقص مرکزی در پردازش اطلاعات است تا اینکه فقط در «یادگیری» تأثیر داشته باشد. اختلال در مهارت های سازماندهی و طراحی این افراد، فراگیر است و تعامل اجتماعی و یادگیری آموزشی را تحت تأثیر قرار می دهد (پیوست «ه» را ببینید). اثرات این نقایص شامل موارد زیر است:

- مشکل در طراحی، سازماندهی و یکپارچه سازی افکار.
- مشکل در اجرا و پی گیری مشکلات در موقعیت های اجتماعی و آموزشی با کمک مهارت های حل مسئله.
- مشکلات آموزشی: تکالیف غالباً گم می شود و یا هر گز فهمیده نمی شود، کارهای مدرسه ناکامل و سازماندهی نشده هستند و به صورت توان فرسا تجربه می شوند.
- اختلال در نوشتن: به این معنا که یادداشت برداری در حین سخنرانی بسیار مشکل است و این مشکل غالباً دسترسی به دوره های پیشرفته را محدود می سازد.
- تفکر غیر منعطف، انفرادی و زمان کند پردازش، هر جنبه از عملکرد را تحت تأثیر قرار می دهد.
- تطابق ضعیف با موقعیت های جدید منجر به ضعف عملکرد اجتماعی و تحصیلی، ازبین رفتن عواطف و مشکلات رفتاری می شود.
- مشکلاتی در زمینه استعاره، قیاس و شوخی و شکست در درک مفاهیم ضمنی مطالب، باعث درک ضعیف و بیزارای اجتماعی می شود.
- مشکل در پیش بینی نتایج و درک دقیق علت و معلول، جهان را تبدیل به مکانی هولناک و غیر قابل پیش بینی می سازد.

نقص در پردازش اطلاعات نه تنها سازماندهی و یادگیری تحصیلی، بلکه مهارت های اجتماعی، زبان کاربردی و یکپارچگی حسی - حرکتی را نیز تحت تأثیر قرار می دهد. بعبارت دیگر، زیر بنای تمامی مشکلات کودک NLD یا AS می باشد. احتمال دارد، این کودکان مشکلاتی در هر یک و یا تمامی

حوزه های ذکر شده در پیوست «ه» را داشته باشند. جهت موفقیت این کودکان، طراحی برنامه هایی ضروری است که دربرگیرنده مداخلاتی هستند که این نقایص را مورد توجه قرار می دهند.

❖ بخش سوم

حالا چه کار باید کرد؟ مداخله و طراحی برنامه

«شروع»: توجه به نقایص مهارت های سازمان دهی و پردازش اطلاعات	فصل هفتم
یادگیری شیوه یادگرفتن: مدافلاتی برای تجارب یادگیری موفق	فصل هشتم
مرکت بدن: توجه به نقایص پردازش بینایی-فضایی و یکپارچگی مسی-مرکتی	فصل نهم
توانش اجتماعی: مسائلی پیرامون خود، دیگران و عزت نفس	فصل دهم
آینده چه خواهد شد؟	فصل یازدهم
منابع و طراحی برنامه	فصل دوازدهم

○ فصل هفتم

«شروع»: توجه به نقایص مهارت های سازمان دهی و پردازش اطلاعات

در فصول ابتدایی، شرح داده شد که مشکلات کودکان NLD و AS در زمینه هایی همچون: مهارت های اجتماعی، بینایی-فضایی و یکپارچگی حسی و نقایص یادگیری ویژه، همگی به درجانی ناشی از اختلال پردازش اطلاعات می باشد. احتمال دارد، هوش این کودکان بالاتر از میانگین باشد، اما راه های ورود اطلاعات به مغز، ذخیره سازی و سرانجام استفاده از آنها همگی قطع شده باشد. در این فصل، به توضیح چگونگی این ایده می پردازیم که کودکان NLD و تا حدودی سندرم آسپرگر عمدتاً دچار اختلالات پردازش اطلاعات هستند و این مطلب که چه موقع باید درباره برنامه های موثر مداخله و طراحی آن برای آنها بیاندیشیم.

بسیار مهم است، که خانواده های کودکان NLD و آسپرگر بدانند و بپذیرند که این عضو خانواده به کمک های آنها برای سالهای متمادی نیاز خواهد داشت. خانواده های این کودکان به طور پیوسته همراه با این کودکان تغییر می کنند. این تغییرات می تواند لذت زیادی در کنار ناراحتی و کار سخت، به همراه داشته باشد.

اختلال پردازش اطلاعات

سرگذشت آری در فصل ۲ نشان می داد که چطور اختلال در پردازش اطلاعات می تواند با توانایی یک کودک باهوش جهت انجام تکالیف مدرسه تداخل کند. اگرچه آری به وضوح قادر به گرفتن اطلاعات بود، اما او حتی با کمک مادرش نیز، در تهیه گزارش برای معلم ناتوان بود. ناامیدی بوجود آمده فقط منحصر به آری و مادرش نیست. کودکان NLD و AS و خانواده های آنها غالباً با رنج ناشی از احساس ناتوانی در انجام آنچه سایرین به راحتی انجام می دهند، همچون سازماندهی اجزاء جداگانه اطلاعات در یک مجموعه، پروژه، ایده یا مقاله، روبرو هستند. در حالیکه، به نظر می رسد دیگران آنها را به سهولت انجام می دهند. یادآوری تکالیف مربوط به آینده نزدیک کافی است تا والدین کودکان NLD و AS را دچار

احساس بد و یا رنج سازد. والدین تمام تکالیف کودک را انجام می دهند زیرا آنها با انجام تکالیفی که حتی ساده به نظر میرسد (اما برای وی اسرار آمیز و گیج کننده است) درگیری دارند.

مشکلات سازماندهی

حفظ سازماندهی تکالیف مدرسه، مسئولیت های خانه و فعالیت های شخصی روزمره برای این کودکان مشکل است. اکثر کودکان NLD و آسپرگر به راحتی با روشهای سازماندهی ارائه شده در کلاسهای سنتی که به طور معمول بر اطلاعات بینایی تکیه می کند سازگار نمی باشند مثل استفاده از دفترچه یادداشت همراه با فهرستی از تکالیف روزانه که از روی تخته سیاه کپی می شود. سازماندهی دفترچه یادداشت، آماده کردن تکالیف انجام شده و برگرداندن آنها به مدرسه و تکمیل نظر اولیا و یا امضای آنها در زمان مقرر را دانش آموز NLD یا آسپرگر نمی تواند بدون مداخله مستقیم بدست آورد. مشکل همانگونه که می بینیم شامل ۲ بخش است:

۱- اطلاعات با شیوه ی ناپایدار پردازش گردیده و به طرق غیر معمول و با سودمندی کم در حافظه ذخیره می شود .

۲- شیوه بازیابی اطلاعات، به شکل ضعیف ساختار یافته است و کودک باید تلاش بسیار سختی داشته باشد تا ارتباطات را ایجاد نماید. مشکل در بازیابی اطلاعات، غالباً باعث ناامیدی می گردد و کودک باید تلاش زیادی برای حفظ ادامه کار انجام دهد .

روبرو شدن با اطلاعات جدید

تمام موقعیت های اجتماعی و اکثر تجربیات تحصیلی برای کودک یا نوجوان NLD یا AS «جدید» می باشد. توانایی این کودکان جهت یادآوری تجربیات گذشته برای استفاده در موقعیت های جاری محدود است و نمی توانند اطلاعات جدید را به اندازه کافی سریع پردازش نمایند تا کمبود در زمینه یادآوری، جبران گردد. روش هایی که می تواند به طور مؤثر به والدین و معلمین کودک NLD و AS جهت برخورد با این نقص در زندگی روزمره کمک کند، در زیر آمده است .

تنظیم کارهای روزمره و تنظیم زمان بندی برنامه ها

جهت کاستن از این احساس کودک، که جهان جدید است، جریانات روزمره زندگی او باید ثابت باشد، به وضوح معین شود و تا حد امکان بر روی یخچال و یا در بعضی از مکان های در معرض دید چسبانده شود. برای کودکانی که توانایی خواندن ندارند، والدین می توانند یک برنامه تصویری تهیه کنند. این

برنامه شامل یک سری از تصاویری می باشد که کودک (یا کودک دیگر) را در حال انجام فعالیت یا نمادی از آن نشان می دهد. تصاویر می تواند به شکل نقاشی، عکس و یا بریده ای از مجلات باشد: برای مثال نقاشی صندلی به کودک یادآوری می کند که روی صندلی بنشیند. در مدرسه این مجموعه تصاویر می تواند به صورت نوار به میز تحریر کودک یا در داخل دفترچه یادداشت و یا صفحات کتاب چسبانده شود. در روش دیگر می توان برنامه تصویری را برای کل کلاس بر روی تابلو اعلانات چسباند تا در دسترس تمام دانش آموزان باشد تا برای کلاس، طبیعی و هنجار جلوه نماید (ممکن است لازم باشد تا کودک برنامه تصویری یا نوشتاری اضافی نیز به همراه داشته باشد زیرا احتمال فراموش کردن برنامه چسبانده شده وجود دارد).

برنامه زمان بندی در خانه برای موارد قابل پیش بینی و ثابت تهیه می شود. حتی اگر در بعضی از روزهای هفته تغییری وجود داشت باید برنامه ثابت و قابل پیش بینی را حفظ نمود اما این تفکر زیاد متداول نیست. فعالیت های زمان بندی شده برای این کودکان ضروری است اما زمان بندی و برنامه ریزی بیش از حد یا در گیر کردن کودک در برنامه ها یا فعالیت های سایر اعضای خانواده برای این کودکان مشکل آفرین و غالباً مختل کننده می باشد. برای مثال بردن کودک NLD یا AS به کلاس ورزشی خواهرش و سپس رفتن به فروشگاه مواد غذایی و بعد یک ساعت برای خواهرش در کلاس فوق برنامه منتظر بماند ایده خوبی نیست. این مسئله، شرایط سختی را برای خانواده هایی که مجبورند برنامه های مجزا برای هریک از بچه ها داشته باشند، ایجاد خواهد کرد و برنامه زمان بندی هم برای خانواده هایی که شیوه زندگی «بدون برنامه» را ترجیح داده و یا افرادی که مسئولیت های پرفشار دارند مناسب نمی باشد. اما بدون وجود چنین کمک ها و عدم تمایل به تنظیم فعالیت های خانواده، احتمال دارد که کودک NLD و AS دچار مشکل شود. تهیه برنامه زمان بندی روزانه در خانه ممکن است مانند بقیه کارها باشد اما این کار زمانی مطلوب است که مقاومت و سردرگمی کمتری ایجاد نموده و به عنوان یک کار روزانه مدنظر قرار نگیرد.

سرگذشت ایوان^۱

ایوان در پایه اول است و اگرچه می تواند بسیاری از کلمات را بخواند، درک وی از آنچه که می خواند قوی نیست و با خواندن دستورالعمل ها قادر به اجرای آن نمی باشد. برنامه ای که در پایین می آید توسط رفتار درمانگر جهت استفاده در مدرسه و برنامه دیگر جهت استفاده در خانه طراحی شده بود.

^۱.Ivan

برنامه ایوان بر روی دو سری از کارت‌های ۱۲ در ۲۰ سانتی متری نوشته شد. کارت‌های سفید رنگ برای استفاده در مدرسه و کارتهای زرد برای استفاده در خانه بود. برای هر فعالیت یا هر دوره زمانی که ایوان نیاز به انجام آن فعالیت داشت، یک کارت نیز وجود داشت و ایوان کارت‌ها را همیشه در پوشه‌ای همراه خود می‌برد. کارت‌ها متناسب با فعالیت‌های هر روز مرتب شده بودند و توسط یک گیره به هم متصل شده بودند. ترتیب کارت‌ها می‌توانست تغییر کند و می‌توانستند فعالیت‌ها را اضافه و یا کم نمایند و حتی امکان تهیه کارت‌های جدید، نیز برای مهیا نمودن وی جهت پذیرش تغییرات وجود داشت. جهت اضافه یا کم کردن یک کارت، معلم یا والدین ایوان تغییرات را توضیح می‌دادند و مطمئن می‌شدند که ایوان این کارت‌ها را دیده و آن را درک کرده است. این احتمال وجود داشت که ایوان در طول روز درباره این تغییر چندین بار سوال کند.

۱) ایستادن در صف

تصویر یک دانش‌آموز (شاید عکس ایوان) که به طور صحیح
مقابل درب ورودی کلاس به انتظار ایستاده است.

یک کارت نمونه از برنامه زمانی مدرسه ایوان

فهرست کارت‌هایی که برای ایوان در نظر گرفته شده بود، در زیر ارائه شده است، هر کدام از کارت‌ها مشابه نمونه ارائه شده در بالا، تصویر یا نماد تصویری و یک عبارت دارد. دستورات واضح برای زمان‌های بی‌برنامه (همچون زنگ تفریح یا ناهار) ممکن است مورد نیاز باشد. بیشتر مشکلات دانش‌آموزان NLD و آسپرگر در مواقعی است که نابسامانی اجتماعی و تعاملات غیر قابل پیش‌بینی با همسالان دارند، اما زمانی که در کلاس درس حضور دارند و تکالیف آنها مشخص می‌باشد، مشکلات کمتری دارند. این لیست کارت‌ها عبارتند از:

۱- در صف بایست

۲- کت وظرف ناهارت را در جای خود قرار بده

۳- به سمت نیمکت برو

۴- روخوانی

۵- ریاضی

۶- کتاب‌ها یت را کنار بگذار

- ۷- منتظر زنگ تفریح بمان
 - ۸- زنگ تفریح (این فعالیت ممکن است به بیش از یک کارت نیاز داشته باشد)
 - ۹- در صف بایست (کپی اولین کارت، رفتار مورد نظر یکسان است، کارت مشابهی بسازید)
 - ۱۰- زنگ موسیقی
 - ۱۱- زنگ قصه گویی
 - ۱۲- ناهار (کارت‌های بسیاری در اینجا لازم است)
 - ۱۳- در صف بایست
 - ۱۴- به سمت نیمکت برو (کپی کارت شماره ۳)
 - ۱۵- هنر یا دیکته (۲ کارت که در روزهای مجزا استفاده می‌شوند)
 - ۱۶- کتاب را در کیف بگذار
 - ۱۷- میز را بررسی کن
 - ۱۸- منتظر اجازه ی رفتن بمان
- برای خانه نیز همین مفهوم کلی وجود دارد. ایوان فهرست زیر را برای زمان بعد از مدرسه در اختیارداشت، گسترش هریک از کارت‌ها تحت نظر والدین و روانشناس خواهد بود.

۱) داخل ماشین بنشین و کمربند ایمنی خود را ببند
تصویر یک کودک و یا ایوان در حالیکه کمربند ایمنی خود را بسته است.

یک کارت نمونه از برنامه خانگی ایوان

- ۱- داخل ماشین بنشین و کمربند ایمنی را ببند (ایوان انجام این کار را دوست ندارد).
- ۲- کت و کوله پشتی ات را در اتاق بگذار.
- ۳- دستهای را بشور.
- ۴- خوراکی سبکی در آشپزخانه بخور.
- ۵- ۳۰ دقیقه تکالیف خود را انجام بده.
- ۶- زمان کار با کامپیوتر ۳۰ دقیقه می‌باشد.
- ۷- میز غذا را با خواهرت آماده کن.
- ۸- شام.

- ۹- حمام.
- ۱۰- مسواک زدن.
- ۱۱- با پدر یا مادر کتاب بخوان.
- ۱۲- چراغ‌ها را ساعت ۸/۵ خاموش کن ، اکنون زمان خواب است.

مهارت‌های لازم جهت یادگیری سازماندهی

اگر برنامه زمان بندی شده ابزاری مؤثر باشد، کودک NLD یا AS به دو دسته مهارت جهت یادگیری سازماندهی نیاز خواهد داشت، یا به عبارت دیگر، مهارت‌هایی که لازم هستند تا کودک از روش‌های سازماندهی سود ببرد. بسیار مهم است که والدین و معلمین این مهارت‌ها را از سنین اولیه و با شیوه‌های متفاوت و در نشست‌های مختلف (در خانه، مدرسه و جامعه)، به کودک آموزش دهند. کودک غالباً به تمرین نیاز خواهد داشت. این مهارت‌ها حول توانایی کلی، و به دنبال مجموعه‌ای از انتظارات هستند. این انتظارات می‌تواند شامل یک برنامه، یادستوراتی که باید از آن تبعیت شود، و یا دستورالعمل‌های کلی رفتاری و اجتماعی باشد. همه ما قوانین را اجرا می‌کنیم و انتظار داریم که اجرای قوانین را در جاهای دیگر نیز ببینیم. یادگیری اجرای این انتظارات و یا تبعیت از قوانین، مهارت‌های بارزشی هستند که تمام کودکان به آن نیاز دارند. ۲ مهارتی که کودکان باید بر آن تسلط پیدا کنند، عبارتند از:

- جستجوی برنامه زمان بندی و یا آگاهی از محل نصب آن برنامه (دستورالعمل‌ها و انتظارات). اگر چه این مهارت ممکن است ساده و بدیهی به نظر برسد، اما باید به کودک یادآوری کرد تا برای دیدن برنامه روزانه به تخته سیاه نگاه کند و باید برای آنکه بیشتر و بیشتر به دنبال برنامه بگردد، تمرین کند و این کار را باید ادامه دهد، تا زمانیکه بتواند آن را به طور خودکار انجام دهد. با افزایش سن، باید مهارت‌هایی همچون نحوه جستجو در دفتر تلفن جهت یافتن شماره تلفن آژانس اتومبیل آموزش داده شده و تمرین شود.

- از برنامه (دستورالعمل‌ها یا انتظارات) تبعیت کند. این کودکان نیاز به تمرین در زمینه پیروی از برنامه دارند. آنها نیاز دارند تا برای بازبینی مراحل که طی می‌کنند، آموزش ببینند و باید یاد بگیرند که مرحله قبل را پیش از آغاز مرحله بعدی کامل نمایند.

- شروع زود هنگام برای دانش‌آموزان NLD و اسپرگر که به این مهارت‌ها در پایه‌های تحصیلی بالاتر نیاز خواهند داشت، عاقلانه است. اگر تمرینات دیرتر آغاز گردد، عادت به پیروی از برنامه بسیار

دشوارتر خواهد شد. لازم است، جهت یادگیری پیروی از برنامه، در موقعیت‌های متفاوت مانند: خانه، مدرسه و جامعه، تکنیک‌های خاصی برای این کودکان فراهم گردد.

▪ استرس در موقعیت‌های جدید

کودکان NLD و آسپرگر، در موقعیت‌های جدید استرس را تجربه می‌کنند (موقعیت‌هایی که قادر به پیش‌بینی اتفاقات نیستند). آنها به ندرت قادر به پیش‌بینی اتفاقات در موقعیت‌هایی بجز موقعیت‌های تمرین شده خواهند بود و در نتیجه تجربه این موقعیت‌ها برای آنها پر از استرس می‌باشد. تصور نمایید، اگر همیشه تجربه تعاملات و انتظارات روزمره برای شما جدید باشد چه شرایطی بوجود خواهد آمد. یادگیری دوچرخه سواری، رانندگی یا اولین روز مدرسه جدید را به یاد می‌آورید؟ این تجربیات برای اغلب افراد که برای بار اول با آنها برخورد می‌کنند، جدید هستند. اضطراب ناشی از شرایطی که نمی‌دانستید در آینده چه کاری باید انجام دهید را به یاد می‌آورید؟ تجربه این گونه اضطراب‌ها برای کودکان NLD یا AS متداول و اکثر تجربیات برای آنها جدید می‌باشند.

شرایط کلاس درس

کلاس درس باید به طرز مرتب و منظم جهت کاهش استرس دانش‌آموزان NLD یا آسپرگر به ویژه برای کودکان کم سن و سال، سازماندهی شود. طراحی فضای کلاس باید به طور ایده‌آل متناسب با فعالیت آن کلاس مانند آزمایشگاه، کلاس بازی، روخوانی یا هنر باشد. در این نوع کلاس‌ها دانش‌آموزان سرنخ اضافه درباره کاری که باید در کلاس انجام دهند، در اختیاردارند (حتی اگر در روزهای متفاوت، نوع فعالیت تغییر نماید).

شرایط خانه

شرایط خانه نیز باید به همان ترتیب باشد. این کودکان به محل مشخص برای تکالیف درسی نیاز دارند و در آنجا می‌توان لوازم و موارد مورد نیاز را قرارداد. لازم نیست این محل اتاق مجزایی باشد، بلکه می‌تواند میز تحریر یا مجموعه‌ای از قفسه‌ها یا سبدهای مخصوص کاغذ، پوشه‌ها و کتاب‌های مدرسه باشد. باید در نزدیکی این محل یکسری محدودیت‌هایی مورد توجه قرار گیرند، برای مثال، نباید جلوی پنجره باشد زیرا می‌تواند حواس کودک را پرت کند. همچنین بزرگسالان باید به آسانی به آنجا دسترسی داشته باشند. به عبارت دیگر کودک نباید در گوشه‌ای قرار گیرد که هیچ کس او را کنترل نکند، و باید مطمئن شد که او در حال انجام تکالیف و کارهایش است.

به عنوان بزرگسال، لازم است تا برای رفتار خاصی که انتظار دارید کودک از آن تقلید کند، الگو ارائه نمایید. به اصطلاح ساده‌تر، والدین کودکان NLD و آسپرگر نیز باید زندگی خود را سازماندهی نمایند و همچنین محیط خانه و زندگی کودک را سازماندهی شده حفظ کنند. این پیشنهادات ممکن است برای بزرگسالان درگیر با کودک NLD و AS مشکل باشد ولی اگر آرزوی ایجاد تغییر اساسی در کودک را دارند، باید ساختار سازماندهی شده‌ی خوبی برای کودک الگو دهی شود و در محیط خانه نیز رعایت گردد. شاید لازم باشد تا بعضی از والدین به نزد مشاور بروند تا به آنها در رابطه با ضرورت سازماندهی کمک نماید. مشاورین خانواده که در مهارت های سازماندهی تخصص دارند می‌توانند منبع با ارزش و یاری دهنده برای والدین باشند.

سرعت کند پردازش

سرعت کند پردازش یعنی ناتوانی در یادآوری سریع اطلاعات، به منظور ارائه جواب یا پاسخ رفتاری می‌باشد. همانگونه که قبلاً بحث شد، این ناتوانی جنبه‌ای از نقص پردازش اطلاعات در این کودکان را نشان می‌دهد. کودکان NLD و آسپرگر از سرعت کند پردازش در موقعیت های متعدد مانند موقعیت های آموزشی، اجتماعی و شغلی رنج می‌برند و در سرتاسر زندگی، مجبورند که برای غلبه بر این نقص تلاش نمایند. اگر چه، مسلماً سرعت کند پردازش به دلیل مشکل مغزی می‌باشد، اما تا حدودی این مشکل را می‌توان درمان کرد. سه مداخله اصلی جهت کمک به کودک NLD یا AS عبارتند از: بحث صریح در رابط با موضوع، آموزش روش های تمرکز، و آموزش روش های سازماندهی.

۱- بحث درباره موضوع

با رسیدن به سن بلوغ، با صراحت درباره مشکلش با او صحبت کنید. این مداخله اساس و مبنای تمامی مداخلات این کتاب است. به این کودکان آگاهی لازم در زمینه درک اتفاقی که برای آنها افتاده است، ارائه نمایید. این مفهوم، بدین معنا نیست که شما کودک را با این شرایط بپذیرید و هیچ اقدامی جهت تغییر آن انجام ندهید. برعکس، کودکان NLD و آسپرگر هنگامیکه نقاط قوت و ضعف خود را می‌فهمند، توانمند می‌شوند. بحث واضح در مورد صفات برجسته و نقایص کمک می‌کند تا شما از نقاط قوت کودکان حمایت کنید و به او کمک نمایید تا ضعف هایش را کنترل کند.

۲- روش های آموزش تمرکز

دنیای درونی بسیاری از این کودکان، مانع توانمندی در زمینه تمرکز بر فعالیت در دست اجرا می گردد و این ویژگی بخشی از مشکل سرعت پردازش آنها می باشد. برای بسیاری از مداخلات مربوط به اصلاح مهارت های سازماندهی و پردازش اطلاعات، زدودن آشفتگی و به هم ریختگی فکر (همچون پاک کردن بی نظمی از دفتر یادداشت، اتاق و کامپیوتر)، ضروری است.

یادگیری حفظ تمرکز، باعث می شود تا کودک NLD یا AS موضوع سرعت کند پردازش را به عنوان مشکل پایدار و غالباً تجربه شده، مورد توجه قرار دهد. حفظ تمرکز مناسب باید تمرین شود. اولین موضوع در یادگیری تمرکز، یادگیری صرف نظر کردن یا برخورد با موقعیت های جدید است که باعث افزایش استرس می شوند. استرس منجر به تداخل درونی با درونداد کودک و بازیابی اطلاعات می شود (این مسئله تقریباً مشابه وجود سرو صدای حواس پرت کن می باشد).

سرگذشت پتونیا^۱

پتونیا ۱۵ سال دارد و بیش از یکسال است که مادرش به او آموزش داده بود که چگونه با استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی از خانه به کلاس کامپیوتر برود. همه چیز خیلی خوب پیش می رفت تا اینکه یک روز که اتوبوس تاخیر داشت بنا به دلایلی، اتوبوس بعدی را نیز از دست داد، اگر چه او با مادرش تمرین کرده بود که در این مواقع، باید چه کاری انجام دهد. مسئله از این قرار بود که، در زمان انتظار برای اتوبوس، مشاجره ای بین دو نفر اتفاق افتاد. پتونیا به خاطر سرو صدا و داد و فریاد آنها پریشان شد و از جای خود برخاست تا از آن جار و جنجال دور شود، همانطور که در حال دور شدن بود اتوبوس آمد و پتونیا خود را سر در گم و گیج در این مسئله یافت که، آیا این اتوبوسی بود که باید سوار می شد یا نه؟ هر چه بیشتر در مورد این موضوع فکر می کرد، گیج تر می شد و آنچه را که یاد گرفته بود (سوار شدن به اتوبوس و سوال کردن که آیا این اتوبوس به مقصدی که می خواهد می رود یا نه؟) فراموش کرد، انجام دهد. در نتیجه حدود ۲۰ دقیقه بی حرکت ماند تا پس از آن که آرام شد به مادرش تلفن زد و دستورالعمل لازم درباره آنچه باید انجام می داد را از وی گرفت.

اگرچه اختلال NLD او به طور مشخص بر عملکرد وی اثر گذاشته بود، اما او مهارت های زیادی داشت و سرانجام توانست با آن موقعیت برخورد نماید. مادرش نحوه ی صحیح کار را از طریق آموزش راه های مختلف حل مشکل، به او یاد داده بود: برای کسب اطلاعات سوال کن، بنشین و آرام باش، با خانه تماس

^۱ -Petonia

بگیر. این آموزش ها در طی سالها دگرگون می شود و هنوز این احتمال وجود دارد که پتونیا استرس را در موقعیت های غیر قابل انتظار در سرتاسر زندگی اش تجربه کند. بهترین روش برای او آگاهی از این مطلب است که وی می تواند از دیگران کمک بگیرد و مشکل خود را حل کند.

آگاه شدن از قبل

درگیر تعامل شدن یا تقاضا جهت برآورده شدن درخواست، حتی در محیط آشنا، می تواند یک موقعیت جدید استرس زا را ایجاد نماید. کودک باید تا حد امکان، اطلاعات جدید را در دسترس داشته باشد، بویژه اگر اطلاعات برای پاسخ فوری لازم باشد. این شیوه پیش آگاهی نامیده می شود. مثل: «از شما می خواهم تا ذهنتان را پاک کنید و نسبت به آنچه صحبت می کنم تمرکز کنید. از شما سوال می پرسم و شما باید پاسخ دهید...» اگر می خواهید تا کودک تکلیفی را انجام دهد یا با صدای بلند بخواند و یا در فعالیتی با دیگران شرکت کند، روش مناسب بدین صورت است: «ابتدا می خواهم جان، بعد بابی و بعد شما سالی از روی کتاب بخوانید. روی شانه شما ضربه می زنم تا بدانید نوبتان فرا رسیده است. به همین شیوه هر کس شروع به خواندن می کند». بیان این موضوع که اکنون چه اتفاقی رخ می دهد، برای موفقیت کودکان NLD و آسپرگر در رسیدن به انتظارات مهم می باشد. به آنها بگویید که لازم است تا آنچه را که می گوید تکرار کنند. این روش باعث افزایش توجه فوری آنها می گردد. آماده کردن کودک نه تنها باعث کاهش استرس در موقعیت های جدید می شود (موقعیت یا فعالیتی که دیگر اکنون بیشتر قابل پیش بینی است) بلکه، به کودک کمک می نماید تا ذهن خود را از هر عامل مختل کننده درونی احتمالی نیز پاک گرداند.

استفاده از نزدیکی جسمی به عنوان بخشی از فرآیند پیش آگاهی به کودک کمک می نماید (نزدیک شدن به کودک و قرار دادن دست روی شانه، البته اگر کودک تحمل تماس را داشته باشد). سایر سرنخ های جسمی نیز به کودک در حفظ تمرکز کمک می نماید: اشاره دستی، قراردادن یک شی روی میز، یک کلمه ی یادآوری کننده (این پیش آگاهی باید قبلاً بین دانش آموز و معلم مورد توافق قرار گیرد).

۳- آموزش روش های سازماندهی

برای بسیاری از والدین، سازماندهی کودکان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اکثر والدین صراحتاً اظهار می نمایند که راحت تر است تا خود کارها را انجام دهند. لذا باید در این زمینه محتاطانه برخورد نمود. در فرایند یادگیری، آموزش مهارت های سازماندهی از طریق انجام سازماندهی برای کودک جایگاه مهمی

دارد. اما این روش تنها به عنوان یک نوع الگو دهی و وسیله حمایت از کودک در کسب مهارت های جدید می باشد. تداوم سازماندهی وظایف این کودکان توسط والدین (تمیز کردن اتاق، منظم نگاه داشتن برگه ها، نوشتن تکالیف و بازیابی آنها و به طور خلاصه اجرای فعالیت هایی که نیازمند سازماندهی می باشد) می تواند مانعی برای یادگیری سازماندهی توسط خود کودکان گردد. تلاش کنید مسیر حرکت از انجام کارها برای کودک به سمت انجام کارها همراه با کودک تغییر یابد تا وی بتواند به تنهایی کارها را انجام دهد و حتی در صورت لزوم اجازه دهید تا کودک شکست بخورد. شکست خوردن (به همه) کمک می کند تا از عهده مهارت ها بر آیند و آستانه تحمل نا امیدی افزایش یابد. کودکان NLD و آسپرگر تا شروع دوره دبیرستان به استراتژی هایی نیاز دارند تا از نحوه برخورد با اختلال خود و در نتیجه مشکلات سازماندهی، آگاهی داشته باشند. مگر اینکه، والدین آنها بخواهند تا آنها را برای همیشه در خانه، همراه خود نگه داشته و نتوانند بطور مستقل عمل کنند.

سیستم های کامپیوتری و فناوری

آموزش مهارت های سازماندهی نیازمند انتظارات واضح، ساده و پایدار می باشد و واقعیت این است که این مهارت مشکل پیچیده ای است که باید در تمام جوانب زندگی کودک مورد توجه قرار گیرد. استفاده از تکنولوژی نقطه قوت است و بعداً به طور عمیق در این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت. تکنولوژی را عاملی مثبت در نظر بگیرید (زیرا استفاده از تکنولوژی به کودک کمک می کند تا ناتوانی های خود را کنترل کند). اما، به خاطر داشته باشید که اگرچه گزارش می شود، کودکان NLD و آسپرگر در زمینه ی کامپیوتر مهارت های عالی دارند، اما در حقیقت کامپیوتر شخصی اکثر این افراد همانند مغزشان بی نظم است. یادگیری خوب مهارت های سازماندهی کامپیوتر (مانند استفاده از سیستم ذخیره فایل، طبقه بندی پوشه ها و برنامه های مختلف مدیریت داده ها) می تواند راه های سازماندهی تفکر را به آنها آموزش دهد و شاید این کار را با روش دیگری یاد نگیرند. کامپیوتر، قیاس شگفت انگیزی از ذهن آنها می باشد.

سیستم های کد گذاری

سیستم های کد گذاری رنگی (استفاده از رنگ جهت نشان دادن طبقات مختلف، کارهای روزمره و یا سایر موارد نیازمند به سازماندهی) غالباً موفقیت های محدودی را در پی دارند. ممکن است، بسیاری از کودکان NLD علاقه ای به رنگ ها نداشته باشند و بنابراین، احتمال دارد که به یاد آوری آنها کمک ننماید. اما کودکان آسپرگر ممکن است نسبت به نوعی از سیستم سازماندهی که در آن از رنگ استفاده می شود،

پاسخ مناسب تری داشته باشند. برای مثال، استفاده از پوشه یا دفترهای رنگی و برگه‌های رنگی تکالیف معلم، به کودک در نگهداری مناسب آنها کمک می‌کند.

سیستم شماره گذاری، سیستم نظم دهنده ای است که از کلمات و اعداد استفاده می‌کند، و حتی استفاده از فهرستی آهنگین که باعث یادآوری می‌شود، می‌تواند کمک کننده باشد. با پیشرفت تکنولوژی، استفاده از ابزارهای قابل حمل مختلف به منظور ایجاد برنامه های زمان بندی و سازماندهی اطلاعات (بوژه دستگاهی که اطلاعات را در لپ تاپ یا کامپیوتر رومیزی وارد می‌کند) می‌تواند برای این کودکان بسیار سودمند باشند.

اهداف طولانی مدت

آموزش سازماندهی فراینده پیچیده ای است و صراحتاً باید گفت که سیستم کاملی برای کمک به این آموزش وجود ندارد. بهترین سیستم هایی که معمولاً می‌توان برای این کودکان پیشنهاد نمود، سیستم های طراحی و اجرا شده توسط بزرگسالان مطلع (مثل والدین و معلمان) می باشند، زیرا آنها مسئول کشمکش هایی هستند که این کودکان با آنها روبرو می شوند. با گذشت زمان، برنامه ها در حال پیشرفت هستند و احتمالاً الگوهای موثرتری نیز بوجود می آیند. اکثر کودکان NLD و آسپرگر سالیان متمادی نیازمند آموزش و حمایت در زمینه سازماندهی می باشند و به افراد بزرگسالی مانند پدر و مادر که همچون مدیر برای کودک عمل می کنند و یا معلم آموزش دیده و یا پشتیبان در کلاس درس نیاز خواهند داشت و این افراد بطور دائمی چنین حمایتی را برای آنها فراهم می نمایند. نباید اجازه داد تا این کودکان شکست های مکرر در سازماندهی را تجربه کنند و نباید آنها را به خاطر ناتوانی هایشان تنبیه کنیم. تربیت افراد بزرگسالی که در زندگی به دیگران وابسته هستند، هدف مداخله ای مناسبی برای این کودکان نیست.

هدف باید، توانمند نمودن افراد NLD و آسپرگر تا آخر دوره دبیرستان برای انجام تکالیف درسی و تعهدات و یا کنترل نتایج حاصل از خطا باشد. هدف کمک به آنها جهت گسترش شیوه های آموزش داده شده و استفاده از تکنولوژی برای یادآوری و کسب اطلاعات مورد نیاز این افراد می باشد.

ذخیره سازی اطلاعات (ایجاد سلسله مراتب سازمان دهی)

برای یادگیری اطلاعات، ابتدا باید اطلاعات را بفهمیم. همچنین برای استفاده در آینده، به شیوه هایی برای دریافت و ذخیره سازی اطلاعات در حافظه احتیاج داریم. در فصل پیش با استفاده از مثال مربوط به طبقه بندی مناسب لباس ها در کشورهای دراور شرح دادیم که طریقه ذخیره سازی اطلاعات تاثیر بسزایی بر چگونگی بازیابی آن اطلاعات در آینده خواهد داشت. اگر گاهی اوقات شلوارها با پیراهن ها در یک کشو

و گاهی اوقات با جورابها و گاهی اوقات به طور مجزا در کشوی مخصوص به خود قرار داده شوند، هنگام نیاز پیدا کردن آنها با مشکل روبرو خواهد شد. در مورد اطلاعات هم همین گونه است. کودکان NLD و AS برای تنظیم دقیق اطلاعات به کمک نیاز دارند، بنابراین ما باید برنامه ای طراحی کنیم که به آنها کمک می نماید، اطلاعات را در سلسله مراتب مناسب خود قرار دهند (سلسله مراتب سازماندهی شده).

درک ایده اصلی

اکثر افراد بدون اینکه متوجه باشند، نحوه ی فهم ایده اصلی تکلیف درسی و یا صحبت های معلم را یاد می گیرند. به عبارت دیگر ما طریقه فهم نکته اصلی موضوع را «کسب می کنیم». حتی احتمال دارد درباره جزئیات صحبت کنیم، اما نکته اصلی را می فهمیم. کودکان NLD و AS این گونه نیستند. آنها ایده اصلی را گم می کنند. بنابراین، مقصود درس، تکلیف مربوط به خواندن ویا درس پس دادن در کلاس را، بدون کمک دیگران به خاطر نمی آورند.

کمک به کودک برای تشخیص ایده اصلی، می تواند شروع مناسبی برای مداخلات معلم یا والدین باشد. یادگیری تشخیص ایده کلیدی و سپس به خاطر آوردن آن، به کودک کمک می نماید تا چگونگی ارتباط ایده ها با یکدیگر را یاد بگیرد، و در نهایت قادر باشد تا ارتباطات بین اطلاعات مختلف را پیدا کند. معلمین خلاق، تمریناتی را در زمینه تشخیص ایده اصلی، برای دانش آموزان ایجاد می نمایند. شرح این تمرینات در اینجا نمی گنجد، مسلماً آموزش ایده اصلی تمرین جدیدی نیست. مطلب جدید این است که دانش آموزان NLD و AS، نیاز به انجام تمرینات بیشتری در این زمینه دارند. تمرینات شامل آموزش و مرور بر روی تمام موضوعات در کل دوره دبیرستان است. والدین در منزل می توانند، با کودک بر روی درک موضوع اصلی برنامه تلویزیون و یا داستان، تمرین کنند. به کودک کمک کنید تا ایده ها را به طور ساده به خاطر سپرده و یاد بگیرد که ایده اصلی را در یک یا دو جمله خلاصه کند. بیان ایده اصلی، بازگویی مجدد داستان نمی باشد بلکه این مهارت همانند ضرب المثل توانایی دیدن جنگل و نادیده گرفتن درختان است، بعبارت دیگر به موضوع اصلی یک داستان توجه نماییم و جزئیات را نادیده بگیریم.

برای مثال، کوین^۱ در صبح روز تعطیل، کارتون مورد علاقه اش را همراه با پدرش که در تمام مدت کنار او نشسته بود، تماشا می کرد. در پایان برنامه پدرش از او پرسید «کوین فکر می کنی این کارتون در مورد چه چیزی بود؟» کوین بدون هیچ ترتیب خاصی مجدداً کارتون را تعریف کرد، و فقط صحنه های اکشن

^۱ -Kevin

و یا هر چیزی که توجه وی را جلب کرده بود تعریف کرد. پدرش که به کارتون توجه کرده بود (و چون شخصیتها برای او جدید بودند، یادداشت برداشته بود) به کوین کمک کرد تا ایده اصلی کارتون را به یاد آورد. «خوب کوین این چیزها درست هستند اما، **ایده اصلی** کارتون این بود که پسر از دستورات پیروی نکرد و گم شد و دوستانش مجبور شدند تا او را نجات دهند» توجه نمایید که پدر کوین چگونه سعی نمود به او بفهماند کارتون در چه موردی بود و تایید کرد که مشاهدات او صحیح هستند. همچنین، پدر از واژه «**ایده اصلی**» برای تقویت آن چیزی که می خواست بشنود، استفاده کرد.

مثال بالا، مورد بحث قرار گرفتن ایده های مرتبط را نشان می دهد، و از زبان به عنوان وسیله ای برای تعامل استفاده می کند و مفهوم **ایده اصلی** را از طریق سرگرمی آموزش می دهد. دقت نمایید: همانند کاری که پدر کوین انجام داد «آموزش» را در یک یا دو جمله ارائه نمایید. بحث های پیچیده و طولانی در مورد کارتون، همان گونه که نمایش او را گیج کرده، می تواند باعث گیج شدن کودک گردد. با کودکان (و همچنین خودتان) صبور باشید: این تکلیف حقیقتاً تکلیفی بسیار مشکل است.

برای آنکه واقعا در آموزش ایده اصلی به موفقیت دست یابید، زود شروع کنید و درک ایده اصلی را تقویت نمایید. بسیاری از معلمین خطاب به والدین اظهار می نمایند که آنها هم اکنون این کار را برای دانش آموزان انجام می دهند. بدون شک این صحبت معلمین کاملاً صحیح می باشد و تشویق و تقویت ارائه شده برای دانش آموزان معمولی کافی است. اما بعید است که برنامه آموزشی فعلی برای کودکان NLD یا AS کافی باشد و نیاز به تمرکز و تمرین بیشتری خواهد داشت.

فهم استعاره، قیاس و معنای ضمنی مطلب

کودکان NLD و AS متفکرانی عینی هستند؛ آنها چیزها را همان طوری که هستند، می فهمند. برای آنها، کلمات فقط و فقط یک معنی دارند. به طور مشخص، این نوع از الگوی تفکر نمی تواند مفهوم اصلی واژه را منعکس نماید، (به ویژه در زبانی مانند انگلیسی که کلمات و عبارات معمولاً بیش از یک معنی دارند). برای مثال، در حین انجام بازی هایی که کودکان با کارت انجام می دهند، عبارت «کارت را بگیر» بر اساس بافت جمله، معانی متفاوتی دارد. اگر شما در شرایطی قرار داشتید که در آنجا نیاز باشد تا کارت را به کسی بدهید، شما کارت را در دستتان نگه می دارید و جلو می آورید. اما اگر در حال بازی با کارت هستید، این عبارت به معنی اضافه کردن کارتی به کارتهای قبلی در دستتان خواهد بود.

احتمالاً استفاده از معانی دوگانه زبان از زمانی که بشر قادر به سخن گفتن بوده منبع شوخی بوده است. کودکان NLD و AS در درک چنین شکل هایی از شوخی مشکل دارند. این مشکل به دلیل بودن

آنها نیست (اغلب این احساس را نسبت به خود دارند)، بلکه ماهیت شوخی را به سادگی درک نمی کنند. توانایی «فهم معانی ضمنی» نیز این گونه است. این کودکان معانی ضمنی و ظریف را درک نمی کنند و این مشکل می تواند منجر به شرمندگی در اجتماع گردد.

تکیه بر تفکر عینی و تفسیر تحت الفظی زبان، درک آنها از قیاس و استعاره را تحت تأثیر قرار می دهد. قیاس (نشان دادن شباهت و یا مقایسه بین چیزهای مختلف) اغلب در متون و حتی در زبان روزمره استفاده می شود. معلمین از قیاس در تمام موقعیت های تدریس استفاده می کنند. برای مثال، مقایسه ساختارهای درونی یک سلول با ماشینی که به سلول قدرت می دهد. نفهمیدن قیاس باعث آشفتگی می گردد و این آشفتگی احتمالاً یادگیری را تحت تأثیر قرار می دهد.

در درک استعاره نیز مشکلات مشابهی وجود دارد. استعاره، استفاده از زبان جهت توصیف یک ایده با استفاده از ایده ی دیگر است. توصیف سیستم سازمانی مغز به عنوان یک دراور با کشوهای برای ذخیره سازی اطلاعات، یک استعاره است. خیلی از کودکان NLD یا AS این تشبیه را بدون توضیح، درک نخواهند کرد. لازم است به آنها توضیح داده شود که دراور کشودار فقط مثالی است برای تفکر در مورد مغز و عملکرد مغز را با استفاده از کلمات قابل فهم برای آنها به تصویر می کشد (ذخیره سازی اطلاعات مانند نگهداری لباس هاست).

در طول تاریخ، والدین ایده های اخلاقی را با استفاده از افسانه ها و تمثیل ها آموزش داده اند و ایده ها را از طریق استعاره انتقال داده اند. برای مثال، در داستان هایی که از حیوانات استفاده می شود، درس های اخلاقی مفید با استفاده از استعاره ها آموخته می شود. ممکن است، کودک NLD یا AS موضوع اصلی داستان را از دست بدهد؛ مثلاً ممکن است در داستان بر روی درخت تمرکز شود نه روی جنگل (این جمله مثال دیگری از کاربرد استعاره است).

کودکی که نمی تواند بر مفهوم استعاره و قیاس تسلط پیدا کند احساس طردشدگی خواهد داشت و خود را عضوی از گروهی که این نوع از کاربردهای زبان را می فهمند، نمی داند. لذا آموزش مستقیم مفهوم قیاس یا استعاره، چگونگی تشخیص آنها، و احتمال اینکه در چه زمانی ممکن است رخ دهد و چطور آنها را بفهمیم، برای این کودکان مهم است. استفاده از استعاره و قیاس ممکن است برای افراد NLD یا AS هرگز به طور طبیعی رخ ندهد. این استفاده ضروری نیست و علت نیاز به استفاده از استعاره و قیاس این است، که این کودکان یادگیرند تا با امیدواری این شکل از ارتباط را درک نمایند و تشخیص دهند، کشف کنند و حتی در متون و در کلاس و در گفتگو از آن آگاه باشند.

جزئیات گمراه کننده است

تمرکز بر روی جزئیات در یادگیری مهم است. جزئیات در تمام علوم، به معانی و مفاهیم رنگ و چاشنی اضافه می نماید و به بسیاری از ما کمک می کند تا اطلاعات را به خاطر آوریم. متأسفانه، کودکان NLD یا AS بر روی جزئیاتی تمرکز می نمایند که نه تنها برای یک مفهوم مرکزیت ندارد، بلکه اطلاعات غیر معمول و بی ربطی هستند. ناتوانی در پیدا کردن ایده اصلی و تمایل به تمرکز بر روی جزئیات غلط باعث افزایش مشکلات این کودکان در پیدا کردن معنی ضمنی می شود. به طور مشخص، این مشکل به نقص پردازش اطلاعات کلی این کودکان وابسته است. کودکی که به داستان شئل قرمزی کوچولو گوش می دهد و نمی فهمد که گرگ جای مادر بزرگ را گرفته و سعی دارد شئل قرمزی را گول بزند (و بخورد)، ایده اصلی را گم کرده است. کودک ممکن است بر روی ناهاری که شئل قرمزی با خود می برد، تمرکز کرده باشد و شروع به فکر کردن در مورد اینکه ناهار آنها چیست، و او برای ناهار چه چیزی دوست دارد، نماید. این تصورات رشته افکار کودک را از داستان دور می کند و در مسیری متفاوت از اکثر همکلاسی هایش قرار می دهد.

تمرکز بر روی جزئیات غلط به طرق مختلف بر روی این کودکان اثر می گذارد. این افراد نه تنها جزئیات مربوط به فهم تکلیف درسی را گم می کنند، بلکه اغلب در پیروی از دستورات برگه تمرین، نیز دچار اشتباه می شوند. هنگامی که معلم در کلاس متنی را می خواند و دانش آموزان آن متن را دنبال می کنند، کودک NLD یا AS ممکن است صفحه‌ی اشتباهی را باز نموده باشد، و اگرچه وی از مشکل و اشتباه خود آگاهی ندارد، اما احساس آشفتگی می کند زیرا نمی فهمد که چه اتفاقی افتاده است.

طراحی مدافلات سازماندهی

در تمام شرایط (برگه های تمرین و آزمونها، دستورات کلامی در خانه، مدرسه یا جاهای دیگر) بهترین مداخلات، به دنبال این رهنمودها هستند:

- دستورات ساده و روشن باشد.
- هر قدر ارائه دستورات در یک زمان کمتر باشد، بهتر است.

برای مثال، یک یا دو دستور بدهید، منتظر بمانید آنها انجام شوند، سپس یک یا دو دستور دیگر بدهید. این مفاهیم را در تمام برخوردها با این کودکان مراعات کنید. مشکلات سرعت پردازش آنها را در نظر بگیرید و هرگز تصور نکنید آنها منظور شما را می دانند. گفتن این جمله به کودک NLD یا AS که: «من دیگر نمی خواهم ببینم تو در کلاس شکلات می خوری» ممکن است فقط هنگامی که شما به او نگاه نمی کنید،

اجرا شود. فهم تحت الفظی یا عینی کودک از گفته شما می تواند منجر به این احساس شود که تأکید شما بر روی مکان خوردن است و نمی خواهید که خوردن او را ببینید. شکلات خوردن کودک در زمانی که شما به او نگاه نمی کنید به معنای دست انداختن شما، نیست.

ممکن است فرض شما مبنی بر اینکه کودک می داند که چگونه تمرینی را انجام دهد، با توانایی وی برای دنبال کردن دستورات درتداخل باشد. به عنوان مثال، یک دانش آموز AS وظیفه خالی کردن سطل های آشغال کلاس و خالی کردن زباله ها در سطل بزرگ پشت مدرسه را به عهده داشت. فرض معلم مبنی بر اینکه او می داند چطور این کار را انجام دهد، نادرست بود. او می توانست زباله ها را خالی کند، (زیرا این کار را در خانه انجام می داد). اما در مدرسه، (دقیقاً همان گونه که در خانه انجام می داد) هر بار یک کیسه بر می داشت و تمام مسیر پشت مدرسه را به سمت سطل بزرگ طی می کرد. این کار منجر به ۱۰ بار رفت و آمد به سمت سطل می شد، و زمان انجام کار خیلی بیشتر از آنچه معلم در نظر گرفته بود، طول کشید. او همیشه دیر به سرویس می رسید تا اینکه معلم به مشکل وی پی برد و به او آموزش داد که تمام زباله های کلاس را در یک کیسه بزرگ خالی کند و سپس آن کیسه را در سطل بیاندازد، و بدین طریق توانست مشکل را حل کند.

مدیریت استرس و آموزش مؤثر

برای اینکه یادگیری اتفاق بیفتد، نه تنها آموزش باید مؤثر باشد، بلکه دانش آموزان نیز باید استرس خود را کنترل نمایند. اگر کودک غرق در استرس باشد، ایده ها و پیشنهاد هایی که جهت مداخله در این کتاب آورده شده است، مزایای کمی در پی خواهند داشت. همان طور که در این فصل بحث کردیم، کنترل استرس به سطوح متعددی از مداخلات در خانه و مدرسه نیاز دارد. مهم نیست که NLD و AS چه اثرات ویژه ای بر روی این افراد دارد. مهم این است که آنها تقریباً به طور مداوم مجبورند با برخی از جنبه های اختلال خود درگیر باشند. دستیابی به موفقیت های اندک در کنترل استرس، مدیریت زمان، برنامه ریزی مناسب، انجام دادن فعالیت مؤثر و سایر جنبه های عملکرد اجرایی، ممکن است تجربیات والدین طی سالهای متمادی باشد. لذا مسئول نگه داشتن این کودکان، برای انجام کار و وظایفشان مهم است. تفاوت میان بچه نگه داشتن کودک، از طریق انجام دادن تمامی کارهای وی، و آشفته گی کودک به واسطه ی عدم حمایت از او، مسئله ظریفی است. اما لازم است که والدین این مسئله را درک نمایند و اعتقاد داشته باشند که افراط و تفریط در هر سنی در جهت حمایت از کودک، مانع گسترش استعداد حقیقی کودک نخواهد شد.

○ فصل هشتم

« یادگیری یادگرفتن: مداخلاتی برای تجارب یادگیری موفق »

رشد و نحوه استفاده از مهارت های سازماندهی یکی از فرایندهای شناختی است و قسمتی از عملکرد اجرایی می باشد. همانطور که در فصل یک صحبت شد، عملکرد اجرایی، توانایی انسان جهت برنامه ریزی، پیش بینی، سازماندهی و استفاده از اطلاعات است. این مهارت ها تحت کنترل لوب فرونتال هستند و این لوب بر تفکر، قضاوت، یادگیری و مهارت های اجتماعی ما نظارت دارد. افرادی که عملکرد اجرایی بسیار رشد یافته دارند، در برنامه ریزی و سازماندهی، خوب عمل می نمایند. این افراد سرخ های اجتماعی را می فهمند و به سادگی با شرایط جدید سازگار می شوند. آنها در زندگی انعطاف پذیری و قابلیت تطابق از خود نشان می دهند. در مورد افراد NLD یا آسپرگر عکس این ویژگی مصداق دارد: یعنی این کودکان تفکر انعطاف ناپذیر دارند و معمولاً بر کارهای روزمره تکیه داشته و در آن می مانند. برای افرادی با این اختلالات، یادگیری مهارت انعطاف پذیری مشکل است. تاکنون برنامه از پیش آماده شده مشخصی برای موقعیت های مختلف در طول روز، جهت افزایش انعطاف پذیری این کودکان طراحی نشده است. بهترین کاری که ما می توانیم انجام دهیم مشارکت در راهنمایی های مشخص برای طراحی برنامه ها است.

استفاده از فعالیت های از پیش طراحی شده

باید شرایط قرار گیری کودک در معرض فعالیت ها و تجربیات متفاوت و فزاینده، به گونه ای طراحی شود تا کودک را آشفته نسازد. اما باید توجه داشت که فعالیت های طراحی شده به معنی کنترل محیط کودک نیست بلکه باید تا اندازه ای باشد که مانع کسب تجربه وی در زندگی و عدم تمرین در زمینه انعطاف پذیری نشود. برای برخی از کودکان، فعالیت های بیرون از خانه را به دقت انتخاب کنید، شروع مناسب برای این کودکان رفتن به باشگاه، اردو و یا فعالیت های کلاسی یک بار در هفته می باشد. این فعالیت ها ممکن است، متفاوت از فعالیت های عادی کودک در مدرسه باشند؛ برای مثال، اسب سواری که طی آن کودک با حیوان سروکار دارد و شامل مجموعه ای از انتظارات و محرکات جدید و مناسب است. گرچه حیوانات برای کودک غیر قابل پیش بینی هستند اما معمولاً از مجموعه مشخصی از «قوانین

رفتاری» که خاص گونه آنها می باشد، پیروی می کنند. در این تمرین کودک NLD یا آسپرگر می تواند تعاملی با اسب ایجاد کند که برای یادگیری قوانین جدید مفید است. این فعالیت نه تنها احساس روزمرگی را از این کودکان میگیرد، بلکه منجر به افزایش توانایی آنها برای سازگار شدن می شود. (پیوست «د» را برای سایر ایده های مربوط به فعالیت ها نگاه کنید)

برنامه ریزی برای انتظارات اجتماعی فزاینده

با افزایش سن کودک، انتظار از آنها افزایش می یابد، و لذا این کودکان به آموزش بیشتری در مورد چگونگی کنترل شرایط زندگی خود، نیاز دارند. فشارهای اجتماعی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان بیشتر از فشارهای مربوط به دوران ابتدایی است و فعالیت با همسالان که همزمان با دوران دبیرستان شروع می شود مهارت های اجتماعی پیچیده تری را می طلبد. آموزش این مهارت های اجتماعی به تفکر و برنامه ریزی دقیق نیاز دارد، و بنابراین مهم است همراه با بزرگتر شدن کودک، نگذاریم منزوی شود. فعالیت در باشگاه ها که محرک علایق ویژه کودک می باشد راه مناسبی برای قرار دادن کودک در شرایط اجتماعی، بدون محدودیت زمانی است. فعالیت ورزشی که کودک نمی تواند انجام دهد و یا باشگاهی که زمان استراحت زیادی دارد، انتخاب خوبی برای اجتماعی کردن کودک نیست زیرا احتمال دارد که این فعالیت ها موفقیت های زیادی در پی نداشته باشد.

ارائه زمان کافی

کودکان NLD و آسپرگر آنقدر باهوش هستند تا در بسیاری از مواقع بدانند چه برنامه ای مناسب است. آنها فقط قادر به اجرای سریع برنامه نیستند و معمولاً شرایط به آنها زمان کافی نمی دهد. در چنین مواردی مهم است تا به کودک استراتژی هایی مانند حفظ آرامش، درخواست کمک و یا بیان مشکل، آموزش داده شود تا از عهده مشکلات خود برآید. مثلاً بگویند، "من در صحبت کردن خیلی سریع نیستم، به من اندکی وقت بدهید، تا پاسخ شما را بگویم". بسیاری از کودکان و نوجوانان NLD و AS از طریق **روش های طفره رفتن**^۱ که مخصوص آنها است در موقعیت های پراسترس، از عهده مشکلات بر می آیند. معمولاً تعداد اندکی از این راهکار های طفره رفتن در مدت زمان طولانی کاربردی می باشد.

^۱. ways of stalling

سرگذشت برایان^۱

برایان به طور قابل توجه در تفکر مستقل، مشکل دارد و اغلب در حال توضیح این مطلب می باشد که در حال انجام چه کاری است. علت این ویژگی به این دلیل است که او ۱۶ سال دارد و بواسطه NLD جهان بینی وی خود محور می باشد. او هرکاری که فکر می کند درست است را انجام می دهد (بدون تفکر در مورد تمام جنبه های آن فعالیت). یک روز صبح بعد از وارد شدن به مدرسه، متوجه شد که هیچ مدادی همراه خود نیاورده است. برای اینکه دانش آموزان در تمام درس های مربوط به آن روز نمره خوب بگیرند، لازم است وسایل مورد نیاز برای انجام تکالیف را از قبل تدارک ببینند. برایان نیازهایش را می دانست و فکر کرد به کلاس برود و اطراف میز معلم را خوب جستجو کند تا مدادی پیدا کند و آن را قرض بگیرد. زمانی که معلم متوجه شد که وی در حال جستجو در اطراف میزاست با او به ملایمت برخورد کرد. او لکنت کرد و از حرکت ایستاد «خوب... آه... آه... من... آه، آه...» و پاسخی نداد. همان طور که برای صحبت کردن تلاش و تقلا می کرد، فضا پر از پیچ پیچ های نا مفهوم شد، سرانجام معلم عصبانی شد. او ابداً برای توضیح کار خود دستپاچه نبود. او می خواست توضیح بدهد که در حال انجام چه کاری بوده است (گرچه این کار، راه حل ضعیفی برای حل مشکل وی بود) اما او به روش طفره رفتن قدیمی که قبلاً در زندگی یاد گرفته بود، تکیه کرد. این روش به ندرت برای او کاربرد داشت. زمانی که از پاسخ دادن به یک سوال اجتناب می کرد، دیگران پاسخ را برای او تکمیل کرده، و یا با عصبانیت برخورد می کردند. در مثال بالا، اگر برایان نفس عمیقی می کشید، ممکن بود بتواند بر روی قانون ساده ای تمرکز کند: فقط سوال را پاسخ بده، و در یک زمان فقط با یک فکر برخورد کن. ممکن است او قادر به توضیح افکارش با صحبت کردن باشد، گرچه، توضیح وی ممکن است ناقص باشد اما احساس خواهد کرد که موضوع تا حدی روشن شده است.

▪ پیش بینی نتایج

تمرین «بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟» اغلب قسمتی از یک برنامه زبانی کاربرد شناختی خوب با گفتار درمان است. این روش شامل نگاه کردن به یک صحنه نمایش و یا خواندن یک مطلب بدون پایان می باشد و باید پیش بینی نمود که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد. کودک و یا اعضای گروه، موارد احتمالی را مورد بحث قرار می دهند و در مورد احتمال رفتاری که اتفاق خواهد افتاد، حدس می زنند. پیش بینی نتایج مهارت بسیار با ارزش از لحاظ سازماندهی، آموزشی و اجتماعی است. این مهارت به تسهیل

^۱ - Brian

سازماندهی، برنامه ریزی و رشد مجموعه ای از رفتارها کمک می کند. بدون این توانایی کودکان احساس ضعف در عملکرد کلی می کنند و نمی توانند به حوادث غیر قابل پیش بینی واکنش خوبی نشان دهند، و حتی چیزی از این تجارب را یاد نمی گیرند، زیرا اضطراب آنها مانع یادگیری و ابقاء در حافظه می گردد.

استراتژی های تطابقی جدید

این کودکان بر قوانین انعطاف ناپذیر تکیه می کنند و روزمرگی، در حقیقت یک استراتژی تطابقی است. زندگی معمولاً غیر قابل پیش بینی و گیج کننده است و کارهای روزمره و قوانین باعث می شود تا کودک احساس امنیت کند. برای بسیاری از کودکان NLD و AS، کارهای روزمره به وسواس و اجبار تبدیل می شود. همانطور که در فصل ۳ بحث کردیم، لازم است تا کودک به درمان انفرادی یا گروهی در زمینه اختلال وسواس - اجباری ارجاع داده شود. این درمان می تواند جزء مهم در برنامه کلی کودک NLD یا AS باشد. اما حذف این نوع روش های اجرایی بدون کمک به کودک جهت گسترش روش های مؤثرتر، احتمالاً باعث ایجاد استرس زیاد می شود، و کودک در مقابل استرس درمانده گشته و در پی آن احساس گیجی می کند. باید با کودک برای ایجاد استراتژی های اجرایی سالم و مؤثر تمرین کنیم.

■ حفظ توجه و تمرکز

تقریباً هر نمایی از کودک NLD یا آسپرگر مشکلاتی را نشان می دهد که با یکدیگرهمپوشانی دارد و در نتیجه به مداخلات همپوشانی شده نیز نیاز می باشد. سرعت پردازش تحت تأثیر توجه و تمرکز قرار می گیرد، و توجه و تمرکز با سرعت کم پردازش این کودکان محدود می شود، در نتیجه مغز پردازش اطلاعات را کندتر و یا با تأثیر کمتری انجام می دهد. این کودکان اغلب توجه شان را از دست داده، آشفته می شوند و از تمرین فرار می کنند. از برخی جهات این مشکل شبیه مسئله مرغ و تخم مرغ است؛ مشکل سرعت پردازش سبب ایجاد مشکلات توجه است یا مشکلات توجه سبب پردازش کند است؟ مشکل توجه، تمرکز و سرعت پردازش به ترتیب مهارت کلی سازماندهی کودک را تحت تأثیر قرار می دهد.

به هر دلیل، حفظ توجه برای این کودکان مشکل است و به مداخله مستقیم نیاز دارند. گرچه ممکن است درمان دارویی برای مشکلات توجه پیشنهاد گردد، اما یادآوری می کنیم که تمام کودکان NLD و آسپرگر دارای مشکلات توجه، الزاماً به AD/HD (اختلال نقص توجه) مبتلا نیستند. ممکن است مداخلاتی فراتر از درمان دارویی مورد نیاز باشد تا این مسائل را مورد توجه قرار دهند این مداخلات شامل موارد زیر است:

- عوامل آشفته کننده و حواس پرت کن را از میان بردارید. به عنوان قانون کلی برای کودکان NLD و آسپرگر هر چه کمتر، بهتر (کاغذ کمتر، دستورات کمتر، آشفتگی بینایی کمتر، سروصدای کمتر). اجبار به از بین بردن آشفتگی نتیجه نیاز این کودکان به فضای کار تمیز و مرتب می باشد. فضای کار باید فضای خاصی باشد که از محرک دیداری و شنیداری مانند پلی استیشن یا تلویزیون دور باشد. کلاس هایی با تصاویر و دکوراسیون شلوغ و مملو از محرکات بینایی گزینه مناسبی برای این دانش آموزان نیستند. فضای کار در خانه نیز باید همین ویژگی ها را داشته باشد.

- برای کمک به کودک جهت تمرکز در حین کار، هدفون همراه با موسیقی تهیه کنید. استفاده از پخش صوت استریو قابل حمل و یا کامپیوتر با هدفون برای کودکان NLD و AS در زمان انجام کار مفید است و احتمالاً کمتر با تیک تاک ساعت یا آدامس جویدن دانش آموز دیگر و یا ضربه زدن آهسته با مداد توسط دیگران آشفته می شوند و بر روی کار خود متمرکز باقی می ماند.

- کودکان NLD و آسپرگر را در جلوی کلاس بنشانید. این روش، مانع پرت شدن حواس این کودکان با حوادث کلاس و یا سایر دانش آموزان می شود.

- به آنها اجازه حرکت دهید. احتمالاً کودکان NLD و آسپرگر نیاز دارند برای بلند شدن از جایشان به طور متناوب اجازه بگیرند. گاهی اوقات اجازه حرکت به حفظ توجه آنها کمک می کند.

همان طور که می بینید، ضرورتاً کلاس باید با نیازهای این کودکان تطبیق داشته باشد. پیوست «ج» را برای دانستن ویژگی های مطلوب کلاس ایده آل برای دانش آموزان NLD و AS ببینید.

مشکلات مدیریت زمان

مشکلات مدیریت در تمام جنبه های زمان در کودک و نوجوان NLD یا AS رایج می باشد. این مشکلات زیاد هستند و کودک و خانواده را تحت تأثیر قرار می دهند. برخی از شایع ترین مشکلات این کودکان شامل:

- اغلب تأخیر دارند، زیرا قادر به محاسبه خوب زمان نیستند.
- با هر محدودیت زمانی احساس فشار می کنند.
- قضاوت آنها نسبت به زمان نامناسب است. چه قدر زمان باقی مانده است؟ هر کاری چه قدر طول می کشد؟ چه قدر آنها و یا دیگران صحبت کرده اند؟

دقت در گذشت زمان

مداخله ساده ای، که اغلب از آن چشم پوشی می شود، آموزش کودک برای گفتن زمان و استفاده از ساعت است. این کار ممکن است ساده باشد، اما کودکان NLD و AS اغلب در یادگیری در گفتن زمان مشکل دارند و به آموزش خاص، صبورانه و مکرر در این زمینه نیاز دارند. در عصر کنونی، تمایل به استفاده از ساعت های دیجیتال وجود دارد: این ساعت ها عدد را نشان می دهند و هنگامی که از کودک پرسیده می شود ساعت چند است، می تواند به سادگی پاسخ درست دهد. اما با استفاده از ساعت مچی دیجیتال نمی توان جنبه های نسبی زمان را آموزش داد: برای مثال از ۱۰:۳۰ تا ۱۰:۴۵ چند دقیقه است. در ساعت مچی دیجیتال فقط یک سری عدد وجود دارد که در صفحه ای نمایش داده می شوند. برای کمک به فهم زمان در کودکان NLD یا اسپرگر، از ساعت دیواری یا ساعت مچی عقربه دار استفاده کنید. حرکت عقربه دقیقه شمار و ثانیه شمار در ساعت دیواری یا مچی ابزار مناسب تری برای آموزش گذر زمان است، نسبت به اعداد دیجیتال که از خاطر کودک می گذرد. همانطور که در بخش بعد خواهیم دید، ساعت مچی با زمان سنج برای سایر مداخلات مفید خواهد بود و بنابراین بهتر است از آنها استفاده کنیم.

یادگیری توبه به زمان

استفاده از ساعت مچی برای توجه به زمان مثالی برای یادگیری جستجوی راه حل برای یک وضعیت و نیز یادگیری پی گیری یک برنامه (یا جدول زمانی یا انتظار) است. اولین گام برای ماهر شدن در زمان، آگاهی از آن است. جهت آموزش آگاهی از زمان، با دو تکلیف زمانی ساده که هر کدام جنبه جداگانه ای از زمان را نشان می دهد، شروع کنید. یک نوع از تکلیف شامل فعالیتهایی است که شما از کودک می خواهید در زمان مشخص تکلیفی را انجام دهد، مانند "تکلیف امروز تو این است که به من بگویی کی ساعت ۵ بعد از ظهر می شود؟" و یا "کار تو در کلاس این است تا مشخص نمایی که زمان بیرون رفتن از کلاس کامپیوتر چه موقعی است؟". غالباً وجود یک ساعت مچی دارای زمان سنج و یا زنگ، مفید است و به کودک کمک می نماید تا به یاد آورد که به ساعت نگاه کند.

نوع دوم تکلیف شامل فعالیتهایی است که از کودک می خواهید در طول زمان مشخصی آن فعالیت را انجام دهد. ترجیحاً استفاده از زمان سنجی که صفحه بزرگی دارد و گذر زمان را در رنگهای مجزا نشان می دهد، مفید است. این تمرین کودک را مجبور می کند که کارها را در دوره های کوتاه تر و یا طولانی تر زمانی انجام دهد. از او بخواهید تا تفاوت های زمانی فعالیتهای تجربی اش را در دوره های زمانی مختلف، مقایسه کند. مثلاً، پختن غذا ممکن است فعالیت مناسبی باشد (غذا محرک خوبی است)، و یا شاید

یک فعالیت طولانی که در آن کودک در زمان‌های متفاوت کاری را انجام می‌دهد، مفید باشد. یک روش مناسب برای کمک به کودکان تا حس گذر زمان را درونی کنند، این است که از آنها بخواهیم تخمین بزنند که دوچرخه سواری یا شام خوردن و یا دیدن یک کارتون چقدر طول می‌کشد. ساعت شنی محرک بینایی بزرگ دیگری برای این تمرین است.

▪ برنامه ریزی و انجام فعالیت

نقایص عملکرد اجرایی، توانایی کودک AS یا NLD را جهت برنامه‌ریزی و پی‌گیری برنامه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. این نقایص همچنین باعث ایجاد مشکلاتی در مدیریت زمان می‌شوند و در نتیجه مشکلاتی در برنامه‌ریزی میزان کار یا متعادل کردن فعالیت و مسئولیت‌ها را به دنبال دارد. بسیاری از کودکان AS یا NLD نسبت به خطای خود در تعیین مدت زمان تکمیل یک تکلیف و یا انجام فعالیت، آگاه هستند. دیر رسیدن آنها به کلاس ممکن است در نتیجه «گم شدن در فضا» و گم کردن مسیری که در آن قرار دارند و یا ناشی از عدم درک مدت زمان لازم برای رفتن از یک اتاق به اتاق دیگر و یا بستن کوله پشتی باشد. این کودکان نمی‌خواهند دیر به کلاس برسند، و با دیر رسیدن به کلاس، قصد به شوخی گرفتن کلاس را ندارند، بر عکس، دیر وارد شدن به کلاس منجر به دستپاچگی آنها می‌شود.

احتمال دارد، کودکی که آموزش متمرکز و مشخص در مورد مشکلات مربوط به مدیریت زمان و حل این مشکلات (برنامه زمان بندی برای بستن کوله پشتی و رفتن به کلاس) را دریافت کرده است، حتی بعد از گذشت چند هفته باز هم دیر به کلاس برسد. بیان این جمله "که دیر کردن خلاف قانون است" مشکل را حل نمی‌کند و تنها بسنده کردن به آن می‌تواند مبنی بر درک ناقصی از AS و NLD باشد. جهت اصلاح این موارد، کودک به برنامه‌ای نیاز دارد که این مشکل را مورد توجه قرار دهد. لازم است در نظر داشته باشید که چه مشکلاتی در کلاس رخ می‌دهد (ممکن است مشکلات متعددی وجود داشته باشد). لذا باید جزئیات برنامه را به طور دقیق مشخص نمایید که کودک به چه چیزهایی نیاز دارد تا از این مشکلات اجتناب نموده و یا آن‌ها را حل کند. در نهایت، لازم است قبل از رسیدن به تغییرات مورد انتظار، برنامه به طور مکرر تمرین شود.

در رابطه با تکالیف درسی، بهترین راه حل برای کودک، ارائه تکالیف پیش از کلاس می‌باشد، و برای والدین، کمک به کودک جهت برنامه‌ریزی هفتگی یا ماهانه است. ارائه تکالیف درسی به صورت روزانه بسیار مشکل است و نباید تا مقطع دبیرستان به دانش‌آموز NLD یا آسپرگر برنامه به صورت روزانه داده شود. این موارد نیازمند تمرین هستند و باید برای این کودکان جهت مهارت در مدیریت زمان و تحت

کنترل داشتن چند کلاس مختلف در روز با تکالیف متفاوت برنامه ریزی شود. برای برخی از کودکان، این برنامه ریزی ممکن است هرگز لازم نباشد، در این صورت آنها به برنامه زمان بندی متفاوتی نیاز خواهند داشت. برنامه درسی که به طور هماهنگ با کلاس اجرا می شود را متوقف کنید تا کودک بتواند تکالیف محدود در منزل را اجرا نماید (برنامه درسی آنها باید شامل کلاس های کمتر و طولانی تر نسبت به برنامه درسی معمولی باشد) مطمئناً این کودکان سالهای متمادی به حمایت نیاز خواهند داشت.

الگوهای یادگیری

اکثر ما الگوی یادگیری خاصی را ترجیح می دهیم، به عبارتی روشی برای دریافت اطلاعات ترجیح می دهیم که احساس می نمایم در یادآوری اطلاعات بهتر به ما کمک می کند. اکثر افراد خود را به عنوان "یادگیرنده بینایی" توصیف می کنند، و مواردی را که می بینند نسبت به آنچه که می شنوند، بیشتر به یاد می آورند. در حقیقت، اطلاعات را همیشه از چیزی که می بینیم، می شنویم، حس می کنیم و حتی می بوییم بدست می آوریم، و به ندرت اطلاعات را بر حسب منشأ آنها در تفکر آگاه از یکدیگر جدا می کنیم. اما هنگامی که سؤال می شود که چه چیزی را بیشتر به یاد می آوریم، هر یک از ما الگویی داریم که بهتر از همه کار می کند.

الگوی شنیداری

بعضی از افراد از طریق الگوی شنیداری بهتر یاد می گیرند؛ یعنی زمانی که اطلاعات به طور عمده از طریق مجراهای شنوایی به آنها ارائه می شود، و کودکان AS و NLD در میان این گروه از یادگیرنده ها قرار دارند. برای این افراد بیان شفاهی موضوع، تمرین و تکرار به صورت شفاهی، و حتی ارزیابی به صورت شفاهی، بهتر می باشد. لازم به گفتن نیست که الگوی دیگری برای این افراد مناسب نمی باشد. الگوی حس حرکت^۱ (یادگیری از طریق فعالیتهای جسمی و حرکتی)، و الگوی بینایی (به خاطر آوردن اطلاعات با استفاده از آنچه که دیده می شود) نیز، سهم زیادی در یادگیری دارند. فعالیتهایی مثل فعالیتهای آزمایشگاهی یا ورزشی دارای اجزا شگفت انگیز در یادگیری هستند، زیرا این فعالیت ها شامل یادگیری از طریق بینایی و از طریق یادگیری حس حرکت است. با این حال اکثر دانش آموزان AS و NLD از اطلاعات شنیداری به عنوان اولین منبع یادگیری استفاده می کنند. همانگونه که قبلاً ذکر گردید، این افراد در حافظه

^۱ -kinesthetic

شنیداری و پردازش شنیداری نسبتاً قوی هستند، و تکیه آنها به این اطلاعات بیشتر از دیگر کانال‌های یادگیری، مثل بینایی یا حس حرکت می‌باشد.

نکات قابل توجه در سایر سبک‌های یادگیری

یادگیری به غیر از الگوهای ادراکی (دیداری، شنیداری، حس حرکت) می‌تواند به روش متوالی (یادگیری گام به گام) و یا هم‌زمان^۱ (یادگیری مفهوم به طور کلی) انجام پذیرد. همانگونه که هر فرد در الگویی برتری دارد، از روش خاصی نیز استفاده می‌کند. اکثر افراد اطلاعات را از هر دو روش کسب می‌کنند. روش ترجیحی ما بر نحوه‌ی یادگیری در شرایط گوناگون تاثیر می‌گذارد و ممکن است با نیازهایمان منطبق باشد یا نباشد.

کودک NLD یا آسپرگر احتمالاً یادگیرنده‌ای متوالی است. ویژگی‌های روش یادگیری ترجیح داده شده این کودکان به شرح زیر است:

- یادگیری گام به گام. این یادگیری شامل مسیرهای شماره‌گذاری شده ساده می‌باشد، که در آن هر مرحله تعریف و هر جزء دقیقاً توصیف شده است.
- توضیحات منطقی که همراه با جزئیات است. این کودکان به توضیحات منطقی نیاز دارند.
- ارائه اطلاعات به صورت حقیقی و اشکال هندسی. توجه نمایید کودک AS یا NLD لزوماً ارتباطات بین این بخش‌های اطلاعات را نمی‌بیند.
- به عنوان یک یادگیرنده، کودکان AS و NLD تمایل دارند:
 - کمال‌گرا باشند.
 - یاد بگیرند حرف به حرف بخوانند و هجی کنند.
 - قوانین را به خاطر بسپارند (برای دروس زبان، ریاضی و سایر موضوعات)
 - در یادگیری استنتاجی (پاراگراف زیر را ببینید) و یا استفاده از رویکرد حل مسئله برای یادگیری موفق نیستند. آنها نیاز به تجربیات یادگیری برنامه‌ریزی و راهنمایی شده دارند.
 - به محیط‌های یادگیری ساختار بندی شده و قابل پیش بینی نیاز دارند.
 - یادگیرنده‌های جزء به کل می‌باشند؛ یعنی اجزای یک مفهوم را برای یادگیری کل مفهوم یاد می‌گیرند. در این رابطه کودک NLD یا AS نقطه مقابل یادگیرنده هم‌زمان می‌باشد که برای یادگیری اجزا، کل را یاد می‌گیرد.

^۱ -simultaneously

در یادگیری استنتاجی، کودک برای فهمیدن یک نکته، پس از یک سری تجارب یا فعالیتهای طراحی شده، قانون و یا مفهومی را برای خود کشف می کند. بعید است کودکان AS و NLD با این نوع آموزش ها موفق شوند. آگاهی از این مسئله برای والدینی که می خواهند برنامه های پیش دبستانی یا مهد کودک برای فرزند شان در نظر بگیرند مهم است، زیرا برخی از برنامه ها به طور مشخص با روش یادگیری استنتاجی در ذهن طراحی شده اند. چنین پیش دبستانی هایی، که تجربیات یادگیری را (به جای دروس) ارائه می دهند و کودک باید مفاهیم را بدون توسل به یک برنامه طرح ریزی شده کشف کند برای کودکان NLD یا AS مفید نخواهد بود.

طراحی برنامه ای پیرامون الگوی یادگیری

والدین و معلمین، باید الگوی یادگیری ترجیحی، برای کودک را بدانند و برنامه ای طراحی نمایند تا از نقاط قوت یادگیری جهت کمک به پیشرفت تحصیلی وی استفاده کنند. حتی اگر تشخیص NLD یا آسپرگر مطرح شود، هیچ کودکی با تصویر ارائه شده در اینجا صد در صد تطابق نخواهد داشت. یک ارزیابی خوب ضروری است، و نتایج ارزیابی باید منعکس کننده اطلاعات مورد نیاز و روش یادگیری کودک برای فعالیتهای و مطالب درسی باشد. برای اکثر کودکان AS و NLD ارائه اطلاعات جدید به صورت شنیداری و یا در چارچوب سخنرانی به صورتی که در زیر آمده است، منجر به بهترین شکل یاد گیری خواهد شد:

- از چارچوب سخنرانی و ترکیب آن با تکنولوژی استفاده کنید تا نیاز به چند تکلیفی (برای مثال، یادداشت برداری در حین گوش دادن) را از بین ببرید. (این تکنولوژی به طور مختصر مورد بحث قرار خواهد گرفت).

- اطلاعات را در بخش های کوچک و همراه با مرور و خلاصه بعد از هر بخش ارائه دهید.

- تک گویی را همراه با کسب توجه و به عنوان ابزاری برای مرور آموزش دهید.

- از فعالیتهای خلاصه کردن برای طرح یک نکته استفاده کنید.

- از سوال و جواب برای درگیر کردن دانش آموز در بحث استفاده کنید و همیشه اطلاعات ارائه شده را خلاصه کنید.

- از نمونه های بصری (تصاویر، فیلم های ویدئویی و سایتهای اینترنتی) و فعالیتهای جسمانی (آزمایشگاهی و ورزشی) استفاده کنید، چون هیچ فردی فقط از طریق یک الگو یاد نمی گیرد.

کتابهای ضبط شده بر روی نوار، خصوصاً در دروس ادبیات و تاریخ، به عنوان منبعی برای دوره کردن و کمک به دانش‌آموزان جهت کسب اطلاعات از طریق ابزار پیشرفته تر و ظریف تر، وسیله مناسبی برای کودکان NLD و آسپرگر است. این نوارهای ضبط شده تجربیات یادگیری زیادی برای کودک فراهم نموده و لذت او را از درس ادبیات زیاد می‌کند.

▪ کتابهای درسی و صفحات تمرین

برای دانش‌آموزان NLD و آسپرگر، اغلب کتابهای درسی و صفحات تمرین از لحاظ بینایی گیج‌کننده است. درس‌الهای گذشته، ناشرین کتاب‌های درسی و مدارس، در مسیری قرار گرفته اند که مواد آموزشی انتخابی آنها از لحاظ بینایی بسیار پیچیده بود. گزارش شده است که برای برخی از دانش‌آموزان غیر NLD و آسپرگر، استفاده از رنگها و تصاویر و اطلاعاتی که به صورت مجزا دسته بندی شده اند، جالب است و به یادگیری آنها کمک می‌کند. اما برای دانش‌آموزان NLD یا آسپرگر بدین صورت نیست. ممکن است در خیلی از موارد لازم باشد تا معلم صفحات تکلیف را دوباره بنویسد و به گونه ای که صفحات به طور سیاه و سفید و با پوشاندن قسمت هایی که از لحاظ بینایی برای کودک گیج‌کننده هستند، تهیه شود. در برخی از صفحات تمرینات زیادی وجود دارد، ممکن است ۳۰ مسئله ریاضی در یک صفحه برای این کودکان طاقت فرسا باشد. صفحاتی با تمرینات یک ردیف در میان کمک بزرگی می‌باشد، چون فضای سفید زیاد این صفحات از لحاظ بینایی کمتر گیج‌کننده است. به خاطر داشته باشید که گفتن این جمله به کودک که «مسائل را یک در میان حل کن» کافی نمی‌باشد. لازم است برگه تمرین به گونه ای باشد که از لحاظ بینایی کمترین پیچیدگی را به همراه داشته باشد. با رشد دانش‌آموز بهتر است این تمرین محدود شود و به کودک کمک نماییم تا با پیچیدگی‌های بینایی و کار بیشتر خود را تطبیق دهد.

عملکرد چند تکلیفی

عملکرد چند تکلیفی به عنوان یک مفهوم، حاصل فرهنگ رایج ما می‌باشد. توانایی انجام بیش از یک کار در یک زمان، اغلب به عنوان نقطه قوت دیده می‌شود و این توانایی در برخی از مشاغل، مورد نیاز است. برای دانش‌آموزان NLD و AS، عملکرد چند تکلیفی طاقت فرسا است. فقط باید یک تکلیف از آنها خواست، چون آنها در یک زمان فقط یک برنامه یا تکلیف را دنبال می‌کنند (انجام دادن فقط یک کار در یک زمان). نمونه واضح ناتوانی آنها برای عملکرد چند تکلیفی، ناتوانی آنها برای یادداشت برداری در حین گوش دادن به سخنرانی در سنین بالاتر است. این مهارت برای موفقیت در مقاطع بالای تحصیلی

ضروری است، بدون یادگیری عملکرد چند تکلیفی (و یا ایجاد برخی تغییرات مشابه مثل یادداشت برداری در حین سخنرانی)، این دانش آموزان به موضوعات پیشرفته و تجارب یادگیری دست نمی یابند.

▪ تغییرات تکنولوژی و سایر تغییرات آموزشی

پیشرفت تکنولوژی کمک ویژه ای به دانش آموزان NLD و AS نموده است. با استفاده از تخته وایت برد مخصوص می توان مشکلات آنها در یادداشت برداری در حین گوش دادن به سخنرانی را حل نمود. با استفاده از این تخته وایت برد، می توان نوشته های معلم بر روی تخته را به طور مستقیم بر روی لپ تاپ دانش آموز وارد نمود. این تخته های وایت برد (که تحت عنوان Smartboard, Webster, Softboard به فروش می رسند) این امکان را برای دانش آموز فراهم می نمایند تا یادداشتهای معلم از روی تخته را بر روی لپ تاپ دریافت نموده، و وی فقط به صحبت های معلم گوش دهد و تمرکز کند. زمانی که دانش آموز می خواهد مطالعه کند، از روی لپ تاپ خود فایل خاصی از سخنرانی را باز می کند و بدین صورت ابزار مرور مطالب سخنرانی را در اختیار دارد. هیچ راهی وجود ندارد که اطلاعات را به طور مستقیم به مغز این کودکان تزریق کنیم. بنابراین آنها بازهم مجبورند مطالعه کنند، (قسمت مهارتهای مطالعه که بعداً در این فصل می آید را ببینید). اما روش دریافت اطلاعات با استفاده از این تکنولوژی کاملاً واضح است و برای نیازهای مربوط به یادگیری کودکان مناسب تر است. این تغییرات به موارد زیر نیاز دارند:

۱- مدرسه Softboard (یا مشابه تخته وایت برد) داشته باشد.

۲- کامپیوتر مناسب برای معلم وجود داشته باشد.

۳- دانش آموز لپ تاپ مخصوص به خود داشته باشد.

تکنولوژی تخته وایت برد برای کلاس را بسیاری از دانش آموزان می توانند استفاده نمایند. استفاده مداوم از این تکنولوژی برای دانش آموزان NLD و AS موثر تر و با قدرت تر از داشتن وسایل کمکی یادداشت برداری می باشد. مطمئناً استفاده از وسایل کمک آموزشی که می توان با تغییراتی از آنها استفاده نمود، ابزارهای مناسبی هستند، اما اشکال آن این است که دانش آموز به سهولت یادداشت ها را گم می کند و مسئول یادگیری خودش هم نیست و به شخص دیگر وابسته است. وسایل کمکی برای برخی از دانش آموزان به دلایل متعدد اجتماعی و سازماندهی لازم می باشد، اما برای دانش آموزانی که تمایل به استقلال بیشتر دارند و در رابطه با بازار کار و تحصیل در مقاطع بالاتر فکر می کنند، وابستگی به وسیله کمکی در دوره راهنمایی و دبیرستان ایده آل نمی باشد.

ساده ترین ابزار مناسب برای دانش آموزان کم سن وسال، ضبط صوت است که به تکنولوژی کمتری نیاز دارد. یک ضبط صوت کوچک که کودک می تواند آن را حمل کند، می تواند برای ضبط سخنرانی در کلاس و تذکرات کودک به خود، مورد استفاده قرار گیرد. تنها صدایی که آنها دوست دارند، تذکر به خود است (پیام های دانش آموز یا صداهای ضبط شده برای یادآوری کارهایی که در آن روز باید انجام دهد). همچنین، معلم می تواند توضیحاتی در مورد تکالیف و یا یادآوری تکالیفی که دانش آموز باید انجام دهد را برای وی و والدین ضبط نماید. معمولاً کودک توضیحاتی که از طریق صدای معلم در محیط خانه به وی ارائه می شود را می پذیرد. همچنین اطلاعات ضبط شده می تواند برای والدینی که دچار سردرگمی شده و موفق به درک توضیحات فرزندشان در مورد تکالیفش نشده اند، مفید باشد. آسیب شناسان گفتار و زبان و روانشناسان بالینی نیز می توانند برای تقویت مهارتهای تمرینی کودک از ضبط صوت استفاده نمایند. مهارتهای آرام سازی، سرنخ های رفتاری و تکالیفی برای تعاملات اجتماعی تعدادی از این مهارتها هستند.

مفهوم سازی و مشکلات یادگیری

دانش آموزان NLD و AS، خود را مواجه با یادگیری مقدار زیادی اطلاعات ظاهراً نامربوط می یابند. مشکلات این کودکان در سازماندهی تفکر و یکپارچه سازی اطلاعات منجر به ایجاد خزانه محدودی از مفاهیم قابل تعمیم حتی در موضوعات مورد علاقه شان می شود. این دانش آموزان اگر به حال خود گذاشته شوند، همیشه خود را در حرکت به سوی یک سری از حقایق، ناتوان می یابند.

طرح های شفصی و تدریس معلم

یکی از ارزشمند ترین تجربیات یادگیری برای دانش آموزان NLD و AS، رشد مهارت در طرح هایی است که خود مسئول آن هستند. تمرکز برنامه های مدرسه Orion در استفاده از طرح های مشخص دانش آموز به عنوان بخش اصلی تجربه یادگیری است (همان طور که قبلاً ذکر شد، Orion یک دبیرستان اختصاصی در آموزش دانش آموزان NLD و سندرم آسپرگراست). در برنامه ای که « طرح های خود محور» نامیده می شود، دانش آموزان با معلم مشاور در زمینه برنامه ریزی، سازماندهی و انجام طرح یادگیری فردی و انتقال به بیرون از مدرسه که هر ۶ هفته یک بار باید به مدرسه گزارش شود، کار می کنند. چهار الگوی طرح مختلف در Orion تعریف شده است: اکتشافی، گستره ای، عمقی و رشد فردی. دانش آموزان باید در طول سال در هر حوزه فعالیت خاصی را انجام دهند. این برنامه شامل ارائه کارنامه هفتگی، ایجاد طرح کلی رشد و گردآوری اطلاعات یاد گرفته شده است. مرحله نهایی یعنی ارائه

مطالب یاد گرفته شده، به اندازه یادگیری اطلاعات مهم است به گونه ای که دانش آموزان باید در یابند که اگر قادر به توضیح موارد یاد گرفته شده به فرد دیگر، نباشند موارد یاد گرفته شده استفاده محدودی برای آنها خواهند داشت. به علاوه، نکته مهم در ارائه مطلب این است که به دانش آموز کمک می کند تا به شنوندگانش توجه کند و بر دیدگاه شخص دیگر تمرکز کند.

این حقیقت که فرایند انجام طرح نسبت به محتوای آن مهم تر است، محیط یادگیری مهیجی برای دانش آموز ایجاد می کند. به علاوه در این موقعیت والدین مسئول فعالیت کودک نیستند. برای درک نحوه ی یافتن اطلاعات در زمینه موضوع مورد علاقه و یا چگونگی جمع آوری اطلاعات به روش موثر و مهمتر از همه چگونگی سازماندهی معنی دار اطلاعات برای استفاده از آن، باید بیاموزیم که چگونه یاد بگیریم. زمانی که دانش آموزان NLD و آسپرگر در این تلاش موفق شوند، در فعالیتی که می تواند یادگیری آنها را در سراسر زندگی شان ابقاء نماید، پیشرفت می کنند.

یادگیری الگو

مشکل دانش آموزان NLD و AS تکیه ی بیش از حد آنها بر روی الگوهای یادگیری است. این نحوه ی یادگیری اغلب به عنوان نقطه قوت دیده می شود که کودک برای رشد مهارت بر آن تکیه می کند. معلمین و والدین از این نقطه قوت برای کمک به کودک استفاده می نمایند تا به موفقیتهایی در زمینه ورزش، به خاطر سپردن حقایق و یادگیری کارهای روزانه برسند. متأسفانه، این نقطه قوت زمانی مشکل ایجاد می کند که کودک بدون یادگیری مفهوم و یا تشخیص نکات کلی فعالیت، فقط بر روی الگو تکیه می کند. یادگیری زدن سرویس در والیبال از طریق تمرین یک الگوی حرکتی ممکن است برای کودک بسیار مفید باشد. اما وی هیچ تفکری در مورد زدن سرویس در این بازی ندارد و این ویژگی مطلوب نمی باشد. او هنوز برای بازی با دیگران آماده نیست چون وی فقط بر روی قسمتی از بازی (سرویس زدن) تمرکز می کند که آن را یاد گرفته است.

به عنوان مثالی دیگر، بسیاری از کودکان NLD و AS در ریاضی به خصوص کسر، مشکلاتی دارند. برخی از معلمین، اغلب برای انجام جمع، تفریق، ضرب و تقسیم کسرها از تبدیل کسر به اعشار استفاده می کنند و آن را آموزش می دهند. این روش ممکن است در کوتاه مدت مفید باشد زیرا استرس دانش آموزان کم می شود و پاسخ درست می دهند، اما آنها هیچ تفکری در مورد «کسر» ندارند، و مفهوم آن را نمی دانند. زمانی که به درس جبر می رسند و با اعدادی که در قالب کسر به عنوان بخشی از معادله، روبرو می شوند،

گیج شده و نمی دانند باید چه کاری انجام دهند. الگویی که آنها یاد گرفته اند کارایی ندارد و تا قبل از یادگیری الگوی جدید، نمی توانند تکلیف را انجام دهند.

مهارتهای مطالعه و تکلیف منزل

نقایص سازماندهی این کودکان به طور جدی بر روی حوزه های مربوط به مهارت مطالعه و انجام تکلیف در منزل اثر می گذارد. کودکان AS و NLD همانند سایر دانش آموزان با نقایص عملکرد اجرایی، در تکمیل موفقیت آمیز تکالیف منزل از روی تخته، با مشکل روبرو هستند. مشکل فقط مربوط به عدم آگاهی آنها از تکلیف نیست بلکه در انتقال کار و وسایل به خانه، تکمیل کار در منزل و پس از آن برگرداندن به معلم نیز با مشکل مواجه هستند. به علاوه، هنگامیکه تکلیف منزل "مطالعه" است، اغلب دانش آموز NLD و آسپرگر مطمئن نیست که چه چیزی را باید "مطالعه کند" و بدین ترتیب مشکل به دنبال مشکل، پدید می آید.

حمایت در انجام تکلیف منزل

مداخلات متنوع به این دانش آموزان کمک می نماید تا موانع سازماندهی در انجام تکالیف را از بین ببرند این مداخلات شامل موارد زیر است:

- سری دوم کتاب ها باید در خانه نگهداری شوند، با این کار نیاز به حمل آنها برطرف می گردد و باعث می شود کتاب ها کمتر فراموش و یا گم شوند.
- تکلیف منزل باید برای طول هفته معین شود، و تکالیف مشخص تا حد ممکن بسیار زود تعیین گردد. تکالیف باید، مرور شود، چون نمی توان آن ها را تا شب آخر رها کرد.
- تکلیف منزل باید در سایت مدرسه (در صورت امکان) وجود داشته باشد تا دانش آموز و والدین بتوانند آن را بررسی نموده و مطمئن شوند که به طور کامل انجام شده است. اگر این کار امکان پذیر نمی باشد، باید سیستم هماهنگ شده ای بین خانه و مدرسه بوجود آید. برای مثال، معلم دفتر یادداشت تکلیف برای دانش آموز تهیه نماید. دانش آموز باید تکالیف هر هفته را یادداشت نموده، و معلم باید دفتر را برای بازبینی صحت و سقم آن بررسی نماید و والدین هنگامی که تکالیف یادداشت شده در دفتر کامل شد، آن را امضا نمایند. این سیستم در مقطع ابتدایی برای آموزش مهارت نگهداری مجموعه تکالیف منزل کودک و برای مطمئن نمودن والدین در زمینه پی گیری تکالیف مفید است.
- با کمک یک لپ تاپ (اگر در دسترس باشد) می توان احتمال گم شدن برگه ها در حین انتقال از مدرسه به خانه و برعکس را کم نمود. دانش آموزان می توانند بر روی برگه های اسکن شده کار

کنند و سپس تمرین را از طریق رایانه به مدرسه بر گردانند و یا به محض تکمیل شدن، آن را از طریق پست الکترونیکی برای معلم ارسال کنند.

- برای موضوعاتی با سازماندهی مداوم، اغلب استفاده از معلم خصوصی برای کودک مفید است. این معلمین، متخصص کار با دانش آموزان نامنظم هستند. آنها جهت رشد مهارتهای سازماندهی با کودک، انفرادی کار می کنند و به منظور ایجاد طرحی برای این مهارتها برای کودک، با مدرسه در ارتباط می باشند. اغلب این کودکان برای انجام تکالیف در برابر والدین مقاومت می کنند، اما تکالیف را برای معلم خصوصی، معلم مدرسه و یا سایر بزرگسالان انجام می دهند.

مهارت های مطالعه

مهارت های مربوط به مطالعه بسیار ارزشمند هستند و باید به طور مستقیم آموزش داده شده و تقویت شوند. شروع به ایجاد عادات مطالعه خوب هیچ گاه برای کودک، زود نیست. باید مهارت "مطالعه کردن" همانند سایر مهارت هایی که نیاز به آموزش دارند به دانش آموز NLD یا اسپرگر توضیح و آموزش داده شود. هرگز تصور نکنید که چون کودک به شما می گوید: «در حال مطالعه است» وی تفکر مربوط به مطالعه را در ذهن دارد. برای مطالعه موثر، کودکان باید یاد بگیرند که:

- به جداول و نمودار های کتاب ها توجه کنند. شما باید برای درک و یاد آوری نکات کلیدی، توجه به جداول و نمودار ها را به عنوان مسیر های کوتاه، آموزش دهید.

- ایده اصلی تکلیف درسی را توضیح دهند. اگر نتوانستند ایده اصلی را پیدا کنند، به آنها آموزش دهید تا از سایرین کمک بخواهند، چون این کار مهمترین راه برای بهبود بازیابی اطلاعات و رشد تفکر سازمان بندی شده است.

- تمام واژگان و کلمات کلیدی قسمتی را که می خوانند فهرست کنند، سپس والدین یا هم کلاسی ها کلمات را از طریق سؤال کردن، برای آنها مرور نمایند.

- باید به یاد داشته باشند که معلم احتمالاً یک بحث کلی بعد از تکلیف خواندن انجام می دهد. به کودک آموزش دهید برای مرور تکلیف خواندن زمان بیشتری از معلم تقاضا کند و پیش بینی نماید که معلم ممکن است برخی از موضوعات مربوط به بحث را از وی بپرسد.

در این قسمت راهکار هایی برای پرورش مهارتهای مطالعه خوب ارائه می گردد:

۱- **زمان معینی برای مطالعه مشخص نمایید و نسبت به آن پایبند باشید.** نگرش های متفاوتی در مورد زمان مطالعه وجود دارد. بحث بر سر این موضوع است که کودکان باید بلافاصله بعد از مدرسه

(قبل از زمان بازی)، تکالیف خود را انجام دهند. این مطلب ناشی از این تجربه است که دانش آموزان، در زمان فراغت به سختی دست از بازی بر می دارند. تغییر وضعیت برای این دانش آموزان، جهت انجام تمرین و یا مطالعه بسیار مشکل است و نتیجه ی آن عصبانیت یا کیفیت ضعیف در انجام تکالیف می باشد. بعضی از کودکان بدون زمان استراحت، توجه و تمرکز کافی برای اجرای تکالیف منزل ندارند. تصمیم در رابطه با زمان بندی انجام تکالیف بر پایه سبک زندگی و نیازهای کودک می باشد. نکته مهم در مورد انتخاب زمان و پایبند بودن به آن این است که در طول این زمان کودک فقط باید مطالعه کند و تکالیفش را انجام دهد.

۲- زمان مطالعه را به واحدهای کمتر از ۳۰ دقیقه تقسیم کنید. ۵ تا ۱۰ دقیقه زمان استراحت بین زمان های مطالعه قرار دهید. برای دانش آموزان مقطع راهنمایی زمان مطالعه را به یک ساعت و نیم افزایش دهید. دانش آموزان در دبیرستان باید بتوانند دو ساعت مطالعه را تحمل کنند (با زمان استراحت به دو ساعت و نیم برسد). به خاطر داشته باشید اکثر این کودکان سرعت پردازش آهسته ای دارند، لذا زمان انجام تکالیف منزل افزایش می یابد و برای موفقیت در مقطع دبیرستان و (درنهایت در دانشگاه) نیاز به افزایش تحمل برای حفظ و تداوم فعالیت هایشان را دارند. این ویژگی شبیه تمرین برای دو ماراتن است (ماراتن زندگی). دانش آموزان AS و NLD بار تحصیلی سنگین تری نسبت به سایر افراد تحمل می کنند و لذا باید قدرت مورد نیاز، برای مدیریت این کار سخت را در خود افزایش و رشد دهند.

۴- مکان مناسب برای مطالعه پیدا کنید و این مکان را فقط برای مطالعه در نظر بگیرید. راهنمایی هایی فصل ۷ را به یاد آورید: نباید هیچ عامل حواس پرت کن و حواس پرت کن بینایی و شنوایی و هیچ صدای مزاحم وجود داشته باشد و رفت و آمد هم کم باشد. فضا باید فقط مختص مطالعه باشد، برای مثال مکان مطالعه نباید روی تخت کودک باشد زیرا بسیاری از کودکان AS و NLD مشکل خواب دارند. و شاید به همین علت تمایل دارند در تخت مطالعه کنند. از این کار باید اجتناب کرد زیرا مطالعه در مکانی که به خواب اختصاص دارد، مانع پیشرفت و رشد عادات مطالعه خوب می شود.

۵- از یک زمان سنج برای محاسبه زمان انجام تکالیف استفاده نمایید، و این کار را پی گیری کنید: این کار به کودک کمک می کند تا بداند که برای هر کار محدودیتی وجود دارد. در صورت امکان طرحی برای کودکان کم سن و سال در نظر بگیرید تا اگر تکلیف تا پایان زمان مطالعه انجام نشد، آن کار را در روز یا هفته بعد کامل نماید. یکی از دلایل مفید بودن در اختیار داشتن تکالیف در طول هفته این است که می توانید از قبل برنامه ریزی کنید. اگر تکالیف در طول هفته

کامل نشد، با معلم در مورد محدود کردن تکالیف به یک دوره زمانی صحبت کنید تا به کودک اجازه داده شود که تأخیرش را جبران کند. در بعضی از کلاس ها این امر امکان پذیر نمی باشد و چنانچه تکالیف انباشته شود، برای کودک اضطراب ایجاد می کند. در این راستا، با معلم کودک در رابطه با تعدیل تکالیف منزل صحبت کنید. یک روش تعدیل تکالیف در منزل این است که کودک فقط در زمینه ای که مشکل دارد تمرین انجام دهد، و یا انجام تکالیف به کمترین میزان کاهش یابد، اما باید مفاهیم قبلی را بلد باشد. زمانی که این کودکان بزرگتر می شوند و مقطع تحصیلی آنها تغییر می کند، این راه حل کمتر قابل پذیرش است. زمانی که آنها تکالیف را انجام نمی دهند، درمی یابند که توانایی شان جهت تحمل فشار کار بیش از پیش، پیشرفت نمی کند. و در نتیجه نسبت به گروه سنی خود احساس عدم کفایت می نمایند.

۶- **مطالعه در هر روز به یک اندازه باشد.** برای مثال یک دانش آموز کلاس چهارمی برای اجرای درست تکالیفش به یک ساعت و ۱۰ دقیقه زمان احتیاج دارد. ۲۰ دقیقه اول برای ریاضیات، سپس استراحت ۵ دقیقه ای و بعد ۲۰ دقیقه برای خواندن و انجام تکالیف مربوط به کلمات، سپس دومین استراحت و ۲۰ دقیقه بعد برای نوشتن تکالیف اختصاص دارد. این برنامه هر روز، اجرا می شود. بیست دقیقه آخر مربوط به تکالیفی است که می تواند در طول هفته متغیر باشد.

۷- **برای هر بخش از زمان مطالعه یک هدف تعیین کنید.** گاهی اوقات هدف از مطالعه تکمیل کردن ۱۰ تمرین ریاضی و یا خواندن صفحه مشخصی از کتاب و یا تنها "مطالعه کردن" باشد.

۸- **تدارکاتی را تأمین کنید.** برای انجام تکالیف در منزل، کودک باید قبل از ترک مدرسه بداند که چه تکلیفی دارد و از داشتن ابزارهای مورد نیاز برای انجام آن مطمئن باشد. از ایده هایی که پیش تر ذکر شد استفاده کنید (تهیه سری دوم کتابها در منزل و اطمینان یافتن از اینکه تکالیف به منزل آورده می شود) تا به این جنبه از مهارت های مطالعه خوب دست یابید.

ادامه دادن تمرین

بسیار مهم است که بزرگسالانی که از دانش آموزان AS و NLD مراقبت می کنند، جنبه های خاص این اختلالات را در نظر داشته باشند. تمایل این کودکان به حواس پرت شدن یک واقعیت است. از طریق روش هایی مثل تأمین مکان آرام و ساکت برای مطالعه و یا تهیه هدفون جهت کاهش عوامل حواس پرت کن شنیداری، به این کودکان کمک کنید. این دانش آموزان ممکن است اشتیاقی به جزئیات نداشته نباشند و یا ممکن است به اشتباه در جزئیات گرفتار شوند، و این مشکل برای آنها بسیار جدی است. این

ویژگی ها نشان می دهد آنها نیاز دارند تمرین را با والدین ، همکلاسی و یا مربیان مرور کنند، تا مطمئن گردند آنچه را که ما از آنها خواسته ایم، انجام داده اند. ابزارهای کمک آموزشی برای این دانش آموزان مفید می باشند، با این وجود ممکن است برخی از کودکان این ابزارها را در اختیار نداشته باشند. همیشه به خاطر داشته باشید که اشتباه کردن قسمتی از یادگیری است و مخصوص این اختلالات نیست.

در مقطع دبیرستان تقاضاهای اجتماعی و تحصیلی از این کودکان افزایش می یابد، به گونه ای که حتی دانش آموزانی با IQ بالا نیز احتمالاً مشکلاتی را تجربه می کنند. مشکلاتی که دانش آموزان AS و NLD در دستورات پیچیده و چند گانه دارند، می تواند از طریق آموزش های ساده و تجزیه ی تکالیف آنها به واحدهای قابل کنترل، کاهش یابد. ایجاد سیستم ساده سازماندهی که در آن کودکان باید نوشته ها و تکالیف خود را در مکان مشخصی قرار دهند، در مقاطع بالاتر تحصیلی اهمیت بیشتری پیدا می کند. با توجه به آنکه حفظ توجه در زمان مطالعه برای این کودکان مشکل است، از روش های چند گانه مانند: ضبط صوت، زمان سنج، تصاویر یا فلش کارت استفاده کنید. استفاده از شیوه های خود آزمون، در خواست از دیگران برای کمک و یادداشت برداری ، روش هایی هستند که این دانش آموزان آنها را به عنوان مفید ترین شیوه ها برای ایجاد مهارت های مطالعه ای مورد نیاز در مقاطع بالاتر می دانند و متوجه می شوند که تمام این روش ها باعث کاهش سردرگمی فرد در بازیابی اطلاعات می شود. پایگاههای اینترنتی جدید و کتابهایی برای گسترش مهارتهای مطالعه و ابزارهای مدیریت زمان مناسبی وجود دارد. ترکیب این ابزارها همگام با رفتن دانش آموزان AS و NLD به مقاطع تحصیلی بالاتر ، احتمالاً مفید می باشد .

ملاحظات آموزشی

همانطور که در فصل ۶ دیدیم، ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر نقص در عملکرد اجرایی به همراه دارد. نقایصی که اکثر اوقات دیده می شود عبارت اند از:

- مشکل در برنامه ریزی
- خود تنظیمی ضعیف (پی گیری فعالیت های خود و تأثیراتی که دارد)
- بیان پاسخ به شکل تکانشی و ناصحیح
- رفتار انعطاف ناپذیر
- شکست در تکمیل یک جستجوی سازمان دهی شده (این شکست می تواند در مورد حل مشکل و یا جستجوی پاسخ به شیوه ای برنامه ریزی و سازماندهی شده باشد).

- ضعف در حفظ و ابقاء مجموعه ای از فعالیت ها (آگاهی از این که چه موقع ایده ها یا مفاهیم به یکدیگر تعلق دارند، بدین معنی که تکلیف ریاضی ایده ای متفاوت از تکلیف خواندن است، اما خواندن اغلب بخشی از مهارت تکمیل کردن تکلیف ریاضی است).
- با توجه به این نقایصی که در ذهن وجود دارد، در اینجا فهرست مختصری از نکاتی که هنگام تهیه برنامه تحصیلی برای کودک AS یا NLD باید به خاطر داشته باشیم، آمده است. با وجود آنکه این فهرست بسیار جامع نیست، اما شروع خوبی برای معلمین و والدین می باشد.
- ۱- همیشه به خاطر داشته باشید که AS و NLD اختلالات نورویولوژیکی هستند و برخورد سطحی با این اختلالات ضرورتاً نقایص زمینه ای را اصلاح نخواهد کرد. این کودکان همیشه این اختلالات را خواهند داشت، آنچه که باید تغییر کند این است که آنها یاد بگیرند چگونه با اختلال برخورد نمایند.
- ۲- سطح زبانی این کودکان، سطح ارتباطی آنها را نشان نمی دهد. از سطح ارتباطی کودک آگاه شوید، سطح ارتباطی کودک توانایی وی برای استفاده از زبان در تعامل را نشان می دهد.
- ۳- برنامه تحصیلی باید شامل مهارت های اجتماعی پایه باشد. این مهارت ها شامل گوش دادن، عدم ایجاد وقفه، رعایت نوبت، شرکت در مکالمه، منتظر ماندن در مجاورت دیگران (برای مثال در صف) و کار با دیگران می باشد. یادگیری این مهارت ها وقت گیر خواهد بود.
- ۴- کودک AS و NLD باید نحوه ی رفتار اجتماعی را یاد بگیرد و این یادگیری اغلب اضطراب آور و وقت گیر است. در این مواقع برای بعضی از کودکان یادگیری موارد آموزشی نسبت به عملکرد اجتماعی باید ثانویه در نظر گرفته شود.
- ۵- یک برنامه آموزشی خوب شامل اهداف خاص برای گسترش مهارت ها در زمینه پردازش اطلاعات می باشد. این برنامه آموزشی به علت سرعت پردازش آهسته و نیاز این گروه به آموزش سیستم های سازماندهی می باشد.
- ۶- در دستور دادن صریح و قاطع باشید. تصور نکنید که کودک AS و NLD می داند که منظور شما در یک موقعیت خاص چیست. برای مثال در حین بازی با کارت اگر به کودک AS بگویید، "یک کارت بردار و آن را در دست نگه دار"، کودک متوجه نمی شود که آیا باید کارت را در دستش نگه دارد یا آن را حفظ کند.
- ۷- حواس کودکان AS و NLD به راحتی با محرکات شنیداری، بینایی و لامسه پرت می شود. این ویژگی نشان می دهد باید وضعیت محیط کلاس، شکل و ظاهر دروس و صفحات تمرین ارائه شده به آنها چگونه باشد.

- ۸- برای اطمینان از توجه کودک به عناوین اصلی، موضوعات یا فعالیت های در حال اجرا وی را تحت نظر داشته باشید. فکر نکنید چون کودک به همان صفحه در حال آموزش تمرکز کرده است الزاماً بر روی موضوع نیز تمرکز صحیح دارد.
- ۹- کودک را نسبت به وظیفه اش در موقعیت های مختلف یا انجام کار ها هوشیار کنید. توصیف خود را از وظایف به صورت صریح و قاطع بگویید. این امر در موقعیت های اجتماعی بسیار مهم خواهد بود، زیرا کودک ممکن است، در یک تعامل بدون دیدن سهم خود احساس قربانی شدن نماید.
- ۱۰- توجه کودک را برای استفاده از اشارات، بیانات چهره ای، جهت دید و نزدیک شدن به افراد در موقعیت های اجتماعی جلب کنید. سر نخ هایی به کودک آموزش دهید تا برای درک معنای یک تعامل به مواردی توجه کند که مورد نیاز است. سر نخ می تواند اشاره ای باشد که از قبل مورد توافق قرار گرفته است. برای مثال تماس آرام و نرم با دست کودک برای تذکر به وی تا به صورت گوینده تمرکز کند.
- ۱۱- هنگام طراحی تکالیف برای کودکان به خاطر داشته باشید که مفهوم وانمود سازی^۱ برای این کودکان آشنا و خوشایند نیست.
- ۱۲- تکالیف منزل باید متناسب با سطح کودک باشند و برای افزایش احتمال موفقیت کودک اصلاح شوند. وجود یک سیستم ارتباطی بین خانه و مدرسه ضروری است و استفاده از تکنولوژی، بسیار توصیه می شود.
- ۱۳- کودک NLD یا AS غالباً در موضوع مورد علاقه خود ماهر می شوند. به کودک اجازه دهید تا این شایستگی را در برخورد با شما و همسالانش به کار گیرد، اما روش هایی نیز برای گسترش توجه کودک، به او پیشنهاد کنید. به خاطر داشته باشد که توجه بیش از حد روی موضوعات خاص ممکن است برای کودک خوشایند باشد.
- معلمین باید موارد زیر را در برنامه درسی کودکان AS و NLD وارد کنند و پیشرفت این کودکان را در همه برنامه ها مد نظر قرار دهند. این نکات عبارت اند از:
- ابتدا و انتهای تمرینات را کاملاً مشخص نمایید.
 - از چک لیست و یا تعدادی کارت های آماده تصویری، نموداری یا متنی برای کمک به کودک جهت تکمیل کار استفاده کنید (شامل تکلیفی که از طریق مدرسه داده می شود).

^۱ -Pretend

- یک مدل از هدف یا نتیجه نهایی تهیه کنید. این مدل می تواند توصیف کلامی یا یک مثال تصویری (برای کودک AS) باشد.
- از کودک بخواهید تا برای شما تکرار کند که از او چه می خواهید. این کار شامل هدف فعالیت نیز می باشد. مطمئن شوید که کودک هدف را درک کرده است.
- دستورات و انتظارات صریح، قاطع و شفاف باشد.
- برنامه آموزش روش ها را به گونه ای طراحی کنید تا کودک بین آگاهی از یک حوزه به حوزه دیگر ارتباط برقرار کند. فرصت هایی برای تعمیم آنچه یاد گرفته است فراهم کنید.
- استفاده از زنجیره سرنخ های بینیایی را به دانش آموز AS آموزش دهید. کارت های تصویری نمونه ای از این زنجیره ها هستند.
- به طور مستقیم بر روی علت و اثر، انگیزش و موضوع اصلی متمرکز شوید. این کودکان این ارتباطات را بدون آموزش صریح و قاطع یاد نمی گیرند.
- در هنگام آموزش مهارت های اجتماعی، ایده های مشخصی در مورد انجام کارهایی برای هدایت موقعیت های اجتماعی پیشنهاد کنید. برای ایجاد موقعیت های موفق برنامه ریزی کنید.
- اطلاعات مکمل از رشته کاردرمانی بسیار مفید می باشد. کنترل حالت برانگیختگی این کودکان معمولاً ضعیف می باشد. همین مسئله باعث ایجاد مزاحمت در یادگیری آنها می شود (اطلاعات بیشتر در مورد حالت برانگیختگی در فصل بعد آورده شده است). همکاری تیمی با کار درمان و متخصص آموزش دیده در زمینه مهارت های حسی و حرکتی در این زمینه بسیار ارزشمند می باشد.

○ فصل نهم

« حرکت اندام ها »

▪ توجه به نقایص پردازش بینایی-فضایی و یکپارچگی حسی-حرکتی

در بیشتر موارد (البته نه در همه موارد)، کودکان NLD و AS منحصر به فرد هستند حتی در دوره نوزادی و کودکی. چنین کودکی فرزند خوبی برای والدین است و به راحتی سرگرم می شود. دائماً به سمت اشیاء نمی رود، متمرکز بر خود و آرام می باشد. گروهی از کودکان NLD و AS گاهی در زمان نوزادی آرام نیستند، ظاهراً با ناراحتی درونی تحت فشارند و توسط متخصصین اطفال و والدین به عنوان کودکانی که مبتلا به دل درد هستند، توصیف می شوند. در عین حال، تمایل دارند وقتی که در مورد آنها یا با آنها صحبت می شود، مورد توجه قرار گیرند. و زمانی که نوپا هستند، اغلب فعالیت های آرام و ساکت را به فعالیت ها و بازیهای غیر قابل کنترل و خشن ترجیح می دهند. اتکای این کودکان به استفاده از زبان برای کشف جهان (به جای اینکه از خواب بیدار شده و به اشیاء چنگ بزنند تا آن را حس کنند و شاید آن را به دهان بگذارند، می پرسند اون چیه؟) احتمالاً اولین علامت استفاده محدود آنها از رفتارهای حسی-حرکتی (جسمی) می باشد. کودکان در رشد طبیعی، مراحل را طی می کنند که اغلب ویژگی رشدی آنها در بین مراحل رشد جسمی، رشد زبانی و رشد مهارت های حرکتی تغییر می کند. گرچه تاکنون مدرکی جهت حمایت از این تفکر وجود ندارد، منطقی به نظر می رسد که کودکان NLD و AS استفاده از زبان و کلمات را نسبت به فعالیت های جسمی راحت تر می دانند، بنابراین رشد آنها در زمینه مهارت های زبانی تقویت می شود. به عبارت دیگر، زبان لذت بخش تر است و این لذت بخشی به استفاده بیشتر از زبان منجر می گردد. به نظر می رسد کودک با سیستم اعصاب از پیش طراحی شده ای بدنیا می آید که در اطلاعات حسی مشکل دارد. به احتمال زیاد کودک NLD یا AS مشکلاتی در ارتباط با حساسیت لامسه و شنیداری دارد و حساسیت بسیار بالا و یا حس ویژه ای در بویایی و چشایی دارند.

مساسیت لامسه

احساس بر چسب پشت پیراهن یا شلوار، پارچه ی لباس های آستین بلند، یا برخورد هوا با پا به دلیل پوشیدن شلوار کوتاه برای بعضی از این کودکان به خاطر ایجاد آشفته‌گی، آزار دهنده می باشد. حمام کردن به طور عام، و استفاده از شامپو به طور خاص (نرمی شامپو روی سر) می تواند برای آنها ناخوشایند باشد. ایستادن در نزدیکی افراد در صف مدرسه یا راهرو و یا تماس دست معلم بر روی شانه کودک، برای آنها خوشایند نیست.

حساسیت حاد لامسه عملکرد روزانه را تحت تاثیر قرار می دهد. اکثر ما به زبری یا نرمی پارچه ویا لوازم منزل، مزه یا حس غذا دقت می کنیم، اما استفاده از اشیا و یا تمرکز ما را برهم نمی زند. اما شیوه ی حس اشیا، که منجر به ایجاد احساس خاصی در کودک AS یا NLD می شود غالباً باعث تحریک و به هم ریختگی آرامش آنها می گردد. توجه داشته باشید این به هم ریختگی‌ها و کج خلقی‌ها همانند کج خلقی های یک کودک لوس نیست. بلکه به احتمال زیاد فشار بیش از حد حسی به کودک وارد آمده و سیستم پردازش کودک در حال خاموشی است. کودک در شرایطی قرار می گیرد که برای کنترل تحریکات تجربه شده ناتوان می گردد، این تحریکات حتی می تواند حس کردن لباس، حس کردن شامپو یا نزدیک افراد ایستادن باشد. طغیان کودک نتیجه ی فشار بیش از حد است.

■ مساسیت شنیداری

حساسیت شنیداری، آگاهی بسیار زیاد کودک از محرک شنیداری است. صداهایی که بلند (یا برای این کودکان خیلی بلند هستند) و یا تکراری هستند مثل تیک تاک ساعت یا ضربه زدن همکلاسی شان با مداد روی میز یا جویدن آدامس، برای این کودکان دلخراش و آزار دهنده است.

سرگذشت جیمی

جیمی در سن ۸ سالگی از عدم سازگاری خود با صدا های خاص در کلاس، آگاه شد. تا قبل از این سن، وی در خانه درس می خواند و تجربه ی کلاس ۲۴ نفره را نداشت. تیک تاک ساعت حواس او را از معلم پرت می کرد. سیستم بلند گوی مدرسه با صدای بسیار بلند (به عقیده او) در کلاس به گوش او می رسید و باعث می شد تا وی گوش هایش را بگیرد. وقتی، همکلاسی هایش با مداد روی میز ضربه می زدند، بسیار عصبانی می شد و از معلم اجازه می خواست تا به همکلاسی اش تذکر دهد. اما تمام این دلخوری‌ها در مقایسه با احساسات درونی وی نسبت به افرادی که آدامس می جویدند، غیر قابل مقایسه بود. باد کردن و

ترکاندن آدامس برای او مثل کشیدن ناخن روی تخته سیاه بود، و نمی توانست این کار را تحمل کند. تنها دفعه ای که از مدرسه اخراج شد، روزی بود که از جا پرید و به همکلاسی اش چنگ زد و فریاد کشید "بس کن، بس کن". جیمی پرخاشگر به نظر می رسید (و در واقع چنین بود) و همکلاسی اش روی زمین افتاد. همه این جریانات بدین دلیل بود که، آن دانش آموز در کلاس آدامس می جوید. معلم تا به حال به این موضوع توجه نکرده بود و آن دانش آموز نیز فکر نمی کرد که آدامس جویدن وی می تواند چنین مشکلی ایجاد کند. جیمی از کار خود پشیمان شده بود و دانش آموزان از آن به بعد به او به چشم یک موجود عجیب و غریب کوچک نگاه می کردند. اما او اعتقاد داشت که کار دیگری نمی توانست انجام دهد.

مساسیت پیشایی و بویایی

والدین کودکان NLD یا AS اعتقاد دارند فرزند آنها بعد از دوران نوپایی، به مدت طولانی سلیقه غذایی غیر معمولی دارد. این کودکان می گویند بعضی از چیزها بو می دهد (در هنگامی که ما بوی خاصی را احساس نمی کنیم). باید توجه نمود هنگامی که بدن خودشان بوی بد می دهد به این نکته توجه نمی کنند (بوی بدن این کودکان اغلب به دلیل مقاومت در مقابل حمام رفتن و عوض کردن لباس می باشد). اگرچه در زمینه ی این حساسیت ها به طور رسمی مطالعه ای انجام نشده است، اما گزارشات غیر رسمی و متعددی وجود دارد که ممکن است به عنوان بخشی از این اختلال، حساسیت بویایی و چشایی همانند حساسیت شنیداری، لامسه و بینایی وجود داشته باشد (حواس این کودکان با تحریکات بینایی بسیار زیاد پرت می شود). آراستگی نا مطلوب در کودکان NLD و AS بسیار رایج است، و احتمالاً ناشی از نامناسب بودن مهارت های حسی آنها است، همچنین ممکن است این مسئله منعکس کننده عدم توجه آنها نسبت به مورد توجه قرار گرفتن از طرف دیگران باشد. (مورد اخیر یکی از دیدگاه های اجتماعی است که در فصل بعد بحث خواهد شد).

سلیقه غذایی

سلیقه غذایی کودکان NLD و AS تجربه شناخته شده ای برای والدین این کودکان است. با توجه به اینکه، هر شخصی سلیقه منحصر به فردی دارد، اما اطلاعات غیر رسمی سلیقه غذایی این کودکان را غذاهای بی مزه، بی رنگ و رو و نرم مثل غذاهای سفید^۱، بیسکویت (نمکین^۲)، نان، پنیر خامه ای، پاستا، شیر نشان

۱- شامل آرد، نمک، شکر، برنج سیب زمینی

۲- بیسکویت ترد

می دهد. نوشیدنی های گاز دار واکنش های متفاوتی را در بعضی از کودکان ایجاد می کند و گزارش شده است که آب میوه و شیر را به نوشابه گازدار ترجیح می دهند. این سلیقه ها بخشی از سیستم حسی این کودکان و همراه با آن ها می باشد. از نظر مداخله ای بهترین کار، دادن حق انتخاب های متعدد به کودک در طول سال های اولیه است که باعث کامل شدن ذائقه کودک می شود. در حین غذا خوردن ، با کودک وارد جنگ نشویم. انتخاب های متعدد مناسب که شامل برخی از «غذاهای سفید» مورد قبول کودک است، را فراهم نمایید. غذایی که سایر اعضای خانواده می خورند را تهیه کنید و از تهیه ی غذاهای آماده یا شیرینی خودداری کنید. این کودکان با تغذیه ضعیف ، صدمه می خورند.

روش های یکپارچگی حسی

تجربه کودکان AS یا NLD در مورد حساسیت های مربوط به حواس واقعی است و این حساسیت ها توانایی کودک را در زمینه توجه، تمرکز و یادگیری تحت تاثیر قرار می دهند. رفتارهای ناشی از این حساسیت ها، بر ارتباطات اجتماعی و حس اعتماد به نفس کودک تاثیر می گذارد. آموزش یکپارچگی حسی به عنوان بخشی از هر مداخله درمانی، از سنین پایین تا دوره دبیرستان برای این کودکان ضروری است .

تعدیل حالات برانگیختگی

اولین مداخله لازم برای کودکی که تشخیص AS یا NLD برای وی داده شده است، ارزیابی کامل توسط یک کار درمانگر ماهر می باشد. زیرا هیچگاه دو کودک مثل هم نیستند. این ارزیابی جزئیات مداخلات مورد نیاز این کودکان را توصیف می نماید و با استفاده از نتایج ارزیابی می توان مناسب بودن برنامه کودک را تعیین نمود. برنامه هایی از قبیل برنامه ALERT که توسط ویلیامز و شلنبرگر^۱ در سال ۱۹۹۴ تهیه شده است (اکثر کار درمانگر ها این برنامه را آموزش می بینند) برای کودکان AS و NLD بسیار سودمند می باشد. این برنامه ها به کودکان کمک می کنند تا در زمینه تعدیل حالات برانگیختگی آموزش ببینند و همچنین فرصتی فراهم می نمایند تا اطلاعات حسی را به شکل بسیار موثر درک کنند. حالات برانگیختگی به معنای سطح توجه و تمرکز فرد در هر زمان می باشد. توجه کم یا حالت برانگیختگی پایین، منجر به پژمردگی و خواب آلودگی و پرت شدن راحت حواس، می شود. برانگیختگی زیاد، حالت هیجان زده و هوشیاری بسیار بالا، همانند برانگیختگی پایین، فرد را مستعد پرت شدن حواس می نماید. ناتوانی در تعدیل حالات برانگیختگی باعث می شود، تا کودک از حالات بالا به پایین در نوسان باشد و احتمالاً نوعی از به

هم ریختگی را تجربه کند. استفاده از روش هایی بدون فشار بیش از حد حسی، برای حفظ توجه و تمرکز باعث می شود تا کودک یاد بگیرد که چگونه به هم نریزد و به تدریج، بیشتر از عهده مهارت ها برآید.

استفاده از موسیقی

سیستم موسیقی همراه با هدفون (مثل پخش صوت یا رایانه قابل حمل، یا پخش کننده سی دی) مداخله ای بسیار موفق برای اکثر کودکان AS و NLD می باشد. موسیقی قابل پیش بینی است و بنابراین هنگام انجام کار، توجه کودک حفظ می شود. این مداخله درمانی برای فعالیت های گروهی و یا هنگام آموزش مستقیم، مناسب نمی باشد. در هنگام استفاده از این مداخله درمانی، بسیار مهم است که زمان گوش دادن به موسیقی را والدین و معلمین برای کودک تعیین کنند، زیرا مرز ظریفی بین استفاده از موسیقی برای حفظ تمرکز و حذف عوامل حواس پرت کن با استفاده از آن جهت اجتناب از ارتباط اجتماعی با دیگران وجود دارد. اگر گوش دادن به موسیقی باعث اجتناب از ارتباط اجتماعی گردد، باید استفاده از این مداخله درمانی مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

بدن در حال حرکت

قانونی در فیزیک وجود دارد که می گوید جسم در حال حرکت تا زمانی که مانعی برای حرکت آن وجود نداشته باشد، به حرکت خود ادامه می دهد. در مورد کودکان AS و NLD نه تنها شروع حرکت به آسانی انجام نمی شود بلکه درحفظ حرکت بدن نیز با شکست روبرو می شوند و به احتمال زیاد خود را برای فعالیت های حرکتی بزرگ و کوچک ضعیف می پندارند، به ویژه فعالیت هایی که مهارت های بینایی-فضایی را درگیر می کند.

آموزش مهارت های حرکتی ظریف

غالباً بستن بند کفش برای کودک AS یا NLD دشوار است. این تمرین نیاز به مهارت های حرکتی ظریف و درک بینایی-فضایی دارد. این کار از بعضی لحاظ مشابه بافتن موی سر است: یادگیری بافتن (مو) برای بعضی از مردم آسان و برای دیگران تقریباً غیر ممکن است. آموزش مهارت بستن بند کفش (به طور کلی گره زدن) را خیلی زود شروع نکنید، منتظر بمانید تا مهارت های حرکتی کودک بلوغ یابد و تا آن زمان از کفش های بدون بند استفاده کنید. به دلیل آنکه، فرزند اقوام شما می تواند بند کفش را در چهار سالگی ببندد، کودک AS یا NLD شما نیز حتماً نباید در سن چهار سالگی این کار را انجام دهد.

هنگام آموزش بستن بند کفش و یا هر فعالیت حرکتی دیگر، دستور العملی مشتمل بر یک سری از توضیحات کلامی طراحی کنید تا در به یاد آوری الگوی فعالیت کمک نماید. از گفتار برای حمایت از مهارت حرکتی استفاده کنید زیرا به موفقیت کودک کمک خواهد کرد. همچنین مدلی از نتیجه پایانی فراهم کنید، این مدل می تواند تصویر یک کفش یا کفش واقعی باشد که بند آن بسته شده است.

▪ آموزش تعادل

دوچرخه یا اسکوتر سواری یا فعالیت هایی مانند این موارد، به تعادل نیاز دارد و تعادل نیز به مهارت های حرکتی چند گانه که به طور همزمان اتفاق می افتد، احتیاج دارد. چنین هماهنگی برای کودک NLD یا AS دشوار است. برای آموزش این مهارت نیز منتظر بمانید: این یک مسابقه نیست که در آن ببینید ابتدا کدام کودک اکثر فعالیت ها را یاد می گیرد. شروع آموزش تعادل از طریق تخته تعادل در کاردرمانی یا در کلاس آموزش تطابق جسمانی، به افزایش موفقیت کودک می انجامد. کودک با صبر و تمرین می تواند راندن دوچرخه یا سایر وسایل را یاد بگیرد. رعایت موارد ایمنی باید به عنوان بخشی از آموزش باشد.

آموزش جهت

همانگونه که پیش تر بحث شد، کودکان NLD و AS عملاً بیش از سایر کودکان مستعد گم شدن هستند. این حالت ناشی از دو ویژگی می باشد: اولاً، مغز آنها اطلاعات بینایی - فضایی را همچون سایرین ثبت نمی کند، ثانیاً این کودکان تمایل دارند عجولانه عمل کنند خصوصاً در موقعیت هایی که نا آشنا هستند. هنگام حرکت در طول مسیر، اکثراً به مسیر (به درجات مختلف) توجه می کنیم، و احتمالاً مسیر را ردیابی می کنیم. از حافظه خود برای آنچه دیده ایم، شنیده ایم یا بوییده ایم استفاده می کنیم و حس مربوط به ارتباطات فضایی بین اشیاء به ما کمک می کند تا به خاطر بیاوریم که چگونه از محلی به محل دیگر رفته ایم. کودک NLD یا AS بطور طبیعی این توانایی را ندارد. او به راهنماییها و دستورات کلامی و کمک های ویژه جهت یاد آوری آنچه باید انجام دهد، نیاز خواهد داشت.

این کودکان، برای یادگیری مسیر حرکت از یک مکان به مکان دیگر در مدرسه (برای مثال از کلاس به بوفه یا سرویس بهداشتی) به دستورات نوشته شده، نیاز دارند. برای بعضی کودکان، استفاده از نقشه ها مناسب نمی باشد، اما شمارش تعداد درهای موجود بین کلاس و سرویس بهداشتی می تواند کمک کننده باشد. باید علائم مشخصی به آنها گوشزد گردد مثلاً: درخت بزرگی در جلوی دفتر مدرسه یا فواره ای کنار اتاق علوم است. به علاوه، کودک برای توجه به مسیر و یاد آوری سرنخ ها باید با یک نفر

تمرین کند (اگر کودکی هم سن کودک AS یا NLD می تواند به آنها جهت استفاده از این سرنخ ها کمک کند از او استفاده کنید). سرنخ ها ممکن است شامل علائم راهنما (کنار فواره به راست بپیچ) یا تکه هایی کوچک از نوار رنگی باشد که برای هدایت کودک در طول مسیر قرار داده شده اند. نوارهای رنگی را فقط برای دانش آموزان کم سن و سال استفاده کنید و به آنها به گونه ای آموزش دهید تا در نهایت از علائم را هنما و دستورات کلامی، استفاده نمایند. در مکان های عمومی جدید، استفاده کودک از یک بی سیم با برد محدود می تواند برای برقراری ارتباط با فرد بزرگسال کمک کننده باشد (در صورتیکه کودک تمایل به استقلال داشته باشد). این عمل، برای بدست آوردن اعتماد به نفس در موقعیت های جدید همچون بازار یا هنگام استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی به کودک کمک می نماید. والدین یا فرد بزرگسال با فاصله به دنبال کودک حرکت می کنند و وی (شاید همراه یکی از هم سن و سالان) رفتن از مکانی به مکان دیگر را تمرین می کند. این فعالیت ها باعث افزایش احساس موفقیت در کودک می شود و احساس درماندگی در شرایط جدید را کاهش می دهد.

اختلال در نوشتن

ناتوانی در نوشتن، اختلال مشترک کودکان AS و NLD می باشد. با آنکه نقاشی کشیدن کودکان AS خوب است، اما غالباً از مشکلات مربوط به نوشتن حروف و کلمات یا دیکته رنج می برند. نوشتن فعالیتی مشابه نقاشی کشیدن نیست و اگر کودکی بتواند خوب نقاشی بکشد، بدین معنی نیست که می تواند خوب و روان بنویسد.

نوشتن (شکل دهی حروف) بعضی از دانش آموزان، خوب است اما کند و دشوار می نویسند. تلاشی که برای عمل نوشتن انجام می دهند این عمل را برای آنها ناخوشایند می سازد و در نتیجه در طول زمان کودک می آموزد که از نوشتن اجتناب کند. بسیاری از کودکان AS و NLD تفاوت قابل توجهی بین دانش خود در رابطه با یک موضوع و توانایی نوشتن در مورد آن موضوع نشان می دهند. بخشی از مشکلات، مربوط به نقایص عملکرد اجرایی می باشد که پیش تر ذکر شد، اما بخش دیگری از مشکلات در ارتباط با حرکت دست آنها جهت نوشتن حروف و کلمات است. نوشتن یک تکلیف بینایی-فضایی و حرکتی ظریف است و به همین علت بسیاری از دانش آموزان AS و NLD مشکلات زیادی در این فعالیت دارند.

▪ نوشتن با مداد در مقابل استفاده از صفحه کلید

به عنوان یک قاعده کلی، تمرکز اولیه باید بر ماهر شدن در نوشتن با مداد باشد: معلم باید مشکلات خاص کودک را بررسی کند، از جمله: ارتفاع میز، مناسب بودن صندلی و وضعیت نشستن دانش آموز، همه این موارد در موفقیت او در یادگیری به طور عام و نوشتن بطور خاص مشارکت دارند.

در زمان خاصی (معمولاً در پایه سوم) نوشتن کودک AS یا NLD متوقف می شود (گیر می کند) و در یادگیری با مشکل روبرو می گردد. در این مرحله، معرفی صفحه کلید به کودک ایده خوبی است، از یک آلفا اسمارت^۱ (مثل لپ تاپ کوچک است اما فقط یک پردازشگر کلمه می باشد) و یا یک لپ تاپ استفاده کنید. به دانش آموزان کم سن و سال نحوه استفاده از یک برنامه پردازشگر کلمه را آموزش دهید تا منجر به کاهش احساس شکست ناشی از نوشتن با مداد گردد. هر کلاس باید حداقل یک آلفا اسمارت را در اختیار دانش آموز قرار دهد. دانش آموزان ممکن است نیاز به اسکن صفحات تمرین در لپ تاپ داشته باشند، و بدین ترتیب می توانند جهت تکالیف ریاضی یا موضوعات دیگر به طور مستقیم با رایانه کار کنند. نرم افزارهایی برای تسهیل انجام این کار وجود دارد. همچنین دانش آموز به معلمین و اساتیدی نیاز دارد که به این ابزارها دسترسی دارند و توانایی و تمایل به استفاده از آنها را نیز دارند. این وسایل رفاهی ساده تغییرات زیادی برای دانش آموز NLD یا AS ایجاد می کنند و باعث می شوند که این کودکان همراه با سایر دانش آموزان در فعالیت های کلاس های آموزشی به طور عادی پیش بروند.

سایر مداخلات مورد نیاز

هر فرد در حین کار وضعیت راحت بدن منحصر به خود را دارد. در ماشین، صندلی را متناسب با وضعیت خود تنظیم می کنیم، در خانه، صندلی یا بالشتک مناسب خود داریم. در سراسر کشور کلاس ها میز و نیمکت مشابه دارند و انتظار می رود تمام دانش آموزان به طور یکسان از آنها استفاده نمایند و برای مدت زمان طولانی بر روی این نیمکت ها، بنشینند. اکثر دانش آموزان تابع این شرایط هستند. اما ممکن است نیمکت های مدرسه مانع توانایی کار و تمرکز کودک NLD یا AS باشد.

▪ کمک به وضعیت بدنی ضعیف

به دلایل ناشناخته بسیاری از کودکان AS و NLD وضعیت بدنی و تن عضلانی ضعیفی دارند. درمان های ویژه ای برای تن عضلانی ضعیف نیاز است که در ادامه بحث خواهد شد. وضعیت ضعیف بدن ناشی از تن

^۱ AlphaSmart

عضلاتی ضعیف کودک است اما به نظر می‌رسد که این ضعف ناشی از شیوه ی استفاده کودک از ابزار های محیطی (یا شکست در استفاده از آنها) هم باشد.

میز و صندلی خوب با ارتفاع مناسب می‌تواند تغییرات بسیار زیادی ایجاد کند. اگر سوالی در این زمینه به وجود آمد، توصیه‌ها و پیشنهادات کاردرمان کودک پس از بررسی میز و صندلی را مد نظر قرار دهید. همچنین، اگر به کودکان AS و NLD اجازه داده شود که کنار میز بایستند، در حال خواندن قدم بزنند یا حتی روی زمین یا صندلی راحتی دراز بکشند، بهتر کار می‌کنند. این اصلاحات همراه با قوانینی که کودک باید از آنها پیروی کند، می‌توانند بدون ایجاد اختلال زیاد در کلاس های ابتدایی انجام شود. استفاده از صندلی‌های ویژه (برای مثال، صندلی‌های T، نوعی از صندلی‌ها که بر روی یک پایه تعادل خود را حفظ می‌کنند و کودک باید تعادل خود را حفظ کند) که ممکن است توسط کاردرمانگر توصیه شود، به حفظ وضعیت بدن، توجه و انجام تکالیف کودک کمک می‌نماید.

کودکان AS و NLD غالباً در هنگام راه رفتن شیوه ای منحصر به فرد و قابل توجه دارند. به نظر می‌رسد که آنها در حال حمل وسیله سنگینی هستند و در نتیجه بیش از حد خمیده شده و تقریباً به صورت دولا راه می‌روند. این طرز راه رفتن باعث انتقال حس ناامنی به همسالانی که حسن نیت کمتری از خود نشان می‌دهند، می‌گردد و غالباً تحت عنوان گام برداشتن تهاجمی به صورت "بیا من را بزن" ذکر می‌شود. بسیاری از این کودکان شبیه به حالت قوز کرده می‌نشینند یا بر روی صندلی به عقب خم می‌شوند، پایه‌های جلوی صندلی را از زمین جدا کرده و تکان می‌دهند و تلاش می‌کنند تا به طور خطرناکی تعادل را روی پایه‌های عقب حفظ کنند. وضعیت بدنی ضعیف آنها می‌تواند منجر به مشکلاتی در رشد نخاع گردد و به محض مشاهده باید اصلاح شود.

کمک به تن عضلانی ضعیف

تن عضلانی ضعیف، توصیف کننده اندام هایی با عضلات لاغر در این کودکان می‌باشد. به نظر می‌رسد، که مشکل عضلانی این کودکان در یک حلقه معیوب قرار می‌گیرد: بدین معنا که کودک تن عضلانی کمتر از حد طبیعی دارد، در نتیجه ورزش کردن برای او دشوار یا ناخوشایندتر از سایر فعالیت‌های انفرادی می‌شود و لذا ورزش نمی‌کند، در نتیجه عضلاتش قوی نمی‌شود. با گذشت زمان کودکان هم سن او قوی تر می‌شوند و در فعالیت‌های جسمی ماهر می‌گردند و کودک NLD یا AS احساس ناراحتی و ناهماهنگی می‌نماید، در نتیجه بیشتر عقب می‌افتد و حتی تمایل کمتری به تلاش دارد. وضعیت بدنی این کودکان، استقامت و سلامت عمومی جسمانی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراهم نمودن برنامه مناسب

با رشد مهارت‌های جسمی این کودکان به اندازه تمرین در مهارت‌های ذهنی مهم است. وضعیت بدنی، استقامت و تن عضلانی نامناسب، یادگیری را در معرض خطر قرار خواهد داد. برنامه رشد مهارت‌های جسمی باید توسط فردی تهیه شود که با شکل مناسب و تناسب فعالیتها در سطوح مختلف سنی، آشنا باشد. برای مثال تمرین رسمی برای تناسب وزن باید توسط فرد متخصص آموزش داده شود، و قبل از ۱۴ سالگی نباید آغاز گردد. با این وجود، فعالیت‌های استقامتی بسیاری برای تحمل وزن وجود دارد که عضلات و انعطاف‌پذیری را پرورش می‌دهند و می‌توان آنها را در سن ابتدایی آموزش داد. آوردن خواروبار از ماشین به داخل خانه، جارو کردن و کندن باغچه با بیل، همگی به پرورش کنترل عضلات و انعطاف‌پذیری کمک می‌کند و کودک را در بخشی از فعالیت‌های زندگی روزمره درگیر می‌نمایند.

یک برنامه تربیت جسمانی^۱ برای کودکان باید شامل موارد زیر باشد:

- فعالیت‌های آماده کردن بدن قبل از بازی
- تمرینات انعطاف‌پذیری و کششی
- فعالیت‌های ایروبیک^۲ (برنامه‌ای جهت افزایش کند و تدریجی مدت زمانی که کودک می‌تواند فعالیت ایروبیک را تحمل کند)
- پرورش مهارت برای بازی و ورزش‌هایی که کودک باید انجام دهد (مثل ضربه زدن به توپ، بسکتبال، بیس بال)
- هنگام اجرای برنامه، یک دانش‌آموز دبیرستانی و یا شخص تعلیم دهنده می‌تواند به عنوان مربی کودک عمل کند.

سفن پایانی درباره این مدافلات

مداخلات بنیایی-فضایی و یکپارچگی حسی، بخش ضروری برنامه های کودکان AS و NLD می باشند. غالباً بعضی از متخصصین اعتقاد دارند که این مداخلات فقط برای کودکان کم سن لازم است و بنابراین خدمات یا برنامه‌های مورد نیاز، با ورود کودک به مقطع راهنمایی پایان می‌یابد. اما باید اذعان نمود که استفاده از مربی، روش‌های اصلاحی ALERT یا تسهیلات رفاهی در کلاس برای وضعیت بدن و اختلال در نوشتن حتی تا مقطع دبیرستان نیز مورد نیاز می‌باشد. والدین نیاز به حمایت از فرزندان خود دارند و خدمات مورد نیاز در این زمینه را مقدم بر خدمات تحصیلی می‌دانند.

^۱ -Physical training program

^۲ -aerobic

○ فصل دهم

« توانش اجتماعی: مسائلی پیرامون خود، دیگران و عزت نفس »

در سراسر این کتاب ما به NLD و سندرم آسپرگر به عنوان اختلالاتی می‌نگریم که در پردازش اطلاعات (شیوه‌ای که افراد اطلاعات را بدست می‌آورند و از آن استفاده می‌کنند) نقص دارند. پردازش اطلاعات مسئله کوچکی به نظر می‌رسد. اما همه مردم در هر لحظه از روز آن را انجام می‌دهند و به همین علت نباید آن را مسئله کوچکی بدانیم. موفقیت در پردازش اطلاعات، برای انجام هر جنبه از زندگی (یادگیری، انجام کار و هر نوع ارتباط) حیاتی مرکزی است. پردازش اطلاعات در بر گیرنده موارد زیر است:

- توانایی یادگیری
- توانایی عملکرد در محیط
- توانایی موفقیت اجتماعی

در این فصل، تأثیرات نقص پردازش اطلاعات بر توانش اجتماعی این کودکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. قضاوت نادرست در مورد خلق یا احساس فرد مقابل، عدم تشخیص خسته کننده یا نامناسب بودن توضیحات، بسیار نزدیک به دیگران ایستادن، اجتناب از پاسخ به دیگران به دلیل احساس وارد شدن حجم زیادی از اطلاعات، همگی ناشی از نقص پردازش اطلاعات است و بر روی موفقیت اجتماعی و در نهایت عزت نفس این کودکان تأثیر منفی بر جای می‌گذارد.

سرگذشت راشل

راشل اکنون ۱۶ سال دارد. سبزه، لاغر و مبتلا به NLD است و از نظر دیگران چهره جذابی دارد. با وجود اینکه مادرش زحمت زیادی برای خرید لباسهای او می‌کشد، اما اغلب ژولیده به نظر می‌رسد و هرگز نمی‌تواند لباس‌ها را متناسب با هم بپوشد. وی تجربیات مربوط به دوره راهنمایی و اولین سال دبیرستان را چنین تعریف می‌کند: سایر دانش آموزان او را به خاطر آشفته بودن و ظاهر ژولیده، و به خاطر عجیب و ساده بودنش، دست می‌انداختند. وی اعتقاد داشت که "کند ذهن" (خصوصاً در ریاضی) و "زشت" است و این موارد را با صدای بلند به دیگران می‌گفت. زمانی که از او پرسیده می‌شد که چرا این کار را انجام

می‌دهد) زیرا این رفتار او اغلب منجر به دست انداخته شدن بیشتر، یا اسم گذاشتن بر روی او می‌شد) وی پاسخ می‌داد که این فکر سایر کودکان است و تمایل داشت سایر کودکان نیز بدانند که راشل هم مانند آنها فکر می‌کند. **وی می‌خواست شبیه به آنها باشد تا شاید با او بهتر رفتار کنند.** هیچ دوستی نداشت و انتظار هم نداشت که دوستی داشته باشد. درباره آینده نگران بود و دچار ناامیدی، یاس و افسردگی روز افزون شده بود.

سرگذشت راشل نشان می‌دهد، تاثیر ناتوانی در پردازش اطلاعات بر روی یادگیری این کودکان و توانش اجتماعی آنها قابل توجه است، و به وضوح اثر این ناتوانی را دیدیم. این ناتوانی اثر قابل توجهی بر روی عزت نفس یا دیدگاه کودک نسبت به خودش دارد. در نهایت ناتوانی در موفقیت اجتماعی و ناامیدی از تجربه تعامل اجتماعی به عنوان یک زبان متفاوت، کودک را از پا می‌اندازد. به مرور، شکست اجتماعی به فقدان عزت نفس منجر می‌شود، و باعث افزایش حس پریشانی و انزوای کودک می‌گردد و در نتیجه منجر به اجتناب از برخوردهای اجتماعی می‌شود. در نهایت، اگر مشکلات اجتماعی آنها بدون درمان رها شود، خیلی از افراد AS و NLD افسردگی قابل توجهی را تجربه خواهند کرد. مداخله در توانش اجتماعی، قبل از شروع افسردگی لازم و ضروری است.

▪ چه چیزی ارتباط اجتماعی را بسیار دشوار می‌سازد؟

کودکان NLD یا AS در درک دیدگاه شخص مقابل مشکل دارند. به یاد داشته باشید که این کودکان هرگز درک واقعی از آنچه که دیگران به آن فکر می‌کنند، نداشته و از آن مهمتر، درکی از تفکر دیگران نسبت به خود نیز ندارند. جهان بینی آنها براساس تفکر خودمحور است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که کودکان AS و NLD سنگدلانه احساسات دیگران را نادیده بگیرند و یا خودبین، خود محور و نسبت به دیگران بی‌علاقه باشند. برعکس آنها خیلی علاقه مند هستند، و فقط از تاثیر دیدگاه و یا نیازهای سایر افراد نسبت به خود آگاهی ندارند. این آگاهی ساده نیست، و این کودکان آن را به سادگی بدست نمی‌آورند.

نگاه کردن در آینه، نگاه کردن به بیرون از پنجره

تفکر خودبینی، مشابه نگاه کردن در آینه و دیدن خود است. این نوع جهان بینی با نگاه کردن از پنجره و دیدن جهان و افراد آن، کاملاً متفاوت است. از بعضی جهات، جهان بینی کودکان AS و NLD همانند نگاه کردن به آینه است و وظیفه ما هدایت آنها برای نگاه کردن از پنجره به بیرون می‌باشد. بررسی مسئله خود بینی این کودکان و ناتوانی آنها در زمینه درک دیدگاه افراد، هدف ارزشمندی است، اما عمل به آن دشوار است. در این رابطه، این تصور وجود دارد که سه حوزه اصلی مشکلاتی که این

کودکان تجربه می‌کنند، به یکدیگر وابسته اند و بر هم تأثیر می‌گذارند. مسلم است کودک NLD یا AS اطلاعات را از مسیر مخدوش دریافت می‌کند. از این مسئله چنین استنباط می‌شود که، تلاش برای مورد هدف قرار دادن موضوع خودبینی، بر مبنای مداخلات مربوط به نقایص سازماندهی و نقایص بینایی-فضایی می‌باشد. بعید به نظر می‌رسد کار کردن بر روی یک حوزه بدون توجه به دو حوزه دیگر، موفقیت‌آمیز باشد.

توجه به سایر افراد

کودک هنگامی که در بغل پدر قرار دارد به ماه اشاره می‌کند و سپس به پدرش نگاه می‌کند، او بدون زبان با پدرش ارتباط برقرار می‌کند. در حقیقت، زبان ارتباط غیر کلامی (اشارات، بیان چهره‌ای و وضعیت بدن) بر پایه زبان چشم‌ها است. نگاه کردن به چشم افراد، از زمان خیره شدن به چشمان مادر در دوره نوزادی شروع می‌شود. ما شروع به استفاده از نوعی ارتباط و تعامل می‌کنیم که ماورای زبان گفتاری است. جالب است بدانید نتایج بررسی سایمون بارون-کوهن^۱ در سال ۱۹۹۵ مشخص نمود که حتی کودکان نابینا از زبانی استفاده می‌نمایند که بر دیدن دلالت دارد، آنها از دیگران می‌خواهند تا به چیزی نگاه کنند (عملی که این کودکان هرگز قادر به انجام آن نخواهند بود). مفاهیم اجتماعی دیدن و نگاه کردن دیر بدست می‌آید و با توجه به مشکلات کودکان AS و NLD در پردازش بینایی-فضایی، تفسیر ارتباطات اجتماعی که بر پایه نگاه کردن است برای آنها بسیار مشکل خواهد بود.

یادگیری توجه کردن

اولین و بدیهی‌ترین جنبه تعلیم توانش اجتماعی برای هر کودک، تمرین توجه به مواردی است که کودک به طور طبیعی به آنها توجه نمی‌کند. برای مثال، بیشتر به نظر می‌رسد که کودک AS یا NLD مطالب گفتگو با مادرش را می‌شنود تا اینکه به تفاوت موهای او، بیان چهره‌ای، یا حتی تن صدای او توجه کند. به علاوه، به دلیل محدودیت‌های مسلم توانایی پردازش اطلاعات کودک (به هم ریختگی و فراموشی در سیستم آشفته ذخیره‌سازی مغز کودک)، تک‌گویی طولانی مدت مادر بی‌فایده است. در حقیقت مادر برای یادآوری آنچه قبلاً به کودک گفته است، موضوع را، بارها و بارها تکرار خواهد کرد که این کار به درک مطلب کمک نمی‌کند (خصوصاً برای مادری که بیش از پیش ناامید است).

ناتوانی کودک در فهم نکات ظریف ارتباطی، به احتمال زیاد منجر به طرد شدگی اجتماعی توسط همسالان و انزوای بیش از پیش کودک می‌شود. درک سرزنش از طریق چشم‌ها، آگاهی در مورد

^۱ -Simon Baron-Cohen

فاصله ای که از دیگران باید بایستد (مانند تمام کودکان)، و یا درک عصبانیتی که به وسیله تن صدای معلم منتقل می‌شود، همه نکات ظریف ارتباطی هستند که کودک NLD یا AS آنها را درک نمی‌کند. باید این نکات ظریف ارتباطی، آموزش داده شوند. بار دیگر یادآوری می‌نماییم که سطح زبانی (توانایی خوب تولید زبان) این کودکان با سطح ارتباطی (توانایی خوب برقراری ارتباط) آنها برابر نیست، لذا باید به کودکان NLD و AS کمک نماییم تا سطح ارتباطی و در نتیجه، توانش اجتماعی آنها گسترش یابد و اولین نیاز کودک، یادگیری توجه به جزئیات مهم در ارتباط است.

ترتیب اولویت: تمرین برای توجه

تمرین توجه کردن باید شامل فعالیتها و آموزش مستقیم جنبه های ارتباطی از بین رفته باشد. والدین و معلمین باید فرصتهایی برای کمک به کودک جهت کسب موفقیت در مهارتهای مورد نیاز فراهم نمایند. ممکن است برخی از جنبه های توجه کردن، بدیهی و برخی کمتر بدیهی به نظر برسد. برای موفقیت اجتماعی، کودک باید یاد بگیرد تا به بسیاری از سرنخها و پیامهای همراه با کلماتی که مردم می‌گویند توجه کند:

- به چشم افراد نگاه کنید. از کودک سؤال نمایید که مردم چگونه اطلاعات را از طریق چشم انتقال می‌دهند: آیا آنها همیشه به یک شیوه نگاه می‌کنند؟ زمانی که فرد از گوشه چشم نگاه می‌کند یا چشمهایش را زیاد باز می‌کند، به چه معناست؟
- توجه نمایید که شخص به کجا نگاه می‌کند. این عمل جنبه ای از توجه مشترک است، و توجه به این مسئله در یادگیری فهم سرنخهای مورد هدف، به کودک کمک می‌کند.
- به بیانات چهره‌ای سایر افراد توجه کنید. کودک بتواند موارد زیر را حدس بزند: این نگاه یک نگاه عصبانی است؟ یک نگاه نگران است؟ یا یک نگاه شاد است؟
- چگونگی نشستن و ایستادن یک شخص را نگاه کنید. از کودک پرسید بر اساس وضعیت بدنی، چه حدسی می‌زند.
- توجه کنید افراد چگونه راه می‌روند (منظور سرعت و روانی حرکت آنها است). از کودک پرسید تند راه رفتن یا آرام و یا همراه با پیچ خوردن، چه معنایی می‌دهد؟

مهارت‌های ساده اجتماعی: مهارتهایی که ساده نیستند اما پیچیدگی کمتری دارند.

مهارت های اصلی که برای موفقیت اجتماعی مهم هستند، شامل توجه به رفتار دیگران است که در بالا بحث شد. علاوه بر توجه کردن، مهم است تا کودک:

- بیانات چهره‌ای و اشارات دیگران را بفهمد.
 - از بیانات چهره‌ای خود و چگونگی انتقال آنها به دیگران آگاه باشد.
 - قادر باشد بفهمد که احتمال دارد چه اتفاقی در شرایط اجتماعی رخ دهد. (پیش بینی، جدید بودن تعاملات را کاهش می دهد).
 - حضور سایر افراد را در گفتگو به خاطر داشته باشد و بداند که گفتگو، تک گویی نیست.
 - داد و ستد اجتماعی را فرا بگیرد. این رفتار جنبه ای از درک تفکرات سایر مردم است. این داد و ستدها شامل توجه، تعارفات و بازخورد است.
- کودک برای انجام منظم این تکالیف، نیازمند چند سال آموزش در زمینه سازماندهی، یکپارچگی حسی و مهارت اجتماعی است. ایده‌هایی برای تمرین در قسمت پایین آمده است. اما بهترین توصیه، به کار گرفتن یک متخصص بالینی با تجربه (روانشناس، درمانگر آموزشی یا متخصص رفتاری اطفال) است که قادر به اداره جنبه‌های متعددی از آموزش مهارت اجتماعی کودک می باشد.

فعالیت‌های تمرینی

- ۱- از بیانات چهره‌ای فرزندان فیلم برداری کنید: خوشحالی، ناراحتی، عصبانیت، نگرانی، ترس، خستگی و غیره. کودک را وادار به تماشای آن فیلم کنید. این کار را با کودکان و بزرگسالان دیگر نیز انجام دهید و کودک را وادار کنید تا حدس بزند که آنها چه احساسی دارند. این تمرین بدون دوربین فیلم برداری نیز می تواند انجام شود: کودک را وادار کنید در حالی که به آینه نگاه می کند، حالت چهره‌ای مورد نظر را، نمایش دهد. عکس‌های فوری از کودک در حین تمرین، بسیار مفید است؛ عکس‌های متعدد در هنگام تمرین و پیشرفت کودک در ایجاد بیانات چهره‌ای مورد نظر تاریخچه‌ای از پیشرفت کودک را نشان می دهد. بیانات چهره‌ای شخصیت‌های کارتون‌ی که کلماتی در زیر نقاشی آنها وجود دارد مفید است. این تمرینات در ابتدا باعث رشد مناسب مهارت‌های اجتماعی می شود اما تعدادی از کودکان (و حتی بزرگسالان) به سختی می توانند ویژگی عاطفی نقاشی‌ها را حدس بزنند و لذا همیشه ارائه تصاویر نمی تواند روش مفیدی باشد.
- ۲- صدای تلویزیون را در حین تماشای فیلم سینمایی قطع کنید و با کودک تمرین کنید تا حدس بزند چه چیزی در حال رخ دادن است. این کار نیازمند درک کودک از سرنخ‌های چهره‌ای، وضعیت بدن و اشارات است.

۳- داستان بخوانید و از کودک پرسید " فکر می کنی بعدا چه اتفاقی خواهد افتاد؟" در زمینه اهمیت اتفاق بعدی بحث کنید (پیش بینی احتمال مواردی که بعداً رخ می دهد). سرنخ هایی به کودک بدهید تا حدس بزند در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. یادگیری درک سرنخ ها و پیش بینی فعالیت ها، شرایط اجتماعی را مشخص تر می سازد.

۴- مجموعه ای تهیه نمایید که کودک در طول یک ماه با آنها برخورد دارد و شامل موقعیت های اجتماعی مختلف مثل مدرسه، اردوهای تفریحی یا جشن تولد باشد. به کودک کمک کنید تا اتفاقات این موقعیت ها را پیش بینی کند و برنامه مورد نیاز برای این موقعیتها طراحی کنید.

۵- به حیوانات توجه کنید و از آنها در تمرین استفاده کنید. اغلب برای کودک، کار کردن با حیوانات نسبت به تمرین موقعیتهای اجتماعی با افراد، اضطراب کمتری به همراه دارد و سرگرم کننده تر است. هنگامی که سگ دمش را تکان می دهد چه منظوری دارد؟ زمانی که او از ترس دولا می شود و گوش- هایش را عقب می دهد چگونه؟ ارتباط با حیوانات برای تمرین بر روی همدلی و درک سرنخ های اجتماعی، روش شگفت انگیزی می باشد، زیرا حیوانات قابل پیش بینی و جالب هستند. خصوصاً سگ ها، رفتار اجتماعی دارند و به سادگی یاد می گیرند. تمرین با سگ می تواند برای کودک خیلی مثبت باشد، چون اکثر سگ ها (بجز موارد معدود)، اشتباهات مربی را می بخشند و با دیدن کودک شاد می شوند.

در مدرسه Orion، تعلیم سگ یک واحد درسی لازم برای تمام دانش آموزان است. در این برنامه دانش- آموزان می آموزند تا به سگها حرف شنوی و رفتارهای خوب را تعلیم دهند. زمان زیادی در این واحد درسی به آموزش زبان سگها اختصاص دارد (دستیابی به اطلاعاتی در رابطه با روند رشد آنها و مفهوم رفتارهایشان)، این دانش، مهارت های کودک را در حد یک مربی رشد می دهد. مبنای این واحد درسی بر اساس این ایده می باشد که تمام حیوانات و خصوصاً سگها تعاملات اجتماعی با معنی و پیچیده ای دارند و به علاوه رفتار آنها نسبت به مردم راحت تر فهمیده می شود، لذا حیوانات الگوی مناسبی برای یادگیری نحوه برخورد با مردم به ما می دهند. برای موفقیت به عنوان مربی سگ ها، دانش آموزان باید علامتهایی که به سگ یاد می دهند را فرا بگیرند و در عین حال علامتهای سگ را نیز بفهمند. دانش آموزان NLD,AS می توانند این گونه مهارتها را در زندگی روزانه استفاده کنند.

کار کردن با حیوانات نیازمند راهنمایی فردی ماهر و آگاه می باشد، و سگها نیز باید بر حسب طبیعت و قابل تعلیم بودنشان انتخاب شوند. توصیه می شود که کودک NLD,AS با یک حیوان خانگی دست آموز که از لحاظ بهداشتی وضعیت مشخصی ندارد و یا با یک سگ نا آشنا، تنها رها نشود. سایر برنامه های این کودکان علاوه بر کار کردن با سگها، اسب سواری است. بعید است اسبها مانند سگها با

اشتباهات کودک آسیب بینند آنها زیرک هستند و به طور کلی از بودن در اطراف مردم لذت می‌برند. برای موفقیت در این مداخلات حضور بزرگسالان آموزش دیده ضروری است، این نوع کارها باید برای اکثر کودکان در دسترس باشد.

مهارت‌های رو به رشد توانش اجتماعی

معمولاً فرایند مهارت‌های رو به رشد توانش اجتماعی در طی چند سال شکل می‌گیرد. همانطور که قبلاً ذکر گردید، مهارت "خواندن ذهن" (بارون- کوهن ۱۹۹۵) و ارتباط اجتماعی از همان آغاز دوران نوزادی وجود دارد. اولین مهارتهایی که کسب می‌شوند ساده و آسان است. هنگامی که کسی می‌گوید "سلام" شما به روش ثابتی پاسخ می‌دهید: برای مثال، به فرد نگاه می‌کنید و پاسخ می‌دهید "سلام". اما طولی نخواهد کشید که مهارت‌های ساده با انتظارات پیچیده‌ای همراه می‌شود. سلام کردن به فرد بزرگسال به شرایط متفاوتی از نظر استفاده از کلمات، آهنگ صدا و نزدیکی جسمی نسبت به فرد هم سن، نیاز دارد. مهارت‌های ساده‌ای که کودک با آنها آغاز می‌کند در طول زمان افزایش می‌یابد و در بزرگسالی تعاملات اجتماعی پیچیده‌تری مورد انتظار است. برای کودک NLD یا AS، حرکت از مهارت‌های ساده که او به خاطر می‌آورد، به سمت مهارت‌های پیچیده که در دوره نوجوانی و بزرگسالی انتظار می‌رود، کار دشواری است. آموزش و مداخله در زبان مهارت‌های اجتماعی، اولین نیاز برنامه این کودکان است.

راههای متعدد و ساده‌ای برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در مدرسه و منزل وجود دارد، اما راهنمایی‌های کلی موجود هستند. تمام کودکان، هنگام کار بر روی موضوعات مورد علاقه خود، با غریبه‌ها بیشتر از والدین کار می‌کنند و به آنها توجه می‌کنند، بدون در نظر گرفتن اینکه رابطه کودک و والدینش چقدر نزدیک است (و اغلب به این دلیل که رابطه کودک با والدین خیلی نزدیک است)، کودکان تمایل ندارند در مورد نگرانی‌ها یا رفتارشان با والدین، با آنها راحت صحبت کنند. مسئول آموزش و نظارت بر مهارت اجتماعی در مدرسه و یا در تمرین‌های خصوصی، بهتر است روانشناس باشد. والدین باید برای کمک به برنامه، از طریق تمرین در منزل وارد کار شوند. آسیب شناس گفتار و زبان نیز شریک بسیار خوبی برای والدین در زمینه آموزش رشد زبان کاربردی و تشکیل جلسات گروهی کوچک می‌باشد. هنگامی که والدین گروه تایید شده‌ای از افراد متخصص و مراقب برای کمک به فرزندشان در نظر می‌گیرند، مزایا و تغییرات مناسبی به دست می‌آید.

مفهوم "دیگران"

کودکان AS و NLD برای بررسی خودشان باید در زمینه پاسخ اتوماتیک رشد نمایند (تا توجه کنند که چه کاری انجام داده و چه پاسخی گرفته اند). آگاه شدن نسبت به دیگران باعث کاهش تمایل این کودکان به تنهایی و کناره گیری می شود و به یادگیری زبان ارتباطی اکتسابی مورد استفاده هم سالانشان جهت مورد تأیید قرار گرفتن، کمک می کند. نیاز ابتدایی آنها، احساس وجود فرد دیگر در تعامل است (آگاهی از وجود شنونده)، در تمرین توجه نسبت به افراد، این آگاهی باعث افزایش توجه می شود، تمرینات شامل موارد زیر است:

- خلق یا احساس آنها: حقیقت این است که از نظر کودک AS و NLD افرادی که بدون سوال کردن، تشخیص می دهند که یک نفر ناراحت است، جادوگر هستند (مانند خواندن ذهن).
- حالات آنها: آیا حالات آنها با خلق آنها که از طریق کلمات و اعمال انتقال می دهند متناسب است؟
- وضعیت بدن آنها: چه چیزی را منتقل می کند؟
- ارتباط فضایی با دیگران: آیا افراد به آنها نزدیک هستند یا از آنها دور می شوند؟ آیا سایر افراد با نزدیک شدن به کودک راحت به نظر می رسند؟
- تن صدا: صدای افراد متغیر است یا یکنواخت، بلند است یا آرام؟ از کودک بخواهید گفتار خود را با گفتار شخص دیگر مقایسه کند. آیا در گفتارش تغییرات زیر و بمی و بلندی وجود دارد؟
- سرعت گفتار: اگر گفتار شخص دیگر تند یا کند باشد به چه معناست؟
- انتخاب کلمات: آیا کلمات انتخابی گوینده هنگامی که با همسالان و سایر شنوندگان (معلمان- والدین و همکلاسی ها) صحبت می کند و آنها را مخاطب قرار می دهد مناسب است؟

گسترش مدافلات برای مهارت های ساده اجتماعی

برای آموزش هر مهارت یا رفتار، تعلیمات ساده همراه با راهنمایی های کلی (در زیر آمده است) مورد نیاز هستند. الگوی آموزش مهارت های اجتماعی شامل مراحل زیر است:

- ۱- به کودک به طور کلامی دقیقاً توضیح دهید که چه کاری باید انجام دهد، در صورت لزوم متن و یا مجموعه ای از دستورات کلامی تهیه کنید. برای مثال، شما می توانید با استفاده از زبان در جهت کمک به درک مفهوم "حالات چهره ای" استفاده نمایید.

- ۲- با استفاده از تصویر، فیلم یا نقش بازی کردن و یا یک مثال الگوی یک رفتار را ارائه دهید، زیرا کودک می‌تواند نحوه ی انجام و یا عدم انجام آن رفتار را ببیند.
- ۳- از کودک بخواهید تا آنچه را انجام می‌دهید، برایتان شرح دهد. اگر از متن استفاده می‌کنید، از وی بخواهید تا متن را یاد بگیرد.
- ۴- از کودک بخواهید تا رفتار را تقلید کند و یا خودش آن را نمایش دهد.
- ۵- برای آنکه رفتار در حافظه کودک بماند، شرایطی فراهم نمایید. نوع اطلاعاتی که آموزش می‌دهید، نحوه ی مناسب یادآوری آنها را تعیین می‌کند. به عنوان مثال، برای اینکه به کودک کمک کنید تا به خاطر بیاورد که تمام رفتارهای مربوط به سلام و احوال پرسی و ملاقات افراد به یکدیگر وابسته هستند، آنها را همراه با هم آموزش دهید. کودک می‌تواند از شعر برای یادآوری بهتر استفاده کند یا کتابی در این زمینه برای کودک تهیه کنید.
- ۶- کودک باید با بزرگسالان و همسالان و در گروه‌های مختلف تمرین، تمرین و تمرین کند.

پی‌ریزی مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی و جوانب متعددی از برخوردهای اجتماعی وجود دارد که باید یاد گرفته شوند، و به همین دلیل این فرآیند مشکل است. اما تعداد معدودی از مهارت‌ها را می‌توان شناسایی نمود که برای دستیابی به موفقیت ضروری هستند. فرم بازیابی زبان کاربردی مورد استفاده در مدرسه Orion که در فصل ۲ آمد را به یادآورید. این فرم بسیاری از مهارت‌های اصلی برای موفقیت اجتماعی را به اجمال مطرح می‌کند (مهارت‌هایی که اکثر کودکان در طول زندگی بر آنها تسلط می‌یابند). در تهیه برنامه مناسب برای کودک NLD یا AS، ارزیابی نقاط قوت و ضعف اجتماعی کودک باید مقدم بر سایر موارد باشد. بعد از ارزیابی باید برنامه‌ای طراحی شده و هماهنگی برای تربیت اجتماعی فراهم گردد. این برنامه باید متناسب با سطح رشد کودک باشد. انتظارات ما از یک کودک ۸ ساله در سالن ناهار خوری مدرسه، بسیار متفاوت از یک فرد ۱۷ ساله در همان موقعیت می‌باشد. به خاطر داشته باشید، مهارت‌ها باید بر مبنای یکدیگر پی‌ریزی شود، شما هرگز از کسی که رانندگی بلد نیست، درخواست نمی‌کنید بین دو شهر رانندگی کند. ابتدا بخش‌های مختلف رانندگی را آموزش می‌دهید، سپس با نظارت تمرین می‌کنید و پس از کسب موفقیت در موقعیت‌های مختلف، شخص را به بزرگراه‌های شهر می‌فرستید.

بنابر این مهارت‌های ساده («ساده» تنها از این جهت که آنها مهارت‌های پایه برای مهارت‌های پیچیده هستند) که لازم است کودک در آنها ماهر شود، شامل چه مواردی است؟ نوجوان NLD یا AS باید درک

نسبی از تمام مهارت‌های فهرست شده در زیر را قبل از ورود به دبیرستان، داشته باشد. هنگامی که کودک این مهارت‌ها را به درستی انجام داد، او را تشویق کنید. ما اغلب اوقات اشتباهات را به سرعت گوشزد می‌کنیم اما فراموش می‌کنیم موارد صحیح را خاطر نشان کنیم.

۱- هنگام برقراری ارتباط، به چشم‌های فرد مقابل نگاه کند. این رفتار دلیل بر توجه است و کمک می‌نماید تا مطمئن شوید، کودک واقعاً حالات چهره‌ی گوینده را می‌بیند. برای به خاطر آوردن انجام این رفتار به کودک سر نخ‌ی ارائه نمایید، این کار برای یادآوری به او ضروری است، این تمرین می‌تواند به وسیله ویدئو یا در یک گروه کوچک انجام شود.

۲- از حالات چهره‌ی متناسب با محتوای کلمات گفته شده استفاده کند. فعالیت‌هایی نظیر تطابق چهره با گفته‌های نوار صوتی و تمرین دو نفره، در ایجاد این مهارت مناسب است.

۳- به حالات چهره‌ی، وضعیت بدن و نزدیکی بدن خود با دیگران توجه کند. بهتر است این آموزش در جلسات انفرادی آغاز شود، سپس به تدریج به سمت تمرین در گروه‌های کوچک بروید. حفظ ارتباط بین این سه حوزه (حالات، وضعیت و نزدیکی) بسیار مشکل‌تر از هر کدام به تنهایی است و افزایش تعداد نفرات گروه از یک یا دو نفر به چند نفر باعث افزایش پیچیدگی خواهد شد.

۴- واضح صحبت کند (زیر لب سخن نگوید). برای بعضی کودکان، زیر لب سخن گفتن با جنبه‌های حرکتی در ارتباط است و نیاز به گفتار درمانی دارد. برای سایر افراد این رفتار، فقط یک عادت بد می‌باشد.

۵- از تن‌های متغیر صدا و بلندی مناسب استفاده کند. غالباً کودک NLD یا AS درباره بلندی صدای خود بد قضاوت می‌کند و فراموش می‌کند که چگونه مطلب خود را به صورت جذاب برای شنوندگان بگوید. تهیه نوار صوتی یا ویدئویی باز خورد مناسبی برای کودک فراهم می‌کند.

۶- موضوعاتی را برای گفتگو انتخاب کند، که با موقعیت (مدرسه، خانه یا سایر موقعیت‌های اجتماعی) و شنوندگان (همسالان، بزرگسالان، اعضای خانواده، غریبه‌ها) متناسب باشد. برای بسیاری از کودکان، قسمتی از آموزش باید شامل فهرست جداگانه‌ای از موضوعات باشد (فهرستی برای مدرسه، و یکی برای تمرین‌شنا، یا سایر موقعیت‌های اجتماعی و یک مورد نیز برای منزل). کودک با استفاده از این فهرست‌ها می‌تواند در موقعیت‌های جدید یا رقابتی احساس امنیت می‌کند. تمرین با گفتاردرمان کودک یا روانشناس، در گروه کوچک انجام شود تا احساس مهارت در کودک افزایش یابد.

۷- موضوع را در گفتگو حفظ کند. کودک باید بیاموزد که روند موضوع را حفظ کند و اطلاعات لازم را به گونه‌ای بیان کند که دیگران بفهمند، او در رابطه با چه چیزی صحبت می‌کند.

۸- در تغییر موضوع گفتگو انعطاف پذیر باشد. کودک اغلب به موضوع مورد علاقه خود برمی گردد و باید به او یادآوری شود که دیگران هم می خواهند درباره موضوع خود صحبت کنند. این کار تمرین و باز خورد بزرگسالان را نیاز دارد.

۹- در گفتگو نوبت را رعایت کند (نه اینکه آن را به انحصار در آورد)

۱۰- قبل از صحبت در گروه یا کلاس، منتظر بماند به او اجازه داده شود یا وی را صدا بزنند.

۱۱- به طور مناسب خود را به دیگران معرفی کند.

۱۲- از تعارفات کلامی (مانند "از دیدن شما خوشحالم"، "حال شما چطور است؟"، "لطفاً"، "متشکرم" و غیره) به طور مناسب استفاده کند.

۱۳- هنگام نیاز، کمک بخواهد. دانستن زمان نیاز کودک به کمک، مشکل است، چون ممکن است کودک به کسی چیزی نگوید، اما فراهم کردن نیاز کودک و تشویق او برای کمک خواستن احتمالاً بهترین راه برای افزایش این رفتار است.

تمام کودکان NLD و AS نیاز به برنامه ای دارند که مهارت های ذکر شده در بالا را (متناسب با سن کودک) مورد توجه قرار دهد. قسمتی از برنامه باید شامل مهارت های پیچیده اجتماعی باشد که در بخش های بعدی بحث خواهد شد. برای اکثر این کودکان شرکت در گروه مهارت های اجتماعی هفتگی به تنهایی کافی نخواهد بود. افراد حاضر در محیط زندگی آنها باید در زمینه رشد این مهارت های مهم آنها را حمایت کنند. در اغلب موارد بهتر است برای او الگویی از یک کودک هم سن در نظر بگیریم. در پایه های پایین تر، مداخله معلم برای تعیین دوست، می تواند بسیار مفید باشد. همزمان با تمرین در تعاملات اجتماعی، دوست کودک الگویی (از موارد متعدد) برای ایجاد رقابت به کودک ارائه می دهد. اما تا پایه سوم، سایر کودکان علاقه اندکی نشان می دهند تا مسئول کودک NLD یا AS باشند (وظیفه این افراد این نیست که همراه همیشگی این کودکان در زنگ تفریح باشند). مداخله لازم، اختصاص مشاور برای کودکانی است که نیاز بیشتری در حوزه اجتماعی (کودکان مستعد "گم شدن در فضا" و به طور کلی دارای سازماندهی ضعیف) دارند. استفاده از مشاور، مشکلات مربوط به خود را دارد. باید با دقت از خدمات مشاوران استفاده شود و خدمات آنها به مرور حذف گردد. هنگامی که هر برنامه اصلاحی برای کودک ایجاد می شود، تمام برنامه باید شامل تحول یا اصلاح آن خدمات باشد. اگر کودک همیشه به خدمات نیاز دارد، برنامه باید چگونگی اصلاح در بزرگسالی را در نظر داشته باشد.

ورود زود هنگام به جمع هم سالان و کلاس های آموزشی جهت تحمل اختلافات، نه تنها برای دانش آموزان NLD یا AS بلکه برای تمام کودکان مهم است. در عین حال این آموزش ترکیبی

(مداخله در سطح کلاس یا مدرسه) اگر با آموزش مستقیم کودک NLD یا AS همراه نباشد، سودمند نیست. مسئولیت نتیجه تغییرات و توانایی کودک در کنترل شادی و موفقیت خود، به عهده خود او است و به محیط زندگی کودک بستگی ندارد. در حالی که این مطلب ممکن است در رویکردهای درمانی اهمیت کمتری داشته باشد، اما واقعاً مفهوم مهمی است. همانطور که قبلاً ذکر شد، هدف این برنامه ها برای کودک NLD یا AS این نیست که برای خوشحال شدن و موفقیت خود به حمایت محیط وابسته باشد، بلکه هدف کمک به خودکفا شدن آنها در بزرگسالی است تا بتوانند مالک احساسات خود گردند و برخی از سطوح توانش در روابط اجتماعی را درک نمایند.

مهارتهای اجتماعی پیچیده

مهارتهای اجتماعی نیز مانند ریاضیات، بر مبنای یکدیگر استوار هستند. هنگامی که یک مهارت فراگرفته می شود، به مهارتهای دیگر اضافه می شود و به این ترتیب مهارت های اجتماعی پیچیده و پیچیده تر می شوند. اکثر کودکان تعاملات پیچیده را هر روز به کار می برند (برای مثال یک گفتگو را حفظ می کنند). گفتگوها، اهداف و یا منظور خاصی دارند و هدف یک شخص ممکن است از هدف شخص دیگر متفاوت باشد. این مطلب به این معنی است که فهمیدن نیازها، قسمتی از گفتگو است که می تواند ساده یا پیچیده باشد. در خواست سبب زمینی بیشتر از مادر در هنگام شام، ممکن است منجر به شروع یک گفتگو شود. ممکن است مادر پرسد از سبب زمینی ها خوش آمد؟ اگر شما تمایل به صحبت زیاد ندارید می توانید منظور خود را به خوبی از طریق لحن، وضعیت بدن و حالات چهره منتقل کنید. این مثال یک تعامل ساده می باشد. اما پیچیدگی زمانی به وجود می آید که شما بفهمید مادر برای آماده کردن سبب زمینی ها خیلی زحمت کشیده است. شما می خواهید از او تعریف و تمجید کنید و حدس می زنید سؤال مادر به این علت است که ببیند شما از او تعریف می کنید یا نه. بنابراین این کار را انجام می دهید حالا تعامل پیچیده تر می شود، و هدف شما تغییر می یابد و گرفتن سبب زمینی بیشتر برای اطمینان بخشیدن به مادر است تا احساس کند که از او تعریف شده است ما معمولاً هرگز در مورد لایه های ارتباط و معانی آن در مکالمات یا تعاملات فکر نمی کنیم (گاهی اوقات هیچ کلمه ای رد و بدل نمی شود، اما ارتباط زیادی برقرار می شود). کودکان NLD , AS در این زمینه خیلی خوب عمل نمی کنند. اگر تعاملی به سادگی خواستن سبب زمینی بیشتر در حین شام، به سادگی به تعاملات دیگری منجر می گردد، تصور کنید در تعاملات متعددی که روزانه در آن شرکت داریم، چه اتفاقی رخ می دهد. در اینجا صحبت راجع به تکالیف چندگانه است، ما

به طور پیوسته در یک زمان، مفاهیم متعددی را سازماندهی می کنیم و سطوح ارتباطی مختلف را می فهمیم.

مهارتهای گفتگو و سایر مهارتهای پیچیده اجتماعی در طول زمان رشد می یابد، و از مهارتهای ساده که در ترکیب با یکدیگر و یا به دنبال یکدیگر می آیند، استفاده می نماید. اکثر کودکان NLD, AS تقریباً به میزان مشابه نیازمند آموزش مستقیم این مهارتها می باشند، همانند کسب مهارتهای اجتماعی ساده زیر:

۱- آگاهی از علاقه شنونده (نه حاشیه پردازی راجع به موضوع). این مهارت یک مهارت پیچیده است که مهارتهای زیادی را به هم پیوند می دهد. توجه به سرنخ های کلامی و غیر کلامی، سازماندهی افکار، تنظیم لحن صدا و انعطاف پذیری در موضوعات مکالمه، تعدادی از این مهارتها هستند که می توان به آنها اشاره کرد.

۲- موضوعات به طور شفاف آغاز شود و مورد بحث قرار گیرد. موضوع و ارتباط بین موضوعات به طور شفاف برای شنونده حفظ شود.

۳- بیان اطلاعات به طور مرتبط و دقیق. کودک باید مطلبی را که می خواهد بگوید سازماندهی نماید و بر روی آن تمرکز کند.

۴- توجه به توضیحات مردم، پاسخ به آن و در صورت لزوم، اجازه تغییر جریان مکالمه. مورد آخر مهارت بسیار مهمی است و اغلب از آن چشم پوشی می شود.

۵- درک و استفاده صحیح از کنایه.

۶- درک و استفاده صحیح از استعاره و قیاس.

۷- درک و استفاده مناسب از شوخی (پاسخ به شوخی متناسب با سن). همه شوخی ها بدنیستند، و یادگیری نحوه شوخی با دوستان، هنری است که می توان کسب کرد.

۸- رها کردن بحث (کودک ممکن است مجبور باشد مخالفت افراد دیگر را بپذیرد).

۹- یادگیری مناسب قطع گفتگو.

۱۰- یادگیری درخواست از گوینده تا منظور خود را به طور مناسب توضیح دهد. تفاوت زیادی بین جمله "بیخشید می توانید توضیح دهید که منظور شما از چه بود" با جمله "صحبت شما هیچ معنایی ندارد" وجود دارد.

۱۱- به راحتی با دیگران وارد مکالمه شدن.

۱۲- آغاز موضوع اصلی گفتگو. صحبت نکردن در مورد یک موضوع به دفعات.

مشکلات ناشی از فود بینی

ایده نگاه کردن به آینده نسبت به نگاه کردن از پنجره به بیرون، راهی برای درک مشکل تعاملات اجتماعی کودکان AS و NLD است. این ایده اغلب در متون مورد بحث قرار نمی گیرد، اما کودکان و نوجوانان AS و NLD ممکن است به نظر دیگران مغرور و خودبین باشند. اصرار آنها بر قوانین انعطاف ناپذیر و نشان دادن خود به عنوان فردی ماهر، ممکن است باعث گردد در چشم همسالانشان اندکی خوش آیند باشند، اما این مسئله برای اعضای خانواده آزاردهنده است. متخصصین و والدین اغلب تلاش می کنند تا اعتماد به نفس پایین کودک را افزایش دهند و به همین دلیل از این رفتارهای نامناسب حمایت می نمایند، تا اعتماد به نفس متزلزل وی تقویت گردد. درحالی که نیاز به حمایت از اعتماد به نفس، درست است اما اجازه دادن به کودک که مغرور یا خود پسند باشد، نه اعتماد به نفس کودک را بالا خواهد برد و نه مهارت های اجتماعی او را بهبود می بخشد. تمام این اتفاقات لایه دیگری از مشکلاتی است که به بار سنگین نقایص اجتماعی قبلی کودک اضافه می شود. این مشکلات برای والدین همچون مسیر دشواری است که باید آن را پیمایند و به کودک کمک کنند که علی رغم وجود مشکلات، احساس خوبی در مورد نقاط قوت خود داشته باشد، ولی در عین حال غرور و احساس "خاص بودن" به او دست ندهد، زیرا در این صورت احتمال دوست پیدا کردن برای او کم می شود.

سرگذشت ریچارد

ریچارد در سن ۱۴ سالگی، در تمام کارهای مربوط به رایانه خود را ماهر می دانست. او و پدرش ساعات لذت بخشی را با رایانه می گذراندند و برسر تغییرات و برنامه ریزی برای انجام آن تغییرات بحث می کردند. این ساعات برای ریچارد، لذت بخش بود و پدرش مکرراً به او گفته بود که چقدر در علم رایانه نسبت به همسالانش، باهوش و پیشرفته است. در عین حال زمانی که ریچارد به مدرسه رفت همسالان او تصور نمی کردند که وی از دیگران متمایز است. ریچارد می دانست که بسیاری از همکلاسی هایش در ورزش، بهتر از او هستند، سازمان بندی شده تر به نظر می رسند و دوستان بیشتری دارند. همچنین می دانست همکلاسی هایش در درس تاریخ موفق هستند، اما مطمئن بود که خودش در مورد رایانه ها بیشتر می داند. زمانی که در مورد رایانه و بازی هایی که دانلود کرده بود صحبت می کرد، برخی از دانش آموزان مدتی علاقمند به نظر می رسیدند، اما در نهایت، همه از او دور می شدند و ریچارد خود را تنها می یافت. او دوست داشت در این زمینه دیگران را راهنمایی کند تا نشان دهد چقدر می داند، اما فرصتی وجود نداشت و زمانی هم که این فرصت به وجود می آمد راهنمایی های او به سختی از

طرف دیگران پذیرفته می‌شد. یک روز صبح خیلی زود به کلاس آمد تا معلم خود را ببیند، معلم در حال بحث کردن در مورد مشکلات رایانه با معلم دیگری بود. ریچارد بدون اجازه به مکالمه آنها وارد شد و برای مشکل رایانه معلم خود، راه حلی ارائه داد. در آن لحظه معلم از این رفتار ناراحت شد و پاسخ داد "متشکرم ریچارد، اما من مشکل را تحت کنترل دارم" و به طرف معلم دیگر برگشت. ریچارد دوباره صحبت معلم را قطع کرد و گفت "خوب درسته، اما من فکر نمی‌کنم این کار را انجام داده باشید" البته نیازی به گفتن نیست که نظر ریچارد برای معلم اهمیت نداشت.

ماهر بودن

تکیه بر زمینه‌هایی که کودکان و نوجوانان NLD,AS در آنها مهارت دارند، رفتار شایعی در میان آنها است. علایق آنها در زندگی محدود است و در زمینه‌هایی که مدت زیادی بر روی آن تمرکز کرده‌اند، مهارت خاصی به دست می‌آورند. حائز اهمیت است تا به این نکته توجه شود که گرچه ممکن است کودک NLD یا AS سالها به حشرات علاقه مند باشد، ولی ممکن است در این زمینه دانش بسیار محدودی به دست آورد و شاید حتی دانش زیادی در حوزه خاص مثلا مورچه و یا سوسک نداشته باشد. مشکلات زمانی شکل می‌گیرد که این ویژگی‌های ماهرانه، همانند سلاح ظاهر شده و به کار رود و این اتفاق اغلب زمانی رخ می‌دهد که کودک بترسد یا گیج شود. کودک مثل سایرین به دنبال احساس خوب است و صحبت در مورد مهارت‌های قبلی برای وی لذت بخش است. متأسفانه، کودک درک اندکی از تاثیر این روش بر روی نگرش دیگران نسبت به خود، دارد. گاهی اوقات، این ویژگی رفتاری بدتر می‌گردد، زمانی که متخصصین یا والدین مکرراً به کودک NLD,AS می‌گویند «تو چقدر باهوش هستی». تفسیر تحت الفظی کودکان NLD,AS باعث می‌شود کودک فکر کند که والدین او اعتقاد دارند که او در کل خیلی باهوش است و این گفته را برای دیگران تکرار کند در حالیکه چنین چیزی ممکن است اصلاً مطرح نباشد.

تکبر

هنگامی که به همکلاسی‌هایش می‌گوید که باهوش‌تر از آنها است و یا هنگامی که قبل از ارائه ایده خود در مورد موضوع، هر مکالمه‌ای را با عبارت «بله، صحیح است» قطع می‌کند، این کار باعث می‌شود دیگران وی را فردی مغرور تصور نمایند. این تصور از بعضی جهات می‌تواند درست باشد بویژه اگر کودک، هرگز از سایرین در رابطه با دیدگاه خاصی کمک نخواست باشد در نتیجه همسالانش عصبانی می‌شوند و او را طرد می‌کنند. کودک NLD یا AS همانند هر شخص دیگر فقط می‌تواند در حد یک کودک متوسط باشد. به ویژه زمانی که این کودکان احساس گیجی یا ترس می‌کنند، خزانه اجتماعی

محدود آنها، اطلاعات را فقط براساس آنچه می‌دانند، تنظیم می‌نماید. سلاح و دفاع آنها اندک است و زبان بهترین چیزی است که آنها می‌دانند. تمایل به متکبر بودن افراد NLD یا AS پوششی است برای احساسات غیرقابل کنترل و حس سردرگمی آنها، که اغلب نیز نادیده گرفته می‌شود. کودک احساس کاذبی در کنترل لحظه‌ای خود دارد و دوباره حس برگشت به دوران کودکی را پیدا می‌کند و این رویکرد در طولانی مدت اصلاً مفید نخواهد بود. کودک NLD یا AS توانایی کنترل شرایط اجتماعی را ندارد و در این حالت ترجیح می‌دهد خود را مغرور نشان دهند، و بدتر از آن تمایل دارد که از این پاسخ ماهرانه، حتی زمانی که نرسیده است نیز، استفاده کند. این رفتار نمونه‌ای از رفتار ویژه این کودکان است، همانند رفتاری که نوجوان NLD هنگامی که تصور می‌کند همسن و سالانش او را طرد کرده‌اند، از خود نشان می‌دهد. در این زمان او شروع به بالاتر نشان دادن خود می‌کند و قبل از اینکه دیگران او را طرد کنند، وی آنها را طرد می‌کند.

متأسفانه بسیاری از کودکان و نوجوانان AS و NLD نمی‌توانند بگویند که هم سن و سالانشان چه زمانی تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند و اغلب به سرخ‌های ارتباطی دیگران با تکبر پاسخ می‌دهند. برای موفقیت در جهت دوست شدن با این کودکان باید زیاد تلاش کرد. بهتر است معلمین، درمانگران و والدین زمانی که کودک در حال ماهر شدن در زمینه‌ای است، به وی تذکر دهند و کمک کنند تا کودک روش برقراری تعامل با دیگران را تغییر دهد. شروع تعاملات بهترین فرصت برای ایجاد طیفی از پاسخ‌های ارتباطی از طرف بزرگسالان می‌باشد. این رفتار به این کودکان کمک می‌نماید تا هنگامی که کسی می‌خواهد با آنها دوست شود به او توجه کند و به طور مناسب به او پاسخ دهد.

تس از رها کردن

درحالی که به نظر می‌رسد مردم اطلاعات بسیار زیادی در مورد مسائل روزمره دارند، بهتر است به این کودکان اجازه دهیم تا در مورد مهارت‌های خود صحبت کنند. والدین و متخصصین باید تعادلی برای کودک ایجاد نمایند و نیازهای کودک را بدون ارائه جایگزین مناسب کنارنگذارند. گاهی این کودکان نیاز دارند به حوزه‌هایی که در آنها مهارت دارند، اتکا نمایند، که مشابه نیاز کودک کوچک به مکیدن شست بعد از ییدار شدن از خواب است. این حوزه‌ها احساس امنیت ایجاد می‌کند و برای عملکرد سالم در زمان بزرگسالی بسیار مهم است که این کودکان به تدریج یاد بگیرند نیاز به این مهارت‌های ویژه خود را کاهش دهند. این تغییرات را نمی‌توان سریع انجام داد، مثل دور کردن کودک از رایانه، زیرا عزت نفس

او وابسته به این دستگاه است، و جدا کردن او از رایانه به زمان نیاز دارد. در عین حال محدود کردن کودک برای دست یابی به اشیاء مورد علاقه اش ایده خوبی نمی باشد.

گسترش علایق

کمک نماید تا کودک علایقش را گسترش دهد: پسری که به طور وسواسی به رایانه علاقه دارد، می تواند ترغیب شود (از طرف والدین) تا کارهای بیشتری به غیر از کارهای مورد علاقه اش با رایانه انجام دهد. برای مثال، او می تواند برای همسایه یا آشنایان سیستم رایانه نصب کند. لازم نیست کودک را مجبور نماییم تا در کنار سایر افراد در مکانی کار کند، اگر این کار برای او بسیار اضطراب آور است، می تواند به طور اختیاری در کنار فردی باشد که در آن حوزه تخصص دارد و با آن فرد راحت است. به کودک کمک کنید تا محدودیت های خود را کاهش دهد. اگر انتظار انجام کار و یا پذیرش مسئولیت از جانب کودک را نداشته باشید، وی هرگز کاری انجام نخواهد داد. اگر تلاش برای گسترش علایق کودک مؤثر نبود، سعی در افزایش تعداد موضوعات مورد علاقه کودک نمایید. کودک را در معرض فعالیتها و ایده های مختلف قرار دهید تا زمان صرف شده برای فعالیت های وسواسی کاهش یابد. اگر استفاده از رایانه منجر به ایجاد وسواس می شود، ساعات کار با رایانه را محدود کنید. اصرار نمایید ابتدا باید سایر کارها انجام شود تا وی بتواند با رایانه کار کند، و حتما پابند این قانون باشید. برای مثال برای یک ساعت کار با رایانه، کودک باید ۲ مورد از موارد زیر را انتخاب نماید و انجام دهد:

- سلام کردن به طور مناسب به مادر و پدر هر صبح و بعدازظهر
- حمام و نظافت کردن
- مسواک زدن بعد از هر وعده غذایی
- صحبت کردن با اعضای خانواده هنگام شام

والدین می توانند فهرستی از این فعالیتها را بر روی کاغذ بنویسند و مربع هایی برای علامت زدن در کنار آن، قرار دهند. کودک هر فعالیتی را که انجام می دهد، در داخل مربع علامت می زند و سپس یک تکه کاغذ مشابه بلیط به او داده می شود تا بتواند با رایانه کار کند.

با افزایش سن کودک فهرست فعالیتهای درخواستی از وی باید شامل مطالبات اجتماعی پیچیده ای مانند شرکت در فعالیتهای مذهبی، باشگاه یا فعالیتهای بعد از مدرسه یا دعوت از یک دوست به منزل باشد. یادآوری می کنیم که این کودکان به حمایت همه جانبه (تا حد ممکن) نیاز دارند، اما اگر به آنها اجازه داده شود تا در دنیای خود فرو روند، شرکت در دنیای دیگران برای آنها، سخت و سخت تر می شود.

سرگذشت داشل

داشل به تاریخ علاقه مند بود و تلاش می کرد تا به همه سوالات معلم کلاس پنجم در مورد تاریخ پاسخ دهد. او دستش را بالا می برد و بلند می گفت « من می دانم، من می دانم، من می دانم » و یا گاهی اوقات پاسخ را قبل از هر دانش آموزی می گفت. سایر دانش آموزان ناراحت و عصبانی می شدند و با او بحث می کردند و او را به عنوان فردی از خود راضی که خودنمایی می کند، می دانستند. او نمی دانست که دانش آموزان وی را اینگونه می بینند، و مادر داشل تا زمانی که یکی از والدین گفت دانش آموزان رفتار داشل را در کلاس دوست ندارند، از این موضوع اطلاعی نداشت. مادر و معلم داشل در این مورد با او صحبت کردند و او شگفت زده و ناراحت شد زیرا او نمی خواست باعث تنفر کودکان باشد. آنها برنامه ای برای داشل و کلاس طراحی کردند. داشل و هر دانش آموز دیگر می توانست به عنوان « رقیب » ۲ بار در هفته در کلاس تاریخ، مسابقه دهد. (توجه کنید، این برنامه از پیش طراحی شده است و برای کودکان NLD, AS مهم است). معلم گروه ها را تعیین می کرد و دانش آموزان در تیم های مختلف شرکت می کردند. هر دانش آموز، تجربه مهارت در این کار را به دست می آورد. داشل عضو با ارزش و پرطرفدار تیم شده بود، و یاد گرفت تا به همکلاسی هایش توجه نماید و به حرف آنها گوش دهد و پاسخ دادن را برای ارزش قائل شدن برای آنها به تأخیر بیندازد و از این کار خوشحال بود.

تکیه بر انعطاف ناپذیری

اگر کودکان NLD و AS را به حال خود رها کنید، آنها در سراسر زندگی مانند یک قطار بر روی ریلی یک طرفه، مستقیم و رو به جلو که هرگز تغییر نمی کند، حرکت می کنند و از غیر منتظره بودن اجتناب می نمایند. زندگی به هیچ یک از ما چنین اجازه ای نمی دهد، بنابراین آنها باید یاد بگیرند تا از آن ریل خارج شوند. به کودک بگویید که انعطاف پذیری رفتار خوبی است (تجارب خود را برای وی بازگو نمایید) و از نام بردن مهارت های مورد نیاز نترسید و به کودک کمک نمایید تا این مهارت ها را یاد بگیرد. هنگامی که کودک انعطاف پذیر، کوشا و در حال تغییر بود و تلاش می نمود چیزهای جدیدی یاد بگیرد، از او تعریف و تمجید نمایید.

پرهیز از موارد جدید

روش هایی مشابه روش های قبلی، به کودک کمک می کند تا از تجربیات جدید اجتناب نکند. قسمتی از این کار بر عهده والدین است که به این کودکان کمک کنند تا مهارت های لازم برای حفظ بقای خود را در این جهان به دست آورند. برنامه هایی برای بردن آنها به مکان هایی که از آن لذت می برند مانند رستوران،

استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و مکان‌های تفریحی داشته باشید. اعمال فشار زیاد برای درک اطلاعات حسی واجتماعی، به یک باره خسته کننده است و می‌تواند اضطراب آور باشد، بنابراین گردش و یا برخورد های اجتماعی زیاد را، یکباره انجام ندهید، بلکه به تدریج و با افزایش سن کودک، انتظارات خود را از او افزایش دهید. همانند پرورش عضلات بدن، اگر از مهارت‌های اجتماعی نیز استفاده نشود، آنها را از دست خواهید داد و کودک NLD یا AS نیاز به تمرین دارد تا برای زندگی آماده شود.

شوفی کردن و در معرض شوفی قرار گرفتن

شاید آسیب‌رساننده‌ترین اثر NLD و AS تأثیر این نقایص بر روی توانش اجتماعی و تهدید کودک توسط دیگران باشد. مطمئناً یادگیری تحت تأثیر این اختلالات قرار می‌گیرد و موفقیت تحصیلی کودک بدون کمک لطمه می‌خورد، اما عدم پذیرش اجتماعی می‌تواند نتایج ویران کننده ای به همراه داشته باشد. شوخی صحیح یا غلط بخشی از زندگی است: به ندرت فردی پیدا می‌شود که در طول زندگی در معرض شوخی قرار نگرفته باشد. شوخی‌های دوستانه معمولاً بخشی از زندگی برخی از خانواده‌ها است (هنگامیکه عمومیتان با شما شوخی می‌کند، نشان می‌دهد شما عضو پذیرفته شده خانواده هستید). شوخی‌های دوستانه، بین نوجوانان پذیرفته شده و رایج هستند. مشکل اینجاست که کودک AS یا NLD به قدری این کار را بد انجام می‌دهد که معمولاً تجربه مثبتی از این کار به دست نمی‌آورد. به همین دلیل دست از آن برمی‌دارد. شوخی‌هایی که معمولاً در میان هم سن و سالان دیده می‌شود از آنچه که کودک AS و NLD در هنگام بازی و یا در گروه‌های اجتماعی به صورت آزار دهنده یا گیج کننده با آن روبه رو می‌شود متفاوت است. این کودکان معمولاً از سنین پایین در معرض تمسخر هم سن و سالان خود قرار می‌گیرند. این رفتار تا حدودی به این دلیل است که این کودکان نگرش مثبتی نسبت به خود ندارند. شیوه راه رفتن، گفتار عجیب غریب (گفتار پرفسور کوچک)، مهارت‌های حرکتی ضعیف، همگی منجر به ایجاد تفاوت نسبت به دیگران می‌شود. به علاوه این حقیقت که تعداد زیادی از این کودکان از انتظارات اجتماعی معمول آگاهی ندارند، مزید بر علت می‌شود. برای مثال بنا به دلایلی که تشریح آن مشکل است، اکثر کودکان AS, NLD عادت ناپسند بالا کشیدن بینی را در مکان‌های عمومی دارند. این رفتار ویژگی و سواسی آنها است که باعث ناراحتی همکلاسی‌ها می‌شود. ناراحتی همکلاسی‌ها موجب نمی‌شود کودک این کار را انجام ندهد، بلکه وی موقعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و مورد تمسخر دیگران قرار می‌گیرد.

آموزش مهارت‌های ازعهده مشکل برآمدن و محافظت از خود

همهٔ کودکان NLD و AS که مورد تمسخر قرار می‌گیرند، رفتار غیر عادی ندارند (مثل بالا کشیدن بینی)، که به آن دلیل مورد توجه قرار گیرند. علت تمسخر آنها ناشی از تلاش‌های نامناسب به منظور جلب توجه دیگران و یا به دلیل الگوی گفتاری ماهرانه و یا عدم دریافت مفهوم تعاملات هم سن و سالانشان می‌باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد، فراهم نمودن موقعیت‌های اجتماعی سالم و حمایت‌کننده و نیز مراقبت از کودکان در رابطه با تمسخر و دست انداختن، حائز اهمیت است. با این حال کنترل همه موقعیت‌هایی که کودک با آن مواجه می‌شود امکان‌پذیر نیست. بهتر است به کودک آموزش دهیم که از عهده مشکلاتش برآید، که این آموزش شامل راهبرد هایی برای توجه به نحوه ی تعامل کودک و همچنین اصول راهنمای خوب برای درک موقعیت و قضاوت در مورد نیاز به ترک آن محل می باشد. دانستن این مطلب که چگونه و چه موقع گروه را ترک کنیم به همان اندازه مشکل است که بدانیم چگونه وارد گروه شویم. متأسفانه بسیاری از کودکان NLD و AS زمان بسیار زیادی منتظر می‌مانند تا از موقعیت اجتماعی که به سختی وارد آن شده‌اند، خارج شوند. آنها قضاوت ضعیفی دارند و توانایی محدودی در درک سرنخ‌های اجتماعی نشان می‌دهند و به سادگی خود را در موقعیت‌های دشوار و یا خطرناک قرار می‌دهند. آموزش مهارت اجتماعی باید شامل آموزش شیوه‌هایی برای خارج شدن از موقعیت‌های ناراحت‌کننده برای کودک، باشد.

مهارت با ارزش دیگر، دانستن نحوه ی اجتناب از موقعیت‌های مشکل ساز می‌باشد. برای مثال والدین به نوجوانان پسر NLD یا AS باید آموزش دهند که در دستشویی عمومی، با دیدن علامت مخصوص استفاده خانم‌ها، او نباید وارد آن دستشویی شود. مهارت‌های اجتماعی که برای حل مشکلات احتمالی مورد نیاز هستند، بیش از مهارت‌هایی است که کودک در اختیار دارد. آموزش مهارت محافظت از خود شامل آموزش کودک در این مورد است که هر کس نمی‌تواند دوست آنها باشد. این آموزش مستلزم این است که از کودک NLD یا AS بیش از حد محافظت نشود زیرا در آن صورت کودک یاد نمی‌گیرد که چگونه از خود محافظت کند. دستورالعمل‌های مربوط به اداره زندگی را هر چقدر بیشتر یاد بگیرند بهتر می‌توانند زندگی کنند.

در اینجا باید مراقب بود. به همان سادگی که گفته می‌شود باید مهارت محافظت از خود را آموزش دهید، مرز بسیار ظریفی در اینجا وجود دارد. بحث بسیار مهم والدین با متخصصین در مورد ایجاد تعادل در فراهم کردن محیط امن و حمایت‌کننده برای این کودکان، بدون حفاظت کامل از آنها در زندگی، می‌باشد. محیط آموزشی امن و مناسب، الزامی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. باید به کودک اجازه داده

شود که شرایط اجتماعی را امتحان کند تا موفقیت و شکست را تجربه نماید و لازم است بداند که خانواده، همیشه حامی او است.

تمام موارد را بکار ببرید

موفقیت نهایی کودک AS یا NLD همانند هر کودک دیگری، به توانایی وی برای کاربرد تمام موارد گفته شده برمی گردد که به صورت زیر خلاصه می شود:

تمام ارزیابی ها متمرکز بر رشد مهارت های اجتماعی و سازماندهی تجارب و برنامه ریزی تمرینات است. در کنار هم قرار دادن آنچه که یاد گرفته ایم، به ما اجازه می دهد تا در جهان به طور مستقل عمل کنیم. موارد فوق منجر به خوشبختی ما می گردد و شرایط رسیدن به خوشبختی را نیز فراهم می کند. واقعاً چه چیزی بهتر از این می تواند باشد؟ حتی برای کودکانی که ناتوانی ندارند، خوشبخت بودن ضرورتاً ساده نیست. این کتاب تلاش می کند تا نشان دهد چگونه اکثر مردم پیچیدگی تعاملات را می پذیرند و چگونه به پیچیدگی های اجتماعی و مهارت های سازماندهی شده نیاز دارند. برای این عملکرد، درک ارتباط غیر کلامی به اندازه ارتباط کلامی ضروری است. طبق نظر دوک، نویکی و مارتین^۱ (۱۹۹۶) فقط ۷ درصد معانی عاطفی با کلمات بیان می شوند و این بدان معناست که ۹۳٪ مفاهیم عاطفی در هنگام برقراری ارتباط به شیوه های دیگری غیر از زبان گفتاری بیان می شود. حذف ۹۳٪ مفاهیم در یک تعامل نقص بسیار مهمی است. به عبارتی باید مشخص گردد تا برای رشد مهارت در کودکان AS و NLD، خانواده آنها چقدر باید تمرین کنند.

یادگیری چگونگی استفاده از کلمات، هدفی است که اکثر کودکان AS و NLD در نهایت به آن دست می یابند. در نهایت، رابطه بین بخش های غیر کلامی ارتباط با بخش های کلامی آن نیز، باید یاد گرفته شود. این کار همانند ضرورت یادگیری تحصیلی، برای رشد سالم ضروری و مهم است. پذیرفته شدن از جانب هم سالان و بزرگسالان در جامعه، مسیری طولانی می باشد که در جهت پرورش اعتماد به نفس باید طی شود. به جای احساس نادرست از ارزش قائل شدن برای خود که به صورت مصنوعی توسط بزرگسالان در زندگی کودک ایجاد می شود، رشد توانمندی های واقعی در موقعیت های اجتماعی هدف با ارزش و معقولی است. برای رشد این توانمندی، آموزش فصل های گذشته مهم است. همچنین این کودکان نیاز دارند در همه مهارت ها رشد یابند، تا نشان داده شود که آنها کیستند و این امر منعکس کننده نگرش از خود است که می خواهند دیگران نیز آن را داشته باشند. این دیدگاه ناشی از نتیجه مستقیم کار جهت توجه به دیدگاه

^۱ Duke, Nowicki, Martin

دیگران می باشد و تعمیم طبیعی احساس فرد نسبت به خود است و کودکان AS و NLD برای این تعمیم به کمک نیاز دارند.

آن ها می خواهند بدانند کیستند و دیگران در مورد آنها چطور فکر می کنند. این سوال برای اکثر کودکان AS و NLD (و اکثر نوجوانان بدون توجه به ناتوانی) سؤال مشکلی است. مگر این که این ایده ها مستقیماً به آنها آموزش داده شود. برای پاسخ به این سوالات، آن ها باید ابتدا در مورد خود و ارتباط با دیگران و همچنین ارتباط دیگران با آنها فکر کنند. بیشتر کودکان هرگز در مورد این موضوعات به طور آگاهانه فکر نمی کنند، درحالی که هر نوجوان AS و NLD در مقطعی از زندگی نیاز دارد این کار را انجام دهد. پاسخ به آن سوالات مهم و پیچیده است، و توانایی انجام این کار از محدوده این کتاب خارج است.

فون سرد بودن

از هر کودکی پرسید خون سردی چیست، او برای تعریف این کلمه، بسیار تلاش می کند. به احتمال زیاد کودک مثال هایی در مورد خون سرد بودن یا نبودن ارائه می نماید. خون سردی از طریق آگاهی و استفاده از ارتباطات صحیح، انتخاب کلمه، تن، روانی گفتار و ریتم شناسایی می شود. خونسردی عبارت است از آگاهی و هماهنگی مناسب با موقعیت ها و تعامل با آنچه که در اطراف ما است. در اصطلاحات بالینی این آگاهی غالباً به عنوان تطابق با شرایط تلقی می شود. ایجاد تطابق با آنچه که در اطراف شما است، به شما می گوید که چطور از ارتباط غیر کلامی استفاده کنید و این امر باعث می شود تا بیش از ۹۳٪ از ارتباط غیر گفتاری را بفهمید. ایجاد تطابق، شما را آرام و خون سرد می کند.

آراستگی

سطح دیگری از ارتباط (که توسط دوک، نوکی و مارتین در سال ۱۹۹۶ به عنوان موضوع مهمی توصیف گردیده)، از طریق حالت بدن، تن صدا، سرعت گفتار و زبان بدن انتقال می یابد. قسمتی از زبان بدن که مشکل اصلی کودکان و نوجوانان AS و NLD می باشد، آراستگی است. همانطور که قبلاً ذکر شد، به نظر می رسد بهداشت ضعیف این کودکان ناشی از تجربیات مربوط به مشکلات یکپارچگی حسی باشد. در تماس با آب، شامپو یا مسواک، آن ها آشفته می شوند و یاد می گیرند که از تجربه این موارد اجتناب کنند. این حقیقت که آن ها نمی توانند بوی بدن خود را احساس کنند و یا نمی توانند به لباس های لکه دار و چروک خود توجه کنند، مشکلات را پیچیده تر می کند. بنابراین لازم است والدین، متخصصین و سایر مراقبین خیلی زود (در سال های اول زندگی) به کودک آموزش دهند که آداب اجتماعی به سطحی از آراستگی نیاز دارد که آنها باید آن را بپذیرند.

خلاق باشید: برای کودکان کم سن و سال، شلوار و یا دامن با کمرکشی برای تطابق آن ها با هر موقعیتی، مناسب می باشد. برای حمام و شستشوی مو برنامه زمان بندی مناسبی داشته باشید و به آن پایبند باشید زیرا این رفتار منجر به عادی و ساده تر شدن این کار می شود. به خاطر داشته باشید که اگر آنها زیاد حمام بروند (هر ۲ روز یک بار) موهای کودک به شستشوی بیشتری نیاز خواهد داشت و در نتیجه احتمال تطابق حس کودک افزایش خواهد یافت. از شامپو ها و صابون های مختلف استفاده کنید و تا حد امکان در زمان حمام کردن برای کودک سرگرمی فراهم کنید. شما نمی توانید کودکان بزرگتر و نوجوانان را بشوئید، آنها باید به تنهایی حمام کنند و شما فقط باید مراقب باشید. شستشو باعث احساس خوشایند می شود. بسیار مهم است که این درس زندگی را به آنها آموزش دهید که بوی بد بدن توسط هم سن و سالان پذیرفته نمی شود.

مثال زیر نحوه تشویق کودک به این برنامه را نشان می دهد:

مادری یک روز صبح پسرش را به مدرسه نبرد، زیرا وی ۳ روز لباس هایش را عوض نکرده بود. با آن لباسها می خوابید و حمام نمی رفت. وقتی در روز سوم با همان وضعیت آشفته و کثیف از خواب بیدار شد، لباسهایش بیشتر چروک شده بود. مادر به پسرش گفت که دوش بگیرد و لباسش را عوض کند تا او را به مدرسه ببرد. اما پسرش این کارها را انجام نداد و گفت می خواهد در منزل بماند. مادر با مدرسه تماس گرفت و شرایط را برای معلم پسرش توضیح داد. معلم به او گفت که مشکل را فهمیده است و به مادر راه حلی پیشنهاد نمود. مادر به پسر گفت بعد از خوردن صبحانه به اتاقش برگردد و چون مدرسه نمی رود، نمی تواند تلویزیون ببیند و یا با رایانه کار کند. چند ساعت بعد مادر به او تذکر داد که باید به حمام برود و لباس های تمیز بپوشد و نباید در این مورد بحث کند. مادر این کارها را به عنوان قانون بیان کرد و مصمم بود که آنها را انجام دهد. صبح روز بعد کودک دوش گرفت و لباس های تمیز پوشید. البته این مثال الزاماً نمی تواند بر این امر دلالت نماید که همه تذکرات به این خوبی پیش خواهند رفت زیرا برخی از کودکان به بیش از یک بار تذکر برای دریافت پیام نیاز دارند.

- انتظارات خود را واضح و مختصر بیان کنید و هر روز حرفتان را عوض نکنید. در مثال فوق مادر پیام ساده ای را ارائه کرد: لازم است هر ۲ روز یکبار دوش بگیری و برای رفتن به مدرسه لباس تمیز بپوشی. منظور مادر از لباس تمیز، لباسی بود که بیشتر از ۲ روز آن را نپوشیده باشد و با آن نخوابیده باشد.

- با آرامش بر سر حرف خود بمانید. دلیلی برای جیغ و فریاد زدن وجود ندارد به خاطر داشته باشید که کودک به حالت درونی خود پاسخ می دهد و به زودی یاد می گیرد صحبت شما را بپذیرد. در

بیشتر موارد که یادگیری اتفاق می افتد، والدین تسلیم می شوند. اما اگر بدن کودک بوی بد می دهد باید به حمام برود و در غیر این صورت از امتیازاتش محروم می شود. نتیجه منطقی این است: بوی بد را با پوشیدن لباس های نامناسب باعث ناراحتی دیگران می شود و برای این کودکان آگاهی از تأثیری که بر دیگران دارند، بسیار مهم است. اهمیت این آگاهی را به خاطر بسپارید زیرا به شما کمک می کند تا ثابت قدم بمانید.

- در مثال بالا مادر از یک فرد مهم در دنیای کودک (معلم) کمک خواست. این کار مداخله با ارزشی بود، زیرا معلم یک نتیجه گیری منطقی ارائه کرد که کودک آن را فهمید (تا زمانی که نامنظم است، به مدرسه نخواهد رفت). معلم نه عصبانی بود و نه بی دلیل از کودک دفاع کرد (مثل مادر)، او نتایج کار کودک را بسیار شفاف برای وی توضیح داد.

- تذکر بدهید اما سرزنش نکنید. ایده هایی ارائه نمایید تا کودک نحوه انجام کارهای مورد نیاز خود را بداند. پیشنهاداتی برای استفاده از شامپو، صابون یا شیوه ی حمام کردن به او بدهید.

شاید لازم باشد با او در مورد شیوه ی لباس پوشیدن، صحبت شود. اکثر کودکان AS و NLD شیوه ی خاصی دارند که آن را ترجیح می دهند. این شیوه ممکن است حالت اجباری داشته باشد. مثلاً وقتی هوا سرد است هرگز ژاکت نمی پوشد. فرصت برای اجرای الگوی فردی وجود دارد، مگر این که کودک در مدرسه ای درس بخواند که در آنجا باید یونیفرم مخصوصی بپوشد و در نتیجه باید قوانین لباس پوشیدن مدرسه را بپذیرد. اگر چنین محدودیت هایی وجود نداشته باشد، ممکن است تمیز نگه داشتن ۵ دست لباس مختلف برای مدرسه، مشکل باشد، اما اگر این لباسها همیشه تمیز و مرتب باشند، باعث می گردد کودک اجازه داشته باشد تا به شیوه ای لباس بپوشد که منجر به تعادل بین نیازهای حسی او و شرایط اجتماع شود.

مسئله ی بلوغ

مسئله ی بی تفاوتی و عدم آراستگی برای کودکان بزرگتر و نوجوانان کمی پیچیده تر می باشد. اکثر نوجوانان AS و NLD از نظر رشدی عقب تر از هم سن و سالان خود هستند و نسبت به لباس پوشیدن بی تفاوتند. در برخی از والدین، مخصوصاً والدینی که اولین کودک آنها AS یا NLD است، این تمایل وجود دارد که به کودک لباس های مربوط به سنین پایین تر بپوشانند. این کار ممکن است باعث شود کودک دیگر تمایلی برای درخواست تعویض لباس نداشته باشد و یا والدین در مورد آن فکر نکنند. اما در سنین نوجوانی، نوجوان باید لباس متناسب با سنش بپوشد. بر اساس یک اصل کلی، پوشیدن لباس

اطلاعات حسی زیادی برای کودک فراهم می کند. بنابراین پوشاندن لباس های جذاب و چشم گیر مانند کفش های گران قیمت ایده مناسبی نیست. حتی اگر همه هم سن و سالان کودک اینگونه لباس بپوشند. این کودکان توانایی مراقبت از این نوع لباس ها را ندارند و باید لباس های ساده، راحت و قابل شستشو برای آن ها خرید.

فقط به این دلیل که یک کودک مبتلا به AS یا NLD است، نباید تصور کرد که او مرحله نوجوانی از مراحل رشد را حذف می کند، این کودکان تغییرات طبیعی خلق و خو و شخصیت را همانند هر نوجوانی پشت سر می گذرانند و فقط با کوله باری از تجربیات بیشتر به بزرگسالی می رسند. اکثر این نوجوانان به لحاظ رشدی، آگاهی دیرتری از مسائل جنسی، کشیدن سیگار یا طغیان ها، دارند اما این مسائل برای آنها نیز به وجود خواهد آمد. تفکر منطقی نوجوانان AS و NLD می تواند در این جا کمک کننده باشد. همانند سازی با فرهنگ هم سن و سالان یکی از مشکلات این کودکان است، و بسیاری از نوجوانان AS و NLD برای برخورد با فشارهای جنسی و کشیدن سیگار آمادگی ندارند. بهترین رویکرد، ارائه ی اطلاعات، طرح و نقشی از پیش تهیه شده به کودک می باشد و از همه مهم تر کودک باید آموزش ببیند که هنگام برخورد با سوال یا مسائل گیج کننده، با فرد بزرگسال صحبت کند. هیچ راهی وجود ندارد تا والدین و متخصصین بتوانند نوجوانان را برای هر اتفاق احتمالی آماده نمایند. اما کودک باید بداند تا حد امکان از موقعیت های گیج کننده اجتناب کند و با بزرگسالان قابل اعتماد صحبت کند. برنامه های آموزشی این کودکان باید همانند سایر نوجوانان مشتمل بر آموزش و هشدارهای مربوط به سیگار و مسائل جنسی باشد. آنها به این ابزار و اطلاعات نیاز دارند. اما شاید لازم باشد این ابزارها به صورت انفرادی و یا در گروه های کوچک آموزش داده شود و گروه ها باید به گونه ای طراحی شوند که شرایط پرسش های زیادی را فراهم نمایند، حتی سوالاتی که ممکن است از نظر هم سن و سالان آنها عجیب و غیر معمول باشد.

طغیان مشخص دوره جوانی یا مرحله جدایی فردی در هنگام جوانی که از لحاظ بالینی شناخته شده می باشد، برای نوجوانان AS و NLD بسیار حساس است، و معمولاً در این کودکان این مرحله دیرتر به وقوع می پیوندد (به جای ۱۵ تا ۱۶ سالگی در ۱۷ یا ۱۸ سالگی) و حتی ممکن است بلوغ آنها متفاوت به نظر برسد، به طوری که نوجوان AS یا NLD واقعا از آنچه جهان به او ارائه می کند، می ترسد. حتی ممکن است ایده جدا شدن از خانه، در این نوجوانان از بین رفته باشد. اما آنها از لحاظ رشدی نیاز به جدایی های نسبی از والدین دارند. این مسئله می تواند باعث افسردگی و ناامیدی در اواخر دوران بلوغ باشد و لازم است به طور تخصصی مورد توجه قرار گیرد.

نظریه های مربوط به اعتماد به نفس

اعتماد به نفس یعنی رشد سالم احساس در مورد آنچه که هستیم. هیچ کس کامل نیست و آگاهی از محدودیت هایمان به ما کمک می کند تا در حین تلاش، آنگونه که واقعاً هستیم خود را بپذیریم. همان مقدار که احساس کاذب خوب بودن در مورد خود می تواند خطرناک باشد، احساس بی ارزشی یا عجیب و غریب بودن نیز می تواند خطرناک باشد. روند رشد کودکان AS و NLD همانند سفری پر مخاطره و مشکل است. آنها در مسیر این سفر فقط قسمتی از زبان، نقشه راه و بار سفر را به همراه دارند. شکل گیری اعتماد به نفس به واسطه آگاهی از موفقیت است، حتی اگر این موفقیت به کمک دیگران بدست آید. جای هیچ گونه سوالی در مورد نقایص متعددی که این کودکان با آن دست پنجه نرم می کنند، وجود ندارد، اما نقاط قوتی که به دست می آورند برای آنها و افرادی که با آنها کار می کنند با ارزش است. آنها در طول سفر به کمک و حمایت لازم برای پیدا کردن قسمت های گمشده نیاز دارند اما در نهایت باید این مسیر را بپیمایند.

○ فصل یازدهم

«آینده چه فواید شد؟»

در حالیکه این کتاب به پایان نزدیک می شود، برخی موضوعات دست نخورده و برخی ایده ها نا تمام باقی می ماند. به خاطر داشته باشید که ناتوانی یادگیری غیر کلامی تشخیص نسبتاً جدیدی است و به همین علت این ناتوانی یا تشخیص داده نمی شود و یا به غلط تشخیص داده می شود و حتی موضوعات ساده و روشن آن کاملاً اشتباه درک می شود. مسلماً هنوز ماهیت NLD به طرق مختلف تعریف می شود و همانطور که قبلاً گفته شد، این نام، به تنهایی درباره ی مشکلات واقعی که این افراد با آن روبرو هستند حق مطلب را ادا نمی نماید. در این کتاب، سندرم آسپرگر دارای نقاط مشترک با NLD در نظر گرفته شده است. گرچه معیار تشخیصی AS بر مبنای DSM-IV می باشد، اما هنوز AS به غلط تشخیص داده می شود و در زمینه تحقیق و برنامه ریزی، مشکلاتی ایجاد می نماید.

این کتاب فقط یک دیدگاه در مورد AS و NLD ارائه می دهد، درحالی که دیدگاه های دیگری هم وجود دارد. نتیجه ای که در اینجا ارائه می شود این است که علی رغم آنکه AS و NLD اختلالات جداگانه ای هستند، اما باید اختلالات مرتبط با هم در نظر گرفته شوند. نقص پردازش اطلاعات متداول در هر دو اختلال باعث می گردد، تا مهارت های سازماندهی، عملکرد اجرایی، یکپارچگی حسی و صلاحیت اجتماعی تحت تأثیر قرار گیرد. به نظرمی رسد این اختلالات مرتبط، به مداخلات و برنامه های آموزشی مشابه پاسخ دهند. ماهیت واقعی ارتباط بین این دو مقوله تشخیصی، مبهم است اما احتمالاً آنها در یک طیف قرار دارند و از طیف اختلالات اتیسم مجزا هستند. البته این تفکر باید ثابت شود، اما در شرایط فعلی اکثر افراد AS را جز اختلالات طیف اتیسم در نظر می گیرند و غالباً به کودکان AS برچسب اوتیستیک می زنند. در این کتاب، این تفکر در نظر گرفته شده است، اما مطالعات آینده می تواند آگاهی بهتری در این زمینه فراهم کند.

رویکردی بهتر از رویکرد " فقط رد شدن "

تا به امروز متخصصین برای کار با کودکان AS و NLD بر اطلاعات محدود موجود تکیه می کردند، که بعضی از این اطلاعات به شکل گزارشات غلط هستند. مبنای اطلاعات تجربی که بر اساس مشاهدات کارهای گذشته است برای پشتیبانی از ایده‌های صحیح، کافی نمی باشد و تا به امروز والدین، در زمینه مداخلات با یک رویکرد تصادفی، در زمینه مسائل مربوط به فرزندشان رها شده اند. اکثر والدین در ارتباط با نیازهای فرزندان خود در پی متخصصین ماهری هستند، تا کودک آنها بتواند به بالاترین ظرفیت دست یابد و موقعیت‌های بیشتری کسب کند. بر مبنای مطالعه ای در سال ۱۹۹۳ و در مقاله ای با عنوان «شیوع سندرم آسپرگر» که توسط الیس گیلبرگ^۱ (www.asperger.org2001) گزارش گردید، تخمین زده شده است شیوع AS، در ایالت متحده ۲/۶ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر می باشد (July2000). رورکه در سال ۱۹۹۵ در مورد شیوع NLD گزارش داد که از هر ۱۰ نفر مبتلا به اختلال یادگیری، ۱ نفر دچار NLD می باشد. در مطالعه دیگر گزارش گردید ۲/۷ میلیون نفر در آمریکا به اختلال NLD مبتلا هستند. به عبارتی تقریباً ۳/۴ میلیون نفر در آمریکا به این اختلالات عصبی رفتاری مبتلا هستند. تشخیص و درمان باید برای متخصصین در امر سلامت ذهن و آموزش در اولویت باشد. مقاله جدید فیلیپ هیلتز^۲ در مجله New York times در سال ۲۰۰۱، گزارش آکادمی ملی علوم را منتشر کرد که در آن پیشنهاد شده بود، سیستم مدارس باید برای تشخیص اتیسم، از ۲ سالگی تلاش کنند. تشخیص زود هنگام منجر به افزایش تعداد کودکان شناسایی شده مبتلا به اختلال اتیسم و اختلالات مرتبط و نیازمند خدمات خاص در مدرسه، خواهد شد و در نتیجه شناسایی برنامه‌های درمانی موثر، مورد تأکید قرار خواهد گرفت. احتمالاً تعداد زیادی از کودکانی که به عنوان اتیستیک یا اختلالات مرتبط تشخیص داده می شوند، در حقیقت کودکان AS یا NLD هستند که برای اختلال آنها به خدمات خاص نیاز خواهد بود. با افزایش اطلاعات مربوط به AS و NLD تشخیص در آنها با دقت بیشتری انجام می شود و برنامه های مناسبی نیز طراحی می گردد.

گسترش برنامه های موثر

جایگاه برنامه و خدمات مرتبط برای کودکان AS و NLD در بهترین حالت بی ثبات و در بدترین حالت بی-تأثیر بوده است. موثر بودن برنامه مداخله بسیار حائز اهمیت می باشد. اگر بعضی از مداخلات به درستی عمل نکنند، ارزش ندارد که بخواهیم روی آنها حساب باز کنیم. این مسئله برای همه جنبه های آموزشی و

^۱ - Ehlers & Gillberg

^۲ - Philip Hiltz

درمانی مصداق دارد. شکست در درمان موثر کودکان NLD و AS می تواند مشکلات زیر را به دنبال داشته باشد:

- ۱- تشخیص ضعیف اختلالات. غالباً کودک درمان های مورد نیاز اعم از آموزش، گفتار درمانی، کار درمانی یا دارو درمانی مناسب را دریافت نمی کند.
- ۲- استفاده از خدمات اضافی به جای رویکرد برنامه ای جامع. رویکرد برنامه ای به این معنا است که برنامه تحصیلی باید بر اساس درک نیازهای خاص کودکان با نقایص پردازش اطلاعات باشد و باید کلاس های درس در زمینه مداخلات با برنامه کلی هماهنگ باشد. مداخلات درمانی نقایص پردازش اطلاعات باید سه حوزه اصلی زیر را مورد توجه قرار دهد:

- مهارت های سازماندهی و عملکرد اجرایی

- یکپارچگی حسی

- توانش اجتماعی

بعد از تأمل در مورد برنامه اصلی، ارائه خدمات به صورت یک بار در هفته و یا بیشتر، برای ایجاد هر تغییر مهم و اساسی باید فراهم گردد.

- ۳- فقدان ایجاد و استفاده از اصلاحاتی که در طول زمان تغییر یافته اند، به کودک اجازه می دهد تا در زمینه استقلال و خودکفایی رشد یابد. کودک NLD یا AS باید اصلاحات و تغییرات متفاوتی در پایه دوم راهنمایی نسبت به پایه پنجم داشته باشد و در دبیرستان باید به سمت اصلاحات و تغییرات کمتر و به سمت استفاده از تکنولوژی رشد نماید، تا بتواند به طور معقول وارد دنیای بزرگسالی شود. تکنولوژی کمک بسیار موثری برای این کودکان می باشد و استفاده غیر رسمی از تکنولوژی جدید باید مقدم بر برنامه های طراحی شده برای آنها باشد.

پیشرفت برنامه باید شامل نکات مطرح شده در فصل ۸ و پیوست ج (فهرست نیازهای کلاس) باشد. برنامه کودکان NLD و AS باید شامل تمرین مهارت های سازماندهی شده و آموزش استفاده از تکنولوژی به عنوان بخش اصلی برنامه باشد. استفاده از تکنولوژی تخته وایت برد هوشمند را که امکان انتقال مستقیم اطلاعات از تخته به لپ تاپ دانش آموز را فراهم می کند، به خاطر بیاورید. این تغییرات در کلاس، موجب کاهش نیاز به انجام چند تکلیف همزمان در موضوعات پیچیده تر می شود و منجر به درک بهتر و درگیری بیشتر در بحث های کلاسی می گردد.

یک برنامه مناسب باید یکپارچگی حسی و نیازهای بینایی-فضایی این کودکان را در نظر بگیرد، که شامل طراحی کلاس و در دسترس بودن ابزارهای متفاوت یکپارچگی حسی در کلاس و ایجاد ابزارهای

تحصیلی مناسب می باشد. معلمین و مدیران باید از نیازهای یکپارچگی حسی این دانش آموزان آگاه باشند و میز، صندلی، هدفون یا سایر موارد را برای دانش آموز فراهم کنند تا بتوانند وضعیت برانگیختگی را کنترل نمایند.

شرایط اجتماعی و درسی برنامه، باید تمرین مهارت های اجتماعی را نیز در برداشته باشد. تمرکز اصلی برنامه های مداخله ای این دانش آموزان باید مبتنی بر آموزش کاربرد شناختی زبان، قدرت مشاهده ی خود و توانایی تطبیق با دیدگاه سایر افراد باشد. به طور سنتی، کودکان NLD و AS در برنامه های آموزش کاربرد شناختی زبان که معمولاً در غالب گروه های کوچک توسط گفتار درمانگر اجرا می گردد، شرکت می نمایند. این گروه ها مشابه گروه های مهارت های اجتماعی هستند که توسط روانشناسان اداره می شوند و بر ایجاد توانایی کودک برای استفاده از زبان به شکل مناسب و ایجاد رفتارهای مورد مقبول اجتماعی متمرکز می باشند. هنگامی این کودکان موفق می شوند که در گروه های سطح بالا باشند، و در این گروه ها تجربه های با ارزشی کسب می کنند. همان طور که ذکر شد، اکثر متخصصین می دانند که مهارت هایی که در گروه خوب رشد می یابند، به خارج از گروه به آسانی تعمیم نمی یابد، و این مسئله برای مطالعات آینده بسیار حائز اهمیت است.

همانطور که در فصل ۱۰ بحث شد، بعضی موفقیت های مرتبط با موضوعات اجتماعی با استفاده از حیوانات به دست می آید (خصوصاً آموزش سگ) و این کار باعث رشد مهارت، در فهم سر نخ ها و پاسخ خود آگاهانه می شود. هدف از برنامه ی آموزش به سگ، آموزش دانش آموزان در قالب تکالیف مربوط به فهم و درک سگ ها، یادگیری نحوه پاسخگویی و نحوه ارائه پاداش مناسب و تربیت حیوانات می باشد. به این دلیل که کار در این زمینه مشکل است و اغلب برای دانش آموزان، معلمان و درمانگران آزار دهنده است، لذا تحقیقات بیشتر در زمینه مداخلات موفق در توانش اجتماعی مورد نیاز است.

مرکت پاندولی

به نظر می رسد طرز تلقی ها در مورد آموزش به طور عام و آموزش های ویژه به طور خاص از حرکتی شبیه به حرکت پاندولی تبعیت می کند. نه تنها تشخیص اختلالات برای مدتی مورد توجه قرار می گیرد و مدتی فراموش می شود، بلکه به نظر می رسد مفاهیم اصلی در آموزش نیز مدتی مطرح می شود و سپس از بین می رود. در ۱۵ سال گذشته روند کلی این حرکت، همانند پاندول از آموزش های ویژه به ایده های عمومی در نوسان بوده است. منظور از روند کلی تدریس، نیازهای خاص کودکان در جریان اصلی آموزش (تا حد امکان کلاس ها و آموزش معمول) است و این روند کلی برای گروهی از کودکان

که آموزش مناسب در زمینه آموزش های خاص به آنها ارائه نشده است، مفید می باشد. اما روند کلی کلاس های خاص و معلمین آموزش دیده برای تعداد زیادی از کودکان که برنامه های مورد نیاز آنها فراهم گردیده است، تاثیر کمتری دارد. مدارس با محدود کردن خدمات آموزش ویژه برای این دانش آموزان منفعت مالی بردند. اما برای کودکان AS و NLD روند معمول تدریس کافی نیست و تغییر در برنامه ی اصلی مورد نیاز است. آنها به انواع خاصی از ابزارها، دسترسی به رایانه، آموزش مخصوص و مستقیم برای عملکرد اجرایی، سازماندهی، زبان کاربرد شناختی و مهارت های اجتماعی نیاز دارند. آنها به تغییر تفکر نسبت به برنامه ی آموزش معمول در کلاس نیاز دارند.

فقدان خدمات مناسب و دانش عمومی در مورد کودکان AS و NLD منجر به شروع حرکت پاندول به عقب می شود. در طول سالهای اخیر، والدین در جستجوی خدمات مناسب جهت تقویت و رشد اطلاعات و علائق این کودکان، بوده اند. گاهی خدمات فراهم شده در زمره بهترین بهره برداری های کودک نبوده است. برای مثال استفاده از معلم کمکی در دوره تحصیلی مانع از افزایش استقلال و موفقیت تحصیلی کودک می گردد. برنامه مناسب باید دارای تغییراتی باشد که با افزایش سن، آموزش های مستقیم و استفاده از تکنولوژی منجر به خود کفایی کودک گردد. لذا باید تعادل را برقرار کرد و خدمات خاصی فراهم شود که نه از لحاظ تحصیلی و نه اجتماعی برای دانش آموز محدود کننده نباشد. متخصصین باید برنامه هایی که به طور دقیق مشکل این کودکان را مورد بررسی قرار می دهد فراهم نمایند. تحقیقات و سرمایه گذاری برای این برنامه ها بسیار ضروری است.

▪ تاثیر بر خانواده ها

یکی از سخت ترین موارد خواسته شده از خانواده ها در این کتاب، مجاز دانستن شکست برای کودکان AS و NLD است. افزایش تغییرات و محرکات، مانع از رشد طبیعی این کودکان می گردد. (از طریق نا امیدی و رنجی که هر روز در آنها بیشتر می شود). مسلماً برای والدین بسیار دشوار است که اجازه دهند کودک برای رشد در زمینه قدرت درونی، شکست بخورد، و در عین حال وی را از غرق شدن در مشکلات زندگی محافظت کنند. خانواده ها بار سنگینی برای یافتن این مسیر و تلاش برای پیمودن آن به بهترین شکل ممکن، بر دوش می کشند. جای هیچ شکی نیست که این کودکان به حمایت نیاز دارند به طوریکه آنها نمی توانند به تنهایی در مسیر زندگی بدون آموزش، تمرین و آمادگی حرکت کنند. این دیدگاه نشان می دهد که آموزش برای زندگی امری ضروری است و اغلب از آن چشم پوشی می شود. برای پذیرفتن اینکه این کودکان هرگز قادر نخواهند بود به تنهایی سوار اتوبوس شوند، و یا در

مصاحبه موفق شوند، باید گفت تنها تعداد اندکی از آنها قادر به انجام این کارها خواهند بود. اعضای خانواده، این کودکان را برای داشتن زندگی بی عیب و نقص حمایت می کنند. بخشی از آموزش مورد نیاز این کودکان که روزی بزرگسال خواهند شد، در زمانی انجام می شود که آنها از دیگران کمک می خواهند و یا در زمانی که می خواهند دیگران بدانند خودشان می توانند کارها را به تنهایی انجام دهند. کودکان NLD و AS نیاز به آموزش خاص در زمینه ناتوانی های خود دارند و باید در درمان به طور فعال شرکت کنند. همکاری مناسب و خوب با روان شناسان و روان پزشکان منجر به حمایت کافی در طول زمان خواهد شد. این ارتباطات می تواند در طول زندگی این افراد ادامه یابد و جایگزین توصیه های والدین برای انتقال از دوره جوانی به بزرگسالی باشد.

شرایط لازم برای خدمات آموزشی خاص

سیستم مدرسه نقش بسیار مهمی در موفقیت هر کودک دارد، و این امر برای کودکان NLD و AS نیز صدق می کند. اکثر کودکان NLD که شرایط دریافت خدمات خاص را دارند، کمتر از سطح ناتوانی خاص خود عمل می نمایند.

مدرسه باید خدمات آموزشی خاص را تأمین کند. NLD طبقه تشخیصی شناخته شده ای ندارد و تشخیص NLD به طور خود بخودی منجر به دریافت خدمات آموزش خاص نمی شود. با این وجود تعداد زیادی از کودکان NLD نیازمند خدمات تخصصی و اصلاح برنامه های آموزشی هستند. برای تعیین شرایط دریافت آموزش خاص لازم است بروی نواقص خاص یا ناتوانی یادگیری خاص تمرکز کنیم که شامل: زبان نوشتاری، ریاضیات یا رشد زبان کار بردی می شود و این کار به نوبه خود شامل تمایز بین مهارت های بالقوه (که به وسیله آزمون اندازه گیری می شود) و عملکرد های واقعی می باشد.

ارزیابی

گام اول در طراحی برنامه برای کودک NLD یا AS ارزیابی خوب است. با استفاده از نتایج ارزیابی، معلمین و مدیران اصلاحات مورد نیاز، آموزش و ابزارهای آموزشی مخصوص و خدمات بیشتر (از قبیل گفتاردرمانی، گروه های مهارت های اجتماعی و کاردرمانی) را فراهم می کنند. در این کتاب ایده ها و پیشنهاداتی در مورد برنامه ها ارائه شده است اما هیچ دو کودکی مثل هم نیستند و لازم است هر برنامه نیازهای منحصر به فرد خانواده و کودک را در نظر بگیرد.

انتقال به دوره بزرگسالی

گذر کودکان NLD و AS به دوره ی بزرگسالی به عنوان بخشی از زندگی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برنامه هایی برای خدمات مورد نیاز کودکان و نوجوانان طراحی شده است، ولی تقریباً هیچ گونه خدماتی برای بزرگسالان وجود ندارد. سیستم مدارس عالی (آموزش عالی در سطح فوق دیپلم) خدمات آموزشی مخصوص و مداوم (در آمریکا) را فقط تا سن ۲۲ سالگی ادامه می دهد و این راهی برای کمک به این افراد است. با این حال خدمات خاص بسیار کم می باشد. منابع اینترنتی مثل: NLDline.com, NLDontheweb.org اغلب بروشور، اتاق گفتگو و آدرس های اینترنتی را در اختیار قرار می دهد که باعث ایجاد ارتباط میان افراد NLD می شود و این سایت ها موارد مفیدی در اختیار آنها قرار می دهد. سایت OASIS.COM همین کار را برای کودکان AS انجام می دهد. تجربه و حس مشترک بین کودکان NLD و AS نشان می دهد که این کودکان به حمایت مداوم و طولانی مدت نیاز دارند و این کمک به منظور آماده شدن برای دوره ی بزرگسالی بسیار ضروری است.

■ تمقیقات آینده

NLD و AS ناتوانی هایی هستند که هر روزه خانواده های زیادی را تحت تاثیر قرار می دهند. تحقیق بر روی این اختلالات، در حال انجام می باشد و اگر قرار است برنامه موثری تهیه شود و ارزیابی های بهتری انجام گیرد باید تحقیقات ادامه یابد. متخصصینی که در حال تلاش برای تعریف این اختلالات هستند، باید عقاید و تجربیات خود را با یکدیگر در میان بگذارند. تا کنون بسیاری از ایده ها و امکانات و عقاید را پشت سر گذاشته ایم. تحقیقات آینده به ما اطلاعاتی می دهد تا به کمک آن ناتوانی ها را تعریف نماییم، کارها را بهبود بخشیم و شانس موفقیت کودکان AS, NLD را افزایش دهیم.

○ فصل دوازدهم

« منابع و طراحی برنامه »

کودکان AS و NLD نوعی گنجینه و دارایی با ارزشی برای خانواده ها و اجتماع محسوب می شوند. توان بالقوه آنها ناشناخته است و اغلب در نظام آموزشی سنتی به کار گرفته نمی شود. همانطور که در این کتاب دیدیم، این کودکان برای غلبه بر محدودیت های حاصل از ناتوانی ویژه، نیازمند برنامه ریزی خاص هستند. کودکان AS و NLD در زندگی روزمره خود به مداخله نیاز خواهند داشت. برنامه ریزی باید شامل نوعی چشم انداز گسترده از چگونگی حرکت کودک به سمت کارایی بیشتر و دوری از درماندگی و تعریف از خود به عنوان فردی بی کفایت یا بی ارزش باشد.

دانش اولین گام است

دانش افراد را قوی می سازد و اولین گام مورد نیاز برای خانواده ها و متخصصین کودک، کسب دانش در مورد AS و NLD می باشد. خانواده ها باید به همه ی اطلاعات مورد نیاز دست یابند. متخصصین باید در زمینه ی مداخله و تامین خدمات برای این کودکان آموزش ببینند. کودکان باید اختلال خود را بشناسند زیرا باید بدانند اختلال آنها، راز مبهمی نیست و آنها مرموز و جادویی نیستند و کودکان زیادی مشابه آنها هستند.

▪ سنجش و ارزیابی

همانطوریکه، در سر تاسر این کتاب ذکر شده و بطور خلاصه در پیوست «الف» آمده است، ارزیابی کامل و کارآمد، جهت طراحی برنامه ای دقیق و مناسب، ضروری است. برنامه ای که نتیجه آن در بر گیرنده موارد زیر است :

- تغییرات آموزشی
- آموزش زبان کاربردی
- کار درمانی
- آموزش مهارت های اجتماعی

- همچنین بسیاری از کودکان NLD یا AS به دارو و درمان و کار مداوم با روانشناس و روانپزشک نیاز خواهند داشت.

برنامه آموزشی

کودکان مدرسه رو قسمت اعظم زمان بیداری خود را در مدرسه می گذرانند و کمتر در خانه و با والدینشان می باشند، لذا ارائه برنامه مناسب در مدرسه بسیار مهم است. کودکانی که توسط پزشک یا روانشناس به عنوان AS تشخیص داده می شوند، برای گرفتن خدمات آموزش ویژه اولیه واجد شرایط می باشند و نیاز به طرح آموزش انفرادی در مرحله اولیه دوره های تحصیلی دارند. این مسئله تنها برای کودکان NLD لازم نیست. گروه آموزشی اداره آموزش استثنایی و خدمات توانبخشی، ۱۲ گروه از آموزش ویژه برای: ناتوانی های یادگیری ویژه، آسیب گفتار و زبان، سایر آسیب های سلامتی، و اتیسم را فهرست می کند. هر مدرسه جهت اجرای برنامه آموزش ویژه و فراهم نمودن خدمات مسئول است و اهداف توصیف شده در IEP^۱ دانش آموز را بر آورده می کند. تصمیم گیری و توسعه اهداف برای دانش آموز درباره ترتیب برنامه ها در جلسه IEP، با حضور والدین، کارمندان مدرسه و هر فردی که توسط والدین دعوت شده است انجام می شود. سودمند بودن IEP توسط هر شخصی که در آن مشارکت می کند، تعیین می شود و به همین خاطر، مهم است که والدین، افراد حرفه ای با دانش مربوطه را در گروه خود داشته باشند. والدین حق دارند که هر فردی را که مناسب می دانند، در گروه IEP داشته باشند و آنها نیز می توانند در اهداف IEP مد نظر خود حضور یابند. ارزیابی خوب به افرادی که این اهداف را تعیین می کنند، کمک می کند.

وجود وکلا یا سایر متخصصین حامی والدین، جهت تنظیم مکتوب کار برای کودکان NLD و AS مناسب و ضروری می باشد. بسیاری از مدارس دولتی و مدارس خصوصی درباره NLD و AS آگاهی بسیار کمی دارند و به اطلاعات لازم جهت توسعه برنامه های مناسب نیاز خواهند داشت. اگر مدرسه دولتی قادر به مهیا کردن محیط آموزشی مورد نیاز کودک نیست، والدین باید خدمات خصوصی مناسب برای کودک را جستجو کنند.

سایت های اینترنتی

سایت های اینترنتی زیر اطلاعات و منابعی دارند که می توانند برای والدین و متخصصین علاقه مند در زمینه مطالعه درباره NLD و AS بسیار مفید باشد.

1 - individual education plan (IEP)

برای ناتوانیهای یادگیری غیر کلامی، دو سایت زیر بسیار عالی هستند. انجمن ناتوانی یادگیری غیر کلامی (NLDa) یک سازمان ملی است که اطلاعات و حمایت لازم را برای افراد NLD و خانواده های آنها ارائه می دهد و می توانید از طریق

www.NLDline.com -

WWW.NLDontheweb.org -

با آن در تماس باشید.

برای سندرم آسپرگر و موضوعات مرتبط، سایت های زیر، شروع مناسبی می باشد. این سایت ها اطلاعات جامعی را ارائه می دهد و به دیگر منابع اطلاعاتی متصل می شود:

- حمایت و اطلاعات مورد نیاز در زمینه سندرم آسپرگر بصورت آنلاین: (O.A.S.I.S):

www.udel.edu/bkirby/asperger

- تیم مطالعاتی کودکان دانشگاه یل:

www.info.med.yale.edu/chldstdy/autism/index.html

- شبکه آموزشی سندرم آسپرگر (ASPEN): www.aspennj.org

- اتحادیه سندرم آسپرگر آمریکا (ASC-US): www.asperger.org

▪ سایر منابع مناسب برای والدین

- **مربیان.** افراد حرفه ای مجوز دار که در این زمینه مدرک دارند را به عنوان مربی انتخاب کنید.

افرادی که درباره موضوعات زندگی و مهارت های سازماندهی تجربه دارند.

- **معلمان خصوصی و درمانگران آموزشی.** مدارس دولتی یا افراد حرفه ای که با

دانش آموزان NLD و AS کار می کنند، ممکن است فهرستی از این افراد را داشته باشند. معلمان

خصوصی می توانند برای کمک به پیروزی در «مبارزه با تکالیف منزل» بسیار مفید باشند. معلمان

خصوصی باید افراد مجرب دارای مدرک باشند، بعضی از آنها معلمان تحصیل کرده ای هستند که در

ناتوانی های یادگیری تخصص یافته اند و می توانند در موضوعات خاص (ریاضی، نوشتن) یا به طور

کل در زمینه سازماندهی کار کنند. سایر معلمان می توانند دانش آموزان دبیرستانی یا دانشجویان یا

بزرگسالان علاقه مند در جامعه باشند، این افراد آموزش خاص ندیده اند، ولی می توانند به عنوان معلم

برای کودکان AS و NLD مفید باشند. اما والدین باید محدودیت آنها را در نظر داشته باشند.

اگر طراحی برنامه و کار با مدرسه مورد نظر والدین باشد، یافتن معلم تحصیل کرده یا درمانگر آموزشی،

انتخاب بهتری است. درمانگران آموزشی افراد مجرب دارای مدرک با طی ساعت ها کار آموزش ویژه

هستند. آنها می توانند در رشد برنامه و کار فردی با کودک، بسیار ارزشمند باشند. همچنین آنها می توانند موارد آموزش داده شده در مدرسه را تقویت کرده و به عنوان مدیر انفرادی برای کودک کار کنند و بر کار کودک نظارت داشته باشند و به والدینی که آموزش ندیده اند، کمک کنند که نیازهای کودکان خود را درک نمایند.

- **وکیل مدافع.** افرادی هستند که در آموزش قوانین خاص تخصص دارند و با خانواده ها در زمینه گسترش طرح های آموزشی انفرادی (IEP) مناسب کار می کنند. در بعضی مواقع وکیل مدافع و افرادی که وکیل نیستند، این نقش را به عهده می گیرند.

- **گفتاردرمانگران.** هر طرح و برنامه ای برای کودک NLD یا AS، اگر فاقد ارزیابی مناسب توسط گفتار درمان باشد، جزء مهمی را از دست خواهد داد. گفتار درمانگران غالباً افراد متخصصی هستند که مستقیماً درگیر کار بر روی رشد زبان کاربردی این کودکان می باشند.

- **کاردرمانگران.** این افراد حرفه ای، اعضای ضروری گروه برنامه ریزی برای کودک AS یا NLD می باشند. انجام ارزیابی توسط کاردرمان واجد شرایط برای تمام کودکان AS و NLD ضروری می باشد.

باید همیشه فرد مجربی که شما علاقه مند به کار با وی هستید را به دقت بررسی کنید و مطمئن گردید که آن فرد مجوز آموزش و تجربه دارد. هر متخصص باید اطلاعاتی به والدین درباره آموزش، تجربه و مجوز خود ارائه دهد. اگر چه به دلیل محرمانه بودن اطلاعات ممکن است از اعلام نام مراجعین قبلی خود، خودداری کند. باید بتوانیم از سایر افراد با تجربه در جامعه، مانند: پزشکان، معلمان یا سایر درمانگران اطلاعات را به دست آوریم.

○ فصل هفتم

«شروع»: توجه به نقایص مهارت های سازمان دهی و پردازش اطلاعات

در فصول ابتدایی، شرح داده شد که مشکلات کودکان NLD و AS در زمینه‌هایی همچون: مهارت های اجتماعی، بینایی-فضایی و یکپارچگی حسی و نقایص یادگیری ویژه، همگی به درجانی ناشی از اختلال پردازش اطلاعات می‌باشد. احتمال دارد، هوش این کودکان بالاتر از میانگین باشد، اما راه های ورود اطلاعات به مغز، ذخیره سازی و سرانجام استفاده از آنها همگی قطع شده باشد. در این فصل، به توضیح چگونگی این ایده می پردازیم که کودکان NLD و تا حدودی سندرم آسپرگر عمدتاً دچار اختلالات پردازش اطلاعات هستند و این مطلب که چه موقع باید درباره برنامه های موثر مداخله و طراحی آن برای آنها بیاندیشیم.

بسیار مهم است، که خانواده های کودکان NLD و آسپرگر بدانند و بپذیرند که این عضو خانواده به کمک های آنها برای سالهای متمادی نیاز خواهد داشت. خانواده های این کودکان به طور پیوسته همراه با این کودکان تغییر می کنند. این تغییرات می تواند لذت زیادی در کنار ناراحتی و کار سخت، به همراه داشته باشد.

اختلال پردازش اطلاعات

سرگذشت آری در فصل ۲ نشان می داد که چطور اختلال در پردازش اطلاعات می تواند با توانایی یک کودک باهوش جهت انجام تکالیف مدرسه تداخل کند. اگرچه آری به وضوح قادر به گرفتن اطلاعات بود، اما او حتی با کمک مادرش نیز، در تهیه گزارش برای معلم ناتوان بود. ناامیدی بوجود آمده فقط منحصر به آری و مادرش نیست. کودکان NLD و AS و خانواده های آنها غالباً با رنج ناشی از احساس ناتوانی در انجام آنچه سایرین به راحتی انجام می دهند، همچون سازماندهی اجزاء جداگانه اطلاعات در یک مجموعه، پروژه، ایده یا مقاله، روبرو هستند. در حالیکه، به نظر می رسد دیگران آنها را به سهولت انجام می دهند. یادآوری تکالیف مربوط به آینده نزدیک کافی است تا والدین کودکان NLD و AS را دچار

احساس بد و یا رنج سازد. والدین تمام تکالیف کودک را انجام می دهند زیرا آنها با انجام تکالیفی که حتی ساده به نظر میرسد (اما برای وی اسرار آمیز و گیج کننده است) درگیری دارند.

مشکلات سازماندهی

حفظ سازماندهی تکالیف مدرسه، مسئولیت های خانه و فعالیت های شخصی روزمره برای این کودکان مشکل است. اکثر کودکان NLD و آسپرگر به راحتی با روشهای سازماندهی ارائه شده در کلاسهای سنتی که به طور معمول بر اطلاعات بینایی تکیه می کند سازگار نمی باشند مثل استفاده از دفترچه یادداشت همراه با فهرستی از تکالیف روزانه که از روی تخته سیاه کپی می شود. سازماندهی دفترچه یادداشت، آماده کردن تکالیف انجام شده و برگرداندن آنها به مدرسه و تکمیل نظر اولیا و یا امضای آنها در زمان مقرر را دانش آموز NLD یا آسپرگر نمی تواند بدون مداخله مستقیم بدست آورد. مشکل همانگونه که می بینیم شامل ۲ بخش است:

۱- اطلاعات با شیوه ی ناپایدار پردازش گردیده و به طرق غیر معمول و با سودمندی کم در حافظه ذخیره می شود .

۲- شیوه بازیابی اطلاعات، به شکل ضعیف ساختار یافته است و کودک باید تلاش بسیار سختی داشته باشد تا ارتباطات را ایجاد نماید. مشکل در بازیابی اطلاعات، غالباً باعث ناامیدی می گردد و کودک باید تلاش زیادی برای حفظ ادامه کار انجام دهد .

روبرو شدن با اطلاعات جدید

تمام موقعیت های اجتماعی و اکثر تجربیات تحصیلی برای کودک یا نوجوان NLD یا AS «جدید» می باشد. توانایی این کودکان جهت یادآوری تجربیات گذشته برای استفاده در موقعیت های جاری محدود است و نمی توانند اطلاعات جدید را به اندازه کافی سریع پردازش نمایند تا کمبود در زمینه یادآوری، جبران گردد. روش هایی که می تواند به طور مؤثر به والدین و معلمین کودک NLD و AS جهت برخورد با این نقص در زندگی روزمره کمک کند، در زیر آمده است .

تنظیم کارهای روزمره و تنظیم زمان بندی برنامه ها

جهت کاستن از این احساس کودک، که جهان جدید است، جریانات روزمره زندگی او باید ثابت باشد، به وضوح معین شود و تا حد امکان بر روی یخچال و یا در بعضی از مکان های در معرض دید چسبانده شود. برای کودکانی که توانایی خواندن ندارند، والدین می توانند یک برنامه تصویری تهیه کنند. این

برنامه شامل یک سری از تصاویری می باشد که کودک (یا کودک دیگر) را در حال انجام فعالیت یا نمادی از آن نشان می دهد. تصاویر می تواند به شکل نقاشی، عکس و یا بریده ای از مجلات باشد: برای مثال نقاشی صندلی به کودک یادآوری می کند که روی صندلی بنشیند. در مدرسه این مجموعه تصاویر می تواند به صورت نوار به میز تحریر کودک یا در داخل دفترچه یادداشت و یا صفحات کتاب چسبانده شود. در روش دیگر می توان برنامه تصویری را برای کل کلاس بر روی تابلو اعلانات چسباند تا در دسترس تمام دانش آموزان باشد تا برای کلاس، طبیعی و هنجار جلوه نماید (ممکن است لازم باشد تا کودک برنامه تصویری یا نوشتاری اضافی نیز به همراه داشته باشد زیرا احتمال فراموش کردن برنامه چسبانده شده وجود دارد).

برنامه زمان بندی در خانه برای موارد قابل پیش بینی و ثابت تهیه می شود. حتی اگر در بعضی از روزهای هفته تغییراتی وجود داشت باید برنامه ثابت و قابل پیش بینی را حفظ نمود اما این تفکر زیاد متداول نیست. فعالیت های زمان بندی شده برای این کودکان ضروری است اما زمان بندی و برنامه ریزی بیش از حد یا در گیر کردن کودک در برنامه ها یا فعالیت های سایر اعضای خانواده برای این کودکان مشکل آفرین و غالباً مختل کننده می باشد. برای مثال بردن کودک NLD یا AS به کلاس ورزشی خواهرش و سپس رفتن به فروشگاه مواد غذایی و بعد یک ساعت برای خواهرش در کلاس فوق برنامه منتظر بماند ایده خوبی نیست. این مسئله، شرایط سختی را برای خانواده هایی که مجبورند برنامه های مجزا برای هریک از بچه ها داشته باشند، ایجاد خواهد کرد و برنامه زمان بندی هم برای خانواده هایی که شیوه زندگی «بدون برنامه» را ترجیح داده و یا افرادی که مسئولیت های پرفشار دارند مناسب نمی باشد. اما بدون وجود چنین کمک ها و عدم تمایل به تنظیم فعالیت های خانواده، احتمال دارد که کودک NLD و AS دچار مشکل شود. تهیه برنامه زمان بندی روزانه در خانه ممکن است مانند بقیه کارها باشد اما این کار زمانی مطلوب است که مقاومت و سردرگمی کمتری ایجاد نموده و به عنوان یک کار روزانه مدنظر قرار نگیرد.

سرگذشت ایوان^۱

ایوان در پایه اول است و اگرچه می تواند بسیاری از کلمات را بخواند، درک وی از آنچه که می خواند قوی نیست و با خواندن دستورالعمل ها قادر به اجرای آن نمی باشد. برنامه ای که در پایین می آید توسط رفتار درمانگر جهت استفاده در مدرسه و برنامه دیگر جهت استفاده در خانه طراحی شده بود.

^۱.Ivan

برنامه ایوان بر روی دو سری از کارت‌های ۱۲ در ۲۰ سانتی متری نوشته شد. کارت‌های سفید رنگ برای استفاده در مدرسه و کارتهای زرد برای استفاده در خانه بود. برای هر فعالیت یا هر دوره زمانی که ایوان نیاز به انجام آن فعالیت داشت، یک کارت نیز وجود داشت و ایوان کارت‌ها را همیشه در پوشه‌ای همراه خود می‌برد. کارت‌ها متناسب با فعالیت‌های هر روز مرتب شده بودند و توسط یک گیره به هم متصل شده بودند. ترتیب کارت‌ها می‌توانست تغییر کند و می‌توانستند فعالیت‌ها را اضافه و یا کم نمایند و حتی امکان تهیه کارت‌های جدید، نیز برای مهیا نمودن وی جهت پذیرش تغییرات وجود داشت. جهت اضافه یا کم کردن یک کارت، معلم یا والدین ایوان تغییرات را توضیح می‌دادند و مطمئن می‌شدند که ایوان این کارت‌ها را دیده و آن را درک کرده است. این احتمال وجود داشت که ایوان در طول روز درباره این تغییر چندین بار سوال کند.

۱) ایستادن در صف

تصویر یک دانش‌آموز (شاید عکس ایوان) که به طور صحیح
مقابل درب ورودی کلاس به انتظار ایستاده است.

یک کارت نمونه از برنامه زمانی مدرسه ایوان

فهرست کارت‌هایی که برای ایوان در نظر گرفته شده بود، در زیر ارائه شده است، هر کدام از کارت‌ها مشابه نمونه ارائه شده در بالا، تصویر یا نماد تصویری و یک عبارت دارد. دستورات واضح برای زمان‌های بی‌برنامه (همچون زنگ تفریح یا ناهار) ممکن است مورد نیاز باشد. بیشتر مشکلات دانش‌آموزان NLD و آسپرگر در مواقعی است که نابسامانی اجتماعی و تعاملات غیر قابل پیش‌بینی با همسالان دارند، اما زمانی که در کلاس درس حضور دارند و تکالیف آنها مشخص می‌باشد، مشکلات کمتری دارند. این لیست کارت‌ها عبارتند از:

۱- در صف بایست

۲- کت وظرف ناهارت را در جای خود قرار بده

۳- به سمت نیمکت برو

۴- روخوانی

۵- ریاضی

۶- کتاب‌ها یت را کنار بگذار

- ۷- منتظر زنگ تفریح بمان
 - ۸- زنگ تفریح (این فعالیت ممکن است به بیش از یک کارت نیاز داشته باشد)
 - ۹- در صف بایست (کپی اولین کارت، رفتار مورد نظر یکسان است، کارت مشابهی بسازید)
 - ۱۰- زنگ موسیقی
 - ۱۱- زنگ قصه گویی
 - ۱۲- ناهار (کارت‌های بسیاری در اینجا لازم است)
 - ۱۳- در صف بایست
 - ۱۴- به سمت نیمکت برو (کپی کارت شماره ۳)
 - ۱۵- هنر یا دیکته (۲ کارت که در روزهای مجزا استفاده می‌شوند)
 - ۱۶- کتاب را در کیف بگذار
 - ۱۷- میز را بررسی کن
 - ۱۸- منتظر اجازه ی رفتن بمان
- برای خانه نیز همین مفهوم کلی وجود دارد. ایوان فهرست زیر را برای زمان بعد از مدرسه در اختیارداشت، گسترش هریک از کارت‌ها تحت نظر والدین و روانشناس خواهد بود.

۱) داخل ماشین بنشین و کمربند ایمنی خود را ببند
تصویر یک کودک و یا ایوان در حالیکه کمربند ایمنی خود را بسته است.

یک کارت نمونه از برنامه خانگی ایوان

- ۱- داخل ماشین بنشین و کمربند ایمنی را ببند (ایوان انجام این کار را دوست ندارد).
- ۲- کت و کوله پشتی‌ات را در اتاق بگذار.
- ۳- دستهایت را بشور.
- ۴- خوراکی سبکی در آشپزخانه بخور.
- ۵- ۳۰ دقیقه تکالیف خود را انجام بده.
- ۶- زمان کار با کامپیوتر ۳۰ دقیقه می‌باشد.
- ۷- میز غذا را با خواهرت آماده کن.
- ۸- شام.

- ۹- حمام.
- ۱۰- مسواک زدن.
- ۱۱- با پدر یا مادر کتاب بخوان.
- ۱۲- چراغ‌ها را ساعت ۸/۵ خاموش کن ، اکنون زمان خواب است.

مهارت‌های لازم جهت یادگیری سازماندهی

اگر برنامه زمان بندی شده ابزاری مؤثر باشد، کودک NLD یا AS به دو دسته مهارت جهت یادگیری سازماندهی نیاز خواهد داشت، یا به عبارت دیگر، مهارت‌هایی که لازم هستند تا کودک از روش‌های سازماندهی سود ببرد. بسیار مهم است که والدین و معلمین این مهارت‌ها را از سنین اولیه و با شیوه‌های متفاوت و در نشست‌های مختلف (در خانه، مدرسه و جامعه)، به کودک آموزش دهند. کودک غالباً به تمرین نیاز خواهد داشت. این مهارت‌ها حول توانایی کلی، و به دنبال مجموعه‌ای از انتظارات هستند. این انتظارات می‌تواند شامل یک برنامه، یادستوراتی که باید از آن تبعیت شود، و یا دستورالعمل‌های کلی رفتاری و اجتماعی باشد. همه ما قوانین را اجرا می‌کنیم و انتظار داریم که اجرای قوانین را در جاهای دیگر نیز ببینیم. یادگیری اجرای این انتظارات و یا تبعیت از قوانین، مهارت‌های بارزشی هستند که تمام کودکان به آن نیاز دارند. ۲ مهارتی که کودکان باید بر آن تسلط پیدا کنند، عبارتند از:

- جستجوی برنامه زمان بندی و یا آگاهی از محل نصب آن برنامه (دستورالعمل‌ها و انتظارات). اگر چه این مهارت ممکن است ساده و بدیهی به نظر برسد، اما باید به کودک یادآوری کرد تا برای دیدن برنامه روزانه به تخته سیاه نگاه کند و باید برای آنکه بیشتر و بیشتر به دنبال برنامه بگردد، تمرین کند و این کار را باید ادامه دهد، تا زمانیکه بتواند آن را به طور خودکار انجام دهد. با افزایش سن، باید مهارت‌هایی همچون نحوه جستجو در دفتر تلفن جهت یافتن شماره تلفن آژانس اتومبیل آموزش داده شده و تمرین شود.

- از برنامه (دستورالعمل‌ها یا انتظارات) تبعیت کند. این کودکان نیاز به تمرین در زمینه پیروی از برنامه دارند. آنها نیاز دارند تا برای بازبینی مراحل که طی می‌کنند، آموزش ببینند و باید یاد بگیرند که مرحله قبل را پیش از آغاز مرحله بعدی کامل نمایند.

- شروع زود هنگام برای دانش‌آموزان NLD و اسپرگر که به این مهارت‌ها در پایه‌های تحصیلی بالاتر نیاز خواهند داشت، عاقلانه است. اگر تمرینات دیرتر آغاز گردد، عادت به پیروی از برنامه بسیار

دشوارتر خواهد شد. لازم است، جهت یادگیری پیروی از برنامه، در موقعیت‌های متفاوت مانند: خانه، مدرسه و جامعه، تکنیک‌های خاصی برای این کودکان فراهم گردد.

▪ استرس در موقعیت‌های جدید

کودکان NLD و آسپرگر، در موقعیت‌های جدید استرس را تجربه می‌کنند (موقعیت‌هایی که قادر به پیش‌بینی اتفاقات نیستند). آنها به ندرت قادر به پیش‌بینی اتفاقات در موقعیت‌هایی بجز موقعیت‌های تمرین شده خواهند بود و در نتیجه تجربه این موقعیت‌ها برای آنها پر از استرس می‌باشد. تصور نمایید، اگر همیشه تجربه تعاملات و انتظارات روزمره برای شما جدید باشد چه شرایطی بوجود خواهد آمد. یادگیری دوچرخه سواری، رانندگی یا اولین روز مدرسه جدید را به یاد می‌آورید؟ این تجربیات برای اغلب افراد که برای بار اول با آنها برخورد می‌کنند، جدید هستند. اضطراب ناشی از شرایطی که نمی‌دانستید در آینده چه کاری باید انجام دهید را به یاد می‌آورید؟ تجربه این گونه اضطراب‌ها برای کودکان NLD یا AS متداول و اکثر تجربیات برای آنها جدید می‌باشند.

شرایط کلاس درس

کلاس درس باید به طرز مرتب و منظم جهت کاهش استرس دانش‌آموزان NLD یا آسپرگر به ویژه برای کودکان کم سن و سال، سازماندهی شود. طراحی فضای کلاس باید به طور ایده‌آل متناسب با فعالیت آن کلاس مانند آزمایشگاه، کلاس بازی، روخوانی یا هنر باشد. در این نوع کلاس‌ها دانش‌آموزان سرنخ اضافه درباره کاری که باید در کلاس انجام دهند، در اختیاردارند (حتی اگر در روزهای متفاوت، نوع فعالیت تغییر نماید).

شرایط خانه

شرایط خانه نیز باید به همان ترتیب باشد. این کودکان به محل مشخص برای تکالیف درسی نیاز دارند و در آنجا می‌توان لوازم و موارد مورد نیاز را قرارداد. لازم نیست این محل اتاق مجزا باشد، بلکه می‌تواند میز تحریر یا مجموعه‌ای از قفسه‌ها یا سبدهای مخصوص کاغذ، پوشه‌ها و کتاب‌های مدرسه باشد. باید در نزدیکی این محل یکسری محدودیت‌هایی مورد توجه قرار گیرند، برای مثال، نباید جلوی پنجره باشد زیرا می‌تواند حواس کودک را پرت کند. همچنین بزرگسالان باید به آسانی به آنجا دسترسی داشته باشند. به عبارت دیگر کودک نباید در گوشه‌ای قرار گیرد که هیچ کس او را کنترل نکند، و باید مطمئن شد که او در حال انجام تکالیف و کارهایش است.

به عنوان بزرگسال، لازم است تا برای رفتار خاصی که انتظار دارید کودک از آن تقلید کند، الگو ارائه نمایید. به اصطلاح ساده‌تر، والدین کودکان NLD و آسپرگر نیز باید زندگی خود را سازماندهی نمایند و همچنین محیط خانه و زندگی کودک را سازماندهی شده حفظ کنند. این پیشنهادات ممکن است برای بزرگسالان درگیر با کودک NLD و AS مشکل باشد ولی اگر آرزوی ایجاد تغییر اساسی در کودک را دارند، باید ساختار سازماندهی شده‌ی خوبی برای کودک الگو دهی شود و در محیط خانه نیز رعایت گردد. شاید لازم باشد تا بعضی از والدین به نزد مشاور بروند تا به آنها در رابطه با ضرورت سازماندهی کمک نماید. مشاورین خانواده که در مهارت های سازماندهی تخصص دارند می‌توانند منبع با ارزش و یاری دهنده برای والدین باشند.

سرعت کند پردازش

سرعت کند پردازش یعنی ناتوانی در یادآوری سریع اطلاعات، به منظور ارائه جواب یا پاسخ رفتاری می‌باشد. همانگونه که قبلاً بحث شد، این ناتوانی جنبه‌ای از نقص پردازش اطلاعات در این کودکان را نشان می‌دهد. کودکان NLD و آسپرگر از سرعت کند پردازش در موقعیت‌های متعدد مانند موقعیت‌های آموزشی، اجتماعی و شغلی رنج می‌برند و در سرتاسر زندگی، مجبورند که برای غلبه بر این نقص تلاش نمایند. اگر چه، مسلماً سرعت کند پردازش به دلیل مشکل مغزی می‌باشد، اما تا حدودی این مشکل را می‌توان درمان کرد. سه مداخله اصلی جهت کمک به کودک NLD یا AS عبارتند از: بحث صریح در رابط با موضوع، آموزش روش‌های تمرکز، و آموزش روش‌های سازماندهی.

۱- بحث درباره موضوع

با رسیدن به سن بلوغ، با صراحت درباره مشکلش با او صحبت کنید. این مداخله اساس و مبنای تمامی مداخلات این کتاب است. به این کودکان آگاهی لازم در زمینه درک اتفاقی که برای آنها افتاده است، ارائه نمایید. این مفهوم، بدین معنا نیست که شما کودک را با این شرایط بپذیرید و هیچ اقدامی جهت تغییر آن انجام ندهید. برعکس، کودکان NLD و آسپرگر هنگامیکه نقاط قوت و ضعف خود را می‌فهمند، توانمند می‌شوند. بحث واضح در مورد صفات برجسته و نقایص کمک می‌کند تا شما از نقاط قوت کودکان حمایت کنید و به او کمک نمایید تا ضعف‌هایش را کنترل کند.

۲- روش های آموزش تمرکز

دنیای درونی بسیاری از این کودکان، مانع توانمندی در زمینه تمرکز بر فعالیت در دست اجرا می گردد و این ویژگی بخشی از مشکل سرعت پردازش آنها می باشد. برای بسیاری از مداخلات مربوط به اصلاح مهارت های سازماندهی و پردازش اطلاعات، زدودن آشفتگی و به هم ریختگی فکر (همچون پاک کردن بی نظمی از دفتر یادداشت، اتاق و کامپیوتر)، ضروری است.

یادگیری حفظ تمرکز، باعث می شود تا کودک NLD یا AS موضوع سرعت کند پردازش را به عنوان مشکل پایدار و غالباً تجربه شده، مورد توجه قرار دهد. حفظ تمرکز مناسب باید تمرین شود. اولین موضوع در یادگیری تمرکز، یادگیری صرف نظر کردن یا برخورد با موقعیت های جدید است که باعث افزایش استرس می شوند. استرس منجر به تداخل درونی با درونداد کودک و بازیابی اطلاعات می شود (این مسئله تقریباً مشابه وجود سرو صدای حواس پرت کن می باشد).

سرگذشت پتونیا^۱

پتونیا ۱۵ سال دارد و بیش از یکسال است که مادرش به او آموزش داده بود که چگونه با استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی از خانه به کلاس کامپیوتر برود. همه چیز خیلی خوب پیش می رفت تا اینکه یک روز که اتوبوس تاخیر داشت بنا به دلایلی، اتوبوس بعدی را نیز از دست داد، اگر چه او با مادرش تمرین کرده بود که در این مواقع، باید چه کاری انجام دهد. مسئله از این قرار بود که، در زمان انتظار برای اتوبوس، مشاجره ای بین دو نفر اتفاق افتاد. پتونیا به خاطر سرو صدا و داد و فریاد آنها پریشان شد و از جای خود برخاست تا از آن جار و جنجال دور شود، همانطور که در حال دور شدن بود اتوبوس آمد و پتونیا خود را سر در گم و گیج در این مسئله یافت که، آیا این اتوبوسی بود که باید سوار می شد یا نه؟ هر چه بیشتر در مورد این موضوع فکر می کرد، گیج تر می شد و آنچه را که یاد گرفته بود (سوار شدن به اتوبوس و سوال کردن که آیا این اتوبوس به مقصدی که می خواهد می رود یا نه؟) فراموش کرد، انجام دهد. در نتیجه حدود ۲۰ دقیقه بی حرکت ماند تا پس از آن که آرام شد به مادرش تلفن زد و دستورالعمل لازم درباره آنچه باید انجام می داد را از وی گرفت.

اگرچه اختلال NLD او به طور مشخص بر عملکرد وی اثر گذاشته بود، اما او مهارت های زیادی داشت و سرانجام توانست با آن موقعیت برخورد نماید. مادرش نحوه ی صحیح کار را از طریق آموزش راه های مختلف حل مشکل، به او یاد داده بود: برای کسب اطلاعات سوال کن، بنشین و آرام باش، با خانه تماس

^۱ -Petonia

بگیر. این آموزش ها در طی سالها دگرگون می شود و هنوز این احتمال وجود دارد که پتونیا استرس را در موقعیت های غیر قابل انتظار در سرتاسر زندگی اش تجربه کند. بهترین روش برای او آگاهی از این مطلب است که وی می تواند از دیگران کمک بگیرد و مشکل خود را حل کند.

آگاه شدن از قبل

درگیر تعامل شدن یا تقاضا جهت برآورده شدن درخواست، حتی در محیط آشنا، می تواند یک موقعیت جدید استرس زا را ایجاد نماید. کودک باید تا حد امکان، اطلاعات جدید را در دسترس داشته باشد، بویژه اگر اطلاعات برای پاسخ فوری لازم باشد. این شیوه پیش آگاهی نامیده می شود. مثل: «از شما می خواهم تا ذهنتان را پاک کنید و نسبت به آنچه صحبت می کنم تمرکز کنید. از شما سوال می پرسم و شما باید پاسخ دهید...» اگر می خواهید تا کودک تکلیفی را انجام دهد یا با صدای بلند بخواند و یا در فعالیتی با دیگران شرکت کند، روش مناسب بدین صورت است: «ابتدا می خواهم جان، بعد بابی و بعد شما سالی از روی کتاب بخوانید. روی شانه شما ضربه می زنم تا بدانید نوبتان فرا رسیده است. به همین شیوه هر کس شروع به خواندن می کند». بیان این موضوع که اکنون چه اتفاقی رخ می دهد، برای موفقیت کودکان NLD و آسپرگر در رسیدن به انتظارات مهم می باشد. به آنها بگویید که لازم است تا آنچه را که می گوید تکرار کنند. این روش باعث افزایش توجه فوری آنها می گردد. آماده کردن کودک نه تنها باعث کاهش استرس در موقعیت های جدید می شود (موقعیت یا فعالیتی که دیگر اکنون بیشتر قابل پیش بینی است) بلکه، به کودک کمک می نماید تا ذهن خود را از هر عامل مختل کننده درونی احتمالی نیز پاک گرداند.

استفاده از نزدیکی جسمی به عنوان بخشی از فرآیند پیش آگاهی به کودک کمک می نماید (نزدیک شدن به کودک و قرار دادن دست روی شانه، البته اگر کودک تحمل تماس را داشته باشد). سایر سرنخ های جسمی نیز به کودک در حفظ تمرکز کمک می نماید: اشاره دستی، قراردادن یک شی روی میز، یک کلمه ی یادآوری کننده (این پیش آگاهی باید قبلاً بین دانش آموز و معلم مورد توافق قرار گیرد).

۳- آموزش روش های سازماندهی

برای بسیاری از والدین، سازماندهی کودکان در درجه دوم اهمیت قرار دارد. اکثر والدین صراحتاً اظهار می نمایند که راحت تر است تا خود کارها را انجام دهند. لذا باید در این زمینه محتاطانه برخورد نمود. در فرایند یادگیری، آموزش مهارت های سازماندهی از طریق انجام سازماندهی برای کودک جایگاه مهمی

دارد. اما این روش تنها به عنوان یک نوع الگو دهی و وسیله حمایت از کودک در کسب مهارت های جدید می باشد. تداوم سازماندهی وظایف این کودکان توسط والدین (تمیز کردن اتاق، منظم نگاه داشتن برگه ها، نوشتن تکالیف و بازیابی آنها و به طور خلاصه اجرای فعالیت هایی که نیازمند سازماندهی می باشد) می تواند مانعی برای یادگیری سازماندهی توسط خود کودکان گردد. تلاش کنید مسیر حرکت از انجام کارها برای کودک به سمت انجام کارها همراه با کودک تغییر یابد تا وی بتواند به تنهایی کارها را انجام دهد و حتی در صورت لزوم اجازه دهید تا کودک شکست بخورد. شکست خوردن (به همه) کمک می کند تا از عهده مهارت ها بر آیند و آستانه تحمل نا امیدی افزایش یابد. کودکان NLD و آسپرگر تا شروع دوره دبیرستان به استراتژی هایی نیاز دارند تا از نحوه برخورد با اختلال خود و در نتیجه مشکلات سازماندهی، آگاهی داشته باشند. مگر اینکه، والدین آنها بخواهند تا آنها را برای همیشه در خانه، همراه خود نگه داشته و نتوانند بطور مستقل عمل کنند.

سیستم های کامپیوتری و فناوری

آموزش مهارت های سازماندهی نیازمند انتظارات واضح، ساده و پایدار می باشد و واقعیت این است که این مهارت مشکل پیچیده ای است که باید در تمام جوانب زندگی کودک مورد توجه قرار گیرد. استفاده از تکنولوژی نقطه قوت است و بعداً به طور عمیق در این کتاب مورد بحث قرار خواهد گرفت. تکنولوژی را عاملی مثبت در نظر بگیرید (زیرا استفاده از تکنولوژی به کودک کمک می کند تا ناتوانی های خود را کنترل کند). اما، به خاطر داشته باشید که اگرچه گزارش می شود، کودکان NLD و آسپرگر در زمینه ی کامپیوتر مهارت های عالی دارند، اما در حقیقت کامپیوتر شخصی اکثر این افراد همانند مغزشان بی نظم است. یادگیری خوب مهارت های سازماندهی کامپیوتر (مانند استفاده از سیستم ذخیره فایل، طبقه بندی پوشه ها و برنامه های مختلف مدیریت داده ها) می تواند راه های سازماندهی تفکر را به آنها آموزش دهد و شاید این کار را با روش دیگری یاد نگیرند. کامپیوتر، قیاس شگفت انگیزی از ذهن آنها می باشد.

سیستم های کد گذاری

سیستم های کد گذاری رنگی (استفاده از رنگ جهت نشان دادن طبقات مختلف، کارهای روزمره و یا سایر موارد نیازمند به سازماندهی) غالباً موفقیت های محدودی را در پی دارند. ممکن است، بسیاری از کودکان NLD علاقه ای به رنگ ها نداشته باشند و بنابراین، احتمال دارد که به یاد آوری آنها کمک ننماید. اما کودکان آسپرگر ممکن است نسبت به نوعی از سیستم سازماندهی که در آن از رنگ استفاده می شود،

پاسخ مناسب تری داشته باشند. برای مثال، استفاده از پوشه یا دفترهای رنگی و برگه‌های رنگی تکالیف معلم، به کودک در نگهداری مناسب آنها کمک می‌کند.

سیستم شماره گذاری، سیستم نظم دهنده ای است که از کلمات و اعداد استفاده می‌کند، و حتی استفاده از فهرستی آهنگین که باعث یادآوری می‌شود، می‌تواند کمک کننده باشد. با پیشرفت تکنولوژی، استفاده از ابزارهای قابل حمل مختلف به منظور ایجاد برنامه های زمان بندی و سازماندهی اطلاعات (بوژه دستگاهی که اطلاعات را در لپ تاپ یا کامپیوتر رومیزی وارد می‌کند) می‌تواند برای این کودکان بسیار سودمند باشند.

اهداف طولانی مدت

آموزش سازماندهی فراینده پیچیده ای است و صراحتاً باید گفت که سیستم کاملی برای کمک به این آموزش وجود ندارد. بهترین سیستم هایی که معمولاً می‌توان برای این کودکان پیشنهاد نمود، سیستم های طراحی و اجرا شده توسط بزرگسالان مطلع (مثل والدین و معلمان) می باشند، زیرا آنها مسئول کشمکش هایی هستند که این کودکان با آنها روبرو می شوند. با گذشت زمان، برنامه ها در حال پیشرفت هستند و احتمالاً الگوهای موثرتری نیز بوجود می آیند. اکثر کودکان NLD و آسپرگر سالیان متمادی نیازمند آموزش و حمایت در زمینه سازماندهی می باشند و به افراد بزرگسالی مانند پدر و مادر که همچون مدیر برای کودک عمل می کنند و یا معلم آموزش دیده و یا پشتیبان در کلاس درس نیاز خواهند داشت و این افراد بطور دائمی چنین حمایتی را برای آنها فراهم می نمایند. نباید اجازه داد تا این کودکان شکست های مکرر در سازماندهی را تجربه کنند و نباید آنها را به خاطر ناتوانی هایشان تنبیه کنیم. تربیت افراد بزرگسالی که در زندگی به دیگران وابسته هستند، هدف مداخله ای مناسبی برای این کودکان نیست.

هدف باید، توانمند نمودن افراد NLD و آسپرگر تا آخر دوره دبیرستان برای انجام تکالیف درسی و تعهدات و یا کنترل نتایج حاصل از خطا باشد. هدف کمک به آنها جهت گسترش شیوه های آموزش داده شده و استفاده از تکنولوژی برای یادآوری و کسب اطلاعات مورد نیاز این افراد می باشد.

ذخیره سازی اطلاعات (ایجاد سلسله مراتب سازمان دهی)

برای یادگیری اطلاعات، ابتدا باید اطلاعات را بفهمیم. همچنین برای استفاده در آینده، به شیوه هایی برای دریافت و ذخیره سازی اطلاعات در حافظه احتیاج داریم. در فصل پیش با استفاده از مثال مربوط به طبقه بندی مناسب لباس ها در کشورهای دراور شرح دادیم که طریقه ذخیره سازی اطلاعات تاثیر بسزایی بر چگونگی بازیابی آن اطلاعات در آینده خواهد داشت. اگر گاهی اوقات شلوارها با پیراهن ها در یک کشو

و گاهی اوقات با جورابها و گاهی اوقات به طور مجزا در کشوی مخصوص به خود قرار داده شوند، هنگام نیاز پیدا کردن آنها با مشکل روبرو خواهد شد. در مورد اطلاعات هم همین گونه است. کودکان NLD و AS برای تنظیم دقیق اطلاعات به کمک نیاز دارند، بنابراین ما باید برنامه ای طراحی کنیم که به آنها کمک می نماید، اطلاعات را در سلسله مراتب مناسب خود قرار دهند (سلسله مراتب سازماندهی شده).

درک ایده اصلی

اکثر افراد بدون اینکه متوجه باشند، نحوه ی فهم ایده اصلی تکلیف درسی و یا صحبت های معلم را یاد می گیرند. به عبارت دیگر ما طریقه فهم نکته اصلی موضوع را «کسب می کنیم». حتی احتمال دارد درباره جزئیات صحبت کنیم، اما نکته اصلی را می فهمیم. کودکان NLD و AS این گونه نیستند. آنها ایده اصلی را گم می کنند. بنابراین، مقصود درس، تکلیف مربوط به خواندن و یا درس پس دادن در کلاس را، بدون کمک دیگران به خاطر نمی آورند.

کمک به کودک برای تشخیص ایده اصلی، می تواند شروع مناسبی برای مداخلات معلم یا والدین باشد. یادگیری تشخیص ایده کلیدی و سپس به خاطر آوردن آن، به کودک کمک می نماید تا چگونگی ارتباط ایده ها با یکدیگر را یاد بگیرد، و در نهایت قادر باشد تا ارتباطات بین اطلاعات مختلف را پیدا کند. معلمین خلاق، تمریناتی را در زمینه تشخیص ایده اصلی، برای دانش آموزان ایجاد می نمایند. شرح این تمرینات در اینجا نمی گنجد، مسلماً آموزش ایده اصلی تمرین جدیدی نیست. مطلب جدید این است که دانش آموزان NLD و AS، نیاز به انجام تمرینات بیشتری در این زمینه دارند. تمرینات شامل آموزش و مرور بر روی تمام موضوعات در کل دوره دبیرستان است. والدین در منزل می توانند، با کودک بر روی درک موضوع اصلی برنامه تلویزیون و یا داستان، تمرین کنند. به کودک کمک کنید تا ایده ها را به طور ساده به خاطر سپرده و یاد بگیرد که ایده اصلی را در یک یا دو جمله خلاصه کند. بیان ایده اصلی، بازگویی مجدد داستان نمی باشد بلکه این مهارت همانند ضرب المثل توانایی دیدن جنگل و نادیده گرفتن درختان است، بعبارت دیگر به موضوع اصلی یک داستان توجه نماییم و جزئیات را نادیده بگیریم.

برای مثال، کوین^۱ در صبح روز تعطیل، کارتون مورد علاقه اش را همراه با پدرش که در تمام مدت کنار او نشسته بود، تماشا می کرد. در پایان برنامه پدرش از او پرسید «کوین فکر می کنی این کارتون در مورد چه چیزی بود؟» کوین بدون هیچ ترتیب خاصی مجدداً کارتون را تعریف کرد، و فقط صحنه های اکشن

^۱ -Kevin

و یا هر چیزی که توجه وی را جلب کرده بود تعریف کرد. پدرش که به کارتون توجه کرده بود (و چون شخصیتها برای او جدید بودند، یادداشت برداشته بود) به کوین کمک کرد تا ایده اصلی کارتون را به یاد آورد. «خوب کوین این چیزها درست هستند اما، **ایده اصلی** کارتون این بود که پسر از دستورات پیروی نکرد و گم شد و دوستانش مجبور شدند تا او را نجات دهند» توجه نمایید که پدر کوین چگونه سعی نمود به او بفهماند کارتون در چه موردی بود و تایید کرد که مشاهدات او صحیح هستند. همچنین، پدر از واژه «**ایده اصلی**» برای تقویت آن چیزی که می خواست بشنود، استفاده کرد.

مثال بالا، مورد بحث قرار گرفتن ایده های مرتبط را نشان می دهد، و از زبان به عنوان وسیله ای برای تعامل استفاده می کند و مفهوم **ایده اصلی** را از طریق سرگرمی آموزش می دهد. دقت نمایید: همانند کاری که پدر کوین انجام داد «آموزش» را در یک یا دو جمله ارائه نمایید. بحث های پیچیده و طولانی در مورد کارتون، همان گونه که نمایش او را گیج کرده، می تواند باعث گیج شدن کودک گردد. با کودکان (و همچنین خودتان) صبور باشید: این تکلیف حقیقتاً تکلیفی بسیار مشکل است.

برای آنکه واقعا در آموزش ایده اصلی به موفقیت دست یابید، زود شروع کنید و درک ایده اصلی را تقویت نمایید. بسیاری از معلمین خطاب به والدین اظهار می نمایند که آنها هم اکنون این کار را برای دانش آموزان انجام می دهند. بدون شک این صحبت معلمین کاملاً صحیح می باشد و تشویق و تقویت ارائه شده برای دانش آموزان معمولی کافی است. اما بعید است که برنامه آموزشی فعلی برای کودکان NLD یا AS کافی باشد و نیاز به تمرکز و تمرین بیشتری خواهد داشت.

فهم استعاره، قیاس و معنای ضمنی مطلب

کودکان NLD و AS متفکرانی عینی هستند؛ آنها چیزها را همان طوری که هستند، می فهمند. برای آنها، کلمات فقط و فقط یک معنی دارند. به طور مشخص، این نوع از الگوی تفکر نمی تواند مفهوم اصلی واژه را منعکس نماید، (به ویژه در زبانی مانند انگلیسی که کلمات و عبارات معمولاً بیش از یک معنی دارند). برای مثال، در حین انجام بازی هایی که کودکان با کارت انجام می دهند، عبارت «کارت را بگیر» بر اساس بافت جمله، معانی متفاوتی دارد. اگر شما در شرایطی قرار داشتید که در آنجا نیاز باشد تا کارت را به کسی بدهید، شما کارت را در دستتان نگه می دارید و جلو می آورید. اما اگر در حال بازی با کارت هستید، این عبارت به معنی اضافه کردن کارتی به کارتهای قبلی در دستتان خواهد بود.

احتمالاً استفاده از معانی دوگانه زبان از زمانی که بشر قادر به سخن گفتن بوده منبع شوخی بوده است. کودکان NLD و AS در درک چنین شکل هایی از شوخی مشکل دارند. این مشکل به دلیل بودن

آنها نیست (اغلب این احساس را نسبت به خود دارند)، بلکه ماهیت شوخی را به سادگی درک نمی کنند. توانایی «فهم معانی ضمنی» نیز این گونه است. این کودکان معانی ضمنی و ظریف را درک نمی کنند و این مشکل می تواند منجر به شرمندگی در اجتماع گردد.

تکیه بر تفکر عینی و تفسیر تحت الفظی زبان، درک آنها از قیاس و استعاره را تحت تأثیر قرار می دهد. قیاس (نشان دادن شباهت و یا مقایسه بین چیزهای مختلف) اغلب در متون و حتی در زبان روزمره استفاده می شود. معلمین از قیاس در تمام موقعیت های تدریس استفاده می کنند. برای مثال، مقایسه ساختارهای درونی یک سلول با ماشینی که به سلول قدرت می دهد. نفهمیدن قیاس باعث آشفتگی می گردد و این آشفتگی احتمالاً یادگیری را تحت تأثیر قرار می دهد.

در درک استعاره نیز مشکلات مشابهی وجود دارد. استعاره، استفاده از زبان جهت توصیف یک ایده با استفاده از ایده ی دیگر است. توصیف سیستم سازمانی مغز به عنوان یک دراور با کشوهای برای ذخیره سازی اطلاعات، یک استعاره است. خیلی از کودکان NLD یا AS این تشبیه را بدون توضیح، درک نخواهند کرد. لازم است به آنها توضیح داده شود که دراور کشودار فقط مثالی است برای تفکر در مورد مغز و عملکرد مغز را با استفاده از کلمات قابل فهم برای آنها به تصویر می کشد (ذخیره سازی اطلاعات مانند نگهداری لباس هاست).

در طول تاریخ، والدین ایده های اخلاقی را با استفاده از افسانه ها و تمثیل ها آموزش داده اند و ایده ها را از طریق استعاره انتقال داده اند. برای مثال، در داستان هایی که از حیوانات استفاده می شود، درس های اخلاقی مفید با استفاده از استعاره ها آموخته می شود. ممکن است، کودک NLD یا AS موضوع اصلی داستان را از دست بدهد؛ مثلاً ممکن است در داستان بر روی درخت تمرکز شود نه روی جنگل (این جمله مثال دیگری از کاربرد استعاره است).

کودکی که نمی تواند بر مفهوم استعاره و قیاس تسلط پیدا کند احساس طردشدگی خواهد داشت و خود را عضوی از گروهی که این نوع از کاربردهای زبان را می فهمند، نمی داند. لذا آموزش مستقیم مفهوم قیاس یا استعاره، چگونگی تشخیص آنها، و احتمال اینکه در چه زمانی ممکن است رخ دهد و چطور آنها را بفهمیم، برای این کودکان مهم است. استفاده از استعاره و قیاس ممکن است برای افراد NLD یا AS هرگز به طور طبیعی رخ ندهد. این استفاده ضروری نیست و علت نیاز به استفاده از استعاره و قیاس این است، که این کودکان یادگیرند تا با امیدواری این شکل از ارتباط را درک نمایند و تشخیص دهند، کشف کنند و حتی در متون و در کلاس و در گفتگو از آن آگاه باشند.

جزئیات گمراه کننده است

تمرکز بر روی جزئیات در یادگیری مهم است. جزئیات در تمام علوم، به معانی و مفاهیم رنگ و چاشنی اضافه می نماید و به بسیاری از ما کمک می کند تا اطلاعات را به خاطر آوریم. متأسفانه، کودکان NLD یا AS بر روی جزئیاتی تمرکز می نمایند که نه تنها برای یک مفهوم مرکزیت ندارد، بلکه اطلاعات غیر معمول و بی ربطی هستند. ناتوانی در پیدا کردن ایده اصلی و تمایل به تمرکز بر روی جزئیات غلط باعث افزایش مشکلات این کودکان در پیدا کردن معنی ضمنی می شود. به طور مشخص، این مشکل به نقص پردازش اطلاعات کلی این کودکان وابسته است. کودکی که به داستان شئل قرمزی کوچولو گوش می دهد و نمی فهمد که گرگ جای مادر بزرگ را گرفته و سعی دارد شئل قرمزی را گول بزند (و بخورد)، ایده اصلی را گم کرده است. کودک ممکن است بر روی ناهاری که شئل قرمزی با خود می برد، تمرکز کرده باشد و شروع به فکر کردن در مورد اینکه ناهار آنها چیست، و او برای ناهار چه چیزی دوست دارد، نماید. این تصورات رشته افکار کودک را از داستان دور می کند و در مسیری متفاوت از اکثر همکلاسی هایش قرار می دهد.

تمرکز بر روی جزئیات غلط به طرق مختلف بر روی این کودکان اثر می گذارد. این افراد نه تنها جزئیات مربوط به فهم تکلیف درسی را گم می کنند، بلکه اغلب در پیروی از دستورات برگه تمرین، نیز دچار اشتباه می شوند. هنگامی که معلم در کلاس متنی را می خواند و دانش آموزان آن متن را دنبال می کنند، کودک NLD یا AS ممکن است صفحه‌ی اشتباهی را باز نموده باشد، و اگرچه وی از مشکل و اشتباه خود آگاهی ندارد، اما احساس آشفتگی می کند زیرا نمی فهمد که چه اتفاقی افتاده است.

طراحی مدافلات سازماندهی

در تمام شرایط (برگه های تمرین و آزمونها، دستورات کلامی در خانه، مدرسه یا جاهای دیگر) بهترین مداخلات، به دنبال این رهنمودها هستند:

- دستورات ساده و روشن باشد.
- هر قدر ارائه دستورات در یک زمان کمتر باشد، بهتر است.

برای مثال، یک یا دو دستور بدهید، منتظر بمانید آنها انجام شوند، سپس یک یا دو دستور دیگر بدهید. این مفاهیم را در تمام برخوردها با این کودکان مراعات کنید. مشکلات سرعت پردازش آنها را در نظر بگیرید و هرگز تصور نکنید آنها منظور شما را می دانند. گفتن این جمله به کودک NLD یا AS که: «من دیگر نمی خواهم ببینم تو در کلاس شکلات می خوری» ممکن است فقط هنگامی که شما به او نگاه نمی کنید،

اجرا شود. فهم تحت الفظی یا عینی کودک از گفته شما می تواند منجر به این احساس شود که تأکید شما بر روی مکان خوردن است و نمی خواهید که خوردن او را ببینید. شکلات خوردن کودک در زمانی که شما به او نگاه نمی کنید به معنای دست انداختن شما، نیست.

ممکن است فرض شما مبنی بر اینکه کودک می داند که چگونه تمرینی را انجام دهد، با توانایی وی برای دنبال کردن دستورات در تداخل باشد. به عنوان مثال، یک دانش آموز AS وظیفه خالی کردن سطل های آشغال کلاس و خالی کردن زباله ها در سطل بزرگ پشت مدرسه را به عهده داشت. فرض معلم مبنی بر اینکه او می داند چطور این کار را انجام دهد، نادرست بود. او می توانست زباله ها را خالی کند، (زیرا این کار را در خانه انجام می داد). اما در مدرسه، (دقیقاً همان گونه که در خانه انجام می داد) هر بار یک کیسه بر می داشت و تمام مسیر پشت مدرسه را به سمت سطل بزرگ طی می کرد. این کار منجر به ۱۰ بار رفت و آمد به سمت سطل می شد، و زمان انجام کار خیلی بیشتر از آنچه معلم در نظر گرفته بود، طول کشید. او همیشه دیر به سرویس می رسید تا اینکه معلم به مشکل وی پی برد و به او آموزش داد که تمام زباله های کلاس را در یک کیسه بزرگ خالی کند و سپس آن کیسه را در سطل بیاندازد، و بدین طریق توانست مشکل را حل کند.

مدیریت استرس و آموزش مؤثر

برای اینکه یادگیری اتفاق بیفتد، نه تنها آموزش باید مؤثر باشد، بلکه دانش آموزان نیز باید استرس خود را کنترل نمایند. اگر کودک غرق در استرس باشد، ایده ها و پیشنهاد هایی که جهت مداخله در این کتاب آورده شده است، مزایای کمی در پی خواهند داشت. همان طور که در این فصل بحث کردیم، کنترل استرس به سطوح متعددی از مداخلات در خانه و مدرسه نیاز دارد. مهم نیست که AS و NLD چه اثرات ویژه ای بر روی این افراد دارد. مهم این است که آنها تقریباً به طور مداوم مجبورند با برخی از جنبه های اختلال خود درگیر باشند. دستیابی به موفقیت های اندک در کنترل استرس، مدیریت زمان، برنامه ریزی مناسب، انجام دادن فعالیت مؤثر و سایر جنبه های عملکرد اجرایی، ممکن است تجربیات والدین طی سالهای متمادی باشد. لذا مسئول نگه داشتن این کودکان، برای انجام کار و وظایفشان مهم است. تفاوت میان بچه نگه داشتن کودک، از طریق انجام دادن تمامی کارهای وی، و آشفته گی کودک به واسطه ی عدم حمایت از او، مسئله ظریفی است. اما لازم است که والدین این مسئله را درک نمایند و اعتقاد داشته باشند که افراط و تفریط در هر سنی در جهت حمایت از کودک، مانع گسترش استعداد حقیقی کودک نخواهد شد.

○ فصل هشتم

« یادگیری یادگرفتن: مداخلاتی برای تجارب یادگیری موفق »

رشد و نحوه استفاده از مهارت های سازماندهی یکی از فرایندهای شناختی است و قسمتی از عملکرد اجرایی می باشد. همانطور که در فصل یک صحبت شد، عملکرد اجرایی، توانایی انسان جهت برنامه ریزی، پیش بینی، سازماندهی و استفاده از اطلاعات است. این مهارت ها تحت کنترل لوب فرونتال هستند و این لوب بر تفکر، قضاوت، یادگیری و مهارت های اجتماعی ما نظارت دارد. افرادی که عملکرد اجرایی بسیار رشد یافته دارند، در برنامه ریزی و سازماندهی، خوب عمل می نمایند. این افراد سرخ های اجتماعی را می فهمند و به سادگی با شرایط جدید سازگار می شوند. آنها در زندگی انعطاف پذیری و قابلیت تطابق از خود نشان می دهند. در مورد افراد NLD یا آسپرگر عکس این ویژگی مصداق دارد: یعنی این کودکان تفکر انعطاف ناپذیر دارند و معمولاً بر کارهای روزمره تکیه داشته و در آن می مانند. برای افرادی با این اختلالات، یادگیری مهارت انعطاف پذیری مشکل است. تاکنون برنامه از پیش آماده شده مشخصی برای موقعیت های مختلف در طول روز، جهت افزایش انعطاف پذیری این کودکان طراحی نشده است. بهترین کاری که ما می توانیم انجام دهیم مشارکت در راهنمایی های مشخص برای طراحی برنامه ها است.

استفاده از فعالیت های از پیش طراحی شده

باید شرایط قرار گیری کودک در معرض فعالیت ها و تجربیات متفاوت و فزاینده، به گونه ای طراحی شود تا کودک را آشفته نسازد. اما باید توجه داشت که فعالیت های طراحی شده به معنی کنترل محیط کودک نیست بلکه باید تا اندازه ای باشد که مانع کسب تجربه وی در زندگی و عدم تمرین در زمینه انعطاف پذیری نشود. برای برخی از کودکان، فعالیت های بیرون از خانه را به دقت انتخاب کنید، شروع مناسب برای این کودکان رفتن به باشگاه، اردو و یا فعالیت های کلاسی یک بار در هفته می باشد. این فعالیت ها ممکن است، متفاوت از فعالیت های عادی کودک در مدرسه باشند؛ برای مثال، اسب سواری که طی آن کودک با حیوان سروکار دارد و شامل مجموعه ای از انتظارات و محرکات جدید و مناسب است. گرچه حیوانات برای کودک غیر قابل پیش بینی هستند اما معمولاً از مجموعه مشخصی از «قوانین

رفتاری» که خاص گونه آنها می باشد، پیروی می کنند. در این تمرین کودک NLD یا آسپرگر می تواند تعاملی با اسب ایجاد کند که برای یادگیری قوانین جدید مفید است. این فعالیت نه تنها احساس روزمرگی را از این کودکان میگیرد، بلکه منجر به افزایش توانایی آنها برای سازگار شدن می شود. (پیوست «د» را برای سایر ایده های مربوط به فعالیت ها نگاه کنید)

برنامه ریزی برای انتظارات اجتماعی فزاینده

با افزایش سن کودک، انتظار از آنها افزایش می یابد، و لذا این کودکان به آموزش بیشتری در مورد چگونگی کنترل شرایط زندگی خود، نیاز دارند. فشارهای اجتماعی در مقاطع راهنمایی و دبیرستان بیشتر از فشارهای مربوط به دوران ابتدایی است و فعالیت با همسالان که همزمان با دوران دبیرستان شروع می شود مهارت های اجتماعی پیچیده تری را می طلبد. آموزش این مهارت های اجتماعی به تفکر و برنامه ریزی دقیق نیاز دارد، و بنابراین مهم است همراه با بزرگتر شدن کودک، نگذاریم منزوی شود. فعالیت در باشگاه ها که محرک علایق ویژه کودک می باشد راه مناسبی برای قرار دادن کودک در شرایط اجتماعی، بدون محدودیت زمانی است. فعالیت ورزشی که کودک نمی تواند انجام دهد و یا باشگاهی که زمان استراحت زیادی دارد، انتخاب خوبی برای اجتماعی کردن کودک نیست زیرا احتمال دارد که این فعالیت ها موفقیت های زیادی در پی نداشته باشد.

ارائه زمان کافی

کودکان NLD و آسپرگر آنقدر باهوش هستند تا در بسیاری از مواقع بدانند چه برنامه ای مناسب است. آنها فقط قادر به اجرای سریع برنامه نیستند و معمولاً شرایط به آنها زمان کافی نمی دهد. در چنین مواردی مهم است تا به کودک استراتژی هایی مانند حفظ آرامش، درخواست کمک و یا بیان مشکل، آموزش داده شود تا از عهده مشکلات خود برآید. مثلاً بگویند، "من در صحبت کردن خیلی سریع نیستم، به من اندکی وقت بدهید، تا پاسخ شما را بگویم". بسیاری از کودکان و نوجوانان NLD و AS از طریق **روش های طفره رفتن**^۱ که مخصوص آنها است در موقعیت های پراسترس، از عهده مشکلات بر می آیند. معمولاً تعداد اندکی از این راهکار های طفره رفتن در مدت زمان طولانی کاربردی می باشد.

^۱. ways of stalling

سرگذشت برایان^۱

برایان به طور قابل توجه در تفکر مستقل، مشکل دارد و اغلب در حال توضیح این مطلب می باشد که در حال انجام چه کاری است. علت این ویژگی به این دلیل است که او ۱۶ سال دارد و بواسطه NLD جهان بینی وی خود محور می باشد. او هرکاری که فکر می کند درست است را انجام می دهد (بدون تفکر در مورد تمام جنبه های آن فعالیت). یک روز صبح بعد از وارد شدن به مدرسه، متوجه شد که هیچ مدادی همراه خود نیاورده است. برای اینکه دانش آموزان در تمام درس های مربوط به آن روز نمره خوب بگیرند، لازم است وسایل مورد نیاز برای انجام تکالیف را از قبل تدارک ببینند. برایان نیازهایش را می دانست و فکر کرد به کلاس برود و اطراف میز معلم را خوب جستجو کند تا مدادی پیدا کند و آن را قرض بگیرد. زمانی که معلم متوجه شد که وی در حال جستجو در اطراف میزاست با او به ملایمت برخورد کرد. او لکنت کرد و از حرکت ایستاد «خوب... آه... آه... من... آه، آه...» و پاسخی نداد. همان طور که برای صحبت کردن تلاش و تقلا می کرد، فضا پر از پیچ پیچ های نا مفهوم شد، سرانجام معلم عصبانی شد. او ابداً برای توضیح کار خود دستپاچه نبود. او می خواست توضیح بدهد که در حال انجام چه کاری بوده است (گرچه این کار، راه حل ضعیفی برای حل مشکل وی بود) اما او به روش طفره رفتن قدیمی که قبلاً در زندگی یاد گرفته بود، تکیه کرد. این روش به ندرت برای او کاربرد داشت. زمانی که از پاسخ دادن به یک سوال اجتناب می کرد، دیگران پاسخ را برای او تکمیل کرده، و یا با عصبانیت برخورد می کردند. در مثال بالا، اگر برایان نفس عمیقی می کشید، ممکن بود بتواند بر روی قانون ساده ای تمرکز کند: فقط سوال را پاسخ بده، و در یک زمان فقط با یک فکر برخورد کن. ممکن است او قادر به توضیح افکارش با صحبت کردن باشد، گرچه، توضیح وی ممکن است ناقص باشد اما احساس خواهد کرد که موضوع تا حدی روشن شده است.

▪ پیش بینی نتایج

تمرین «بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد؟» اغلب قسمتی از یک برنامه زبانی کاربرد شناختی خوب با گفتار درمان است. این روش شامل نگاه کردن به یک صحنه نمایش و یا خواندن یک مطلب بدون پایان می باشد و باید پیش بینی نمود که بعداً چه اتفاقی خواهد افتاد. کودک و یا اعضای گروه، موارد احتمالی را مورد بحث قرار می دهند و در مورد احتمال رفتاری که اتفاق خواهد افتاد، حدس می زنند. پیش بینی نتایج مهارت بسیار با ارزش از لحاظ سازماندهی، آموزشی و اجتماعی است. این مهارت به تسهیل

^۱ - Brian

سازماندهی، برنامه ریزی و رشد مجموعه ای از رفتارها کمک می کند. بدون این توانایی کودکان احساس ضعف در عملکرد کلی می کنند و نمی توانند به حوادث غیر قابل پیش بینی واکنش خوبی نشان دهند، و حتی چیزی از این تجارب را یاد نمی گیرند، زیرا اضطراب آنها مانع یادگیری و ابقاء در حافظه می گردد.

استراتژی های تطابقی جدید

این کودکان بر قوانین انعطاف ناپذیر تکیه می کنند و روزمرگی، در حقیقت یک استراتژی تطابقی است. زندگی معمولاً غیر قابل پیش بینی و گیج کننده است و کارهای روزمره و قوانین باعث می شود تا کودک احساس امنیت کند. برای بسیاری از کودکان NLD و AS، کارهای روزمره به وسواس و اجبار تبدیل می شود. همانطور که در فصل ۳ بحث کردیم، لازم است تا کودک به درمان انفرادی یا گروهی در زمینه اختلال وسواس - اجباری ارجاع داده شود. این درمان می تواند جزء مهم در برنامه کلی کودک NLD یا AS باشد. اما حذف این نوع روش های اجرایی بدون کمک به کودک جهت گسترش روش های مؤثرتر، احتمالاً باعث ایجاد استرس زیاد می شود، و کودک در مقابل استرس درمانده گشته و در پی آن احساس گیجی می کند. باید با کودک برای ایجاد استراتژی های اجرایی سالم و مؤثر تمرین کنیم.

■ حفظ توجه و تمرکز

تقریباً هر نمایی از کودک NLD یا آسپرگر مشکلاتی را نشان می دهد که با یکدیگرهمپوشانی دارد و در نتیجه به مداخلات همپوشانی شده نیز نیاز می باشد. سرعت پردازش تحت تأثیر توجه و تمرکز قرار می گیرد، و توجه و تمرکز با سرعت کم پردازش این کودکان محدود می شود، در نتیجه مغز پردازش اطلاعات را کندتر و یا با تأثیر کمتری انجام می دهد. این کودکان اغلب توجه شان را از دست داده، آشفته می شوند و از تمرین فرار می کنند. از برخی جهات این مشکل شبیه مسئله مرغ و تخم مرغ است؛ مشکل سرعت پردازش سبب ایجاد مشکلات توجه است یا مشکلات توجه سبب پردازش کند است؟ مشکل توجه، تمرکز و سرعت پردازش به ترتیب مهارت کلی سازماندهی کودک را تحت تأثیر قرار می دهد.

به هر دلیل، حفظ توجه برای این کودکان مشکل است و به مداخله مستقیم نیاز دارند. گرچه ممکن است درمان دارویی برای مشکلات توجه پیشنهاد گردد، اما یادآوری می کنیم که تمام کودکان NLD و آسپرگر دارای مشکلات توجه، الزاماً به AD/HD (اختلال نقص توجه) مبتلا نیستند. ممکن است مداخلاتی فراتر از درمان دارویی مورد نیاز باشد تا این مسائل را مورد توجه قرار دهند این مداخلات شامل موارد زیر است:

- عوامل آشفته کننده و حواس پرت کن را از میان بردارید. به عنوان قانون کلی برای کودکان NLD و آسپرگر هر چه کمتر، بهتر (کاغذ کمتر، دستورات کمتر، آشفتگی بینایی کمتر، سروصدای کمتر). اجبار به از بین بردن آشفتگی نتیجه نیاز این کودکان به فضای کار تمیز و مرتب می باشد. فضای کار باید فضای خاصی باشد که از محرک دیداری و شنیداری مانند پلی استیشن یا تلویزیون دور باشد. کلاس هایی با تصاویر و دکوراسیون شلوغ و مملو از محرکات بینایی گزینه مناسبی برای این دانش آموزان نیستند. فضای کار در خانه نیز باید همین ویژگی ها را داشته باشد.

- برای کمک به کودک جهت تمرکز در حین کار، هدفون همراه با موسیقی تهیه کنید. استفاده از پخش صوت استریو قابل حمل و یا کامپیوتر با هدفون برای کودکان NLD و AS در زمان انجام کار مفید است و احتمالاً کمتر با تیک تاک ساعت یا آدامس جویدن دانش آموز دیگر و یا ضربه زدن آهسته با مداد توسط دیگران آشفته می شوند و بر روی کار خود متمرکز باقی می ماند.

- کودکان NLD و آسپرگر را در جلوی کلاس بنشانید. این روش، مانع پرت شدن حواس این کودکان با حوادث کلاس و یا سایر دانش آموزان می شود.

- به آنها اجازه حرکت دهید. احتمالاً کودکان NLD و آسپرگر نیاز دارند برای بلند شدن از جایشان به طور متناوب اجازه بگیرند. گاهی اوقات اجازه حرکت به حفظ توجه آنها کمک می کند.

همان طور که می بینید، ضرورتاً کلاس باید با نیازهای این کودکان تطبیق داشته باشد. پیوست «ج» را برای دانستن ویژگی های مطلوب کلاس ایده آل برای دانش آموزان NLD و AS ببینید.

مشکلات مدیریت زمان

مشکلات مدیریت در تمام جنبه های زمان در کودک و نوجوان NLD یا AS رایج می باشد. این مشکلات زیاد هستند و کودک و خانواده را تحت تأثیر قرار می دهند. برخی از شایع ترین مشکلات این کودکان شامل:

- اغلب تأخیر دارند، زیرا قادر به محاسبه خوب زمان نیستند.
- با هر محدودیت زمانی احساس فشار می کنند.
- قضاوت آنها نسبت به زمان نامناسب است. چه قدر زمان باقی مانده است؟ هر کاری چه قدر طول می کشد؟ چه قدر آنها و یا دیگران صحبت کرده اند؟

دقت در گذشت زمان

مداخله ساده ای، که اغلب از آن چشم پوشی می شود، آموزش کودک برای گفتن زمان و استفاده از ساعت است. این کار ممکن است ساده باشد، اما کودکان NLD و AS اغلب در یادگیری در گفتن زمان مشکل دارند و به آموزش خاص، صبورانه و مکرر در این زمینه نیاز دارند. در عصر کنونی، تمایل به استفاده از ساعت های دیجیتال وجود دارد: این ساعت ها عدد را نشان می دهند و هنگامی که از کودک پرسیده می شود ساعت چند است، می تواند به سادگی پاسخ درست دهد. اما با استفاده از ساعت مچی دیجیتال نمی توان جنبه های نسبی زمان را آموزش داد: برای مثال از ۱۰:۳۰ تا ۱۰:۴۵ چند دقیقه است. در ساعت مچی دیجیتال فقط یک سری عدد وجود دارد که در صفحه ای نمایش داده می شوند. برای کمک به فهم زمان در کودکان NLD یا آسپرگر، از ساعت دیواری یا ساعت مچی عقربه دار استفاده کنید. حرکت عقربه دقیقه شمار و ثانیه شمار در ساعت دیواری یا مچی ابزار مناسب تری برای آموزش گذر زمان است، نسبت به اعداد دیجیتال که از خاطر کودک می گذرد. همانطور که در بخش بعد خواهیم دید، ساعت مچی با زمان سنج برای سایر مداخلات مفید خواهد بود و بنابراین بهتر است از آنها استفاده کنیم.

یادگیری توبه به زمان

استفاده از ساعت مچی برای توجه به زمان مثالی برای یادگیری جستجوی راه حل برای یک وضعیت و نیز یادگیری پی گیری یک برنامه (یا جدول زمانی یا انتظار) است. اولین گام برای ماهر شدن در زمان، آگاهی از آن است. جهت آموزش آگاهی از زمان، با دو تکلیف زمانی ساده که هر کدام جنبه جداگانه ای از زمان را نشان می دهد، شروع کنید. یک نوع از تکلیف شامل فعالیتهایی است که شما از کودک می خواهید در زمان مشخص تکلیفی را انجام دهد، مانند "تکلیف امروز تو این است که به من بگویی کی ساعت ۵ بعد از ظهر می شود؟" و یا "کار تو در کلاس این است تا مشخص نمایی که زمان بیرون رفتن از کلاس کامپیوتر چه موقعی است؟". غالباً وجود یک ساعت مچی دارای زمان سنج و یا زنگ، مفید است و به کودک کمک می نماید تا به یاد آورد که به ساعت نگاه کند.

نوع دوم تکلیف شامل فعالیتهایی است که از کودک می خواهید در طول زمان مشخصی آن فعالیت را انجام دهد. ترجیحاً استفاده از زمان سنجی که صفحه بزرگی دارد و گذر زمان را در رنگهای مجزا نشان می دهد، مفید است. این تمرین کودک را مجبور می کند که کارها را در دوره های کوتاه تر و یا طولانی تر زمانی انجام دهد. از او بخواهید تا تفاوت های زمانی فعالیتهای تجربی اش را در دوره های زمانی مختلف، مقایسه کند. مثلاً، پختن غذا ممکن است فعالیت مناسبی باشد (غذا محرک خوبی است)، و یا شاید

یک فعالیت طولانی که در آن کودک در زمان‌های متفاوت کاری را انجام می‌دهد، مفید باشد. یک روش مناسب برای کمک به کودکان تا حس گذر زمان را درونی کنند، این است که از آنها بخواهیم تخمین بزنند که دوچرخه سواری یا شام خوردن و یا دیدن یک کارتون چقدر طول می‌کشد. ساعت شنی محرک بینایی بزرگ دیگری برای این تمرین است.

▪ برنامه ریزی و انجام فعالیت

نقایص عملکرد اجرایی، توانایی کودک AS یا NLD را جهت برنامه‌ریزی و پی‌گیری برنامه‌ها تحت تأثیر قرار می‌دهند. این نقایص همچنین باعث ایجاد مشکلاتی در مدیریت زمان می‌شوند و در نتیجه مشکلاتی در برنامه‌ریزی میزان کار یا متعادل کردن فعالیت و مسئولیت‌ها را به دنبال دارد. بسیاری از کودکان AS یا NLD نسبت به خطای خود در تعیین مدت زمان تکمیل یک تکلیف و یا انجام فعالیت، آگاه هستند. دیر رسیدن آنها به کلاس ممکن است در نتیجه «گم شدن در فضا» و گم کردن مسیری که در آن قرار دارند و یا ناشی از عدم درک مدت زمان لازم برای رفتن از یک اتاق به اتاق دیگر و یا بستن کوله پشتی باشد. این کودکان نمی‌خواهند دیر به کلاس برسند، و با دیر رسیدن به کلاس، قصد به شوخی گرفتن کلاس را ندارند، بر عکس، دیر وارد شدن به کلاس منجر به دستپاچگی آنها می‌شود.

احتمال دارد، کودکی که آموزش متمرکز و مشخص در مورد مشکلات مربوط به مدیریت زمان و حل این مشکلات (برنامه زمان بندی برای بستن کوله پشتی و رفتن به کلاس) را دریافت کرده است، حتی بعد از گذشت چند هفته باز هم دیر به کلاس برسد. بیان این جمله "که دیر کردن خلاف قانون است" مشکل را حل نمی‌کند و تنها بسنده کردن به آن می‌تواند مبنی بر درک ناقصی از AS و NLD باشد. جهت اصلاح این موارد، کودک به برنامه‌ای نیاز دارد که این مشکل را مورد توجه قرار دهد. لازم است در نظر داشته باشید که چه مشکلاتی در کلاس رخ می‌دهد (ممکن است مشکلات متعددی وجود داشته باشد). لذا باید جزئیات برنامه را به طور دقیق مشخص نمایید که کودک به چه چیزهایی نیاز دارد تا از این مشکلات اجتناب نموده و یا آن‌ها را حل کند. در نهایت، لازم است قبل از رسیدن به تغییرات مورد انتظار، برنامه به طور مکرر تمرین شود.

در رابطه با تکالیف درسی، بهترین راه حل برای کودک، ارائه تکالیف پیش از کلاس می‌باشد، و برای والدین، کمک به کودک جهت برنامه‌ریزی هفتگی یا ماهانه است. ارائه تکالیف درسی به صورت روزانه بسیار مشکل است و نباید تا مقطع دبیرستان به دانش‌آموز NLD یا آسپرگر برنامه به صورت روزانه داده شود. این موارد نیازمند تمرین هستند و باید برای این کودکان جهت مهارت در مدیریت زمان و تحت

کنترل داشتن چند کلاس مختلف در روز با تکالیف متفاوت برنامه ریزی شود. برای برخی از کودکان، این برنامه ریزی ممکن است هرگز لازم نباشد، در این صورت آنها به برنامه زمان بندی متفاوتی نیاز خواهند داشت. برنامه درسی که به طور هماهنگ با کلاس اجرا می شود را متوقف کنید تا کودک بتواند تکالیف محدود در منزل را اجرا نماید (برنامه درسی آنها باید شامل کلاس های کمتر و طولانی تر نسبت به برنامه درسی معمولی باشد) مطمئناً این کودکان سالهای متمادی به حمایت نیاز خواهند داشت.

الگوهای یادگیری

اکثر ما الگوی یادگیری خاصی را ترجیح می دهیم، به عبارتی روشی برای دریافت اطلاعات ترجیح می دهیم که احساس می نمایم در یادآوری اطلاعات بهتر به ما کمک می کند. اکثر افراد خود را به عنوان "یادگیرنده بینایی" توصیف می کنند، و مواردی را که می بینند نسبت به آنچه که می شنوند، بیشتر به یاد می آورند. در حقیقت، اطلاعات را همیشه از چیزی که می بینیم، می شنویم، حس می کنیم و حتی می بوییم بدست می آوریم، و به ندرت اطلاعات را بر حسب منشأ آنها در تفکر آگاه از یکدیگر جدا می کنیم. اما هنگامی که سؤال می شود که چه چیزی را بیشتر به یاد می آوریم، هر یک از ما الگویی داریم که بهتر از همه کار می کند.

الگوی شنیداری

بعضی از افراد از طریق الگوی شنیداری بهتر یاد می گیرند؛ یعنی زمانی که اطلاعات به طور عمده از طریق مجراهای شنوایی به آنها ارائه می شود، و کودکان AS و NLD در میان این گروه از یادگیرنده ها قرار دارند. برای این افراد بیان شفاهی موضوع، تمرین و تکرار به صورت شفاهی، و حتی ارزیابی به صورت شفاهی، بهتر می باشد. لازم به گفتن نیست که الگوی دیگری برای این افراد مناسب نمی باشد. الگوی حس حرکت^۱ (یادگیری از طریق فعالیتهای جسمی و حرکتی)، و الگوی بینایی (به خاطر آوردن اطلاعات با استفاده از آنچه که دیده می شود) نیز، سهم زیادی در یادگیری دارند. فعالیتهایی مثل فعالیتهای آزمایشگاهی یا ورزشی دارای اجزا شگفت انگیز در یادگیری هستند، زیرا این فعالیت ها شامل یادگیری از طریق بینایی و از طریق یادگیری حس حرکت است. با این حال اکثر دانش آموزان AS و NLD از اطلاعات شنیداری به عنوان اولین منبع یادگیری استفاده می کنند. همانگونه که قبلاً ذکر گردید، این افراد در حافظه

^۱ -kinesthetic

شنیداری و پردازش شنیداری نسبتاً قوی هستند، و تکیه آنها به این اطلاعات بیشتر از دیگر کانال‌های یادگیری، مثل بینایی یا حس حرکت می‌باشد.

نکات قابل توجه در سایر سبک‌های یادگیری

یادگیری به غیر از الگوهای ادراکی (دیداری، شنیداری، حس حرکت) می‌تواند به روش متوالی (یادگیری گام به گام) و یا هم‌زمان^۱ (یادگیری مفهوم به طور کلی) انجام پذیرد. همانگونه که هر فرد در الگویی برتری دارد، از روش خاصی نیز استفاده می‌کند. اکثر افراد اطلاعات را از هر دو روش کسب می‌کنند. روش ترجیحی ما بر نحوه‌ی یادگیری در شرایط گوناگون تاثیر می‌گذارد و ممکن است با نیازهایمان منطبق باشد یا نباشد.

کودک NLD یا آسپرگر احتمالاً یادگیرنده‌ای متوالی است. ویژگی‌های روش یادگیری ترجیح داده شده این کودکان به شرح زیر است:

- یادگیری گام به گام. این یادگیری شامل مسیرهای شماره‌گذاری شده ساده می‌باشد، که در آن هر مرحله تعریف و هر جزء دقیقاً توصیف شده است.
- توضیحات منطقی که همراه با جزئیات است. این کودکان به توضیحات منطقی نیاز دارند.
- ارائه اطلاعات به صورت حقیقی و اشکال هندسی. توجه نمایید کودک AS یا NLD لزوماً ارتباطات بین این بخش‌های اطلاعات را نمی‌بیند.
- به عنوان یک یادگیرنده، کودکان AS و NLD تمایل دارند:
 - کمال‌گرا باشند.
 - یاد بگیرند حرف به حرف بخوانند و هجی کنند.
 - قوانین را به خاطر بسپارند (برای دروس زبان، ریاضی و سایر موضوعات)
 - در یادگیری استنتاجی (پاراگراف زیر را ببینید) و یا استفاده از رویکرد حل مسئله برای یادگیری موفق نیستند. آنها نیاز به تجربیات یادگیری برنامه‌ریزی و راهنمایی شده دارند.
 - به محیط‌های یادگیری ساختار بندی شده و قابل پیش بینی نیاز دارند.
 - یادگیرنده‌های جزء به کل می‌باشند؛ یعنی اجزای یک مفهوم را برای یادگیری کل مفهوم یاد می‌گیرند. در این رابطه کودک NLD یا AS نقطه مقابل یادگیرنده هم‌زمان می‌باشد که برای یادگیری اجزا، کل را یاد می‌گیرد.

^۱ -simultaneously

در یادگیری استنتاجی، کودک برای فهمیدن یک نکته، پس از یک سری تجارب یا فعالیتهای طراحی شده، قانون و یا مفهومی را برای خود کشف می کند. بعید است کودکان AS و NLD با این نوع آموزش ها موفق شوند. آگاهی از این مسئله برای والدینی که می خواهند برنامه های پیش دبستانی یا مهد کودک برای فرزند شان در نظر بگیرند مهم است، زیرا برخی از برنامه ها به طور مشخص با روش یادگیری استنتاجی در ذهن طراحی شده اند. چنین پیش دبستانی هایی، که تجربیات یادگیری را (به جای دروس) ارائه می دهند و کودک باید مفاهیم را بدون توسل به یک برنامه طرح ریزی شده کشف کند برای کودکان NLD یا AS مفید نخواهد بود.

طراحی برنامه ای پیرامون الگوی یادگیری

والدین و معلمین، باید الگوی یادگیری ترجیحی، برای کودک را بدانند و برنامه ای طراحی نمایند تا از نقاط قوت یادگیری جهت کمک به پیشرفت تحصیلی وی استفاده کنند. حتی اگر تشخیص NLD یا آسپرگر مطرح شود، هیچ کودکی با تصویر ارائه شده در اینجا صد در صد تطابق نخواهد داشت. یک ارزیابی خوب ضروری است، و نتایج ارزیابی باید منعکس کننده اطلاعات مورد نیاز و روش یادگیری کودک برای فعالیتهای و مطالب درسی باشد. برای اکثر کودکان AS و NLD ارائه اطلاعات جدید به صورت شنیداری و یا در چارچوب سخنرانی به صورتی که در زیر آمده است، منجر به بهترین شکل یاد گیری خواهد شد:

- از چارچوب سخنرانی و ترکیب آن با تکنولوژی استفاده کنید تا نیاز به چند تکلیفی (برای مثال، یادداشت برداری در حین گوش دادن) را از بین ببرید. (این تکنولوژی به طور مختصر مورد بحث قرار خواهد گرفت).

- اطلاعات را در بخش های کوچک و همراه با مرور و خلاصه بعد از هر بخش ارائه دهید.

- تک گویی را همراه با کسب توجه و به عنوان ابزاری برای مرور آموزش دهید.

- از فعالیتهای خلاصه کردن برای طرح یک نکته استفاده کنید.

- از سوال و جواب برای درگیر کردن دانش آموز در بحث استفاده کنید و همیشه اطلاعات ارائه شده را خلاصه کنید.

- از نمونه های بصری (تصاویر، فیلم های ویدئویی و سایتهای اینترنتی) و فعالیتهای جسمانی (آزمایشگاهی و ورزشی) استفاده کنید، چون هیچ فردی فقط از طریق یک الگو یاد نمی گیرد.

کتابهای ضبط شده بر روی نوار، خصوصاً در دروس ادبیات و تاریخ، به عنوان منبعی برای دوره کردن و کمک به دانش‌آموزان جهت کسب اطلاعات از طریق ابزار پیشرفته تر و ظریف تر، وسیله مناسبی برای کودکان NLD و آسپرگر است. این نوارهای ضبط شده تجربیات یادگیری زیادی برای کودک فراهم نموده و لذت او را از درس ادبیات زیاد می‌کند.

▪ کتابهای درسی و صفحات تمرین

برای دانش‌آموزان NLD و آسپرگر، اغلب کتابهای درسی و صفحات تمرین از لحاظ بینایی گیج‌کننده است. درس‌الهای گذشته، ناشرین کتاب‌های درسی و مدارس، در مسیری قرار گرفته اند که مواد آموزشی انتخابی آنها از لحاظ بینایی بسیار پیچیده بود. گزارش شده است که برای برخی از دانش‌آموزان غیر NLD و آسپرگر، استفاده از رنگها و تصاویر و اطلاعاتی که به صورت مجزا دسته بندی شده اند، جالب است و به یادگیری آنها کمک می‌کند. اما برای دانش‌آموزان NLD یا آسپرگر بدین صورت نیست. ممکن است در خیلی از موارد لازم باشد تا معلم صفحات تکلیف را دوباره بنویسد و به گونه ای که صفحات به طور سیاه و سفید و با پوشاندن قسمت هایی که از لحاظ بینایی برای کودک گیج‌کننده هستند، تهیه شود. در برخی از صفحات تمرینات زیادی وجود دارد، ممکن است ۳۰ مسئله ریاضی در یک صفحه برای این کودکان طاقت فرسا باشد. صفحاتی با تمرینات یک ردیف در میان کمک بزرگی می‌باشد، چون فضای سفید زیاد این صفحات از لحاظ بینایی کمتر گیج‌کننده است. به خاطر داشته باشید که گفتن این جمله به کودک که «مسائل را یک در میان حل کن» کافی نمی‌باشد. لازم است برگه تمرین به گونه ای باشد که از لحاظ بینایی کمترین پیچیدگی را به همراه داشته باشد. با رشد دانش‌آموز بهتر است این تمرین محدود شود و به کودک کمک نماییم تا با پیچیدگی‌های بینایی و کار بیشتر خود را تطبیق دهد.

عملکرد چند تکلیفی

عملکرد چند تکلیفی به عنوان یک مفهوم، حاصل فرهنگ رایج ما می‌باشد. توانایی انجام بیش از یک کار در یک زمان، اغلب به عنوان نقطه قوت دیده می‌شود و این توانایی در برخی از مشاغل، مورد نیاز است. برای دانش‌آموزان NLD و AS، عملکرد چند تکلیفی طاقت فرسا است. فقط باید یک تکلیف از آنها خواست، چون آنها در یک زمان فقط یک برنامه یا تکلیف را دنبال می‌کنند (انجام دادن فقط یک کار در یک زمان). نمونه واضح ناتوانی آنها برای عملکرد چند تکلیفی، ناتوانی آنها برای یادداشت برداری در حین گوش دادن به سخنرانی در سنین بالاتر است. این مهارت برای موفقیت در مقاطع بالای تحصیلی

ضروری است، بدون یادگیری عملکرد چند تکلیفی (و یا ایجاد برخی تغییرات مشابه مثل یادداشت برداری در حین سخنرانی)، این دانش آموزان به موضوعات پیشرفته و تجارب یادگیری دست نمی یابند.

▪ تغییرات تکنولوژی و سایر تغییرات آموزشی

پیشرفت تکنولوژی کمک ویژه ای به دانش آموزان NLD و AS نموده است. با استفاده از تخته وایت برد مخصوص می توان مشکلات آنها در یادداشت برداری در حین گوش دادن به سخنرانی را حل نمود. با استفاده از این تخته وایت برد، می توان نوشته های معلم بر روی تخته را به طور مستقیم بر روی لپ تاپ دانش آموز وارد نمود. این تخته های وایت برد (که تحت عنوان Smartboard, Webster, Softboard به فروش می رسند) این امکان را برای دانش آموز فراهم می نمایند تا یادداشتهای معلم از روی تخته را بر روی لپ تاپ دریافت نموده، و وی فقط به صحبت های معلم گوش دهد و تمرکز کند. زمانی که دانش آموز می خواهد مطالعه کند، از روی لپ تاپ خود فایل خاصی از سخنرانی را باز می کند و بدین صورت ابزار مرور مطالب سخنرانی را در اختیار دارد. هیچ راهی وجود ندارد که اطلاعات را به طور مستقیم به مغز این کودکان تزریق کنیم. بنابراین آنها بازهم مجبورند مطالعه کنند، (قسمت مهارتهای مطالعه که بعداً در این فصل می آید را ببینید). اما روش دریافت اطلاعات با استفاده از این تکنولوژی کاملاً واضح است و برای نیازهای مربوط به یادگیری کودکان مناسب تر است. این تغییرات به موارد زیر نیاز دارند:

۱- مدرسه Softboard (یا مشابه تخته وایت برد) داشته باشد.

۲- کامپیوتر مناسب برای معلم وجود داشته باشد.

۳- دانش آموز لپ تاپ مخصوص به خود داشته باشد.

تکنولوژی تخته وایت برد برای کلاس را بسیاری از دانش آموزان می توانند استفاده نمایند. استفاده مداوم از این تکنولوژی برای دانش آموزان NLD و AS موثر تر و با قدرت تر از داشتن وسایل کمکی یادداشت برداری می باشد. مطمئناً استفاده از وسایل کمک آموزشی که می توان با تغییراتی از آنها استفاده نمود، ابزارهای مناسبی هستند، اما اشکال آن این است که دانش آموز به سهولت یادداشت ها را گم می کند و مسئول یادگیری خودش هم نیست و به شخص دیگر وابسته است. وسایل کمکی برای برخی از دانش آموزان به دلایل متعدد اجتماعی و سازماندهی لازم می باشد، اما برای دانش آموزانی که تمایل به استقلال بیشتر دارند و در رابطه با بازار کار و تحصیل در مقاطع بالاتر فکر می کنند، وابستگی به وسیله کمکی در دوره راهنمایی و دبیرستان ایده آل نمی باشد.

ساده ترین ابزار مناسب برای دانش آموزان کم سن وسال، ضبط صوت است که به تکنولوژی کمتری نیاز دارد. یک ضبط صوت کوچک که کودک می تواند آن را حمل کند، می تواند برای ضبط سخنرانی در کلاس و تذکرات کودک به خود، مورد استفاده قرار گیرد. تنها صدایی که آنها دوست دارند، تذکر به خود است (پیام های دانش آموز یا صداهای ضبط شده برای یادآوری کارهایی که در آن روز باید انجام دهد). همچنین، معلم می تواند توضیحاتی در مورد تکالیف و یا یادآوری تکالیفی که دانش آموز باید انجام دهد را برای وی و والدین ضبط نماید. معمولاً کودک توضیحاتی که از طریق صدای معلم در محیط خانه به وی ارائه می شود را می پذیرد. همچنین اطلاعات ضبط شده می تواند برای والدینی که دچار سردرگمی شده و موفق به درک توضیحات فرزندشان در مورد تکالیفش نشده اند، مفید باشد. آسیب شناسان گفتار و زبان و روانشناسان بالینی نیز می توانند برای تقویت مهارت های تمرینی کودک از ضبط صوت استفاده نمایند. مهارت های آرام سازی، سرنخ های رفتاری و تکالیفی برای تعاملات اجتماعی تعدادی از این مهارتها هستند.

مفهوم سازی و مشکلات یادگیری

دانش آموزان NLD و AS، خود را مواجه با یادگیری مقدار زیادی اطلاعات ظاهراً نامربوط می یابند. مشکلات این کودکان در سازماندهی تفکر و یکپارچه سازی اطلاعات منجر به ایجاد خزانه محدودی از مفاهیم قابل تعمیم حتی در موضوعات مورد علاقه شان می شود. این دانش آموزان اگر به حال خود گذاشته شوند، همیشه خود را در حرکت به سوی یک سری از حقایق، ناتوان می یابند.

طرح های شفصی و تدریس معلم

یکی از ارزشمند ترین تجربیات یادگیری برای دانش آموزان NLD و AS، رشد مهارت در طرح هایی است که خود مسئول آن هستند. تمرکز برنامه های مدرسه Orion در استفاده از طرح های مشخص دانش آموز به عنوان بخش اصلی تجربه یادگیری است (همان طور که قبلاً ذکر شد، Orion یک دبیرستان اختصاصی در آموزش دانش آموزان NLD و سندرم آسپرگراست). در برنامه ای که « طرح های خود محور» نامیده می شود، دانش آموزان با معلم مشاور در زمینه برنامه ریزی، سازماندهی و انجام طرح یادگیری فردی و انتقال به بیرون از مدرسه که هر ۶ هفته یک بار باید به مدرسه گزارش شود، کار می کنند. چهار الگوی طرح مختلف در Orion تعریف شده است: اکتشافی، گستره ای، عمقی و رشد فردی. دانش آموزان باید در طول سال در هر حوزه فعالیت خاصی را انجام دهند. این برنامه شامل ارائه کارنامه هفتگی، ایجاد طرح کلی رشد و گردآوری اطلاعات یاد گرفته شده است. مرحله نهایی یعنی ارائه

مطالب یاد گرفته شده، به اندازه یادگیری اطلاعات مهم است به گونه ای که دانش آموزان باید در یابند که اگر قادر به توضیح موارد یاد گرفته شده به فرد دیگر، نباشند موارد یاد گرفته شده استفاده محدودی برای آنها خواهند داشت. به علاوه، نکته مهم در ارائه مطلب این است که به دانش آموز کمک می کند تا به شنوندگانش توجه کند و بر دیدگاه شخص دیگر تمرکز کند.

این حقیقت که فرایند انجام طرح نسبت به محتوای آن مهم تر است، محیط یادگیری مهیجی برای دانش آموز ایجاد می کند. به علاوه در این موقعیت والدین مسئول فعالیت کودک نیستند. برای درک نحوه ی یافتن اطلاعات در زمینه موضوع مورد علاقه و یا چگونگی جمع آوری اطلاعات به روش موثر و مهمتر از همه چگونگی سازماندهی معنی دار اطلاعات برای استفاده از آن، باید بیاموزیم که چگونه یاد بگیریم. زمانی که دانش آموزان NLD و آسپرگر در این تلاش موفق شوند، در فعالیتی که می تواند یادگیری آنها را در سراسر زندگی شان ابقاء نماید، پیشرفت می کنند.

یادگیری الگو

مشکل دانش آموزان NLD و AS تکیه ی بیش از حد آنها بر روی الگوهای یادگیری است. این نحوه ی یادگیری اغلب به عنوان نقطه قوت دیده می شود که کودک برای رشد مهارت بر آن تکیه می کند. معلمین و والدین از این نقطه قوت برای کمک به کودک استفاده می نمایند تا به موفقیتهایی در زمینه ورزش، به خاطر سپردن حقایق و یادگیری کارهای روزانه برسند. متأسفانه، این نقطه قوت زمانی مشکل ایجاد می کند که کودک بدون یادگیری مفهوم و یا تشخیص نکات کلی فعالیت، فقط بر روی الگو تکیه می کند. یادگیری زدن سرویس در والیبال از طریق تمرین یک الگوی حرکتی ممکن است برای کودک بسیار مفید باشد. اما وی هیچ تفکری در مورد زدن سرویس در این بازی ندارد و این ویژگی مطلوب نمی باشد. او هنوز برای بازی با دیگران آماده نیست چون وی فقط بر روی قسمتی از بازی (سرویس زدن) تمرکز می کند که آن را یاد گرفته است.

به عنوان مثالی دیگر، بسیاری از کودکان NLD و AS در ریاضی به خصوص کسر، مشکلاتی دارند. برخی از معلمین، اغلب برای انجام جمع، تفریق، ضرب و تقسیم کسرها از تبدیل کسر به اعشار استفاده می کنند و آن را آموزش می دهند. این روش ممکن است در کوتاه مدت مفید باشد زیرا استرس دانش آموزان کم می شود و پاسخ درست می دهند، اما آنها هیچ تفکری در مورد «کسر» ندارند، و مفهوم آن را نمی دانند. زمانی که به درس جبر می رسند و با اعدادی که در قالب کسر به عنوان بخشی از معادله، روبرو می شوند،

گیج شده و نمی دانند باید چه کاری انجام دهند. الگویی که آنها یاد گرفته اند کارایی ندارد و تا قبل از یادگیری الگوی جدید، نمی توانند تکلیف را انجام دهند.

مهارتهای مطالعه و تکلیف منزل

نقایص سازماندهی این کودکان به طور جدی بر روی حوزه های مربوط به مهارت مطالعه و انجام تکلیف در منزل اثر می گذارد. کودکان AS و NLD همانند سایر دانش آموزان با نقایص عملکرد اجرایی، در تکمیل موفقیت آمیز تکالیف منزل از روی تخته، با مشکل روبرو هستند. مشکل فقط مربوط به عدم آگاهی آنها از تکلیف نیست بلکه در انتقال کار و وسایل به خانه، تکمیل کار در منزل و پس از آن برگرداندن به معلم نیز با مشکل مواجه هستند. به علاوه، هنگامیکه تکلیف منزل "مطالعه" است، اغلب دانش آموز NLD و آسپرگر مطمئن نیست که چه چیزی را باید "مطالعه کند" و بدین ترتیب مشکل به دنبال مشکل، پدید می آید.

حمایت در انجام تکلیف منزل

مداخلات متنوع به این دانش آموزان کمک می نماید تا موانع سازماندهی در انجام تکالیف را از بین ببرند این مداخلات شامل موارد زیر است:

- سری دوم کتاب ها باید در خانه نگهداری شوند، با این کار نیاز به حمل آنها برطرف می گردد و باعث می شود کتاب ها کمتر فراموش و یا گم شوند.
- تکلیف منزل باید برای طول هفته معین شود، و تکالیف مشخص تا حد ممکن بسیار زود تعیین گردد. تکالیف باید، مرور شود، چون نمی توان آن ها را تا شب آخر رها کرد.
- تکلیف منزل باید در سایت مدرسه (در صورت امکان) وجود داشته باشد تا دانش آموز و والدین بتوانند آن را بررسی نموده و مطمئن شوند که به طور کامل انجام شده است. اگر این کار امکان پذیر نمی باشد، باید سیستم هماهنگ شده ای بین خانه و مدرسه بوجود آید. برای مثال، معلم دفتر یادداشت تکلیف برای دانش آموز تهیه نماید. دانش آموز باید تکالیف هر هفته را یادداشت نموده، و معلم باید دفتر را برای بازبینی صحت و سقم آن بررسی نماید و والدین هنگامی که تکالیف یادداشت شده در دفتر کامل شد، آن را امضا نمایند. این سیستم در مقطع ابتدایی برای آموزش مهارت نگهداری مجموعه تکالیف منزل کودک و برای مطمئن نمودن والدین در زمینه پی گیری تکالیف مفید است.
- با کمک یک لپ تاپ (اگر در دسترس باشد) می توان احتمال گم شدن برگه ها در حین انتقال از مدرسه به خانه و برعکس را کم نمود. دانش آموزان می توانند بر روی برگه های اسکن شده کار

کنند و سپس تمرین را از طریق رایانه به مدرسه بر گردانند و یا به محض تکمیل شدن، آن را از طریق پست الکترونیکی برای معلم ارسال کنند.

- برای موضوعاتی با سازماندهی مداوم، اغلب استفاده از معلم خصوصی برای کودک مفید است. این معلمین، متخصص کار با دانش آموزان نامنظم هستند. آنها جهت رشد مهارتهای سازماندهی با کودک، انفرادی کار می کنند و به منظور ایجاد طرحی برای این مهارتها برای کودک، با مدرسه در ارتباط می باشند. اغلب این کودکان برای انجام تکالیف در برابر والدین مقاومت می کنند، اما تکالیف را برای معلم خصوصی، معلم مدرسه و یا سایر بزرگسالان انجام می دهند.

مهارت های مطالعه

مهارت های مربوط به مطالعه بسیار ارزشمند هستند و باید به طور مستقیم آموزش داده شده و تقویت شوند. شروع به ایجاد عادات مطالعه خوب هیچ گاه برای کودک، زود نیست. باید مهارت "مطالعه کردن" همانند سایر مهارت هایی که نیاز به آموزش دارند به دانش آموز NLD یا اسپرگر توضیح و آموزش داده شود. هرگز تصور نکنید که چون کودک به شما می گوید: «در حال مطالعه است» وی تفکر مربوط به مطالعه را در ذهن دارد. برای مطالعه موثر، کودکان باید یاد بگیرند که:

- به جداول و نمودار های کتاب ها توجه کنند. شما باید برای درک و یاد آوری نکات کلیدی، توجه به جداول و نمودار ها را به عنوان مسیر های کوتاه، آموزش دهید.

- ایده اصلی تکلیف درسی را توضیح دهند. اگر نتوانستند ایده اصلی را پیدا کنند، به آنها آموزش دهید تا از سایرین کمک بخواهند، چون این کار مهمترین راه برای بهبود بازیابی اطلاعات و رشد تفکر سازمان بندی شده است.

- تمام واژگان و کلمات کلیدی قسمتی را که می خوانند فهرست کنند، سپس والدین یا هم کلاسی ها کلمات را از طریق سؤال کردن، برای آنها مرور نمایند.

- باید به یاد داشته باشند که معلم احتمالاً یک بحث کلی بعد از تکلیف خواندن انجام می دهد. به کودک آموزش دهید برای مرور تکلیف خواندن زمان بیشتری از معلم تقاضا کند و پیش بینی نماید که معلم ممکن است برخی از موضوعات مربوط به بحث را از وی پرسد.

در این قسمت راهکار هایی برای پرورش مهارتهای مطالعه خوب ارائه می گردد:

۱- **زمان معینی برای مطالعه مشخص نمایید و نسبت به آن پایبند باشید.** نگرش های متفاوتی در مورد زمان مطالعه وجود دارد. بحث بر سر این موضوع است که کودکان باید بلافاصله بعد از مدرسه

(قبل از زمان بازی)، تکالیف خود را انجام دهند. این مطلب ناشی از این تجربه است که دانش آموزان، در زمان فراغت به سختی دست از بازی بر می دارند. تغییر وضعیت برای این دانش آموزان، جهت انجام تمرین و یا مطالعه بسیار مشکل است و نتیجه ی آن عصبانیت یا کیفیت ضعیف در انجام تکالیف می باشد. بعضی از کودکان بدون زمان استراحت، توجه و تمرکز کافی برای اجرای تکالیف منزل ندارند. تصمیم در رابطه با زمان بندی انجام تکالیف بر پایه سبک زندگی و نیازهای کودک می باشد. نکته مهم در مورد انتخاب زمان و پایبند بودن به آن این است که در طول این زمان کودک فقط باید مطالعه کند و تکالیفش را انجام دهد.

۲- زمان مطالعه را به واحدهای کمتر از ۳۰ دقیقه تقسیم کنید. ۵ تا ۱۰ دقیقه زمان استراحت بین زمان های مطالعه قرار دهید. برای دانش آموزان مقطع راهنمایی زمان مطالعه را به یک ساعت و نیم افزایش دهید. دانش آموزان در دبیرستان باید بتوانند دو ساعت مطالعه را تحمل کنند (با زمان استراحت به دو ساعت و نیم برسد). به خاطر داشته باشید اکثر این کودکان سرعت پردازش آهسته ای دارند، لذا زمان انجام تکالیف منزل افزایش می یابد و برای موفقیت در مقطع دبیرستان و (درنهایت در دانشگاه) نیاز به افزایش تحمل برای حفظ و تداوم فعالیت هایشان را دارند. این ویژگی شبیه تمرین برای دو ماراتن است (ماراتن زندگی). دانش آموزان AS و NLD بار تحصیلی سنگین تری نسبت به سایر افراد تحمل می کنند و لذا باید قدرت مورد نیاز، برای مدیریت این کار سخت را در خود افزایش و رشد دهند.

۴- مکان مناسب برای مطالعه پیدا کنید و این مکان را فقط برای مطالعه در نظر بگیرید. راهنمایی هایی فصل ۷ را به یاد آورید: نباید هیچ عامل حواس پرت کن و حواس پرت کن بینایی و شنوایی و هیچ صدای مزاحم وجود داشته باشد و رفت و آمد هم کم باشد. فضا باید فقط مختص مطالعه باشد، برای مثال مکان مطالعه نباید روی تخت کودک باشد زیرا بسیاری از کودکان AS و NLD مشکل خواب دارند. و شاید به همین علت تمایل دارند در تخت مطالعه کنند. از این کار باید اجتناب کرد زیرا مطالعه در مکانی که به خواب اختصاص دارد، مانع پیشرفت و رشد عادات مطالعه خوب می شود.

۵- از یک زمان سنج برای محاسبه زمان انجام تکالیف استفاده نمایید، و این کار را پی گیری کنید: این کار به کودک کمک می کند تا بداند که برای هر کار محدودیتی وجود دارد. در صورت امکان طرحی برای کودکان کم سن و سال در نظر بگیرید تا اگر تکلیف تا پایان زمان مطالعه انجام نشد، آن کار را در روز یا هفته بعد کامل نماید. یکی از دلایل مفید بودن در اختیار داشتن تکالیف در طول هفته این است که می توانید از قبل برنامه ریزی کنید. اگر تکالیف در طول هفته

کامل نشد، با معلم در مورد محدود کردن تکالیف به یک دوره زمانی صحبت کنید تا به کودک اجازه داده شود که تأخیرش را جبران کند. در بعضی از کلاس ها این امر امکان پذیر نمی باشد و چنانچه تکالیف انباشته شود، برای کودک اضطراب ایجاد می کند. در این راستا، با معلم کودک در رابطه با تعدیل تکالیف منزل صحبت کنید. یک روش تعدیل تکالیف در منزل این است که کودک فقط در زمینه ای که مشکل دارد تمرین انجام دهد، و یا انجام تکالیف به کمترین میزان کاهش یابد، اما باید مفاهیم قبلی را بلد باشد. زمانی که این کودکان بزرگتر می شوند و مقطع تحصیلی آنها تغییر می کند، این راه حل کمتر قابل پذیرش است. زمانی که آنها تکالیف را انجام نمی دهند، درمی یابند که توانایی شان جهت تحمل فشار کار بیش از پیش، پیشرفت نمی کند. و در نتیجه نسبت به گروه سنی خود احساس عدم کفایت می نمایند.

۶- **مطالعه در هر روز به یک اندازه باشد.** برای مثال یک دانش آموز کلاس چهارمی برای اجرای درست تکالیفش به یک ساعت و ۱۰ دقیقه زمان احتیاج دارد. ۲۰ دقیقه اول برای ریاضیات، سپس استراحت ۵ دقیقه ای و بعد ۲۰ دقیقه برای خواندن و انجام تکالیف مربوط به کلمات، سپس دومین استراحت و ۲۰ دقیقه بعد برای نوشتن تکالیف اختصاص دارد. این برنامه هر روز، اجرا می شود. بیست دقیقه آخر مربوط به تکالیفی است که می تواند در طول هفته متغیر باشد.

۷- **برای هر بخش از زمان مطالعه یک هدف تعیین کنید.** گاهی اوقات هدف از مطالعه تکمیل کردن ۱۰ تمرین ریاضی و یا خواندن صفحه مشخصی از کتاب و یا تنها "مطالعه کردن" باشد.

۸- **تدارکاتی را تأمین کنید.** برای انجام تکالیف در منزل، کودک باید قبل از ترک مدرسه بداند که چه تکلیفی دارد و از داشتن ابزارهای مورد نیاز برای انجام آن مطمئن باشد. از ایده هایی که پیش تر ذکر شد استفاده کنید (تهیه سری دوم کتابها در منزل و اطمینان یافتن از اینکه تکالیف به منزل آورده می شود) تا به این جنبه از مهارت های مطالعه خوب دست یابید.

ادامه دادن تمرین

بسیار مهم است که بزرگسالانی که از دانش آموزان AS و NLD مراقبت می کنند، جنبه های خاص این اختلالات را در نظر داشته باشند. تمایل این کودکان به حواس پرت شدن یک واقعیت است. از طریق روش هایی مثل تأمین مکان آرام و ساکت برای مطالعه و یا تهیه هدفون جهت کاهش عوامل حواس پرت کن شنیداری، به این کودکان کمک کنید. این دانش آموزان ممکن است اشتیاقی به جزئیات نداشته نباشند و یا ممکن است به اشتباه در جزئیات گرفتار شوند، و این مشکل برای آنها بسیار جدی است. این

ویژگی ها نشان می دهد آنها نیاز دارند تمرین را با والدین ، همکلاسی و یا مربیان مرور کنند، تا مطمئن گردند آنچه را که ما از آنها خواسته ایم، انجام داده اند. ابزارهای کمک آموزشی برای این دانش آموزان مفید می باشند، با این وجود ممکن است برخی از کودکان این ابزارها را در اختیار نداشته باشند. همیشه به خاطر داشته باشید که اشتباه کردن قسمتی از یادگیری است و مخصوص این اختلالات نیست.

در مقطع دبیرستان تقاضاهای اجتماعی و تحصیلی از این کودکان افزایش می یابد، به گونه ای که حتی دانش آموزانی با IQ بالا نیز احتمالاً مشکلاتی را تجربه می کنند. مشکلاتی که دانش آموزان AS و NLD در دستورات پیچیده و چند گانه دارند، می تواند از طریق آموزش های ساده و تجزیه ی تکالیف آنها به واحدهای قابل کنترل، کاهش یابد. ایجاد سیستم ساده سازماندهی که در آن کودکان باید نوشته ها و تکالیف خود را در مکان مشخصی قرار دهند، در مقاطع بالاتر تحصیلی اهمیت بیشتری پیدا می کند. با توجه به آنکه حفظ توجه در زمان مطالعه برای این کودکان مشکل است، از روش های چند گانه مانند: ضبط صوت، زمان سنج، تصاویر یا فلش کارت استفاده کنید. استفاده از شیوه های خود آزمون، در خواست از دیگران برای کمک و یادداشت برداری ، روش هایی هستند که این دانش آموزان آنها را به عنوان مفید ترین شیوه ها برای ایجاد مهارت های مطالعه ای مورد نیاز در مقاطع بالاتر می دانند و متوجه می شوند که تمام این روش ها باعث کاهش سردرگمی فرد در بازیابی اطلاعات می شود. پایگاههای اینترنتی جدید و کتابهایی برای گسترش مهارتهای مطالعه و ابزارهای مدیریت زمان مناسبی وجود دارد. ترکیب این ابزارها همگام با رفتن دانش آموزان AS و NLD به مقاطع تحصیلی بالاتر ، احتمالاً مفید می باشد .

ملاحظات آموزشی

همانطور که در فصل ۶ دیدیم، ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر نقص در عملکرد اجرایی به همراه دارد. نقایصی که اکثر اوقات دیده می شود عبارت اند از:

- مشکل در برنامه ریزی
- خود تنظیمی ضعیف (پی گیری فعالیت های خود و تأثیراتی که دارد)
- بیان پاسخ به شکل تکانشی و ناصحیح
- رفتار انعطاف ناپذیر
- شکست در تکمیل یک جستجوی سازمان دهی شده (این شکست می تواند در مورد حل مشکل و یا جستجوی پاسخ به شیوه ای برنامه ریزی و سازماندهی شده باشد).

- ضعف در حفظ و ابقاء مجموعه ای از فعالیت ها (آگاهی از این که چه موقع ایده ها یا مفاهیم به یکدیگر تعلق دارند، بدین معنی که تکلیف ریاضی ایده ای متفاوت از تکلیف خواندن است، اما خواندن اغلب بخشی از مهارت تکمیل کردن تکلیف ریاضی است).
- با توجه به این نقایصی که در ذهن وجود دارد، در اینجا فهرست مختصری از نکاتی که هنگام تهیه برنامه تحصیلی برای کودک AS یا NLD باید به خاطر داشته باشیم، آمده است. با وجود آنکه این فهرست بسیار جامع نیست، اما شروع خوبی برای معلمین و والدین می باشد.
- ۱- همیشه به خاطر داشته باشید که AS و NLD اختلالات نورویولوژیکی هستند و برخورد سطحی با این اختلالات ضرورتاً نقایص زمینه ای را اصلاح نخواهد کرد. این کودکان همیشه این اختلالات را خواهند داشت، آنچه که باید تغییر کند این است که آنها یاد بگیرند چگونه با اختلال برخورد نمایند.
- ۲- سطح زبانی این کودکان، سطح ارتباطی آنها را نشان نمی دهد. از سطح ارتباطی کودک آگاه شوید، سطح ارتباطی کودک توانایی وی برای استفاده از زبان در تعامل را نشان می دهد.
- ۳- برنامه تحصیلی باید شامل مهارت های اجتماعی پایه باشد. این مهارت ها شامل گوش دادن، عدم ایجاد وقفه، رعایت نوبت، شرکت در مکالمه، منتظر ماندن در مجاورت دیگران (برای مثال در صف) و کار با دیگران می باشد. یادگیری این مهارت ها وقت گیر خواهد بود.
- ۴- کودک AS و NLD باید نحوه ی رفتار اجتماعی را یاد بگیرد و این یادگیری اغلب اضطراب آور و وقت گیر است. در این مواقع برای بعضی از کودکان یادگیری موارد آموزشی نسبت به عملکرد اجتماعی باید ثانویه در نظر گرفته شود.
- ۵- یک برنامه آموزشی خوب شامل اهداف خاص برای گسترش مهارت ها در زمینه پردازش اطلاعات می باشد. این برنامه آموزشی به علت سرعت پردازش آهسته و نیاز این گروه به آموزش سیستم های سازماندهی می باشد.
- ۶- در دستور دادن صریح و قاطع باشید. تصور نکنید که کودک AS و NLD می داند که منظور شما در یک موقعیت خاص چیست. برای مثال در حین بازی با کارت اگر به کودک AS بگویید، "یک کارت بردار و آن را در دست نگه دار"، کودک متوجه نمی شود که آیا باید کارت را در دستش نگه دارد یا آن را حفظ کند.
- ۷- حواس کودکان AS و NLD به راحتی با محرکات شنیداری، بینایی و لامسه پرت می شود. این ویژگی نشان می دهد باید وضعیت محیط کلاس، شکل و ظاهر دروس و صفحات تمرین ارائه شده به آنها چگونه باشد.

- ۸- برای اطمینان از توجه کودک به عناوین اصلی، موضوعات یا فعالیت های در حال اجرا وی را تحت نظر داشته باشید. فکر نکنید چون کودک به همان صفحه در حال آموزش تمرکز کرده است الزاماً بر روی موضوع نیز تمرکز صحیح دارد.
- ۹- کودک را نسبت به وظیفه اش در موقعیت های مختلف یا انجام کار ها هوشیار کنید. توصیف خود را از وظایف به صورت صریح و قاطع بگویید. این امر در موقعیت های اجتماعی بسیار مهم خواهد بود، زیرا کودک ممکن است، در یک تعامل بدون دیدن سهم خود احساس قربانی شدن نماید.
- ۱۰- توجه کودک را برای استفاده از اشارات، بیانات چهره ای، جهت دید و نزدیک شدن به افراد در موقعیت های اجتماعی جلب کنید. سر نخ هایی به کودک آموزش دهید تا برای درک معنای یک تعامل به مواردی توجه کند که مورد نیاز است. سر نخ می تواند اشاره ای باشد که از قبل مورد توافق قرار گرفته است. برای مثال تماس آرام و نرم با دست کودک برای تذکر به وی تا به صورت گوینده تمرکز کند.
- ۱۱- هنگام طراحی تکالیف برای کودکان به خاطر داشته باشید که مفهوم وانمود سازی^۱ برای این کودکان آشنا و خوشایند نیست.
- ۱۲- تکالیف منزل باید متناسب با سطح کودک باشند و برای افزایش احتمال موفقیت کودک اصلاح شوند. وجود یک سیستم ارتباطی بین خانه و مدرسه ضروری است و استفاده از تکنولوژی، بسیار توصیه می شود.
- ۱۳- کودک NLD یا AS غالباً در موضوع مورد علاقه خود ماهر می شوند. به کودک اجازه دهید تا این شایستگی را در برخورد با شما و همسالانش به کار گیرد، اما روش هایی نیز برای گسترش توجه کودک، به او پیشنهاد کنید. به خاطر داشته باشد که توجه بیش از حد روی موضوعات خاص ممکن است برای کودک خوشایند باشد.
- معلمین باید موارد زیر را در برنامه درسی کودکان AS و NLD وارد کنند و پیشرفت این کودکان را در همه برنامه ها مد نظر قرار دهند. این نکات عبارت اند از:
- ابتدا و انتهای تمرینات را کاملاً مشخص نمایید.
 - از چک لیست و یا تعدادی کارت های آماده تصویری، نموداری یا متنی برای کمک به کودک جهت تکمیل کار استفاده کنید (شامل تکلیفی که از طریق مدرسه داده می شود).

^۱ -Pretend

- یک مدل از هدف یا نتیجه نهایی تهیه کنید. این مدل می تواند توصیف کلامی یا یک مثال تصویری (برای کودک AS) باشد.
- از کودک بخواهید تا برای شما تکرار کند که از او چه می خواهید. این کار شامل هدف فعالیت نیز می باشد. مطمئن شوید که کودک هدف را درک کرده است.
- دستورات و انتظارات صریح، قاطع و شفاف باشد.
- برنامه آموزش روش ها را به گونه ای طراحی کنید تا کودک بین آگاهی از یک حوزه به حوزه دیگر ارتباط برقرار کند. فرصت هایی برای تعمیم آنچه یاد گرفته است فراهم کنید.
- استفاده از زنجیره سرنخ های بینیایی را به دانش آموز AS آموزش دهید. کارت های تصویری نمونه ای از این زنجیره ها هستند.
- به طور مستقیم بر روی علت و اثر، انگیزش و موضوع اصلی متمرکز شوید. این کودکان این ارتباطات را بدون آموزش صریح و قاطع یاد نمی گیرند.
- در هنگام آموزش مهارت های اجتماعی، ایده های مشخصی در مورد انجام کارهایی برای هدایت موقعیت های اجتماعی پیشنهاد کنید. برای ایجاد موقعیت های موفق برنامه ریزی کنید.
- اطلاعات مکمل از رشته کاردرمانی بسیار مفید می باشد. کنترل حالت برانگیختگی این کودکان معمولاً ضعیف می باشد. همین مسئله باعث ایجاد مزاحمت در یادگیری آنها می شود (اطلاعات بیشتر در مورد حالت برانگیختگی در فصل بعد آورده شده است). همکاری تیمی با کار درمان و متخصص آموزش دیده در زمینه مهارت های حسی و حرکتی در این زمینه بسیار ارزشمند می باشد.

○ فصل نهم

« حرکت اندام ها »

▪ توجه به نقایص پردازش بینایی-فضایی و یکپارچگی حسی-حرکتی

در بیشتر موارد (البته نه در همه موارد)، کودکان NLD و AS منحصر به فرد هستند حتی در دوره نوزادی و کودکی. چنین کودکی فرزند خوبی برای والدین است و به راحتی سرگرم می شود. دائماً به سمت اشیاء نمی رود، متمرکز بر خود و آرام می باشد. گروهی از کودکان NLD و AS گاهی در زمان نوزادی آرام نیستند، ظاهراً با ناراحتی درونی تحت فشارند و توسط متخصصین اطفال و والدین به عنوان کودکانی که مبتلا به دل درد هستند، توصیف می شوند. در عین حال، تمایل دارند وقتی که در مورد آنها یا با آنها صحبت می شود، مورد توجه قرار گیرند. و زمانی که نوپا هستند، اغلب فعالیت های آرام و ساکت را به فعالیت ها و بازیهای غیر قابل کنترل و خشن ترجیح می دهند. اتکای این کودکان به استفاده از زبان برای کشف جهان (به جای اینکه از خواب بیدار شده و به اشیاء چنگ بزنند تا آن را حس کنند و شاید آن را به دهان بگذارند، می پرسند اون چیه؟) احتمالاً اولین علامت استفاده محدود آنها از رفتارهای حسی-حرکتی (جسمی) می باشد. کودکان در رشد طبیعی، مراحل را طی می کنند که اغلب ویژگی رشدی آنها در بین مراحل رشد جسمی، رشد زبانی و رشد مهارت های حرکتی تغییر می کند. گرچه تاکنون مدرکی جهت حمایت از این تفکر وجود ندارد، منطقی به نظر می رسد که کودکان NLD و AS استفاده از زبان و کلمات را نسبت به فعالیت های جسمی راحت تر می دانند، بنابراین رشد آنها در زمینه ی مهارت های زبانی تقویت می شود. به عبارت دیگر، زبان لذت بخش تر است و این لذت بخشی به استفاده بیشتر از زبان منجر می گردد. به نظر می رسد کودک با سیستم اعصاب از پیش طراحی شده ای بدنیا می آید که در اطلاعات حسی مشکل دارد. به احتمال زیاد کودک NLD یا AS مشکلاتی در ارتباط با حساسیت لامسه و شنیداری دارد و حساسیت بسیار بالا و یا حس ویژه ای در بویایی و چشایی دارند.

مساسیت لامسه

احساس بر چسب پشت پیراهن یا شلوار، پارچه ی لباس های آستین بلند، یا برخورد هوا با پا به دلیل پوشیدن شلوار کوتاه برای بعضی از این کودکان به خاطر ایجاد آشفته‌گی، آزار دهنده می باشد. حمام کردن به طور عام، و استفاده از شامپو به طور خاص (نرمی شامپو روی سر) می تواند برای آنها ناخوشایند باشد. ایستادن در نزدیکی افراد در صف مدرسه یا راهرو و یا تماس دست معلم بر روی شانه کودک، برای آنها خوشایند نیست.

حساسیت حاد لامسه عملکرد روزانه را تحت تاثیر قرار می دهد. اکثر ما به زبری یا نرمی پارچه ویا لوازم منزل، مزه یا حس غذا دقت می کنیم، اما استفاده از اشیا و یا تمرکز ما را برهم نمی زند. اما شیوه ی حس اشیا، که منجر به ایجاد احساس خاصی در کودک AS یا NLD می شود غالباً باعث تحریک و به هم ریختگی آرامش آنها می گردد. توجه داشته باشید این به هم ریختگی‌ها و کج خلقی‌ها همانند کج خلقی های یک کودک لوس نیست. بلکه به احتمال زیاد فشار بیش از حد حسی به کودک وارد آمده و سیستم پردازش کودک در حال خاموشی است. کودک در شرایطی قرار می گیرد که برای کنترل تحریکات تجربه شده ناتوان می گردد، این تحریکات حتی می تواند حس کردن لباس، حس کردن شامپو یا نزدیک افراد ایستادن باشد. طغیان کودک نتیجه ی فشار بیش از حد است.

■ مساسیت شنیداری

حساسیت شنیداری، آگاهی بسیار زیاد کودک از محرک شنیداری است. صداهایی که بلند (یا برای این کودکان خیلی بلند هستند) و یا تکراری هستند مثل تیک تاک ساعت یا ضربه زدن همکلاسی شان با مداد روی میز یا جویدن آدامس، برای این کودکان دلخراش و آزار دهنده است.

سرگذشت جیمی

جیمی در سن ۸ سالگی از عدم سازگاری خود با صدا های خاص در کلاس، آگاه شد. تا قبل از این سن، وی در خانه درس می خواند و تجربه ی کلاس ۲۴ نفره را نداشت. تیک تاک ساعت حواس او را از معلم پرت می کرد. سیستم بلند گوی مدرسه با صدای بسیار بلند (به عقیده او) در کلاس به گوش او می رسید و باعث می شد تا وی گوش هایش را بگیرد. وقتی، همکلاسی هایش با مداد روی میز ضربه می زدند، بسیار عصبانی می شد و از معلم اجازه می خواست تا به همکلاسی اش تذکر دهد. اما تمام این دلخوری‌ها در مقایسه با احساسات درونی وی نسبت به افرادی که آدامس می جویدند، غیر قابل مقایسه بود. باد کردن و

ترکاندن آدامس برای او مثل کشیدن ناخن روی تخته سیاه بود، و نمی توانست این کار را تحمل کند. تنها دفعه ای که از مدرسه اخراج شد، روزی بود که از جا پرید و به همکلاسی اش چنگ زد و فریاد کشید "بس کن، بس کن". جیمی پرخاشگر به نظر می رسید (و در واقع چنین بود) و همکلاسی اش روی زمین افتاد. همه این جریانات بدین دلیل بود که، آن دانش آموز در کلاس آدامس می جوید. معلم تا به حال به این موضوع توجه نکرده بود و آن دانش آموز نیز فکر نمی کرد که آدامس جویدن وی می تواند چنین مشکلی ایجاد کند. جیمی از کار خود پشیمان شده بود و دانش آموزان از آن به بعد به او به چشم یک موجود عجیب و غریب کوچک نگاه می کردند. اما او اعتقاد داشت که کار دیگری نمی توانست انجام دهد.

مساسیت پیشایی و بویایی

والدین کودکان AS یا NLD اعتقاد دارند فرزند آنها بعد از دوران نوپایی، به مدت طولانی سلیقه غذایی غیر معمولی دارد. این کودکان می گویند بعضی از چیزها بو می دهد (در هنگامی که ما بوی خاصی را احساس نمی کنیم). باید توجه نمود هنگامی که بدن خودشان بوی بد می دهد به این نکته توجه نمی کنند (بوی بدن این کودکان اغلب به دلیل مقاومت در مقابل حمام رفتن و عوض کردن لباس می باشد). اگرچه در زمینه ی این حساسیت ها به طور رسمی مطالعه ای انجام نشده است، اما گزارشات غیر رسمی و متعددی وجود دارد که ممکن است به عنوان بخشی از این اختلال، حساسیت بویایی و چشایی همانند حساسیت شنیداری، لامسه و بینایی وجود داشته باشد (حواس این کودکان با تحریکات بینایی بسیار زیاد پرت می شود). آراستگی نا مطلوب در کودکان AS و NLD بسیار رایج است، و احتمالاً ناشی از نامناسب بودن مهارت های حسی آنها است، همچنین ممکن است این مسئله منعکس کننده عدم توجه آنها نسبت به مورد توجه قرار گرفتن از طرف دیگران باشد. (مورد اخیر یکی از دیدگاه های اجتماعی است که در فصل بعد بحث خواهد شد).

سلیقه غذایی

سلیقه غذایی کودکان AS و NLD تجربه شناخته شده ای برای والدین این کودکان است. با توجه به اینکه، هر شخصی سلیقه منحصر به فردی دارد، اما اطلاعات غیر رسمی سلیقه غذایی این کودکان را غذاهای بی مزه، بی رنگ و رو و نرم مثل غذاهای سفید^۱، بیسکویت (نمکین^۲)، نان، پنیر خامه ای، پاستا، شیر نشان

۱- شامل آرد، نمک، شکر، برنج سیب زمینی

۲- بیسکویت ترد

می دهد. نوشیدنی های گاز دار واکنش های متفاوتی را در بعضی از کودکان ایجاد می کند و گزارش شده است که آب میوه و شیر را به نوشابه گازدار ترجیح می دهند. این سلیقه ها بخشی از سیستم حسی این کودکان و همراه با آن ها می باشد. از نظر مداخله ای بهترین کار، دادن حق انتخاب های متعدد به کودک در طول سال های اولیه است که باعث کامل شدن ذائقه کودک می شود. در حین غذا خوردن ، با کودک وارد جنگ نشویم. انتخاب های متعدد مناسب که شامل برخی از «غذاهای سفید» مورد قبول کودک است، را فراهم نمایید. غذایی که سایر اعضای خانواده می خورند را تهیه کنید و از تهیه ی غذاهای آماده یا شیرینی خودداری کنید. این کودکان با تغذیه ضعیف ، صدمه می خورند.

روش های یکپارچگی حسی

تجربه کودکان AS یا NLD در مورد حساسیت های مربوط به حواس واقعی است و این حساسیت ها توانایی کودک را در زمینه توجه، تمرکز و یادگیری تحت تاثیر قرار می دهند. رفتارهای ناشی از این حساسیت ها، بر ارتباطات اجتماعی و حس اعتماد به نفس کودک تاثیر می گذارد. آموزش یکپارچگی حسی به عنوان بخشی از هر مداخله درمانی، از سنین پایین تا دوره دبیرستان برای این کودکان ضروری است .

تعدیل حالات برانگیختگی

اولین مداخله لازم برای کودکی که تشخیص AS یا NLD برای وی داده شده است، ارزیابی کامل توسط یک کار درمانگر ماهر می باشد. زیرا هیچگاه دو کودک مثل هم نیستند. این ارزیابی جزئیات مداخلات مورد نیاز این کودکان را توصیف می نماید و با استفاده از نتایج ارزیابی می توان مناسب بودن برنامه کودک را تعیین نمود. برنامه هایی از قبیل برنامه ALERT که توسط ویلیامز و شلنبرگر^۱ در سال ۱۹۹۴ تهیه شده است (اکثر کار درمانگر ها این برنامه را آموزش می بینند) برای کودکان AS و NLD بسیار سودمند می باشد. این برنامه ها به کودکان کمک می کنند تا در زمینه تعدیل حالات برانگیختگی آموزش ببینند و همچنین فرصتی فراهم می نمایند تا اطلاعات حسی را به شکل بسیار موثر درک کنند. حالات برانگیختگی به معنای سطح توجه و تمرکز فرد در هر زمان می باشد. توجه کم یا حالت برانگیختگی پایین، منجر به پژمردگی و خواب آلودگی و پرت شدن راحت حواس، می شود. برانگیختگی زیاد، حالت هیجان زده و هوشیاری بسیار بالا، همانند برانگیختگی پایین، فرد را مستعد پرت شدن حواس می نماید. ناتوانی در تعدیل حالات برانگیختگی باعث می شود، تا کودک از حالات بالا به پایین در نوسان باشد و احتمالاً نوعی از به

هم ریختگی را تجربه کند. استفاده از روش هایی بدون فشار بیش از حد حسی، برای حفظ توجه و تمرکز باعث می شود تا کودک یاد بگیرد که چگونه به هم نریزد و به تدریج، بیشتر از عهده مهارت ها برآید.

استفاده از موسیقی

سیستم موسیقی همراه با هدفون (مثل پخش صوت یا رایانه قابل حمل، یا پخش کننده سی دی) مداخله ای بسیار موفق برای اکثر کودکان AS و NLD می باشد. موسیقی قابل پیش بینی است و بنابراین هنگام انجام کار، توجه کودک حفظ می شود. این مداخله درمانی برای فعالیت های گروهی و یا هنگام آموزش مستقیم، مناسب نمی باشد. در هنگام استفاده از این مداخله درمانی، بسیار مهم است که زمان گوش دادن به موسیقی را والدین و معلمین برای کودک تعیین کنند، زیرا مرز ظریفی بین استفاده از موسیقی برای حفظ تمرکز و حذف عوامل حواس پرت کن با استفاده از آن جهت اجتناب از ارتباط اجتماعی با دیگران وجود دارد. اگر گوش دادن به موسیقی باعث اجتناب از ارتباط اجتماعی گردد، باید استفاده از این مداخله درمانی مورد بررسی مجدد قرار گیرد.

بدن در حال حرکت

قانونی در فیزیک وجود دارد که می گوید جسم در حال حرکت تا زمانی که مانعی برای حرکت آن وجود نداشته باشد، به حرکت خود ادامه می دهد. در مورد کودکان AS و NLD نه تنها شروع حرکت به آسانی انجام نمی شود بلکه درحفظ حرکت بدن نیز با شکست روبرو می شوند و به احتمال زیاد خود را برای فعالیت های حرکتی بزرگ و کوچک ضعیف می پندارند، به ویژه فعالیت هایی که مهارت های بینایی-فضایی را درگیر می کند.

آموزش مهارت های حرکتی ظریف

غالباً بستن بند کفش برای کودک AS یا NLD دشوار است. این تمرین نیاز به مهارت های حرکتی ظریف و درک بینایی-فضایی دارد. این کار از بعضی لحاظ مشابه بافتن موی سر است: یادگیری بافتن (مو) برای بعضی از مردم آسان و برای دیگران تقریباً غیر ممکن است. آموزش مهارت بستن بند کفش (به طور کلی گره زدن) را خیلی زود شروع نکنید، منتظر بمانید تا مهارت های حرکتی کودک بلوغ یابد و تا آن زمان از کفش های بدون بند استفاده کنید. به دلیل آنکه، فرزند اقوام شما می تواند بند کفش را در چهار سالگی ببندد، کودک AS یا NLD شما نیز حتماً نباید در سن چهار سالگی این کار را انجام دهد.

هنگام آموزش بستن بند کفش و یا هر فعالیت حرکتی دیگر، دستور العملی مشتمل بر یک سری از توضیحات کلامی طراحی کنید تا در به یاد آوری الگوی فعالیت کمک نماید. از گفتار برای حمایت از مهارت حرکتی استفاده کنید زیرا به موفقیت کودک کمک خواهد کرد. همچنین مدلی از نتیجه پایانی فراهم کنید، این مدل می تواند تصویر یک کفش یا کفش واقعی باشد که بند آن بسته شده است.

▪ آموزش تعادل

دوچرخه یا اسکوتر سواری یا فعالیت هایی مانند این موارد، به تعادل نیاز دارد و تعادل نیز به مهارت های حرکتی چند گانه که به طور همزمان اتفاق می افتد، احتیاج دارد. چنین هماهنگی برای کودک NLD یا AS دشوار است. برای آموزش این مهارت نیز منتظر بمانید: این یک مسابقه نیست که در آن ببینید ابتدا کدام کودک اکثر فعالیت ها را یاد می گیرد. شروع آموزش تعادل از طریق تخته تعادل در کاردرمانی یا در کلاس آموزش تطابق جسمانی، به افزایش موفقیت کودک می انجامد. کودک با صبر و تمرین می تواند راندن دوچرخه یا سایر وسایل را یاد بگیرد. رعایت موارد ایمنی باید به عنوان بخشی از آموزش باشد.

آموزش جهت

همانگونه که پیش تر بحث شد، کودکان NLD و AS عملاً بیش از سایر کودکان مستعد گم شدن هستند. این حالت ناشی از دو ویژگی می باشد: اولاً، مغز آنها اطلاعات بینایی - فضایی را همچون سایرین ثبت نمی کند، ثانیاً این کودکان تمایل دارند عجولانه عمل کنند خصوصاً در موقعیت هایی که نا آشنا هستند. هنگام حرکت در طول مسیر، اکثراً به مسیر (به درجات مختلف) توجه می کنیم، و احتمالاً مسیر را ردیابی می کنیم. از حافظه خود برای آنچه دیده ایم، شنیده ایم یا بوییده ایم استفاده می کنیم و حس مربوط به ارتباطات فضایی بین اشیاء به ما کمک می کند تا به خاطر بیاوریم که چگونه از محلی به محل دیگر رفته ایم. کودک NLD یا AS بطور طبیعی این توانایی را ندارد. او به راهنماییها و دستورات کلامی و کمک های ویژه جهت یاد آوری آنچه باید انجام دهد، نیاز خواهد داشت.

این کودکان، برای یادگیری مسیر حرکت از یک مکان به مکان دیگر در مدرسه (برای مثال از کلاس به بوفه یا سرویس بهداشتی) به دستورات نوشته شده، نیاز دارند. برای بعضی کودکان، استفاده از نقشه ها مناسب نمی باشد، اما شمارش تعداد درهای موجود بین کلاس و سرویس بهداشتی می تواند کمک کننده باشد. باید علائم مشخصی به آنها گوشزد گردد مثلاً: درخت بزرگی در جلوی دفتر مدرسه یا فواره ای کنار اتاق علوم است. به علاوه، کودک برای توجه به مسیر و یاد آوری سرنخ ها باید با یک نفر

تمرین کند (اگر کودکی هم سن کودک AS یا NLD می تواند به آنها جهت استفاده از این سرنخ ها کمک کند از او استفاده کنید). سرنخ ها ممکن است شامل علائم راهنما (کنار فواره به راست بپیچ) یا تکه هایی کوچک از نوار رنگی باشد که برای هدایت کودک در طول مسیر قرار داده شده اند. نوارهای رنگی را فقط برای دانش آموزان کم سن و سال استفاده کنید و به آنها به گونه ای آموزش دهید تا در نهایت از علائم را هنما و دستورات کلامی، استفاده نمایند. در مکان های عمومی جدید، استفاده کودک از یک بی سیم با برد محدود می تواند برای برقراری ارتباط با فرد بزرگسال کمک کننده باشد (در صورتیکه کودک تمایل به استقلال داشته باشد). این عمل، برای بدست آوردن اعتماد به نفس در موقعیت های جدید همچون بازار یا هنگام استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی به کودک کمک می نماید. والدین یا فرد بزرگسال با فاصله به دنبال کودک حرکت می کنند و وی (شاید همراه یکی از هم سن و سالان) رفتن از مکانی به مکان دیگر را تمرین می کند. این فعالیت ها باعث افزایش احساس موفقیت در کودک می شود و احساس درماندگی در شرایط جدید را کاهش می دهد.

اختلال در نوشتن

ناتوانی در نوشتن، اختلال مشترک کودکان AS و NLD می باشد. با آنکه نقاشی کشیدن کودکان AS خوب است، اما غالباً از مشکلات مربوط به نوشتن حروف و کلمات یا دیکته رنج می برند. نوشتن فعالیتی مشابه نقاشی کشیدن نیست و اگر کودکی بتواند خوب نقاشی بکشد، بدین معنی نیست که می تواند خوب و روان بنویسد.

نوشتن (شکل دهی حروف) بعضی از دانش آموزان، خوب است اما کند و دشوار می نویسند. تلاشی که برای عمل نوشتن انجام می دهند این عمل را برای آنها ناخوشایند می سازد و در نتیجه در طول زمان کودک می آموزد که از نوشتن اجتناب کند. بسیاری از کودکان AS و NLD تفاوت قابل توجهی بین دانش خود در رابطه با یک موضوع و توانایی نوشتن در مورد آن موضوع نشان می دهند. بخشی از مشکلات، مربوط به نقایص عملکرد اجرایی می باشد که پیش تر ذکر شد، اما بخش دیگری از مشکلات در ارتباط با حرکت دست آنها جهت نوشتن حروف و کلمات است. نوشتن یک تکلیف بینایی-فضایی و حرکتی ظریف است و به همین علت بسیاری از دانش آموزان AS و NLD مشکلات زیادی در این فعالیت دارند.

▪ نوشتن با مداد در مقابل استفاده از صفحه کلید

به عنوان یک قاعده کلی، تمرکز اولیه باید بر ماهر شدن در نوشتن با مداد باشد: معلم باید مشکلات خاص کودک را بررسی کند، از جمله: ارتفاع میز، مناسب بودن صندلی و وضعیت نشستن دانش آموز، همه این موارد در موفقیت او در یادگیری به طور عام و نوشتن بطور خاص مشارکت دارند.

در زمان خاصی (معمولاً در پایه سوم) نوشتن کودک AS یا NLD متوقف می شود (گیر می کند) و در یادگیری با مشکل روبرو می گردد. در این مرحله، معرفی صفحه کلید به کودک ایده خوبی است، از یک آلفا اسمارت^۱ (مثل لپ تاپ کوچک است اما فقط یک پردازشگر کلمه می باشد) و یا یک لپ تاپ استفاده کنید. به دانش آموزان کم سن و سال نحوه استفاده از یک برنامه پردازشگر کلمه را آموزش دهید تا منجر به کاهش احساس شکست ناشی از نوشتن با مداد گردد. هر کلاس باید حداقل یک آلفا اسمارت را در اختیار دانش آموز قرار دهد. دانش آموزان ممکن است نیاز به اسکن صفحات تمرین در لپ تاپ داشته باشند، و بدین ترتیب می توانند جهت تکالیف ریاضی یا موضوعات دیگر به طور مستقیم با رایانه کار کنند. نرم افزارهایی برای تسهیل انجام این کار وجود دارد. همچنین دانش آموز به معلمین و اساتیدی نیاز دارد که به این ابزارها دسترسی دارند و توانایی و تمایل به استفاده از آنها را نیز دارند. این وسایل رفاهی ساده تغییرات زیادی برای دانش آموز NLD یا AS ایجاد می کنند و باعث می شوند که این کودکان همراه با سایر دانش آموزان در فعالیت های کلاس های آموزشی به طور عادی پیش بروند.

سایر مداخلات مورد نیاز

هر فرد در حین کار وضعیت راحت بدن منحصر به خود را دارد. در ماشین، صندلی را متناسب با وضعیت خود تنظیم می کنیم، در خانه، صندلی یا بالشتک مناسب خود داریم. در سراسر کشور کلاس ها میز و نیمکت مشابه دارند و انتظار می رود تمام دانش آموزان به طور یکسان از آنها استفاده نمایند و برای مدت زمان طولانی بر روی این نیمکت ها، بنشینند. اکثر دانش آموزان تابع این شرایط هستند. اما ممکن است نیمکت های مدرسه مانع توانایی کار و تمرکز کودک NLD یا AS باشد.

▪ کمک به وضعیت بدنی ضعیف

به دلایل ناشناخته بسیاری از کودکان AS و NLD وضعیت بدنی و تن عضلانی ضعیفی دارند. درمان های ویژه ای برای تن عضلانی ضعیف نیاز است که در ادامه بحث خواهد شد. وضعیت ضعیف بدن ناشی از تن

^۱ AlphaSmart

عضلاتی ضعیف کودک است اما به نظر می‌رسد که این ضعف ناشی از شیوه ی استفاده کودک از ابزار های محیطی (یا شکست در استفاده از آنها) هم باشد.

میز و صندلی خوب با ارتفاع مناسب می‌تواند تغییرات بسیار زیادی ایجاد کند. اگر سوالی در این زمینه به وجود آمد، توصیه‌ها و پیشنهادات کاردرمان کودک پس از بررسی میز و صندلی را مد نظر قرار دهید. همچنین، اگر به کودکان AS و NLD اجازه داده شود که کنار میز بایستند، در حال خواندن قدم بزنند یا حتی روی زمین یا صندلی راحتی دراز بکشند، بهتر کار می‌کنند. این اصلاحات همراه با قوانینی که کودک باید از آنها پیروی کند، می‌توانند بدون ایجاد اختلال زیاد در کلاس های ابتدایی انجام شود. استفاده از صندلی‌های ویژه (برای مثال، صندلی‌های T، نوعی از صندلی‌ها که بر روی یک پایه تعادل خود را حفظ می‌کنند و کودک باید تعادل خود را حفظ کند) که ممکن است توسط کاردرمانگر توصیه شود، به حفظ وضعیت بدن، توجه و انجام تکالیف کودک کمک می‌نماید.

کودکان AS و NLD غالباً در هنگام راه رفتن شیوه ای منحصر به فرد و قابل توجه دارند. به نظر می‌رسد که آنها در حال حمل وسیله سنگینی هستند و در نتیجه بیش از حد خمیده شده و تقریباً به صورت دولا راه می‌روند. این طرز راه رفتن باعث انتقال حس ناامنی به همسالانی که حسن نیت کمتری از خود نشان می‌دهند، می‌گردد و غالباً تحت عنوان گام برداشتن تهاجمی به صورت "بیا من را بزن" ذکر می‌شود. بسیاری از این کودکان شبیه به حالت قوز کرده می‌نشینند یا بر روی صندلی به عقب خم می‌شوند، پایه‌های جلوی صندلی را از زمین جدا کرده و تکان می‌دهند و تلاش می‌کنند تا به طور خطرناکی تعادل را روی پایه‌های عقب حفظ کنند. وضعیت بدنی ضعیف آنها می‌تواند منجر به مشکلاتی در رشد نخاع گردد و به محض مشاهده باید اصلاح شود.

کمک به تن عضلانی ضعیف

تن عضلانی ضعیف، توصیف کننده اندام هایی با عضلات لاغر در این کودکان می‌باشد. به نظر می‌رسد، که مشکل عضلانی این کودکان در یک حلقه معیوب قرار می‌گیرد: بدین معنا که کودک تن عضلانی کمتر از حد طبیعی دارد، در نتیجه ورزش کردن برای او دشوار یا ناخوشایندتر از سایر فعالیت‌های انفرادی می‌شود و لذا ورزش نمی‌کند، در نتیجه عضلاتش قوی نمی‌شود. با گذشت زمان کودکان هم سن او قوی تر می‌شوند و در فعالیت‌های جسمی ماهر می‌گردند و کودک NLD یا AS احساس ناراحتی و ناهماهنگی می‌نماید، در نتیجه بیشتر عقب می‌افتد و حتی تمایل کمتری به تلاش دارد. وضعیت بدنی این کودکان، استقامت و سلامت عمومی جسمانی آنها را تحت تاثیر قرار می‌دهد. فراهم نمودن برنامه مناسب

با رشد مهارت‌های جسمی این کودکان به اندازه تمرین در مهارت‌های ذهنی مهم است. وضعیت بدنی، استقامت و تن عضلانی نامناسب، یادگیری را در معرض خطر قرار خواهد داد. برنامه رشد مهارت‌های جسمی باید توسط فردی تهیه شود که با شکل مناسب و تناسب فعالیتها در سطوح مختلف سنی، آشنا باشد. برای مثال تمرین رسمی برای تناسب وزن باید توسط فرد متخصص آموزش داده شود، و قبل از ۱۴ سالگی نباید آغاز گردد. با این وجود، فعالیت‌های استقامتی بسیاری برای تحمل وزن وجود دارد که عضلات و انعطاف‌پذیری را پرورش می‌دهند و می‌توان آنها را در سن ابتدایی آموزش داد. آوردن خواروبار از ماشین به داخل خانه، جارو کردن و کندن باغچه با بیل، همگی به پرورش کنترل عضلات و انعطاف‌پذیری کمک می‌کند و کودک را در بخشی از فعالیت‌های زندگی روزمره درگیر می‌نمایند.

یک برنامه تربیت جسمانی^۱ برای کودکان باید شامل موارد زیر باشد:

- فعالیت‌های آماده کردن بدن قبل از بازی
- تمرینات انعطاف‌پذیری و کششی
- فعالیت‌های ایروبیک^۲ (برنامه‌ای جهت افزایش کند و تدریجی مدت زمانی که کودک می‌تواند فعالیت ایروبیک را تحمل کند)
- پرورش مهارت برای بازی و ورزش‌هایی که کودک باید انجام دهد (مثل ضربه زدن به توپ، بسکتبال، بیس بال)
- هنگام اجرای برنامه، یک دانش‌آموز دبیرستانی و یا شخص تعلیم دهنده می‌تواند به عنوان مربی کودک عمل کند.

سفن پایانی درباره این مدافلات

مداخلات بنیایی-فضایی و یکپارچگی حسی، بخش ضروری برنامه های کودکان AS و NLD می باشند. غالباً بعضی از متخصصین اعتقاد دارند که این مداخلات فقط برای کودکان کم سن لازم است و بنابراین خدمات یا برنامه‌های مورد نیاز، با ورود کودک به مقطع راهنمایی پایان می‌یابد. اما باید اذعان نمود که استفاده از مربی، روش‌های اصلاحی ALERT یا تسهیلات رفاهی در کلاس برای وضعیت بدن و اختلال در نوشتن حتی تا مقطع دبیرستان نیز مورد نیاز می‌باشد. والدین نیاز به حمایت از فرزندان خود دارند و خدمات مورد نیاز در این زمینه را مقدم بر خدمات تحصیلی می‌دانند.

^۱ -Physical training program

^۲ -aerobic

○ فصل دهم

« توانش اجتماعی: مسائلی پیرامون خود، دیگران و عزت نفس »

در سراسر این کتاب ما به NLD و سندرم آسپرگر به عنوان اختلالاتی می‌نگریم که در پردازش اطلاعات (شیوه‌ای که افراد اطلاعات را بدست می‌آورند و از آن استفاده می‌کنند) نقص دارند. پردازش اطلاعات مسئله کوچکی به نظر می‌رسد. اما همه مردم در هر لحظه از روز آن را انجام می‌دهند و به همین علت نباید آن را مسئله کوچکی بدانیم. موفقیت در پردازش اطلاعات، برای انجام هر جنبه از زندگی (یادگیری، انجام کار و هر نوع ارتباط) حیاتی مرکزی است. پردازش اطلاعات در بر گیرنده موارد زیر است:

- توانایی یادگیری
- توانایی عملکرد در محیط
- توانایی موفقیت اجتماعی

در این فصل، تاثیرات نقص پردازش اطلاعات بر توانش اجتماعی این کودکان مورد بررسی قرار خواهد گرفت. قضاوت نادرست در مورد خلق یا احساس فرد مقابل، عدم تشخیص خسته کننده یا نامناسب بودن توضیحات، بسیار نزدیک به دیگران ایستادن، اجتناب از پاسخ به دیگران به دلیل احساس وارد شدن حجم زیادی از اطلاعات، همگی ناشی از نقص پردازش اطلاعات است و بر روی موفقیت اجتماعی و در نهایت عزت نفس این کودکان تاثیر منفی بر جای می‌گذارد.

سرگذشت راشل

راشل اکنون ۱۶ سال دارد. سبزه، لاغر و مبتلا به NLD است و از نظر دیگران چهره جذابی دارد. با وجود اینکه مادرش زحمت زیادی برای خرید لباسهای او می‌کشد، اما اغلب ژولیده به نظر می‌رسد و هرگز نمی‌تواند لباس‌ها را متناسب با هم بپوشد. وی تجربیات مربوط به دوره راهنمایی و اولین سال دبیرستان را چنین تعریف می‌کند: سایر دانش آموزان او را به خاطر آشفته بودن و ظاهر ژولیده، و به خاطر عجیب و ساده بودنش، دست می‌انداختند. وی اعتقاد داشت که "کند ذهن" (خصوصاً در ریاضی) و "زشت" است و این موارد را با صدای بلند به دیگران می‌گفت. زمانی که از او پرسیده می‌شد که چرا این کار را انجام

می‌دهد) زیرا این رفتار او اغلب منجر به دست انداخته شدن بیشتر، یا اسم گذاشتن بر روی او می‌شد) وی پاسخ می‌داد که این فکر سایر کودکان است و تمایل داشت سایر کودکان نیز بدانند که راشل هم مانند آنها فکر می‌کند. **وی می‌خواست شبیه به آنها باشد تا شاید با او بهتر رفتار کنند.** هیچ دوستی نداشت و انتظار هم نداشت که دوستی داشته باشد. درباره آینده نگران بود و دچار ناامیدی، یاس و افسردگی روز افزون شده بود.

سرگذشت راشل نشان می‌دهد، تاثیر ناتوانی در پردازش اطلاعات بر روی یادگیری این کودکان و توانش اجتماعی آنها قابل توجه است، و به وضوح اثر این ناتوانی را دیدیم. این ناتوانی اثر قابل توجهی بر روی عزت نفس یا دیدگاه کودک نسبت به خودش دارد. در نهایت ناتوانی در موفقیت اجتماعی و ناامیدی از تجربه تعامل اجتماعی به عنوان یک زبان متفاوت، کودک را از پا می‌اندازد. به مرور، شکست اجتماعی به فقدان عزت نفس منجر می‌شود، و باعث افزایش حس پریشانی و انزوای کودک می‌گردد و در نتیجه منجر به اجتناب از برخوردهای اجتماعی می‌شود. در نهایت، اگر مشکلات اجتماعی آنها بدون درمان رها شود، خیلی از افراد AS و NLD افسردگی قابل توجهی را تجربه خواهند کرد. مداخله در توانش اجتماعی، قبل از شروع افسردگی لازم و ضروری است.

▪ چه چیزی ارتباط اجتماعی را بسیار دشوار می‌سازد؟

کودکان NLD یا AS در درک دیدگاه شخص مقابل مشکل دارند. به یاد داشته باشید که این کودکان هرگز درک واقعی از آنچه که دیگران به آن فکر می‌کنند، نداشته و از آن مهمتر، درکی از تفکر دیگران نسبت به خود نیز ندارند. جهان بینی آنها براساس تفکر خودمحور است. بنابراین به نظر نمی‌رسد که کودکان AS و NLD سنگدلانه احساسات دیگران را نادیده بگیرند و یا خودبین، خود محور و نسبت به دیگران بی‌علاقه باشند. برعکس آنها خیلی علاقه مند هستند، و فقط از تاثیر دیدگاه و یا نیازهای سایر افراد نسبت به خود آگاهی ندارند. این آگاهی ساده نیست، و این کودکان آن را به سادگی بدست نمی‌آورند.

نگاه کردن در آینه، نگاه کردن به بیرون از پنجره

تفکر خودبینی، مشابه نگاه کردن در آینه و دیدن خود است. این نوع جهان بینی با نگاه کردن از پنجره و دیدن جهان و افراد آن، کاملاً متفاوت است. از بعضی جهات، جهان بینی کودکان AS و NLD همانند نگاه کردن به آینه است و وظیفه ما هدایت آنها برای نگاه کردن از پنجره به بیرون می‌باشد. بررسی مسئله خود بینی این کودکان و ناتوانی آنها در زمینه درک دیدگاه افراد، هدف ارزشمندی است، اما عمل به آن دشوار است. در این رابطه، این تصور وجود دارد که سه حوزه اصلی مشکلاتی که این

کودکان تجربه می‌کنند، به یکدیگر وابسته اند و بر هم تأثیر می‌گذارند. مسلم است کودک NLD یا AS اطلاعات را از مسیر مخدوش دریافت می‌کند. از این مسئله چنین استنباط می‌شود که، تلاش برای مورد هدف قرار دادن موضوع خودبینی، بر مبنای مداخلات مربوط به نقایص سازماندهی و نقایص بینایی-فضایی می‌باشد. بعید به نظر می‌رسد کار کردن بر روی یک حوزه بدون توجه به دو حوزه دیگر، موفقیت‌آمیز باشد.

توجه به سایر افراد

کودک هنگامی که در بغل پدر قرار دارد به ماه اشاره می‌کند و سپس به پدرش نگاه می‌کند، او بدون زبان با پدرش ارتباط برقرار می‌کند. در حقیقت، زبان ارتباط غیر کلامی (اشارات، بیان چهره‌ای و وضعیت بدن) بر پایه زبان چشم‌ها است. نگاه کردن به چشم افراد، از زمان خیره شدن به چشمان مادر در دوره نوزادی شروع می‌شود. ما شروع به استفاده از نوعی ارتباط و تعامل می‌کنیم که ماورای زبان گفتاری است. جالب است بدانید نتایج بررسی سایمون بارون-کوهن^۱ در سال ۱۹۹۵ مشخص نمود که حتی کودکان نابینا از زبانی استفاده می‌نمایند که بر دیدن دلالت دارد، آنها از دیگران می‌خواهند تا به چیزی نگاه کنند (عملی که این کودکان هرگز قادر به انجام آن نخواهند بود). مفاهیم اجتماعی دیدن و نگاه کردن دیر بدست می‌آید و با توجه به مشکلات کودکان NLD و AS در پردازش بینایی-فضایی، تفسیر ارتباطات اجتماعی که بر پایه نگاه کردن است برای آنها بسیار مشکل خواهد بود.

یادگیری توجه کردن

اولین و بدیهی‌ترین جنبه تعلیم توانش اجتماعی برای هر کودک، تمرین توجه به مواردی است که کودک به طور طبیعی به آنها توجه نمی‌کند. برای مثال، بیشتر به نظر می‌رسد که کودک NLD یا AS مطالب گفتگو با مادرش را می‌شنود تا اینکه به تفاوت موهای او، بیان چهره‌ای، یا حتی تن صدای او توجه کند. به علاوه، به دلیل محدودیت‌های مسلم توانایی پردازش اطلاعات کودک (به هم ریختگی و فراموشی در سیستم آشفته ذخیره‌سازی مغز کودک)، تک‌گویی طولانی مدت مادر بی‌فایده است. در حقیقت مادر برای یادآوری آنچه قبلاً به کودک گفته است، موضوع را، بارها و بارها تکرار خواهد کرد که این کار به درک مطلب کمک نمی‌کند (خصوصاً برای مادری که بیش از پیش ناامید است).

ناتوانی کودک در فهم نکات ظریف ارتباطی، به احتمال زیاد منجر به طرد شدگی اجتماعی توسط همسالان و انزوای بیش از پیش کودک می‌شود. درک سرزنش از طریق چشم‌ها، آگاهی در مورد

^۱ -Simon Baron-Cohen

فاصله ای که از دیگران باید بایستد (مانند تمام کودکان)، و یا درک عصبانیتی که به وسیله تن صدای معلم منتقل می‌شود، همه نکات ظریف ارتباطی هستند که کودک NLD یا AS آنها را درک نمی‌کند. باید این نکات ظریف ارتباطی، آموزش داده شوند. بار دیگر یادآوری می‌نماییم که سطح زبانی (توانایی خوب تولید زبان) این کودکان با سطح ارتباطی (توانایی خوب برقراری ارتباط) آنها برابر نیست، لذا باید به کودکان NLD و AS کمک نماییم تا سطح ارتباطی و در نتیجه، توانش اجتماعی آنها گسترش یابد و اولین نیاز کودک، یادگیری توجه به جزئیات مهم در ارتباط است.

ترتیب اولویت: تمرین برای توجه

تمرین توجه کردن باید شامل فعالیتها و آموزش مستقیم جنبه های ارتباطی از بین رفته باشد. والدین و معلمین باید فرصتهایی برای کمک به کودک جهت کسب موفقیت در مهارتهای مورد نیاز فراهم نمایند. ممکن است برخی از جنبه های توجه کردن، بدیهی و برخی کمتر بدیهی به نظر برسد. برای موفقیت اجتماعی، کودک باید یاد بگیرد تا به بسیاری از سرنخها و پیامهای همراه با کلماتی که مردم می‌گویند توجه کند:

- به چشم افراد نگاه کنید. از کودک سؤال نمایید که مردم چگونه اطلاعات را از طریق چشم انتقال می‌دهند: آیا آنها همیشه به یک شیوه نگاه می‌کنند؟ زمانی که فرد از گوشه چشم نگاه می‌کند یا چشمهایش را زیاد باز می‌کند، به چه معناست؟
- توجه نمایید که شخص به کجا نگاه می‌کند. این عمل جنبه ای از توجه مشترک است، و توجه به این مسئله در یادگیری فهم سرنخهای مورد هدف، به کودک کمک می‌کند.
- به بیانات چهره‌ای سایر افراد توجه کنید. کودک بتواند موارد زیر را حدس بزند: این نگاه یک نگاه عصبانی است؟ یک نگاه نگران است؟ یا یک نگاه شاد است؟
- چگونگی نشستن و ایستادن یک شخص را نگاه کنید. از کودک پرسید بر اساس وضعیت بدنی، چه حدسی می‌زند.
- توجه کنید افراد چگونه راه می‌روند (منظور سرعت و روانی حرکت آنها است). از کودک پرسید تند راه رفتن یا آرام و یا همراه با پیچ خوردن، چه معنایی می‌دهد؟

مهارت‌های ساده اجتماعی: مهارتهایی که ساده نیستند اما پیچیدگی کمتری دارند.

مهارت های اصلی که برای موفقیت اجتماعی مهم هستند، شامل توجه به رفتار دیگران است که در بالا بحث شد. علاوه بر توجه کردن، مهم است تا کودک:

- بیانات چهره‌ای و اشارات دیگران را بفهمد.
 - از بیانات چهره‌ای خود و چگونگی انتقال آنها به دیگران آگاه باشد.
 - قادر باشد بفهمد که احتمال دارد چه اتفاقی در شرایط اجتماعی رخ دهد. (پیش بینی، جدید بودن تعاملات را کاهش می دهد).
 - حضور سایر افراد را در گفتگو به خاطر داشته باشد و بداند که گفتگو، تک گویی نیست.
 - داد و ستد اجتماعی را فرا بگیرد. این رفتار جنبه ای از درک تفکرات سایر مردم است. این داد و ستدها شامل توجه، تعارفات و بازخورد است.
- کودک برای انجام منظم این تکالیف، نیازمند چند سال آموزش در زمینه سازماندهی، یکپارچگی حسی و مهارت اجتماعی است. ایده‌هایی برای تمرین در قسمت پایین آمده است. اما بهترین توصیه، به کار گرفتن یک متخصص بالینی با تجربه (روانشناس، درمانگر آموزشی یا متخصص رفتاری اطفال) است که قادر به اداره جنبه‌های متعددی از آموزش مهارت اجتماعی کودک می باشد.

فعالیت‌های تمرینی

- ۱- از بیانات چهره‌ای فرزندان فیلم برداری کنید: خوشحالی، ناراحتی، عصبانیت، نگرانی، ترس، خستگی و غیره. کودک را وادار به تماشای آن فیلم کنید. این کار را با کودکان و بزرگسالان دیگر نیز انجام دهید و کودک را وادار کنید تا حدس بزند که آنها چه احساسی دارند. این تمرین بدون دوربین فیلم برداری نیز می تواند انجام شود: کودک را وادار کنید در حالی که به آینه نگاه می کند، حالت چهره‌ای مورد نظر را، نمایش دهد. عکس‌های فوری از کودک در حین تمرین، بسیار مفید است؛ عکس‌های متعدد در هنگام تمرین و پیشرفت کودک در ایجاد بیانات چهره‌ای مورد نظر تاریخچه‌ای از پیشرفت کودک را نشان می دهد. بیانات چهره‌ای شخصیت‌های کارتون‌ی که کلماتی در زیر نقاشی آنها وجود دارد مفید است. این تمرینات در ابتدا باعث رشد مناسب مهارت‌های اجتماعی می شود اما تعدادی از کودکان (و حتی بزرگسالان) به سختی می توانند ویژگی عاطفی نقاشی‌ها را حدس بزنند و لذا همیشه ارائه تصاویر نمی تواند روش مفیدی باشد.
- ۲- صدای تلویزیون را در حین تماشای فیلم سینمایی قطع کنید و با کودک تمرین کنید تا حدس بزند چه چیزی در حال رخ دادن است. این کار نیازمند درک کودک از سرنخ‌های چهره‌ای، وضعیت بدن و اشارات است.

۳- داستان بخوانید و از کودک پرسید " فکر می کنی بعدا چه اتفاقی خواهد افتاد؟" در زمینه اهمیت اتفاق بعدی بحث کنید (پیش بینی احتمال مواردی که بعداً رخ می دهد). سرنخ هایی به کودک بدهید تا حدس بزند در آینده چه اتفاقی خواهد افتاد. یادگیری درک سرنخ ها و پیش بینی فعالیت ها، شرایط اجتماعی را مشخص تر می سازد.

۴- مجموعه ای تهیه نمایید که کودک در طول یک ماه با آنها برخورد دارد و شامل موقعیت های اجتماعی مختلف مثل مدرسه، اردوهای تفریحی یا جشن تولد باشد. به کودک کمک کنید تا اتفاقات این موقعیت ها را پیش بینی کند و برنامه مورد نیاز برای این موقعیتها طراحی کنید.

۵- به حیوانات توجه کنید و از آنها در تمرین استفاده کنید. اغلب برای کودک، کار کردن با حیوانات نسبت به تمرین موقعیتهای اجتماعی با افراد، اضطراب کمتری به همراه دارد و سرگرم کننده تر است. هنگامی که سگ دمش را تکان می دهد چه منظوری دارد؟ زمانی که او از ترس دولا می شود و گوش- هایش را عقب می دهد چگونه؟ ارتباط با حیوانات برای تمرین بر روی همدلی و درک سرنخ های اجتماعی، روش شگفت انگیزی می باشد، زیرا حیوانات قابل پیش بینی و جالب هستند. خصوصاً سگ ها، رفتار اجتماعی دارند و به سادگی یاد می گیرند. تمرین با سگ می تواند برای کودک خیلی مثبت باشد، چون اکثر سگ ها (بجز موارد معدود)، اشتباهات مربی را می بخشند و با دیدن کودک شاد می شوند.

در مدرسه Orion، تعلیم سگ یک واحد درسی لازم برای تمام دانش آموزان است. در این برنامه دانش- آموزان می آموزند تا به سگها حرف شنوی و رفتارهای خوب را تعلیم دهند. زمان زیادی در این واحد درسی به آموزش زبان سگها اختصاص دارد (دستیابی به اطلاعاتی در رابطه با روند رشد آنها و مفهوم رفتارهایشان)، این دانش، مهارت های کودک را در حد یک مربی رشد می دهد. مبنای این واحد درسی بر اساس این ایده می باشد که تمام حیوانات و خصوصاً سگها تعاملات اجتماعی با معنی و پیچیده ای دارند و به علاوه رفتار آنها نسبت به مردم راحت تر فهمیده می شود، لذا حیوانات الگوی مناسبی برای یادگیری نحوه برخورد با مردم به ما می دهند. برای موفقیت به عنوان مربی سگ ها، دانش آموزان باید علامتهایی که به سگ یاد می دهند را فرا بگیرند و در عین حال علامتهای سگ را نیز بفهمند. دانش آموزان NLD,AS می توانند این گونه مهارتها را در زندگی روزانه استفاده کنند.

کار کردن با حیوانات نیازمند راهنمایی فردی ماهر و آگاه می باشد، و سگها نیز باید بر حسب طبیعت و قابل تعلیم بودنشان انتخاب شوند. توصیه می شود که کودک NLD,AS با یک حیوان خانگی دست آموز که از لحاظ بهداشتی وضعیت مشخصی ندارد و یا با یک سگ نا آشنا، تنها رها نشود. سایر برنامه های این کودکان علاوه بر کار کردن با سگها، اسب سواری است. بعید است اسبها مانند سگها با

اشتباهات کودک آسیب بینند آنها زیرک هستند و به طور کلی از بودن در اطراف مردم لذت می‌برند. برای موفقیت در این مداخلات حضور بزرگسالان آموزش دیده ضروری است، این نوع کارها باید برای اکثر کودکان در دسترس باشد.

مهارت‌های رو به رشد توانش اجتماعی

معمولاً فرایند مهارت‌های رو به رشد توانش اجتماعی در طی چند سال شکل می‌گیرد. همانطور که قبلاً ذکر گردید، مهارت "خواندن ذهن" (بارون- کوهن ۱۹۹۵) و ارتباط اجتماعی از همان آغاز دوران نوزادی وجود دارد. اولین مهارتهایی که کسب می‌شوند ساده و آسان است. هنگامی که کسی می‌گوید "سلام" شما به روش ثابتی پاسخ می‌دهید: برای مثال، به فرد نگاه می‌کنید و پاسخ می‌دهید "سلام". اما طولی نخواهد کشید که مهارت‌های ساده با انتظارات پیچیده‌ای همراه می‌شود. سلام کردن به فرد بزرگسال به شرایط متفاوتی از نظر استفاده از کلمات، آهنگ صدا و نزدیکی جسمی نسبت به فرد هم سن، نیاز دارد. مهارت‌های ساده‌ای که کودک با آنها آغاز می‌کند در طول زمان افزایش می‌یابد و در بزرگسالی تعاملات اجتماعی پیچیده‌تری مورد انتظار است. برای کودک NLD یا AS، حرکت از مهارت‌های ساده که او به خاطر می‌آورد، به سمت مهارت‌های پیچیده که در دوره نوجوانی و بزرگسالی انتظار می‌رود، کار دشواری است. آموزش و مداخله در زبان مهارت‌های اجتماعی، اولین نیاز برنامه این کودکان است.

راههای متعدد و ساده‌ای برای تمرین مهارت‌های اجتماعی در مدرسه و منزل وجود دارد، اما راهنمایی‌های کلی موجود هستند. تمام کودکان، هنگام کار بر روی موضوعات مورد علاقه خود، با غریبه‌ها بیشتر از والدین کار می‌کنند و به آنها توجه می‌کنند، بدون در نظر گرفتن اینکه رابطه کودک و والدینش چقدر نزدیک است (و اغلب به این دلیل که رابطه کودک با والدین خیلی نزدیک است)، کودکان تمایل ندارند در مورد نگرانی‌ها یا رفتارشان با والدین، با آنها راحت صحبت کنند. مسئول آموزش و نظارت بر مهارت اجتماعی در مدرسه و یا در تمرین‌های خصوصی، بهتر است روانشناس باشد. والدین باید برای کمک به برنامه، از طریق تمرین در منزل وارد کار شوند. آسیب شناس گفتار و زبان نیز شریک بسیار خوبی برای والدین در زمینه آموزش رشد زبان کاربردی و تشکیل جلسات گروهی کوچک می‌باشد. هنگامی که والدین گروه تایید شده‌ای از افراد متخصص و مراقب برای کمک به فرزندشان در نظر می‌گیرند، مزایا و تغییرات مناسبی به دست می‌آید.

مفهوم "دیگران"

کودکان AS و NLD برای بررسی خودشان باید در زمینه پاسخ اتوماتیک رشد نمایند (تا توجه کنند که چه کاری انجام داده و چه پاسخی گرفته اند). آگاه شدن نسبت به دیگران باعث کاهش تمایل این کودکان به تنهایی و کناره گیری می شود و به یادگیری زبان ارتباطی اکتسابی مورد استفاده هم سالانشان جهت مورد تأیید قرار گرفتن، کمک می کند. نیاز ابتدایی آنها، احساس وجود فرد دیگر در تعامل است (آگاهی از وجود شنونده)، در تمرین توجه نسبت به افراد، این آگاهی باعث افزایش توجه می شود، تمرینات شامل موارد زیر است:

- خلق یا احساس آنها: حقیقت این است که از نظر کودک AS و NLD افرادی که بدون سوال کردن، تشخیص می دهند که یک نفر ناراحت است، جادوگر هستند (مانند خواندن ذهن).
- حالات آنها: آیا حالات آنها با خلق آنها که از طریق کلمات و اعمال انتقال می دهند متناسب است؟
- وضعیت بدن آنها: چه چیزی را منتقل می کند؟
- ارتباط فضایی با دیگران: آیا افراد به آنها نزدیک هستند یا از آنها دور می شوند؟ آیا سایر افراد با نزدیک شدن به کودک راحت به نظر می رسند؟
- تن صدا: صدای افراد متغیر است یا یکنواخت، بلند است یا آرام؟ از کودک بخواهید گفتار خود را با گفتار شخص دیگر مقایسه کند. آیا در گفتارش تغییرات زیر و بمی و بلندی وجود دارد؟
- سرعت گفتار: اگر گفتار شخص دیگر تند یا کند باشد به چه معناست؟
- انتخاب کلمات: آیا کلمات انتخابی گوینده هنگامی که با همسالان و سایر شنوندگان (معلمان- والدین و همکلاسی ها) صحبت می کند و آنها را مخاطب قرار می دهد مناسب است؟

گسترش مدافلات برای مهارت های ساده اجتماعی

برای آموزش هر مهارت یا رفتار، تعلیمات ساده همراه با راهنمایی های کلی (در زیر آمده است) مورد نیاز هستند. الگوی آموزش مهارت های اجتماعی شامل مراحل زیر است:

- ۱- به کودک به طور کلامی دقیقاً توضیح دهید که چه کاری باید انجام دهد، در صورت لزوم متن و یا مجموعه ای از دستورات کلامی تهیه کنید. برای مثال، شما می توانید با استفاده از زبان در جهت کمک به درک مفهوم "حالات چهره ای" استفاده نمایید.

- ۲- با استفاده از تصویر، فیلم یا نقش بازی کردن و یا یک مثال الگوی یک رفتار را ارائه دهید، زیرا کودک می‌تواند نحوه ی انجام و یا عدم انجام آن رفتار را ببیند.
- ۳- از کودک بخواهید تا آنچه را انجام می‌دهید، برایتان شرح دهد. اگر از متن استفاده می‌کنید، از وی بخواهید تا متن را یاد بگیرد.
- ۴- از کودک بخواهید تا رفتار را تقلید کند و یا خودش آن را نمایش دهد.
- ۵- برای آنکه رفتار درحافظه کودک بماند، شرایطی فراهم نمایید. نوع اطلاعاتی که آموزش می‌دهید، نحوه ی مناسب یادآوری آنها را تعیین می‌کند. به عنوان مثال، برای اینکه به کودک کمک کنید تا به خاطر بیاورد که تمام رفتارهای مربوط به سلام و احوال پرسی و ملاقات افراد به یکدیگر وابسته هستند، آنها را همراه با هم آموزش دهید. کودک می‌تواند از شعر برای یادآوری بهتر استفاده کند یا کتابی در این زمینه برای کودک تهیه کنید.
- ۶- کودک باید با بزرگسالان و همسالان و در گروه‌های مختلف تمرین، تمرین و تمرین کند.

پی‌ریزی مهارت‌های اجتماعی

مهارت‌های اجتماعی و جوانب متعددی از برخوردهای اجتماعی وجود دارد که باید یاد گرفته شوند، و به همین دلیل این فرآیند مشکل است. اما تعداد معدودی از مهارت‌ها را می‌توان شناسایی نمود که برای دستیابی به موفقیت ضروری هستند. فرم بازیابی زبان کاربردی مورد استفاده در مدرسه Orion که در فصل ۲ آمد را به یادآورید. این فرم بسیاری از مهارت‌های اصلی برای موفقیت اجتماعی را به اجمال مطرح می‌کند (مهارت‌هایی که اکثر کودکان در طول زندگی بر آنها تسلط می‌یابند). در تهیه برنامه مناسب برای کودک NLD یا AS، ارزیابی نقاط قوت و ضعف اجتماعی کودک باید مقدم بر سایر موارد باشد. بعد از ارزیابی باید برنامه‌ای طراحی شده و هماهنگی برای تربیت اجتماعی فراهم گردد. این برنامه باید متناسب با سطح رشد کودک باشد. انتظارات ما از یک کودک ۸ ساله در سالن ناهار خوری مدرسه، بسیار متفاوت از یک فرد ۱۷ ساله در همان موقعیت می‌باشد. به خاطر داشته باشید، مهارت‌ها باید بر مبنای یکدیگر پی‌ریزی شود، شما هرگز از کسی که رانندگی بلد نیست، درخواست نمی‌کنید بین دو شهر رانندگی کند. ابتدا بخش‌های مختلف رانندگی را آموزش می‌دهید، سپس با نظارت تمرین می‌کنید و پس از کسب موفقیت در موقعیت‌های مختلف، شخص را به بزرگراه‌های شهر می‌فرستید.

بنابر این مهارت‌های ساده («ساده» تنها از این جهت که آنها مهارت‌های پایه برای مهارت‌های پیچیده هستند) که لازم است کودک در آنها ماهر شود، شامل چه مواردی است؟ نوجوان NLD یا AS باید درک

نسبی از تمام مهارت‌های فهرست شده در زیر را قبل از ورود به دبیرستان، داشته باشد. هنگامی که کودک این مهارت‌ها را به درستی انجام داد، او را تشویق کنید. ما اغلب اوقات اشتباهات را به سرعت گوشزد می‌کنیم اما فراموش می‌کنیم موارد صحیح را خاطر نشان کنیم.

۱- هنگام برقراری ارتباط، به چشم‌های فرد مقابل نگاه کند. این رفتار دلیل بر توجه است و کمک می‌نماید تا مطمئن شوید، کودک واقعاً حالات چهره‌ی گوینده را می‌بیند. برای به خاطر آوردن انجام این رفتار به کودک سر نخ‌ی ارائه نمایید، این کار برای یادآوری به او ضروری است، این تمرین می‌تواند به وسیله ویدئو یا در یک گروه کوچک انجام شود.

۲- از حالات چهره‌ی متناسب با محتوای کلمات گفته شده استفاده کند. فعالیت‌هایی نظیر تطابق چهره با گفته‌های نوار صوتی و تمرین دو نفره، در ایجاد این مهارت مناسب است.

۳- به حالات چهره‌ی، وضعیت بدن و نزدیکی بدن خود با دیگران توجه کند. بهتر است این آموزش در جلسات انفرادی آغاز شود، سپس به تدریج به سمت تمرین در گروه‌های کوچک بروید. حفظ ارتباط بین این سه حوزه (حالات، وضعیت و نزدیکی) بسیار مشکل‌تر از هر کدام به تنهایی است و افزایش تعداد نفرات گروه از یک یا دو نفر به چند نفر باعث افزایش پیچیدگی خواهد شد.

۴- واضح صحبت کند (زیر لب سخن نگوید). برای بعضی کودکان، زیر لب سخن گفتن با جنبه‌های حرکتی در ارتباط است و نیاز به گفتار درمانی دارد. برای سایر افراد این رفتار، فقط یک عادت بد می‌باشد.

۵- از تن‌های متغیر صدا و بلندی مناسب استفاده کند. غالباً کودک NLD یا AS درباره بلندی صدای خود بد قضاوت می‌کند و فراموش می‌کند که چگونه مطلب خود را به صورت جذاب برای شنوندگان بگوید. تهیه نوار صوتی یا ویدئویی باز خورد مناسبی برای کودک فراهم می‌کند.

۶- موضوعاتی را برای گفتگو انتخاب کند، که با موقعیت (مدرسه، خانه یا سایر موقعیت‌های اجتماعی) و شنوندگان (همسالان، بزرگسالان، اعضای خانواده، غریبه‌ها) متناسب باشد. برای بسیاری از کودکان، قسمتی از آموزش باید شامل فهرست جداگانه‌ای از موضوعات باشد (فهرستی برای مدرسه، و یکی برای تمرین‌شنا، یا سایر موقعیت‌های اجتماعی و یک مورد نیز برای منزل). کودک با استفاده از این فهرست‌ها می‌تواند در موقعیت‌های جدید یا رقابتی احساس امنیت می‌کند. تمرین با گفتاردرمان کودک یا روانشناس، در گروه کوچک انجام شود تا احساس مهارت در کودک افزایش یابد.

۷- موضوع را در گفتگو حفظ کند. کودک باید بیاموزد که روند موضوع را حفظ کند و اطلاعات لازم را به گونه‌ای بیان کند که دیگران بفهمند، او در رابطه با چه چیزی صحبت می‌کند.

۸- در تغییر موضوع گفتگو انعطاف پذیر باشد. کودک اغلب به موضوع مورد علاقه خود برمی گردد و باید به او یادآوری شود که دیگران هم می خواهند درباره موضوع خود صحبت کنند. این کار تمرین و باز خورد بزرگسالان را نیاز دارد.

۹- در گفتگو نوبت را رعایت کند (نه اینکه آن را به انحصار در آورد)

۱۰- قبل از صحبت در گروه یا کلاس، منتظر بماند به او اجازه داده شود یا وی را صدا بزنند.

۱۱- به طور مناسب خود را به دیگران معرفی کند.

۱۲- از تعارفات کلامی (مانند "از دیدن شما خوشحالم"، "حال شما چطور است؟"، "لطفاً"، "متشکرم" و غیره) به طور مناسب استفاده کند.

۱۳- هنگام نیاز، کمک بخواهد. دانستن زمان نیاز کودک به کمک، مشکل است، چون ممکن است کودک به کسی چیزی نگوید، اما فراهم کردن نیاز کودک و تشویق او برای کمک خواستن احتمالاً بهترین راه برای افزایش این رفتار است.

تمام کودکان NLD و AS نیاز به برنامه ای دارند که مهارت های ذکر شده در بالا را (متناسب با سن کودک) مورد توجه قرار دهد. قسمتی از برنامه باید شامل مهارت های پیچیده اجتماعی باشد که در بخش های بعدی بحث خواهد شد. برای اکثر این کودکان شرکت در گروه مهارت های اجتماعی هفتگی به تنهایی کافی نخواهد بود. افراد حاضر در محیط زندگی آنها باید در زمینه رشد این مهارت های مهم آنها را حمایت کنند. در اغلب موارد بهتر است برای او الگویی از یک کودک هم سن در نظر بگیریم. در پایه های پایین تر، مداخله معلم برای تعیین دوست، می تواند بسیار مفید باشد. همزمان با تمرین در تعاملات اجتماعی، دوست کودک الگویی (از موارد متعدد) برای ایجاد رقابت به کودک ارائه می دهد. اما تا پایه سوم، سایر کودکان علاقه اندکی نشان می دهند تا مسئول کودک NLD یا AS باشند (وظیفه این افراد این نیست که همراه همیشگی این کودکان در زنگ تفریح باشند). مداخله لازم، اختصاص مشاور برای کودکانی است که نیاز بیشتری در حوزه اجتماعی (کودکان مستعد "گم شدن در فضا" و به طور کلی دارای سازماندهی ضعیف) دارند. استفاده از مشاور، مشکلات مربوط به خود را دارد. باید با دقت از خدمات مشاوران استفاده شود و خدمات آنها به مرور حذف گردد. هنگامی که هر برنامه اصلاحی برای کودک ایجاد می شود، تمام برنامه باید شامل تحول یا اصلاح آن خدمات باشد. اگر کودک همیشه به خدمات نیاز دارد، برنامه باید چگونگی اصلاح در بزرگسالی را در نظر داشته باشد.

ورود زود هنگام به جمع هم سالان و کلاس های آموزشی جهت تحمل اختلافات، نه تنها برای دانش آموزان NLD یا AS بلکه برای تمام کودکان مهم است. در عین حال این آموزش ترکیبی

(مداخله در سطح کلاس یا مدرسه) اگر با آموزش مستقیم کودک NLD یا AS همراه نباشد، سودمند نیست. مسئولیت نتیجه تغییرات و توانایی کودک در کنترل شادی و موفقیت خود، به عهده خود او است و به محیط زندگی کودک بستگی ندارد. در حالی که این مطلب ممکن است در رویکردهای درمانی اهمیت کمتری داشته باشد، اما واقعاً مفهوم مهمی است. همانطور که قبلاً ذکر شد، هدف این برنامه ها برای کودک NLD یا AS این نیست که برای خوشحال شدن و موفقیت خود به حمایت محیط وابسته باشد، بلکه هدف کمک به خودکفا شدن آنها در بزرگسالی است تا بتوانند مالک احساسات خود گردند و برخی از سطوح توانش در روابط اجتماعی را درک نمایند.

مهارتهای اجتماعی پیچیده

مهارتهای اجتماعی نیز مانند ریاضیات، بر مبنای یکدیگر استوار هستند. هنگامی که یک مهارت فراگرفته می شود، به مهارتهای دیگر اضافه می شود و به این ترتیب مهارت های اجتماعی پیچیده و پیچیده تر می شوند. اکثر کودکان تعاملات پیچیده را هر روز به کار می برند (برای مثال یک گفتگو را حفظ می کنند). گفتگوها، اهداف و یا منظور خاصی دارند و هدف یک شخص ممکن است از هدف شخص دیگر متفاوت باشد. این مطلب به این معنی است که فهمیدن نیازها، قسمتی از گفتگو است که می تواند ساده یا پیچیده باشد. در خواست سبب زمینی بیشتر از مادر در هنگام شام، ممکن است منجر به شروع یک گفتگو شود. ممکن است مادر پرسد از سبب زمینی ها خوش آمد؟ اگر شما تمایل به صحبت زیاد ندارید می توانید منظور خود را به خوبی از طریق لحن، وضعیت بدن و حالات چهره منتقل کنید. این مثال یک تعامل ساده می باشد. اما پیچیدگی زمانی به وجود می آید که شما بفهمید مادر برای آماده کردن سبب زمینی ها خیلی زحمت کشیده است. شما می خواهید از او تعریف و تمجید کنید و حدس می زنید سؤال مادر به این علت است که ببیند شما از او تعریف می کنید یا نه. بنابراین این کار را انجام می دهید حالا تعامل پیچیده تر می شود، و هدف شما تغییر می یابد و گرفتن سبب زمینی بیشتر برای اطمینان بخشیدن به مادر است تا احساس کند که از او تعریف شده است ما معمولاً هرگز در مورد لایه های ارتباط و معانی آن در مکالمات یا تعاملات فکر نمی کنیم (گاهی اوقات هیچ کلمه ای رد و بدل نمی شود، اما ارتباط زیادی برقرار می شود). کودکان NLD , AS در این زمینه خیلی خوب عمل نمی کنند. اگر تعاملی به سادگی خواستن سبب زمینی بیشتر در حین شام، به سادگی به تعاملات دیگری منجر می گردد، تصور کنید در تعاملات متعددی که روزانه در آن شرکت داریم، چه اتفاقی رخ می دهد. در اینجا صحبت راجع به تکالیف چندگانه است، ما

به طور پیوسته در یک زمان، مفاهیم متعددی را سازماندهی می کنیم و سطوح ارتباطی مختلف را می فهمیم.

مهارتهای گفتگو و سایر مهارتهای پیچیده اجتماعی در طول زمان رشد می یابد، و از مهارتهای ساده که در ترکیب با یکدیگر و یا به دنبال یکدیگر می آیند، استفاده می نماید. اکثر کودکان NLD, AS تقریباً به میزان مشابه نیازمند آموزش مستقیم این مهارتها می باشند، همانند کسب مهارتهای اجتماعی ساده زیر:

۱- آگاهی از علاقه شنونده (نه حاشیه پردازی راجع به موضوع). این مهارت یک مهارت پیچیده است که مهارتهای زیادی را به هم پیوند می دهد. توجه به سرنخ های کلامی و غیر کلامی، سازماندهی افکار، تنظیم لحن صدا و انعطاف پذیری در موضوعات مکالمه، تعدادی از این مهارتها هستند که می توان به آنها اشاره کرد.

۲- موضوعات به طور شفاف آغاز شود و مورد بحث قرار گیرد. موضوع و ارتباط بین موضوعات به طور شفاف برای شنونده حفظ شود.

۳- بیان اطلاعات به طور مرتبط و دقیق. کودک باید مطلبی را که می خواهد بگوید سازماندهی نماید و بر روی آن تمرکز کند.

۴- توجه به توضیحات مردم، پاسخ به آن و در صورت لزوم، اجازه تغییر جریان مکالمه. مورد آخر مهارت بسیار مهمی است و اغلب از آن چشم پوشی می شود.

۵- درک و استفاده صحیح از کنایه.

۶- درک و استفاده صحیح از استعاره و قیاس.

۷- درک و استفاده مناسب از شوخی (پاسخ به شوخی متناسب با سن). همه شوخی ها بدنیستند، و یادگیری نحوه شوخی با دوستان، هنری است که می توان کسب کرد.

۸- رها کردن بحث (کودک ممکن است مجبور باشد مخالفت افراد دیگر را بپذیرد).

۹- یادگیری مناسب قطع گفتگو.

۱۰- یادگیری درخواست از گوینده تا منظور خود را به طور مناسب توضیح دهد. تفاوت زیادی بین جمله "بیخشید می توانید توضیح دهید که منظور شما از چه بود" با جمله "صحبت شما هیچ معنایی ندارد" وجود دارد.

۱۱- به راحتی با دیگران وارد مکالمه شدن.

۱۲- آغاز موضوع اصلی گفتگو. صحبت نکردن در مورد یک موضوع به دفعات.

مشکلات ناشی از فود بینی

ایده نگاه کردن به آینده نسبت به نگاه کردن از پنجره به بیرون، راهی برای درک مشکل تعاملات اجتماعی کودکان AS و NLD است. این ایده اغلب در متون مورد بحث قرار نمی گیرد، اما کودکان و نوجوانان AS و NLD ممکن است به نظر دیگران مغرور و خودبین باشند. اصرار آنها بر قوانین انعطاف ناپذیر و نشان دادن خود به عنوان فردی ماهر، ممکن است باعث گردد در چشم همسالانشان اندکی خوش آیند باشند، اما این مسئله برای اعضای خانواده آزاردهنده است. متخصصین و والدین اغلب تلاش می کنند تا اعتماد به نفس پایین کودک را افزایش دهند و به همین دلیل از این رفتارهای نامناسب حمایت می نمایند، تا اعتماد به نفس متزلزل وی تقویت گردد. درحالی که نیاز به حمایت از اعتماد به نفس، درست است اما اجازه دادن به کودک که مغرور یا خود پسند باشد، نه اعتماد به نفس کودک را بالا خواهد برد و نه مهارت های اجتماعی او را بهبود می بخشد. تمام این اتفاقات لایه دیگری از مشکلاتی است که به بار سنگین نقایص اجتماعی قبلی کودک اضافه می شود. این مشکلات برای والدین همچون مسیر دشواری است که باید آن را پیمایند و به کودک کمک کنند که علی رغم وجود مشکلات، احساس خوبی در مورد نقاط قوت خود داشته باشد، ولی در عین حال غرور و احساس "خاص بودن" به او دست ندهد، زیرا در این صورت احتمال دوست پیدا کردن برای او کم می شود.

سرگذشت ریچارد

ریچارد در سن ۱۴ سالگی، در تمام کارهای مربوط به رایانه خود را ماهر می دانست. او و پدرش ساعات لذت بخشی را با رایانه می گذراندند و برسر تغییرات و برنامه ریزی برای انجام آن تغییرات بحث می کردند. این ساعات برای ریچارد، لذت بخش بود و پدرش مکرراً به او گفته بود که چقدر در علم رایانه نسبت به همسالانش، باهوش و پیشرفته است. در عین حال زمانی که ریچارد به مدرسه رفت همسالان او تصور نمی کردند که وی از دیگران متمایز است. ریچارد می دانست که بسیاری از همکلاسی-هایش در ورزش، بهتر از او هستند، سازمان بندی شده تر به نظر می رسند و دوستان بیشتری دارند. همچنین می دانست همکلاسی هایش در درس تاریخ موفق هستند، اما مطمئن بود که خودش در مورد رایانه ها بیشتر می داند. زمانی که در مورد رایانه و بازی هایی که دانلود کرده بود صحبت می کرد، برخی از دانش آموزان مدتی علاقمند به نظر می رسیدند، اما در نهایت، همه از او دور می شدند و ریچارد خود را تنها می یافت. او دوست داشت در این زمینه دیگران را راهنمایی کند تا نشان دهد چقدر می داند، اما فرصتی وجود نداشت و زمانی هم که این فرصت به وجود می آمد راهنمایی های او به سختی از

طرف دیگران پذیرفته می‌شد. یک روز صبح خیلی زود به کلاس آمد تا معلم خود را ببیند، معلم در حال بحث کردن در مورد مشکلات رایانه با معلم دیگری بود. ریچارد بدون اجازه به مکالمه آنها وارد شد و برای مشکل رایانه معلم خود، راه حلی ارائه داد. در آن لحظه معلم از این رفتار ناراحت شد و پاسخ داد "متشکرم ریچارد، اما من مشکل را تحت کنترل دارم" و به طرف معلم دیگر برگشت. ریچارد دوباره صحبت معلم را قطع کرد و گفت "خوب درسته، اما من فکر نمی‌کنم این کار را انجام داده باشید" البته نیازی به گفتن نیست که نظر ریچارد برای معلم اهمیت نداشت.

ماهر بودن

تکیه بر زمینه‌هایی که کودکان و نوجوانان NLD,AS در آنها مهارت دارند، رفتار شایعی در میان آنها است. علایق آنها در زندگی محدود است و در زمینه‌هایی که مدت زیادی بر روی آن تمرکز کرده‌اند، مهارت خاصی به دست می‌آورند. حائز اهمیت است تا به این نکته توجه شود که گرچه ممکن است کودک NLD یا AS سالها به حشرات علاقه مند باشد، ولی ممکن است در این زمینه دانش بسیار محدودی به دست آورد و شاید حتی دانش زیادی در حوزه خاص مثلا مورچه و یا سوسک نداشته باشد. مشکلات زمانی شکل می‌گیرد که این ویژگی‌های ماهرانه، همانند سلاح ظاهر شده و به کار رود و این اتفاق اغلب زمانی رخ می‌دهد که کودک بترسد یا گیج شود. کودک مثل سایرین به دنبال احساس خوب است و صحبت در مورد مهارت‌های قبلی برای وی لذت بخش است. متأسفانه، کودک درک اندکی از تاثیر این روش بر روی نگرش دیگران نسبت به خود، دارد. گاهی اوقات، این ویژگی رفتاری بدتر می‌گردد، زمانی که متخصصین یا والدین مکرراً به کودک NLD,AS می‌گویند «تو چقدر باهوش هستی». تفسیر تحت الفظی کودکان NLD,AS باعث می‌شود کودک فکر کند که والدین او اعتقاد دارند که او در کل خیلی باهوش است و این گفته را برای دیگران تکرار کند در حالیکه چنین چیزی ممکن است اصلاً مطرح نباشد.

تکبر

هنگامی که به همکلاسی‌هایش می‌گوید که باهوش‌تر از آنها است و یا هنگامی که قبل از ارائه ایده خود در مورد موضوع، هر مکالمه‌ای را با عبارت «بله، صحیح است» قطع می‌کند، این کار باعث می‌شود دیگران وی را فردی مغرور تصور نمایند. این تصور از بعضی جهات می‌تواند درست باشد بویژه اگر کودک، هرگز از سایرین در رابطه با دیدگاه خاصی کمک نخواست باشد در نتیجه همسالانش عصبانی می‌شوند و او را طرد می‌کنند. کودک NLD یا AS همانند هر شخص دیگر فقط می‌تواند در حد یک کودک متوسط باشد. به ویژه زمانی که این کودکان احساس گیجی یا ترس می‌کنند، خزانه اجتماعی

محدود آنها، اطلاعات را فقط براساس آنچه می‌دانند، تنظیم می‌نماید. سلاح و دفاع آنها اندک است و زبان بهترین چیزی است که آنها می‌دانند. تمایل به متکبر بودن افراد NLD یا AS پوششی است برای احساسات غیرقابل کنترل و حس سردرگمی آنها، که اغلب نیز نادیده گرفته می‌شود. کودک احساس کاذبی در کنترل لحظه‌ای خود دارد و دوباره حس برگشت به دوران کودکی را پیدا می‌کند و این رویکرد در طولانی مدت اصلاً مفید نخواهد بود. کودک NLD یا AS توانایی کنترل شرایط اجتماعی را ندارد و در این حالت ترجیح می‌دهد خود را مغرور نشان دهند، و بدتر از آن تمایل دارد که از این پاسخ ماهرانه، حتی زمانی که نرسیده است نیز، استفاده کند. این رفتار نمونه‌ای از رفتار ویژه این کودکان است، همانند رفتاری که نوجوان NLD هنگامی که تصور می‌کند همسن و سالانش او را طرد کرده‌اند، از خود نشان می‌دهد. در این زمان او شروع به بالاتر نشان دادن خود می‌کند و قبل از اینکه دیگران او را طرد کنند، وی آنها را طرد می‌کند.

متأسفانه بسیاری از کودکان و نوجوانان AS و NLD نمی‌توانند بگویند که هم سن و سالانشان چه زمانی تحت تأثیر آنها قرار می‌گیرند و اغلب به سرخ‌های ارتباطی دیگران با تکبر پاسخ می‌دهند. برای موفقیت در جهت دوست شدن با این کودکان باید زیاد تلاش کرد. بهتر است معلمین، درمانگران و والدین زمانی که کودک در حال ماهر شدن در زمینه‌ای است، به وی تذکر دهند و کمک کنند تا کودک روش برقراری تعامل با دیگران را تغییر دهد. شروع تعاملات بهترین فرصت برای ایجاد طیفی از پاسخ‌های ارتباطی از طرف بزرگسالان می‌باشد. این رفتار به این کودکان کمک می‌نماید تا هنگامی که کسی می‌خواهد با آنها دوست شود به او توجه کند و به طور مناسب به او پاسخ دهد.

تس از رها کردن

درحالی که به نظر می‌رسد مردم اطلاعات بسیار زیادی در مورد مسائل روزمره دارند، بهتر است به این کودکان اجازه دهیم تا در مورد مهارت‌های خود صحبت کنند. والدین و متخصصین باید تعادلی برای کودک ایجاد نمایند و نیازهای کودک را بدون ارائه جایگزین مناسب کنارنگذارند. گاهی این کودکان نیاز دارند به حوزه‌هایی که در آنها مهارت دارند، اتکا نمایند، که مشابه نیاز کودک کوچک به مکیدن شست بعد از ییدار شدن از خواب است. این حوزه‌ها احساس امنیت ایجاد می‌کند و برای عملکرد سالم در زمان بزرگسالی بسیار مهم است که این کودکان به تدریج یاد بگیرند نیاز به این مهارت‌های ویژه خود را کاهش دهند. این تغییرات را نمی‌توان سریع انجام داد، مثل دور کردن کودک از رایانه، زیرا عزت نفس

او وابسته به این دستگاه است، و جدا کردن او از رایانه به زمان نیاز دارد. در عین حال محدود کردن کودک برای دست یابی به اشیاء مورد علاقه اش ایده خوبی نمی باشد.

گسترش علایق

کمک نمایید تا کودک علایقش را گسترش دهد: پسری که به طور وسواسی به رایانه علاقه دارد، می تواند ترغیب شود (از طرف والدین) تا کارهای بیشتری به غیر از کارهای مورد علاقه اش با رایانه انجام دهد. برای مثال، او می تواند برای همسایه یا آشنایان سیستم رایانه نصب کند. لازم نیست کودک را مجبور نماییم تا در کنار سایر افراد در مکانی کار کند، اگر این کار برای او بسیار اضطراب آور است، می تواند به طور اختیاری در کنار فردی باشد که در آن حوزه تخصص دارد و با آن فرد راحت است. به کودک کمک کنید تا محدودیت های خود را کاهش دهد. اگر انتظار انجام کار و یا پذیرش مسئولیت از جانب کودک را نداشته باشید، وی هرگز کاری انجام نخواهد داد. اگر تلاش برای گسترش علایق کودک مؤثر نبود، سعی در افزایش تعداد موضوعات مورد علاقه کودک نمایید. کودک را در معرض فعالیتها و ایده های مختلف قرار دهید تا زمان صرف شده برای فعالیت های وسواسی کاهش یابد. اگر استفاده از رایانه منجر به ایجاد وسواس می شود، ساعات کار با رایانه را محدود کنید. اصرار نمایید ابتدا باید سایر کارها انجام شود تا وی بتواند با رایانه کار کند، و حتماً پایبند این قانون باشید. برای مثال برای یک ساعت کار با رایانه، کودک باید ۲ مورد از موارد زیر را انتخاب نماید و انجام دهد:

- سلام کردن به طور مناسب به مادر و پدر هر صبح و بعدازظهر
- حمام و نظافت کردن
- مسواک زدن بعد از هر وعده غذایی
- صحبت کردن با اعضای خانواده هنگام شام

والدین می توانند فهرستی از این فعالیتها را بر روی کاغذ بنویسند و مربع هایی برای علامت زدن در کنار آن، قرار دهند. کودک هر فعالیتی را که انجام می دهد، در داخل مربع علامت می زند و سپس یک تکه کاغذ مشابه بلیط به او داده می شود تا بتواند با رایانه کار کند.

با افزایش سن کودک فهرست فعالیتهای درخواستی از وی باید شامل مطالبات اجتماعی پیچیده ای مانند شرکت در فعالیتهای مذهبی، باشگاه یا فعالیتهای بعد از مدرسه یا دعوت از یک دوست به منزل باشد. یادآوری می کنیم که این کودکان به حمایت همه جانبه (تا حد ممکن) نیاز دارند، اما اگر به آنها اجازه داده شود تا در دنیای خود فرو روند، شرکت در دنیای دیگران برای آنها، سخت و سخت تر می شود.

سرگذشت دашل

داشل به تاریخ علاقه مند بود و تلاش می کرد تا به همه سوالات معلم کلاس پنجم در مورد تاریخ پاسخ دهد. او دستش را بالا می برد و بلند می گفت « من می دانم، من می دانم، من می دانم » و یا گاهی اوقات پاسخ را قبل از هر دانش آموزی می گفت. سایر دانش آموزان ناراحت و عصبانی می شدند و با او بحث می کردند و او را به عنوان فردی از خود راضی که خودنمایی می کند، می دانستند. او نمی دانست که دانش آموزان وی را اینگونه می بینند، و مادر دашل تا زمانی که یکی از والدین گفت دانش آموزان رفتار داشل را در کلاس دوست ندارند، از این موضوع اطلاعی نداشت. مادر و معلم داشل در این مورد با او صحبت کردند و او شگفت زده و ناراحت شد زیرا او نمی خواست باعث تنفر کودکان باشد. آنها برنامه ای برای داشل و کلاس طراحی کردند. داشل و هر دانش آموز دیگر می توانست به عنوان « رقیب » ۲ بار در هفته در کلاس تاریخ، مسابقه دهد. (توجه کنید، این برنامه از پیش طراحی شده است و برای کودکان NLD, AS مهم است). معلم گروه ها را تعیین می کرد و دانش آموزان در تیم های مختلف شرکت می کردند. هر دانش آموز، تجربه مهارت در این کار را به دست می آورد. داشل عضو با ارزش و پرطرفدار تیم شده بود، و یاد گرفت تا به همکلاسی هایش توجه نماید و به حرف آنها گوش دهد و پاسخ دادن را برای ارزش قائل شدن برای آنها به تأخیر بیندازد و از این کار خوشحال بود.

تکیه بر انعطاف ناپذیری

اگر کودکان NLD و AS را به حال خود رها کنید، آنها در سراسر زندگی مانند یک قطار بر روی ریلی یک طرفه، مستقیم و رو به جلو که هرگز تغییر نمی کند، حرکت می کنند و از غیر منتظره بودن اجتناب می نمایند. زندگی به هیچ یک از ما چنین اجازه ای نمی دهد، بنابراین آنها باید یاد بگیرند تا از آن ریل خارج شوند. به کودک بگویید که انعطاف پذیری رفتار خوبی است (تجارب خود را برای وی بازگو نمایید) و از نام بردن مهارت های مورد نیاز نترسید و به کودک کمک نمایید تا این مهارت ها را یاد بگیرد. هنگامی که کودک انعطاف پذیر، کوشا و در حال تغییر بود و تلاش می نمود چیزهای جدیدی یاد بگیرد، از او تعریف و تمجید نمایید.

پرهیز از موارد جدید

روش هایی مشابه روش های قبلی، به کودک کمک می کند تا از تجربیات جدید اجتناب نکند. قسمتی از این کار بر عهده والدین است که به این کودکان کمک کنند تا مهارت های لازم برای حفظ بقای خود را در این جهان به دست آورند. برنامه هایی برای بردن آنها به مکان هایی که از آن لذت می برند مانند رستوران،

استفاده از وسایل حمل و نقل عمومی و مکان‌های تفریحی داشته باشید. اعمال فشار زیاد برای درک اطلاعات حسی واجتماعی، به یک باره خسته کننده است و می‌تواند اضطراب آور باشد، بنابراین گردش و یا برخورد های اجتماعی زیاد را، یکباره انجام ندهید، بلکه به تدریج و با افزایش سن کودک، انتظارات خود را از او افزایش دهید. همانند پرورش عضلات بدن، اگر از مهارت‌های اجتماعی نیز استفاده نشود، آنها را از دست خواهید داد و کودک NLD یا AS نیاز به تمرین دارد تا برای زندگی آماده شود.

شوفی کردن و در معرض شوفی قرار گرفتن

شاید آسیب‌رساننده‌ترین اثر NLD و AS تأثیر این نقایص بر روی توانش اجتماعی و تهدید کودک توسط دیگران باشد. مطمئناً یادگیری تحت تأثیر این اختلالات قرار می‌گیرد و موفقیت تحصیلی کودک بدون کمک لطمه می‌خورد، اما عدم پذیرش اجتماعی می‌تواند نتایج ویران کننده ای به همراه داشته باشد. شوخی صحیح یا غلط بخشی از زندگی است: به ندرت فردی پیدا می‌شود که در طول زندگی در معرض شوخی قرار نگرفته باشد. شوخی‌های دوستانه معمولاً بخشی از زندگی برخی از خانواده‌ها است (هنگامیکه عمویتان با شما شوخی می‌کند، نشان می‌دهد شما عضو پذیرفته شده خانواده هستید). شوخی‌های دوستانه، بین نوجوانان پذیرفته شده و رایج هستند. مشکل اینجاست که کودک AS یا NLD به قدری این کار را بد انجام می‌دهد که معمولاً تجربه مثبتی از این کار به دست نمی‌آورد. به همین دلیل دست از آن برمی‌دارد. شوخی‌هایی که معمولاً در میان هم سن و سالان دیده می‌شود از آنچه که کودک AS و NLD در هنگام بازی و یا در گروه‌های اجتماعی به صورت آزار دهنده یا گیج کننده با آن روبه رو می‌شود متفاوت است. این کودکان معمولاً از سنین پایین در معرض تمسخر هم سن و سالان خود قرار می‌گیرند. این رفتار تا حدودی به این دلیل است که این کودکان نگرش مثبتی نسبت به خود ندارند. شیوه راه رفتن، گفتار عجیب غریب (گفتار پرفسور کوچک)، مهارت‌های حرکتی ضعیف، همگی منجر به ایجاد تفاوت نسبت به دیگران می‌شود. به علاوه این حقیقت که تعداد زیادی از این کودکان از انتظارات اجتماعی معمول آگاهی ندارند، مزید بر علت می‌شود. برای مثال بنا به دلایلی که تشریح آن مشکل است، اکثر کودکان AS, NLD عادت ناپسند بالا کشیدن بینی را در مکان‌های عمومی دارند. این رفتار ویژگی و سواسی آنها است که باعث ناراحتی همکلاسی‌ها می‌شود. ناراحتی همکلاسی‌ها موجب نمی‌شود کودک این کار را انجام ندهد، بلکه وی موقعیت اجتماعی خود را از دست می‌دهد و مورد تمسخر دیگران قرار می‌گیرد.

آموزش مهارت‌های ازعهده مشکل برآمدن و محافظت از خود

همه کودکان NLD و AS که مورد تمسخر قرار می‌گیرند، رفتار غیر عادی ندارند (مثل بالا کشیدن بینی)، که به آن دلیل مورد توجه قرار گیرند. علت تمسخر آنها ناشی از تلاش‌های نامناسب به منظور جلب توجه دیگران و یا به دلیل الگوی گفتاری ماهرانه و یا عدم دریافت مفهوم تعاملات هم سن و سالانشان می‌باشد. همانطور که قبلاً ذکر شد، فراهم نمودن موقعیت‌های اجتماعی سالم و حمایت‌کننده و نیز مراقبت از کودکان در رابطه با تمسخر و دست انداختن، حائز اهمیت است. با این حال کنترل همه موقعیت‌هایی که کودک با آن مواجه می‌شود امکان‌پذیر نیست. بهتر است به کودک آموزش دهیم که از عهده مشکلاتش برآید، که این آموزش شامل راهبرد هایی برای توجه به نحوه ی تعامل کودک و همچنین اصول راهنمای خوب برای درک موقعیت و قضاوت در مورد نیاز به ترک آن محل می باشد. دانستن این مطلب که چگونه و چه موقع گروه را ترک کنیم به همان اندازه مشکل است که بدانیم چگونه وارد گروه شویم. متأسفانه بسیاری از کودکان NLD و AS زمان بسیار زیادی منتظر می‌مانند تا از موقعیت اجتماعی که به سختی وارد آن شده‌اند، خارج شوند. آنها قضاوت ضعیفی دارند و توانایی محدودی در درک سرنخ‌های اجتماعی نشان می‌دهند و به سادگی خود را در موقعیت‌های دشوار و یا خطرناک قرار می‌دهند. آموزش مهارت اجتماعی باید شامل آموزش شیوه‌هایی برای خارج شدن از موقعیت های ناراحت کننده برای کودک، باشد.

مهارت با ارزش دیگر، دانستن نحوه ی اجتناب از موقعیت‌های مشکل ساز می‌باشد. برای مثال والدین به نوجوانان پسر NLD یا AS باید آموزش دهند که در دستشویی عمومی، با دیدن علامت مخصوص استفاده خانم‌ها، او نباید وارد آن دستشویی شود. مهارت های اجتماعی که برای حل مشکلات احتمالی مورد نیاز هستند، بیش از مهارت هایی است که کودک در اختیار دارد. آموزش مهارت محافظت از خود شامل آموزش کودک در این مورد است که هر کس نمی‌تواند دوست آنها باشد. این آموزش مستلزم این است که از کودک NLD یا AS بیش از حد محافظت نشود زیرا در آن صورت کودک یاد نمی‌گیرد که چگونه از خود محافظت کند. دستورالعمل‌های مربوط به اداره زندگی را هر چقدر بیشتر یاد بگیرند بهتر می‌توانند زندگی کنند.

در اینجا باید مراقب بود. به همان سادگی که گفته می‌شود باید مهارت محافظت از خود را آموزش دهید، مرز بسیار ظریفی در اینجا وجود دارد. بحث بسیار مهم والدین با متخصصین در مورد ایجاد تعادل در فراهم کردن محیط امن و حمایت‌کننده برای این کودکان، بدون حفاظت کامل از آنها در زندگی، می‌باشد. محیط آموزشی امن و مناسب، الزامی است و نمی‌توان آن را نادیده گرفت. باید به کودک اجازه داده

شود که شرایط اجتماعی را امتحان کند تا موفقیت و شکست را تجربه نماید و لازم است بداند که خانواده، همیشه حامی او است.

تمام موارد را بکار ببرید

موفقیت نهایی کودک AS یا NLD همانند هر کودک دیگری، به توانایی وی برای کاربرد تمام موارد گفته شده برمی گردد که به صورت زیر خلاصه می شود:

تمام ارزیابی ها متمرکز بر رشد مهارت های اجتماعی و سازماندهی تجارب و برنامه ریزی تمرینات است. در کنار هم قرار دادن آنچه که یاد گرفته ایم، به ما اجازه می دهد تا در جهان به طور مستقل عمل کنیم. موارد فوق منجر به خوشبختی ما می گردد و شرایط رسیدن به خوشبختی را نیز فراهم می کند. واقعاً چه چیزی بهتر از این می تواند باشد؟ حتی برای کودکانی که ناتوانی ندارند، خوشبخت بودن ضرورتاً ساده نیست. این کتاب تلاش می کند تا نشان دهد چگونه اکثر مردم پیچیدگی تعاملات را می پذیرند و چگونه به پیچیدگی های اجتماعی و مهارت های سازماندهی شده نیاز دارند. برای این عملکرد، درک ارتباط غیر کلامی به اندازه ارتباط کلامی ضروری است. طبق نظر دوک، نویکی و مارتین^۱ (۱۹۹۶) فقط ۷ درصد معانی عاطفی با کلمات بیان می شوند و این بدان معناست که ۹۳٪ مفاهیم عاطفی در هنگام برقراری ارتباط به شیوه های دیگری غیر از زبان گفتاری بیان می شود. حذف ۹۳٪ مفاهیم در یک تعامل نقص بسیار مهمی است. به عبارتی باید مشخص گردد تا برای رشد مهارت در کودکان AS و NLD، خانواده آنها چقدر باید تمرین کنند.

یادگیری چگونگی استفاده از کلمات، هدفی است که اکثر کودکان AS و NLD در نهایت به آن دست می یابند. در نهایت، رابطه بین بخش های غیر کلامی ارتباط با بخش های کلامی آن نیز، باید یاد گرفته شود. این کار همانند ضرورت یادگیری تحصیلی، برای رشد سالم ضروری و مهم است. پذیرفته شدن از جانب هم سالان و بزرگسالان در جامعه، مسیری طولانی می باشد که در جهت پرورش اعتماد به نفس باید طی شود. به جای احساس نادرست از ارزش قائل شدن برای خود که به صورت مصنوعی توسط بزرگسالان در زندگی کودک ایجاد می شود، رشد توانمندی های واقعی در موقعیت های اجتماعی هدف با ارزش و معقولی است. برای رشد این توانمندی، آموزش فصل های گذشته مهم است. همچنین این کودکان نیاز دارند در همه مهارت ها رشد یابند، تا نشان داده شود که آنها کیستند و این امر منعکس کننده نگرش از خود است که می خواهند دیگران نیز آن را داشته باشند. این دیدگاه ناشی از نتیجه مستقیم کار جهت توجه به دیدگاه

^۱ Duke, Nowicki, Martin

دیگران می باشد و تعمیم طبیعی احساس فرد نسبت به خود است و کودکان AS و NLD برای این تعمیم به کمک نیاز دارند.

آن ها می خواهند بدانند کیستند و دیگران در مورد آنها چطور فکر می کنند. این سوال برای اکثر کودکان AS و NLD (و اکثر نوجوانان بدون توجه به ناتوانی) سؤال مشکلی است. مگر این که این ایده ها مستقیماً به آنها آموزش داده شود. برای پاسخ به این سوالات، آن ها باید ابتدا در مورد خود و ارتباط با دیگران و همچنین ارتباط دیگران با آنها فکر کنند. بیشتر کودکان هرگز در مورد این موضوعات به طور آگاهانه فکر نمی کنند، درحالی که هر نوجوان AS و NLD در مقطعی از زندگی نیاز دارد این کار را انجام دهد. پاسخ به آن سوالات مهم و پیچیده است، و توانایی انجام این کار از محدوده این کتاب خارج است.

فون سرد بودن

از هر کودکی پرسید خون سردی چیست، او برای تعریف این کلمه، بسیار تلاش می کند. به احتمال زیاد کودک مثال هایی در مورد خون سرد بودن یا نبودن ارائه می نماید. خون سردی از طریق آگاهی و استفاده از ارتباطات صحیح، انتخاب کلمه، تن، روانی گفتار و ریتم شناسایی می شود. خونسردی عبارت است از آگاهی و هماهنگی مناسب با موقعیت ها و تعامل با آنچه که در اطراف ما است. در اصطلاحات بالینی این آگاهی غالباً به عنوان تطابق با شرایط تلقی می شود. ایجاد تطابق با آنچه که در اطراف شما است، به شما می گوید که چطور از ارتباط غیر کلامی استفاده کنید و این امر باعث می شود تا بیش از ۹۳٪ از ارتباط غیر گفتاری را بفهمید. ایجاد تطابق، شما را آرام و خون سرد می کند.

آراستگی

سطح دیگری از ارتباط (که توسط دوک، نوکی و مارتین در سال ۱۹۹۶ به عنوان موضوع مهمی توصیف گردیده)، از طریق حالت بدن، تن صدا، سرعت گفتار و زبان بدن انتقال می یابد. قسمتی از زبان بدن که مشکل اصلی کودکان و نوجوانان AS و NLD می باشد، آراستگی است. همانطور که قبلاً ذکر شد، به نظر می رسد بهداشت ضعیف این کودکان ناشی از تجربیات مربوط به مشکلات یکپارچگی حسی باشد. در تماس با آب، شامپو یا مسواک، آن ها آشفته می شوند و یاد می گیرند که از تجربه این موارد اجتناب کنند. این حقیقت که آن ها نمی توانند بوی بدن خود را احساس کنند و یا نمی توانند به لباس های لکه دار و چروک خود توجه کنند، مشکلات را پیچیده تر می کند. بنابراین لازم است والدین، متخصصین و سایر مراقبین خیلی زود (در سال های اول زندگی) به کودک آموزش دهند که آداب اجتماعی به سطحی از آراستگی نیاز دارد که آنها باید آن را بپذیرند.

خلاق باشید: برای کودکان کم سن و سال، شلوار و یا دامن با کمرکشی برای تطابق آن ها با هر موقعیتی، مناسب می باشد. برای حمام و شستشوی مو برنامه زمان بندی مناسبی داشته باشید و به آن پایبند باشید زیرا این رفتار منجر به عادی و ساده تر شدن این کار می شود. به خاطر داشته باشید که اگر آنها زیاد حمام بروند (هر ۲ روز یک بار) موهای کودک به شستشوی بیشتری نیاز خواهد داشت و در نتیجه احتمال تطابق حس کودک افزایش خواهد یافت. از شامپو ها و صابون های مختلف استفاده کنید و تا حد امکان در زمان حمام کردن برای کودک سرگرمی فراهم کنید. شما نمی توانید کودکان بزرگتر و نوجوانان را بشوئید، آنها باید به تنهایی حمام کنند و شما فقط باید مراقب باشید. شستشو باعث احساس خوشایند می شود. بسیار مهم است که این درس زندگی را به آنها آموزش دهید که بوی بد بدن توسط هم سن و سالان پذیرفته نمی شود.

مثال زیر نحوه تشویق کودک به این برنامه را نشان می دهد:

مادری یک روز صبح پسرش را به مدرسه نبرد، زیرا وی ۳ روز لباس هایش را عوض نکرده بود. با آن لباسها می خوابید و حمام نمی رفت. وقتی در روز سوم با همان وضعیت آشفته و کثیف از خواب بیدار شد، لباسهایش بیشتر چروک شده بود. مادر به پسرش گفت که دوش بگیرد و لباسش را عوض کند تا او را به مدرسه ببرد. اما پسرش این کارها را انجام نداد و گفت می خواهد در منزل بماند. مادر با مدرسه تماس گرفت و شرایط را برای معلم پسرش توضیح داد. معلم به او گفت که مشکل را فهمیده است و به مادر راه حلی پیشنهاد نمود. مادر به پسر گفت بعد از خوردن صبحانه به اتاقش برگردد و چون مدرسه نمی رود، نمی تواند تلویزیون ببیند و یا با رایانه کار کند. چند ساعت بعد مادر به او تذکر داد که باید به حمام برود و لباس های تمیز بپوشد و نباید در این مورد بحث کند. مادر این کارها را به عنوان قانون بیان کرد و مصمم بود که آنها را انجام دهد. صبح روز بعد کودک دوش گرفت و لباس های تمیز پوشید. البته این مثال الزاماً نمی تواند بر این امر دلالت نماید که همه تذکرات به این خوبی پیش خواهند رفت زیرا برخی از کودکان به بیش از یک بار تذکر برای دریافت پیام نیاز دارند.

- انتظارات خود را واضح و مختصر بیان کنید و هر روز حرفتان را عوض نکنید. در مثال فوق مادر پیام ساده ای را ارائه کرد: لازم است هر ۲ روز یکبار دوش بگیری و برای رفتن به مدرسه لباس تمیز بپوشی. منظور مادر از لباس تمیز، لباسی بود که بیشتر از ۲ روز آن را نپوشیده باشد و با آن نخوابیده باشد.

- با آرامش بر سر حرف خود بمانید. دلیلی برای جیغ و فریاد زدن وجود ندارد به خاطر داشته باشید که کودک به حالت درونی خود پاسخ می دهد و به زودی یاد می گیرد صحبت شما را بپذیرد. در

بیشتر موارد که یادگیری اتفاق می افتد، والدین تسلیم می شوند. اما اگر بدن کودک بوی بد می دهد باید به حمام برود و در غیر این صورت از امتیازاتش محروم می شود. نتیجه منطقی این است: بوی بد را با پوشیدن لباس های نامناسب باعث ناراحتی دیگران می شود و برای این کودکان آگاهی از تأثیری که بر دیگران دارند، بسیار مهم است. اهمیت این آگاهی را به خاطر بسپارید زیرا به شما کمک می کند تا ثابت قدم بمانید.

- در مثال بالا مادر از یک فرد مهم در دنیای کودک (معلم) کمک خواست. این کار مداخله با ارزشی بود، زیرا معلم یک نتیجه گیری منطقی ارائه کرد که کودک آن را فهمید (تا زمانی که نامنظم است، به مدرسه نخواهد رفت). معلم نه عصبانی بود و نه بی دلیل از کودک دفاع کرد (مثل مادر)، او نتایج کار کودک را بسیار شفاف برای وی توضیح داد.

- تذکر بدهید اما سرزنش نکنید. ایده هایی ارائه نمایید تا کودک نحوه انجام کارهای مورد نیاز خود را بداند. پیشنهادهای برای استفاده از شامپو، صابون یا شیوه ی حمام کردن به او بدهید.

شاید لازم باشد با او در مورد شیوه ی لباس پوشیدن، صحبت شود. اکثر کودکان AS و NLD شیوه ی خاصی دارند که آن را ترجیح می دهند. این شیوه ممکن است حالت اجباری داشته باشد. مثلاً وقتی هوا سرد است هرگز ژاکت نمی پوشد. فرصت برای اجرای الگوی فردی وجود دارد، مگر این که کودک در مدرسه ای درس بخواند که در آنجا باید یونیفرم مخصوصی بپوشد و در نتیجه باید قوانین لباس پوشیدن مدرسه را بپذیرد. اگر چنین محدودیت هایی وجود نداشته باشد، ممکن است تمیز نگه داشتن ۵ دست لباس مختلف برای مدرسه، مشکل باشد، اما اگر این لباسها همیشه تمیز و مرتب باشند، باعث می گردد کودک اجازه داشته باشد تا به شیوه ای لباس بپوشد که منجر به تعادل بین نیازهای حسی او و شرایط اجتماع شود.

مسئله ی بلوغ

مسئله ی بی تفاوتی و عدم آراستگی برای کودکان بزرگتر و نوجوانان کمی پیچیده تر می باشد. اکثر نوجوانان AS و NLD از نظر رشدی عقب تر از هم سن و سالان خود هستند و نسبت به لباس پوشیدن بی تفاوتند. در برخی از والدین، مخصوصاً والدینی که اولین کودک آنها AS یا NLD است، این تمایل وجود دارد که به کودک لباس های مربوط به سنین پایین تر بپوشانند. این کار ممکن است باعث شود کودک دیگر تمایلی برای درخواست تعویض لباس نداشته باشد و یا والدین در مورد آن فکر نکنند. اما در سنین نوجوانی، نوجوان باید لباس متناسب با سنش بپوشد. بر اساس یک اصل کلی، پوشیدن لباس

اطلاعات حسی زیادی برای کودک فراهم می کند. بنابراین پوشاندن لباس های جذاب و چشم گیر مانند کفش های گران قیمت ایده مناسبی نیست. حتی اگر همه هم سن و سالان کودک اینگونه لباس بپوشند. این کودکان توانایی مراقبت از این نوع لباس ها را ندارند و باید لباس های ساده، راحت و قابل شستشو برای آن ها خرید.

فقط به این دلیل که یک کودک مبتلا به AS یا NLD است، نباید تصور کرد که او مرحله نوجوانی از مراحل رشد را حذف می کند، این کودکان تغییرات طبیعی خلق و خو و شخصیت را همانند هر نوجوانی پشت سر می گذرانند و فقط با کوله باری از تجربیات بیشتر به بزرگسالی می رسند. اکثر این نوجوانان به لحاظ رشدی، آگاهی دیرتری از مسائل جنسی، کشیدن سیگار یا طغیان ها، دارند اما این مسائل برای آنها نیز به وجود خواهد آمد. تفکر منطقی نوجوانان AS و NLD می تواند در این جا کمک کننده باشد. همانند سازی با فرهنگ هم سن و سالان یکی از مشکلات این کودکان است، و بسیاری از نوجوانان AS و NLD برای برخورد با فشارهای جنسی و کشیدن سیگار آمادگی ندارند. بهترین رویکرد، ارائه ی اطلاعات، طرح و نقشی از پیش تهیه شده به کودک می باشد و از همه مهم تر کودک باید آموزش ببیند که هنگام برخورد با سوال یا مسائل گیج کننده، با فرد بزرگسال صحبت کند. هیچ راهی وجود ندارد تا والدین و متخصصین بتوانند نوجوانان را برای هر اتفاق احتمالی آماده نمایند. اما کودک باید بداند تا حد امکان از موقعیت های گیج کننده اجتناب کند و با بزرگسالان قابل اعتماد صحبت کند. برنامه های آموزشی این کودکان باید همانند سایر نوجوانان مشتمل بر آموزش و هشدارهای مربوط به سیگار و مسائل جنسی باشد. آنها به این ابزار و اطلاعات نیاز دارند. اما شاید لازم باشد این ابزارها به صورت انفرادی و یا در گروه های کوچک آموزش داده شود و گروه ها باید به گونه ای طراحی شوند که شرایط پرسش های زیادی را فراهم نماید، حتی سوالاتی که ممکن است از نظر هم سن و سالان آنها عجیب و غیر معمول باشد.

طغیان مشخص دوره جوانی یا مرحله جدایی فردی در هنگام جوانی که از لحاظ بالینی شناخته شده می باشد، برای نوجوانان AS و NLD بسیار حساس است، و معمولاً در این کودکان این مرحله دیرتر به وقوع می پیوندد (به جای ۱۵ تا ۱۶ سالگی در ۱۷ یا ۱۸ سالگی) و حتی ممکن است بلوغ آنها متفاوت به نظر برسد، به طوری که نوجوان AS یا NLD واقعا از آنچه جهان به او ارائه می کند، می ترسد. حتی ممکن است ایده جدا شدن از خانه، در این نوجوانان از بین رفته باشد. اما آنها از لحاظ رشدی نیاز به جدایی های نسبی از والدین دارند. این مسئله می تواند باعث افسردگی و ناامیدی در اواخر دوران بلوغ باشد و لازم است به طور تخصصی مورد توجه قرار گیرد.

نظریه های مربوط به اعتماد به نفس

اعتماد به نفس یعنی رشد سالم احساس در مورد آنچه که هستیم. هیچ کس کامل نیست و آگاهی از محدودیت هایمان به ما کمک می کند تا در حین تلاش، آنگونه که واقعاً هستیم خود را بپذیریم. همان مقدار که احساس کاذب خوب بودن در مورد خود می تواند خطرناک باشد، احساس بی ارزشی یا عجیب و غریب بودن نیز می تواند خطرناک باشد. روند رشد کودکان AS و NLD همانند سفری پر مخاطره و مشکل است. آنها در مسیر این سفر فقط قسمتی از زبان، نقشه راه و بار سفر را به همراه دارند. شکل گیری اعتماد به نفس به واسطه آگاهی از موفقیت است، حتی اگر این موفقیت به کمک دیگران بدست آید. جای هیچ گونه سوالی در مورد نقایص متعددی که این کودکان با آن دست پنجه نرم می کنند، وجود ندارد، اما نقاط قوتی که به دست می آورند برای آنها و افرادی که با آنها کار می کنند با ارزش است. آنها در طول سفر به کمک و حمایت لازم برای پیدا کردن قسمت های گمشده نیاز دارند اما در نهایت باید این مسیر را بپیمایند.

○ فصل یازدهم

«آینده چه فواید شد؟»

در حالیکه این کتاب به پایان نزدیک می شود، برخی موضوعات دست نخورده و برخی ایده ها نا تمام باقی می ماند. به خاطر داشته باشید که ناتوانی یادگیری غیر کلامی تشخیص نسبتاً جدیدی است و به همین علت این ناتوانی یا تشخیص داده نمی شود و یا به غلط تشخیص داده می شود و حتی موضوعات ساده و روشن آن کاملاً اشتباه درک می شود. مسلماً هنوز ماهیت NLD به طرق مختلف تعریف می شود و همانطور که قبلاً گفته شد، این نام، به تنهایی درباره ی مشکلات واقعی که این افراد با آن روبرو هستند حق مطلب را ادا نمی نماید. در این کتاب، سندرم آسپرگر دارای نقاط مشترک با NLD در نظر گرفته شده است. گرچه معیار تشخیصی AS بر مبنای DSM-IV می باشد، اما هنوز AS به غلط تشخیص داده می شود و در زمینه تحقیق و برنامه ریزی، مشکلاتی ایجاد می نماید.

این کتاب فقط یک دیدگاه در مورد AS و NLD ارائه می دهد، درحالی که دیدگاه های دیگری هم وجود دارد. نتیجه ای که در اینجا ارائه می شود این است که علی رغم آنکه AS و NLD اختلالات جداگانه ای هستند، اما باید اختلالات مرتبط با هم در نظر گرفته شوند. نقص پردازش اطلاعات متداول در هر دو اختلال باعث می گردد، تا مهارت های سازماندهی، عملکرد اجرایی، یکپارچگی حسی و صلاحیت اجتماعی تحت تأثیر قرار گیرد. به نظرمی رسد این اختلالات مرتبط، به مداخلات و برنامه های آموزشی مشابه پاسخ دهند. ماهیت واقعی ارتباط بین این دو مقوله تشخیصی، مبهم است اما احتمالاً آنها در یک طیف قرار دارند و از طیف اختلالات اتیسم مجزا هستند. البته این تفکر باید ثابت شود، اما در شرایط فعلی اکثر افراد AS را جز اختلالات طیف اتیسم در نظر می گیرند و غالباً به کودکان AS برچسب اوتیستیک می زنند. در این کتاب، این تفکر در نظر گرفته شده است، اما مطالعات آینده می تواند آگاهی بهتری در این زمینه فراهم کند.

رویکردی بهتر از رویکرد " فقط رد شدن "

تا به امروز متخصصین برای کار با کودکان NLD و AS بر اطلاعات محدود موجود تکیه می کردند، که بعضی از این اطلاعات به شکل گزارشات غلط هستند. مبنای اطلاعات تجربی که بر اساس مشاهدات کارهای گذشته است برای پشتیبانی از ایده‌های صحیح، کافی نمی باشد و تا به امروز والدین، در زمینه مداخلات با یک رویکرد تصادفی، در زمینه مسائل مربوط به فرزندشان رها شده اند. اکثر والدین در ارتباط با نیازهای فرزندان خود در پی متخصصین ماهری هستند، تا کودک آنها بتواند به بالاترین ظرفیت دست یابد و موقعیت‌های بیشتری کسب کند. بر مبنای مطالعه ای در سال ۱۹۹۳ و در مقاله ای با عنوان «شیوع سندرم آسپرگر» که توسط الیس گیلبرگ^۱ (www.asperger.org2001) گزارش گردید، تخمین زده شده است شیوع AS، در ایالت متحده ۲/۶ نفر در هر ۱۰۰۰ نفر می باشد (July2000). رورکه در سال ۱۹۹۵ در مورد شیوع NLD گزارش داد که از هر ۱۰ نفر مبتلا به اختلال یادگیری، ۱ نفر دچار NLD می باشد. در مطالعه دیگر گزارش گردید ۲/۷ میلیون نفر در آمریکا به اختلال NLD مبتلا هستند. به عبارتی تقریباً ۳/۴ میلیون نفر در آمریکا به این اختلالات عصبی رفتاری مبتلا هستند. تشخیص و درمان باید برای متخصصین در امر سلامت ذهن و آموزش در اولویت باشد. مقاله جدید فیلیپ هیلتز^۲ در مجله New York times در سال ۲۰۰۱، گزارش آکادمی ملی علوم را منتشر کرد که در آن پیشنهاد شده بود، سیستم مدارس باید برای تشخیص اتیسم، از ۲ سالگی تلاش کنند. تشخیص زود هنگام منجر به افزایش تعداد کودکان شناسایی شده مبتلا به اختلال اتیسم و اختلالات مرتبط و نیازمند خدمات خاص در مدرسه، خواهد شد و در نتیجه شناسایی برنامه‌های درمانی موثر، مورد تأکید قرار خواهد گرفت. احتمالاً تعداد زیادی از کودکانی که به عنوان اتیستیک یا اختلالات مرتبط تشخیص داده می شوند، در حقیقت کودکان AS یا NLD هستند که برای اختلال آنها به خدمات خاص نیاز خواهد بود. با افزایش اطلاعات مربوط به NLD و AS تشخیص در آنها با دقت بیشتری انجام می شود و برنامه های مناسبی نیز طراحی می گردد.

گسترش برنامه های موثر

جایگاه برنامه و خدمات مرتبط برای کودکان AS و NLD در بهترین حالت بی ثبات و در بدترین حالت بی-تأثیر بوده است. موثر بودن برنامه مداخله بسیار حائز اهمیت می باشد. اگر بعضی از مداخلات به درستی عمل نکنند، ارزش ندارد که بخواهیم روی آنها حساب باز کنیم. این مسئله برای همه جنبه های آموزشی و

^۱ - Ehlers & Gillberg

^۲ - Philip Hiltz

درمانی مصداق دارد. شکست در درمان موثر کودکان NLD و AS می تواند مشکلات زیر را به دنبال داشته باشد:

- ۱- تشخیص ضعیف اختلالات. غالباً کودک درمان های مورد نیاز اعم از آموزش، گفتار درمانی، کار درمانی یا دارو درمانی مناسب را دریافت نمی کند.
- ۲- استفاده از خدمات اضافی به جای رویکرد برنامه ای جامع. رویکرد برنامه ای به این معنا است که برنامه تحصیلی باید بر اساس درک نیازهای خاص کودکان با نقایص پردازش اطلاعات باشد و باید کلاس های درس در زمینه مداخلات با برنامه کلی هماهنگ باشد. مداخلات درمانی نقایص پردازش اطلاعات باید سه حوزه اصلی زیر را مورد توجه قرار دهد:

- مهارت های سازماندهی و عملکرد اجرایی

- یکپارچگی حسی

- توانش اجتماعی

بعد از تأمل در مورد برنامه اصلی، ارائه خدمات به صورت یک بار در هفته و یا بیشتر، برای ایجاد هر تغییر مهم و اساسی باید فراهم گردد.

۳- فقدان ایجاد و استفاده از اصلاحاتی که در طول زمان تغییر یافته اند، به کودک اجازه می دهد تا در زمینه استقلال و خودکفایی رشد یابد. کودک NLD یا AS باید اصلاحات و تغییرات متفاوتی در پایه دوم راهنمایی نسبت به پایه پنجم داشته باشد و در دبیرستان باید به سمت اصلاحات و تغییرات کمتر و به سمت استفاده از تکنولوژی رشد نماید، تا بتواند به طور معقول وارد دنیای بزرگسالی شود. تکنولوژی کمک بسیار موثری برای این کودکان می باشد و استفاده غیر رسمی از تکنولوژی جدید باید مقدم بر برنامه های طراحی شده برای آنها باشد.

پیشرفت برنامه باید شامل نکات مطرح شده در فصل ۸ و پیوست ج (فهرست نیازهای کلاس) باشد. برنامه کودکان NLD و AS باید شامل تمرین مهارت های سازماندهی شده و آموزش استفاده از تکنولوژی به عنوان بخش اصلی برنامه باشد. استفاده از تکنولوژی تخته وایت برد هوشمند را که امکان انتقال مستقیم اطلاعات از تخته به لپ تاپ دانش آموز را فراهم می کند، به خاطر بیاورید. این تغییرات در کلاس، موجب کاهش نیاز به انجام چند تکلیف همزمان در موضوعات پیچیده تر می شود و منجر به درک بهتر و درگیری بیشتر در بحث های کلاسی می گردد.

یک برنامه مناسب باید یکپارچگی حسی و نیازهای بینایی-فضایی این کودکان را در نظر بگیرد، که شامل طراحی کلاس و در دسترس بودن ابزارهای متفاوت یکپارچگی حسی در کلاس و ایجاد ابزارهای

تحصیلی مناسب می باشد. معلمین و مدیران باید از نیازهای یکپارچگی حسی این دانش آموزان آگاه باشند و میز، صندلی، هدفون یا سایر موارد را برای دانش آموز فراهم کنند تا بتوانند وضعیت برانگیختگی را کنترل نمایند.

شرایط اجتماعی و درسی برنامه، باید تمرین مهارت های اجتماعی را نیز در برداشته باشد. تمرکز اصلی برنامه های مداخله ای این دانش آموزان باید مبتنی بر آموزش کاربرد شناختی زبان، قدرت مشاهده ی خود و توانایی تطبیق با دیدگاه سایر افراد باشد. به طور سنتی، کودکان NLD و AS در برنامه های آموزش کاربرد شناختی زبان که معمولاً در غالب گروه های کوچک توسط گفتار درمانگر اجرا می گردد، شرکت می نمایند. این گروه ها مشابه گروه های مهارت های اجتماعی هستند که توسط روانشناسان اداره می شوند و بر ایجاد توانایی کودک برای استفاده از زبان به شکل مناسب و ایجاد رفتارهای مورد مقبول اجتماعی متمرکز می باشند. هنگامی این کودکان موفق می شوند که در گروه های سطح بالا باشند، و در این گروه ها تجربه های با ارزشی کسب می کنند. همان طور که ذکر شد، اکثر متخصصین می دانند که مهارت هایی که در گروه خوب رشد می یابند، به خارج از گروه به آسانی تعمیم نمی یابد، و این مسئله برای مطالعات آینده بسیار حائز اهمیت است.

همانطور که در فصل ۱۰ بحث شد، بعضی موفقیت های مرتبط با موضوعات اجتماعی با استفاده از حیوانات به دست می آید (خصوصاً آموزش سگ) و این کار باعث رشد مهارت، در فهم سر نخ ها و پاسخ خود آگاهانه می شود. هدف از برنامه ی آموزش به سگ، آموزش دانش آموزان در قالب تکالیف مربوط به فهم و درک سگ ها، یادگیری نحوه پاسخگویی و نحوه ارائه پاداش مناسب و تربیت حیوانات می باشد. به این دلیل که کار در این زمینه مشکل است و اغلب برای دانش آموزان، معلمان و درمانگران آزار دهنده است، لذا تحقیقات بیشتر در زمینه مداخلات موفق در توانش اجتماعی مورد نیاز است.

مرکت پاندولی

به نظر می رسد طرز تلقی ها در مورد آموزش به طور عام و آموزش های ویژه به طور خاص از حرکتی شبیه به حرکت پاندولی تبعیت می کند. نه تنها تشخیص اختلالات برای مدتی مورد توجه قرار می گیرد و مدتی فراموش می شود، بلکه به نظر می رسد مفاهیم اصلی در آموزش نیز مدتی مطرح می شود و سپس از بین می رود. در ۱۵ سال گذشته روند کلی این حرکت، همانند پاندول از آموزش های ویژه به ایده های عمومی در نوسان بوده است. منظور از روند کلی تدریس، نیازهای خاص کودکان در جریان اصلی آموزش (تا حد امکان کلاس ها و آموزش معمول) است و این روند کلی برای گروهی از کودکان

که آموزش مناسب در زمینه آموزش های خاص به آنها ارائه نشده است، مفید می باشد. اما روند کلی کلاس های خاص و معلمین آموزش دیده برای تعداد زیادی از کودکان که برنامه های مورد نیاز آنها فراهم گردیده است، تاثیر کمتری دارد. مدارس با محدود کردن خدمات آموزش ویژه برای این دانش آموزان منفعت مالی بردند. اما برای کودکان AS و NLD روند معمول تدریس کافی نیست و تغییر در برنامه ی اصلی مورد نیاز است. آنها به انواع خاصی از ابزارها، دسترسی به رایانه، آموزش مخصوص و مستقیم برای عملکرد اجرایی، سازماندهی، زبان کاربرد شناختی و مهارت های اجتماعی نیاز دارند. آنها به تغییر تفکر نسبت به برنامه ی آموزش معمول در کلاس نیاز دارند.

فقدان خدمات مناسب و دانش عمومی در مورد کودکان AS و NLD منجر به شروع حرکت پاندول به عقب می شود. در طول سالهای اخیر، والدین در جستجوی خدمات مناسب جهت تقویت و رشد اطلاعات و علائق این کودکان، بوده اند. گاهی خدمات فراهم شده در زمره بهترین بهره برداری های کودک نبوده است. برای مثال استفاده از معلم کمکی در دوره تحصیلی مانع از افزایش استقلال و موفقیت تحصیلی کودک می گردد. برنامه مناسب باید دارای تغییراتی باشد که با افزایش سن، آموزش های مستقیم و استفاده از تکنولوژی منجر به خود کفایی کودک گردد. لذا باید تعادل را برقرار کرد و خدمات خاصی فراهم شود که نه از لحاظ تحصیلی و نه اجتماعی برای دانش آموز محدود کننده نباشد. متخصصین باید برنامه هایی که به طور دقیق مشکل این کودکان را مورد بررسی قرار می دهد فراهم نمایند. تحقیقات و سرمایه گذاری برای این برنامه ها بسیار ضروری است.

▪ تاثیر بر خانواده ها

یکی از سخت ترین موارد خواسته شده از خانواده ها در این کتاب، مجاز دانستن شکست برای کودکان AS و NLD است. افزایش تغییرات و محرکات، مانع از رشد طبیعی این کودکان می گردد. (از طریق نا امیدی و رنجی که هر روز در آنها بیشتر می شود). مسلماً برای والدین بسیار دشوار است که اجازه دهند کودک برای رشد در زمینه قدرت درونی، شکست بخورد، و در عین حال وی را از غرق شدن در مشکلات زندگی محافظت کنند. خانواده ها بار سنگینی برای یافتن این مسیر و تلاش برای پیمودن آن به بهترین شکل ممکن، بر دوش می کشند. جای هیچ شکی نیست که این کودکان به حمایت نیاز دارند به طوریکه آنها نمی توانند به تنهایی در مسیر زندگی بدون آموزش، تمرین و آمادگی حرکت کنند. این دیدگاه نشان می دهد که آموزش برای زندگی امری ضروری است و اغلب از آن چشم پوشی می شود. برای پذیرفتن اینکه این کودکان هرگز قادر نخواهند بود به تنهایی سوار اتوبوس شوند، و یا در

مصاحبه موفق شوند، باید گفت تنها تعداد اندکی از آنها قادر به انجام این کارها خواهند بود. اعضای خانواده، این کودکان را برای داشتن زندگی بی عیب و نقص حمایت می کنند. بخشی از آموزش مورد نیاز این کودکان که روزی بزرگسال خواهند شد، در زمانی انجام می شود که آنها از دیگران کمک می خواهند و یا در زمانی که می خواهند دیگران بدانند خودشان می توانند کارها را به تنهایی انجام دهند. کودکان NLD و AS نیاز به آموزش خاص در زمینه ناتوانی های خود دارند و باید در درمان به طور فعال شرکت کنند. همکاری مناسب و خوب با روان شناسان و روان پزشکان منجر به حمایت کافی در طول زمان خواهد شد. این ارتباطات می تواند در طول زندگی این افراد ادامه یابد و جایگزین توصیه های والدین برای انتقال از دوره جوانی به بزرگسالی باشد.

شرایط لازم برای خدمات آموزشی خاص

سیستم مدرسه نقش بسیار مهمی در موفقیت هر کودک دارد، و این امر برای کودکان NLD و AS نیز صدق می کند. اکثر کودکان NLD که شرایط دریافت خدمات خاص را دارند، کمتر از سطح ناتوانی خاص خود عمل می نمایند.

مدرسه باید خدمات آموزشی خاص را تأمین کند. NLD طبقه تشخیصی شناخته شده ای ندارد و تشخیص NLD به طور خود بخودی منجر به دریافت خدمات آموزش خاص نمی شود. با این وجود تعداد زیادی از کودکان NLD نیازمند خدمات تخصصی و اصلاح برنامه های آموزشی هستند. برای تعیین شرایط دریافت آموزش خاص لازم است بروی نواقص خاص یا ناتوانی یادگیری خاص تمرکز کنیم که شامل: زبان نوشتاری، ریاضیات یا رشد زبان کار بردی می شود و این کار به نوبه خود شامل تمایز بین مهارت های بالقوه (که به وسیله آزمون اندازه گیری می شود) و عملکرد های واقعی می باشد.

ارزیابی

گام اول در طراحی برنامه برای کودک NLD یا AS ارزیابی خوب است. با استفاده از نتایج ارزیابی، معلمین و مدیران اصلاحات مورد نیاز، آموزش و ابزارهای آموزشی مخصوص و خدمات بیشتر (از قبیل گفتاردرمانی، گروه های مهارت های اجتماعی و کاردرمانی) را فراهم می کنند. در این کتاب ایده ها و پیشنهاداتی در مورد برنامه ها ارائه شده است اما هیچ دو کودکی مثل هم نیستند و لازم است هر برنامه نیازهای منحصر به فرد خانواده و کودک را در نظر بگیرد.

انتقال به دوره بزرگسالی

گذر کودکان NLD و AS به دوره ی بزرگسالی به عنوان بخشی از زندگی، کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برنامه هایی برای خدمات مورد نیاز کودکان و نوجوانان طراحی شده است، ولی تقریباً هیچ گونه خدماتی برای بزرگسالان وجود ندارد. سیستم مدارس عالی (آموزش عالی در سطح فوق دیپلم) خدمات آموزشی مخصوص و مداوم (در آمریکا) را فقط تا سن ۲۲ سالگی ادامه می دهد و این راهی برای کمک به این افراد است. با این حال خدمات خاص بسیار کم می باشد. منابع اینترنتی مثل: NLDline.com, NLDontheweb.org اغلب بروشور، اتاق گفتگو و آدرس های اینترنتی را در اختیار قرار می دهد که باعث ایجاد ارتباط میان افراد NLD می شود و این سایت ها موارد مفیدی در اختیار آنها قرار می دهد. سایت OASIS.COM همین کار را برای کودکان AS انجام می دهد. تجربه و حس مشترک بین کودکان NLD و AS نشان می دهد که این کودکان به حمایت مداوم و طولانی مدت نیاز دارند و این کمک به منظور آماده شدن برای دوره ی بزرگسالی بسیار ضروری است.

■ تمقیقات آینده

NLD و AS ناتوانی هایی هستند که هر روزه خانواده های زیادی را تحت تاثیر قرار می دهند. تحقیق بر روی این اختلالات، در حال انجام می باشد و اگر قرار است برنامه موثری تهیه شود و ارزیابی های بهتری انجام گیرد باید تحقیقات ادامه یابد. متخصصینی که در حال تلاش برای تعریف این اختلالات هستند، باید عقاید و تجربیات خود را با یکدیگر در میان بگذارند. تا کنون بسیاری از ایده ها و امکانات و عقاید را پشت سر گذاشته ایم. تحقیقات آینده به ما اطلاعاتی می دهد تا به کمک آن ناتوانی ها را تعریف نماییم، کارها را بهبود بخشیم و شانس موفقیت کودکان AS, NLD را افزایش دهیم.

○ فصل دوازدهم

« منابع و طراحی برنامه »

کودکان AS و NLD نوعی گنجینه و دارایی با ارزشی برای خانواده ها و اجتماع محسوب می شوند. توان بالقوه آنها ناشناخته است و اغلب در نظام آموزشی سنتی به کار گرفته نمی شود. همانطور که در این کتاب دیدیم، این کودکان برای غلبه بر محدودیت های حاصل از ناتوانی ویژه، نیازمند برنامه ریزی خاص هستند. کودکان AS و NLD در زندگی روزمره خود به مداخله نیاز خواهند داشت. برنامه ریزی باید شامل نوعی چشم انداز گسترده از چگونگی حرکت کودک به سمت کارایی بیشتر و دوری از درماندگی و تعریف از خود به عنوان فردی بی کفایت یا بی ارزش باشد.

دانش اولین گام است

دانش افراد را قوی می سازد و اولین گام مورد نیاز برای خانواده ها و متخصصین کودک، کسب دانش در مورد AS و NLD می باشد. خانواده ها باید به همه ی اطلاعات مورد نیاز دست یابند. متخصصین باید در زمینه ی مداخله و تامین خدمات برای این کودکان آموزش ببینند. کودکان باید اختلال خود را بشناسند زیرا باید بدانند اختلال آنها، راز مبهمی نیست و آنها مرموز و جادویی نیستند و کودکان زیادی مشابه آنها هستند.

▪ سنجش و ارزیابی

همانطوریکه، در سر تاسر این کتاب ذکر شده و بطور خلاصه در پیوست «الف» آمده است، ارزیابی کامل و کارآمد، جهت طراحی برنامه ای دقیق و مناسب، ضروری است. برنامه ای که نتیجه آن در بر گیرنده موارد زیر است :

- تغییرات آموزشی
- آموزش زبان کاربردی
- کار درمانی
- آموزش مهارت های اجتماعی

- همچنین بسیاری از کودکان NLD یا AS به دارو و درمان و کار مداوم با روانشناس و روانپزشک نیاز خواهند داشت.

برنامه آموزشی

کودکان مدرسه رو قسمت اعظم زمان بیداری خود را در مدرسه می گذرانند و کمتر در خانه و با والدینشان می باشند، لذا ارائه برنامه مناسب در مدرسه بسیار مهم است. کودکانی که توسط پزشک یا روانشناس به عنوان AS تشخیص داده می شوند، برای گرفتن خدمات آموزش ویژه اولیه واجد شرایط می باشند و نیاز به طرح آموزش انفرادی در مرحله اولیه دوره های تحصیلی دارند. این مسئله تنها برای کودکان NLD لازم نیست. گروه آموزشی اداره آموزش استثنایی و خدمات توانبخشی، ۱۲ گروه از آموزش ویژه برای: ناتوانی های یادگیری ویژه، آسیب گفتار و زبان، سایر آسیب های سلامتی، و اتیسم را فهرست می کند. هر مدرسه جهت اجرای برنامه آموزش ویژه و فراهم نمودن خدمات مسئول است و اهداف توصیف شده در IEP^۱ دانش آموز را بر آورده می کند. تصمیم گیری و توسعه اهداف برای دانش آموز درباره ترتیب برنامه ها در جلسه IEP، با حضور والدین، کارمندان مدرسه و هر فردی که توسط والدین دعوت شده است انجام می شود. سودمند بودن IEP توسط هر شخصی که در آن مشارکت می کند، تعیین می شود و به همین خاطر، مهم است که والدین، افراد حرفه ای با دانش مربوطه را در گروه خود داشته باشند. والدین حق دارند که هر فردی را که مناسب می دانند، در گروه IEP داشته باشند و آنها نیز می توانند در اهداف IEP مد نظر خود حضور یابند. ارزیابی خوب به افرادی که این اهداف را تعیین می کنند، کمک می کند.

وجود وکلا یا سایر متخصصین حامی والدین، جهت تنظیم مکتوب کار برای کودکان NLD و AS مناسب و ضروری می باشد. بسیاری از مدارس دولتی و مدارس خصوصی درباره NLD و AS آگاهی بسیار کمی دارند و به اطلاعات لازم جهت توسعه برنامه های مناسب نیاز خواهند داشت. اگر مدرسه دولتی قادر به مهیا کردن محیط آموزشی مورد نیاز کودک نیست، والدین باید خدمات خصوصی مناسب برای کودک را جستجو کنند.

سایت های اینترنتی

سایت های اینترنتی زیر اطلاعات و منابعی دارند که می توانند برای والدین و متخصصین علاقه مند در زمینه مطالعه درباره NLD و AS بسیار مفید باشد.

1 - individual education plan (IEP)

برای ناتوانیهای یادگیری غیر کلامی، دو سایت زیر بسیار عالی هستند. انجمن ناتوانی یادگیری غیر کلامی (NLDa) یک سازمان ملی است که اطلاعات و حمایت لازم را برای افراد NLD و خانواده های آنها ارائه می دهد و می توانید از طریق

www.NLDline.com -

WWW.NLDontheweb.org -

با آن در تماس باشید.

برای سندرم آسپرگر و موضوعات مرتبط، سایت های زیر، شروع مناسبی می باشد. این سایت ها اطلاعات جامعی را ارائه می دهد و به دیگر منابع اطلاعاتی متصل می شود:

- حمایت و اطلاعات مورد نیاز در زمینه سندرم آسپرگر بصورت آنلاین: (O.A.S.I.S):

www.udel.edu/bkirby/asperger

- تیم مطالعاتی کودکان دانشگاه یل:

www.info.med.yale.edu/chldstdy/autism/index.html

- شبکه آموزشی سندرم آسپرگر (ASPEN): www.aspennj.org

- اتحادیه سندرم آسپرگر آمریکا (ASC-US): www.asperger.org

▪ سایر منابع مناسب برای والدین

- **مربیان.** افراد حرفه ای مجوز دار که در این زمینه مدرک دارند را به عنوان مربی انتخاب کنید.

افرادی که درباره موضوعات زندگی و مهارت های سازماندهی تجربه دارند.

- **معلمان خصوصی و درمانگران آموزشی.** مدارس دولتی یا افراد حرفه ای که با

دانش آموزان NLD و AS کار می کنند، ممکن است فهرستی از این افراد را داشته باشند. معلمان

خصوصی می توانند برای کمک به پیروزی در «مبارزه با تکالیف منزل» بسیار مفید باشند. معلمان

خصوصی باید افراد مجرب دارای مدرک باشند، بعضی از آنها معلمان تحصیل کرده ای هستند که در

ناتوانی های یادگیری تخصص یافته اند و می توانند در موضوعات خاص (ریاضی، نوشتن) یا به طور

کل در زمینه سازماندهی کار کنند. سایر معلمان می توانند دانش آموزان دبیرستانی یا دانشجویان یا

بزرگسالان علاقه مند در جامعه باشند، این افراد آموزش خاص ندیده اند، ولی می توانند به عنوان معلم

برای کودکان AS و NLD مفید باشند. اما والدین باید محدودیت آنها را در نظر داشته باشند.

اگر طراحی برنامه و کار با مدرسه مورد نظر والدین باشد، یافتن معلم تحصیل کرده یا درمانگر آموزشی،

انتخاب بهتری است. درمانگران آموزشی افراد مجرب دارای مدرک با طی ساعت ها کار آموزش ویژه

هستند. آنها می توانند در رشد برنامه و کار فردی با کودک، بسیار ارزشمند باشند. همچنین آنها می توانند موارد آموزش داده شده در مدرسه را تقویت کرده و به عنوان مدیر انفرادی برای کودک کار کنند و بر کار کودک نظارت داشته باشند و به والدینی که آموزش ندیده اند، کمک کنند که نیازهای کودکان خود را درک نمایند.

- **وکیل مدافع.** افرادی هستند که در آموزش قوانین خاص تخصص دارند و با خانواده ها در زمینه گسترش طرح های آموزشی انفرادی (IEP) مناسب کار می کنند. در بعضی مواقع وکیل مدافع و افرادی که وکیل نیستند، این نقش را به عهده می گیرند.

- **گفتاردرمانگران.** هر طرح و برنامه ای برای کودک NLD یا AS، اگر فاقد ارزیابی مناسب توسط گفتار درمان باشد، جزء مهمی را از دست خواهد داد. گفتار درمانگران غالباً افراد متخصصی هستند که مستقیماً درگیر کار بر روی رشد زبان کاربردی این کودکان می باشند.

- **کاردرمانگران.** این افراد حرفه ای، اعضای ضروری گروه برنامه ریزی برای کودک AS یا NLD می باشند. انجام ارزیابی توسط کاردرمان واجد شرایط برای تمام کودکان AS و NLD ضروری می باشد.

باید همیشه فرد مجربی که شما علاقه مند به کار با وی هستید را به دقت بررسی کنید و مطمئن گردید که آن فرد مجوز آموزش و تجربه دارد. هر متخصص باید اطلاعاتی به والدین درباره آموزش، تجربه و مجوز خود ارائه دهد. اگر چه به دلیل محرمانه بودن اطلاعات ممکن است از اعلام نام مراجعین قبلی خود، خودداری کند. باید بتوانیم از سایر افراد با تجربه در جامعه، مانند: پزشکان، معلمان یا سایر درمانگران اطلاعات را به دست آوریم.

❖ بخش چهارم

پیوست ها

الف	تشخیص NLD
ب	معیار تشخیص سندرم آسپرگر از کتاب DSM -IV
ج	فهرست مورد نیاز برای کلاس درس
د	فعالیت های مناسب برای کودکان اختلال یادگیری غیر کلامی
ه	نقایص پردازش اطلاعات

○ پیوست «الف»

«تشخیص NLD»

با وجود این که معیارهای تشخیصی و استاندارد برای NLD وجود ندارد، اخیراً این معیار در کتابچه‌ی راهنمای آماری و تشخیص، ویرایش چهارم مطرح شده است (در قسمت AS). ارزیابی کودک NLD شامل تاریخچه‌گیری، مصاحبه، ارجاع کودک برای آزمون و سایر ارزیابی‌ها می‌باشد. ارزیابی صحیح و مناسب نقاط قوت و ضعف را به صورت مکتوب گزارش می‌نماید.

۱- مصاحبه با کودک و والدین. روانشناس بالینی، روان پزشک یا متخصص مشکلات رفتاری کودکان، این مصاحبه را هدایت کرده و تاریخچه و عملکردهای فعلی کودک را مرور می‌کند.

۲- ارزیابی رسمی توسط روانشناس یا عصب روان شناس. مطمئن شوید که آزمونگر تجربه کافی در زمینه آزمون‌های زیر دارد و سابقه ارزیابی کودکان NLD و یا آسپرگر را نیز داشته باشد.

آزمون‌های زیر توصیه می‌شود:

- آزمون هوش و کسلر کودکان (WISC-III) (سن ۶ تا ۱۶ سال). این آزمون، آزمون جامع هوش است که ۱۱ خرده آزمون دارد و هر یک زمینه‌ی خاصی را ثبت می‌کند. نمرات این خرده آزمون‌ها نسبت به نمره‌ی کلی IQ برای تشخیص، بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. نمرات خرده آزمون‌ها از ۲ تا ۱۹ با میانگین ۱۰ مرتب شده‌اند. این آزمون سه نوع نمره‌ی IQ ارائه می‌دهد: کلامی، عملی و کلی (که در واقع میانگین ۲ نمره‌ی دیگر است). IQ بین ۹۰ تا ۱۱۰ متوسط در نظر گرفته می‌شود. انتظار می‌رود بیش از ۱۲ نمره تفاوت بین IQ کلامی و عملی وجود نداشته باشد در نتیجه نمره‌ها نسبتاً مشابه هم می‌باشد. اغلب دانش آموزان NLD تفاوت بسیار زیادی در این نمره‌ها نشان می‌دهند، به طوری که IQ کلامی ۲۰ نمره بیشتر از IQ عملی است (گفته می‌شود IQ کلامی ۱۲۰ و IQ عملی ۹۵ است). خرده آزمون‌های علایق خاص برای تشخیص NLD (Rourke 1998) شامل: سازماندهی بینایی-فضایی (جفت کردن اشیاء، طراحی مکعب و رمز گذاری)، توسط Rourke گزارش نشده اما به نظر می‌رسد که رمز گذاری به طور مشخص در دانش آموزان NLD پایین باشد، درک شنیداری (حافظه عددی) و مهارت‌های زبانی، درک کلی زبان (درک واژگان و تشبیهات) را شامل می‌شود.

- K-ABC (Kaufman) (فقط سن ۵ تا ۱۱ سال). این آزمون اطلاعات با ارزشی در مقایسه با WISC-III ارائه می دهد و اطلاعاتی در مورد نحوه یادگیری و عملکرد غیر کلامی پیشنهاد می دهد.
- این آزمون معمولاً انجام نمی شود، اما ابزار بسیار خوبی جهت ارزیابی جامع است.
- معیار رفتار سازشی واینلند^۱
- تست شخصیت برای کودکان
- آزمون اشکال پیچیده Rey-Osterith
- آزمون طبقه بندی
- آزمون حافظه جمله
- دنبال کردن نقاط و حروف (اشکال A و B)^۲
- خرده آزمون هایی از ابزارهای ارزیابی عصب روان شناختی، از قبیل Halstead Reitan: فرم تشخیص حس لامسه، نوشتن عدد با نوک انگشت، قدرت چنگ زدن، آزمون هدف گیری.
- ۳-ارزیابی آموزشی. این کار توسط آموزش و پرورش منطقه انجام می پذیرد، اگر مدرسه برای ارزیابی سطح آموزش کودکان صلاحیت ندارد، باید به دنبال متخصص آموزشی یا مشاور تحصیلی باشید. علاوه بر تمامی آزمون های لیست شده، اجرای یکی از دو آزمونی که با علامت ستاره در قسمت پایین مشخص شده اند الزامی است.
- WIAT^۳*
- Woodcock Johnson*
- WRAT^۴
- نمونه نوشتاری - شامل جملات و پاراگراف ها برای ارزیابی سطح زبان نوشتاری
- TOWL^۵: آزمون زبان نوشتاری
- ۴-ارزیابی گفتاردرمانی. برای این ارزیابی باید به یک متخصص گفتار و زبان با صلاحیت مراجعه نمود.
- تمرکز ارزیابی گفتاردرمانی باید بر روی زبان کاربردی باشد که شامل آزمون هایی از قبیل CASL^۶،

1 Vineland

2 -Trail Making

3 - Wechsler Individual achievement test

4 -Wide Range achievement Test

5- Test of Written Language

6 -Comprehensive Assessment of spoken Language

آزمون زبان کاربردی (TOPL)^۱ و نمونه زبانی در جلسات مختلف که شامل، کودک با بزرگسال و کودک با هم سن و سالان می شود. نمونه زبانی که توسط درمانگر گفتار و زبان ارزیابی می شود، ابزار بسیار با ارزشی است. استفاده از چک لیست مربوط به زبان کاربردی ابزار مهمی برای ارزیابی سطح عملکرد کودک می باشد.

۵- ارزیابی کاردرمانی. این ارزیابی باید توسط کاردرمان با صلاحیت در زمینه یکپارچگی حسی، توانایی های ادراکی، مهارت های حرکتی و تعادل انجام شود. پیشنهادات لازم برای مدارس و منزل شامل تمرینات وضعیتی و شیوه استفاده از میز و صندلی توسط کودکان باشد.

۶- سطح مهارت های اجتماعی و غیر کلامی: روانشناس با تجربه در زمینه ی تربیت مهارت اجتماعی می تواند سطح عملکردی مهارت های اجتماعی کودک را ارزیابی کند. آزمون^۲ DANVA (تجزیه و تحلیل شناختی صحت رفتار غیر کلامی، تهیه شده توسط نوویکی) برای ارزیابی توانایی درک و ارسال پیام های غیر کلامی ساخته شده است. این آزمون تقریباً جدید است و تعداد محدودی از متخصصین با آن آشنا هستند. اما در ارزیابی کلی، ارزش آن ثابت شده است.

1 - Test of pragmatic Language

2- Diagnostic Analysis of Nonverbal accuracy Nowicki

○ پیوست «ب»

« معیار (تشخیص سندرم آسپرگر) (از کتاب DSM-IV) »

الف) آسیب کیفی در تعامل اجتماعی، که حداقل توسط ۲ مورد از موارد زیر آشکار می شود:

- ۱- آسیب مشخص در استفاده از رفتار های غیر کلامی چند گانه همچون، چشم دوختن به نگاه طرف مقابل، حالات چهره ای، وضعیت های بدن، و اشارات جهت تنظیم تعامل اجتماعی.
- ۲- شکست در گسترش ارتباطات با هم سالان متناسب با سطح رشدی.
- ۳- فقدان جستجوی خود انگیزه جهت سهم شدن در لذت، علایق یا موفقیت های دیگران (برای مثال، فقدان نشان دادن، آوردن یا اشاره کردن به اشیاء مورد علاقه برای دیگران)
- ۴- فقدان رابطه ی متقابل احساسی یا اجتماعی.

ب) الگوهای کلیشه ای و تکراری محدود شده در مورد رفتارها، علایق و فعالیت ها که توسط حداقل یکی از موارد زیر، ظاهر می شود:

- ۱- اشتغال فکری با یک و یا تعداد بیشتری از الگو های مورد علاقه کلیشه ای و محدود شده، که از نظر شدت یا تمرکز غیر طبیعی هستند.
- ۲- وابستگی آشکار و انعطاف ناپذیر به اعمال عادی روزمره یا تشریفات غیر عملکردی و خاص.
- ۳- ادا و اطوارهای حرکتی تکراری و کلیشه ای (ضربه زدن یا پیچ دادن انگشت یا دست یا حرکات سخت در کل بدن).
- ۴- اشتغال فکر مداوم با اجزا یا اشیاء.

ج) این اختلال از نظر بالینی آسیب قابل توجهی در زمینه های اجتماعی، شغلی یا سایر حوزه های مهم عملکردی ایجاد می کند.

د) از نظر بالینی، هیچ گونه تاخیر عمومی مشخص در زبان و جود ندارد (تک کلمات تا ۲ سالگی و عبارات ارتباطی تا ۳ سالگی مورد استفاده قرار می گیرند).

هـ) از نظر بالینی، در دوران کودکی هیچ گونه تاخیر مشخص در رشد شناختی و یا رشد مهارت‌های خودیاری متناسب با سن، رفتار سازشی (بیش از تعاملات اجتماعی) و حس کنجکاوی در باره محیط اطراف، وجود ندارد .

و) هیچ معیاری برای هر گونه اختلال نافذ رشد دیگر یا اسکیزوفرنی وجود ندارد .

○ پیوست «ج»

« فهرست مورد نیاز برای کلاس درس »

موضوعات و محیط «ایده آل» کلاس درس برای دانش آموز مقطع ابتدایی AS یا NLD، در زیر آمده است
این موارد به ترتیب اهمیت بیان نشده اند .

- معلم باید با ذوق بوده و ذهن باز و حس شوخ طبعی داشته باشد و علاقمند به یادگیری اطلاعاتی درباره دانش آموزان AS و NLD باشد.

- نسبت دانش آموز به معلم، حداقل در موضوعات اصلی آموزش بیشتر از ۱۲ به ۱ نباشد.

- کلاس مناسب باید حس مهربانی و تحمل تفاوت‌ها را ترغیب نماید، اما پس از رخداد مشکلات مربوط به تعاملات اجتماعی بلافاصله پذیرای برخورد با آن باشد .

- کلاس باید از نظر فیزیکی (لوازم زیاد در اتاق کوچک قرار داده نشود) و بینایی (تابلوهای اعلانات، وایت برد و سایر زمینه های آموزشی اطلاعات ساده و واضح داشته باشد) مرتب، تمیز و فاقد آشفتگی باشد.

- برنامه ی کلاس ثابت بماند و به دیوار چسبانیده شود. بدون مشاهده پیشرفت کودک، برنامه ی روزانه کلاس تغییر داده نشود.

- معلم باید برنامه ها و کارها را عادی دنبال کند و بسیار سازمان یافته و قابل پیش بینی باشد.

- قوانین کلاس واضح و ثابت بماند و نتایج قابل پیش بینی باشد.

- هدفون در دسترس دانش آموزان قرار بگیرد تا در صورت نیاز به موسیقی گوش دهند .

- در صورت نیاز به آب خوردن یا رفتن به دستشویی ، به دانش آموز اجازه داده شود .

- سری دوم کتاب های درسی جهت تسهیل در یادآوری انتقال موارد مورد نیاز از خانه به مدرسه در خانه وجود داشته باشد.

- از تکنولوژی های در دسترس، جهت محدود کردن نوشتن با دست، تسهیل انتقال تکالیف از خانه به مدرسه (با استفاده از پست الکترونیکی یا سیستم های شبکه ای در کلاس) در جهت کمک به

یادآوری تکالیف درسی، استفاده شود. دسترسی از طریق اینترنت به معلم و تکالیف کلاس، امکان پذیر باشد.

- در تکالیف کلاسی از سر نخ های شنیداری به اندازه سر نخ های بینایی استفاده شود.

- برگه های تکالیف از نظر بینایی حواس پرت کن نباشد.

- مثال هایی از شکل پایان یافته تکالیف برای دانش آموزان فراهم شود تا قبل از انجام تکالیف، این مثال ها را مرور کنند.

- نقاط آغازین و پایانی تکالیف باید واضح باشد، این کار به دانش آموزان کمک می نماید تا در زمینه خواندن یا ارائه مطلب در کلاس موفق تر عمل کنند.

- روش آموزش معلم باید به گونه ای باشد که ایده اصلی را توضیح دهد و سپس چند مرتبه مرور کند.

- تکالیف باید فاقد مطالب اضافی باشد.

- برنامه های آموزشی باید به گونه ای باشد که فقط مفاهیم را آموزش ندهد، بلکه فرآیند یادگیری را آموزش دهد. همچنین، باید به کودک اجازه داد تا درباره حوزه های مورد علاقه خود آموزش ببیند.

- باید برنامه های آموزشی که شامل تربیت مهارت اجتماعی می شود، به عنوان بخشی از طرح آموزش کلی باشد، نه فقط بعنوان یک برنامه فرعی در هفته یک یا دو مرتبه ارائه شود.

- زنگ تفریح، تحت نظارت کافی بزرگسالان باشد و کودک در طی آن به فعالیت های نظارت یافته و بازی های غیر رقابتی دسترسی داشته باشد.

- استفاده از تکنولوژی به عنوان ابزار ثانویه که احتمالاً توسط کارکنان نیز شناخته شده نمی باشد، مطرح نگردد بلکه با کل برنامه آموزشی تلفیق داده شود.

- آموزگار به استفاده از تکنولوژی در کلاس درس علاقه مند باشد.

- برنامه آموزشی رقابتی، مورد استفاده قرار گیرد.

- برای معلمان و کارکنان جهت بازبینی نیازهای آموزشی و رفتاری دانش آموزان AS و NLD

جلسات مشاوره منظم ترتیب داده شود (این مشاوره برای تمامی دانش آموزان، اهمیت خواهد داشت).

○ پیوست «د»

« فعالیت های مناسب برای کودکان NLD »

هنرهای رزمی. مدارس مختلف هنرهای رزمی، نظم شخصی و موفقیت فردی (نه موفقیت گروهی) را آموزش می دهند. قوانین در این رشته ها ثابت هستند و تمرینات، شیوه مناسبی برای نیرومند ساختن این کودکان دارد.

شنا کردن. ورزشی گروهی است اما در اکثر مواقع، شناگران تنها با خود و رکوردهای پیشین خود، رقابت می کنند. آب، تا حدی حس دست و پا چلفتی بودن بعضی از کودکان NLD و AS را تسکین می دهد. **نکته احتیاطی:** برای بعضی از کودکان «حس» قرار گرفتن در آب، یک تجربه حسی آشفته کننده است. در معرض قرار گرفتن زود هنگام و دسترسی مکرر به استخر، به کاهش این مشکل کمک می کند. هرگز کودک را با اجبار وارد آب نکنید. اضطرابی که ایجاد می شود، مزایای شنا کردن را از بین می برد. تشویق و آب بازی جو مثبتی ایجاد می کند و علاقه کودک به شنا کردن را افزایش می دهد.

گروه های پیشاهنگی دختران (و پسران). گروه های پیشاهنگی در ایجاد تفاوت های فردی موثر می باشد، همکاری را آموزش می دهد و با نظارت تجربیات بسیار شگفت انگیزی ایجاد می کنند. گروه را به دقت انتخاب کنید. در جستجوی گروه کوچک با مربیان با تجربه و ماهر باشید. برای بچه های کم سن و سال شاید لازم باشد تا یکی از والدین در فعالیت ها شرکت کند. اگر موقعیت اجتماعی برای کودک طاقت فرسا است، این گروه ها برای کودک مناسب می باشد. مزایای این گروه ها به مربی و توانایی کودک جهت پذیرش تفاوت ها و سازگاری با محیط بستگی دارد. این گروه ها مزایای زیادی دارند و تجربیات به دست آمده می تواند به رشد انعطاف پذیری کودک NLD یا آسپرگر کمک نماید.

انجمن^۱ 4-H و سایر انجمن های مشابه. در جستجوی گروه هایی باشید که طرح های انفرادی و گروهی دارند و پیرامون موضوع یا فعالیت مورد علاقه کودک سازماندهی شده اند. بسیاری از کودکان NLD و آسپرگر علاقه وافری به حیوانات دارند و این علاقه مندی غالباً، ابزار شگفت انگیزی برای دستیابی

۱- انجمنی در آمریکا است که برای کودکان ۵-۱۹ سال در زمینه، نحوه مهارت های زندگی، فعالیت می کند و 4H از چهار کلمه Heart-

Head-Hand-Health گرفته شده است.

به فعالیت های خارج از منزل است. سایر کودکان ، موسیقی یا تاریخ، شطرنج و نقش بازی کردن را، ترجیح می دهند. اگر شما والدین یکی از این کودکان هستید، در علایق کودکان شریک شوید.

بازی بولینگ. این بازی یک فعالیت تفریحی است و به دلیل آنکه ماهیت بینایی- فضایی دارد، برای بسیاری از کودکان NLD و آسپرگر لذت بخش است.

فعالیت های کتابخانه و موقعیت های داوطلبانه، در بسیاری از جوامع، کتابخانه ها فهرستی از فعالیت ها را برای کودکان دبستانی ارائه می دهند. فعالیتهایی که لذت بخش و آرام هستند و کودک در یک مکان لذت بخش در معرض اطلاعات قرار می گیرد. علاقه کودکان بزرگتر و نوجوانان به اطلاعات را از طریق ایجاد فرصت های داوطلبانه یا فعال ، می توان افزایش داد.

حیوان اهلی یا سازمان های حیات وحش . حیوانات غالباً یک رابطه بی طرفانه برای این کودکان بوجود می آورند. بسیاری از سگ ها خطاهای اجتماعی انسان ها را متوجه نمی شوند و از توجه افراد خوشحال می شوند. گاهی اوقات گروه های نجات حیوانات اهلی یا سازمان های حیات وحش، فعالیت ها ، کلاس ها و فرصت های آموزشی جالبی فراهم می کنند. آموزش های ارائه شده در این سازمان ها به ایجاد مشاغل برای نوجوانان آماده منجر می شود.

○ پیوست «ه»

«نقایص پردازش اطلاعات»

نقایص پردازش اطلاعات، سه حوزه مهم اختلال در ناتوانی یادگیری غیر کلامی و سندرم آسپرگر را تحت تاثیر قرار میدهد. اطلاعات موجود بر اساس کار با کودکان NLD است. احتمالاً کودکان AS نیز به طور مشابه تحت تاثیر قرار گرفته اند. لازم به ذکر است تمام جنبه های این نقایص تاثیر یکسانی بر روی تمام کودکان نمی گذارد. مشکلاتی که ناشی از نقایص پردازش اطلاعات هستند، بصورت به هم پیوسته ظاهر می شود و ترکیب آنها اختلال NLD را ایجاد می کند.

▪ مهارت های سازماندهی و عملکرد اجرایی

۱- سازماندهی

- مشکلات در موقعیت های جدید و یادگیری
- سرعت کند پردازش
- تفکر انعطاف ناپذیر
- برداشت عینی
- کمال گرایی
- تمرکز بر جزئیات غلط
- مشکل با تفکر «اگر - بعد»

۲- یکپارچگی

- تحمل ناامیدی را ندارند: به آسانی تسلیم می شوند.
- محصول کار آنها محدود است: بایک کار سنگین مستأصل می شوند.
- در تهیه مواردی که به نوشتن نیاز دارد با مشکل روبرو هستند.
- در هنگام کار، انعطاف ناپذیر و کمال گرا هستند.

- به سادگی در خود فرو می روند : اغلب از لحاظ احساسی زود نا امید می شوند.

۳- تولید

- در درک ایده اصلی دچار شکست می شوند .
- احتمالاً تمام جزئیات را بطور یکسان مهم تلقی می کنند .
- در درک و استفاده از استعاره و قیاس ضعیف هستند.
- در درک مفاهیم ضمنی مشکل دارند.
- تکیه بر روی الگوی یادگیری دارند و مفهوم را از دست می دهند .
- شیوه گام به گام و ترتیبی را در یادگیری ترجیح می دهند و غالباً مفهوم کلی را از دست می دهند. .

نقص بینایی - فضایی و یکپارچگی حسی - حرکتی

- دست و پا چلفتی هستند .
- برای آشنایی با جهان، از زبان به جای فعالیت جسمانی استفاده می کنند.
- هماهنگی چشم و دست ضعیفی دارند .
- در بازشناسی چهره مشکل دارد ، در نتیجه، در فهم موقعیت های اجتماعی با مشکل روبرو می شود .
- تماس چشمی آنها غالباً ضعیف است.
- در وضعیت بدن مشکل دارند مانند: به زحمت راه رفتن، تن عضلانی ضعیف.
- اختلال در نوشتن دارند (مشکل دست خط دارند).
- سردرگمی در جهات دارند
- در حفظ حالت هشپاری مشکل دارند (توجه).
- از حدود بدن خود آگاهی ندارند.
- حساسیت های شنیداری و لامسه دارند.

نقایص مهارت های اجتماعی

- در نوشتن و تعامل با شنونده مشکل دارند.
- در فهم دیدگاه سایرین مشکل دارند.

- غالباً در مفهوم سازی گفته های خود شکست می خورند. علاقه یا درک شنوندگان را در نظر نمی گیرند.
- آراستگی ضعیف یا پراکنده دارند.
- به سختی در گفتگو وارد و یا از آن خارج می شوند.
- انعطاف ناپذیری شناختی و رفتاری دارند.
- یکپارچگی ضعیف در سطوح چندگانه زمینه های اطلاعاتی مورد نیاز در شرایط اجتماعی دارند.
- در پیش بینی نتایج، که در آینده چه چیزی رخ می دهد مشکل دارند.
- مشکل در کنترل اضطراب دارند.
- هیچ تفکری در مورد احساس دیگران ندارند.
- در رابطه با زمان مشکل دارند.
- با موقعیت های جدید مشکل دارند.
- قادر به پیش بینی نتایج نیستند، در نتیجه تمام تعاملات برای وی تجربیات تازه ای هستند.
- دامنه محدودی از احساسات را تجربه می کنند.
- در داد و ستدهای اجتماعی مشکل دارند.
- در درک نکات ظریف و دقیق، ضعیف هستند.